



برگزیده از دائرة المعارف احادیث نبوی



الموسوعة الاحاديث النبوية

دري | فارسی دری

ح) جمعية خدمة المحتوى الإسلامي باللغات ، ١٤٤٦ هـ

جمعية خدمة المحتوى الإسلامي باللغات
المنتقى من موسوعة الأحاديث النبوية - دري. / جمعية خدمة
المحتوى الإسلامي باللغات - ط١. - الرياض ، ١٤٤٦ هـ
٣٥٠ ص ؛ ..سم

رقم الإيداع: ١٤٤٦/١٦٥٠٨
ردمك: ٩٧٨-٦٠٣-٨٥٢٤-٩٣-٠

شركاء التنفيذ:



دار الإسلام جمعية الربرة رواد الترجمة المحتوى الإسلامي

يتاح طباعة هذا الإصدار ونشره بأي وسيلة مع
الالتزام بالإشارة إلى المصدر وعدم التغير في النص.



Tel: +966 50 244 7000



info@islamiccontent.org



Riyadh 13245- 2836



www.islamhouse.com

الْمُنْتَثِقَى

مِنْ

مُوسَى عَزَّاجِ الْإِسْلَامِ النَّبِيِّ

اللغة البرية

إعداد القسم العلمي

جمعية خدمة المحتوى
الإسلامي باللغات



جمعية الدعوة
وتوعية الجاليات بالربوة



بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله وسلم على نبينا محمد، وعلى آله وصحبه أجمعين، ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين، أما بعد:

بزرگترین چیزی که مسلمان باید به آن توجه کند؛ خواندن، تأمل، تدبر، و آموزش و عمل - بعد از کتاب الله - به سنت رسول الله صلى الله عليه وسلم است. رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: «تَرَكْتُ فِيكُمْ أَيْهَا النَّاسُ، مَا إِنْ اعْتَصَمْتُمْ بِهِ، فَلَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا: كتاب الله، وسُنَّة نبيِّه» (ای مردم! در میان شما چیزی را گذاشتم، اگر به آن چنگ بزنید، هرگز گمراه نخواهید شد: که آن کتاب الله و سنت پیامبرش است. روایت امام مالک).

الله متعال فرموده است:

{وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا}

و آنچه که رسول الله به شما داد، بگیرید و از آنچه که شما را از آن نهی کرد اجتناب کنید. [الحشر: ۷].

از این رو، انجمن خدمات محتوای اسلامی برای زبان ها و انجمن دعوت و توعیه ی جالیات در ربوه تلاش ورزیدند، تا دایره المعارف احادیث نبوی را تهیه و آن را به شماری از زبان ها ترجمه نمایند.

الله تبارک و تعالی گزینش مجموعه ی از این دائرة المعارف را که مسلمان در امور دین و دنیای شان به آن نیاز دارند، همراه با شرح مختصری از آن، و توضیح معانی، دلالت ها، و برخی از فواید و چاپ آن را فراهم نمود، در این کتاب زیر نام: "برگزیده ی از دائرة المعارف احادیث نبوی" و ترجمه ی آن به تمام زبان های زنده دنیا جهت عام ساختن فایده از محتوای آن، و ابلاغ سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم برای تمام بشریت و به زبان های خودشان میسر ساخت.

از الله متعال خواستاریم که این عمل را پذیرفته و آن را با برکت و خالصانه برای خودش قرار دهد، و نیز برای تمام کسانی که در تهیه و ترجمه و پخش آن کمک کرده اجر و پاداش بدهد. و صلی الله وسلم علی نبینا محمد.

(۱) - عن عمر بن الخطاب رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّةِ، وَإِنَّمَا لِامْرِئٍ مَّا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، فَهِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَتَزَوَّجُهَا، فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ».

وفي لفظ للبخاري: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَّا نَوَى». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱) - از عمر بن الخطاب - رضي الله عنه - روایت است گفت که رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: "همه اعمال بستگی به نیت دارد، و هر کس از کردارش به اندازه نیتش اجر و ثواب می برد ، پس کسی که هجرت وی برای الله و پیامبرش بوده باشد ، این هجرت به سوی الله و پیامبر اوست، و هر کس هجرتش به خاطر مال دنیا باشد، و یا به خاطر زنی که بخواد با او ازدواج کند، (اهمیت) هجرت او برابر با همین قصد و همت اوست، و لفظ بخاری چنین است: «همانا (قبولی) اعمال و کردار به نیت بستگی دارد». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلى الله عليه وسلم می فرمایند: که همه اعمال از روی نیت محاسبه می شود، و این حکم در همه عبادات و معاملات عام است، پس هر کس اراده منفعت بردن از عملش را داشته باشد، جز آن منفعت به دست نمی آورد، و ثواب را نخواهد داشت، و هر کس با عملش بخواد

به الله متعال نزدیک شود، از عملش اجر و پاداش خواهد گرفت، هر چند عمل عادی باشد، مانند خوردن و آشامیدن.

سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم مثال را بیان نمود تا تأثیر نیت را در اعمال با وجود برابری آنها در صورت ظاهری نشان دهد، پس توضیح داد که هر کسی قصد هجرت و خروج از وطن خود را برای جلب رضایت پروردگارش داشته باشد، هجرت او هجرت شرعی و پسندیده است، و به خاطر صداقت نیتش ثواب آن را بدست می آورد، و هر کسی از هجرت خود اراده بدست آوردن منفعت دنیوی مانند مال و منزلت و تجارت و یا همسر داشته باشد، پس از هجرت خود جز آن منفعتی را که اراده کرده است به دست نمی آورد، و از اجر و پاداش نیز بهره ای نخواهد برد.

از فوائد حدیث:

۱. تشویق نمودن به اخلاص، زیرا الله متعال هیچ عملی را قبول نخواهد کرد مگر آنکه به خاطر او انجام شده باشد.
۲. اعمالی که به انجام دادن آن مسلمان به الله متعال نزدیک می شود، اگر آن را از راه عادت انجام دهد پاداش برایش حاصل نخواهد شد، تا اینکه با انجام آنها قصد نزدیکی به الله متعال را داشته باشد.

(۲) - عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ فِيهِ فَهُوَ رَدٌّ» متفق عليه.

ولمسلم: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲) - از عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرکه در این امر (دین) چیزی نو آوری بیاورد که از آن نیست، آن [چیز] پذیرفته نمی شود» متفق علیه. و نزد مسلم آمده است: «هرکه کاری انجام دهد که امر ما بر آن نیست، آن [کار] مردود است». [صحيح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته اند که هرکس در دین اختراعی کند یا عملی انجام دهد که دلیلی از کتاب و سنت دال بر آن نباشد، آن کار به صاحبش پس داده می شود و نزد الله پذیرفته نمی شود.

از فوائد حدیث:

۱. مبنای عبادات بر آن چیزی است که در کتاب و سنت آمده است، بنابراین الله تعالی را عبادت نمی کنیم مگر بر اساس شرع، نه بر اساس بدعت ها و نوآوری ها.
۲. دین به رای و نیکو پنداشتن ما نیست، بلکه به پیروی از پیامبر صلی الله علیه وسلم است.
۳. این حدیث دال بر کمال دین است.

۴. بدعت هر چیزی است که در دین نوساخته شود، و در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحاب او وجود نداشته باشد؛ عقیده باشد یا قول یا عمل.
۵. این حدیث از اصول اسلام است و همانند ترازویی است برای اعمال، زیرا همانطور که عملی که برای خشنودی الله نباشد پذیرفته نمی شود و انجام دهنده اش ثوابی ندارد، به همان صورت هر عملی که بر اساس رهنمود پیامبر صلی الله علیه وسلم نباشد به انجام دهنده اش بازگردانده می شود و از او پذیرفته نمی شود.
۶. نوآوری هایی که از آن نهی شده آن امور نوساخته ای هستند که به امر دین مربوط باشند نه امور دنیا.

(۴۷۹۱)

(۳) - عن عمر بن الخطاب رضي الله عنه قال: بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ، شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ، لَا يُرَى عَلَيْهِ أَكْثَرُ السَّفَرِ، وَلَا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ، حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ، وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَى فَخْذَيْهِ، وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ، وَتَصُومَ رَمَضَانَ، وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» قَالَ: صَدَقْتَ، قَالَ: فَعَجِبْنَا لَهُ، يَسْأَلُهُ وَيُصَدِّقُهُ، قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ، قَالَ: «أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ، وَمَلَائِكَتِهِ، وَكُتُبِهِ، وَرُسُلِهِ، وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ» قَالَ: صَدَقْتَ، قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ، قَالَ: «أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ

كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ» قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ، قَالَ: «مَا الْمَسْئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ» قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَمَارَتِهَا، قَالَ: «أَنَّ تِلْدَ الْأُمَّةِ رَبَّتَهَا، وَأَنْ تَرَى الْحَفَاةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّاءِ يَتَطَاوُلُونَ فِي الْبُنْيَانِ» قَالَ: ثُمَّ انْطَلَقَ، فَلَبِثْتُ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ لِي: «يَا عُمَرُ، أَتَدْرِي مِنَ السَّائِلِ؟» قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: «فَإِنَّهُ جَبْرِيلُ، أَتَاكُمْ يُعَلِّمُكُمْ دِينَكُمْ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳) - از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است فرمود: يك روزی نزد رسول الله صلى الله عليه وسلم نشستہ بودیم، مردی با لباس بسیار سفید، موهای بسیار سیاه بر ما ظاهر شد، در حال که هیچ اثری از سفر بر او دیده نمی شد، و هیچ یکی از ما او را نمی شناخت، تا اینکه نزد پیامبر صلى الله عليه وسلم نشست، و زانوی خود را بر زانوهایش گذاشت، و کف دست خود را بر ران های خود گذاشت. و گفت: ای محمد از اسلام به من خبر بده، به او فرمودند: اسلام (این است که): گواهی بدهی به اینکه معبودی برحق جز الله نیست و محمد فرستاده الله است، نماز را بر پا داری، زکات را بدهی، رمضان را روزه بگیری و زیارت خانه کعبه را اگر راهی به سوی آن یافتی انجام دهی «گفت: «راست گفتمی» ما از این که از او می پرسد و تصدیق می کند، شگفت زده شدیم، گفت: از ایمان به من خبر بده. فرمودند: اینکه به الله، فرشتگان، کتابها، پیامبران، روز آخرت، و ایمان به قدر خیر و شر آن ایمان بیاوری. گفت: راست می گویی. گفت: از احسان به من خبر بده، فرمودند: الله را چنان عبادت کنی که گویا او را می بینی و اگر او را نمی بینی پس او تو را می بیند». گفت: «پس مرا از قیامت خبر بده». فرمودند: «آیا سوال شونده از سوال کننده دانایتر نیست؟»

گفت: «پس از نشانه های آن به من خبر بده.» فرمودند: اینکه کنیزی بادارش را به دنیا بیاورد، و این که پا برهنه ها و بی چاره ها و چوپانانی را ببینی که ساختمان های بلند اعمار می کنند.» سپس رفت و اندکی درنگ کردم، فرمودند: «ای عمر! آیا می دانی سوال کننده چه کسی بود؟» گفتم: «الله و رسولش داناترند.» فرمودند: «او جبرئیل بود، آمد تا دین شما را به شما بیاموزد.» [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

عمر بن خطاب رضی الله عنه می فرماید که جبرئیل علیه السلام به صورت مردی ناشناس نزد صحابه رضی الله عنهم ظاهر شد، در حالی که لباسش بسیار سفید و موهایش بسیار سیاه بود، و آثار سفر از قبیل خستگی و گرد و غبار و موهای نامرتب و کثیف بودن لباس بر او نمایان نبود، و هیچ یکی از حاضران او را نمی شناختند در حال که با پیامبر صلی الله علیه وسلم نشست، پس به شیوه متعلم در حضور پیامبر صلی الله علیه وسلم نشست و از او در باره اسلام پرسید، پس او با این ارکان پاسخ داد که شامل اقرار به شهادتین، و اقامه نمازهای پنج گانه، پرداخت زکات به مستحقان آن، و گرفتن روزه ماه رمضان، و اداء حج برای کسی که توان آنرا داشته باشد.

پرسش کننده گفت: راست می گویی، صحابه از پرسش او تعجب کردند، که او از آنچه پرسان می کند که ظاهراً در مورد آن معلومات ندارد، و سپس جواب های او را نیز تایید می نماید.

سپس از پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد ایمان پرسید، و او با این شش رکن که شامل ایمان به وجود الله متعال، و صفات او، و یکتا بودن او در افعالش مانند آفرینش، و یکتا بودن او در عبادت، و اینکه فرشتگان

که الله متعال آنها را از نور آفریده است؛ بندگان صالحی هستند که از اوامر الله متعال سرپیچی نمی کنند، و فرمان او را عملی می کنند، و ایمان به کتاب هایی که از جانب الله متعال بر پیامبران او نازل شده است، مانند قرآن و تورات و انجیل و غیره، و فرستادگانی که دین الله را از جانب او ابلاغ کردند، از جمله نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و آخرین آنان، محمد صلی الله علیه وسلم و سایر پیامبران و رسولان، و ایمان به روز قیامت، و آنچه بعد از مرگ و قبر و حیات برزخ می آید، و اینکه انسان پس از مرگ زنده می شود و محاسبه می شود، و سرنوشت او یا بهشت و یا جهنم است، و اعتقاد به اینکه الله متعال چیزها را بر اساس آنچه قبلاً می داند مقدر کرده است. و حکمت و نوشته او بر آن مستلزم، و اراده او نسبت به او و وقوع آنها بر حسب آنچه که برای آنها مقدر کرده و آفریده است می باشد. سپس از او درباره احسان پرسید، او برایش خبر داد که احسان این است که الله را چنان عبادت کند که گویا او را می بیند، اگر رسیدن به این مقام برایش محقق نمی شد، پس الله متعال را چنان عبادت کند که الله او را می بیند، زیرا مقام مشاهدۀ اولی و بالاتر است و دومی مقام نظارت است.

سپس از او پرسید که قیامت چه وقت است؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نمود که علم قیامت از آن چیزی است که الله متعال در علم خود محفوظ داشته است، پس هیچ کس از مخلوق آن را نمی داند، نه سوال شونده و نه سؤال کننده.

سپس از او دربارهٔ نشانه های قیامت پرسید. او روشن ساخت که از نشانه های آن، فراوانی کنیزان و فرزندان ایشان است، یا کثرت سرپیچی فرزندان از مادرانشان است که با آنها مانند کنیز رفتار می کنند، و اینکه چوپان ها و فقرا در آخر زمان امکانات دنیا برایشان فراهم می شود، و به تزئین و ساخت ساختمان ها افتخار می کنند می باشد.

سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند که سوال کننده جبرئیل بود، و برای تعلیم این دین حنیف به صحابه آمده بود.

از فوائد حدیث:

۱. خوش اخلاقی پیامبر صلی الله علیه وسلم و اینکه با یاران خود می نشیند و آنان با او می نشینند.
۲. مشروعیت مهربانی با سوال کننده و نزدیک ساختن او به گونه ای که بدون ترس ولرز بپرسد.
۳. ادب با معلم، همان گونه که جبرئیل علیه السلام در مقابل پیامبر صلی الله علیه وسلم مانند شخص مؤدب نشست تا از او بیاموزد.
۴. ارکان اسلام پنج و اصول ایمان شش است.
۵. وقتی اسلام و ایمان با هم یکجا ذکر می شود، اسلام با امور ظاهری و بیرونی و ایمان با مسائل باطنی و درونی تفسیر می شود.
۶. بیان این که دین درجات متفاوتی دارد، که درجهٔ اول آن: اسلام، دوم آن: ایمان و سوم آن: احسان می باشد و این بالاترین درجه دین است.

۷. اصل در سوال کننده عدم علم است، و نادانی انگیزه سوال است، پس صحابه از سوال کردن و تصدیق او شگفت زده شدند.
۸. شروع با مهمتر سپس مهم؛ زیرا با ذکر شهادتین در تفسیر اسلام، و با ذکر ایمان به الله جل جلاله در تفسیر ایمان آغاز صورت گرفت.
۹. پرسیدن اهل علم از آنچه را که سوال کننده از آن غافل نیست، تا دیگران بدانند.
۱۰. علم قیامت همان چیزی است که الله متعال به خود اختصاص داده است.

(۴۵۶۳)

(۴) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَإِقَامَ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ، وَحَجَّ الْبَيْتِ، وَصَوْمَ رَمَضَانَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۴) - از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اسلام بر پنج [بنا] استوار است: شهادت دادن به اینکه معبودی [به حق] نیست جز الله، و اینکه محمد بنده و پیامبر اوست، و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات و حج خانه [کعبه] و روزه رمضان». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم اسلام را با پنج رکن آن به بنایی تشبیه کرده که بر این پنج رکن استوار است، و بقیه خصلت های اسلام همانند کامل کننده های این بنیان هستند. نخستین این ارکان: شهادتین هستند: شهادت به لا اله الا

الله و محمدا رسول الله، که این دو یک رکن به حساب می آیند، و از یکدیگر جدا نمی شوند، و بنده با اعتراف به یگانگی الله و شایستگی او به عبادت به یگانگی، و در حالی که به مقتضای آن عمل می کند و به رسالت محمد صلی الله علیه وسلم مؤمن است، و از وی پیروی می کند و این را به زبان می آورد. رکن دوم: برپا داشتن نماز است، یعنی نمازهای فرض پنج گانه در شبانه روز: نماز صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشا، با شروط و ارکان و واجبات آن. رکن سوم: پرداخت زکات فرضی، و آن عبادتی است مالی که در هر مالی که به اندازه مشخصی برسد در شرع واجب می گردد، و به مستحقان آن پرداخت می شود. رکن چهارم: حج، یعنی قصد مکه برای برپا داشتن مناسک از روی عبادت الله عزوجل. رکن پنجم: روزه رمضان است، یعنی دست کشیدن از خوردن و نوشیدن و دیگر مُفَطِّرات به نیت عبادت الله، از طلوع فجر تا غروب خورشید.

از فوائد حدیث:

۱. ملازم بودن شهادتین، به طوری که یکی از آنها بدون دیگری درست نیست، بنابراین [هر دو شهادت] یک رکن حساب می شوند.
۲. شهادتین اساس دین است، بنابراین هیچ قول و عملی پذیرفته نمی شود مگر با این دو.

(۵) - عَنْ مُعَاذٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كُنْتُ رِدْفَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى حِمَارٍ يُقَالُ لَهُ عُفَيْرٌ، فَقَالَ: «يَا مُعَاذُ، هَلْ تَدْرِي حَقَّ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ، وَمَا حَقُّ الْعِبَادِ عَلَى اللَّهِ؟»، قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: «فَإِنَّ حَقَّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يَعْبُدُوهُ وَلَا يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا، وَحَقُّ الْعِبَادِ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُعَذِّبَ مَنْ لَا يُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا»، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفَلَا أُبَشِّرُ بِهِ النَّاسَ؟ قَالَ: «لَا تُبَشِّرْهُمْ، فَيَتَكَلَّبُوا». [صحيح] - [متفق عليه]

(۵) - از معاذ رضی الله عنه روایت است که فرمود: من بر عقب پیامبر صلی الله علیه وسلم سوار بر الاغی به نام عفیر بودم که فرمودند: «ای معاذ، آیا می دانی حق الله بر بندگان و حق بندگان بر الله چیست؟» گفتم: الله و رسولش داناترند، فرمودند: «حق الله بر بندگان این است که او را بپرستند و چیزی را شریک او قرار ندهند، و حق بندگان بر الله این است که کسانی را که به او شرک نمی ورزند عذاب نکند». گفتم ای رسول الله آیا مردم را به آن مژده ندهم؟ فرمودند: «آنها را مژده نده، چون به آن اتکا می کنند. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم حق الله بر بندگان و حق بندگان بر الله را بیان می کند، و این که حق الله بر بندگان این است که تنها او را بپرستند و چیزی را شریک او قرار ندهند. و حق بندگان بر الله این است موحدانی را که برای او چیزی را شریک قرار نمی دهند عذاب نکند. سپس معاذ گفت: ای رسول الله، آیا به مردم مژده ندهم تا شاد شوند و به این فضیلت

یکی دیگر را مژده دهند؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم او را منع کرد، از ترس اینکه بر آن اتکا کنند.

از فوائد حدیث:

۱. بیان حق الله متعال که بر بندگانش واجب گردانیده است، و آن اینست که او را بپرستند، و چیزی را شریک او قرار ندهند.
۲. بیان حق بندگان نسبت به الله متعال که آن را از روی فضل و نعمت بالای بندگان خویش بر خود واجب گردانیده است، و آن عبارت است از وارد نمودن آنان به بهشت، و این که آنان را عذاب نکند.
۳. در این مژده است برای یکتا پرستانی که چیزی را به الله متعال شریک نمی کنند، و این که مسیر شان ورود به بهشت است.
۴. معاذ این حدیث را قبل از مرگش اعلام نمود، از ترس اینکه در گناه کتمان علم واقع نگردد.
۵. هشدار به عدم انتشار برخی احادیث نزد برخی افراد از ترس اینکه معنای آنها را نمی فهمند؛ به ویژه احادیثی که جنبه عملی نداشته باشد و نه حدی از حدود شرعی داشته باشد.
۶. یکتا پرستان نافرمان تحت اراده الله هستند، اگر بخواهد عذاب شان می کند و اگر بخواهد آنها را می بخشد، سپس مسیر شان بسوی بهشت است.

(۶) - عن أنس بن مالك رضي الله عنه: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمُعَاذٌ رَدِيْفُهُ عَلَى الرَّحْلِ قَالَ: «يَا مُعَاذُ بْنُ جَبَلٍ»، قَالَ: لَبَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَسَعْدَيْكَ، قَالَ: «يَا مُعَاذُ»، قَالَ: لَبَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَسَعْدَيْكَ، ثَلَاثًا، قَالَ: «مَا مِنْ أَحَدٍ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صِدْقًا مِنْ قَلْبِهِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَى النَّارِ»، قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفَلَا أَخْبِرُ بِهِ النَّاسَ فَيَسْتَبْشِرُوا؟ قَالَ: «إِذَا يَتَكَلَّمُوا». وَأَخْبَرَ بِهَا مُعَاذٌ عِنْدَ مَوْتِهِ تَأْتِيًا. [صحيح] - [متفق عليه]

(۶) - از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که: پیامبر - صلی الله علیه و سلم - همراه با معاذ بر سواری سوار بودند، فرمودند: "ای معاذ"، گفت: به شما گوش به فرمان هستم ای رسول الله، فرمودند: "ای معاذ"، گفت: گوش به فرمان هستم ای رسول الله، فرمودند: "ای معاذ"، گفت: گوش به فرمان هستم ای رسول الله، تا سه بار (این را تکرار کرد)، فرمودند: «هیچ بنده ای نیست که صادقانه و از ته قلب گواهی دهد که معبود بر حق جز الله وجود ندارد، و شهادت دهد که محمد بنده و فرستاده ی او است، مگر اینکه الله متعال او را بر آتش دوزخ حرام می گرداند» گفت: ای رسول الله، آیا این را به مردم نگویم، تا بشارتی برای آنان باشد؟ فرمودند: "بیم آن می رود که بر این مژده تکیه کنند و عمل را ترک نمایند"، بنابر این معاذ آن را هنگام مرگش خبر داد تا دچار گناه (کتمان علم) نشود. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

معاذ بن جبل رضی الله عنه به عقب پیامبر صلی الله علیه وسلم بر مرکب او سوار بود، او را صدا زد: ای معاذ؟ سه بار ندا بر او را تکرار کرد. برای تأیید اهمیت آنچه به او خواهد گفت.

و همه اینها را معاذ رضی الله عنه پاسخ می دهد که: «من در خدمت هستم یا رسول الله و من تو را به پیروی از امر تو شاد می سازم.» یعنی: امر تو را اجابت می کنم یا رسول الله، اجابت پس از اجابت، و از روی اجابت به امر تو امید خوشبختی دارم.

پس رسول الله صلی الله علیه وسلم به او گفت: که هیچ کسی گواهی نمی دهد که معبودی جز الله نیست، و اینکه محمد پیامبر الله است - به راستی از ته قلب نه این که دورگو باشد - اگر در این حالت بمیرد، الله متعال او را بر آتش حرام می سازد.

سپس معاذ رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم اجازه خواست به مردم بگوید تا شادی کنند و یکدیگر را به خیر مژده دهند؟ پس پیامبر صلی الله علیه وسلم بیم داشت که مبادا مردم بر آن (سخن) تکیه کنند و عمل کردن را کم کنند.

معاذ تا قبل از مرگش این موضوع را به کسی نگفته بود، اما قبل از وفات از ترس افتادن در گناه کتمان علم آنها بیان نمود.

از فوائد حدیث:

۱. تواضع پیامبر صلی الله علیه وسلم که معاذ را در پشت خود بر مرکب اش سوار نمود.
۲. روش تعلیم پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگامی که ندا را به معاذ تکرار می کرد تا توجه او را به آنچه می خواهد بگوید جلب کند.
۳. یکی از شروط گواهی دادن به: لا اله الا الله محمد رسول الله این است که گوینده راستگو و متیقن باشد نه دروغگو و شک کننده.
۴. اهل توحید در آتش جهنم برای ابد نمی مانند، حتی اگر به خاطر گناهان شان وارد آن شده باشند، پس از پاک شدن از آن خارج می شوند.
۵. فضیلت دو گواهی برای کسانی که صادقانه گفته باشند.
۶. جواز ترک بیان نمودن حدیث در مواردی اگر موجب فساد می شود.

(۱۰۰۹۸)

(۷) - عن طارق بن أشيم الأشجعي رضي الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَكَفَرَ بِمَا يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَرَّمَ مَالَهُ وَدَمُهُ، وَحَسَابُهُ عَلَى اللَّهِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۷) - از طارق بن اشیم اشجعی رضی الله عنه روایت است گفت که: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمودند: «کسی که: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید، و به آنچه غیر از الله پرستش می شود کافر شود، مال و خورش حرام است و حسابش نزد الله است». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که هر کس به زبان خود بگوید و شهادت دهد که «لا اله الا الله» یعنی نیست معبودی بر حق جز الله متعال و به آنچه غیر از الله پرستش می شود کفر ورزد و از همه ادیان به جز اسلام بیزاری نماید، مال و خون او بالای مسلمانان حرام است، مافقط با ظاهر وی سرو کار داریم، بناء مال وی سلب نمی شود، خون او ریخته نمی شود، مگر اینکه مرتکب جرم و یا جنایت گردد، که به موجب احکام اسلام جزای خویش را می بیند. و الله متعال در روز قیامت با وی حساب می کند، پس اگر راستگو باشد او را پاداش می دهد، و اگر منافق باشد عذابش می دهد.

از فوائد حدیث:

۱. شرط ورود به اسلام تلفظ به «لا اله الا الله» و کفر به هر چیزی که غیر از الله متعال پرستش می شود است.
۲. منظور از (لا اله الا الله) کفر به هر چیزی که غیر از الله متعال پرستش می شود، از قبیل بت ها، قبرها و غیره، و یگانه ساختن او برای عبادت است.
۳. هر که با توحید بیاید و در ظاهر به احکام آن پایبند باشد، باید به او ضرری نرسد تا از او چیزی نمایان شود که خلاف آن باشد.
۴. حرمت مال و خون و ناموس مسلمان مگر به حق.
۵. قضاوت در دنیا بر اساس ظاهر است، و در آخرت بر اساس نیتها و مقاصد است.

(۸) - عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الْمُوجِبَاتُ؟ فَقَالَ: «مَنْ مَاتَ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ مَاتَ يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا دَخَلَ النَّارَ» [صحيح] - [رواه مسلم]

(۸) - از جابر رضی الله عنه روایت است که فرمود: مردی نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آمد و گفت: یا رسول الله؟ آن دو خصلت چیست که انسان با داشتن آن ها مستحق ورود به بهشت یا جهنم می شود؟ ایشان فرمودند: «هر کس بمیرد در حالی که برای الله هیچ چیزی را شریک قرار ندهد وارد بهشت می شود، و هر کس بمیرد در حالی که برای الله چیزی را شریک قرار دهد وارد جهنم می شود». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

مردی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از دو خصلت پرسید: خصلتی که لازمه ورود به بهشت است و خصلتی که لازمه ورود به جهنم است؟ او صلی الله علیه وسلم فرمودند: خصلت لازمه بهشت این است که انسان بمیرد در حالی که الله را عبادت کند و چیزی را شریک او قرار ندهد. و خصلتی که اقتضای جهنم را می کند این است که انسان بمیرد در حالی که به الله شرک می ورزد، پس برای الله متعال در الوهیت و یا ربوبیت و یا اسماء و صفاتش همتا قرار دهد.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت توحید و اینکه هر کس در حال ایمان بمیرد و چیزی را شریک الله قرار ندهد وارد بهشت می شود.
۲. خطر شرک، و این که هر کس در حالی بمیرد که با الله شرک بورزد وارد جهنم شود.
۳. یکتاپرستان نافرمان زیر مشیت الله متعال قرار دارند، اگر بخواهد عذاب شان می کند و اگر بخواهد آنها را می بخشد، سپس مسیر شان به بهشت خواهد بود.

(۶۵۰، ۸)

(۹) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَلِمَةً وَقُلْتُ أُخْرَى، قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ نِدًّا دَخَلَ النَّارَ» وَقُلْتُ أَنَا: مَنْ مَاتَ وَهُوَ لَا يَدْعُو لِلَّهِ نِدًّا دَخَلَ الْجَنَّةَ. [صحيح] - [متفق عليه]

(۹) - از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم سخنی گفت و من سخنی گفتم. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرکس در حالی بمیرد که به جای الله همتایی را به فریاد می خواند، به دوزخ درآید» و من گفتم: هر که بمیرد در حالی که برای الله همتایی را به فریاد نمی خواند، وارد بهشت می شود. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم ما را باخبر می سازد که هرکس چیزی از ویژگی هایی که خاص الله است را برای غیر او انجام دهد، مانند دعای غیر الله یا فریادخواهی از غیر الله و در این حال بمیرد از اهل دوزخ است. و ابن مسعود این را بر آن افزوده که: هر کس در حالی بمیرد که چیزی را برای الله شریک نمی آورد، فرجامش بهشت است.

از فوائد حدیث:

۱. دعا، عبادتی است که نباید برای غیر الله انجام شود.
۲. فضیلت توحید، و اینکه هرکس بر توحید از دنیا برود سرانجام وارد بهشت می شود، اگرچه برای برخی از گناهانش عذاب داده شود.
۳. خطر شرک، و اینکه اگر کسی بر شرک بمیرد وارد دوزخ می شود.

(۱۰) - عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِمُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ، حِينَ بَعَثَهُ إِلَى الْيَمَنِ: «إِنَّكَ سَتَأْتِي قَوْمًا أَهْلَ كِتَابٍ، فَإِذَا جِئْتَهُمْ فَادْعُهُمْ إِلَى أَنْ يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لَكَ بِذَلِكَ، فَأَخْبِرْهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ فَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لَكَ بِذَلِكَ، فَأَخْبِرْهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ فَرَضَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةً تُؤْخَذُ مِنْ أَعْيَانِهِمْ فَتُرَدُّ عَلَى فُقَرَائِهِمْ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لَكَ بِذَلِكَ، فَإِيَّاكَ وَكَرَائِمَ أَمْوَالِهِمْ، وَاتَّقِ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ، فَإِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ».

[صحيح] - [متفق عليه]

(۱۰) - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگامی که معاذ بن جبل را به یمن فرستادند فرمودند: «تو بسوی اهل کتاب خواهی رفت، چون نزد آنان رفتی آنان را دعوت کن تا گواهی دهند که معبودی جز الله نیست و محمد رسول الله است، اگر در این امر از تو اطاعت کردند، به آنان بگو که الله متعال در هر شبانه روز پنج نوبت نماز بر آنان واجب کرده است، اگر در این امر از تو اطاعت کردند، سپس به آنان بگو که الله متعال بر آنان زکات را فرض نموده است که از ثروتمندان شان گرفته و به فقرای شان تحویل داده می شود، اگر در این امر از تو اطاعت کردند، با خبر باش که از مال های با ارزش شان دوری بجویی، و از دعای مظلوم بترس، چون میان او و الله متعال حجاب

و مانعی نیست. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وسلم معاذ بن جبل رضی الله عنه را به سوی سرزمین یمن جهت تعلیم و دعوت بسوی الله فرستاد، برای او بیان نمود که با گروهی از نصرانیان روبرو خواهد شد؛ تا این که برای آن آماده باشد، سپس در دعوت آنان از مسایل مهمتر و بعدا از مسایل مهم آغاز کند، آنان را در نخست به اصلاح عقیده دعوت کند؛ این که شهادت دهند که معبودی جز الله نیست و این که محمد رسول الله است؛ زیرا به وسیله آن وارد اسلام می شوند، و هرگاه به آن تسلیم شدند به آنان امر می کند که نماز را برپا دارند؛ زیرا نماز بزرگترین واجبات بعد از توحید است. هرگاه آنان نماز را برپا نمودند، به ثروتمندان شان دستور می دهد که زکات پولشان را به فقرا بدهند، سپس به او هشدار داد که بهترین مال را نگیرد؛ زیرا واجب این است که وسط گرفته شود، سپس به او توصیه کرد که از ظلم دوری کند؛ تا مبادا مظلوم برای او دعای بد کند، زیرا دعای او مستجاب است.

از فوائد حدیث:

۱. معنای گواهی دادن به لا اله الا الله این است که عبادت ویژه الله متعال است، و ترک عبادت غیر او تعالی.
۲. معنای گواهی دادن به محمد رسول الله این است که به او و آنچه آورده است ایمان آورده شود و او تصدیق شود و اینکه او آخرین فرستاده های الله متعال به سوی بشریت است.

۳. مخاطب قرار دادن عالم که نزد او شبهه وجود داشته باشد مانند مخاطب قرار دادن شخص جاهل نیست؛ بنابراین به معاذ هشدار داد و گفت: "تو به سوی اهل کتاب خواهی رفت".
۴. اهمیت این که مسلمان از دین خود آگاه باشد؛ برای رهایی از شبهات شبهه افگنان، و آن با فرا گرفتن علم.
۵. باطل قرار دادن دین یهود و نصارا پس از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم، و این که آنان در قیامت از نجات یافته گان نخواهند بود تا اینکه وارد دین اسلام شوند، و به پیامبر صلی الله علیه وسلم ایمان بیاورند.

(۳۳۹۰)

(۱۱) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ أَسْعَدُ النَّاسِ بِشَفَاعَتِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَقَدْ ظَنَنْتُ يَا أَبَا هُرَيْرَةَ أَنْ لَا يَسْأَلَنِي عَنْ هَذَا الْحَدِيثِ أَحَدٌ أَوَّلَ مِنْكَ؛ لِمَا رَأَيْتُ مِنْ حِرْصِكَ عَلَى الْحَدِيثِ، أَسْعَدُ النَّاسِ بِشَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ خَالِصًا مِنْ قَلْبِهِ أَوْ نَفْسِهِ».

[صحيح] - [رواه البخاري]

(۱۱) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که فرمود: گفته شد ای رسول الله در روز قیامت خوشبختترین مردم که شفاعت تو را دریافت می نمایند چه کسانی خواهند بود؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ای ابوهریره فکر کردم که هیچ کس زودتر از تو درباره این حدیث از من سؤال نخواهد کرد، بنابر حرص تو پیرامون این حدیث را که دیدم، خوشبختترین مردم که روز قیامت شفاعتم را

حاصل می کنند، آنانی اند که می گویند لا إله إلا الله، معبودی جز الله نیست، مخلصانه و از تهی دلش و یا نفسش». [صحیح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که روز قیامت خوشبختترین مردم به دریافت شفاعت وی کسی است که بگوید: «لا اله الا الله مخلصانه از دل اش» یعنی نیست هیچ معبودی جز الله، و این که از شرک و خودنمایی محفوظ باشد.

از فوائد حدیث:

۱. اثبات شفاعت پیامبر صلی الله علیه وسلم در آخرت و این که ویژه یکتاپرستان است.
۲. شفاعت او صلی الله علیه وسلم توسل اوست به درگاه الله متعال برای یکتاپرستانی که مستحق جهنم هستند تا که آنان وارد جهنم نشوند، و کسانی که وارد آن گردیده اند از آن بیرون آورده شوند.
۳. برتری کلمه توحید مخلصانه به الله متعال و تأثیر بزرگ آن.
۴. تحقق یافتن کلمه توحید با شناخت معنای آن و عمل به آن می باشد.
۵. فضیلت ابو هریره رضی الله عنه، و حرص او بر علم.

(۱۲) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «الْإِيْمَانُ بِضْعٌ وَسَبْعُونَ - أَوْ بَضْعٌ وَسِتُّونَ - شُعْبَةً، فَأَفْضَلُهَا قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَدْنَاهَا إِمَاطَةُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ، وَالْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الْإِيْمَانِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۲) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ایمان هفتاد و چند بخش یا شصت و چند بخش است که بهترین آنها سخن: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و کوچکترین آنها برداشتن خار و خاشاک از راه است، و حیا شاخه ای از ایمان است». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرمایند که ایمان دارای فروع و صفات فراوانی است که شامل اعمال، عقاید و اقوال می شود. و اینکه بالاترین و بهترین صفات ایمان سخن: «لا اله الا الله» است، با علم به معنای آن و عمل به آن که الله متعال معبود یگانه است، سزاوار است که به تنهایی و بدون هیچ چیز دیگری پرستش شود. و اینکه کمترین عمل ایمانی، دور کردن هر چیزی است که به مردم در راه شان آسیب می رساند.

سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داد که حیا از صفات ایمان است، و حیا اخلاقی است که انسان را وادار به انجام نیکی و ترک از بدی می سازد.

از فوائد حدیث:

۱. ایمان مراتب دارد، برخی آنها بهتر از دیگر اند.

۲. ایمان، قول، عمل و اعتقاد است.
۳. حیا از الله متعال ایجاب می کند که در جایی که نهی کرده تو را نبیند، و در جایی که دستور داده تو را دریابد.
۴. ذکر عدد به معنای محدود کردن آن نیست، بلکه بیانگر کثرت اعمال ایمانی است، زیرا عرب گاهی برای یک شیء عدد ذکر می کردند مگر اراده نفی چیزی دیگر را نمی داشتند.

(۶۴۶۸)

(۱۳) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الدَّنْبِ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ؟ قَالَ: «أَنْ تَجْعَلَ لِلَّهِ نِدًّا وَهُوَ خَلَقَكَ» قُلْتُ: إِنَّ ذَلِكَ لَعَظِيمٌ، قُلْتُ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: «وَأَنْ تَقْتُلَ وَلَدَكَ؛ تَخَافُ أَنْ يَطْعَمَ مَعَكَ» قُلْتُ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: «أَنْ تُزَانِيَ حَلِيلَةَ جَارِكَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۳) - از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیدم: کدام گناه نزد الله بزرگتر است؟ فرمودند: "اینکه برای الله همتایی قرار دهی حال آنکه او تو را آفریده است" گفتم: این قطعا [گناه] بزرگی است، سپس چه چیزی؟ فرمودند: «اینکه فرزند خود را بکشی از ترس آنکه با تو غذا بخورد» گفتم: سپس چه؟ فرمودند: «اینکه با همسر همسایهات زنا کنی». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

از پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره بزرگترین گناهان پرسیده شد؛ ایشان فرمودند: بزرگترین این گناهان شرک است، یعنی آنکه برای الله در الوهیت

(عبادت) یا ربوبیت یا نام‌ها و صفاتش همانند یا نظیر قرار دهی، و این گناهی است که الله تعالی آن را نمی‌بخشد مگر با توبه، و اگر صاحبش بر آن از دنیا برود در آتش دوزخ جاودان می‌ماند. سپس اینکه شخص از ترس آنکه فرزندش با او غذا بخورد (یعنی ترس کمبود و فقر) او را بکشد، حال آنکه قتل نفس حرام است اما گناهش وقتی بزرگتر است که مقتول با قاتل خویشاوندی داشته باشد، و گناهش همچنین وقتی بیشتر است که مقصود قاتل، ترس از این باشد که مقتول در روزی الله با او شریک شود. سپس اینکه مرد با همسر همسایه‌اش زنا کند، به این صورت که تلاش کند همسر او را فریب دهد تا آنکه مطیع او شده با وی زنا کند. زنا حرام است اما گناه آن وقتی بزرگتر است که کسی که با او زنا شده همسر همسایه‌ات باشد که شرع به احسان و نیکوکاری در حق او توصیه کرده است.

از فوائد حدیث:

۱. بزرگی گناهان متفاوت است، همچنان که اعمال نیک در فضیلت متفاوتند.
۲. بزرگترین گناهان شرک به الله تعالی است، سپس کشتن فرزند از ترس آنکه با تو غذا بخورد، سپس آنکه با زن همسایه‌ات زنا کنی.
۳. روزی به دست الله است و الله سبحانه و تعالی روزی مخلوقات را بر عهده گرفته است.
۴. بزرگی حق همسایه، و اینکه اذیت او بزرگتر از آزار رساندن به دیگران است.
۵. تنها خالق شایسته آن است که بدون هیچ شریکی عبادت او شود.

(۱۴) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَنَا أَغْنَى الشُّرَكَاءَ عَنِ الشَّرْكِ، مَنْ عَمِلَ عَمَلًا أَشْرَكَ فِيهِ مَعِيَ غَيْرِي تَرَكْتُهُ وَشِرْكُهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۴) - از ابو هريره رضی الله عنه روایت است که فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الله تبارک و تعالی فرمودند: من بی نیازترین شرکا از شرک هستم، هر کس عملی انجام دهد که در آن با من کسی دیگر را شریک نماید، او را با شرک اش رها می کنم». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرمایند که الله تبارک و تعالی می فرمایند: او تعالی بی نیازترین شرکا از شرک است، زیرا او از هر چیز بی نیاز است، و اینکه اگر انسان طاعتی انجام دهد و آن را برای الله و غیر الله قرار دهد؛ الله متعال آن را ترک کرده و از او نمی پذیرد، و آن را به صاحبش بر می گرداند؛ پس عمل باید خالصانه برای الله متعال باشد، زیرا او سبحانه و تعالی فقط آنچه را می پذیرد که خالصانه برای ذات کریم او بوده باشد.

از فوائد حدیث:

۱. هشدار از شرک با همه اشکال آن؛ و این که آن مانع پذیرش عمل می گردد.
۲. احساس و درک کردن غنای و عظمت الله متعال که با اخلاص در کار کمک می کند.

(۱۵) - عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ أَبَى»، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ يَأْبَى؟ قَالَ: «مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبَى». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۱۵) - از ابو هریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «همه امت من وارد بهشت می شوند مگر کسانی که امتناع می ورزند» گفتند: ای رسول الله! کیست که امتناع می ورزد؟ فرمودند: هر کسی از من اطاعت کند وارد بهشت می شود و هر کسی از من نافرمانی کند امتناع کرده است». [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که همه امتش وارد بهشت می شوند، مگر کسانی که امتناع ورزیدند! صحابه کرام رضی الله عنهم گفتند: ای رسول الله چه کسی امتناع می ورزد؟! رسول الله صلی الله علیه وسلم در جواب شان فرمودند: هر کسی از رسول الله صلی الله علیه وسلم اطاعت و پیروی نمود وارد بهشت می شود، مگر آن کسی که نافرمانی کرد، و به حکم شریعت گردن ننهاد، او از داخل شدن به بهشت با اعمال ناشایسته خود انکار کرده است.

از فوائد حدیث:

۱. اطاعت از رسول الله صلی الله علیه وسلم اطاعت الله است، و نافرمانی از او نافرمانی الله است.

۲. اطاعت از پیامبر صلی الله علیه وسلم موجب داخل شدن به بهشت است ، و نافرمانی او موجب داخل شدن به آتش جهنم می باشد.
۳. مژده برای اطاعت کنندگان این امت، و اینکه همه ی آنان وارد بهشت می شوند، مگر کسی که از الله و رسولش نافرمانی کند.
۴. دلسوزی او -صلی الله علیه وسلم- بر امتش و حرص او برای هدایت آنان.

(۴۹۴۷)

(۱۶) - عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَا تُظْرُونِي كَمَا أَظُرَّتِ النَّصَارَى ابْنَ مَرْيَمَ؛ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُهُ، فَقُولُوا: عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۱۶) - از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمودند: «مرا ستایش مکنید همانطوری که نصارا پسر مریم را ستودند؛ من فقط بنده او هستم، پس بگوئید: بنده الله و رسول او». [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از غلو و تجاوز از حد شرعی در ستایش او، و وصف او به صفات الله متعال و افعال مخصوص وی نهی نموده است، و یا این که با الله متعال یکجا فرا خوانده شود، همانطور که نصارا با عیسی پسر مریم علیه السلام کردند، سپس بیان نمود که او بنده ای از بندگان الله است، و دستور داد که درباره او بگوئیم: بنده الله و رسول او.

از فوائد حدیث:

۱. هشدار از تجاوز حد جایز در تعظیم و ستایش؛ زیرا آن موجب شرک می شود.
۲. آنچه پیامبر صلی الله علیه وسلم از آن هشدار داده بود در این امت اتفاق افتاد، پس گروهی در حق رسول الله صلی الله علیه وسلم غلو کردند، و گروهی در حق اهل بیت، و گروهی در حق اولیا غلو کردند، بنابراین در شرک واقع گردیدند.
۳. رسول الله صلی الله علیه وسلم خود را بنده الله معرفی کرد؛ برای اینکه نشان دهد که او بنده تربیت شده الله است و جایز نیست هیچ یک از خصوصیات پروردگار به وی منسوب شود.
۴. رسول الله صلی الله علیه وسلم خود را رسول الله معرفی کرد؛ برای نشان دادن اینکه او فرستاده ای از جانب الله است، پس تصدیق و پیروی او واجب است.

(۳۴۰۶)

(۱۷) - عن أنس رضي الله عنه قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ».

[صحیح] - [متفق علیه]

(۱۷) - از انس رضی الله عنه روایت است فرمود که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هیچ یکی از شما مومن (کامل) شده نمی تواند تا اینکه من را نسبت به پدر، مادر و فرزندان خویش بیشتر دوست داشته باشد».

[صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

رسول الله صلى الله عليه وسلم به ما خبر می دهد که مسلمان تا زمانی مومن کامل شده نمی تواند تا که محبت رسول الله صلى الله عليه وسلم را بر محبت مادرش، پدرش، فرزندش، دخترش و همه مردم دیگر پیش نکند، و این محبت مستلزم اطاعت و حمایت او و ترک نافرمانی او است.

از فوائد حدیث:

۱. واجب بودن محبت با رسول صلى الله عليه وسلم، و مقدم شمردن آن بر محبت همه مخلوقات.
۲. از نشانه کمال محبت: نصرت سنت رسول الله صلى الله عليه وسلم و فدای جان و مال در راه آن است.
۳. محبت با رسول صلى الله عليه وسلم مستلزم اطاعت از او در امر و باور کردن او در آنچه خبر داده است، و دوری از آنچه از او نهی فرموده و آن را سرزنش نموده، و پیروی از او و ترک بدعت ها است.
۴. حق پیامبر صلى الله عليه وسلم نسبت به همه مردم بزرگتر و مؤکد تر است. زیرا سبب هدایت ما از گمراهی و نجات ما از جهنم و رسیدن به بهشت می شود.

(۱۸) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «دَعُونِي مَا تَرَكْتُكُمْ، إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِسُؤَالِهِمْ وَاخْتِلَافِهِمْ عَلَى أَنْبِيَائِهِمْ، فَإِذَا نَهَيْتُكُمْ عَنْ شَيْءٍ فَاجْتَنِبُوهُ، وَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِأَمْرٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۸) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مرا با همان مسایلی که به شما می گویم، رها کنید (و سؤال بی مورد درباره ی مسایل ناگفته نپرسید)؛ زیرا امت های گذشته را کثرت سؤال و مخالفت با پیامبران شان به هلاکت رساند؛ بنابراین هرگاه شما را از چیزی بازداشتم، از آن دوری نمایید، و چون شما را به انجام کاری دستور دادم، تا آنجا که می توانید به آن عمل کنید». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: احکام شرعی به سه دسته است: مسکوت عنه، نواهی و اوامر.

و اما اولی: چیزی که شریعت درباره آن سکوت کرده است: جایی که حکمی وجود ندارد، و اصل در اشیاء واجب نبودن آنهاست؛ و اما در عصر او صلی الله علیه وسلم از پرسیدن در مورد چیزی که اتفاق نیفتاده است خودداری شود، از ترس اینکه مبدا حکم وجوب یا نهی آن واقع شود، زیرا الله متعال آن را از روی رحمت به بندگان ترک نموده. و اما بعد از وفات او صلی الله علیه وسلم اگر سؤال به صورت فتوا یا آموزش برای آنچه

در امر دین نیاز باشد جایز و حتی به آن امر شده است، و اگر از روی تَعَثُّت و تَكَلُّف (عیبجویی و مشقت) باشد، پس مراد حدیث این است که از سؤال در این مورد خودداری شود؛ زیرا ممکن است اتفاقی مانند آنچه برای بنی اسرائیل افتاد رخ دهد، زمانی که دستور ذبح گاوی برای شان داده شد، اگر هر گاوی را ذبح می کردند؛ فرمانبرداری صورت می گرفت، لیکن آنان سخت گیری کردند پس بر آنان سخت گیری اعمال شد.

دوم: نواهی؛ که آنها عبارتند از آن عملی که: برای ترک کننده آن پاداش، و عمل کننده بر آن مجازات می شود، پس باید از همه آنها دوری کرد. سوم: اوامر؛ برای عمل کننده پاداش، و ترک کننده آن مجازات می شود، پس باید تا حد امکان آن را انجام دهد.

از فوائد حدیث:

۱. باید روی آنچه مهم تر و ضرور است تمرکز شود، و آنچه در حال حاضر ضرور نیست ترک شود، و عدم مشغول شدن درباره آنچه اتفاق نیفتاده.
۲. حرمت پرسیدن سؤالاتی که ممکن است مسائل را پیچیده کند، و باز شدن باب شک و شبهه ای که منجر به اختلاف بیشتر می شود.
۳. امر به ترک تمام منهیات؛ زیرا در ترک آن مشقتی نیست، و لذا به طور عام از آن نهی شده است.
۴. امر به انجام چیزهای امر شده تا حد توان؛ زیرا ممکن است ملزم به مشقتی شود و یا نتواند انجامش دهد؛ بنابراین تا حد توان به آن امر شده است.

۵. نهی از زیاده روی در پرسش، علماء پرسیدن را به دو دسته تقسیم کرده اند: یک: آنچه به شکل تعلیم در امور دین نیاز باشد، با این چنین پرسیدن امر شده، و پرسیدن صحابه از این نوع بود، و دوم: آنچه به شکل عیبجویی و تکلف باشد که از این نوع نهی شده است.
۶. هشدار این امت از نافرمانی پیامبرش، همان گونه که در امت های قبل اتفاق افتاده بود.
۷. زیاده روی در پرسیدن در اموری که نیاز نباشد و اختلاف بر سر انبیاء، موجب هلاکت می شود، مخصوصاً در اموری که دست یافتن به آن ناممکن باشد، مانند: مسائل غیبی که فقط الله می داند، و احوال روز قیامت.
۸. نهی از پرسیدن در مسائل دشوار، اوزاعی گفت: اگر الله بخواهد بنده خود را از نعمت علم محروم کند، مغالطه ها بر زبانش می اندازد، و من آنها را کم داناترین مردم دیده ام، ابن وهب گفت: از مالک شنیدم که می گفت: جدال در علم نور علم را از دل مرد می برد.

(۱۹) - عن عبد الله بن عمرو رضي الله عنهما أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «بَلَّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً، وَحَدِّثُوا عَنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا حَرَجَ، وَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۱۹) - از عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «از من هر چند یک آیت هم باشد ابلاغ کنید، و در مورد بنی اسرائیل حرف بزنید که هیچ اشکالی ندارد، و هر کس از روی عمد بر من دروغ بگوید، پس مسکن خود را در دوزخ انتخاب کند.» [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور می دهد که علم از وی تبلیغ شود از داشته های کتاب و یا سنت، اگر چه چیزی کم باشد، مانند آیتی از قرآن کریم و یا یک حدیث، مشروط بر اینکه آنچه را که تبلیغ و یا بسوی آن دعوت می کند عالم باشد. سپس وی صلی الله علیه وسلم بیان داشتند که اشکالی ندارد رویداد هایی را که بر بنی اسرائیل اتفاق افتیده بگونه ای نقل کنیم که با شریعت ما منافات نداشته باشد. سپس از دروغ گفتن بر وی هشدار داد، و این که هر کس از روی عمد بر وی دروغ بگوید، مسکن خود را در دوزخ انتخاب کند.

از فوائد حدیث:

۱. تشویق به ابلاغ شریعت الله، و شخص باید آنچه را که حفظ نموده و فهمیده ادا نماید، حتی اگر اندک هم باشد.

۲. وجوب تحصیل علم شرعی؛ تا بتواند الله را پرستش و شریعت او را به گونه درست ابلاغ نماید.
۳. وجوب تاکید از درستی حدیث قبل از ابلاغ یا نشر آن، از ترس این که شامل این وعید نگردیم.
۴. تشویق به صداقت در گفتار و احتیاط در سخن، تا دچار دروغ نگردیم، مخصوصاً در شریعت الله عزوجل.

(۳۸۶)

(۲۰) - عن المقدم بن معديكر بن رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أَلَا هَلْ عَسَى رَجُلٌ يَبْلُغُهُ الْحَدِيثُ عَنِّي وَهُوَ مُتَكَيِّرٌ عَلَى أَرِيكَتِهِ فَيَقُولُ: بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ كِتَابُ اللَّهِ، فَمَا وَجَدْنَا فِيهِ حَلَالًا اسْتَحْلَلْنَاهُ، وَمَا وَجَدْنَا فِيهِ حَرَامًا حَرَّمْنَاهُ، وَإِنَّ مَا حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَمَا حَرَّمَ اللَّهُ». [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي وابن ماجه]

(۲۰) - از مقدم بن معديكر بن رضي الله عنه روایت است که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمودند: «آگاه باشید که چه بسا حدیث من به مردی برسد و او در حالی که به تخت و تکیه گاه خود تکیه زده بگوید: کتاب الله میان من و شماست، پس هر آنچه در آن حلال یافتیم حلالش می دانیم، و هر آنچه در آن حرام یافتیم حرامش می دانیم، [حال آنکه] آنچه رسول الله حرام بگرداند مانند چیزی است که الله حرام کرده است». [صحيح] - [ابو داود و ترمذی و ابن ماجه روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که روزگاری فرا رسیده است که گروهی از مردم نشسته باشند، یکی از آنان بر بالین خود تکیه زده است، و حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم برایش می رسد، سپس می گوید: فیصله کننده کارها میان ما و شما قرآن کریم است و آن برای ما کافیست، و هر چه در آن حلال یافتیم به آن عمل می نماییم، و آن چه را که حرام یافتیم از آن دوری می ورزیم. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم توضیح داد، هر چیزی را که در سنت خود حرام دانسته و یا نهی کرده او در حکم طوری است که الله در کتابش حرام دانسته باشد؛ چون وی از جانب پروردگارش بحیث تبلیغ کننده است.

از فوائد حدیث:

۱. بزرگ پنداشتن سنت همان گونه که قرآن بزرگ پنداشته می شود، و به آن باید عمل شود.
۲. اطاعت از رسول اطاعت الله است و نافرمانی از او نافرمانی الله متعال است.
۳. اثبات حجت بودن سنت ورد بر کسانی که سنت ها را رد و یا انکار می کنند.
۴. هر کس از سنت روی گرداند و ادعا کند که تنها به قرآن اکتفا می کند، در واقع از هردو روگردان است و در ادعای پیروی از قرآن دروغگو است.
۵. یکی از دلایل نبوت او صلی الله علیه وسلم این است که از چیزی که در آینده اتفاق می افتد خبر می دهد، و همان گونه که خبر داده واقع گردیده است.

(۲۱) - عن عائشة أم المؤمنين وعبد الله بن عباس رضي الله عنهما قالَا: لَمَّا نَزَلَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَفِقَ يَطْرَحُ خَمِيصَةً لَهُ عَلَى وَجْهِهِ، فَإِذَا اغْتَمَّ بِهَا كَشَفَهَا عَنْ وَجْهِهِ، فَقَالَ وَهُوَ كَذَلِكَ: «لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى، اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ» يُحَذِّرُ مَا صَنَعُوا. [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۱) - از عایشه و عبد الله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفتند: هنگامی که [ملک الموت و حالت وفات] بر پیامبر صلی الله علیه وسلم نازل شد، خمیصه‌ای (تکه پارچه‌ای) را بر چهره خود می انداخت و هنگامی که نفسشان تنگ می شد آن را از چهره خود برداشته و در همین حال می فرمود: «لعنت الله بر یهودیان و نصرانیان [که] قبرهای پیامبران شان را مساجد قرار دادند» و نسبت به کاری که انجام دادند هشدار می داد. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

عایشه و ابن عباس رضی الله عنهم خبر داده اند که هنگام وفات پیامبر صلی الله علیه وسلم ایشان تکه پارچه‌ای را بر صورت خود می انداخت و چون به سبب سكرات مرگ نفس کشیدن بر ایشان دشوار می شد، آن را از چهره برداشته و در این حالت دشوار می فرمودند: الله یهودیان و نصرانیان را نفرین و از رحمت خود دور سازد؛ زیرا آنان بر قبرهای پیامبران شان مسجدهایی ساختند. و اگر خطورت و اهمیت این امر نبود در چنین شرایطی آن را بازگو نمی کرد، برای همین پیامبر صلی الله علیه وسلم امت خود را از مشابهت به این کار نهی کردند؛ زیرا این کار یهودیان و نصرانیان و وسیله‌ای است برای شرک به الله عزوجل.

از فوائد حدیث:

۱. منع از قرار دادن قبرهای پیامبران و صالحان به عنوان مساجدی که در آن نماز برگزار شود؛ زیرا این وسیله‌ای به سوی شرک است.
۲. شدت توجه رسول الله صلی الله علیه وسلم و اهتمام ایشان به توحید و ترس ایشان از بزرگداشت قبرها؛ زیرا این کار منجر به شرک می‌شود.
۳. جایز بودن لعنت فرستادن به یهود و نصارا و هر کسی که مانند آنان بر روی آرامگاه‌ها مسجد می‌سازد.
۴. ساختمان سازی بر روی قبور از سنت‌های یهودیان و نصرانیان است و در حدیث از شبیه ساختن خود به آنان نهی شده است.
۵. از جمله قرار دادن قبرها به عنوان مساجد آن است که نزد این قبور و یا به سوی آن نماز خوانده شود، حتی اگر مسجدی بر روی آن ساخته نشده باشد.

(۳۳۰)

- (۲۲) - عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ قَبْرِي وَثَنًا، لَعَنَ اللَّهُ قَوْمًا اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ». [صحيح] - [رواه أحمد]
- (۲۲) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الهی قبر مرا بت قرار مده، الله لعنت کند مردمی را که قبرهای پیامبران شان را مساجد - عبادت گاه - قرار داده اند». [صحيح] - [احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از پروردگارش خواست که قبر او را مانند بتی قرار ندهد که مردم آن را با بزرگداشت و رو آوردن به آن هنگام سجده عبادت کنند، سپس او صلی الله علیه وسلم فرمودند که الله متعال کسانی را که قبرهای پیامبران را مساجد -عبادت گاه- قرار دادند از رحمت خود دور و بیرون نموده است؛ زیرا مساجد -عبادت گاه- قرار دادن آن ها ذریعه ای برای عبادت و اعتقاد به آنها است.

از فوائد حدیث:

۱. تجاوز از حد شرعی در قبرهای انبیا و صالحان، آنان را به جای الله متعال مورد عبادت قرار می دهد، پس باید از وسایل شرک بر حذر بود.
۲. رفتن به قبرها برای بزرگداشت و عبادت در آنجا جایز نیست، به هر اندازه که صاحب آن قبرها به الله متعال نزدیک باشند.
۳. منع ساختن مساجد بر سر قبرها.
۴. حرام بودن ادای نماز بر قبرها، اگر چه مسجد ساخته نشده باشد، بجز نماز جنازه بر آن که نماز خوانده نشده است.

(۲۳) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَا تَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قُبُورًا، وَلَا تَجْعَلُوا قَبْرِي عِيدًا، وَصَلُّوا عَلَيَّ؛ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ تَبْلُغُنِي حَيْثُ كُنْتُمْ». [حسن] - [رواه أبو داود]

(۲۳) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: خانه های خود را قبرها قرار ندهید، و قبر مرا عبادتگاه قرار ندهید، و بر من درود بفرستید؛ چون هر جا که باشید درود شما به من می رسد. [حسن] - [ابو داود روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خانه را از عدم برپایی نماز در آن نهی کرده است، چون مانند به قبرستانی می ماند که در آن نماز ادا نمی شود. و از تکرار زیارت قبر او و نزدیک آن اجتماع نمودن بشکل مرتب و معتاد را نهی کرده؛ زیرا این وسیله ای برای شرک است. و به درود و سلام امر نمود در هر جای زمین که ممکن باشد؛ زیرا درود از نزدیک و دور به او می رسد، و نیازی به آمدن به قبر او نیست.

از فوائد حدیث:

۱. نهی از تعطیل قرار دادن خانه ها از عبادت الله متعال.
۲. منع سفر برای زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم؛ زیرا او دستور داده که بر او درود گفته شود چون به او می رسد، و اینکه عزم سفر تنها برای مسجد و ادای نماز در آن صورت می گیرد.

۳. تحریم زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم، با تکرار زیارت آن به نحوی خاص در زمانی خاص، و همچنین زیارت هر قبر دیگر.
۴. جایگاه پیامبر صلی الله علیه وسلم نزد پروردگارش، با مشروع قرار دادن درود و سلام بر او در هر زمان و مکان.
۵. این در حالیکه منع نماز بر سر قبرها در نزد صحابه ثابت گردید، به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه وسلم از قرار دادن خانه ها مانند قبرستان که در آن نماز ادا نمی شود نهی کرد.

(۳۳۰۰)

(۲۴) - عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ أُمَّ سَلَمَةَ ذَكَرَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَيْسَةَ رَأَتْهَا بِأَرْضِ الْحَبَشَةِ، يُقَالُ لَهَا مَارِيَّةٌ، فَذَكَرَتْ لَهُ مَا رَأَتْ فِيهَا مِنَ الصُّورِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أُولَئِكَ قَوْمٌ إِذَا مَاتَ فِيهِمُ الْعَبْدُ الصَّالِحُ، أَوِ الرَّجُلُ الصَّالِحُ، بَنَوْا عَلَى قَبْرِهِ مَسْجِدًا، وَصَوَّرُوا فِيهِ تِلْكَ الصُّورَ، أُولَئِكَ شِرَارُ الْخَلْقِ عِنْدَ اللَّهِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۴) - از مادر مؤمنان عایشه رضی الله عنها روایت است که: ام سلمه برای رسول الله صلی الله علیه و سلم یادآور شدند که در سرزمین حبشه کلیسایی به نام ماریه را دیده‌اند، و برای ایشان تصویری را که در آن دیده بودند یادآور شدند. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «آنان قومی هستند که اگر بنده صالحی یا مرد صالحی در میان آنان وفات کرد، بر روی قبر وی مسجدی بنا کرده، و در آن این تصویرها را می کشند، اینان بدترین مردمان در نزد الله هستند». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

ام المؤمنین ام سلمه رضی الله عنها برای پیامبر صلی الله علیه وسلم بازگو کردند که هنگامی که در سرزمین حبشه بودند کلیسایی را دیدند که به آن ماریه می گفتند، و در آن تصاویر و نقش و نگارها و تمثال هایی بود، و این را از روی شگفتی بازگو کردند. پیامبر صلی الله علیه وسلم به بیان اسباب قرار دادن این تصاویر پرداختند، و فرمودند: آنهایی که از آنان یاد می کنید چنین بودند که اگر شخص صالح در میانشان می مرد بر قبر او مسجدی (عبادتگاهی) می ساختند، و در آن نماز می گزاردند، و آن تصاویر را قرار می دادند، و بیان داشتند که انجام دهنده چنین کاری بدترین مردم نزد الله تعالی است؛ زیرا کارش به شرک منجر می شود.

از فوائد حدیث:

۱. تحریم اعمار مسجدها بر قبرها، یا نماز خواندن به سوی آن، یا دفن مردگان در مسجدها، به عنوان سد ذریعه شرک.
۲. ساختن مسجدها بر روی قبرها و نصب تصویرها در آن، از کاری یهودیان و نصرانیان است، و کسی که چنین کند خود را به آنان شبیه ساخته است.
۳. تحریم قرار دادن تصاویر موجودات ذی روح.
۴. کسی که بر قبر مسجدی بسازد و در آن تصاویری قرار دهد، از بدترین مخلوق الله تعالی است.

۵. حمایت کامل شریعت از توحید با سد همه وسائلی که ممکن است به شرک منجر شود.

۶. نهی از غلو در صالحان؛ زیرا این سبب وقوع در شرک است.

(۱۰۸۸۷)

(۲۵) - عن جندب رضي الله عنه قال: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَبْلَ أَنْ يَمُوتَ يَحْمِسُ وَهُوَ يَقُولُ «إِنِّي أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ أَنْ يَكُونَ لِي مِنْكُمْ خَلِيلٌ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ اتَّخَذَنِي خَلِيلًا كَمَا اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا، وَلَوْ كُنْتُ مُتَّخِذًا مِنْ أُمَّتِي خَلِيلًا لَا اتَّخَذْتُ أَبَا بَكْرٍ خَلِيلًا؛ أَلَا وَإِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَانُوا يَتَّخِذُونَ قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ وَصَالِحِيهِمْ مَسَاجِدَ، أَلَا فَلَا تَتَّخِذُوا الْقُبُورَ مَسَاجِدَ! إِنِّي أَنَهَاكُمُ عَنْ ذَلِكَ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۲۵) - از جندب رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و سلم را پنج سال قبل از رحلتش شنیدم که می فرمودند: «من به الله بیزاری می کنم از اینکه از میان شما خلیل (دوست و محبت خیلی قریب) داشته باشم، زیرا الله متعال مرا خلیل گرفته است، همانطور که ابراهیم را خلیل گرفت، و اگر از امت خود خلیلی می گرفتم، ابوبکر را خلیل می گرفتم، آگاه باشید کسانی که پیش از شما بودند قبرهای پیامبران و صالحان خود را مساجد قرار می دادند، پس آگاه باشید که قبرها را به عنوان مساجد قرار ندهید، و من شما را از آن نهی می کنم». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از مقام خود نزد الله متعال و رسیدن به بالاترین درجه محبت خبر می دهد، چنانکه ابراهیم علیه السلام به آن نایل شد، بنابر این داشتن خلیل را از خود نفی کرد؛ چون دلش مملو از محبت و بزرگداشت و شناخت الله متعال بوده، پس برای غیر الله متعال جایی وجود نداشت، و اگر دوست صمیمی از مخلوق می داشت، او ابوبکر صدیق رضی الله عنه می بود. سپس از تجاوز از حد جایز در محبت هشدار داد، چنانکه یهودیان و مسیحیان در قبرهای پیامبران و صالحان خود چنین کردند، تا این که آن ها را به معبودان شرکی که بجز از الله متعال عبادت می شدند مبدل گشتانند، و بر سر قبرشان مساجد و معابد بنا کردند، و او صلی الله علیه وسلم امتش را منع کرد تا مانند آنان عملی را انجام دهند.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت ابوبکر صدیق رضی الله عنه، و اینکه او بهترین صحابه و شایسته ترین مردم در جانشینی رسول الله صلی الله علیه وسلم پس از وفات وی می باشد.
۲. ساخت و اعمار مساجد بر سر قبرها از منکرات امت های پیشین است.
۳. نهی نمودن این که قبرها به عنوان عبادتگاه برای ادای نماز و یا ادا نمودن نماز بسوی آن قرار گیرند و بر سر آن ها مساجد یا گنبدها اعمار گردد، از بیم قرار گرفتن توسط آن در شرک.
۴. هشدار از مبالغه کردن در مورد صالحان تا مبادا منجر به شرک شود.

۵. خطر آنچه پیامبر صلی الله علیه وسلم بدان هشدار داده است، چنان که پنج شب قبل از رحلتش بر آن تأکید کرده است.

(۳۳۴۷)

(۲۶) - عن أبي الهياج الأسدي قال: قَالَ لِي عِيْنُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ: أَلَا أَبْعَثُكَ عَلَى مَا بَعَثَنِي عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ أَنُّ لَا تَدْعَ تِمْنًا إِلَّا طَمَسَتْهُ، وَلَا قَبْرًا مُشْرِفًا إِلَّا سَوَّيْتُهُ. [صحيح] - [رواه مسلم]

(۲۶) - از ابوالهياج اسدی روایت است که فرمود: علی بن ابی طالب به من فرمود: آیا تو را برای آنچه نفرستم که رسول الله صلی الله علیه وسلم من را برای آن فرستاده بود؟ هیچ مجسمه را ننماید مگر آن را نابود سازید، و یا قبر بلند را ننماید مگر که آن را هموار کنید. [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم یاران خود را می فرستاد که هیچ مجسمه ای را ننماند - و مجسمه عبارت از هر کالبد و یا تصویری از ذی روح می باشد - مگر اینکه آن را بردارند و یا محو کنند.

و اینکه هیچ قبر بلند را ننماند مگر آنرا با زمین برابر سازند، و ساختمان ها و گنبد های بنا شده بالای آن را ویران کنند، و قبرها را با زمین برابر سازند و یا اندکی بلند کنند، یعنی به اندازه یک بلست از زمین بلند سازند.

از فوائد حدیث:

۱. ممنوعیت تصویر و نقاشی از ذی روح؛ زیرا او از اسباب شرک است.

۲. مشروعیت از بین بردن کارهای نا مشروع با دست برای اشخاصی که قدرت یا توانایی انجام آن را داشته باشند.
۳. حریص بودن پیامبر صلی الله علیه وسلم برای زدودن تمام آثار جاهلیت از قبیل تصاویر، مجسمه ها و بناهای روی قبور.

(۵۹۳۴)

(۲۷) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الطَّيْرَةُ شِرْكٌ، الطَّيْرَةُ شِرْكٌ، الطَّيْرَةُ شِرْكٌ، -ثَلَاثًا-»، وَمَا مِنَّا إِلَّا، وَلَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُذْهِبُهُ بِالتَّوَكُّلِ. [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي وابن ماجه وأحمد]

(۲۷) - از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمود: «طیره (شوم انگاری) شرک است، طیره شرک است، طیره شرک است - و این را سه بار تکرار کردند -» و این چیز ناگزیر در دل ما می افتد، اما الله عزوجل آن را با توکل از بین می برد. [صحيح] - [ابو داود و ترمذی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم نسبت به طیره یعنی شوم انگاری به واسطه هر چیزی - شنیدنی باشد یا دیدنی، از پرندگان باشد یا حیوانات یا بیماران یا عددها یا روزها و مانند آن - هشدار داده اند. از آنجایی [در شوم انگاری] از طیر (پرنده) نام برده شده زیرا این نزد جاهلیت مشهور بود و اصل آن رها کردن پرنده هنگام شروع در هر کاری - سفر یا تجارت یا غیر آن - بود، اگر آن پرنده به سمت راست می رود فال خوب می زدند و به کارشان ادامه می دادند، و اگر

به سمت چپ پرواز می کرد شوم انگاری می کردند و از انجام کاری که می خواستند دست می کشیدند، ایشان خبر داده اند که این کار شرک است و شوم انگاری از این جهت شرک است که کسی جز الله خیر نمی آورد و شر را دور نمی کند مگر الله بی آنکه شریکی در این کار داشته باشد.

ابن مسعود رضی الله عنه بیان کرده که شاید چیزی از این شوم انگاری در دل مسلمان واقع شود، اما باید با توکل بر الله به همراه انجام اسباب در برابر آن مقاومت کند.

از فوائد حدیث:

۱. طیره (شوم انگاری) شرک است زیرا در آن تعلق دل به غیر الله رخ می دهد.
۲. اهمیت تکرار مسائل مهم برای آنکه به یاد سپرده شود و در دل جا گیرد.
۳. توکل بر الله تعالی، شوم انگاری را از بین می برد.
۴. امر به توکل بر الله به تنهایی و تعلق دل به او سبحانه و تعالی.

(۳۳۸۳)

(۲۸) - عن عمران بن حصین رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَطَيَّرَ أَوْ تُطَيِّرَ لَهُ، أَوْ تَكْهَنَ أَوْ تُكْهَنَ لَهُ، أَوْ سَحَرَ أَوْ سُحِرَ لَهُ، وَمَنْ عَقَدَ عُقْدَةً، وَمَنْ أَتَى كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ». [حسن] - [رواه البزار]

(۲۸) - از عمران بن حصین رضی الله عنه روایت است که فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: کسی که فال بگیرد یا برایش فالگیری شود، یا پیشگویی کند، و یا برای او پیشگویی شود، یا جادوگری کند یا

برایش جادوگری شود از ما نیست ؛ و هر کسی نزد غیگویی برود و سخن او را تصدیق کند؛ همانا به آنچه که بر محمد - صلی الله علیه وسلم - نازل شده کافر شده است. [حسن] - [بزار روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در سخن اش «او از ما نیست» به برخی از امتی های خود هشدار می دهد که این کارها را انجام می دهند؛ از جمله:

اول: «هر که فالگیری کند و یا برای او فالگیری شود» و اصل این کلمه: از رها کردن پرنده است هنگام که شروع به عملی مانند مسافرت، تجارت و یا غیره می کند، اگر به سمت راست پرواز کند خوش بین می شود و به تصمیم خود اقدام می کند، و اگر به سمت چپ پرواز کند بدبین می شود و از آنچه می خواهد منصرف می شود، پس جایز نیست که خودش این کار را انجام دهد یا کسی را مأمور به انجام آن سازد، و این شامل شگون بد نسبت به هر چیزی می شود، چه شنیدنی یا قابل مشاهده باشد، از پرندگان یا حیوانات یا افراد آسیب دیده یا اعداد، روزها و یا هر چیز دیگری.

دوم: «کسی که غیب گویی می کند و یا برای او غیب گویی می شود» یعنی این که هر کس با استفاده از ستارگان و چیزهای دیگر ادعای علم غیب کند یا نزد کسی برود که ادعای علم غیب می کند و در آنچه از دانستن غیب ادعا می کند او را تصدیق کند، پس به آنچه بر محمد صلی الله علیه وسلم نازل شده است کافر گردید.

سوم: (کسی که جادو کند و یا کسی را مکلف سازد تا برای وی جادو کند) برای این که به کسی سود برساند و یا از کسی ضرر دفع کند، و یا از تار گره بزند و طلسم های سحری حرام بالای آن بخواند و در آن بدمد.

از فوائد حدیث:

۱. واجب بودن توکل بر الله و ایمان به اراده و تقدیر الهی و نهی از فال بینی و شگون بد و سحر و غیب گویی، و همچنان سوال کردن از ساحران .
۲. ادعای علم غیب از شرکیات است که با توحید منافات دارد.
۳. نهی از باور کردن فال بینان و رفتن نزد آنها و خواندن آنچه کف (شناسی) و (خواندن طالع در) پیاله و برج ها نامیده می شود، و نگاه کردن در آن؛ هر چند بخاطر معلومات هم باشد.

(۵۹۸۱)

(۲۹) - عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا عَدْوَى، وَلَا طَيْرَةَ، وَيُعْجِبُنِي الْفَأْلُ» قَالَ قِيلَ: وَمَا الْفَأْلُ؟ قَالَ: «الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۹) - از انس بن مالک رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «سرایت بیماری و نیز بدشگونی حقیقت ندارند؛ ولی به فال نیک گرفتن را می پسندم» گفتند: «به فال نیک گرفتن چیست؟» فرمودند: «سخن نیکو». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته‌اند که سرایت بیماری‌ها که اهل جاهلیت به آن معقتد بودند و باور داشتند که بیماری بدون تقدیر الهی به ذات خود از کسی به کسی دیگر منتقل می‌شود باطل است، و اینکه «طیره» یعنی بدشگون دانستن هر چیزی - شنیدنی باشد یا دیدنی - از قبیل پرنده باشد یا حیوان یا معلولان یا شماره‌ها و یا روزها و غیر آن باطل است، از آنجایی [در شوم‌انگاری] از طیر (پرنده) نام برده شده زیرا این نزد جاهلیت مشهور بود و اصل آن رها کردن پرنده هنگام شروع هر کاری - سفر یا تجارت یا غیر آن - بود، اگر آن پرنده به سمت راست می‌رفت فال خوب می‌گرفتند و به کارشان ادامه می‌دادند، و اگر به سمت چپ پرواز می‌کرد شوم‌انگاری می‌کردند، و از انجام کاری که می‌خواستند انجام دهند دست می‌کشیدند. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر دادند که ایشان فال نیک را می‌پسندند، و فال نیک آن است که انسان از شنیدن سخن نیک خوشحال شود، و به واسطه آن به پروردگارش گمان نیک ببرد.

از فوائد حدیث:

۱. توکل بر الله تعالی و اینکه خیر را جز الله کسی دیگر آورده نمی‌تواند، و جز الله کسی دیگر نمی‌توان شر از انسان دور نماید.
۲. نهی از تطییر یعنی اینکه شوم‌انگاشتن چیزی باعث شود که انسان از کاری که می‌خواست انجام بدهد دست بکشد.

۳. فال نیک از جمله تطییر که از آن نهی شده نیست بلکه نوعی حسن ظن به الله تعالی است.

۴. همه چیز بنابر تقدیر الله عزوجل که یگانه و بی شریک است رخ می دهد.

(۳۴۲)

(۳۰) - عَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدٍ الْجُهَنِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: صَلَّى لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَاةَ الصُّبْحِ بِالْحَدِيثِيَّةِ عَلَى إِثْرِ سَمَاءٍ كَانَتْ مِنَ اللَّيْلَةِ، فَلَمَّا انْصَرَفَ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ، فَقَالَ: «هَلْ تَدْرُونَ مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ؟» قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: «أَصْبَحَ مِنْ عِبَادِي مُؤْمِنٌ بِي وَكَافِرٌ، فَأَمَّا مَنْ قَالَ: مُطِرْنَا بِفَضْلِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ، فَذَلِكَ مُؤْمِنٌ بِي وَكَافِرٌ بِالْكُوكِبِ، وَأَمَّا مَنْ قَالَ: بِنُوءٍ كَذَا وَكَذَا، فَذَلِكَ كَافِرٌ بِي وَمُؤْمِنٌ بِالْكُوكِبِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۳۰) - از زید بن خالد الجهنی رضی الله عنه روایت است که او فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم برای ما نماز صبح را در حدیبیه ادا نمود در حالی که شب باران باریده بود، چون نماز تمام شد رو به مردم کرد و فرمودند: «آیا می دانید پروردگار شما چه گفت؟» گفتند الله و رسولش داناترند، فرمودند: «بعضی از بندگانم در حالی صبح نمودن که به من ایمان آوردند و بعضی دیگر به من کفر ورزیدند، پس کسی که گفت: به لطف و رحمت الله بالای ما باران شد، این به من ایمان آورده و به ستارگان کفر ورزیده است، و اما آن که گفت: با درخشش ستاره فلان و فلان بالای ما باران شد، این به من کفر ورزیده و به ستارگان ایمان آورده است». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نماز صبح را در حدیبیه به جای آورد، - روستایی نزدیک مکه - پس از بارندگی در آن شب، هنگامی که سلام کرد و نمازش را تمام کرد، روی خود را به سوی مردم کرد و از آنان پرسیدند: آیا می دانید پروردگارتان چه فرمودند؟ پاسخ دادند: الله و رسولش بهتر می دانند. فرمودند: الله متعال بیان نمود که مردم در هنگام بارندگی به دو دسته تقسیم می شوند: دسته ای که به الله متعال ایمان دارند و دسته ای که به الله متعال کافر می شوند، و اما کسانی که گفتند: بالای ما به فضل و رحمت الله باران بارید، و باریدن باران را به الله متعال نسبت داده اند؛ این ها مومن اند به الله خالق و تصرف کننده امور جهان، و کافر اند به ستارگان، و اما کسانی که گفتند: توسط فلان ستاره بر ما باران بارید؛ این ها به الله کافرنند، و مؤمن اند به ستاره، و این یک کفر کوچک است، چون نسبت باران را به ستاره نمودند؛ حالانکه الله متعال ستاره را سبب شرعی و یا تقدیری برای باران قرار نداده است، و اما کسی که باران و دیگر حوادث زمین را به حرکت ستاره ها در هنگام طلوع و سقوط آنها نسبت می دهد و معتقد است که عامل اصلی آنها هستند، پس این انسان کفر ورزیده و مرتکب کفر بزرگ شده است.

از فوائد حدیث:

۱. پس از باریدن باران، گفتن این جمله مستحب است: مُطَرْنَا بِفَضْلِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ. یعنی به فضل و رحمت الله متعال بالای ما باران بارید.

۲. هر کس نعمت باران و سایر چیزها را از نظر خلقت و آفریدن به ستاره نسبت دهد، او کفر بزرگ ورزیده است، و اگر کسی آن را سبب قرار دهد، پس کفر کوچک ورزیده است، زیرا - ستاره - سبب شرعی و حسی نیست.
۳. نعمت زمانی سبب کفر می شود که نا سپاسی آن صورت گیرد، و زمانی سبب ایمان می گردد که شکر و سپاس آن شود.
۴. ممنوع بودن این سخن که: «با - آشکار شدن - ستاره فلان بالای ما باران بارید» هر چند اگر هدف گوینده وقت و زمان هم باشد؛ تا این که ذریعه شرک قرار نگیرد.
۵. واجب بودن این که برای حصول نعمت ها و دفع کردن مصیبت ها، دل باید به الله متعال تعلق بگیرد. (یعنی این باور باید وجود داشته باشد که این همه امور را تنها الله متعال انجام می دهد).

(۶۵۰۱۰)

(۳۱) - عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ الْجُهَنِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَقْبَلَ إِلَيْهِ رَهْطٌ، فَبَايَعَ تِسْعَةً وَأَمْسَكَ عَنْ وَاحِدٍ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، بَايَعْتَ تِسْعَةً وَتَرَكْتَ هَذَا؟ قَالَ: «إِنَّ عَلَيْهِ تَمِيمَةً»، فَأَدْخَلَ يَدَهُ فَقَطَعَهَا، فَبَايَعَهُ، وَقَالَ: «مَنْ عَلَّقَ تَمِيمَةً فَقَدْ أَشْرَكَ». [حسن] - [رواه أحمد]

(۳۱) - از عُقْبَةُ بن عامر جُهَنِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که: گروهی به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدند، پس ایشان با نه تن از آنان بیعت کردند، و از بیعت با یکی از آنها امتناع ورزیدند. گفتند: یا رسول الله، با نه تن بیعت

کردی و این یکی را رها کردی؟ فرمودند: «تمیمه‌ای (تعویذ) بر او بود»، پس او دستش را داخل نموده و آن را پاره کرد، سپس با او بیعت کرد و فرمودند: «هرکس تمیمه‌ای آویزان کند شرک ورزیده است». [حسن] - [احمد روایت کرده]

توضیح:

گروهی متشکل از ده نفر به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدند و نه تن از آنان بر اسلام و پیروی بیعت کردند، ولی با دهمی بیعت نکرد و چون از ایشان سبب این کارشان را پرسیدند فرمودند: بر او تمیمه‌ای (تعویذ) آویزان است، و تمیمه یعنی مهره یا هر چیزی دیگری که به هدف دفع چشم زخم یا ضرر به خود می‌بندند یا آویزان می‌کنند، آن مرد دستش را در محلی که تمیمه از آن آویزان بود برد و آن را پاره کرد و از خود دور نمود، آنگاه پیامبر صلی الله علیه وسلم با او بیعت کرد، و نسبت به تمیمه‌ها و تعویذها هشدار داد و حکمش را چنین بیان کرد که: «هر کس تمیمه‌ای آویزان کند شرک ورزیده است».

از فوائد حدیث:

۱. هرکس بر غیر الله تکیه کند، الله با او برعکس قصدی که دارد تعامل می‌کند.
۲. اعتقاد به اینکه تمیمه سببی در دفع زیان و چشم زخم است شرک اصغر است، اما اگر معتقد باشد که تمیمه به ذات خود سودمند است مرتکب شرک اکبر شده است.

(۳۲) - عن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «إِنَّ الرُّقَى وَالتَّمَائِمَ وَالتَّوَلَةَ شِرْكٌ». [صحيح] - [رواه أبو داود وابن ماجه وأحمد]

(۳۲) - عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - روایت نموده که شنیدم رسول الله - صلی الله علیه و سلم - می فرمایند: "افسون و تعویذ، بستن چشم زخم به کودکان، و جادوی نزدیک کردن زن و شوهر به هم شرک است". [صحيح] - [ابو داود و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم کارهایی را بیان نمود که انجام دادن آن شرک است، از جمله:

اول: رقیه (دم): گفتارهای شرکی که اهل جاهلیت توسط آن شفا می جستند.
دوم: تعویذ و مهره و امثال آن: که برای دفع بلا به کودکان و حیوانات و غیر آن می چسبانند.

سوم: جادو: که برای کسب محبت یکی از همسران برای دیگری ساخته شده است.

این کارها از جمله شرک شمرده میشود، زیرا چیزی را سبب می پندارد، که نه سبب شرعی است که با دلیل ثابت شده باشد و نه دلیل حسی که با تجربه ثابت شده باشد، و اما اسباب شرعی مانند خواندن قرآن و یا اسباب جسمانی مانند داروهای که به تجربه ثابت شده است، با اعتقاد به علت بودن آنها و اینکه منفعت و ضرر آن در دست الله است جایز است.

از فوائد حدیث:

۱. حفظ توحید و عقیده از هر آنچه که آن را مختل می سازد.
۲. منع استفاده از افسون های شرکی و بند و تعویذ و غیره.
۳. اعتقاد انسان به این سه که آنها اسباب اند، شرک اصغر است، زیرا چیزی را که سبب نیست او را سبب قرار داد، ولی اگر معتقد باشد که به خودی خود منفعت و ضرر دارد، شرک اکبر است.
۴. بر حذر داشتن از انجام دادن کارهای شرکی و حرام.
۵. حرام بودن دم شرکی مگر آنکه مشروع باشد.
۶. دل باید تنها به الله واحد بسته باشد، زیرا ضرر و منفعت تنها از آن اوست که شریکی ندارد، پس خیری نمی آورد و بدی را دفع نمی کند، جز او ذات متعال.
۷. خواندن دعا جایز است که سه شرط داشته باشد: ۱- معتقد باشد که وسیله است و جز به اذن الله نفعی نمی رساند. ۲- از قرآن، و اسماء و صفات الله و ادعیه نبوی و دعاهاى مشروع باشد. ۳- به زبانی قابل فهم باشد و حاوی سحر و جادو نباشد.

(۳۳) - عن بعض أزواج النبي صلى الله عليه وسلم عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ آتَى عَرَاةً فَسَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۳) - از بعضی همسران پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: کسیکه نزد فالیین برود، و او را درباره چیزی پرسد، چهل نماز او پذیرفته نمی شود. [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از رفتن نزد فالیین هشدار می دهد- که نام عام برای کسی است که غیب گویی می کند- و ستاره شناس، و کسی که توسط دست زدن در ریگ از مجهولات جستجو می کند و امثال آن که علم غیب را از مقدماتی که استفاده می کنند استنباط می کنند - و این که کسی محضی از او در مورد امور غیبی سؤال کند، الله متعال چهل روز او را از ثواب نمازش محروم می گرداند.

از فوائد حدیث:

۱. نهی از غیب گویی، و رفتن نزد غیبگو و پرسیدن آنها در امور غیبی.
۲. ممکن است انسان به سبب یک گناه از ثواب اطاعت محروم شود.
۳. این حدیث به طالع بینی نظر به برج ها، کف خوانی و پیاله نیز صدق می کند، حتی اگر صرفاً به خاطر معلومات هم باشد، زیرا همه ی اینها تحت پیشگویی و دعوای غیب قرار می گیرد.

۴. اگر این جزای کسی باشد که پیش فالگیر می رود، پس جزای خود فالگیر چگونه باشد؟
۵. نماز چهل روز او می شود، به این معنا که بالایش قضاء آوردن نیست، ولی ثواب در آن نیست.

(۹۸۶)

(۳۴) - عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ سَمِعَ رَجُلًا يَقُولُ: لَا وَالْكَعْبَةِ، فَقَالَ ابْنُ عُمَرَ: لَا يُحْلَفُ بِغَيْرِ اللَّهِ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ حَلَفَ بِغَيْرِ اللَّهِ فَقَدْ كَفَرَ أَوْ أَشْرَكَ». [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي وأحمد]

(۳۴) - از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که از مردی شنید که می گفت: سوگند به کعبه، ابن عمر فرمود به غیر الله سوگند نمی شود، چون از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمودند: «کسی که بغیر الله سوگند یاد کند کفر و یا شرک ورزیده است». [صحيح] - [ابو داود و ترمذی و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خبر می دهد هر کس به غیر الله و اسماء و صفات او سوگند یاد کند به الله کافر و یا شرک ورزیده است، زیرا سوگند مستلزم بزرگی سوگند شونده می باشد، و بزرگی فقط برای الله است؛ پس سوگند یاد نمی شود مگر به الله و اسماء و صفات او سبحانه و تعالی، و این نوع سوگند شرک اصغر می باشد؛ ولی اگر سوگند دهنده توسط آن

تعظیم سوگند شونده را مانند تعظیم الله متعال و یا بزرگتر از آن بداند؛ اینجاست که مرتکب شرک اکبر شده است.

از فوائد حدیث:

۱. این که تعظیم در سوگند حق الله سبحانه و تعالی می باشد، پس جز به الله و اسماء و صفات او سوگند یاد نمی شود.
۲. حرص ورزیدن صحابه کرام به امر به معروف و نهی از منکر،
۳. به ویژه اگر منکر به شرک یا کفر تعلق بگیرد.

(۳۳۵۹)

(۳۵) - عَنْ بُرَيْدَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ حَلَفَ بِالْأَمَانَةِ فَلَيْسَ مِنَّا». [صحيح] - [رواه أبو داود وأحمد]

(۳۵) - از بُریده رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرکس به امانت سوگند یاد کند، از ما نیست». [صحيح] - [ابو داود و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از سوگند یاد کردن به امانت نهی فرموده، و هر کس آن را انجام دهد از ما نیست.

از فوائد حدیث:

۱. تحریم سوگند به غیر الله متعال، از آن جمله: سوگند یاد کردن به امانت، و این که آن شرک اصغر است.
۲. امانت شامل طاعت، عبادت سپرده، نقد و امان می شود.

۳. سوگند فقط به الله متعال یا به یکی از نامها و یا به یکی از صفات او صورت گیرد.

۴. خطابی می گوید: این شبیه آن است که کراهیت از بهر این است که یاد کردن سوگند تنها به الله و صفاتش صورت گیرد، نه به امانت که از جمله صفات او تعالی نیست، بلکه از اوامر و واجبات اوست، پس به علت تساوی بین امانت و نامها و صفات الله متعال از این گونه سوگند نهی شده است.

(۸۹۶)

(۳۶) - عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي رَهْطٍ مِنَ الْأَشْعَرِيِّينَ اسْتَحْمِلُهُ، فَقَالَ: «وَاللَّهِ لَا أَحْمِلُكُمْ، مَا عِنْدِي مَا أَحْمِلُكُمْ» ثُمَّ لَبِثْنَا مَا شَاءَ اللَّهُ فَأُتِيَ بِإِبِلٍ، فَأَمَرَ لَنَا بِثَلَاثَةِ دَوْدٍ، فَلَمَّا انْطَلَقْنَا قَالَ بَعْضُنَا لِبَعْضٍ: لَا يُبَارِكُ اللَّهُ لَنَا، أَتَيْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَسْتَحْمِلُهُ فَحَلَفَ أَنْ لَا يَحْمِلَنَا فَحَمَلَنَا، فَقَالَ أَبُو مُوسَى: فَأَتَيْنَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَذَكَّرْنَا ذَلِكَ لَهُ، فَقَالَ: «مَا أَنَا حَمَلْتُكُمْ، بَلِ اللَّهُ حَمَلَكُمْ، إِنِّي وَاللَّهِ - إِنْ شَاءَ اللَّهُ - لَا أَحْلِفُ عَلَى يَمِينٍ، فَأَرَى غَيْرَهَا خَيْرًا مِنْهَا، إِلَّا كَفَرْتُ عَنْ يَمِينِي، وَأَتَيْتُ الَّذِي هُوَ خَيْرٌ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۳۶) - از ابو موسی رضی الله عنه روایت است که فرمود: با گروهی از اشعری ها به حضور رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدم تا برای آنان شتری بدهد، پس او فرمودند: «به الله سوگند من شما را بر شتری حمل نمی کنم،

و نزد م شتری نیست که برای شما بدهم، سپس تا مدتی الله خواسته بود منتظر بودیم، در این اثنا برای رسول الله صلی الله علیه وسلم سه شتر آورده شد، و آنها را برای ما فرستاد، چون به راه افتادیم، برخی از ما به یکدیگر گفتند: الله ما را برکت ندهد، رسول الله صلی الله علیه وسلم سوگند یاد نمود که برای ما شتر نمی دهد سپس برای ما شتر فرستاد، پس ابوموسی گفت: ما نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدیم به او موضوع را یادآور شدیم و فرمودند: «این من نبودم که برای شما شتر داده ام، بلکه الله برای شما داده است، و به الله سوگند - اگر خواست الله باشد - هیچ سوگندی نمی خورم که پس از آن خلاف آن را بهتر ببینم، مگر اینکه همان کارِ بهتر را انجام می دهم و کفاره ی سوگندم را ادا می کنم». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت می کند که او با گروهی از قبیله خود نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و مقصودشان این بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم به آنها برای سوار شدن شتر بدهد؛ برای اینکه بتوانند در جهاد شرکت کنند، او علیه الصلاة والسلام قسم خورد که آنان را حمل نمی کند، و چیزی برای حمل آنان نداشت، پس برگشتند و مدتی ماندند، سپس برای پیامبر علیه الصلاة والسلام سه شتر آورده شد، و وی صلی الله علیه وسلم آنها را برای آنان فرستاد، و برخی به یکدیگر گفتند: الله در این

شترها برای ما برکت ندهد؛ چون پیامبر صلی الله علیه وسلم قسم خورد که ما را بالای شتر حمل نمی کند، پس نزد او آمدند و از او پرسیدند، وی علیه الصلاة والسلام فرمودند: آن که شما را بر شتر حمل کرد الله متعال است؛ زیرا اوست که توفیق و رزق دهنده است، اما من سبب آن شدم که به دست من اتفاق افتید. سپس وی صلی الله علیه وسلم فرمودند: به الله سوگند من ان شاء الله به چیزی سوگند نمی خورم که آن کار را انجام می دهم و یا نمی دهم، و می بینم که غیر از آن چیزی که به آن سوگند خورده ام بهتر و برتر است، مگر اینکه انجام دهم چیزی را که برتر است و آنچه را که به آن سوگند خورده ام را ترک می کنم، و سوگندم را کفاره می کنم.

از فوائد حدیث:

۱. سوگند خوردن بدون خواستن سوگند جایز است؛ برای تایید خبر حتی اگر در آینده باشد.
۲. جواز استثناء با گفتن «ان شاء الله» بعد از سوگند، و اگر نیت استثناء با سوگند همراه و متصل به آن باشد، کفاره حث لازم نمی شود.
۳. تشویق به مخالفت سوگند هرگاه دید که چیز دیگری بهتر از آن است، و کفاره سوگند خویش را ادا نماید.

(۳۷) - عَنْ حُذَيْفَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَقُولُوا: مَا شَاءَ اللهُ وَشَاءَ فُلَانٌ، وَلَكِنْ قُولُوا: مَا شَاءَ اللهُ ثُمَّ شَاءَ فُلَانٌ». [صحيح بمجموع طرقه] - [رواه أبو داود والنسائي في الكبرى وأحمد]

(۳۷) - از حُذَيْفَه رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روايت است كه رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: «نگوييد آنچه الله و فلانی بخواهند، بلكه بگوييد: آنچه الله بخواهد، سپس فلانی بخواهد». [صحيح از همه طرق آن] - [ابو داود و نسائي در الكبرى و احمد روايت کرده]

توضيح:

پيامبر صلى الله عليه وسلم از اين نهی کرده‌اند كه مسلمان در سخنش بگويد: «آنچه الله بخواهد و فلانی بخواهد»، يا آنچه الله و فلانی بخواهند؛ زيرا مشيت و اراده الله مطلق است و كسى در آن با وى شريك نيست، اما آوردن واو عطف در اين جمله اين احساس را مى‌رساند كه كسى با الله شريك است و [در اراده‌شان] با هم يكسان هستند، اما بگوييد: آنچه الله بخواهد، سپس فلانی بخواهد، يعنى با گفتن «سپس» به جاى «و»، مشيت بنده را تابع مشيت الله كند، زيرا «سپس» نشانگر تعقيب (بعدا آمدن) است.

از فوائد حديث:

۱. تحريم گفتن: «آنچه الله و تو بخواهى» و جملاتى شبیه اين كه در آن عطف به الله با «و» آمده است، زيرا اين از شرك الفاظ و اقوال است.
۲. جازي بودن گفتن «آنچه الله، سپس تو بخواهى» و شبیه آن كه در آن عطف با «سپس» و «بعد» آمده است زيرا محذور در آن رخ نداده است.

۳. اثبات مشیت برای الله و اثبات مشیت برای بنده، و اینکه مشیت بنده تابع مشیت الله تعالی است.

۴. نهی از شریک ساختن خلق در مشیت الله اگرچه به لفظ باشد.

۵. اگر بنده معتقد باشد که مشیت و اراده بنده همانند مشیت الله متعال است و در شمول و اطلاق با آن برابر است، یا معتقد باشد که بنده مشیتی مستقل دارد دچار شرک اکبر شده است، اما اگر به پایین تر از آن معتقد باشد، دچار شرک اصغر شده است.

(۳۳۵۲)

(۳۸) - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ لَبِيدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمُ الشِّرْكَ الْأَصْغَرَ» قَالُوا: وَمَا الشِّرْكُ الْأَصْغَرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «الرِّيَاءُ، يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِذَا جُزِيَ النَّاسُ بِأَعْمَالِهِمْ: اذْهَبُوا إِلَى الَّذِينَ كُنْتُمْ تُرَاوُونَ فِي الدُّنْيَا، فَاَنْظُرُوا هَلْ تَجِدُونَ عِنْدَهُمْ جَزَاءً؟». [حسن] - [رواه أحمد]

(۳۸) - از محمود بن لبید رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بیشترین چیزی که از آن بر شما بیمناک هستم، شرک اصغر است» گفتند: شرک اصغر چیست ای رسول الله؟ فرمودند: «ریا؛ الله عزوجل در روز قیامت هنگامی که برای مردم پاداش اعمال ایشان داده شود به آنان [یعنی ریاکاران] می گوید: به نزد کسانی بروید که در دنیا برای آنان ریاکاری می کردید، و ببینید که آیا نزد آنان پاداشی می یابید؟».

[حسن] - [احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان می دارد که بیشترین چیزی که از آن بر امتش هراس دارد، شرک اصغر یعنی ریا است؛ یعنی اینکه برای مردم اعمال [نیک] انجام دهند. سپس درباره مجازات ریاکاران در روز قیامت خبر داده که به آنان گفته می شود: به نزد کسانی بروید که برای آنان کارهای نیک انجام می دادید، و ببینید که آیا می توانند به شما پاداش دهند و برای آن عمل به شما اجر دهند؟!

از فوائد حدیث:

۱. واجب بودن اخلاص برای الله عزوجل، و هراس از ریا.
۲. شدت دلسوزی پیامبر صلی الله علیه وسلم برای امت خویش، و کوشش ایشان برای هدایت و نصیحت آنان.
۳. اگر این ترس پیامبر صلی الله علیه وسلم نسبت به صحابه است که سروران نیکوکاران بودند، پس این بیم نسبت به کسانی که بعد از آنان می آیند بیشتر است.

(۳۳۸۱)

(۳۹) - عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَا يَزِيْرِي رَجُلٌ رَجُلًا بِالْفُسْوقِ، وَلَا يَزِمِيهِ بِالْكُفْرِ، إِلَّا ارْتَدَّتْ عَلَيْهِ، إِنْ لَمْ يَكُنْ صَاحِبُهُ كَذَلِكَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۳۹) - از ابوذر رضی الله عنه روایت است که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده که فرمودند: «هیچکس دیگری را متهم به فسق یا کفر

نمی کند مگر اینکه فسق و کفر به خود او بازمی گردد، در صورتی که

دوستش چنین نباشد». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم هشدار داده که کسی به دیگری بگوید: ای فاسق، ای کافر؛ چون در صورتی که او چنین نباشد، این کلمه به گوینده ی آن بازمی گردد، اما اگر آنچه گفته است در او باشد بر وی چیزی بر نمی گردد؛ زیرا در مورد او راست گفته است.

از فوائد حدیث:

۱. تحریم تهمت زدن به کفر یا فسق مردم بدون توجیه شرعی.
۲. وجوب تثبیت در صدور حکم بر مردم.
۳. ابن دقیق العید می گوید: این هشدار بزرگی است برای کسی که یکی از مسلمانان را کافر بداند و او اینچنین نباشد، و این یک معضل بزرگی است.
۴. ابن حجر عسقلانی می گوید: اما اینکه او به این وسیله فاسق و یا کافر پنداشته نمی شود، به این معنا نیست که او گناهکار نیست وقتی بگوید: تو فاسق هستی، بلکه در این صورت است تفصیل است: اگر قصد نصیحت او و یا نصیحت کسی دیگر را داشته باشد، جایز است، ولی اگر قصد سرزنش و بر ملا نمودن او را داشته باشد، که محض اذیت برای او برسد جایز نیست؛ زیرا او به ستر، آموزش و نصیحت نیکوی او مامور شده است، پس اگر این کار با نرمی انجام گیرد، انجام آن با خشونت

جایز نیست؛ زیرا ممکن است سبب تحریک و اصرار او بر آن عمل باشد، چنان که سرشت بسیاری از مردم در عزت نفس است، به ویژه اگر فرمانده از مقام امر شونده پایین تر باشد.

(۸۸۸۳)

(۴۰) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اِثْنَتَانِ فِي النَّاسِ هُمَا بِهِمْ كُفْرٌ: الطَّعْنُ فِي النَّسَبِ، وَالتِّيَاحَةُ عَلَى الْمَيِّتِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۴۰) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «دو رفتار در میان مردم رواج دارد که هر دو از مصادیق کفر است: طعنه زدن در نسب و نوحه گری بر مُرده». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می دهند که دو رفتار در میان مردم استمرار خواهد داشت که هر دو از اعمال کفار و اخلاق جاهلیت می باشند؛ و آنها:

اول: عیبجویی در نسب های مردم و تحقیر، و تکبر بر آنان می باشد.

دوم: بلند کردن صدا به هنگام مصیبت از دست دادن کسی به علت نارضایتی از تقدیر می باشد، و یا پاره کردن لباس از شدت مصیبت.

از فوائد حدیث:

۱. تشویق به فروتنی و عدم تکبر بر مردم.
۲. وجوب صبر بر مصیبت و عدم نارضایتی.

۳. این اعمال کفر اصغر است، و هر کس آن را که یکی از شاخه های کفر است انجام دهد کافر نمی شود که سبب خروج او از اسلام شود، تا این که به سبب آن کفر اکبر را انجام دهد.
۴. نهی اسلام از هر آنچه سبب تفرقه میان مسلمانان می شود از قبیل طعنه زدن در نسب ها و غیره.

(۶۳۶)

(۴۱) - عن أبي مرثدٍ الغنَوِيِّ رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَا تَجْلِسُوا عَلَى الْقُبُورِ، وَلَا تُصَلُّوا إِلَيْهَا». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۴۱) - از ابو مرثد الغنوی رضی الله عنه روایت است گفت که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: بر قبرها ننشینید و به سوی آنها نماز نخوانید. [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از نشستن بر قبرها نهی کرده است. همچنان از نماز خواندن به سمت قبرها منع فرموده اند، به گونه یی که قبر در جهت قبله نمازگزار باشد، زیرا آن وسیله شرک است.

از فوائد حدیث:

۱. نهی از خواندن نماز در میان و بین قبرستانها و یا به سمت آنها، به جز نماز جنازه که در سنت ثابت شده است.
۲. نهی از خواندن نماز به سمت قبرها به خاطر جلوگیری از واقع شدن در شرک.

۳. اسلام از غلو در قبرها و بی احترامی به آن نهی کرده است، پس زیاد روی و غفلت (افراط و تفریط در دین) نیست.
۴. نظر به فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم: حرمت مسلمان بعد از مرگش باقی است (می فرماید) (شکستن استخوان مرده مانند شکستن آن در حال زنده بودن او است).

(۱۰۶۴۷)

(۴۲) - عَنْ أَبِي طَلْحَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا صُورَةٌ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۴۲) - از ابوطلحه رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ملائکه به خانه ای که در آن سگ یا تصویر باشد، وارد نمی شوند». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر دادند که فرشتگان رحمت به خانه ای که در آن سگ یا تصویری از جانداران باشد وارد نمی شوند؛ زیرا تصویری که در آن روح باشد: گناه بزرگیست، و در آن تشبیه در خلق الله است، و وسیله از وسایل شرک است، و برخی از آن تصویری هست که به جای الله پرستش می شود، و اما سبب امتناع آنان از خانه ای که سگ دارد این است: چون زیاد نجاست می خورد، و این که بعضی از آنها شیطان نامیده می شوند؛ و فرشتگان ضد شیاطین هستند، و این که سگ بوی زشتی می

دهد؛ و فرشتگان بوی بد را نمی پسندند، و این که گرفتن آن حرام است؛ بنابراین گیرنده آن از ورود فرشتگان رحمت به خانه او محروم می شود، و نماز آنان در این خانه، و طلب آموزش آنان برای صاحب خانه، و با برکت ساختن خانه و صاحب خانه، و دفع نمودن آنان از اذیت شیطان است.

از فوائد حدیث:

۱. تحریم داشتن سگ مگر این که سگ شکار، حفظ رمه و مزرعه باشد.
۲. گرفتن تصویر از امور نا شایسته یی است که فرشتگان از آن نفرت می ورزند، و موجودیت آنها در محل موجب حرمان رحمت می شود، و مانند آن سگ هم است.
۳. فرشتگانی که وارد خانه ای نمی شوند که در آن سگ یا تصویر باشد فرشتگان رحمت هستند، ولی فرشتگان حفاظت و دیگرانی که وظیفه ای دارند مانند فرشته مرگ آنان در هر خانه وارد می شوند.
۴. تحریم آویزان کردن تصاویر زنده جان به دیوارها و جاهای دیگر.
۵. خطایی گفت: فرشتگان وارد خانه ای نمی شوند که در آن سگ یا تصویری وجود داشته باشد، و اما سگ ها و تصاویری که حرام نیست، که برای شکار، زراعت، دام و تصاویری که در قالبینچه و بالشت و چیزهای دیگر به کار می رود، فرشتگان به سبب آنها منع نمی شوند.

(۴۳) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَصْحَبُ الْمَلَائِكَةَ رُقْفَةً فِيهَا كَلْبٌ وَلَا جَرَسٌ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۴۳) - از ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «ملائکه با گروهی که در بین آنها سگ و زنگوله است همراهی نمی کنند». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده اند که ملائکه در سفر با گروهی همراهی نمی کنند که سگی همراهشان است، یا زنگوله ای که به حیوان بسته می شود و هنگام حرکت صدا می دهد.

از فوائد حدیث:

۱. نهی از نگهداری سگ و همراه بردن آن با خود، اما سگ شکار یا سگ نگهبان از این نهی مستثنی است.
۲. ملائکه ای که از همراهی امتناع می کنند، ملائکه رحمت هستند نه ملائکه ای که اعمال را می نویسند، و همواره در اقامت و سفر همراه انسان هستند.
۳. نهی از زنگوله، زیرا زنگوله نایی از نای های شیطان است، و در آن شباهت با زنگ کلیسای نصرانیان است.
۴. مسلمان باید سعی کند که از هر چیزی که باعث دور شدن ملائکه می شود دوری کند.

(۴۴) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَأْتِي الشَّيْطَانُ أَحَدَكُمْ فَيَقُولُ: مَنْ خَلَقَ كَذَا؟ مَنْ خَلَقَ كَذَا؟ حَتَّى يَقُولَ: مَنْ خَلَقَ رَبَّكَ؟ فَإِذَا بَلَغَهُ فَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ وَلْيَنْتِهِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۴۴) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: شیطان نزد یکی از شما می آید و می گوید: چه کسی فلان را آفریده است؟ چه کسی فلان را خلق کرده است؟ تا اینکه می گوید: پروردگارت را چه کسی آفریده است؟ هرگاه تا این حد برسد، به الله پناه برده و توقف نماید. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم از درمان مؤثر برای پرسش های که شیطان برای مؤمن وسوسه می کند خبر می دهد، پس شیطان می گوید: چه کسی این را آفریده؟ چه کسی این را آفریده؟ چه کسی آسمان را آفریده؟ چه کسی زمین را آفریده؟ پس مؤمن از دید دین، فطرت و عقل پاسخ می دهد و می گوید: الله، اما شیطان در این سطح از وسوسه ها متوقف نمی شود، بلکه از این هم جلوتر می رود تا اینکه می گوید: پروردگارت را چه کسی آفریده؟ اینجا است که مؤمن با سه چیز این وسوسه ها را دفع می کند:

با ایمان به الله.

با پناه بردن به الله متعال از شیطان.

و به متوقف شدن و عدم جلو رفتن با وسوسه ها.

از فوائد حدیث:

۱. روی گردانی از وسوسه ها و خطرات شیطان و فکر نکردن به آنها، و رو آوردن به الله متعال برای رفع آنها.
۲. هر آنچه که در دل انسان از وسوسه های مخالف شریعت واقع گردد از سوی شیطان می باشد.
۳. نهی از فکر کردن در ذات الله، و تشویق به تدبر در مخلوقات و نشانه های او.

(۶۰، ۱۳)

(۴۵) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ، فَإِذَا أَحَبَبْتُهُ: كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا، وَإِنْ سَأَلَنِي لأُعْطِيَنَّهُ، وَلَئِنْ اسْتَعَاذَنِي لأُعِيذَنَّهُ، وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ تَرَدُّدِي عَنْ نَفْسِ الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ».

[صحيح] - [رواه البخاري]

(۴۵) - از بوهیره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الله تعالی فرمودند: هر که با دوستی از دوستانم دشمنی ورزد با او اعلام جنگ کرده‌ام، و بنده‌ام با چیزی به من نزدیک نشده که برای من محبوب‌تر از آنچه بر او فرض کرده‌ام باشد، و بنده‌ام همواره با نوافل به من تقرب

می جوید تا آنکه دوستش بدارم، پس چون دوستش داشتم من گوش او می شوم که با آن می شنود (یعنی او را به شنوایی حق موفق می سازد)، و چشم او می شوم که با آن می بیند (یعنی او را به دیدن حق موفق می سازم)، و دست او می شوم که با آن می گیرد (یعنی او را به انجام دادن اعمال نیک موفق می سازم)، و پای او می شوم که با آن راه می رود (یعنی به جاهای ناروا و حرام نمی رود)، و اگر از من بخواهد قطعا به او عطا خواهم کرد، و اگر از من پناه بخواهد او را پناه خواهم داد، و در کاری که انجامش می دهم به اندازه گرفتن جان مؤمن تَرَدُّد نکرده‌ام، او مرگ را نمی پسندد و من هم آزار او را نمی پسندم». [صحیح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیث قدسی خبر داده است که الله عزوجل می فرماید: هرکه دوستی از دوستان مرا آزار دهد و او را خشمگین سازد یا از او کینه به دل گیرد، من با او اعلام دشمنی کرده‌ام.

ولی یعنی: مؤمن متقی، و به هر پیمان‌ه که بنده از ایمان و تقوا برخوردار باشد از ولایت الله بیشتر بهره‌مند خواهد بود، و مسلمان با چیزی به پروردگارش نزدیک نشده که نزد پروردگار محبوب‌تر از فرایضی است که بالای او فرض گردانیده، و رو آوردن به طاعات و ترک حرام‌ها می باشد، و بنده همواره توسط نوافل به همراه فرایض به پروردگارش نزدیکی می جوید؛ تا آنکه محبت الله متعال را کسب کند، و چون الله او را دوست بدارد، او را در این چهار عضو ش توفیق کار درست را می دهد:

او را در شنوایی اش توفیق می دهد، پس جز آنچه الله دوست دارد را نمی شنود.

و او را در بینایی اش توفیق می دهد، پس نگاه نمی کند جز به آنچه که الله متعال نگاه کردن به آن را دوست دارد و می پسندد. و دستان او را توفیق می دهد پس با دستانش جز آنچه باعث خشنودی الله است را انجام نمی دهد.

و به پاهایش توفیق می دهد، بنابراین نمی رود جز به سمت آنچه الله می پسندد، و تلاش نمی کند مگر در آنچه که خیر نهفته باشد. و با این، اگر از الله چیزی بخواهد برایش عطا می کند، بنابراین مجاب الدعوه می شود، و اگر به الله پناه ببرد او را پناه می دهد و از آنچه می ترسد در امان می دارد. سپس الله تعالی فرمودند: در چیزی تردد نکردم مگر در گرفتن جان مؤمن و این از روی رحمت به اوست؛ زیرا مؤمن مرگ را دوست ندارد چرا که دردناک است و الله درد مؤمن را نمی پسندد.

از فوائد حدیث:

۱. این حدیث را پیامبر صلی الله علیه وسلم از پروردگارش روایت کرده، و آن را حدیث قدسی یا حدیث الهی گویند، و حدیثی است که لفظ و معنایش از سوی الله است اما ویژگی های قرآن را که خاص قرآن است ندارد، از جمله آنکه خواندن لفظش مانند قرآن عبادت نیست، و برای خواندنش طهارت لازم نیست، و به چالش کشاندن و اعجاز و دیگر موارد.
۲. نهی از آزار رساندن به دوستان الله متعال و ترغیب به محبت آنان و اعتراف به فضیلت شان.
۳. امر به دشمنی با دشمنان الله متعال و تحریم دوستی با آنان.

۴. کسی که مدعی دوستی و ولایت الله شود اما از شرع او پیروی نکند ادعایش دروغین است.
۵. ولایت الهی با انجام واجبات و ترک محرمات به دست می آید.
۶. از جمله اسباب کسب محبت الله و مجاب شدن دعاها، انجام نوافل پس از به جا آوردن واجبات و ترک حرامهاست.
۷. این حدیث نشان دهنده شرف و برتری اولیاء الله و بلندی جایگاه آنان است.

(۱۳۳۷)

(۴۶) - عن العُرباض بن سارية رضي الله عنه قال: قام فينا رسول الله صلى الله عليه وسلم ذات يوم، فوعظنا موعظةً بليغةً وجِلَّتْ منها القلوبُ، وذَرَفَتْ منها العيونُ، فقلتُ: يا رسول الله، وعظتَنا موعظةً مُودِّعَ فاعهد إلينا بعهد. فقال: «عليكم بتقوى الله، والسمع والطاعة، وإن عبدًا حبشيًّا، وسترون من بعدي اختلافًا شديدًا، فعليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين المهديين، عَصُوا عليها بالنواجِذ، وإياكم والأُمُور المحدثات، فإن كل بدعة ضلالة». [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي وابن ماجه وأحمد]

(۴۶) - از عرباض بن ساریه رضی الله عنه روایت است فرمود: روزی رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان ما برخاست، و ما را موعظه ای رسا فرمودند که دل ها از آن لرزید، و چشم ها اشک آلود شد، پس گفتند: یا رسول الله، ما را موعظه کسی گفتی که در حال وداع باشد، پس ما را توصیه ای

کن، فرمودند: «شما را به تقوای الله و گوش سپردن و اطاعت کردن امر می‌کنم حتی اگر [امیرتان] برده‌ای حبشی بود، و پس از من اختلافی شدید خواهید دید، پس سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت شده را بگیرید و با بُن دندان آن را بگیرید، و از امور نوپیدا برحذر باشید زیرا هر بدعتی گمراهی است». [صحیح] - [ابو داود و ترمذی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم اصحابشان را موعظه‌ای بلیغ گفتند که دل‌ها از آن ترسان شد، و چشمان اشک آلود گردید، پس چون مبالغه و عمق موعظه ایشان صلی الله علیه وسلم را دیدند، گفتند: یا رسول الله، گویا این پند کسی است که در حال وداع است، پس از او وصیتی خواستند که پس از ایشان به آن پایبند باشند. ایشان فرمودند: شما را به تقوای الله عزوجل سفارش می‌کنم، که آن انجام واجبات و ترک محرمات اند، و گوش سپردن و اطاعت کردن، یعنی: برای امر، حتی اگر برده‌ای به امارت شما یا به ولایت شما رسید، یعنی کمترین مردم امیر شما شد از بیم برانگیخته شدن فتنه از طاعت او سر برنتابید و اطاعتش کنید، زیرا هریک از شما که زنده بماند اختلاف بسیاری را خواهد دید، سپس راه برون رفت از این اختلاف را به آنان نشان داد، و آن تمسک به سنت او و سنت خلفای راشدین هدایت یافته پس از او، یعنی ابوبکر صدیق، و عمر بن الخطاب، و عثمان بن عفان، و علی بن ابی طالب رضی الله عنهم، و گرفتن آن با دندان‌های آسیاب است که منظور از این مثال، جدیت در لزوم سنت و تمسک به آن است، و آنان را از امور نوپیدای تازه ساخته در دین برحذر داشت، زیرا هر بدعتی گمراهی است.

از فوائد حدیث:

۱. اهمیت تمسک به سنت و پیروی از آن.
۲. توجه به پند و اندرز و نرم کردن دل ها [با موعظه].
۳. امر به پیروی از چهار خلفای راشدین هدایت یافته پس از پیامبر یعنی ابوبکر و عمر و عثمان و علی، رضی الله عنهم.
۴. نهی از بدعت گذاری در دین و اینکه هر بدعتی گمراهی است.
۵. شنیدن و اطاعت کردن از هر کسی که امارت مسلمانان به او رسیده در غیر گناه.
۶. اهمیت تقوای الله عزوجل در همه اوقات و احوال.
۷. اختلاف در این امت رخ می دهد، و هنگام رخ دادن اختلاف لازم است که به سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین بازگشت.

(۶۵۰۷)

(۴۷) - عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه قال: «مَنْ خَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ، وَفَارَقَ الْجَمَاعَةَ فَمَاتَ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، وَمَنْ قَاتَلَ تَحْتَ رَايَةِ عِمِّيَّةٍ، يَغْضَبُ لِعَصْبَةٍ، أَوْ يَدْعُو إِلَى عَصْبَةٍ، أَوْ يَنْصُرُ عَصْبَةً، فَقُتِلَ، فَقَتَلَهُ جَاهِلِيَّةٌ، وَمَنْ خَرَجَ عَلَى أُمَّتِي، يَضْرِبُ بَرَّهَا وَفَاجِرَهَا، وَلَا يَتَحَاشَى مِنْ مُؤْمِنِهَا، وَلَا يَفِي لِذِي عَهْدٍ عَهْدَهُ، فَلَيْسَ مِنِّي وَلَسْتُ مِنْهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۴۷) - ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می کند که فرمودند: «هر که از اطاعت [حاکم] خارج شد، و خود را از جماعت [مسلمانان] جدا ساخت و [در این حالت] مُرد، مرگ او مرگ جاهلی است، و

هر که تحت پرچم مجهولی برای تعصب ایل و تبار یا دعوت به سوی ایل و تبار یا نصرت ایل و تبار جنگید و کشته شد، کشته شدنش جاهلی است (در مسیر جاهلیت مرده است)، و هر کسی بر اتم قیام کند و نیکوکار و بدکار را بزند، و بین مؤمنان (نیکوکار و بدکار) استثناء قائل نشد و به صاحب عهد و پیمان وفا نکرد، او از من نیست و من از او نیستم». [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده که هر که از طاعت والیان امر سر باز زند، و از جماعت مسلمانان که بر بیعت با امامی اتفاق کرده‌اند خارج شد، و بر این حالت جدایی و عدم طاعت مرد، به مرگ اهل جاهلیت مرده است که از امیری اطاعت نمی‌کردند و به یک گروه واحد نمی‌پیوستند بلکه فرقه فرقه و گروه گروه بودند و علیه هم می‌جنگیدند.

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده‌اند که هر کس زیر پرچمی بجنگد، که در آن وجه حق از باطل مشخص نیست، و صرفاً برای تعصب قوم یا قبیله با آنان همراه شده، نه برای یاری دین و حق، و در نتیجه بدون بصیرت و علم، و صرفاً از روی تعصب بجنگد و در همین حال بمیرد، همانند کشته شدن جاهلیت جان باخته است.

و کسی که علیه امت محمد صلی الله علیه وسلم خارج شود و نیک و بد آن را بزند و برایش مهم نباشد که چه می‌کند، و از عقوبت کشتن مؤمنان این امت نترسد، و به کافرانی که پیمان دارند توجه نکند، و به عهد

والیان امر اهمیت ندهد و آن را زیر پا نماید، این از گناهان کبیره است و کسی که چنین کند مستحق وعید شدید است.

از فوائد حدیث:

۱. اطاعت کردن از حاکمان در غیر معصیت الله عزوجل واجب است.
۲. این حدیث در بر دارنده هشدار شدید برای کسی است که از طاعت امام و حاکم خارج شده، و از جماعت مسلمانان جدا شده که اگر بر این حال بمیرد بر راه و روش اهل جاهلیت مرده است.
۳. در حدیث از جنگ عصیبت وقوم پرستی نهی شده است.
۴. وجوب وفا به پیمان‌ها.
۵. در طاعت و پابندی به جماعت خیر بسیار، و امن و آرامش و صلاح اوضاع نهفته است.
۶. نهی از شبیه ساختن خود به اوضاع اهل جاهلیت.
۷. امر به ملازمت جماعت مسلمانان.

(۵۸۲۱۸)

(۴۸) - عَنْ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ الْمُزَنِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْتَرْعِيهِ اللَّهُ رَعِيَّةً، يَمُوتُ يَوْمَ يَمُوتُ وَهُوَ غَاشٌّ لِرَعِيَّتِهِ، إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۴۸) - از معقل بن یسار مزنی رضی الله عنه روایت است گفت که: من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمودند: هیچ بنده ای نیست که

الله متعال وی را بر مردم حکمفرما کرده باشد، در حالی بمیرد که با رعیت خود خاین باشد، مگر اینکه بهشت را بر وی حرام کرده است". [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که هرکس را الله متعال بر مردم فرمانروا و مسؤول قرار داد، خواه مسؤولیت عام باشد مانند امیر، یا مسؤولیت خاص باشد مانند مرد و زن در خانه های خود، و در حق رعیت کوتاهی کرد، و آنان را فریب داد و نصیحت نکرد، پس حقوق دینی و دنیوی آنان را ضایع کرده است، و مستحق این عذاب سخت می شود.

از فوائد حدیث:

۱. این هشدار خاص به حاکم اعظم و نماینده های وی نیست، بلکه برای عموم کسانی است که الله متعال آنان را سرپرست قرار داده است.
۲. بر هر کسی که زمام امور مسلمانان را بدوش می گیرد واجب است که آنان را نصیحت کند، در ادای امانت تلاش کند، و از خیانت اجتناب ورزد.
۳. عظمت مسئولیت هر یک از متولیان امور عام و یا خاص، بزرگ یا کوچک.

(۴۹) - عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «سَتَكُونُ أُمَرَاءُ فَتَعْرِفُونَ وَتُنْكِرُونَ، فَمَنْ عَرَفَ بَرِيءٌ، وَمَنْ أَنْكَرَ سَلِمَ، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَابَعَ» قَالُوا: أَفَلَا تُقَاتِلُهُمْ؟ قَالَ: «لَا، مَا صَلَّوْا». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۴۹) - از مادر مؤمنان، أم سلمة رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «امریایی خواهند بود که [برخی از کارهای آنان را به نیکی] می شناسید و برخی را منکر می بینید، پس آنکه [اعمال بد آنان را به بدی] شناخت، [از گناه] پاک مانده، و آنکه انکار کرد در امان مانده، اما [گناهکار] کسی [است] که به آن خشنود شده و پیروی کرده است» گفتند: آیا با آنان نجنگیم؟ فرمودند: «نه، تا وقتی که نماز می گزارند». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر علیه الصلاة والسلام ما را آگاه نموده که امیرانی بر ما حاکم خواهند شد که برخی از اعمال آنان را چون موافق با شرع است خوب می دانیم، و برخی دیگر را به دلیل مخالفت با شرع منکر می بینیم، پس آنکه با دلش منکر را بد دانست و قادر به انکارش نبود؛ از گناه و نفاق پاک مانده است، و کسی که قادر به انکار عملی یا انکار زبانی بود و بر آنان انکار کرد از گناه و مشارکت در آن سالم مانده است، اما کسی که به کار آنان خشنود بود و از آنان در این اعمال پیروی کرد، همانند آنان هلاک خواهد شد.

سپس از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیدند: آیا با این حاکمان که چنین هستند نجنگیم؟ او آنان را از این کار منع کرد و فرمودند: نه، تا وقتی که نماز را در میان شما برگزار می کنند [با آنان نجنگید].

از فوائد حدیث:

۱. یکی از نشانه‌های پیامبری پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر دادن از امور غیبی است که رخ می‌دهد، و رخ دادن آن چیز چنانکه ایشان خبر داده‌اند.
۲. راضی شدن به منکر و مشارکت در آن جایز نیست، و انکار آن واجب است.
۳. اگر امراء کاری را انجام دادند که مخالف شریعت است، اطاعت از آنان در آن امر جایز نیست.

۴. جایز نبودن شورش و خروج بر ولایه امر زیرا به تباهی و خونریزی و ناامنی می‌انجامد، بنابراین تحمل منکر والیان امر و صبر بر آزار آنان ساده‌تر است.
۵. موضوع نماز بسیار بزرگ و والا است، زیرا جدا کننده کفر و اسلام است.

(۳۴۸۱)

(۵۰) - عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «سَتَكُونُ أَثَرَةٌ وَأُمُورٌ تُنْكَرُونَهَا» قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا تَأْمُرُنَا؟ قَالَ: «تُؤَدُّونَ الْحَقَّ الَّذِي عَلَيْكُمْ، وَتَسْأَلُونَ اللَّهَ الَّذِي لَكُمْ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۵۰) - از ابن مسعود رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «تبعیض [و خاصه خواری و ترجیح دیگران بر شما] و اموری رخ خواهد داد که آن را انکار خواهید کرد» گفتند: یا رسول الله [در آن شرایط] ما را به چه امر می‌کنید؟ فرمودند: «حق را که بر عهده شماست انجام می‌دهید، و آنچه برای شماست را از الله می‌خواهید». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده‌اند که والیانی عهده‌دار امور مسلمانان می‌شوند که اموال مسلمانان و دیگر امور دنیای آنان را در اختیار خود می‌گیرند، و آن را چنانکه می‌خواهند مصرف می‌کنند، و حق مسلمانان را از آنان باز می‌دارند، و از آنان در امر دین چیزهایی سر می‌زند که مورد انکار است، صحابه رضی الله عنهم پرسیدند که در آن حال باید چه کار کنند؟ ایشان صلی الله علیه وسلم بیان کردند که خاصه‌خواری آنان و اختیار گرفتن اموال باعث نشود که آنچه در باره آنان بر عهده شماست یعنی سمع و طاعت را انجام ندهید، بلکه صبر کنید و گوش فرا دهید و اطاعت کنید و در امر حکومت با آنان نزاع نکنید، و از الله حقی که برای شماست را بخواهید، و بخواهید که آنان را اصلاح نموده و شر و ظلم آنان را دفع کند.

از فوائد حدیث:

۱. این حدیث از دلایل نبوت ایشان صلی الله علیه وسلم است، زیرا درباره چیزی خبر داده که در امتش رخ خواهد داد، و این چیز چنانکه خبر دادند رخ داده است.
۲. جایز است بلایی که قرار است رخ دهد را به شخصی که قرار است با آن روبرو شود بگوئیم تا وقتی که رخ داد در برابر آن صابر و محتسب باشد.
۳. چنگ زدن به کتاب و سنت عامل خروج از فتنه‌ها و اختلافات است.
۴. ترغیب به شنیدن و اطاعت کردن از والیان در امر معروف، و عدم خروج و شورش علیه آنان، حتی اگر ظلمی از سوی آنان رخ دهد.

۵. بهره بردن از حکمت و پیروی از سنت در دوران فتنه‌ها.
۶. انسان باید آن حقی را که بر عهده او و وظیفه اوست انجام دهد، حتی اگر ظلمی علیه او رخ داده باشد.
۷. این دلیلی است بر قاعده انتخاب سبک‌ترین شر [از بین دو شر] یا کم‌ترین زیان [از میان دو زیان].

(۳۱۵۶)

(۵۱) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «كُلُّكُمْ رَاعٍ فَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، فَلَا مِيرَ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ، وَالْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ، أَلَا فِكُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۵۱) - از عبد الله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هریک از شما مسئولید و درباره رعیت خود پرسیده خواهید شد، بنابراین امیری که بر مردم گمارده شده مسئول آنان است و درباره آنان پرسیده خواهد شد، و مرد مسئول اهل خانه خود است و درباره آنان پرسیده خواهد شد، و زن مسئول خانه شوهر خود است و درباره آنان پرسیده خواهد شد، و برده مسئول مال آقای خود است و درباره آن پرسیده خواهد شد، پس بدانید که همه شما مسؤولید و همه شما درباره رعیت خود مورد پرسش قرار خواهید گرفت». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده‌اند که هر مسلمانی در جامعه مسئولیت‌هایی دارد که باید به آن رسیدگی کند و آن را بر دوش بگیرد. امام و امیر مسئول کسانی است که الله تعالی مسئولیت آنان را به او سپرده است، بنابراین باید از دین آنها محافظت کند، و از آنان در برابر ستمگران حمایت کند، و با دشمن آنان جهاد کند، و حقوقشان را ضایع نسازد، و مرد در مورد خانواده خود مسئول است که هزینه زندگی آنان را تأمین کند، و با آنان برخورد شایسته کند، و آموزش و تربیت شان را بر عهده گیرد. و مسئولیت زن در خانه شوهرش این است که امور خانه‌اش را به نیکی اداره نموده، و فرزندانش را تربیت کند، و در برابر این مسئولیت پرسیده خواهد شد، و خادم - چه برده باشد و چه اجیر - در برابر مال آقايش مسئول است و آنچه در اختیار او قرار داده حفظ کند، و خدمت او را به جا بیاورد، و در این مورد از او پرسیده خواهد شد، بنابراین هر کس در مورد آنچه مسئولیتش به او سپرده شده مسئول است، و هر کس در برابر رعیتش مورد پرسش قرار خواهد گرفت.

از فوائد حدیث:

۱. مسئولیت در جامعه اسلامی همه را شامل می‌شود، هر کس به اندازه جایگاه و توانایی و مسئولیتش مسئول است.
۲. بزرگی مسئولیت زن، که شامل درست انجام دادن مسئولیت خانه شوهرش و وظایفش در قبال فرزندانش می‌باشد.

(۵۲) - عن عائشة رضي الله عنها قالت: سمعتُ من رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول في بيتي هذا: «اللَّهُمَّ مَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي شَيْئًا فَشَقَّ عَلَيْهِمْ فَاشْقُقْ عَلَيْهِ، وَمَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي شَيْئًا فَرَفَقَ بِهِمْ فَارْفُقْ بِهِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۵۲) - از عایشه رضی الله عنها روایت است فرمود که رسول الله صلی الله علیه وسلم در این خانه من بود شنیدم که می فرمودند: «بار الها، هر که زمام امور امت من را به دوش بگیرد و بر آنها سختی کند با وی سختی کن، و هر که زمام امور امت من را برعهده گیرد به آنها نرمی کند با وی نرمی کن». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم بر هر آن کس دعای بد نموده است که امر مسلمانان به او سپرده شده باشد، اعم از کوچک و بزرگ، و ولایت عام یا خاص و با آنها سخت گیری کند و نرمی ننماید، الله متعال برای او جزا از جنس عملش می دهد و بر وی سختی می کند. و هر کس با آنها مهربانی کند و کارشان را آسان سازد، الله متعال نسبت به او مهربانی می کند و کارهای او را آسان می سازد.

از فوائد حدیث:

۱. بر کسی که چیزی از امور مسلمانان را در دست گرفته باشد، واجب است طبق توان بر آنان آسان بگیرد.
۲. جزاء و پاداش از جنس همان عمل است.
۳. میزان نرمی یا سختی آن است که با کتاب و سنت منافات نداشته باشد.

(۵۳) - عن تميم الداري رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «الَّذِينَ النَّصِيحَةُ» قُلْنَا: لِمَنْ؟ قَالَ: «لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَيِّمَةٍ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۵۳) - از تميم داری رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «دین نصیحت کردن است» گفتیم: برای چه کسی؟ فرمودند: "برای الله متعال، و کتابش، و رسولش، و امامان مسلمانان، و عموم آنان. [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرمایند: دین (اسلام) بر اخلاص و صداقت بنا شده است، به طوری که آن گونه که الله دستور داده است، به طور کامل و بدون غفلت و تقلب انجام شود. به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفته شد: که نصیحت برای چه کسی است؟ او فرمود:

اول: نصیحت برای الله متعال: اخلاص در عمل برای او، شرک نیاوردن به او، ایمان به ربوبیت، الوهیت و اسماء و صفات او، و بزرگ پنداشتن امر او، و دعوت به ایمان با او.

دوم: نصیحت برای کتاب او که قرآن کریم است: این که باور داشته باشیم که قرآن کریم کلام و آخرین کتاب اوست، و همه شرائع قبل از خود را نسخ کرده است، و باید آن را گرامی بداریم، آن را کما حقہ تلاوت

نماییم، به محکم آن عمل نماییم، و به متشابه آن تسلیم شویم، و در برابر تفسیر تحریف کنندگان از آن دفاع نماییم، از پند و اندرزهای آن عبرت بگیریم، علوم آن را نشر نماییم، و مردم را به سوی آن دعوت کنیم.

سوم: نصیحت برای پیامبرش؛ محمد صلی الله علیه وسلم: اینکه ایمان بیاوریم که او آخرین پیامبران است، و به آنچه آورده است ایمان بیاوریم، و از او امر و اطاعت کنیم، و از نواهی او پرهیز نماییم، و اینکه الله متعال را فقط با آنچه آورده است عبادت کنیم، و حق او را تعظیم نماییم، او را گرامی بداریم، و دعوتش را پخش کنیم، شریعت او را نشر کنیم، و تهمت ها را از او دور بسازیم.

چهارم: نصیحت برای ائمه مسلمین: با یاری آنان در پیروی از حق، و اختلاف نکردن با آنان بر سر قدرت، و شنیدن و اطاعت از آنان در طاعت الله متعال.

پنجم: نصیحت برای مسلمانان: با نیکی کردن به آنها و دعوت آنها، و پرهیز از آزار و اذیت آنها، و دوست داشتن خیر به آنها و همکاری با آنها در نیکی و تقوا.

از فوائد حدیث:

۱. دستور نصیحت برای همه.
۲. منزلت بزرگ نصیحت از دیدگاه دین.
۳. دین شامل عقاید، و گفتار و کردار است.
۴. از لوازم نصیحت این است که نصیحت کننده نفس خود را از الودگی ها پاک کند، و برای نصیحت شونده خواهان خیر باشد.
۵. زیبا بودن آموزش پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به طوریکه یک مطلب کلی را بیان می کند، سپس جزئیات آن را مطرح می کند.

۶. شروع به مهمتر قبل از مهم، همانطوری که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - با نصیحت برای الله متعال شروع کردند، سپس برای کتابش، سپس برای رسول الله - صلی الله علیه وسلم -، سپس برای امامان مسلمانان، سپس برای عموم مسلمانان.

(۴۳:۹)

(۵۴) - عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: تَلَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَذِهِ الْآيَةَ: {هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ، وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ، وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ} [آل عمران: ۷]. قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «فَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ سَمَى اللَّهُ، فَاحْذَرُوهُمْ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۵۴) - از عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم این آیت را تلاوت فرمودند: (الله) آن ذاتی است که قرآن را بر تو نازل کرد که بعضی آن آیاتی محکم است که مفهوم آن واضح و روشن است، و آنها اصل قرآن است (که دیگر آیات در روشنی آن فهمیده می شود) و بعضی از آن «متشابهات» هستند (که مفهوم آن مشتبه و مخفی است و احتمال معانی دیگری هم دارند)، اما کسانی که در دل هایشان کجی است برای فتنه انگیزی و تاویل نادرست از آیات متشابه پیروی

می‌کنند، در حالیکه مفهوم متشابه را به جز الله کسی نمی‌داند. و علمای راسخ در علم می‌گویند: به آن ایمان آوردیم (چون) همه قرآن (محکم و متشابه) از نزد پروردگار ما است، و پند نمی‌گیرد (از تعلیمات قرآن) مگر صاحبان عقل و خرد. [آل عمران: ۷].

فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اگر کسانی را دیدی که در دل‌هایشان کجی است برای فتنه‌انگیزی و تاویل نادرست از آیات متشابه پیروی می‌کنند، آنان کسانی‌اند که الله متعال ذکر کرده است، پس برحذر باش». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم این آیه را تلاوت نمودند: {هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ}، و در آن الله سبحان فرموده است که اوست که قرآن را بر پیامبرش نازل کرد، که در آن آیات با دلالت‌های روشن است، با احکام معلوم که در آن التباس وجود ندارد، که آن اصل و مرجع کتاب است، و در صورت اختلاف همان مرجع است، و در میان آن آیت‌هایی است که دربر گیرنده بیش از یک معنا می‌باشد، که معنای آن نزد برخی مردم خلط می‌شود، و یا گمان می‌کنند که بین آن و آیت دیگر تناقض وجود دارد، سپس الله متعال تعامل مردم را با این آیت‌ها بیان نمود، پس

کسانی که دل‌هایشان از سوی حق میلان دارند و محکم - قاطع - را رها کرده و متشابه و احتمالی را می‌گیرند، و می‌خواهند شبهه را ایجاد و مردم را گمراه کنند، و با این کار می‌خواهند آیت‌ها را مطابق خواسته‌های خود تفسیر کنند، و اما راسخان در علم، این متشابه را می‌دانند و آن را به محکم - قاطع - راجع می‌کنند، و به آن باور می‌داشته باشند که آن جانب الله سبحانه و تعالی است، و هرگز قابل خلط و تعارض نیست، اما از آن تذکر و موعظه نمی‌گیرند مگر صاحبان عقل سلیم. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم به مادر مؤمنان عایشه رضی الله عنها فرمودند که اگر کسانی را که از متشابه پیروی می‌کنند ببیند، آنها کسانی هستند که الله متعال در این قول خود از آنها نام برده است: {فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ} پس از آنها برحذر باشید و به سخنانشان گوش ندهید.

از فوائد حدیث:

۱. آیات قاطع و محکم قرآن: آن چیز است که دلالتش روشن و معنایش آشکار است، و متشابه: آن چیز است که بیش از یک معنا داشته باشد و مستلزم تأمل و فهم باشد.
۲. هشدار از اختلاط با اهل انحراف و صاحبان بدعت و کسانی که برای گمراه کردن و مشکوک کردن مردم مشکلاتی را مطرح می‌کنند.
۳. الله متعال در پایان آیت می‌فرماید: «وَمَا يَذْكُرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» اینجا رسوای منحرفان، و ستایش از راسخان است، یعنی: کسی که از تذکر و موعظه پند نگیرد، و از خواسته‌های خود پیروی کند از صاحبان خرد نیست.

۴. پیروی از متشابه سبب انحراف قلب است.
۵. وجوب راجع نمودن آیت های متشابه که معنای آنها قابل فهم نیست به آیت های محکم و قاطع.
۶. الله متعال برخی از قرآن را قاطع و برخی مشابه قرار داده است، برای امتحانی مردم جهت تشخیص افراد با ایمان از اهل گمراهی.
۷. در وقوع متشابه در قرآن: برتری علما بر دیگران، و اعلام تقصیر عقل ها؛ تا این که برای آفریده اش تسلیم شود و به نا توانی خود اعتراف نماید.
۸. فضیلت راسخ بودن در علم و وجوب استواری در آن.
۹. برای مفسران در وقوف بر کلمه {الله} در قول او تعالی: { وما يعلم تأويله إلا الله والراسخون في العلم } دو دیدگاه است، پس هر که بر کلمه {الله} توقف کند، پس مراد از تأویل علم حقیقت یک چیز و ذات آن و چیزی که راهی برای درک آن نیست می باشد، مانند موضوع روح و قیامت که الله متعال آن را در علم خود محفوظ داشته است، و کسانی که در علم راسخ و استوار هستند به آن ایمان دارند و حقایق آن را به الله می سپارند، که سالم می مانند و دیگران را نیز سالم نگه می دارند، و هر که آن را وصل نماید و بر کلمه {الله} توقف ننماید، مراد از تأویل همانا تفسیر، کشف، و تبیین است، پس الله متعال آن را می داند و راسخان در علم آن را نیز می دانند، به آن ایمان آورده و به محکم ارجاع می نمایند.

(۵۵) - عن أبي سعيد الخُدْرِيّ رضي الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيَعَيِّرْهُ يَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ، وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيْمَانِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۵۵) - از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت است که گفت: شنیدم که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می فرمودند: «هریک از شما منکری دید باید آن را با دستش تغییر دهد، و اگر نتوانست با زبانش، و اگر نتوانست با قلبش، و آن ضعیف ترین ایمان است». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله - صلی الله علیه وسلم - برای تغییر منکر - تا حد توان - امر میفرماید - و آن عبارت از هر آنچه هست که الله و رسولش آنرا نهی کرده است. هرگاه انسان منکری را مشاهده کرد باید با دست (تغییر عملی) آن را تغییر دهد، اگر توان داشته باشد، اگر از تغییر توسط دست عاجز باشد، آن را توسط زبان خود با بیان نمودن زیان های آن برای شخص ارتکاب کننده و رهنمایی او بسوی بدیل خیر در مقابل آن شر تغییر دهد، اگر از تغییر در این مرتبه نیز عاجز ماند با دل خود آن را تغییر دهد چنانچه آن منکر را بد بداند، و اراده نماید اگر توان تغییر را در اختیار داشت آن را تغییر می داد، و تغییر توسط دل ضعیف ترین ایمان در تغییر منکر است.

از فوائد حدیث:

۱. این حدیث یک اصل در مورد مراتب تغییر منکر است.

۲. دستور نهی از منکر بشکل تدریجی، هر یک به اندازه توان و قدرت اش.
۳. نهی از منکر باب بزرگی در دین است که هیچ کس ساقط نمی شود، و هر مسلمان به اندازه توانش به آن مکلف است.
۴. امر به معروف و نهی از منکر از ویژگی های ایمان است، و ایمان کم و زیاد می شود.
۵. شرط نهی از منکر اینست که باید انسان بداند که آن عمل منکر است.
۶. در تغییر منکر شرط اینست که: تغییر دادن منکر، منکری بزرگتر را به دنبال نداشته باشد.
۷. نهی از منکر آداب و شرط هایی دارد که باید مسلمان آن ها را بیاموزد.
۸. انکار نمودن منکر به سیاست شرعی، دانش و بصیرت نیاز دارد.
۹. انکار نکردن توسط قلب به ضعف ایمان دلالت می کند.

(۱۰۰:۶)

(۵۶) - عَنِ الثُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَثَلُ الْقَائِمِ عَلَى حُدُودِ اللَّهِ وَالْوَاقِعِ فِيهَا، كَمَثَلِ قَوْمٍ اسْتَهَمُوا عَلَى سَفِينَةٍ، فَأَصَابَ بَعْضُهُمْ أَعْلَاهَا وَبَعْضُهُمْ أَسْفَلَهَا، فَكَانَ الَّذِينَ فِي أَسْفَلِهَا إِذَا اسْتَقَوْا مِنَ الْمَاءِ مَرُّوا عَلَى مَنْ فَوْقَهُمْ، فَقَالُوا: لَوْ أَنَّا خَرَفْنَا فِي نَصِيبِنَا خَرْفًا وَلَمْ نُؤْذِ مَنْ فَوْقَنَا، فَإِنْ يَتْرَكُوهُمْ وَمَا أَرَادُوا هَلَكُوا جَمِيعًا، وَإِنْ أَخَذُوا عَلَى أَيْدِيهِمْ نَجَّوْا، وَنَجَّوْا جَمِيعًا». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۵۶) - از ثعمان بن بشیر رضی الله عنهما از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «مثال کسی که نزد حدود الهی ایستاده [و به آن وارد نمی شود] و آنکه در آن واقع شده مانند گروهی است که [برای

نشستن] در یک کشتی قرعه کشیدند، پس نصیب برخی (طبقه) بالای آن شد و نصیب دیگران (طبقه) پایین آن، پس آنان که در پایین بودند هرگاه نیازمند آب بودند از نزد کسانی که بالا بودند می گذشتند، پس [با خود] گفتند: اگر در قسمتی که سهم ما است سوراخی ایجاد کنیم و مزاحم کسانی که بالای ما هستند نشویم، حال اگر آنان را با قصدی که دارند رها کنند همه هلاک می شوند، و اگر مانع آنان شوند هم خودشان هم همه آنها نجات یابند». [صحیح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم برای کسانی که نزد حدود الله ایستاده اند و بر امر الله پایدارند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، مثال بیان می نماید، برای کسانی که در حدود الله واقع می شوند و به آن دست درازی می کنند و معروف را ترک گفته اند، و مرتکب منکر می شوند، و اثر آنان در نجات جامعه مثال زده اند، آنان همانند گروهی هستند که سوار کشتی شده اند و سپس قرعه انداخته اند که کدام یک بالای کشتی بنشینند و کدام یک پایین آن، پس برخی بالای کشتی را به دست آورده اند و گروهی پایین کشتی را، گروهی که پایین بودند هرگاه می خواستند آب بیاورند از بالایی ها می گذشتند؛ پس آنانی که پایین بودند گفتند: اگر در محل خودمان در پایین سوراخی ایجاد می کردیم و از آنجا آب می گرفتیم بهتر بود، تا بالایی ها را اذیت نکنیم، حال اگر بالایی ها آنها را رها کنند و اجازه

دهند کارشان را انجام دهند، کشتی با همه آنها غرق می شود، و اگر آنان را نهی کنند و مانعشان شوند، همه نجات می یابند.

از فوائد حدیث:

۱. اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در حفظ جوامع و نجات آنها.
۲. مثال آوردن یکی از روش ها آموزش است که برای نزدیک کردن معانی به شکل محسوس به عقل ها کاربرد دارد.
۳. انجام منکر بدون انکار آن، مفسده ای است که زیان آن به همه جامعه می رسد.
۴. هلاکت جامعه وقتی رخ می دهد که اصحاب گناهان رها شوند تا در زمین تباهی کنند.
۵. وقتی کار اشتباه است، نیت خوب برای درستی آن کافی نیست.
۶. در جامعه مسلمان، مسئولیت یک امر جمعی است و محدود به یک فرد نیست.
۷. عموم مردم با گناهان افراد خاص - اگر آن را انکار نکنند - مورد عذاب قرار می گیرند.
۸. اصحاب منکرات، همانند اهل نفاق، منکر خود را برای جامعه در قالب خیر و نیکوکاری به نمایش می گذارند.

(۵۷) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ دَعَا إِلَى هُدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجُورِ مَنْ تَبِعَهُ، لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا، وَمَنْ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ، لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئًا». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۵۷) - از ابوهیره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «کسی که به سوی هدایتی فرا بخواند برایش مانند اجر کسانی که از او پیروی کنند خواهد بود، بی آنکه از پاداش آنان چیزی کم شود، و کسی که به سوی گمراهی ای دعوت دهد مانند گناه کسانی که از او پیروی کنند خواهد داشت، بی آنکه از گناهان آنان چیزی کم شود». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده‌اند که هر کس مردم را با گفتار یا کردار به راهی ارشاد یا راهنمایی یا ترغیب نماید که حق و خیر در آن است، مانند اجر کسانی که از او پیروی کنند را خواهد داشت بدون آنکه از پاداش آن تابع چیزی کم شود، و کسی که مردم را با گفتار یا کردار به راه باطل و شری که شامل گناه یا امری حرام است راهنمایی کند، مانند گناه کسانی که از او پیروی کنند بر وی خواهد بود، بدون آنکه از گناهان آنها چیزی کم شود.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت دعوت به سوی هدایت - کم باشد یا بسیار - و اینکه دعوتگر به سوی آن برایش مانند اجر انجام دهنده‌اش خواهد بود و این از فضل الله و کمال کرم اوست.

۲. خطر دعوت به سوی گمراهی - کم باشد یا بسیار - و اینکه دعوتگر به سوی گمراهی مانند گناه انجام دهنده‌اش را خواهد داشت.
۳. پاداش از جنس عمل است، بنابراین کسی که به سوی خیری دعوت دهد مانند اجر انجام دهنده‌اش را خواهد داشت، و کسی که به سوی شری دعوت دهد مانند گناه انجام دهنده‌اش خواهد داشت.
۴. مسلمان باید از این برحذر باشد که در صورت انجام علنی گناه - طوری که مردم او را ببینند - مردم از او الگو بگیرند، زیرا در این صورت گناه کسانی که از او تقلید کنند نیز بر گردن او خواهد بود، اگرچه آنان را به این کار تشویق نکرده باشد.

(۳۲۷۲)

(۵۸) - عن أبي مسعود الأنصاري رضي الله عنه قال: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: إِنِّي أَبْذِعُ بِي فَأَحْمِلْنِي، فَقَالَ: «مَا عِنْدِي»، فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَنَا أَذْلُهُ عَلَى مَنْ يَحْمِلُهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ فَاعِلِهِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۵۸) - از ابو مسعود الانصاری رضی الله عنه روایت است فرمود: مردی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و عرض کرد: (اسپ من مرده و من در راه مانده ام) پس من را بر اسپ سوار کن، رسول الله صلی الله علیه وسلم به او فرمودند: «من ندارم»، سپس مردی عرض کرد وگفت: یا رسول الله! من او را به سوی کسی راهنمایی می کنم که او را سوار- مرکب - کند، پس رسول الله صلی

الله عليه وسلم فرمودند: «هر کسی (مردم را به کار) خیر راهنمایی کرد، پاداشی مانند پاداش انجام دهنده ی آن را دارد». [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

مردی نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: سواری ام مرده پس من را سوار کن، به من سواری بدهید تا من را به مقصودم برساند، رسول الله صلی الله علیه وسلم به او عذر پیش کرد که چیزی ندارد تا او را سوار کند، درین حال مردی که حاضر بود گفت: یا رسول الله! من به او کسی را نشان می دهم که او را سوار کند، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر داد که او در پاداش شریک صدقه کننده است، زیرا او نیازمند را راهنمایی کرد.

از فوائد حدیث:

۱. تشویق به راهنمایی کردن به خیر
۲. تشویق به نیکی یکی از دلایل همبستگی و یکپارچگی جامعه مسلمانان است.
۳. وسعت لطف الله متعال.
۴. این حدیث يك قاعده کلی است، پس همه اعمال خیر در آن گنجانده شده است.
۵. اگر انسان نتواند خواسته سؤال کننده را برآورده کند، او را به کسی دیگری راهنمایی نماید.

(۵۹) - عَنْ سَهْلُ بْنُ سَعْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَوْمَ خَيْبَرَ: «لَأُعْطِيَنَّ هَذِهِ الرَّايَةَ غَدًا رَجُلًا يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ، يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ»، قَالَ: فَبَاتَ النَّاسُ يَدُوكُونَ لَيْلَتَهُمْ أَيُّهُمْ يُعْطَاهَا، فَلَمَّا أَصْبَحَ النَّاسُ غَدَوْا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلُّهُمْ يَرْجُو أَنْ يُعْطَاهَا، فَقَالَ: «أَيْنَ عَيْيُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؟» فَقِيلَ: هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَشْتَكِي عَيْنَيْهِ، قَالَ: «فَأَرْسِلُوهُ إِلَيْهِ»، فَأُتِيَ بِهِ فَبَصَقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي عَيْنَيْهِ وَدَعَا لَهُ، فَبَرَأَ حَتَّى كَأَنَّ لَمْ يَكُنْ بِهِ وَجَعٌ، فَأَعْطَاهُ الرَّايَةَ، فَقَالَ عَيْيُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَقَاتِلُهُمْ حَتَّى يَكُونُوا مِثْلَنَا؟ فَقَالَ: «انْفِذْ عَلَى رِسْلِكَ حَتَّى تَنْزِلَ بِسَاحَتِهِمْ، ثُمَّ ادْعُهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ، وَأَخْبِرْهُمْ بِمَا يَجِبُ عَلَيْهِمْ مِنْ حَقِّ اللَّهِ فِيهِ، فَوَاللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا، خَيْرٌ لَكَ مِنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ حُمْرُ النَّعَمِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۵۹) - از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در روز خیبر فرمودند: «فردا پرچم را به دست مردی خواهم داد که الله فتح و پیروزی را به دست او و رقم خواهد زد، الله و رسولش را دوست دارد و الله و رسولش او را دوست دارند». گفت: مردم شب را درحالی سپری کردند که به یکدیگر می گفتند: کدامیک از آنها پرچم را دریافت خواهد کرد، وقت صبح شد، مردم نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتند و هریکی از آنها امید داشت پرچم به او واگذار شود، که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «علی بن ابی طالب کجاست؟» گفته شد: چشمش درد می کند، فرمودند: «به دنبال او بفرستید»، پس علی رضی الله عنه را آوردند و رسول الله

صلی الله علیه وسلم از آب دهانش به چشمان علی مالید و برای او دعا کرد که علی رضی الله عنه بلافاصله چنان بهبود یافت که گویا هیچ دردی نداشته است، آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم پرچم را به او دادند و فرمودند: «بدون عجله به سوی آنها برو تا به منطقه ی آنها برسی؛ آنگاه آنان را به سوی اسلام فراخوان، و آنان را از حقوق الله متعال که در دین بر آنها واجب می شود، آگاه کن، به الله سوگند که اگر الله یک نفر را به وسیله ی تو هدایت نماید، برای تو از شتران سرخ مو بهتر است». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم صحابه را به پیروزی مسلمانان بر یهودیان خبیر در فردای آن روز و به دست مردی از آنها بشارت می دهد که پرچم برایش داده می شود، و آن پرچمی است که ارتش از آن به عنوان نشان خود استفاده می کنند، از خصوصیات این مرد این است که الله و رسولش را دوست دارد، و الله و رسولش او را دوست دارند، پس صحابه شب را به بحث و گفتگو پرداختند که پرچم به چه کسی داده خواهد شد؟ با آرزوی این افتخار بزرگ، چون صبح شد، نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم رفتند، همه به امید اینکه این افتخار نصیب اش شود،

پس رسول الله صلی الله علیه وسلم جوای علی رضی الله عنه شد؟

گفته شد: او بیمار است و چشمش درد می کند.

پس او صلی الله علیه وسلم مردم را به دنبال او فرستاد و او را آوردند، و رسول الله صلی الله علیه وسلم از آب دهانش به چشمان علی مالید و

برای او دعا کرد که علی رضی الله عنه بلافاصله چنان بهبود یافت که گویا هیچ دردی نداشته است، آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم پرچم را به او داد، و به او دستور داد تا به آرامی پیش برود تا به دژ (قلعه) دشمن نزدیک شود و به آنها داخل شدن در اسلام را پیشنهاد کند، اگر پیشنهاد را پذیرفتند؛ برای آنان از فرائض که باید انجام دهند خبر بده.

سپس او صلی الله علیه وسلم فضیلت دعوت الی الله را برای علی رضی الله عنه توضیح داد، این که اگر دعوت کننده سبب هدایت یک نفر شود، او برایش بهتر از داشتن شتران سرخ است که گرانباترین دارایی عرب ها می باشد، که آن را یا با خود داشته باشد و یا آن را صدقه داده باشد.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت علی بن ابی طالب رضی الله عنه و گواهی رسول صلی الله علیه وسلم برای او، نسبت به محبت الله و رسولش به او، و محبت او نسبت به الله و رسولش.
۲. حرص ورزی صحابه در انجام کار خیر و شتافتن آنان به سوی آن.
۳. مشروعیت ادب هنگام نبرد و پرهیز از بی تدبیری و صداهای مزاحم بی مورد.
۴. از جمله دلایل نبوت او صلی الله علیه وسلم خبر دادن او از پیروزی بر یهودیان، و شفای چشمان علی بن ابی طالب با دستان او به خواست الله تعالی.
۵. بزرگترین هدف جهاد این است که مردم در اسلام داخل شوند.

۶. و این که دعوت باید به تدریج صورت گیرد، در ابتدا از کافر خواسته شود که اسلام بیاورد، و دو گواهی را بر زبان بیاورد، سپس به انجام فرایض اسلام امر می شود.

۷. فضیلت دعوت به سوی اسلام و خیری که برای دعوت شونده و دعوت کننده به همراه دارد، ممکن است دعوت شونده هدایت شود و دعوت کننده به پاداش بزرگی برسد.

(۳۴۰۹)

(۶۰) - عن ابنِ عُمَرَ رضي الله عنهما قال: قال رسولُ الله صَلَّى الله عليه وسلم: «مَنْ كَثَبَهُ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ». [حسن] - [رواه أبو داود وأحمد]

(۶۰) - از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است گفت که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که به هر قومی خود را مشابه سازد، از آنان است». [حسن] - [ابو داود و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم می فرمایند: هر که خود را مشابه قوم کافران و فاسقان یا صالحان بسازد - با انجام کاری از ویژگی های شان مانند عقاید، عبادات و یا عادات - پس او از جمله آنان شمرده می شود - زیرا مشابهت ظاهری موجب مشابهت باطنی آنها می شود، و تردیدی نیست که مشابهت مردم ناشی از متاثر شدن از آنها می باشد، و ممکن است موجب محبت و تعظیم آنها گردد و باعث تکیه بر آنها شود، که در نتیجه باعث مشابهت آنها در باطن و عبادت شود. - نعوذ بالله -.

از فوائد حدیث:

۱. هشدار در باره مشابَهت با کافران و فاسقان.
۲. اصرار به مشابَه بودن با صالحان و الگو گرفتن از آنان.
۳. مشابَهت ظاهری به محبت درونی تبدیل می شود.
۴. انسان به اندازه مشابَهت و نوع آن مستحق تهدید و گناه می شود.
۵. نهی درباره مشابَهت با کافران، منحصر به مشابَهت در دین، و مشابَهت در عادت های مخصوص آنان است، اما در غیر اینها مانند: آموزش صنعت ها و مانند آن، شامل نهی نمی شود.

(۵۳۵۳)

(۶۱) - عن أبي هريرة رضي الله عنه أن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الرَّجُلُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُحَالِلُ». [حسن] - [رواه أبو داود والترمذي وأحمد]

(۶۱) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مرد بر دین و آیین دوست خویش است؛ پس باید هریک از شما بنگرد با چه کسی دوستی و همنشینی دارد». [حسن] - [ابو داود و ترمذی و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند که انسان در رفتار و عادت به دوست و رفیق مخلص خود شباهت می داشته باشد، و دوستی در اخلاق و رفتار و کردار تأثیر می گذارد، و به همین دلیل در انتخاب دوست خوب ارشاد فرموده اند؛ زیرا دوست او را به ایمان و هدایت و نیکی راهنمایی نموده، و برای دوستش یاری می رساند.

از فوائد حدیث:

۱. امر به همنشینی با خوبان و برگزیدن آنان و نهی از همنشینی با بدکاران.
۲. دوست را به جای خویشاوند خاص ساخت؛ زیرا دوست را تو انتخاب می کنی، اما در انتخاب برادر و خویشاوند اختیاری نداری.
۳. انتخاب همنشین باید بنابر تفکر باشد.
۴. انسان در جمع مؤمنان دین خود را تقویت می کند، و اما در جمع گنهکاران آن را ضعیف می کند.

(۳۱۲۲)

(۶۲) - عَنِ الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ، حَتَّى يَأْتِيَهُمْ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ ظَاهِرُونَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۶۲) - از مغیره بن شعبه رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: گروهی از امت من همچنان بر دشمنان خود پیروز خواهند شد، تا زمانی که نشانه های پیش از قیامت بیاید در حالی که بر دشمنان خود پیروز هستند. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که گروهی از امت من همچنان بر مردم و مخالفانشان پیروز خواهند شد، تا زمانی که نشانه های پیش از قیامت بیاید، جان هر مؤمنی را در آخر زمان آخر قبل از برپایی قیامت را قبض می کند.

از فوائد حدیث:

۱. معجزه ظاهری پیامبر صلی الله علیه وسلم، این وصف الحمد لله از زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم تا کنون ادامه داشته است، و تا زمانی خواهد بود که امر یاد شدة الله متعال در حدیث فرا رسد.
۲. فضیلت ثبات بر حق و عمل بر آن، و تشویق بر آن.
۳. ظهور دین بر دو قسم است: یا ظهور از طریق برهان و بیان و یا ظهور از طریق قوه و قانون، و ظهور با برهان و بیان باقی می ماند؛ زیرا حجت اسلام قرآن است، و بر هر چیز ظاهر و غالب است، اما قسم دوم ظهور، یعنی ظهور قوه و قانون است، و این بر اساس ایمان و قدرت در زمین است.

(۶۵/۸۷۹)

(۶۳) - عن تميم الداري رضي الله عنه، قال: سمعتُ رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «لَيُبْلَغَنَّ هَذَا الْأَمْرُ مَا بَلَغَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَلَا يَتْرُكُ اللَّهُ بَيِّنَتَ مَدَرٍ وَلَا وَبَرَ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ هَذَا الدِّينَ، بِعِزِّ عَزِيزٍ أَوْ بِذُلِّ ذَلِيلٍ، عِزًّا يُعِزُّ اللَّهُ بِهِ الْإِسْلَامَ، وَذُلًّا يُذِلُّ اللَّهُ بِهِ الْكُفْرَ» وَكَانَ تَمِيمُ الدَّارِيُّ يَقُولُ: قَدْ عَرَفْتُ ذَلِكَ فِي أَهْلِ بَيْتِي، لَقَدْ أَصَابَ مَنْ أَسْلَمَ مِنْهُمْ الْخَيْرُ وَالشَّرْفُ وَالْعِزُّ، وَلَقَدْ أَصَابَ مَنْ كَانَ مِنْهُمْ كَافِرًا الذُّلُّ وَالصَّغَارُ وَالْحِزْيَةُ. [صحيح] - [رواه أحمد]

(۶۳) - از تميم داری رضی الله عنه روایت است که می گوید: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمودند: «این امر (دین) تا به آنجایی می رسد که شب و روز رسیده است؛ و الله متعال هیچ خانه ای را در شهر و روستا رها نمی

ماند مگر این دین را وارد آن می کند؛ و آن را با عزت عزیز یا ذلت و خواری ذلیل همراه می گرداند؛ عزتی که الله متعال به وسیله ی آن اسلام را عزت می بخشد، و ذلت و خواری که الله متعال به وسیله ی آن کفر را ذلیل و خوار می گرداند». و تمیم داری می گفت: این مساله را در میان خانواده ام شاهد بودم؛ کسانی از خانواده ام که اسلام آوردند، به خیر و شرف و عزت دست یافتند و آنان که کافر ماندند، خوار و ذلیل شده و جزیه پرداختند. [صحیح] - [احمد روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که این دین سراسر زمین را در بر می گیرد؛ هر مکانی که شب و روز در آن وجود دارد، این دین به آنجا می رسد؛ و الله متعال هیچ خانه ای را در شهر و روستا و صحرا و بیابان نمی گذارد مگر اینکه دین را وارد آن می سازد؛ پس هرکس آن را بپذیرد و بدان ایمان بیاورد، به سبب عزت اسلام عزیز خواهد بود، و هرکس آن را رد کند و بدان کفر بورز خوار و ذلیل خواهد بود.

و صحابی بزرگوار تمیم داری خبر می دهد که این رهنمود نبوی را عینا در بین خانواده اش شاهد بوده است؛ چنانکه هریک از اعضای خانواده اش مسلمان شدند، به خیر و شرف و عزت دست یافتند، اما آنانی که بر کفر خود اصرار ورزیدند خوار و ذلیل شده و ناچار به پرداخت اموالی به عنوان جزیه به مسلمانان شدند.

از فوائد حدیث:

۱. مژده به مسلمانان که دین آنها در تمام نقاط زمین گسترش خواهد یافت.
۲. عزت از آن اسلام و مسلمانان است، و ذلت از آن کفر و کافران است.

۳. در این حدیث دلیلی از دلایل بر نبوت و علم آن وجود دارد، چنان که پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده بود همانگونه اتفاق افتید.

(۱۱۲۰)

(۶۴) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «بَدَأَ الْإِسْلَامُ غَرِيبًا، وَسَيَعُودُ كَمَا بَدَأَ غَرِيبًا، فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۶۴) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: "اسلام با غربت آغاز شد و در آینده غریب خواهد شد، چون روز آغاز، پس خوشا به حال غریبان". [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که اسلام با غربت در میان عده ای محدود مردم و قلت اهل آن آغاز شد، و با عده ای معدودی که آن را عملی می کنند غریب می شود، همانطوری که آغاز شد، پس غبطه می شوند غریبان و خوشا به حال آنان، که برای آنان باعث شادی و خنکی چشم می باشد.

از فوائد حدیث:

۱. خبر دهی از وقوع غربت اسلام پس از گسترش و شهرت آن.
۲. این حدیث یکی از نشانه های نبوت را در بر می گیرد، چنان که پیامبر صلی الله علیه وسلم از آنچه بعد از او به وقوع خواهد پیوست اطلاع داده است، و چنان شد که به او گفته بود.
۳. برتریت کسی که وطن و قبیله خود را بخاطر اسلام ترک نموده؛ و اینکه برای او بهشت است.

۴. غرباء کسانی هستند زمانی که مردم فاسد می شوند راه اصلاح را پیشه می کنند، و آنان کسانی هستند آنچه را که مردم فاسد نموده اند اصلاح می نمایند.

(۶۶۱۹)

(۶۵) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يَسْمَعُ بِي أَحَدٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَهُودِيٍّ وَلَا نَصْرَانِيٍّ، ثُمَّ يَمُوتُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَّا كَانَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۶۵) - از ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست، هیچ کسی از این امت، یهودی باشد یا نصرانی [خبر مبعث] من را نمی شنود سپس بمیرد و به آنچه که برای آن فرستاده شده ام ایمان نیاورد مگر آنکه از اصحاب دوزخ خواهد بود». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم سوگند یاد می کند که هرکسی از این امت - یهودی باشد یا نصرانی یا از دیگران - که دعوت پیامبر صلی الله علیه وسلم به او رسیده از دنیا برود بدون آنکه به آن ایمان بیاورد، از اهل دوزخ خواهد بود و جاودانه در آن می ماند.

از فوائد حدیث:

۱. عام بودن رسالت پیامبر صلی الله علیه وسلم به همه جهان، و وجوب پیروی از او و نسخ همه شریعت ها توسط شریعت او.

۲. کسی که به پیامبر صلی الله علیه وسلم کافر شود، این ادعا که به دیگر پیامبران - صلوات الله علیهم - ایمان دارد برایش سودی ندارد.
۳. کسی که دربارهٔ پیامبر صلی الله علیه وسلم نشنیده و دعوت اسلام به او نرسیده معذور است، و امر او در آخرت به الله تعالی موکول است.
۴. شخص از اسلام آوردن سود می برد که این محقق است اگرچه اندکی پیش از مرگ باشد، یا در بیماری شدید باشد، تا وقتی که روح به حلقوم نرسیده باشد.
۵. صحیح دانستن دین کافران - از جمله یهودیان و نصرانیان - کفر است.
۶. یاد شدن از یهودیان و نصرانیان در حدیث، نوعی هشدار دربارهٔ بقیه کافران است؛ زیرا یهودیان و نصرانیان کتاب دارند و اگر حال آنان که کتاب دارند چنین است، دیگران که کتاب ندارند من باب اولی در این حکم داخل اند، و همهٔ آنان باید در دین محمد صلی الله علیه وسلم داخل شوند و از او اطاعت کنند.

(۶۶) - عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غَدَاةُ الْعَقَبَةِ وَهُوَ عَلَى نَاقَتِهِ: «الْقُطُّ لِي حَصَى» فَلَقَطْتُ لَهُ سَبْعَ حَصَيَّاتٍ، هُنَّ حَصَى الْحَذَفِ، فَجَعَلَ يَنْفُضُهُنَّ فِي كَفِّهِ وَيَقُولُ: «أَمْثَالُ هَؤُلَاءِ فَارُمُوا» ثُمَّ قَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِيَّاكُمْ وَالْغُلُوفِي الدِّينِ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ الْغُلُوفِي الدِّينِ». [صحيح] - [رواه ابن ماجه والنسائي وأحمد]

(۶۶) - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم صبح روز عَقَبَه در حالی که بر شترشان بودند فرمودند: «برایم سنگریزه جمع کن»، پس برای او هفت سنگریزه جمع کردم که خذف بود [یعنی بزرگتر از نخود و کوچکتر از بندق] پس آنها را در دستش می گرداند و می فرمودند: «با مانند اینها رمی کنید». سپس فرمودند: «ای مردم، از غُلُو در دین برحذر باشید زیرا کسانی را که پیش از شما بودند [همین] غلو در دین هلاک کرد». [صحيح] - [ابن ماجه و نسایی و احمد روایت کرده]

توضیح:

ابن عباس رضی الله عنهما بیان می کند که در روز قربان یعنی صبح رمی جمره عقبه در حجة الوداع، به همراه پیامبر صلی الله علیه وسلم بود، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم او را امر کرد تا برایش هفت سنگریزه جمع کند که هر یک به اندازه نخود یا بندق باشد، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را در دستانش گرفت و تکانش داد و فرمودند: با همین اندازه آن رمی را انجام دهید، سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم از غلو و سخت گیری

و گذر کردن از حد در امور دین نهی کردند، زیرا امت‌های پیشین نیز به ذریعۀ تجاوز از حد و افراط و سخت‌گیری در دین هلاک شدند.

از فوائد حدیث:

۱. نهی از غلو در دین و بیان عاقبت بد آن و اینکه سبب هلاکت می باشد.
۲. عبرت گرفتن از امت‌های پیشین برای جلوگیری از افتادن در اشتباهات آنان.
۳. تشویق به اقتدا به سنت.

(۳۳۹۵)

(۶۷) - عن عبد الله بن مسعود قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم:

«هَٰذَاكَ الْمُتَنَطِّعُونَ» قالها ثلاثاً. [صحيح] - [رواه مسلم]

(۶۷) - از عبد الله بن مسعود روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله

علیه وسلم فرمودند: «تندروان هلاک شدند» این را سه بار گفتند. [صحيح]
- [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از ناامیدی و زیان تندروان - بدون راهنمایی و علم - در امور دینی و دنیوی، گفتار و کردارشان خبر می دهد، که به موجب آن از حد شرعی که رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را ترسیم نموده تجاوز کرده اند.

از فوائد حدیث:

۱. حرمت تندروی و تکلف در همه امور، و اصرار به اجتناب از آن در همه چیز؛ مخصوصاً در عبادات و تعظیم صالحان.

۲. کمال طلبی در عبادت و غیر آن ستودنی است؛ و آن به پیروی از شرع می باشد.
۳. مستحب بودن تاکید بر موضوع مهم، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم این جمله را سه بار تکرار نمودند.
۴. نرمی و آسانی اسلام.

(۳۴۲۰)

(۶۸) - عَنْ عَدِيِّ بْنِ حَاتِمٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْيَهُودُ مَغْضُوبٌ عَلَيْهِمْ، وَالنَّصَارَى ضَلَالٌ». [صحيح] - [رواه الترمذي]

(۶۸) - از عدی بن حاتم از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «یهودیان بالای ایشان غضب شده است، و نصرانیها گمراهان هستند». [صحيح] - [ترمذی روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم ما را آگاه نموده که یهودیان قومی هستند که الله بر آنان خشم گرفته است، زیرا آنان حق را شناختند و بدان عمل نکردند، و نصرانیان قومی گمراه هستند؛ زیرا بنابر عدم علم عمل کرده‌اند.

از فوائد حدیث:

۱. جمع بین علم و عمل، نجات از راه کسانی است که مورد خشم قرار گرفته‌اند و گمراه شده‌اند.
۲. هشدار نسبت به راه یهودیان و نصرانیان، و پایبند ماندن به راه مستقیم که همان اسلام است.

۳. هم یهودیان و هم نصرانیان گمراه و مورد خشم هستند، اما ویژه‌ترین اوصاف یهودیان این است که مورد خشم قرار گرفته‌اند، و ویژه‌ترین اوصاف نصرانیان این است که گمراه هستند.

(۶۰۶)

(۶۹) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «كَتَبَ اللَّهُ مَقَادِيرَ الْخَلَائِقِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِخَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ، قَالَ: وَعَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۶۹) - از عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه روایت است که می گوید: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمودند: " الله متعال تقدیر تمام موجودات را پنجاه هزار سال قبل از اینکه آسمانها و زمین را بیافریند نوشت، فرمودند: در حالی که عرش او بالای آب بود". [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که الله متعال پنجاه هزار سال قبل از خلقت آسمان ها در لوح محفوظ جزئیات تقدیر موجودات از قبیل زندگی و مرگ و رزق و غیره را نوشته است، و همین تقدیر طبق آنچه الله متعال مقرر فرموده است اتفاق می افتد، پس هر چیزی که هست می گردد بر اساس اراده و تقدیر الله متعال اتفاق می افتد، پس هر آنچه بر بنده اتفاق می افتد هرگز از او خطا نمی رود، و هر آنچه که نباید به او برسد هرگز به او اتفاق نمی افتد.

از فوائد حدیث:

۱. وجوب ایمان به قضا و قدر.

۲. تقدیر عبارت است از: علم الله متعال به اشیا، نوشتن، اراده و خلقت آن می باشد.

۳. اعتقاد به این که تقدیرها قبل از خلقت آسمان ها و زمین نوشته شده است، که موجب رضایت و تسلیمی می گردد.

۴. این که عرش الله رحمان قبل از خلقت آسمانها و زمین بر روی آب بود.

(۶۵۰۳۸)

(۷۰) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: حَدَّثَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ الصَّادِقُ الْمَصْدُوقُ: «أَنَّ خَلْقَ أَحَدِكُمْ يُجْمَعُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَأَرْبَعِينَ لَيْلَةً، ثُمَّ يَكُونُ عَاقِبَةُ مِثْلِهِ، ثُمَّ يَكُونُ مُضَعَّةً مِثْلَهُ، ثُمَّ يُبْعَثُ إِلَيْهِ الْمَلَكُ، فَيُؤَدِّنُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ، فَيَكْتُبُ: رِزْقَهُ وَأَجَلَهُ وَعَمَلَهُ وَشَقِيَّ أَمِّ سَعِيدٍ، ثُمَّ يَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ، فَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ إِلَّا ذِرَاعٌ، فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ، فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ فَيَدْخُلُ النَّارَ، وَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ حَتَّى مَا يَكُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ إِلَّا ذِرَاعٌ، فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ، فَيَعْمَلُ عَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَيَدْخُلُهَا».

[صحيح] - [متفق عليه]

(۷۰) - از عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت است: رسول الله صلی الله علیه وسلم به ما فرمودند و او راستگوست و به راستگویی موصوف شده است: «این که یکی از شما چهل روز و شب در شکم مادرش جمع می شود، سپس مثل آن لخته می باشد، سپس مثل آن قطعه گوشتی می باشد، سپس فرشته نزد او فرستاده می شود، و اجازه نوشتن چهار مورد برایش داده می

شود، سپس می نویسد: رزق، اجل، عمل، بدبختی و خوشبختی او، سپس روح در او دمیده می شود، و ممکن است یکی از شما عمل اهل بهشت را انجام دهد تا زمانی که بین او و بهشت مسافه یک بازو باشد، پس کتاب بر او سبقت می گیرد، و عمل اهل دوزخ را انجام می دهد و وارد دوزخ می شود، و ممکن است یکی از شما عمل اهل دوزخ را انجام دهد تا زمانی که بین او و دوزخ مسافه یک بازو باشد، پس کتاب بر او سبقت می گیرد، و عمل اهل بهشت را انجام می دهد و وارد بهشت می شود». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

ابن مسعود گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم راستگو و راستگو پنداشته شده از طرف الله متعال می فرمایند: خلقت یکی از شما جمع کرده می شود، و آن طوری که وقتی مرد با خانمش همبستر شود، منی پراکنده اش تا چهل روز در شکم زن بشکل نطفه جمع می شود، سپس مثل آن لخته می باشد که آن خون غلیظ و جامد است، و این در چهل روز دوم می باشد، سپس مثل مضغه می باشد و آن قطعه گوشتی است به اندازه ی که جویده شود، و این در چهل روز سوم می باشد، سپس الله متعال فرشته ای را نزد او می فرستد، که پس از پایان چهل روز سوم، روح را در او می دمد، به فرشته دستور داده شده است که چهار مورد را بنویسد: رزق، و آن مقدار نعمت های است که در طول عمرش آن را دریافت می نماید. و اجل او، و آن مدت زندگی کردن او در دنیا می باشد، و عمل

او، که چگونه باشد؟ بد بخت و یا خوش بخت، سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم سوگند یاد کرد که انسان اعمال اهل بهشت را انجام می دهد و عملش صالح می باشد، یعنی چیزی که برای مردم معلوم می شود، و به همین حالت می ماند تا این که بین او و بهشت فقط مسافتی یک بازو باقی بماند، یعنی: چیزی که بین او و رسیدن به بهشت باقی نمی ماند مگر به مسافتی یک بازو از مساحت زمین، آنگاه کتاب بر او و آنچه بر او مقرر شده است، غالب می شود، اینجاست که یک عمل اهل جهنم را انجام می دهد، پس آن عمل پایانی برایش محسوب می شود و بنابراین وارد جهنم می شود؛ زیرا شرط پذیرفتن عمل او این است که بر آن ثابت قدم باشد و آن را تغییر ندهد، و دیگری از مردم اعمال اهل جهنم را انجام دهد تا اینکه نزدیک به داخل شدن به آن گردد، گویا بین او و جهنم اندازه یک بازو از مساحت زمین باشد، پس کتاب بر او و آنچه بر او مقرر شده است چیره می شود، پس کار اهل بهشت را انجام می دهد و وارد بهشت می شود.

از فوائد حدیث:

۱. سرنوشت تمام امور در پایانی کار است همانطوری که در قضا و قدر تعیین شده است.
۲. هشدار از مغرور شدن به اشکال عمل ها؛ چون اعمال به خاتمه آن بستگی دارد.

(۷۱) - عن ابن مسعود رضي الله عنه قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «الْجَنَّةُ أَقْرَبُ إِلَى أَحَدِكُمْ مِنْ شِرَاكِ نَعْلِهِ، وَالتَّارُ مِثْلُ ذَلِكَ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۷۱) - از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بهشت از بند کفش یکی از شما هم نزدیک تر است، و جهنم نیز چنین است». [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده است که بهشت و جهنم به انسان نزدیک است، مانند بند کفشی که در پشت پا است، زیرا ممکن است طاعتی انجام دهد که الله متعال را خشنود سازد و به وسیله آن وارد بهشت می شود، و یا گناهی که سبب ورود به جهنم می شود.

از فوائد حدیث:

۱. تشویق به خیر، هر چند کم باشد، و خوف دهی از بدی، هر چند کم باشد.
۲. مسلمان باید در زندگی خود امید و خوف را با هم جمع کند، و همواره از الله متعال ثابت قدمی بر حق را بخواهد تا سالم بماند و مغرور حال خود نگردد.

(۳۵۸۱)

(۷۲) - عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «حُجِبَتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ، وَحُجِبَتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۷۲) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «دوزخ با شهوت ها، و بهشت با سختی ها پوشیده شده است». [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان می دارد که آتش جهنم با چیزهایی احاطه شده است که نفس آن را می خواهد، از قبیل انجام کارهای حرام و یا کوتاهی در واجبات؛ هر کس از هوا و هوس نفس خود پیروی کند، سزاوار آتش می باشد، و اینکه بهشت را چیزهایی احاطه کرده است که نفس از آنها متنفر است، مانند مداومت بر موارد امر شده و ترک محرمات و پیشه نمودن شکیبایی بر آن، پس اگر با نفس خود در برابر آن مبارزه و تلاش نمود، سزاوار است که وارد بهشت شود.

از فوائد حدیث:

۱. یکی از اسباب افتادن در شهوات، زینت بخشیدن شیطان از کارهای بد و زشت می باشد، تا این که نفس آن را نیک پندارد و به سوی آن گرایش پیدا کند.

۲. دستور به دوری از شهوت های حرام؛ زیرا آن ها راهی بسوی آتش جهنم است، و دستور صبر بر سختی ها؛ چون راه رسیدن به بهشت است.

۳. فضیلت مبارزه با نفس، و سعی در عبادت، و صبر بر سختی ها و مشقت هایی که طاعت ها را احاطه نموده است.

(۷۳) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ أَرْسَلَ جِبْرِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْجَنَّةِ، فَقَالَ: انْظُرْ إِلَيْهَا وَإِلَى مَا أَعَدَدْتُ لِأَهْلِهَا فِيهَا. فَنَظَرَ إِلَيْهَا فَرَجَعَ، فَقَالَ: وَعِزَّتِكَ لَا يَسْمَعُ بِهَا أَحَدٌ إِلَّا دَخَلَهَا. فَأَمَرَ بِهَا فُحِّتُ بِالْمَكَارِهِ، فَقَالَ: اذْهَبْ إِلَيْهَا فَانْظُرْ إِلَيْهَا وَإِلَى مَا أَعَدَدْتُ لِأَهْلِهَا فِيهَا. فَنَظَرَ إِلَيْهَا، فَإِذَا هِيَ قَدْ حُفَّتْ بِالْمَكَارِهِ، فَقَالَ: وَعِزَّتِكَ لَقَدْ خَشِيتُ أَنْ لَا يَدْخُلَهَا أَحَدٌ. قَالَ: اذْهَبْ فَانْظُرْ إِلَى النَّارِ وَإِلَى مَا أَعَدَدْتُ لِأَهْلِهَا فِيهَا. فَنَظَرَ إِلَيْهَا فَإِذَا هِيَ يَرْكَبُ بَعْضُهَا بَعْضًا، فَرَجَعَ فَقَالَ: وَعِزَّتِكَ لَا يَدْخُلَهَا أَحَدٌ. فَأَمَرَ بِهَا فُحِّتُ بِالشَّهَوَاتِ، فَقَالَ: ارْجِعْ فَانْظُرْ إِلَيْهَا. فَنَظَرَ إِلَيْهَا فَإِذَا هِيَ قَدْ حُفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ، فَرَجَعَ وَقَالَ: وَعِزَّتِكَ لَقَدْ خَشِيتُ أَنْ لَا يَنْجُو مِنْهَا أَحَدٌ إِلَّا دَخَلَهَا». [حسن] - [رواه أبو داود والترمذي والنسائي]

(۷۳) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «زمانی که الله متعال بهشت و جهنم را آفرید، جبرئیل علیه السلام را به بهشت فرستاد و فرمودند: آنچه برای ساکنین آن آماده کرده ام بنگر، سپس به آن نگریست و فرمود: به عزت سوگند، کسی از آن نمی شنود مگر اینکه وارد آن می شود، پس دستور داد تا آن را به سختی دشواری ها احاطه کنند، سپس فرمودند: به سوی آن برو و بنگر که برای ساکنینش چه آماده کرده ام، به آن نگریست و دید که با سختی ها و دشواری ها احاطه شده است، گفت: به عزت سوگند، ترسیدم کسی وارد آن نشود، فرمودند: برو به

جهنم و آنچه برای ساکنین آن آماده کرده ام بنگر، پس به آن نگریست، دید که آتش ها یکی بالای دیگری سوار می شوند، پس برگشت و گفت: سوگند به عزت تو، کسی داخل آن نمی شود، پس دستور داد که آن را با شهوات احاطه کنند، و فرمودند: برگرد و به آن نگاه کن، به آن نگریست و دید که با شهوات احاطه شده، پس برگشت و گفت: به عزت تو سوگند، ترسیدم که هیچ کسی از آن نجات نخواهد یافت مگر این که وارد آن شود». [حسن] - [ابو داود و ترمذی و نسایی روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خبر می دهد، هنگامی که الله متعال بهشت و جهنم را آفرید به جبرئیل علیه السلام فرمودند: به بهشت برو و به آن بنگر، پس رفت و به آن نگاه کرد و سپس بازگشت، جبرئیل گفت: پروردگارا، به عزت سوگند، هیچ کس از آن و آنچه از نعمت ها، عزت ها و خوبی ها در آن است نمی شنود، جز اینکه دوست دارد وارد آن شود، و برای آن تلاش کند، سپس الله متعال بهشت را با سختی ها و مشکلات احاطه کرد که آن انجام اوامر و دوری از نواهی وی می باشد، پس کسی که بخواهد وارد آن شود باید از آن سختی ها عبور کند. سپس الله متعال فرمودند: ای جبرئیل! برو و به بهشت نگاه کن، پس از آن که سختی ها بر آن احاطه نمود، پس رفت و به آن نگریست، سپس آمد و گفت: پروردگارا، به عزت سوگند، می ترسم به خاطر سختی ها و مشکلات که بر سر راه آن است، کسی وارد آن نشود، هر گاه الله متعال جهنم را آفرید، فرمودند: ای جبرئیل: برو به آن نگاه کن، او

رفت و به آن نگاه کرد، سپس آمد و جبرئیل گفت: پروردگارا، به عزت سوگند، هیچ کس آنچه از عذاب و ناراحتی و خواری در آن است نمی شنود مگر اینکه دوست ندارن که وارد آن شوند و از اسباب آن دوری جویند، سپس الله عزوجلّ جهنم را احاطه کرد و راه رسیدن به آن را هوس ها و لذت ها قرار داد، سپس فرمودند: ای جبرئیل برو و به آن بنگر، پس جبرئیل رفت و به آن نگاه کرد، سپس آمد و گفت: پروردگارا، به عزت تو سوگند، ترسیدم و به تشویش آن شدم که کسی از آن نجات نخواهد یافت؛ به خاطر شهوت ها و لذت های که در اطرافش است.

از فوائد حدیث:

۱. ایمان بر این که بهشت و جهنم اکنون وجود دارند.
۲. وجوب ایمان به غیب و هر آنچه از جانب الله و رسول او صلی الله علیه وسلم آمده است.
۳. اهمیت صبر کردن در برابر ناملازمات، زیرا این راهی است که به بهشت منتهی می شود.
۴. اهمیت اجتناب از محرمات؛ زیرا آن ها راهی بسوی جهنم است.
۵. بهشت را مملو از سختی ها و جهنم را مملو از شهوات قرار داده است، و آن مقتضای آزمایش و امتحان در زندگی دنیا است.
۶. راه بهشت سخت و طاقت فرسا است، صبر و رنج توأم با ایمان می خواهد، و راه جهنم مملو از لذت ها و شهوت ها در دنیا است.

(۷۴) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «نَارُكُمْ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ»، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنْ كَانَتْ لِكَافِيَةٍ. قَالَ: «فُضِّلَتْ عَلَيْهِنَ بِتِسْعَةٍ وَثَلَاثِينَ جُزْءًا كُلُّهُنَّ مِثْلُ حَرِّهَا».

[صحيح] - [متفق عليه]

(۷۴) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «آتش شما یک جزء از هفتاد جزء آتش جهنم است» گفته شد: یا رسول الله، آتش دنیا برای تعذیب دوزخیان کافی بود، فرمودند: آتش دوزخ از آتش دنیا شصت و نه برابر بیشتر است، حرارت هر برخی آن مانند حرارت آتش دنیاست». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که آتش دنیا یک بخش از هفتاد بخش آتش دوزخ است، نیروی حرارت آتش آخرت بر حرارت آتش دنیا شصت و نه برابر بیشتر است، که هر قسمت آن معادل حرارت آتش دنیاست، پس گفته شد: ای رسول الله! آتش دنیا برای تعذیب واردشدگان دوزخ کافی بود، پس فرمودند: آتش دوزخ بر آتش دنیا به شصت و نه قسمت برتریت دارد، هر قسمت آن مانند شدت حرارت آتش دوزخ می باشد.

از فوائد حدیث:

۱. هشدار آتش برای دور نگه داشتن مردم از اعمالی که منجر به آن می شود.
۲. بزرگی آتش دوزخ و عذاب آن، و شدت حرارت آن.

(۷۵) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «يَقْبِضُ اللَّهُ الْأَرْضَ، وَيَطْوِي السَّمَوَاتِ بِيَمِينِهِ، ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا الْمَلِكُ، أَيَّنَ مُلُوكُ الْأَرْضِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۷۵) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «الله زمین را [در] مِشت [خود] می گیرد، و آسمان ها را به دست راستش می پیچاند، سپس می فرماید: منم پادشاه، کجایند پادشاهان زمین؟!». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده اند که الله تعالی زمین را در روز قیامت در مِشت خود می گیرد، و آن را جمع می کند، و آسمان ها را با دست راست خود جمع می کند و آنها را بر روی همدیگر می پیچاند و از بین می برد، سپس می فرماید: منم پادشاه، کجاست پادشاهان زمین؟!

از فوائد حدیث:

۱. یادآوری اینکه تنها پادشاهی و فرمانروایی الله را است که باقی می ماند و ملک دیگران زائل است.
۲. جلال الله و عظمت قدرت و سلطان و کامل بودن پادشاهی او.

(۷۶) - عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: دَخَلَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَقَدْ سَتَرْتُ سَهْوَةً لِي بِقِرَامٍ فِيهِ تَمَاثِيلٌ، فَلَمَّا رَأَهُ هَتَكَهُ وَتَلَوْنَ وَجْهَهُ وَقَالَ: «يَا عَائِشَةُ، أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّذِينَ يُضَاهُونَ بِخَلْقِ اللَّهِ» قَالَتْ عَائِشَةُ: «فَقَطَعْنَاهُ فَجَعَلْنَا مِنْهُ وِسَادَةً أَوْ وِسَادَتَيْنِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۷۶) - از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم بر من وارد شد در حالی که من با پارچه‌ای پشیمین که بر آن تصاویر [جاندار] بود سکویی [در گوشه خانه] را پوشانده بودم، پس چون آن را دید آن را برداشت و رنگ چهره‌اش عوض شد و فرمودند: «ای عایشه سخت‌ترین عذاب را نزد الله در روز قیامت کسانی دارند که سعی می‌کنند با خلقت الله همانندسازی کنند» عایشه می‌گوید: «پس آن را پاره کردیم و از آن یک یا دو بالش ساختیم». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم به خانه‌اش نزد عایشه رضی الله عنها رفت و دید که سکویی که محل نگهداری وسایل بود را با پارچه‌ای که در آن تصاویر موجودات جاندار بود پوشانده است، پس رنگ چهره ایشان از روی خشم برای الله تغییر کرد و آن را دور نموده و فرمودند: سخت‌ترین مردم از نظر عذاب در روز قیامت کسانی اند که با کشیدن تصاویر آفریده‌های الله متعال را شبیه‌سازی می‌کنند، عایشه رضی الله عنها می‌فرماید: پس آن را یک یا دو بالش ساختیم.

از فوائد حدیث:

۱. انکار منکر باید هنگام دیدن آن باشد و نباید آن را به تاخیر انداخت، مگر آنکه مفسده بزرگتری از آن حاصل شود.
۲. عذاب روز قیامت برحسب بزرگی گناه متفاوت است.
۳. به تصویر کشیدن موجودات روح دار از گناهان کبیره است.
۴. یکی از حکمت های حرام بود تصویرگری، تلاش در جهت شبیه سازی خلقت الله تعالی است؛ فرقی ندارد که شخص نیتش شبیه سازی باشد یا نباشد.
۵. توجه شریعت به حفظ اموال و استفاده آن پس از دوری از آنچه که در آن حرام است.
۶. منع از کشیدن و تولید تصاویر موجودات جاندار به هر شکل که باشد، حتی اگر از بهر ابتذال و اهانت باشد.

(۵۹۳)

(۷۷) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَيُوشَكَّنَ أَنْ يَنْزَلَ فِيكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ حَكَمًا مُقْسِطًا، فَيَكْسِرَ الصَّلِيبَ، وَيَقْتُلَ الْخَزِيرَ، وَيَضَعَ الْجِزْيَةَ، وَيَفِيضَ الْمَالُ حَتَّى لَا يَقْبَلَهُ أَحَدٌ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۷۷) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «قسم به آنکه جانم به دست اوست، نزدیک است

که فرزند مریم در میان شما به عنوان داوری دادگر نازل شود و صلیب را بشکند، و خوک را بکشد، و جزیه را بردارد، و مال آنقدر سرازیر شود که کسی آن را نپذیرد». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم به نزدیکی نزول عیسی بن مریم علیه السلام سوگند یاد می کند تا آنکه میان مردم با عدل بنابر شریعت محمدی داوری کند، و اینکه ایشان صلیب را که نصرانیان گرامی اش می دارند می شکند، و اینکه عیسی علیه السلام خوک را می کشد، و ایشان علیه السلام جزیه را از میان برمی دارد، و مردم همه باید هنگام آمدن او به دین اسلام مشرف شوند، و اینکه مال آنقدر زیاد می شود که کسی آن را نمی پذیرد؛ زیرا ثروت فراوان می شود و به دلیل نزول برکات و سرازیر شدن پی در پی خیرات هرکس با آنچه دارد بی نیاز می شود.

از فوائد حدیث:

۱. اثبات فرو آمدن عیسی علیه السلام در آخر الزمان و اینکه نزول او از نشانه های قیامت است.
۲. شریعت پیامبر صلی الله علیه وسلم توسط دیگری نسخ نمی شود.
۳. نزول برکات در مال در آخر الزمان به همراه بی نیازی مردم از آن.
۴. بشارت به بقای دین اسلام به طوری که عیسی علیه السلام در آخر الزمان بر اساس آن حکم می کند.

(۷۸) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِعَمِّهِ: «قُلْ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ لَكَ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»، قَالَ: لَوْلَا أَنْ تُعَيِّرَنِي فُرَيْشٌ، يَقُولُونَ: إِنَّمَا حَمَلَهُ عَلَى ذَلِكَ الْجَنْعُ لَأَقْرَرْتُ بِهَا عَيْنَكَ. فَأَنْزَلَ اللَّهُ: {إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ} [القصص: ۵۶]. [صحيح] - [رواه مسلم]

(۷۸) - از ابو هريره رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم به عمویش فرمودند: «بگو: معبودی جز الله نیست، تا این که روز قیامت بر تو گواهی دهم، گفت: اگر قریش مرا سرزنش نمی کردند، می گویند: وی از روی خوف و ترس این کار را انجام داد، و به زبان آوردن این خواست چشم تو را به آن شاد می کردم، پس الله متعال این آیت را نازل نمودند:

{إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ}، (ای پیامبر!) تو کسی را که دوست داری نمی توانی هدایت کنی، بلکه الله هر کس را که بخواهد هدایت می کند [القصص: ۵۶]. [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از عمویش ابوطالب که در حالت دشواری ها و سختی های مرگ بود خواست تا بگوید: «لا اله الا الله» تا توسط آن روز قیامت شفاعتش را کرده و به اسلام آوردنش گواهی بدهد، ولی او از نطق این شهادت خودداری کرد از ترس اینکه قریش به او دشنام دهند و درباره او بگویند: از ترس مرگ و ضعف اسلام آورد! به پیامبر صلی الله علیه

وسلم فرمودند: اگر این چنین نمی بود با گفتن شهادت دلت را شاد می کردم و تو را به آرزویت می رساندم تا این که راضی شوی! سپس الله متعال آیتی را نازل کرد که دلالت بر این دارد که پیامبر صلی الله علیه وسلم توفیق هدایت اسلام را ندارد، بلکه الله متعال به هر که بخواهد توفیق می دهد. و اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم مردم را با دلالت، بیان، ارشاد و دعوت به راه مستقیم هدایت می کند.

از فوائد حدیث:

۱. گفتن حق از ترس حرف های مردم ترک نمی شود.
۲. پیامبر صلی الله علیه وسلم دارای هدایت دلالت و ارشاد است نه هدایت توفیق.
۳. مشروعیت عیادت کافر بیمار برای دعوت کردنش به اسلام.
۴. حرص پیامبر صلی الله علیه وسلم برای دعوت به سوی الله متعال در هر شرایط بود.

(۶۵۰۶۹)

(۷۹) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «حَوْضِي مَسِيرَةُ شَهْرٍ، مَأْوُهُ أَبْيَضُ مِنَ اللَّبَنِ، وَرِيحُهُ أَطْيَبُ مِنَ الْمِسْكِ، وَكِبْرَانُهُ كَنَجْمِ السَّمَاءِ، مَنْ شَرِبَ مِنْهَا فَلَا يَظْمَأُ أَبَدًا». [صحيح] - [متفق عليه]

(۷۹) - از عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: « حوض من به مسافه یک ماه است، آب آن از شیر سفیدتر و بوی آن خوشبوتر از مشک است، کوزه ها

-جام های- آن مانند ستاره های آسمان است، هر که از آن بنوشد هرگز

تشنه نخواهد شد.» [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند که در قیامت حوضی خواهد داشت که طول آن مسیر یک ماه است و عرض آن نیز به همین اندازه خواهد بود، و این که آب آن از شیر سفیدتر است، و اینکه بوی شیرین آن از مشک خوشبوتر است، کوزه ها -جام های- آن به مانند ستاره های آسمان است، هر که توسط آن کوزه ها -جام ها- بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد.

از فوائد حدیث:

۱. حوض پیامبر صلی الله علیه وسلم مجمع بزرگی آب است که مؤمنان امت او در روز قیامت به آن می آیند.

۲. رسیدن به سعادت برای کسانی که از حوض می نوشند و هرگز تشنه نمی شوند.

(۸۰) - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يُوتَى بِالْمَوْتِ كَهَيْئَةِ كَبْشٍ أَمْلَحَ، فَيُنَادِي مُنَادٍ: يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ، فَيَشْرَبُونَ وَيَنْظُرُونَ، فَيَقُولُ: هَلْ تَعْرِفُونَ هَذَا؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، هَذَا الْمَوْتُ، وَكُلُّهُمْ قَدْ رَأَهُ، ثُمَّ يُنَادِي: يَا أَهْلَ النَّارِ، فَيَشْرَبُونَ وَيَنْظُرُونَ، فَيَقُولُ: وَهَلْ تَعْرِفُونَ هَذَا؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، هَذَا الْمَوْتُ، وَكُلُّهُمْ قَدْ رَأَهُ، فَيَذِيعُ ثُمَّ يَقُولُ: يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ خُلُودٌ فَلَا مَوْتَ، وَيَا أَهْلَ النَّارِ خُلُودٌ فَلَا مَوْتَ، ثُمَّ قَرَأَ: {وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ} [مريم: ۳۹]، وَهَؤُلَاءِ فِي غَفْلَةٍ أَهْلُ الدُّنْيَا {وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ} [مريم: ۳۹]». [صحيح] - [متفق عليه]

(۸۰) - از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مرگ به صورت کبش زیبا آورده می شود، سپس صدا کننده صدا می کند: ای اهل بهشت، آنان گردن های خود را بلند می کنند و می نگرند، و می گوید: آیا این را می شناسید؟ می گویند: آری، این مرگ است، و همه آن را دیدند، سپس صدا می کند: ای اهل دوزخ، آنان گردن های خود بلند می کنند و می نگرند، و می گوید: آیا این را می شناسید؟ میگویند: آری این مرگ است، و همه آن را دیدند، پس ذبح می شود و میگوید:

ای اهل بهشت تا ابد باقی بمانید و مرگ نیست، و ای اهل دوزخ تا ابد بمانید و مرگ نیست، بعد از آن تلاوت نمود: {وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ} [مريم: ۳۹]، و آنان را که (اکنون) در غفلت

به سر می‌برند، از روز حسرت و پشیمانی بترسان، وقتی که کار به انجام رسانیده می‌شود و آنان ایمان نمی‌آورند.

و آنان اهل دنیا در غفلت به سر می‌برند {وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ} و آنان ایمان نمی‌آورند. [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرمایند که مرگ در روز قیامت بشکل گوسفندی نر که در آن سفیدی و سیاهی می‌باشد آورده می‌شود، پس صدا می‌شود: ای اهل بهشت! گردن و سرهای خود را بلند کرده و می‌نگرند، برای شان گفته می‌شود: آیا این را میشناسید؟ می‌گویند: آری، این مرگ است، همه آن دیده و شناخته‌اند، سپس صدا کننده صدا می‌زند: ای اهل دوزخ، گردن و سرهای خود را بلند می‌کنند و می‌نگرند، برای شان گفته می‌شود: آیا این را میشناسید؟ می‌گویند: آری، این مرگ است، همه آن دیده‌اند؛ سپس کبش ذبح می‌شود، و صدا کننده می‌گوید: ای اهل بهشت تا ابد باقی بمانید و مرگ نیست، و ای اهل دوزخ تا ابد باقی بمانید و مرگ نیست، برای این که بر نعمت‌های مؤمنان افزوده شود و بر عذاب کافران غلبه کند، سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم تلاوت نمود: {وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ}

و آنان را که (اکنون) در غفلت به سر می‌برند، از روز حسرت و پشیمانی بترسان، وقتی که کار به انجام رسانیده می‌شود، و آنان اهل دنیا در غفلت به سر می‌برند و آنان ایمان نمی‌آورند، پس در روز قیامت اهل بهشت و جهنم را از

هم جدا شده، و هر یک به مصیر خود داخل می شوند و جاودانه در آن می مانند، پس بد کاران از انجام ندادن کار نیک پشیمان می شوند، و تقصیر کننده نیز از عدم ازدیاد کار نیک پشیمان می شوند.

از فوائد حدیث:

۱. مصیر انسان در آخرت تا ابد ماندن است، یا در بهشت و یا در دوزخ.
۲. هشدار شدید از وحشت روز قیامت و اینکه آن روز حسرت و پشیمانی است.
۳. بیان شادی همیشگی اهل بهشت، و غم همیشگی اهل جهنم.

(۶۵۰۳۵)

(۸۱) - عن عمر بن الخطاب رضي الله عنه قال: إنه سمع نبي الله صلى الله عليه وسلم يقول: «لَوْ أَنَّكُمْ تَتَوَكَّلُونَ عَلَى اللَّهِ حَقَّ تَوَكُّلِهِ، لَرَزَقَكُمْ كَمَا يَزُقُّ الطَّيْرَ، تَغْدُو خِمَاصًا وَتَرُوحُ بِطَانًا». [صحيح] - [رواه الترمذي وابن ماجه وأحمد]

(۸۱) - از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که فرمود: او از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنید که می فرمودند: "اگر شما به درستی بر الله متعال توکل حقیقی داشتید، (الله متعال) به شما همانند پرند هایی که صبح با شکم خالی می روند و شب هنگام با شکم پر بر می گردند رزق و روزی می داد" [صحيح] - [ترمذی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم ما را برای کسب منفعت و دفع ضرر در امور دنیا و دین تشویق می نماید تا بر الله متعال توکل نماییم، زیرا کسی جز الله

متعال نمی بخشد، و منع نمی کند، و زیان نمی رساند، و نفع نمی رساند، و اینکه با ایمان واقعی و تکیه به الله متعال از وسایلی استفاده کنیم که منفعت را جلب و زیان را دفع می کند، پس هرگاه ما این کار را انجام دادیم، الله متعال مانند پرندگانی به ما رزق می دهد که صبح در حال گرسنگی از خانه های خود خارج می شوند، و شام با شکم پر برمی گردند، این کار از پرندگان نوعی به کار بردن اسباب در جستجوی رزق و روزی است، بدون تنبلی و کسالت.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت توکل، و اینکه آن از بزرگترین اسبابی است که باعث کسب رزق و روزی می شود.
۲. توکل منافاتی با انجام اسباب ندارد، توکل حقیقی مخالف با صبح بیرون رفتن و شب برگشتن برای طلب رزق و روزی نیست.
۳. اهمیت دادن شریعت به اعمال قلب؛ زیرا توکل عمل قلبی می باشد.
۴. فقط دلبستگی به اسباب، نقص در دین است و ترک اسباب نقص در عقل.

(۴۷۲۱)

(۸۲) - عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «نِعْمَتَانِ مَغْبُورٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ: الصَّحَّةُ وَالْفَرَاغُ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۸۲) - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بسیاری از مردم درباره ی دو نعمت زیان می بینند (و آنگونه که باید از آنها استفاده نمی کنند): تندرستی و فراغت».

[صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که دو نعمت از نعمت های الهی است که انسان قدر آنها را نمی داند و به شدت در مورد آنها زیان می بیند و آنها را در غیر محل آن خرج می کنند؛ پس اگر برای انسان نعمت سلامتی بدن با اوقات فراغت جمع شود، و تبلی بر او غلبه کند، به شدت زیان می بیند؛ و این حال اکثر مردم است، و اگر از اوقات فراغت و سلامتی بدن خود در طاعت الله متعال خرج نماید، در این صورت برنده است؛ چون دنیا مزرعه آخرت است، و در آن تجارتی است که سودش در آخرت ظاهر می شود، و اوقات فراغت، مشغولیت را به دنبال دارد، و سلامتی بدن، بیماری را به دنبال دارد، و اگر تنها کهنسالی را به دنبال می داشت کافی بود.

از فوائد حدیث:

۱. تشبیه نمودن فرد مکلف به تاجر، و سلامتی بدن و اوقات فراغت را به مال (سرمایه)؛ پس هر کس از سرمایه خود به خوبی استفاده کند سود و منفعت می برد، و هر که آن را هدر دهد ضرر کرده و پشیمان می شود.
۲. ابن الخازن می گوید: نعمت، چیزیست که انسان به آن در خوشگذرانی به سر برده و از آن لذت می برد، و ساده لوحی و بی مخی (عَبْن) آن است که چیزی را چند برابر قیمت بخرد، و یا به کمتر از قیمت آن بفروشد؛ پس هر کس بدن سالمی داشته باشد و از کار طاقت فرسا فارغ باشد و برای آخرت خود تلاش نکند مانند همان ساده لوح و بی مخ در بیع است.

۳. حرص ورزی بر استفاده از سلامتی بدن و اوقات فراغت در نزیک شدن به الله متعال، و اعمال نیک، قبل از این که آنها از دست بدهد.
۴. شکر نعمت های الله متعال با استفاده آنها در طاعت الله متعال است.
۵. قاضی و ابوبکر بن العربی می گویند: در اولین نعمت الله متعال بر بنده اختلاف است، گفته می شود که: ایمان است، و گفته می شود که: زندگی است، و گفته می شود که: سلامتی است، و نخستین آنها اولی تر است، چون نعمت مطلق است، اما زندگی و سلامتی بدن نعمت دنیوی هستند، و هرگز نعمت واقعی شمرده نمی شود مگر اینکه همراه با ایمان باشد، و اینجاست که بسیاری از مردم در آن فریب می خورند، یعنی سود از دست می رود و یا کاسته می شود،
۶. پس هر کس از نفس اماره بالسوء خود اطاعت کند تا او را به آسایش بکشاند و از حفظ حدود و پایداری در طاعت کوتاهی کند، در واقع این شخص فریب خورده، همینطور کسی که اوقات فارغ دارد، چون انسان مشغول ممکن معذور پنداشته شود بر خلاف کسی که اوقات فارغ دارد؛ چون عذر از او برداشته شده و حجت بر او اعمال می گردد.

(۸۳) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يُسَلِّمُ الرَّاَكِبُ عَلَى الْمَاشِي، وَالْمَاشِي عَلَى الْقَاعِدِ، وَالْقَلِيلُ عَلَى الْكَثِيرِ». وَلِلْبُخَارِيِّ: «يُسَلِّمُ الصَّغِيرُ عَلَى الْكَبِيرِ، وَالْمَارُّ عَلَى الْقَاعِدِ، وَالْقَلِيلُ عَلَى الْكَثِيرِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۸۳) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «سواره بر پیاده، و پیاده بر نشسته، و جمع کم بر جمع بسیار سلام گویند». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم ما را به آداب خوش آمد گویی و سلام بین مردم راهنمایی کرده است، یعنی گفتن «السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»، به این صورت که کوچکتر بر بزرگتر، و سواره بر پیاده، و پیاده بر نشسته، و جمع کم بر جمع بسیار سلام گویند.

از فوائد حدیث:

۱. استحباب سلام گفتن به همان نحوی که در حدیث آمده است، اما اگر پیاده بر سواره سلام گوید و غیر آنچه بیان شد، جایز است اما خلاف اولی و خلاف بهتر است.
۲. سلام انداختن به همان صورتی که در حدیث آمده از اسباب محبت و نزدیک شدن دلهاست.
۳. اگر دو نفر یا دو گروه در این موارد ذکر شده برابر بودند، بهترین آنها کسی است که زودتر سلام گوید.

۴. کمال این شریعت در بیان هر آنچه مردم به آن نیاز دارند می باشد.

۵. آموزش آداب سلام و اعطای حق برای هر صاحب حق.

(۴۲۴۳)

(۸۴) - عن أبي ذر رضي الله عنه: عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيمَا رَوَى
عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنَّهُ قَالَ: «يَا عِبَادِي إِنِّي حَرَمْتُ الظُّلْمَ عَلَى نَفْسِي، وَجَعَلْتُهُ
بَيْنَكُمْ مُحَرَّمًا، فَلَا تَظْلَمُوا، يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ ضَالٌّ إِلَّا مَنْ هَدَيْتُهُ، فَاسْتَهْدُونِي
أَهْدِيكُمْ، يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ جَائِعٌ إِلَّا مَنْ أَطْعَمْتُهُ، فَاسْتَطْعِمُونِي أُطْعِمَكُمْ، يَا
عِبَادِي كُلُّكُمْ عَارٍ إِلَّا مَنْ كَسَوْتُهُ، فَاسْتَكْسُونِي أَكْسِيكُمْ، يَا عِبَادِي إِنَّا
نُحْطِئُونَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَأَنَا أَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا فَاسْتَغْفِرُونِي أَغْفِرْ لَكُمْ، يَا عِبَادِي
إِنَّا لَنُتَبَلِّغُوا صَرِيَّ فَتَضُرُّونِي، وَلَنُتَبَلِّغُوا نَفْعِي فَتَنْفَعُونِي، يَا عِبَادِي لَوْ أَنَّ
أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجَنَّتْكُمْ كَانُوا عَلَى أَتَقَى قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ مَا
زَادَ ذَلِكَ فِي مُلْكِي شَيْئًا، يَا عِبَادِي لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجَنَّتْكُمْ كَانُوا
عَلَى أَفْجَرِ قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِنْ مُلْكِي شَيْئًا، يَا عِبَادِي لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ
وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجَنَّتْكُمْ قَامُوا فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ فَسَأَلُونِي فَأَعْطَيْتُ كُلَّ إِنْسَانٍ
مَسْأَلَتَهُ مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِمَّا عِنْدِي إِلَّا كَمَا يَنْقُصُ الْمِخْيَطُ إِذَا أُدْخِلَ الْبَحْرَ، يَا
عِبَادِي إِنَّمَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ أُحْصِيهَا لَكُمْ ثُمَّ أُوقِيكُمْ إِلَيْهَا، فَمَنْ وَجَدَ خَيْرًا
فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ، وَمَنْ وَجَدَ غَيْرَ ذَلِكَ فَلَا يُلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۸۴) - از ابو ذر رضی الله عنه روایت است: از پیامبر - صلی الله علیه و

سلم - در مورد آنچه که از پروردگارش روایت کرده، می فرماید که او فرمودند:

«ای بندگانه، من ظلم را بر خویش حرام کرده ام و آن را هم در بین شما حرام

کرده ام، پس به همدیگر ظلم نکنید، ای بندگانم، همه شما گمراه هستید مگر کسی را که من هدایت کنم، پس از من طلب هدایت کنید تا شما را هدایت کنم، ای بندگانم همه شما گرسنه هستید مگر کسی که من او را طعام دهم، پس از من طلب طعام کنید تا شما را طعام دهم، ای بندگانم، همه شما عریان (لخت) هستید مگر کسی را که توسط لباس پوشاندم، پس از من طلب لباس کنید تا به شما لباس دهم، ای بندگانم، شما در شب و روز گناه می کنید و من تمامی گناهان را می بخشم، پس از من طلب آمرزش کنید شما را می آمرزم، ای بندگانم، زیان شما به من نمی رسد تا مرا زیان رسانید، و نفع شما به من نمی رسد تا مرا یاری رسانید، ای بندگانم، اگر اولین و آخرین شما و همه انسان ها و جنی های شما، مانند قلب باتقواترین مردی از شما باشند، چیزی به مُلک و پادشاهی من زیاد نمی شود، ای بندگانم، اگر اولین و آخرین شما و همه انسان ها و جنی های شما، مانند قلب گناهکارترین مردی از شما باشند، چیزی از مُلک و پادشاهی من کم نمی شود، ای بندگانم، اگر اولین و آخرین شما و همه انسان ها و جنی های شما در یک مکان با هم از من طلب کنند، و خواست هر کدام از آنان را برآورده سازم چیزی از آنچه که نزد من وجود دارد کم نمی شود، مگر همانند کم شدن آب بحری که سوزنی وارد آن شود، ای بندگانم، بطور قطعی من اعمال شما را می شمارم (و ثبت می کنم) سپس جزای آنها را به شما می دهم، پس هر کسی خیری حاصل کرد، الله را ستایش کند، و هر کسی غیر آن حاصل کرد، فقط نفس خود را ملامت کند». [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلى الله عليه وسلم خبر می دهد که الله متعال فرموده است :
 که ظلم را برای خود حرام کرده است و ظلم را در بین مخلوق خود حرام کرده
 است، پس هیچ کس به دیگری ستم نکند، و اینکه همه مخلوقات گمراهند
 از راه حق مگر به هدایت و توفیق الله متعال، و هر کسی از الله متعال آترا
 بخواهد او را توفیق می دهد و هدایتش می کند، و اینکه مردم در تمام کارها
 ایشان به الله متعال محتاج اند، و هر کسی از الله متعال بخواهد حاجتش را
 برآورده می سازد، و او را کافی می شود، و اینکه آنها در شب و روز گناه می
 کنند و الله متعال آبروی او را نگاه می کند وقتی بنده آموزش بخواهد، و نمی
 توانند به الله متعال ضرر و یا سودی برسانند، و اینکه اگر آنان مانند قلب
 باتقواترین مردی از شما باشند، تقوایشان چیزی به مُلک الله متعال نمی افزاید،
 و یا اگر آنان مانند قلب گناهکارترین مردی از شما باشند، گناهان آنان نیز
 چیزی از مُلک الله متعال کم نخواهد کرد؛ زیرا این بندگان در هر زمان و مکان
 ضعیف و نیازمند به درگاه او هستند و او غنی و منزّه است، و اینکه اگر همه
 آنان؛ انس و جن، اول و آخر شان در یک مکان جمع شوند و از الله متعال
 درخواست کنند، و او خواست هر کدام از آنان را برآورده نماید، از آنچه که
 نزد الله متعال است چیزی کم نخواهد شد؛ مگر همانند کم شدن آب بحری
 که سوزنی وارد آن شود، و این از کمال غنای آن سبحان است.

و اینکه الله متعال همه ی اعمال بندگان را می شمارد، سپس روز
 قیامت جزایشان را می دهد، پس هر کسی جزای خیر اعمالش را دید ثنا و

ستایش الله متعال را بخاطر توفیق عبادتش بجا بیاورد، و هر کسی جزای شر اعمالش را دید فقط نفس اماره خویش را ملامت کند که او را به سوی خسارتمندی کشانده است.

از فوائد حدیث:

۱. این حدیث از جمله احادیث است که پیامبر صلی الله علیه وسلم از پروردگارش روایت کرده است، و آن را حدیث قدسی یا الهی می گویند، و حدیث قدسی آن حدیث است که لفظ و معنای آن از جانب پروردگار باشد، جز این که حدیث قدسی ویژگی های قرآن را ندارد؛ که آن را از دیگر اشیاء متمایز می سازد، مانند تعبد به تلاوت آن، طهارت برای آن، چالش، اعجاز و غیره.
۲. آنچه که برای بندگان از دانش و هدایت حاصل می شود، به هدایت الهی و آموزش او برای انسان حاصل شده است.
۳. هر آنچه که بندگان از خیر به دست می آورند در نتیجه ی فضل الله متعال است، و هر آنچه که بندگان از شر به دست می آورند در نتیجه ی پیروی از هوای نفس آنها است.
۴. هر کسی نیکوکاری کند، به توفیق الهی است، و جزای او حصول فضل الهی است، پس الله را ستایش است، و هر کسی بدی کرد، جز خود را ملامت نکند.

(۸۵) - عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اتَّقُوا الظُّلْمَ، فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَاتَّقُوا الشُّحَّ، فَإِنَّ الشُّحَّ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، حَمَلَهُمْ عَلَى أَنْ سَفَكُوا دِمَاءَهُمْ وَاسْتَحْلَوْا حِمَارَهُمْ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۸۵) - از جابر بن عبدالله رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «از ظلم پرهیزید، زیرا ظلم تاریکی هایی در روز قیامت است، و از بخل ورزی پرهیزید، زیرا بخل ورزی کسانی را که پیش از شما بودند هلاک کرد؛ آنان را بر آن داشت که خون هایشان را بریزند و حرمت هایشان را حلال بشمارند». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم در باره ظلم هشدار داده و از جمله آن: ستم به مردم، ستم در حق خود، و ستم در حق الله تعالی است، ظلم یعنی ندادن حق هر صاحب حق، و ظلم در روز قیامت برای صاحبان اش تاریکی هایی است، و باعث دشواری ها و وحشت روز قیامت است، و پیامبر صلی الله علیه وسلم از بخل ورزی برحذر داشت که شح همانا بخل ورزی شدید به همراه حرص است، و از جمله آن کوتاهی در ادای حقوق مالی و حرص شدید بر دنیا است، و این نوع از ظلم، امت های پیش از ما را هلاک کرد، آنطور که آنان را بر این داشت که همدیگر را بکشند و حرام هایی را که الله منع کرده بود مباح بشمارند.

از فوائد حدیث:

۱. خرج مال و هم‌دردی و کمک به دوستان از اسباب محبت و پیوند است.
۲. بُخل و شُح انسان را به سمت گناهان و فحشا و گناهان می‌کشاند.
۳. عبرت گرفتن از احوال امت‌های پیشین.

(۹۷۸۷)

(۸۶) - عن أبي موسى رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ اللَّهَ لَيُمْلِي لِلظَّالِمِ، حَتَّى إِذَا أَخَذَهُ لَمْ يُفْلِتْهُ» قَالَ: ثُمَّ قَرَأَ: «وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ» [هود: ۱۰۲] [صحيح] - [متفق عليه]

(۸۶) - از ابو موسی رضی الله عنه روایت است فرمود که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: « بی گمان که الله متعال به ستمگر مهلت می‌دهد، تا این که او را بگیرد پس او را رها نمی‌کند» گفت: سپس (این آیه مبارکه را) خواند: « {وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ} [هود: ۱۰۲] » و چنین است بازخواستِ پروردگارت که اهالی شهرهایی را که ستمکار [و مشرک] بودند فرو می‌گرفت. بی‌گمان، بازخواستِ او دردناک و سخت است. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از اصرار بر ظلم با گناه و شرک، و ظلم به مردم در حقوق شان هشدار می‌دهد، زیرا الله متعال به ظالم مهلت می‌دهد و او را به تأخیر می‌اندازد و عمر او را طولانی و مال او را زیاد می‌

سازد، در مجازات وی عجله نمی کند، پس اگر توبه نکند او را می گیرد و به خاطر ظلم زیاد او، وی را رها نمی کند.

سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم این آیه را خواند: {وَكَذَلِكَ أَخَذَ رَبُّكَ إِذَا أَخَذَ الْقَرْيَ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخَذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ} [هود: ۱۰۲]. و چنین است بازخواستِ پروردگارت که اهالی شهرهایی را که ستمکار [و مشرک] بودند فرومی گرفت، بی گمان، بازخواستِ او دردناک و سخت است.

از فوائد حدیث:

۱. عاقل باید در توبه عجله کند، و بداند در صورت اصرار بر ظلم از گرفت الله متعال در امان نخواهد بود.
۲. الله متعال به ظالمان مهلت می دهد، و از روی استدراج در مجازات شان عجله نمی کند، و در صورت توبه نکردن عذاب شان را چند برابر می سازد.
۳. ظلم از جمله اسبابی است که الله متعال به سبب آن امت ها را تعذیب می کند.
۴. وقت الله متعال روستا ها را هلاک می کند، ممکن است افراد صالحی در آن باشند، پس اینها در روز قیامت به اعمال نیک که به آن مرده اند برانگیخته می شوند، و اینکه در دنیا عذاب شامل حالشان شده بود ضرری به آنها نمی رساند.

(۸۷) - عن ابن عباس رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم
 فيما يروي عن ربه عز وجل قال: قال: «إِنَّ اللهَ كَتَبَ الْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ، ثُمَّ
 بَيَّنَّ ذَلِكَ، فَمَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللهُ لَهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً، فَإِنْ هُوَ
 هَمَّ بِهَا فَعَمِلَهَا كَتَبَهَا اللهُ لَهُ عِنْدَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ إِلَى سَبْعِمِائَةٍ ضَعِيفٍ، إِلَى
 أَضْعَافٍ كَثِيرَةٍ، وَمَنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللهُ لَهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً،
 فَإِنْ هُوَ هَمَّ بِهَا فَعَمِلَهَا كَتَبَهَا اللهُ لَهُ سَيِّئَةً وَاحِدَةً». [صحيح] - [متفق عليه]

(۸۷) - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است : از رسول الله - صلی الله
 علیه وسلم - در آنچه که از پروردگارش - تبارک و تعالی - روایت می کند، فرموده
 اند: « "الله متعال نیکی ها و گناهان را نوشته است، سپس این را بیان نموده که
 هر کسی خواست نیکی کند ولی آن را انجام نداد، الله متعال آن نیکی را به
 صورت کامل در نزد خویش می نویسد، و اگر خواست نیکی کند و آن را انجام
 داد، الله متعال در نزد خویش ده نیکی تا هفتصد برابر یا بیشتر از آن می نویسد،
 و اگر خواست گناه کند ولی آن را انجام نداد، الله متعال در نزد خویش یک
 نیکی کامل می نویسد، و اگر خواست گناهی کند ولی آن را انجام داد الله
 متعال تنها یک گناه برای او می نویسد". [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمایند که الله متعال خوبی ها و بدی
 ها را اندازه نموده، سپس به دو فرشتگان نشان داده که چگونه آنها را بنویسند:
 پس هر کسی بخواهد و قصد کند و تصمیم گیرد که عمل نیک را انجام
 دهد یک حسنه برای او نوشته می شود، اگرچه آنرا انجام ندهد، اما اگر انجام

دهد ده برابر تا هفتصد برابر و بیشتر از آن برایش افزایش می دهد، و زیادت بر حسب آنچه در قلب از اخلاص و منفعت رساندن به دیگران باشد است. و هر کسی اراده و قصد و تصمیم انجام دادن گناه داشته باشد، سپس او را برای الله متعال ترک کند، برای وی اجر نوشته می شود، اگر او را بخاطر مشغول شدن به کاری دیگری ترک نمود، در حالی که اسباب آنرا انجام نداده باشد هیچ چیزی علیه وی نوشته نمی شود، اما اگر گناه را بخاطر عدم توانایی ترک کند، پس نظر به نیت برای او نوشته می شود، ولی اگر آنرا انجام دهد برایش یک بدی نوشته می شود.

از فوائد حدیث:

۱. بیان مهربانی بزرگ الله متعال بر این امت که نیکی ها را چند برابر ساخته نزد خود می نویسد، و بدی ها را چند برابر نمی سازد.
۲. ارزش نیت در اعمال و تأثیر آن.
۳. لطف و احسان پروردگار، این که هر کس قصد عمل نیک داشته باشد و آن را انجام ندهد الله متعال آن را نیکی می نویسد.

(۴۳۲۲)

(۸۸) - عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتُؤَاخَذُ بِمَا عَمِلْنَا فِي الْجَاهِلِيَّةِ؟ قَالَ: «مَنْ أَحْسَنَ فِي الْإِسْلَامِ لَمْ يُؤَاخَذْ بِمَا عَمِلَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ، وَمَنْ أَسَاءَ فِي الْإِسْلَامِ أُخِذَ بِالْأَوَّلِ وَالْآخِرِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۸۸) - از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت است که فرمود: مردی گفت: ای رسول الله، آیا برای آنچه در جاهلیت انجام داده ایم بازخواست خواهیم شد؟

ایشان فرمودند: "هر که در اسلام نیکوکاری کند برای آنچه در جاهلیت انجام داده است مؤاخذه نخواهد شد، و هر که در اسلام بدی کند برای آنچه در آغاز و پایان انجام داده است، بازخواست خواهد شد» [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم فضیلت داخل شدن در اسلام را بیان می کند، و آنکه اسلام را پذیرفت و مسلمان نیکو شد و مخلص و راستگو بود؛ از گناهانی که در دوران جاهلیت مرتکب شده است پاسخگو نخواهد بود؛ و هر کسی که در اسلام بدی بکند، در حالی که منافق و یا مرتد باشد؛ او به خاطر کارهایی که در کفر انجام داده و آنچه در اسلام انجام داده است پاسخگو خواهد بود.

از فوائد حدیث:

۱. اهمیت دادن صحابه رضی الله عنهم و ترس از آنچه در دوران جاهلیت انجام می دادند.
۲. تلاش به استقامت بر اسلام.
۳. فضیلت ورود به اسلام و این که سبب کفاره اعمال قبلی است.
۴. مرتد و منافق در برابر هر عملی که در دوران جاهلیت مرتکب شده است و هر گناهی که در اسلام انجام داده است، پاسخگو خواهد بود.

(۸۹) - عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ نَاسًا مِنْ أَهْلِ الشَّرْكِ، كَانُوا قَدْ قَتَلُوا وَأَكْثَرُوا، وَزَنَوْا وَأَكْثَرُوا، فَأَتَوْا مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالُوا: إِنَّ الَّذِي تَقُولُ وَتَدْعُو إِلَيْهِ لِحَسَنٍ، لَوْ تُخْبِرُنَا أَنَّ لِمَا عَمِلْنَا كَفَّارَةً، فَتَزَلْ {وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ} [الفرقان: ۶۸]، وَنَزَلَتْ: {قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ} [الزمر: ۵۳]. [صحيح] - [متفق عليه]

(۸۹) - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که: مردمی از اهل شرک که در قتل و زنا زیاده روی کرده بودند به نزد محمد صلی الله علیه وسلم آمدند و گفتند: آنچه تو می گویی و به آن فرا می خوانی بی شک نیکو است، اگر بگویی که آنچه ما انجام داده ایم کفاره ای دارد، پس این آیه نازل شد: {وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ} [الفرقان: ۶۸] (و کسانی که معبودی دیگر با الله نمی خوانند و کسی که الله [کشتنش را] حرام کرده است، جز به حق نمی کشند و زنا نمی کنند، و این آیه نازل شد: {قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ} [الزمر: ۵۳] {ای پیامبر، به بندگانم که [در ارتکاب به شرک و گناه] زیاده روی کرده اند، بگو: از رحمت الهی مأیوس نباشید). [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

مردان از مشرکان نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدند در حالی که بسیار مرتکب قتل و زنا شده بودند، به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفتند: آنچه تو به سوی آن دعوت می دهی یعنی اسلام و تعالیم آن چیز خوبی است، اما حال ما که مرتکب شرک و کبائر شده ایم چگونه است و آیا این کفاره ای دارد؟ پس این دو آیه نازل شد و الله توبه مردم را با وجود زیادی گناهان و بزرگی آن پذیرفت، و اگر چنین نبود به کفر و طغیانشان ادامه می دادند و وارد این دین نمی شدند.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت اسلام و عظمت آن و اینکه گناهان پیشین را نابود می کند.
۲. فراخی رحمت الله نسبت به بندگانش و مغفرت و عفو او.
۳. تحریم شرک و تحریم کشتن مگر به حق و تحریم زنا و وعید و تهدید برای کسانی که مرتکب این گناهان می شوند.
۴. توبه صادقانه همراه با اخلاص و عمل نیک همه گناهان کبیره را پاک می کند، از جمله کفر به الله تعالی.
۵. تحریم نا امیدی و یاس از رحمت الله سبحانه و تعالی.

(۹۰) - عَنْ حَكِيمِ بْنِ حِزَامٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَرَأَيْتَ أَشْيَاءَ كُنْتُ أَتَحَنُّتُ بِهَا فِي الْجَاهِلِيَّةِ مِنْ صَدَقَةٍ أَوْ عَتَاقَةٍ، وَصَلَةِ رَحِمٍ، فَهَلْ فِيهَا مِنْ أَجْرٍ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَسَلَمْتَ عَلَى مَا سَلَفَ مِنْ خَيْرٍ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۹۰) - از حکیم بن حزام رضی الله عنه روایت است که فرمود: گفتم: ای رسول الله، آیا چیزهایی را که در زمان جاهلیت انجام می دادم مانند صدقه، آزادی برده گان، و حفظ پیوند خویشاوندی، آیا آنها پاداش دارد؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «در حالی اسلام را پذیرفتی که از قبل کارهای نیک را انجام می دادی». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان می دارد که اگر کافر اسلام را بپذیرد، پاداش اعمال صالحی را که در دوران جاهلیت انجام می داد از قبیل انفاق، آزادی بردگان یا حفظ پیوند خویشاوندی را دریافت می کند.

از فوائد حدیث:

۱. نیکی های را که کافر در دنیا انجام داده است در آخرت پاداش ندارد اگر در حالت کفر بمیرد.

(۹۱) - عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مُؤْمِنًا حَسَنَةً، يُعْطَى بِهَا فِي الدُّنْيَا وَيُجْزَى بِهَا فِي الْآخِرَةِ، وَأَمَّا الْكَافِرُ فَيُطْعَمُ بِحَسَنَاتٍ مَا عَمِلَ بِهَا لِلَّهِ فِي الدُّنْيَا، حَتَّى إِذَا أَفْضَى إِلَى الْآخِرَةِ، لَمْ تَكُنْ لَهُ حَسَنَةٌ يُجْزَى بِهَا». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۹۱) - از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که می فرماید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الله متعال در نیکی بر مؤمن ظلم نمی کند، در دنیا به او پاداش داده می شود و در آخرت نیز به او پاداش آن می رسد، و برای کافر در برابر کارهای نیک که برای الله انجام داده است روزی داده می شود، و هرگاه بسوی آخرت سوق داده شود، هیچ نیکی را دریافت نمی نماید که در برابر آن برایش پاداش داده شود». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم عظمت لطف الله متعال را بر مؤمنان، و عدالت او را با کافران بیان می نماید، و اما مؤمن از ثواب عمل نیک او کم نمی شود؛ بلکه به خاطر اطاعتش در دنیا به او نیکی داده می شود، علاوه بر آنچه در آخرت برای او از پاداش ذخیره می شود؛ و ممکن است تمام پاداش در آخرت برای او ذخیره شود. و اما برای کافر، الله متعال پاداش نیکی هایش را با نیکی های دنیا می دهد، تا این که به آخرت برگردانده شود هیچ ثواب را دریافت نخواهد کرد؛ زیرا کار خیری که در هر دو جهان سود می رساند این است صاحبش باید مؤمن باشد.

از فوائد حدیث:

۱. هر که در حال کفر بمیرد هیچ عملی برایش سود نمی رساند.

(۹۲) - عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي عَفَرْتُ لَكَ عَلَى مَا كَانَ فِيكَ وَلَا أُبَالِي، يَا ابْنَ آدَمَ لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِي عَفَرْتُ لَكَ، وَلَا أُبَالِي، يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ لَوْ أَتَيْتَنِي بِقُرَابِ الْأَرْضِ خَطَايَا ثُمَّ لَقِيتَنِي لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئًا لَا تَبُتُّكَ بِقُرَابِهَا مَغْفِرَةً». [حسن] - [رواه الترمذي]

(۹۲) - از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفتند: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمودند: «الله متعال می فرماید: ای فرزند آدم، تا وقتی که مرا بخوانی و به من امیدوار باشی، همه ی گناهان ترا می بخشم و (به گناهانت) اهمیت نمی دهم، ای فرزند آدم، اگر گناهانت به اندازه ای بزرگ و زیاد باشد که به کنارهای آسمان برسد و سپس از من آمرزش بخواهی، تو را می بخشم و (به گناهانت) توجه نمی کنم، ای فرزند آدم، اگر درحالی به سوی من بیایی و با من ملاقات کنی که به پُری زمین گناه کرده ای، ولی هیچ چیز و هیچکس را شریکم نکرده باشی، من با همین اندازه مغفرت و آمرزش نزدت خواهم آمد». [حسن] - [ترمذی روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که الله تبارک و تعالی در حدیث قدسی می فرماید: ای فرزند آدم تا زمانی که مرا می خوانی و به رحمت من امیدواری، و ناامید نشدی، گناه تو را می پوشانم، و بدون باکی آن را محو می کنم؛ حتی اگر این گناه و نافرمانی از گناهان کبیره باشد،

ای فرزند آدم: اگر گناهان تو آنقدر زیاد شود که آنچه را که میان آسمان و زمین است را پر کند، به اندازه ای که به هر بخش و ناحیه آنها برسد، سپس از من طلب آمرزش نمایی، من همه آنها را محو می کنم و می آمرزم، بدون این که به کثرت آن توجه کنم، ای فرزند آدم: اگر پس از مردن درحالی به سوی من بیایی که به پُری زمین گناه کرده ای، ولی هیچ چیز و هیچکس را شریکم نکرده باشی؛ من با همین اندازه مغفرت و آمرزش نزدت خواهم آمد، زیرا مغفرتم فراخ است، و جز شرک همه گناهان را می آمرزم.

از فوائد حدیث:

۱. فراخی رحمت، مغفرت، و فضل الله متعال.
۲. فضیلت توحید، و این که الله متعال گناهان و لغزش های یکتاپرستان را می آمرزد.
۳. خطر شرک، و این که الله متعال مشرکان را نمی آمرزد.
۴. ابن رجب می گوید: این حدیث شامل سه اسباب است که گناهان به وسیله آنها بخشوده می شود: اول: دعا با امید، دوم: استغفار و طلب توبه، سوم: مردن با توحید.
۵. این حدیث همان است که پیامبر صلی الله علیه وسلم از پروردگارش نقل می کند و آن را حدیث قدسی یا الهی می نامند، و بگونه که صیغه و معنای آن از جانب الله متعال است، غیر از این که ویژگی های قرآن آن را دارا است در آن نیست، از قبیل: ثواب گرفتن به تلاوت او، برای آن وضو گرفتن، چالش، اعجاز و غیره.

۶. گناهان بر سه قسم است: اول: شرک به الله؛ این را الله متعال نمی بخشد، الله متعال می فرماید: {همانا هر که برای الله شریک قرار دهد، الله بهشت را بر او حرام کرده است}. دوم: ستم بنده بر خود بر اثر گناهان و معصیت ها، این ها را الله عزوجل اگر بخوهد می آمرزد. سوم: گناهیانی است که الله متعال هیچ یک آن را ترک نمی کند؛ و آن گناهیانی هست که بندگان آن را به یکدیگر روا داشته اند، پس باید قصاص صورت گیرد.

(۵۱۶)

(۹۳) - عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم، فيما يحيي عن ربه عز وجل، قال: «أَذْنَبَ عَبْدٌ ذَنْبًا، فَقَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَذْنَبَ عَبْدِي ذَنْبًا، فَعَلِمَ أَنَّ لَهُ رَبًّا يَغْفِرُ الذَّنْبَ، وَيَأْخُذُ بِالذَّنْبِ، ثُمَّ عَادَ فَأَذْنَبَ، فَقَالَ: أَيُّ رَبِّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: عَبْدِي أَذْنَبَ ذَنْبًا، فَعَلِمَ أَنَّ لَهُ رَبًّا يَغْفِرُ الذَّنْبَ، وَيَأْخُذُ بِالذَّنْبِ، ثُمَّ عَادَ فَأَذْنَبَ، فَقَالَ: أَيُّ رَبِّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَذْنَبَ عَبْدِي ذَنْبًا، فَعَلِمَ أَنَّ لَهُ رَبًّا يَغْفِرُ الذَّنْبَ، وَيَأْخُذُ بِالذَّنْبِ، أَعْمَلُ مَا شِئْتَ فَقَدْ عَفَرْتُ لَكَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۹۳) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از آنچه که از پروردگارش تبارک و تعالی حکایت می کند، فرمودند: « بنده گناهی کرد و گفت: الهی گناهم را ببخش او تعالی فرمودند: بنده من گناهی کرد و دانست که پروردگاری دارد که گناه را می بخشد و گناهکاران را مجازات می کند، سپس بار دیگر گناهی انجام داد، و گفت: ای پروردگار

گناه مرا ببخش، الله تبارک و تعالی فرمودند: بنده ام گناهی انجام داد، و دانست پروردگاری دارد که گناهان را می بخشد، و گناهکاران را مجازات می کند، سپس بار دیگر گناهی انجام داد، و گفت: ای پروردگار گناه مرا ببخش، الله تبارک و تعالی فرمودند: بنده ام گناهی انجام داد، و دانست پروردگاری دارد که گناهان را می بخشد، و گناهکاران را مجازات می کند، هر کاری خواستی انجام ده به یقین که تو را بخشیدم". [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از پروردگارش روایت می کند، که اگر بنده ای مرتکب گناهی شود و سپس بگوید: الهی گناهم را ببامرز، الله متعال می فرمایند: - بنده من گناه می کند و می داند پروردگاری دارد که گناه را می بخشد، پس از آن او را می پوشاند، و از او درمی گذرد، یا در نتیجه گناه مجازات می کند - من او را بخشیدم، سپس بنده دوباره گناهی کرد و گفت: پروردگارا گناهم را ببخش، سپس الله متعال فرمودند - بنده من گناهی کرد و دانست پروردگاری دارد که گناه را می بخشد، پس از آن او را می پوشاند، و از او در می گذرد، و یا در نتیجه گناه او را مجازات می کند - من بنده ام را بخشیدم، سپس بنده بار دیگر مرتکب گناهی شد و گفت: پروردگارا گناهم را ببخش، پس الله متعال فرمودند: بنده من گناهی کرد و دانست پروردگاری دارد که گناه را می بخشد پس از آن او را می پوشاند، و از او در می گذرد، یا او را مجازات می کند، به درستی بنده ام

را بخشیدم، و هر کاری خواست انجام دهد، تا زمانی این کار را انجام دهد، به طوری که هرگاه گناه را ترک کند و بعد از آن توبه کند و از این کار پشیمان شود، و تصمیم بگیرد دیگر به آن باز نمی گردد، اما نفس بر او غلبه می کند، پس دو باره در گناه می افتد، تا زمانی که چنین می کند؛ گناه می کند و سپس توبه کند، من او را می بخشم، زیرا توبه آنچه را که پیش از آن بوده است، از بین می برد.

از فوائد حدیث:

۱. بزرگی فضل و رحمت الله متعال بر بندگانش، اینکه انسان هر چه گناه کند و هر چه انجام دهد، تا وقتی بسوی او توبه می کند و به سوی او بر میگردد، الله متعال توبه او را می پذیرد.
۲. مؤمن به الله متعال به عفو پروردگارش امیدوار است، و از عذاب او می ترسد، پس به توبه می شتابد و به نافرمانی ادامه نمی دهد.
۳. شرایط توبه واقعی: ترک گناه، پشیمانی و عزم بر عدم برگشت به گناه.
۴. و اگر توبه ارتباط به حقوق بندگان داشته باشد که به مال و ناموس یا نفس آنها صدمه رسانده باشد، شرط چهارم اضافه می شود که عبارت است از: خود را حلال ساختن از صاحب حق، یا دادن حق او می باشد.
۵. اهمیت شناخت الله متعال که بنده را از امور دین خود آگاه می سازد، پس هرگاه خطایی کرد توبه کند، نا امید نشود و اصرار نکند.

(۹۴) - عن عَليٍّ قَالَ: إِنِّي كُنْتُ رَجُلًا إِذَا سَمِعْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَدِيثًا نَفَعَنِي اللَّهُ مِنْهُ بِمَا شَاءَ أَنْ يَنْفَعَنِي بِهِ، وَإِذَا حَدَّثَنِي رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ اسْتَحْلَفْتُهُ، فَإِذَا حَلَفَ لِي صَدَّقْتُهُ، وَإِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبُو بَكْرٍ، وَصَدَقَ أَبُو بَكْرٍ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا مِنْ رَجُلٍ يُذْنِبُ ذَنْبًا، ثُمَّ يَقُومُ فَيَتَطَهَّرُ، ثُمَّ يَصِلِّي، ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ»، ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: {وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ} [آل عمران:

۱۳۵]. [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي والنسائي في الكبرى وابن ماجه وأحمد]

(۹۴) - از علی روایت است که فرمود: هرگاه از رسول الله صلی الله علیه وسلم حدیثی می شنیدم، الله من را از آن چنانکه خواسته بود سودمند می کرد، و اگر مردی از اصحاب ایشان به من حدیثی [به نقل از ایشان] می گفت، او را قسم می دادم، پس اگر قسم یاد می کرد او را راستگو می شمردم، و همانا ابوبکر به من حدیث گفت و ابوبکر راست گفت که: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمودند: «مردی نیست که گناهی کند، سپس برخیزد و وضو بگیرد، سپس نماز بخواند، سپس از الله آمرزش بخواهد، مگر آنکه الله او را می بخشد». سپس این آیه را تلاوت کرد: {وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ} [آل عمران: ۱۳۵] [و همان] کسانی که چون مرتکب کار زشتی شدند یا بر خود ستم کردند، الله را یاد می کنند و برای گناهانشان آمرزش می خواهند. [صحيح] - [ابو داود و

ترمذی و نسایی در الكبرى و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده که بنده‌ای دچار گناهی نمی‌شود که پس از آن وضو سازد، و سپس برخیزد و دو رکعت به نیت توبه از آن گناه بخواند، و سپس از الله آمرزش بخواهد، مگر آنکه الله او را مورد بخشش قرار می‌دهد، سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم این سخن حق تعالی را تلاوت کردند: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ (و [همان] کسانی که چون مرتکب کار زشتی شدند یا بر خود ستم کردند، الله را یاد می‌کنند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند. و جز الله چه کسی گناهان را می‌آمرزد؟ و بر آنچه کرده‌اند پافشاری نمی‌کنند در حالی که می‌دانند [گناهکارند و الله بخشاینده و توبه‌پذیر است]) [آل عمران: ۱۳۵].

از فوائد حدیث:

۱. ترغیب به نماز و سپس استغفار پس از گناه.
۲. وسعت مغفرت الله عزوجل و پذیرش توبه و استغفار از سوی او.

(۶۵۰۶۳)

(۹۵) - عَنْ أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَبْسُطُ يَدَهُ بِاللَّيْلِ لِيَتُوبَ مُسِيءُ النَّهَارِ، وَيَبْسُطُ يَدَهُ بِالنَّهَارِ لِيَتُوبَ مُسِيءُ اللَّيْلِ، حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۹۵) - از ابوموسی رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الله متعال در شب دستش را می‌گشاید تا توبه ی

گنهکار روز را قبول کند، و در روز دستش را باز می کند تا توبه ی گنهکار

شب را بپذیرد». [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که الله متعال توبه بندگانش را می پذیرد، اگر بنده در روز مرتکب گناه شود و شب توبه کند الله متعال توبه او را می پذیرد، و اگر شب مرتکب گناه شود و روز توبه کند الله متعال توبه او را می پذیرد، و الله متعال از جهت شادی و قبولی دست خود را برای توبه دراز می کند، و در توبه را باز می ماند، تا زمانی که خورشید از مغرب طلوع کند که نشانه پایان دنیا می باشد، پس چون طلوع کند در توبه بسته می شود.

از فوائد حدیث:

۱. قبولی توبه تا زمانی ادامه دارد که در آن باز باشد، و در آن با طلوع آفتاب از مغرب بسته می شود، و این که انسان قبل از غرغره مرگ توبه کند، که آن رسیدن روح به گلو است.
۲. عدم یأس و ناامیدی بسبب گناه، چون بخشش و رحمت الله متعال وسیع است، و در توبه باز است.
۳. شرط های توبه: اول: ترک گناه، دوم: پشیمانی از ارتکاب آن، و سوم: عزم بر عدم برگشت به آن بطور قطعی، این در رابطه به حقوق الله متعال باشد، و اگر مربوط به حقی از حقوق بندگان باشد، پس برای صحت توبه لازم است که آن حق به صاحبش داده شود، و یا صاحب حق او را ببخشد.

(۹۶) - عن أبي هريرة رضي الله عنه: أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «يُنْزَلُ رَبُّنَا تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ، يَقُولُ: «مَنْ يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبَ لَهُ؟ مَنْ يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيَهُ؟ مَنْ يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَهُ؟»». [صحيح] - [متفق عليه]

(۹۶) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است می فرماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: پروردگار ما تبارک و تعالی در هر شب، هنگامی که یک سوم شب باقی می ماند، به آسمان دنیا نازل می شوند، و می فرمایند: چه کسی مرا می خواند تا او را اجابت کنم؟ چه کسی از من طلب می کند تا به او ببخشم؟، چه کسی طلب استغفار می کند تا او را بیامرزم؟». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید که پروردگار مان تبارک و تعالی هنگامی که یک سوم شب باقی بماند، به آسمان دنیا نازل می شود، و بندگان خود را تشویق می کند تا از او دعا بخواهند، چون او دعای کسی را که از او بخواهد اجابت می کند، و آنان را تشویق می کند تا از او هر آنچه خوش دارند بخواهند، چون او ذاتی است که کسی از او سوال کند به او می دهد، و آنان را تشویق می کند که طلب بخشش از گناهان کنند، چون او بندگان مؤمنش را می بخشد،

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت ثلث آخر شب، و فضیلت نماز، دعا و استغفار در آن.
۲. انسان با شنیدن این حدیث باید بسیار مراقب باشد که از اوقات مستجاب شدن دعا استفاده کند.

(۱۰۶۱۲)

(۹۷) - عن الثُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ - وَأَهْوَى الثُّعْمَانُ بِإِصْبَعِيهِ إِلَى أُذُنَيْهِ -: «إِنَّ الْحَلَالَ بَيِّنٌ وَإِنَّ الْحَرَامَ بَيِّنٌ، وَبَيْنَهُمَا مُشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، فَمَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعِرْضِهِ، وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ، كَالرَّاعِي يَرْعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَرْتَعَ فِيهِ، أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى، أَلَا وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ مُحَارِمُهُ، أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً، إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، أَلَا وَهِيَ الْقُلْبُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۹۷) - از نعمان بن بشیر -رضی الله عنه- روایت است گفت: شنیدم که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می فرمودند - و نعمان هر دو انگشتان خود را به گوشه‌هایش برد: حلال آشکار و حرام آشکار است، و میان آن دو چیزهای مشتبهات (مشکوک) وجود دارد که افراد زیادی از آن آگاه نیستند، پس هر کسی از آن موارد مشتبه دوری جست دین و ناموس خود محفوظ کرد، و هر کسی مرتکب این موارد قابل اشتباه شد مرتکب حرام شده است، مانند: چوپانی که در محدوده علف زاری چارپایان خود را

می چراند، و هر لحظه امکان دارد در داخل آن علف زار بچرند، بدانید هر پادشاهی محدوده ی حمایت شده ای دارد، و محدوده ی حمایت شده ی الهی محرمات او هستند، بدانید در بدن تکه گوشت وجود دارد که اگر اصلاح گردید همه بدن اصلاح شده است، و اگر فاسد گردید همه بدن فاسد شده است، بدانید که آن قلب است". [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر - صلی الله علیه وسلم - یک قاعده کلی را در مورد اشیاء بیان کرد، و آن اینکه در شریعت اشیاء به سه دسته تقسیم می شود: حلال آشکار، حرام آشکار، و چیزهای مشکوک که حکم آنها از نظر حلال بودن و یا حرام بودن روشن نیست، و حکم آن برای بسیاری از مردم معلوم نیست. پس هر کس آن چیزهای مشکوک را ترک کند، دینش را با دوری از افتادن در حرام نگه داشت، و آبروی او از گفتار مردم؛ که مرتکب این موارد قابل اشتباه شده، از عیب و عار آنان در امان خواهد بود، و هر کسی از این موارد قابل اشتباه دوری نکند، خود را در معرض افتادن در حرام، یا غیبت کردن مردم از او، و آبرو بردنش قرار داده است، رسول الله - صلی الله علیه و سلم - مثال کسی را که مرتکب شبهات می شود مانند چوپانی بیان کرده است که گوسفندان خود را در نزدیکی کشت زار می چراند که صاحبش آن را مرز بندی کرده است، در این صورت احتمال دارد که گوسفندان این چوپان به خاطر نزدیکی در آن چراگاه بچرند، پس کسی که کارهای مشکوک انجام می دهد نیز همینطور است، چونکه با این کار به حرام نزدیک می شود، و

احتمال زیادی وجود دارد که در آن بیفتد. سپس پیامبر - صلی الله علیه وسلم - خبر داد که در بدن تکه گوشتی (و آن قلب است) وجود دارد، که بدن با اصلاح آن اصلاح و با فساد آن فاسد می شود.

از فوائد حدیث:

۱. تشویق برای ترک کردن موارد قابل اشتباه؛ که حکمش روشن نشده است.

(۴۳۱۴)

(۹۸) - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَسُبُّوا أَصْحَابِي، فَلَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ أَتَفَقَّ مِثْلَ أُحَدٍ ذَهَبًا مَا بَلَغَ مَدُّ أَحَدِهِمْ، وَلَا نَصِيفُهُ». [صحیح] - [متفق علیه]

(۹۸) - از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اصحاب مرا دشنام ندهید، زیرا اگر یکی از شما به اندازه ی کوه احد طلا انفاق کند، با یک یا نصف مدی که اصحاب من انفاق می کنند، برابری نمی کند». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم از دشنام دادن به هریک از صحابه نهی کرده است، به ویژه صحابه سابقین و اولین از مهاجرین و انصار؛ و خبر می دهد که اگر کسی همچون کوه احد طلا انفاق کند، ثواب آن به اندازه ی دو کف دست غذا یا نصف آن نمی رسد که یکی از صحابه انفاق کرده باشد؛ و مد اندازه پُری دو کف دست مرد متوسط است؛؛ بنابر

اخلاص مزید و صدق نیت های شان، و اسبقیت انفاق و خرج و قتال آنان قبل از فتح مکه می باشد، چون در برهه زمانی برای انفاق نیاز جدی بود.

از فوائد حدیث:

۱. دشنام دادن صحابه -رضی الله عنهم- حرام بوده، و از جمله گناهان کبیره می باشد.

(۱۱۰۰)

(۹۹) - عن ابن عباس رضي الله عنهما قال: كُنْتُ خَلَفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمًا، فَقَالَ: «يَا غُلَامُ، إِنِّي أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ، أَحْفَظِ اللَّهُ يَحْفَظَكَ، أَحْفَظِ اللَّهُ تَجِدَهُ مُجَاهَكَ، إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ، وَاعْلَمْ أَنَّ الْأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعَتْ عَلَى أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ، لَمْ يَنْفَعُوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ، وَلَوْ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ، لَمْ يَضُرُّوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ، رُفِعَتِ الْأَقْلَامُ وَجَفَّتِ الصُّحُفُ». [صحيح] - [رواه الترمذي]

(۹۹) - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که فرمود: روزی در عقب رسول الله صلی الله علیه وسلم بودم، ایشان فرمودند: "ای جوان، من به تو سخنانی یاد می دهم، از (اوامر و نواهی) الله متعال محافظت کن، او نیز از تو محافظت می کند، از (اوامر و نواهی) الله متعال محافظت کن، او را همراه و یاری رسان خود می بینی، و اگر خواستی از الله بخواه، و اگر طلب کمک کردی، از الله طلب کمک کن، و بدان اگر همه ی امت جمع شوند تا نفعی به تو برسانند، نمی توانند نفعی به تو برسانند مگر به چیزی که الله متعال برای تو نوشته باشد، و اگر جمع شوند تا آسیبی به تو برسانند، به تو آسیبی نمی رسانند

مگر به چیزی که الله متعال برای تو نوشته است، قلم ها برداشته شده اند، و نوشته ها به اتمام رسیده است". [صحیح] - [ترمذی روایت کرده]

توضیح:

ابن عباس رضی الله عنهما می گوید که او در سن خورد سالگی با پیامبر صلی الله علیه وسلم بر سر (مركب) سواری بود که او صلی الله علیه وسلم برایش فرمودند: من به تو کارها و چیزهای را می آموزانم که الله متعال به سبب آن به تو نفع می رساند:

الله متعال را با حفظ اوامر و دوری از نواهی او حفظ کن تا تو را در طاعت و عبادت بیابد، و در نافرمانی و گناه نیابد، اگر این کار را بکنید، پاداش ات این است که الله متعال تو را از بلاهای دنیا و آخرت حفظ می کند، و هر جا که بروی تو را در کارهای یاری کند.

و اگر خواستی چیزی را بخواهی فقط از الله بخواه، زیرا تنها اوست که خواست سؤال کنندگان را می پذیرد.

و اگر کمک می خواستی فقط از الله بخواه.

و یقین داشته باشید که هیچ نفعی به تو نمی رسد هر چند تمام اهل زمین برای منفعت تو جمع شوند، مگر آنچه الله متعال برای تو مقرر داشته است، و هیچ ضرری به تو نمی رسد، هر چند تمام اهل زمین برای ضرر رساندن به تو جمع شوند جز آنچه الله متعال برایت مقدر کرده است.

و اینکه این امر را الله متعال مقرر فرموده، و به حکم حکمت و علم او مقدر شده است، و در آنچه که الله مقدر کرده است تبدیلی نمی آید.

از فوائد حدیث:

۱. اهمیت آموزش مسائل دینی به خردسالان و کودکان، مانند مسایل توحید و آداب و غیره.
۲. مجازات و پاداش از جنس عمل می باشد.
۳. دستور اعتماد کردن بر الله متعال، و تنها توکل کردن بر او، و اوست بهترین تکیه گاه.
۴. ایمان به قضا و قدر و رضایت به آن، و اینکه الله متعال هر چیز را مقدر کرده است.
۵. هر کسی فرمان الله را ضایع کرد الله او را ضایع می کند، و او را حفظ نمی کند.

(۴۸۱۱)

(۱۰۰) - عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الثَّقَفِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قُلْ لِي فِي الْإِسْلَامِ قَوْلًا لَا أَسْأَلُ عَنْهُ أَحَدًا غَيْرَكَ، قَالَ: «قُلْ: آمَنْتُ بِاللَّهِ، ثُمَّ اسْتَقِمَّ». [صحيح] - [رواه مسلم وأحمد]

(۱۰۰) - از سفیان بن عبدالله ثقفی رضی الله عنه روایت است که گفت: گفتم: یا رسول الله، در اسلام به من سخنی بگو که از کسی جز تو نپرسم، فرمودند: «بگو: به الله ایمان آوردم، سپس استقامت بورز». [صحيح] - [مسلم و احمد روایت کرده]

توضیح:

صحابی گرامی، سفیان بن عبدالله رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم خواست که به ایشان سخنی را بگوید که معانی اسلام را در بر داشته

باشد تا به آن تمسک جوید و درباره آن از کسی دیگر نپرسد، پیامبر صلی الله علیه وسلم به او فرمودند: بگو: الله را به یگانگی شناختن و ایمان آوردن، که او پروردگار و اله و خالق و معبود بر حق من است، و شریکی ندارد، سپس با ادای فرایض و ترک محارم و پایداری بر آن به طاعت الله بپرداز.

از فوائد حدیث:

۱. اصل دین ایمان به الله است، به ربوبیت و الوهیت و اسماء و صفات او.
۲. اهمیت استقامت پس از ایمان و ادامه دادن به عبادت و ثبات بر آن.
۳. ایمان شرط پذیرش اعمال است.
۴. ایمان به الله هم آنچه اعتقاد به آن واجب است را در بر می گیرد، از جمله عقاید ایمان و اصول آن و همچنین اعمال قلوب که تابع آن است، از جمله انقیاد و تسلیم شدن باطنی و ظاهری به الله تعالی.
۵. استقامت یعنی التزام در راه و ادامه آن با انجام واجبات و ترک منهیات.

(۶۵۰۱۸)

(۱۰۱) - عَنِ التُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ، إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَالْحُمَّى». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۰۱) - از نعمان بن بشیر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مثال مؤمنان در مودت و مهربانی و عطوفتی که با یکدیگر دارند مانند یک بدن هستند، که اگر عضوی از آن به درد آید، بقیه بدن با بی خوابی و تب با آن همراهی می کنند». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده‌اند که حال مسلمانان با یکدیگر در دوست داشتن خیر، مهربانی، کمک، یاری، و اذیت شدن به سبب ضرری که به آنان می‌رسد، باید مانند یک بدن باشد، اگر هر عضو از آن بیمار شود بقیه بدن با بی‌خوابی و تب به آن واکنش نشان می‌دهند.

از فوائد حدیث:

۱. شایسته است که حقوق مسلمانان بزرگ پنداشته شود، و به همکاری و نرمش با یکدیگر تشویق شوند.
۲. باید میان اهل ایمان محبت و یاری حکم فرما باشد.

(۴۹۶۶)

(۱۰۲) - عن عثمان بن عفان رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضْوءَ خَرَجَتْ خَطَايَاهُ مِنْ جَسَدِهِ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ تَحْتِ أَظْفَارِهِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۰۲) - از عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که به طریقه خوب وضوء بگیرد، گناهانش از بدنش حتی از زیر ناخن‌هایش بیرون می‌آید». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرمایند: هر کس با رعایت سنت‌ها و آداب وضوء، وضوء بگیرد، این یکی از اسباب کفاره بدی‌ها و محو گناهان است، تا اینکه گناهانش از زیر ناخن‌های دست و پایش بیرون بیایند.

از فوائد حدیث:

۱. تلاش و قایل شدن به ارزش آموزش وضوء و سنت ها و آداب آن و عمل بر آن.
۲. فضیلت وضوء و اینکه کفاره گناهان صغیره است و هر چه گناهان کبیره است از آن باید توبه کرد.
۳. شرط بیرون آمدن گناهان، کامل کردن وضوء و انجام آن بدون اخلال است، طوری که پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده است.
۴. کفاره گناهان در این حدیث به دوری از گناهان کبیره و توبه از آنها محدود شده است، الله متعال فرمودند: (إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ) [النساء: ۳۱]. (ای مؤمنان،) اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی شده‌اید دوری کنید، گناهان [صغیره] تان را از شما می‌زداییم و شما را در جایگاهی شایسته [= بهشت] وارد می‌کنیم).

(۶۶۳)

(۱۰۳) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّا نَرْكَبُ الْبَحْرَ، وَنَحْمِلُ مَعَنَا الْقَلِيلَ مِنَ الْمَاءِ، فَإِنْ تَوَضَّأْنَا بِهِ عَطِشْنَا، أَفَنَتَوَضَّأُ مِنَ الْبَحْرِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «هُوَ الظُّهُورُ مَاءُهُ، الْحِلُّ مَيْتَتُهُ». [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي والنسائي وابن ماجه وأحمد]

(۱۰۳) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که فرمود: مردی از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسید: یا رسول الله، ما به سفر دریایی می‌رویم و همراه خود آب شیرین اندکی بر می‌داریم؛ اگر بخواهیم با آن آب وضو بگیریم، تشنه می‌مانیم؛ آیا می‌توانیم با آب دریا وضو بگیریم؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «آب دریا پاک است و (گوشت) مرده آن حلال است». [صحيح] - []

توضیح:

مردی از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسید و گفت: ما در دریا برای شکار و یا تجارت و مانند آن سوار کشتی می شویم، و با خود کمی آب آشامیدنی حمل می کنیم، اگر برای وضو گرفتن و غسل از آب آشامیدنی استفاده کنیم آب تمام می شود و چیزی برای نوشیدن نمی یابیم، پس آیا وضو گرفتن از آب دریا برای ما جایز است؟

وی صلی الله علیه وسلم در مورد آب دریا فرمودند: آب آن پاک و پاک کننده است؛ وضو گرفتن و غسل با آن جایز است، و خوردن آنچه از آن خارج می شود مانند ماهی و نهنگ و غیره جایز است، هر چند بدون شکار، مرده و به تخته پشت خوابیده بدست آید.

از فوائد حدیث:

۱. مردۀ حیوان بحر حلال است، و مقصود از مرده: هر آن زنده جانی که در بحر مرده باشد و بدون بحر زندگی نتوانند.
۲. پاسخ دادن به سؤال کننده بیشتر از آنچه خواسته است، برای تکمیل فایده.
۳. اگر آب طعم و رنگ یا بوی خود را با چیز پاکی تغییر دهد، تا زمانی که آب در کیفیت و حقیقت خود باشد در طهوریت خود باقی می ماند، هر چند شوری و گرما و سرما و مانند آن بیشتر شده باشد.
۴. آب بحر نجاست های بزرگ و کوچک را از بین می برد، و نجاست عاجل را بر پاکی زایل می کند، اعم از بدن، لباس، یا هر چیز دیگر.

(۱۰۴) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْمَاءِ وَمَا يَنْتُوبُهُ مِنَ الدَّوَابِّ وَالسَّبَاعِ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا كَانَ الْمَاءُ قُلَّتَيْنِ لَمْ يَحْمِلِ الْحَبَثَ». [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي والنسائي وابن ماجه وأحمد]

(۱۰۴) - از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که می گوید: از رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد آب هایی سوال شد که چهارپایان و درندگان در آنها رفت و آمد می کنند و از آن می خورند، ایشان صلی الله علیه وسلم فرمودند: «آبی که به اندازه ی دو "قُله" باشد، پلیدی را به خود نمی گیرد. [صحيح] - [۱]

توضیح:

از پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره حکم طهارت آب که حیوانات و درنده گان در آن رفت و آمد می کنند برای نوشیدن و امثال آن پرسیدند، وی صلی الله علیه وسلم فرمودند: اگر مقدار آب به دو قُله بزرگ برسد که برابر با (۲۱۰) لیتر می باشد، این آب زیاد است و نجس نمی شود؛ مگر اینکه یکی از سه ویژگی آن - رنگ، طعم یا بوی آن تغییر کند.

از فوائد حدیث:

۱. آب در صورتی نجس می شود که یکی از سه خصلت های آن تغییر کند: رنگ، طعم یا بوی آن، و حدیث از منخرج غالب خارج گردید نه از تحدید.
۲. علماء اتفاق نظر دارند که اگر نجاست آب را تغییر دهد بشکل مطلق نجس می شود، اگر کم باشد و یا زیاد.

(۱۰۵) - عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا أَتَيْتُمُ الْعَائِطَ فَلَا تَسْتَقْبِلُوا الْقِبْلَةَ، وَلَا تَسْتَدْبِرُوهَا وَلَكِنْ شَرِّقُوا أَوْ غَرِّبُوا» قَالَ أَبُو أَيُّوبَ: فَقَدِمْنَا الشَّامَ فَوَجَدْنَا مَرَا حِصَصَ بُنِيَتْ قِبَلَ الْقِبْلَةِ فَتَنَحَّرَفُ، وَنَسْتَغْفِرُ اللَّهَ تَعَالَى. [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۰۵) - از ابو ایوب انصاری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «زمانی که به محل قضای حاجت رفتید، به هنگام ادرا و مدفوع، نه رو به قبله کنید و نه پشت به قبله؛ بلکه روی خود را به سمت شرق یا غرب کنید». ابو ایوب می گوید: چون به شام رفتیم بدرفت هایی را دیدیم که به سوی کعبه ساخته شده بودند و چون وارد آنها می شدیم خود را از سمت قبله به سوی دیگری منحرف نموده و از الله متعال طلب مغفرت و آمرزش می کردیم. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

کسی بخواهد قضای حاجت بکند، رسول الله صلی الله علیه وسلم او را نهی کرده که هنگام قضای حاجت رو به قبله - یعنی کعبه ی شریف - نکند و نیز پشت به آن نکند؛ و بلکه باید هنگام قضای حاجت رو به مشرق یا مغرب نمود البته در صورتی که قبله در سمت مشرق یا مغرب نباشد مانند قبله اهل مدینه. سپس ابو ایوب رضی الله عنه می گوید: وقتی به شام رفتند، بدرفت هایی را مواجه شدند که برای قضای حاجت و در جهت کعبه ساخته شده بود؛ بنابراین چون برای قضای حاجت به این بدرفت ها می رفتند، خود

را از سمت قبله به سوی دیگری منحرف می کردند و از باب احتیاط و پرهیزگاری از الله متعال طلب مغفرت و آمرزش می خواستند.

از فوائد حدیث:

۱. حکمت این امر، تعظیم و احترام به کعبه مشرفه است.
۲. استغفار پس از خروج از محل قضای حاجت.
۳. حسن آموزش پیامبر صلی الله علیه وسلم؛ زیرا وقتی ممنوع را ذکر کرد به جائز نیز اشاره کرد.

(۳۰۷۸)

(۱۰۶) - عَنْ أَبِي قَتَادَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا يُمَسِّكَنَّ أَحَدُكُمْ ذَكَرَهُ بِيَمِينِهِ وَهُوَ يَبُولُ، وَلَا يَتَمَسَّحُ مِنَ الْخَلَاءِ بِيَمِينِهِ، وَلَا يَتَنَفَّسُ فِي الْإِنَاءِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۰۶) - از ابوقتاده رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هیچ یکی از شما به هنگام ادرار، نه با دست راست آلت تناسلی خود را بگیرد و نه با آن استنجا کند، همچنین هنگام آب نوشیدن، در ظرف آب تنفس نکند». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم شماری از آداب را بیان می کند؛ که مرد نباید به هنگام ادرار آلت تناسلی را با دست راست خود بگیرد، و جهت پاکیزه نمودن محل ادرار یا مدفوع از دست راست استفاده نکند؛ زیرا دست راست برای کارهای نیکو آماده شده، همچنین از نفس کشیدن در ظرفی که از آن آب می نوشد نهی فرموده است.

از فوائد حدیث:

۱. بیان سبقت اسلام در آداب و نظافت.
۲. دوری از چیزهای کثیف و پلید، اگر مجبور است آنها را انجام دهد باید با دست چپ انجام دهد.
۳. بیان نمودن جایگاه دست راست و برتریت آن از دست چپ.
۴. کمال شریعت اسلامی و جامعیت تعالیم آن.

(۳۰۷۹)

(۱۰۷) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ مَنَامِهِ فَلْيَسْتَنْزِلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَبِيتُ عَلَى خَيَاشِيمِهِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۰۷) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هنگامی که یکی از شما از خواب بیدار شد و قصد وضو گرفتن داشت، سه بار آب در بینی کند و آن را بشوید چون شیطان شب را در خیشوم (آخر بینی) او می گذراند». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم تشویق می کنند، هرگاه کسی از خواب بیدار شد، داخل بینی اش را سه بار بشوید؛ و استنثار بیرون کردن آب از بینی بعد از داخل در آن است، زیرا شیطان در خیشوم - و آن همه بینی است- شب را می گذراند.

از فوائد حدیث:

۱. بر هر کس که از خواب بیدار می شود لازم است که بینی افشاندن - بیرون کردن آب از بینی - را انجام دهد، تا اثر شیطان از بینی او پاک شود، و اگر قرار است وضو بگیرد، حکم دمیدن بینی تاکید می شود.
۲. دمیدن بینی - استنثار - از مزایای کامل استنشاق است؛ زیرا استنشاق داخل بینی را تمیز می کند و استنثار آن کثافت را با آب خارج می کند.
۳. محدود کردن به خواب شبانه، برگرفته از کلمه "بیت"
۴. است؛ زیرا (البیتوتة) فقط از خواب شب می باشد، چون که نشانه طول و استغراق است.
۵. در این حدیث دلیل است بر ملا بست شیطان برای انسان در حالی که او از آن بی خبر است.

(۸۳۷۷)

(۱۰۸) - عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَغْتَسِلُ، أَوْ كَانَ يَغْتَسِلُ، بِالصَّاعِ إِلَى خَمْسَةِ أَمْدَادٍ، وَيَتَوَضَّأُ بِالْمُدِّ. [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۰۸) - از انس رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم با یک صاع تا پنج مد غسل می کردند، و با یک مد وضو می گرفتند. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از جنابت با یک صاع تا پنج مد وضو می گرفتند، و با یک مد وضو می نمودند، صاع: چهار مد، و مد: مقداری است که دو کف دست انسان متوسط را پر کند.

از فوائد حدیث:

۱. مشروعیت صرفه جویی در آب وضو و غسل، و عدم اسراف، هر چند دستیابی به آب آسان باشد.
۲. مستحب بودن کم استفاده کردن آب برای وضو و غسل و به اندازه نیاز، و این که این روش پیامبر صلی الله علیه وسلم بود.
۳. منظور این است که در وضو و غسل صرفه جویی صورت گیرد، با مراعات سنت ها و آداب بدون اسراف و بخل، و این که مراعات وقت و کثرت آب و غیره را داشته باشد.
۴. جنابت بالای کسی اطلاق می شود که منی خود را بیرون نموده و یا همبستری نموده باشد، و سبب تسمیه آن این است که صاحبش از نماز و عبادت دوری می جوید تا زمانی که پاک شود.
۵. صاع: پیمانه معروف است، و مراد از آن صاع نبوی است، و وزن آن (۴۸۰) مثقال از گندم خوب است، و از لحاظ لیتر (۳ لیتر) است.
۶. مد: یک واحد اندازه گیری شرعی است، مقداری است که دو کف دست انسان متوسط را پُر نماید، و هرگاه آنها را با دست دراز شده پر کند، و به اتفاق فقها هر مد برابر است با یک چهارم صاع که مقدار آن ۷۵۰ میلی لیتر می باشد.

(۱۰۹) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ أَحَدِكُمْ إِذَا أَحْدَثَ حَتَّى يَتَوَضَّأَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۰۹) - از ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «الله نماز یکی از شما را که بی وضو شده نمی پذیرد، تا آنکه وضو کند». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده‌اند که یکی از شروط صحت نماز طهارت است، بنابراین برای کسی که می‌خواهد نماز ادا کند واجب است که اگر یکی از نواقض وضو مانند: خروج مدفوع و ادرار یا خواب و دیگر نواقض وضو از وی رخ داده است وضو نماید.

از فوائد حدیث:

۱. نماز کسی که بی وضو شده قبول نمی‌شود تا آنکه با غسل از حدّ اکبر (جنابت) و با وضو از حدّ اصغر (بی‌وضوبی) پاکی حاصل کند.
۲. وضو یعنی برداشتن آب و گرداندن آن در دهان و خارج ساختن آن، سپس فرو بردن آب با نفس داخل بینی و سپس بیرون ریختن آن، سپس سه بار شستن صورت، و سپس سه بار شستن دست‌ها تا آرنج، و سپس یک بار مسح همه سر، سپس سه بار شستن پاها تا بجلک‌ها.

(۱۱۰) - عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: أَخْبَرَنِي عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: أَنَّ رَجُلًا تَوَضَّأَ فَتَرَكَ مَوْضِعَ ظُفْرِ عَلَى قَدَمِهِ فَأَبْصَرَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «ارْجِعْ فَأَحْسِنْ وُضُوءَكَ» فَرَجَعَ، ثُمَّ صَلَّى. [صحيح بشواهد] - [رواه مسلم]

(۱۱۰) - از جابر رضی الله عنه روایت است که گفت: عمر بن الخطاب به من گفت که: مردی وضو گرفت و موضعی به اندازه یک ناخن را بر روی پایش باقی گذاشت، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را دید و فرمودند: «برگرد و نیکو وضو ساز» پس برگشت و سپس نماز ادا کرد. [صحيح به شواهد آن] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

عمر رضی الله عنه خبر می دهد که پیامبر صلی الله علیه وسلم مردی را دید که وضویش را تمام نموده، اما به اندازه یک ناخن بر روی پایش باقی مانده که آب وضو به آن نرسیده است، پس با اشاره به محلی که آب به آن نرسیده خطاب به او فرمودند: برگردد و به خوبی وضو بساز و آن را کامل کن و حق هر عضو را از بهر رساندن آب ادا کن، پس آن مرد برگشت و وضویش را کامل کرد و سپس نماز خواند.

از فوائد حدیث:

۱. وجوب مبادرت به امر به معروف و ارشاد جاهل و غافل، به ویژه اگر آن منکر باعث باطل شدن عبادتش شود.
۲. وجوب رساندن آب به همه اعضا و اگر به قسمتی از عضو آب نرسد - حتی اگر ناچیز باشد - وضویش درست نیست، و اگر مدت زیادی از وضو گذشته باید آن را از نو انجام دهد.

۳. مشروع بودن نیکو ساختن وضو که با کامل انجام دادن وضو و رساندن آب به همه اعضا به شکل مشروع است.
۴. پاها از اعضای وضو است، و مسح آنها کافی نیست، بلکه باید حتما شسته شوند.
۵. در شستن اعضای وضو باید موالات انجام شود، یعنی هر عضو پیش از آنکه عضو قبلی خشک شود شسته شود.
۶. فراموشی و ندانستن باعث اسقاط واجب نمی‌شود، و بلکه باعث ساقط شدن گناه شخص می‌شود، در این مورد، پیامبر صلی الله علیه وسلم واجب را از آن مرد که به سبب جهل وضویش کامل نبود، ساقط نکرد بلکه به او امر کرد که آن را از نو انجام دهد.

(۸۳۸۶)

(۱۱۱) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: رَجَعْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ حَتَّى إِذَا كُنَّا بِمَاءٍ بِالطَّرِيقِ تَعَجَّلَ قَوْمٌ عِنْدَ الْعَصْرِ، فَتَوَضَّؤُوا وَهُمْ عَجَالٌ، فَأَنْتَهَيْنَا إِلَيْهِمْ وَأَعْقَابُهُمْ تَلُوحٌ لَمْ يَمْسَسْهَا الْمَاءُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَيْلٌ لِلْأَعْقَابِ مِنَ النَّارِ أَسْبِعُوا الْوُضُوءَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۱۱) - از عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که فرمود: با رسول الله صلی الله علیه وسلم از مکه به مدینه بازگشتیم، تا این که در مسیر راه به آب رسیدیم، عده ای برای نماز عصر به عجله وضوء نمودند، زمانی که ما به آنها رسیدیم در حالی که به پشت پاهای شان آب وضوء نرسیده بود، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «وای از عذاب دوزخ بر پشت پاهایی که هنگام وضوء گرفتن خوب شسته نمی‌شود، خوب وضوء بگیرید». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از مکه به سوی مدینه سفر کرد و در راه برخی از اصحاب برای نماز عصر با عجله وضوء گرفتند، به طوری که پشت پاهای شان برای نظاره گر معلوم می شد که خشک است و آب به آن نرسیده است، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: عذاب و هلاکت در جهنم برای کسانی که در هنگام وضوء گرفتن در شستن پشت پاهای خود کوتاهی می کنند، و برای آنان امر نمود تا جهت وضوی کامل مبالغه کنند.

از فوائد حدیث:

۱. شستن پاها هنگام وضوء واجب است؛ زیرا اگر مسح جایز بود، کسی که در شستن پشت پا کوتاهی می کند، او را به آتش دوزخ تهدید نمی کرد.
۲. شستن عمومی جاهایی که باید شسته شود واجب است، و هر کس عمداً و از روی کوتاهی مقدار کمی از آنچه را که باید پاک شود رها کند نمازش صحیح نیست.
۳. اهمیت آموزش و رهنمایی جاهل.
۴. عالم آنچه را که از واجبات و سنت ها ضایع می گردد باید آن را با روش مناسب انکار کند.
۵. محمد اسحاق الدهلوی می گوید: شستن بر سه قسم است: واجب که یک مرتبه شستن محل است، سنت که سه مرتبه شستن است، و مستحب که طولانی کردن همراه با سه مرتبه شستن است.

(۱۱۲) - عن عمرو بن عامر عن أنس بن مالك قال: كان النبي صلى الله عليه وسلم يتوضأ عند كل صلاة، قلت: كيف كنتم تصنعون؟ قال: يجزئ أحدنا الوضوء ما لم يحدث. [صحيح] - [رواه البخاري]

(۱۱۲) - از عمرو بن عامر از انس بن مالک روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگام هر نمازی وضو می کرد، پس گفتم: شما چه کار می کردید؟ گفت: همان وضو برای هر یکی از ما تا وقتی که بی وضو نشده بودیم کافی بود. [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم برای هر نماز فرض وضو می گرفتند، حتی اگر بی وضو نشده بودند، و این برای به دست آوردن اجر و فضل بود. ولی برای نمازگزار جایز است که با یک وضو تا وقتی که بی وضو نشده بیشتر از یک نماز فرض را به جای بیاورد.

از فوائد حدیث:

۱. بیش ترین عمل پیامبر صلی الله علیه وسلم وضو گرفتن برای هر نماز بود؛ جهت بدست آوردن کمال.
۲. مستحب بودن وضو گرفتن برای هر نماز.
۳. جایز بودن ادای چند نماز با یک وضو.

(۱۱۳) - عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: تَوَضَّأَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّةً مَرَّةً. [صحيح] - [رواه البخاري]

(۱۱۳) - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم یک بار یک بار وضو گرفتند. (یعنی هر عضو را یک بار شستند) [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم گاهی اوقات هنگام وضو، هر عضو وضو را یک بار می شست، یعنی صورت را - که آب در دهان و بینی زدن هم جزء آن است - و دستان و پاها را یک بار می شست و این مقدار واجب است.

از فوائد حدیث:

۱. واجب در شستن اعضا، یک بار است و بیشتر از آن مستحب است.
۲. مشروع بودن اینکه گاهی اوقات هر عضو وضو یک بار شسته شود.
۳. مشروع در مسح سر، یک بار مسح کردن است.

(۶۵۰۸۱)

(۱۱۴) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَيْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَوَضَّأَ مَرَّتَيْنِ مَرَّتَيْنِ. [صحيح] - [رواه البخاري]

(۱۱۴) - از عبدالله بن زید رضی الله عنه روایت است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم وضو نمود [و هر عضو را] دو بار دو بار [شست]. [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم برخی اوقات، اعضای وضو را دو بار می شست، یعنی صورت را - که آب زدن در دهان و بینی جزء آن است - را دو بار می شست.

از فوائد حدیث:

۱. واجب در شستن اعضا یک بار شستن آن است، و هر چه بیشتر از آن باشد مستحب است.
۲. مشروعیت اینکه گاه اعضای وضو دو بار شسته شود.
۳. مشروع در مسح سر، یک بار مسح کردن است.

(۶۰۰۸۲)

(۱۱۵) - عَنْ حُمْرَانَ مَوْلَى عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّهُ رَأَى عُثْمَانَ بْنَ عَفَّانَ دَعَا بِوُضُوءٍ، فَأَفْرَغَ عَلَى يَدَيْهِ مِنْ إِنَائِهِ، فَغَسَلَهُمَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ أَدْخَلَ يَمِينَهُ فِي الْوُضُوءِ، ثُمَّ تَمَضَّمَ وَاسْتَنْشَقَ وَاسْتَنْثَرَ، ثُمَّ غَسَلَ وَجْهَهُ ثَلَاثًا، وَيَدَيْهِ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ ثَلَاثًا، ثُمَّ مَسَحَ بِرَأْسِهِ، ثُمَّ غَسَلَ كُلَّ رِجْلٍ ثَلَاثًا، ثُمَّ قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَوَضَّأُ حَوْ وَضُوءِي هَذَا، وَقَالَ: «مَنْ تَوَضَّأَ حَوْ وَضُوءِي هَذَا ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ لَا يُحَدِّثُ فِيهِمَا نَفْسَهُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۱۵) - از حمران؛ غلام ازاد کرده عثمان رضی الله عنه روایت است، وی عثمان رضی الله عنه را دید که درخواست آب وضوء کرد، سپس از آب آن ظرف بردست هایش ریخت، و سه بار آنها را شست، سپس دست راستش را در آب وضوء وارد کرد، سپس «مضمضه» یعنی گرداندن آب در

دهان، و «استنشاق» یعنی داخل کردن آب در بینی، و «استنثار» یعنی بیرون آوردن آب از بینی را انجام داد، سپس صورتش را سه بار شست، و دستهایش را تا آرنج ها شست، سپس سرش را مسح کرد، سپس دو پایش را شست، سپس فرمود: رسول الله صلی الله علیه و سلم را دیدم که همانند این وضوی من، وضوء گرفتند، و فرمودند: «هر کسی مانند این وضوی من وضوء گرفت، سپس دو رکعت نماز خواند و در آنها با خود سخن نگفت، گناهان گذشته اش بخشیده خواهد شد». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

عثمان رضی الله عنه روش وضوء پیامبر صلی الله علیه وسلم را به شکل عملی یاد داد تا آنکه واضحتر باشد، پس ظرف آبی خواست و سه بار بر دستانش آب ریخت، و پس از آن دست راستش را در ظرف آب کرد و از آن آب برداشت و در دهانش گرداند، سپس بیرون ریخت، سپس آب را به داخل بینی اش زد و سپس آن را بیرون ریخت، سپس صورت خود را سه بار شست، سپس دستانش را تا آرنج ها سه بار شست، سپس دست خیس خود را یک بار بر سرش کشید، و سپس پاهایش را با بجلک ها سه بار شست.

و چون از وضویش فارغ شد آنان را آگاه کرد که وی دیده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم همانند این وضوء گرفتند، و بشارتشان دادند که هرکس مانند این وضوء بگیرد و با دل حاضر و عاجزی در برابر الله متعال دو رکعت نماز اداء نماید، الله جل جلاله برای این وضوء کامل و این نماز مخلصانه گناهان گذشته اش را می آمرزد.

از فوائد حدیث:

۱. در ابتداء وضوء و قبل از داخل کردن دستان در داخل ظرف آب، مستحب است آنها را بشوید، اگر چه هنگام بیدار شدن از خواب نباشد، اما اگر هنگام بیدار شدن از خواب شب باشد، در این صورت واجب است آنها را بشوید.
۲. برای معلم شایسته است که نزدیک‌ترین راه را برای فهماندن علم و راسخ شدن آن نزد دانش آموز به کار گیرد، از جمله آموزش عملی.
۳. برای نمازگزار لازم است که هرگونه فکر و ذکر مربوط به مشغولیت‌های دنیا را از خود دور سازد، زیرا کمال نماز در حضور دل است، اگرچه دور کردن همه فکرها و خیالات از خود ناممکن است، ولی با نفس خود مبارزه کند و در این افکار عمیق نه رود.
۴. استحباب شروع کردن از سمت راست در وضوء.
۵. مشروع بودن رعایت ترتیب میان مضمضه (آب در دهان زدن) و استنشاق و استنثار (آب در بینی زدن و بیرون ریختن آن).
۶. مستحب بودن سه بار شستن صورت و دستان و پاها، و یک بار شستن آن واجب است.
۷. مغفرت گناهان گذشته وابسته به مجموع این دو امر است: وضوء و به جا آوردن دو رکعت نماز به شکلی که در حدیث آمده است.
۸. هر یکی از اعضای وضوء حدی دارد؛ حد صورت: به صورت طولی از محل عادی رویدن موی سر است تا چانه و جایی که ریش از آن

آویزان است، و از گوش تا گوش به صورت عرضی، حد دست: از نوک انگشتان است تا آرنج، و آرنج مفصلی است که میان ساعد و بازو قرار دارد، و حد سر: از محل عادی رویدن موی سر در دو طرف سر است تا بالای گردن و مسح گوش‌ها از جمله [مسح] سر است، حد پا: همه پا به همراه مفصلی است که بین پا و ساق قرار دارد.

(۳۳۱۳)

(۱۱۶) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فَلْيَجْعَلْ فِي أَنْفِهِ ثُمَّ لِيَنْثُرْ، وَمِنْ اسْتَجْمَرَ فَلْيُوتِرْ، وَإِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ نَوْمِهِ فَلْيَغْسِلْ يَدَهُ قَبْلَ أَنْ يُدْخِلَهَا فِي وَضُوئِهِ، فَإِنْ أَحَدُكُمْ لَا يَدْرِي أَيْنَ بَاتَتْ يَدُهُ».

ولفظ مسلم: «إِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ نَوْمِهِ فَلَا يَغْمِسْ يَدَهُ فِي الْإِنَاءِ حَتَّى يَغْسِلَهَا ثَلَاثًا، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي أَيْنَ بَاتَتْ يَدُهُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۱۶) - ابوهریره رضی اللہ عنہ از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم روایت نموده که فرمودند: «هرگاه یکی از شما وضو ساخت پس آب در بینی‌اش بزند سپس آن را بیرون بریزد، و کسی که استجمار کرد (پس از قضای حاجت با چیزی غیر از آب محل نجاست را تمیز کرد) پس به تعداد فرد انجامش دهد، و هرگاه کسی از شما از خوابش بیدار شد، پیش از وارد کردن دستش در آب وضویش آن را بشوید؛ زیرا نمی‌داند شب هنگام دستش کجا بوده است» و در لفظ مسلم آمده است: «هرگاه یکی از شما

از خواب بیدار شد دستش را در آب فرو نبرد تا آنکه آن را سه بار بشوید زیرا نمی‌داند دستش شب کجا بوده است». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم برخی از احکام طهارت را بیان نموده‌اند، از جمله: نخست: کسی که وضو می‌گیرد باید آب را همراه با نفس به بینی‌اش وارد کند، و سپس آن را با نفس خارج سازد. دوم: کسی که می‌خواهد نجاست خارج شده از خود را پاک کند و آن را با چیزی غیر از آب مانند سنگ و شبیه آن پاک کرد، باید پاک کردنش به تعداد فرد باشد، که کمترین اش سه و بالاترین اش به اندازه‌ای است که نجاست خارج شده پایان یابد، و محل نجاست تمیز شود. سوم: کسی که از خواب بیدار شد دستانش را برای وضو در آب وضو داخل نکند تا آنکه آن را سه بار خارج از ظرف بشوید، زیرا نمی‌داند دستش شب کجا بوده است، و مطمئن نیست که نجس نشده است و چه بسا شیطان آن را به بازی گرفته و چیزهایی به آن رسیده که برای انسان مضر است یا باعث فساد آب می‌شود.

از فوائد حدیث:

۱. استنشاق در وضو واجب است، و استنشاق یعنی: داخل کردن آب به بینی با نفس و همینطور استنشاق، یعنی: بیرون آوردن آب از بینی با نفس.
۲. مستحب بودن استجمار به تعداد وتر (تاق).
۳. مشروع بودن سه بار شستن دستان پس از خواب شبانه.

(۱۱۷) - عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقَبْرَيْنِ، فَقَالَ: «إِنَّهُمَا لَيُعَذَّبَانِ، وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ، أَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنَ الْبَوْلِ، وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ» ثُمَّ أَخَذَ جَرِيدَةً رَطْبَةً، فَشَقَّهَا نِصْفَيْنِ، فَغَرَزَ فِي كُلِّ قَبْرٍ وَاحِدَةً، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لِمَ فَعَلْتَ هَذَا؟ قَالَ: «لَعَلَّهُ يُخَفَّفُ عَنْهُمَا مَا لَمْ يَنْبَسَا». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۱۷) - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه وسلم از کنار دو قبر عبور نمودند، پس فرمودند: «این دو عذاب داده می شوند، و در چیز بزرگی عذاب نمی بینند، یکی از آن دو خود را از ادرار نگه نمی داشت، و دیگری سخن چینی می کرد». سپس شاخه تازه درخت خرمایی را برداشت و آن را دو نصف کرد و هر نیمه را در یکی از قبرها فرو برد. گفتند: یا رسول الله، چرا چنین کردی؟ فرمود: «چه بسا تا وقتی که خشک نشده اند [عذاب] بر آنها سبک شود». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از کنار دو قبر عبور نمودند، و فرمودند: صاحبان این دو قبر عذاب می بینند، اما برای چیزی عذاب نمی بینند که در نزد شما کار بزرگی باشد، هرچند نزد الله چیز بزرگی است؛ یکی از آن دو هنگام قضای حاجت به حفظ بدن و لباس خود از ادرار توجه نمی کرد، و دیگری میان مردم سخن چینی می کرد، و به قصد آسیب زدن و ایجاد اختلاف بین مردم سخن دیگران را به هم می رساند.

از فوائد حدیث:

۱. نیمه و ترک پاک داشتن خود از ادرار از گناهان کبیره و از اسباب عذاب قبر است.
۲. الله سبحانه و تعالی برخی از امور غیب - مانند عذاب قبر - را به عنوان نشانه پیامبری ایشان صلی الله علیه وسلم آشکار می کند.
۳. این کار یعنی نصف کردن شاخه درخت خرما و گذاشتن آن بر روی قبر، خاص پیامبر صلی الله علیه وسلم است؛ زیرا الله او را بر حال صاحب این دو قبر مطلع کرده بود، بنابراین نباید دیگران را با ایشان قیاس کرد؛ زیرا کسی به احوال اصحاب قبور آگاه نیست.

(۳۰۱۰)

(۱۱۸) - عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ قَالَ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۱۸) - از آنس رضی الله عنه روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه وارد خلا می شدند می فرمودند: «ای الله از خبیثی های نر و ماده به تو پناه می برم». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه می خواhest وارد مکانی شود که در آن قضای حاجت کند به الله پناه می برد تا او را از شر شیاطین نر و ماده حفظ کند. خُبْث و خَبَائِث همچنین به معنای شر و نجاسات تفسیر شده است.

از فوائد حدیث:

۱. مستحب بودن خواندن این دعا هنگام قصد وارد شدن به خلا.
۲. همه مردم در همه حال برای دفع آنچه به آنها آزار یا زیان می‌رساند نیازمند پروردگارشان هستند.

(۳۱۵۰)

(۱۱۹) - عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا خَرَجَ مِنَ الْعَائِطِ قَالَ: «غُفْرَانُكَ». [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي وابن ماجه وأحمد]

(۱۱۹) - از مادر مومنان عائشه رضی الله عنها روایت است که فرمودند: وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم از تشناب خارج می شدند، می فرمودند: «پروردگارا مرا ببامرز». [صحيح] - [ابو داود و ترمذی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگام خروج از قضای حاجت، می فرمودند: «غفرانک»؛ یعنی: از الله درخواست مغفرت و آمرزش می کردند.

از فوائد حدیث:

۱. استحباب گفتن: «غفرانک» پس از بیرون آمدن از محل قضای حاجت.
۲. طلب آمرزش پیامبر صلی الله علیه وسلم از پروردگارش در همه حالت ها.
۳. در مورد علت استغفار بعد از رفع حاجت چنین گفته شده: از تقصیر سپاسگزاری از نعمت های زیادی الله متعال منجمله بیرون شدن چیزی اذیت کننده، و از تو طلب آمرزش می کنم که هنگام رفع حاجت از یاد و ذکر تو مشغول شدم.

(۱۰۰۴۶)

(۱۲۰) - عن عائشة رضي الله عنها قالت: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «السَّوَاكُ مَطْهَرَةٌ لِلْفَمِ، مَرْضَاءٌ لِلرَّبِّ». [صحيح] - [رواه النسائي وأحمد]

(۱۲۰) - از عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: "مسواک پاک کننده دهان و باعث رضایت و خشنودی پروردگار است". [صحيح] - [نسائی و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم به ما خبر می دهد که مسواک زدن با چوب درخت اراک و مانند آن دهان را از آلودگی و بوی بد پاک می کند، و اینکه آن یکی از اسباب رضایت الله متعال از بنده است؛ زیرا در آن اطاعت و اجابت امر الله متعال است، و این که در آن پاکیزگی است که الله متعال آن را دوست دارد.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت مسواک زدن، و تشویق پیامبر صلی الله علیه وسلم امت خود را به استفاده زیاد آن.
۲. بهترین کار در مسواک زدن استفاده از چوب درخت اراک است، و استفاده از برس دندان و کریم جایگزین آن است.

(۱۲۱) - عَنْ حُذَيْفَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ يَشْوُصُ فَاهُ بِالسَّوَاكِ. [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۲۱) - از حذیفه رضی الله عنه روایت است که می فرماید: رسول الله صلی الله علیه وسلم هر وقت شب که از خواب برمی خاست، دهانش را مسواک می زد. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم اکثر اوقات مسواک کرده و به آن امر می نمودند، و در بعضی اوقات بر آن تاکید می کردند، که از آن جمله: مسواک کردن هنگام برخاستن در شب، چون او صلی الله علیه وسلم با مسواک دهان شان را ماساژ می داد و پاک می کرد.

از فوائد حدیث:

۱. تأکید مشروعیت استفاده از مسواک بعد از خواب شب، زیرا خواب تقاضا می کند که بوی دهان تغیر کند، و مسواک آله تمیز کننده است.
۲. تأکید مشروعیت مسواک هنگام بروز هر تغیر ناخوشایند در دهان، بنابر گرفتن از معنای قبلی.
۳. مشروعیت نظافت به طور عام، و اینکه آن یک جزء سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم بوده، و از جمله آداب عالی می باشد.
۴. مسواک کردن همه دهان شامل: دندان ها، لثه ها (بیره) و زبان می شود.

۵. مسواک چوبی است که از درخت اراک یا درخت دیگری بریده می شود، و برای تمیز کردن دهان و دندان و خوشبو کردن دهان و رفع بوی بد استفاده می شود.

(۳۰۶۳)

(۱۲۲) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَوْلَا أَنْ أَشَقَّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ - أَوْ: عَلَى أُمَّتِي - لَأَمَرْتُهُمْ بِالسَّوَاكِ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۲۲) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اگر بر مومنان - و یا بر اتمم - دشوار نمی شد، به آنها دستور می دادم برای هر نماز مسواک بزنند». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهند اگر بر مومنان مشقت و دشوار نمی شد، به آنان دستور می دادند برای هر نماز مسواک بزنند.

از فوائد حدیث:

۱. مهربانی پیامبر صلی الله علیه وسلم به امتش، و بیم مشقت و دشواری بر آنان.
۲. اصل در امر پیامبر صلی الله علیه وسلم وجوب است، مگر این که دلیلی بر نفل بودن آن وجود داشته باشد.
۳. مستحب بودن مسواک زدن و فضیلت آن هنگام ادای هر نماز.

۴. ابن دقیق العید می گوید: حکمت استحباب مسواک هنگام برپایی نماز این است که این حالت تقرب به الله متعال است، پس لازمه آن کمال و پاکیزگی برای نشان دادن شرف این عبادت است.
۵. عموم حدیث شامل مسواک زدن برای روزه دار می شود حتی اگر بعد از زوال هم باشد، مانند نمازهای ظهر و عصر.

(۳۳۶۴)

(۱۲۳) - عن أبي هريرة قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «حَقُّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَغْتَسِلَ فِي كُلِّ سَبْعَةِ أَيَّامٍ يَوْمًا، يَغْسِلُ فِيهِ رَأْسَهُ وَجَسَدَهُ».

[صحیح] - [متفق علیه]

(۱۲۳) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «این حقی است بر عهده هر مسلمان که در هر هفت روز غسل کند که در آن سرش و بدنش را بشوید».

[صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته اند که این حق بر عهده هر مسلمان بالغ است که در هفت روز هفته یک روز را غسل کند، و در این غسل سرش و بدنش را برای طهارت و نظافت بشوید، و شایسته ترین روز برای این کار چنانکه از برخی روایات فهمیده می شود روز جمعه است. غسل در روز جمعه پیش از نماز جمعه به تاکید مستحب است حتی اگر مثلاً روز پنجشنبه غسل کرده باشد و آنچه این غسل را از وجوب به استحباب پایین می آورد این سخن عایشه رضی الله عنها است که

می‌فرماید: «مردم در کار و تلاش خود بودند و چون به جمعه می‌رفتند به همان شکل [و لباس کار] خود می‌رفتند، پس به آنان گفته شد: اگر غسل کنید [بهتر است]» به روایت بخاری، و در روایتی دیگر از او: «بو داشتند» یعنی بوی عرق و مانند آن، و با این حال به آنان گفته شد: «اگر غسل می‌کردید»، بنابراین برای دیگران من باب اولی باید غسل کنند.

از فوائد حدیث:

۱. اهتمام و توجه اسلام به نظافت و طهارت.
۲. غسل جمعه برای نماز مستحب مؤکد است.
۳. از سر به طور خاص نام برده شده، اگرچه نام بردن از بدن سر را نیز شامل می‌شود و این برای توجه بیشتر به [نظافت] سر است.
۴. غسل برای هر کسی که بوی بدش باعث آزار مردم می‌شود واجب است.
۵. تاکیدترین روز برای غسل روز جمعه است، برای فضیلت که این روز دارد.

(۶۵۰۸۴)

(۱۲۴) - عن أبي هريرة رضي الله عنه: سمعتُ النبيَّ صلى الله عليه وسلم يقول: «الْفِطْرَةُ خَمْسٌ: الْحِثَانُ وَالْأَسْتِحْدَادُ وَقَصُّ الشَّارِبِ وَتَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ وَتَنْتُفُ الْأَبَاطِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۲۴) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است گفت که: شنیدم پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرمودند: «امور فطری پنج هست: ختنه (سنت نمودن)، برداشتن موهای عورت، کوتاه کردن بروت ها (سییل ها)، کوتاه کردن ناخن، و کندن موهای زیر بغل». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده‌اند که پنج خصلت از دین اسلام و سنت‌های پیامبران است:

نخست: ختنه؛ یعنی قطع پوست زائد بر روی آلت بر بالای حشفه، و قطع سر تکه پوستی که بر روی شرمگاه زن در محل ورود آلت مرد قرار دارد. دومین آن «استحداد» است یعنی تراشیدن موی دَور شرمگاه.

سوم: کوتاه کردن بروت - سیل -، یعنی قیچی کردن آنچه بر روی لب بالایی روئیده شده به طوری که لب اشکار شود.

چهارم: کوتاه کردن ناخن‌ها.

پنجم: کندن موی زیر بغل.

از فوائد حدیث:

۱. سنت‌های پیامبران که الله آن را دوست دارد، و بدان خشنود می‌شود، و بدان امر می‌نماید، و به کمال و پاکی و زیبایی فرا می‌خواند.
۲. مشروعیت توجه به این امور و رعایت مداوم آن و غفلت نکردن از آن است.
۳. این خصلت‌ها فواید دینی و دنیوی پرشماری دارد، از جمله: زیبا شدن ظاهر، پاکی بدن، احتیاط برای پاکی و طهارت، مخالفت با کافران و اجرای امر الله متعال.
۴. در احادیث دیگری خصلت‌های دیگری از امور فطرت افزون بر این پنج خصلت ذکر شده است، مانند: نگه داشتن ریش و مسواک و غیر آن.

(۱۲۵) - عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنْتُ رَجُلًا مَذَّاءً وَكُنْتُ أَسْتَحْيِي أَنْ أَسْأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِمَكَانِ ابْنَتِهِ فَأَمَرْتُ الْمُقَدَّادَ بْنَ الْأَسْوَدِ فَسَأَلَهُ فَقَالَ: «يَغْسِلُ ذَكَرَهُ وَيَتَوَضَّأُ».

وَلِلْبُخَارِيِّ: فَقَالَ: «تَوَضَّأَ وَاغْسَلَ ذَكَرَكَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۲۵) - از علی رضی الله عنه روایت است که فرمود: من مردی بودم که بسیار مزی از من خارج می شد و به دلیل جایگاه دختر پیامبر صلی الله علیه وسلم [و اینکه داماد ایشان بودم] شرم می کردم که در این باره از ایشان بپرسم، پس مقداد بن اسود را امر کردم که از ایشان سؤال کند، پس فرمودند: «آلت خود را می شوید و وضو می گیرید». و نزد بخاری آمده که فرمودند: «وضو بساز و آلت خود را بشوی». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

علی بن ابی طالب رضی الله عنه خبر می دهد که از ایشان بسیار مزی خارج می شد - و مزی مایعی است شفاف و رقیق و لزج و هنگام شهوت یا پیش از جماع از انسان خارج می شود - و نمی داند که وقتی مزی خارج می شود چکار کند، ایشان از اینکه خودش از پیامبر صلی الله علیه وسلم بپرسد شرم کرد زیرا همسرش فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه وسلم بود، بنابراین از مقداد خواست که در این باره از پیامبر صلی الله علیه وسلم بپرسد، ایشان صلی الله علیه وسلم چنین پاسخ دادند که آلت خود را بشوید، سپس وضو بسازد.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت علی بن ابی طالب، زیرا حیا مانع از این نشد که این سؤال را با واسطه بپرسد.
۲. جایز بودن نیابت در پرسش شرعی.
۳. جایز بودن اینکه انسان برای مصلحت، در باره خودش چیزی را که از گفتنش شرم دارد بیان کند.
۴. نجاست مَذی و وجوب شستن آن از بدن و لباس.
۵. خروج مَذی از باطل کننده‌های وضو است.
۶. وجوب شستن آلت و بیضه‌ها به دلیل ورود آن در حدیثی دیگر.

(۳۳۸)

(۱۲۶) - عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا اغْتَسَلَ مِنَ الْجَنَابَةِ، غَسَلَ يَدَيْهِ، وَتَوَضَّأَ وَضُوءَهُ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ اغْتَسَلَ، ثُمَّ يُحَلِّلُ يَدَيْهِ شَعْرَهُ، حَتَّى إِذَا ظَنَّ أَنَّهُ قَدْ أَرَوَى بَشَرَتَهُ، أَقَاضَ عَلَيْهِ الْمَاءَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ غَسَلَ سَائِرَ جَسَدِهِ، وَقَالَتْ: كُنْتُ أُغْتَسِلُ أَنَا وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ إِنَاءٍ وَاحِدٍ، نَعْرِفُ مِنْهُ جَمِيعًا. [صحيح] - [رواه البخاري]

(۱۲۶) - از مادر مؤمنان عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه غسل جنابت می کردند دست خود را می شستند و وضوی نماز را انجام می دادند سپس، غسل می کرد [به این صورت که] با دستان خود موهای خود را خلال می کرد تا آنکه می دانست که آب به پوستش

رسیده، آنگاه بر سر خود آب می ریخت، سپس بقیه بدنش را می شست. ام المؤمنین می فرماید: من و رسول الله صلی الله علیه وسلم از یک ظرف غسل می کردیم و هر دو از آن آب برمی داشتیم. [صحیح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه قصد غسل از جنابت را داشتند با شستن دستانشان شروع می کردند، سپس وضویی همانند وضوی نماز می ساختند، سپس آب را بر بدن خود می ریختند، سپس موهای سرشان را با دستانشان خلال می کردند تا آنکه بر گمانشان غالب می شد که آب به ریشه موها و پوست سر رسیده است، سپس سه بار بر سرشان آب می ریختند و سپس بقیه بدنشان را می شستند. عایشه رضی الله عنها می فرماید: من و رسول الله صلی الله علیه وسلم از یک ظرف غسل می کردیم و هر دو از آن آب برمی داشتیم.

از فوائد حدیث:

۱. غسل دو نوع است: غسل کافی (حد اقلی) و غسل کامل. غسل کافی آن است که انسان نیت طهارت کند و سپس به همه بدنش آب برساند، و همراه با آن آب در دهان و بینی بزند. اما غسل کامل چنان است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در این حدیث انجام دادند.
۲. هرکس از او منی خارج شود، یا جماع کند ولو که انزال نکند جُنُب است.
۳. جایز بودن نگاه کردن هر یک از زوجین به عورت دیگری و غسل کردن آنها از یک ظرف.

(۱۲۷) - عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي حَاجَةٍ، فَأَجْنَبْتُ فَلَمْ أَجِدِ الْمَاءَ، فَتَمَرَّعْتُ فِي الصَّعِيدِ كَمَا تَمَرَّعُ الدَّابَّةُ ثُمَّ أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لَهُ فَقَالَ: «إِنَّمَا كَانَ يَكْفِيكَ أَنْ تَقُولَ بِيَدَيْكَ هَكَذَا» ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدَيْهِ الْأَرْضَ ضَرْبَةً وَاحِدَةً، ثُمَّ مَسَحَ الشَّمَالَ عَلَى الْيَمِينِ، وَظَاهَرَ كَفَّيْهِ وَوَجْهَهُ. [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۲۷) - از عمار بن یاسر رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم مرا برای کاری فرستاد، پس جُنُب شدم، و آب نیافتم، پس در خاک غلت زدم چنانکه حیوان خودش را در خاک می غلتاند، سپس به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدم و این را برایشان تعریف کردم. ایشان فرمودند: «برایت کافی بود که با دستانت چنین کنی» سپس دستانش را یک بار بر زمین زده و سپس با دست چپ، دست راست و پشت دستان و چهره اش را مسح کرد. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم عمار بن یاسر رضی الله عنه را برای برخی کارهایش به سفر فرستاد، پس او به سبب جماع یا نزول منی از روی شهوت دچار جنابت شد و برای غسل آب نیافت، و احکام تیمم را نمی دانست، بلکه می دانست که تیمم برای حَدَث اصغر و بی وضویی است، بنابراین اجتهاد کرد و گمان کرد که همانطور که برای بی وضویی با خاک روی زمین بر بعضی از اعضای بدنش مسح می کند، برای تیمم از جنابت نیز باید خاک

را به همه بدنش برساند و این از روی قیاس خاک بر آب بود، پس در خاک غلت زد تا آنکه خاک به همه بدنش برسد، و سپس نماز خواند. چون به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم برگشت این را برایشان بازگو کرد تا ببینید که آیا کارش درست بوده یا اشتباه؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز چگونگی پاک شدن از حَدَثِ اصغر مانند ادرار و حدث اکبر مانند جنابت را برای او توضیح داد، به این صورت که با دستانش یک بار بر خاک ضربه بزند، سپس دست چپ را بر دست راست و پشت دستش و صورتش بکشد.

از فوائد حدیث:

۱. واجب بودن جستجوی آب پیش از تیمم.
۲. مشروع بودن تیمم برای کسی که جُنُب است و آب نیابد.
۳. تیمم برای حَدَثِ اکبر (جنابت) مانند تیمم برای حَدَثِ اصغر (بی‌وضوئی) است.

(۳۴۶)

(۱۲۸) - عَنْ الْمُغِيرَةِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سَفَرٍ، فَأَهْوَيْتُ لِأَنْزِعَ حُفْيَهُ، فَقَالَ: «دَعُهُمَا، فَإِنِّي أَدْخَلْتُهُمَا طَاهِرَتَيْنِ» فَمَسَحَ عَلَيْهِمَا. [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۲۸) - از مُغیره رضی الله عنه روایت است که گفت: در سفری همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم بودم. (هنگام وضو) خواستم موزه های رسول الله صلی الله علیه وسلم را بیرون بیاورم که فرمودند: «آنها را بیرون نیاور،

چون آنها را پس از طهارت و وضو پوشیده ام». سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم بر موزه هایش مسح نمود. [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم در یکی از سفرهایشان بودند و وضو گرفتند، و چون به شستن پاها رسیدند مغیره بن شعبه دست خود را دراز کرد تا موزه‌ای را که پیامبر صلی الله علیه وسلم به پا کرده بود بیرون آورد تا پاهایشان را بشوید! پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: رهایشان کن و آنها را بیرون نیاور، زیرا من در حالی که وضو داشتم پاهای خود را در موزه کرده‌ام. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم عوض این که پاهایش را بشوید، بر موزه های خود مسح کرد.

از فوائد حدیث:

۱. مسح بر موزه و پاپوش به هنگام وضو از حَدَث اصغر مشروع است، اما برای غسل از حَدَث اکبر (جنابت) باید حتما پاها را شست.
۲. مسح تنها یک بار است و آن با کشیدن دست خیس بر روی پاپوش انجام می‌شود نه زیر آن.
۳. برای مسح بر خفین شرط است که پاپوش‌ها پس از وضوی کامل که در آن پاها با آب شسته شده باشند پوشیده شوند، و خود پاپوش پاک باشد، و محل شستن فرض را پوشیده باشد، و مسح آنها باید برای حَدَث اصغر (بی‌وضویی) باشد نه در جنابت یا آنچه غسل را واجب می‌کند، و مسح باید در وقت مشخص شرعی یعنی یک شبانه‌روز برای مقیم و سه شبانه‌روز برای مسافر باشد.

۴. هر آنچه پاها را می پوشاند - جوراب باشد یا غیر آن - بر موزه و پاپوش قیاس می شود و مسح بر آن جایز است.
۵. اخلاق نیکوی پیامبر صلی الله علیه وسلم و آموزش ایشان به طوری که مغیره را از بیرون آوردن پاپوش ها باز داشت، و سبب را به او توضیح داد که پاهایش را در حال پاکی (با وضو) در پاپوش کرده تا دل او آرام گیرد و حکم را بداند.

(۳۰۱)

(۱۲۹) - عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ أَبِي حُبَيْشٍ سَأَلَتِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَتْ: إِنِّي أُسْتَحَاضُ فَلَا أَظْهَرُ، أَفَأَدْعُ الصَّلَاةَ؟ فَقَالَ: «لَا، إِنَّ ذَلِكَ عِرْقٌ، وَلَكِنْ دَعِيَ الصَّلَاةَ قَدَرُ الْأَيَّامِ الَّتِي كُنْتَ تَحِيضِينَ فِيهَا، ثُمَّ اغْتَسِلِي وَصَلِّي». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۲۹) - از عایشه ام المؤمنین رضی الله عنها روایت است که فاطمه بنت ابی حُبیش از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسید: من دچار استحاضه هستم و پاک نمی شوم، آیا نماز را ترک کنم؟ ایشان فرمودند: «خیر، این خون [ناشی از پارگی] رگ است، اما نماز را به اندازه روزهایی که در آن حیض می شدی ترک کن، سپس غسل کن و نماز را بجا آور». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

فاطمه بنت حُبیش از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسید که: خونریزی من قطع نمی شود و حتی در زمان غیر حیض ادامه دارد، بنابراین آیا این حکم حیض

را دارد و باید نماز را ترک کنم؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم به او فرمودند که این خون استحاضه است و خونی است ناشی از پارگی رگ در رحم و ناشی از بیماری است و خون حیض نیست. پس چون وقت حیض شد که می دانی بنابر عادت ماهیانه‌ات - پیش از مبتلا شدن به خون استحاضه - در این زمان حیض می شدی، نماز و روزه و دیگر اعمالی که زن حایض در هنگام حیض از آن منع می شود را ترک کن. و چون مقدار آن مدت به پایان رسید در این حالت از خون حیض پاک شده‌ای، و موضع خون را می شویی، و سپس به نیت رفع حَدَث غسل کامل می کنی و سپس نماز می گذاری.

از فوائد حدیث:

۱. وجوب غسل برای زن هنگام پایان ایام حیض.
۲. وجوب نماز بر زنی که در حال استحاضه (خونریزی ناشی از بیماری) است.
۳. حیض: خونی طبیعی که رحم زنان بالغ آن را از محل شرمگاه بیرون می ریزد و در روزهایی مشخص رخ می دهد.
۴. استحاضه: جاری شدن خون در غیر وقت آن از دهانه رحم نه قعر آن.
۵. فرق بین خون حیض و استحاضه: خون حیض سیاه و غلیظ و بدبو است، اما خون استحاضه قرمز و رقیق است و بوی بد ندارد.

(۱۳۰) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ فِي بَطْنِهِ شَيْئًا، فَأَشْكَلَ عَلَيْهِ أَخْرَجَ مِنْهُ شَيْءٌ أَمْ لَا، فَلَا يَخْرُجَنَّ مِنَ الْمَسْجِدِ حَتَّى يَسْمَعَ صَوْتًا، أَوْ يَجِدَ رِيحًا». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۳۰) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اگر کسی از شما در شکمش چیزی را احساس کرد و برایش سوال پیش آمد که آیا چیزی از او خارج شده یا نه، از مسجد بیرون نیاید تا آنکه صدایی بشنود یا بویی احساس کند». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته که اگر چیزی در شکم نمازگزار حرکت کرد و برایش مشخص نشد که آیا چیزی از او خارج شده یا خیر، از نماز خارج نشود و آن را برای اعاده وضو قطع نکند تا آنکه مطمئن شود که چیزی رخ داده که وضویش را باطل کرده است؛ یعنی آنکه صدایی بشنود یا بویی حس کند؛ زیرا شک، امر یقینی را باطل نمی‌کند، و او به طهارت خود مطمئن است اما بی‌وضو شدنش مشکوک است.

از فوائد حدیث:

۱. این حدیث اصلی از اصول اسلام و قاعده‌ای از قواعد فقه است، یعنی این قاعده که: یقین با شک از بین نمی‌رود و اصل بقا بر آنچه بوده است تا آنکه به خلاف آن یقین حاصل کند.
۲. شک تاثیری در طهارت و وضو ندارد و نمازگزار تا وقتی که از بی‌وضو شدن مطمئن نشده بر طهارت خود باقی است.

(۱۳۱) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا شَرَبَ الْكَلْبُ فِي إِنَاءٍ أَحَدِكُمْ فَلْيَغْسِلْهُ سَبْعًا».

والمسلم: «أولاهنَّ بالثراب». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۳۱) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است: که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرگاه سگ در ظرف شما آب خورد، باید آن را هفت بار بشوید». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور داد که اگر سگی زبانش را در ظرفی فرو برد، هفت بار آن را بشویند، چنانکه بار اول با خاک شسته شود و بعد از آن با آب پاکیزه گردد، و به این ترتیب نظافت کامل از نجاست و زیان های آن حاصل گردد.

از فوائد حدیث:

۱. آب دهن سگ نجاست غلیظه است.
۲. سگی که ظرفی را می لیسد آن را نجس کرده، و همچنین آب موجود در آن را نجس می کند.
۳. پاک کردن با خاک و هفت مرتبه تکرار آن ویژه لیسیدن در ظرف است نه ادرار و غایط سگ و یا هر چیز دیگری که سگ آن را آلوده کرده است.
۴. نحوه شستن ظرف با خاک: آب را در ظرف بریزید و خاک را به آن اضافه کنید، سپس ظرف را با این مخلوط بشوید.

۵. معنای ظاهر حدیث این است که این حکم به همه سگ ها عام است، حتی سگ هایی که شارع نگهداری آنها را مجاز دانسته است، مانند سگ های شکار، نگهبان و مواشی.
۶. صابون و اشنان جایگزین خاک نمی شوند؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم خاک را شرط قرار داده اند.

(۳۱۴۳)

(۱۳۲) - عن عمر بن الخطاب رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، فَقَالَ أَحَدُكُمْ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ قَلْبِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۳۲) - از عمر بن الخطاب رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرگاه مؤذن گفت: الله اکبر الله اکبر، و یکی از شما [در پاسخ] گفت: الله اکبر الله اکبر، سپس گفت: اشهد ان لا اله الا الله، [او نیز] گفت: اشهد ان لا اله الا الله، سپس گفت: اشهد ان محمدا رسول الله، [سپس او نیز] گفت: اشهد ان محمدا رسول الله، سپس گفت: حى على الصلاة، [او] گفت: لا حول ولا قوة الا بالله، سپس گفت: حى على الفلاح، [او نیز در پاسخ] گفت: لا حول ولا قوة الا بالله، سپس گفت: الله اکبر الله اکبر، [او هم] گفت: الله

اکبر الله اکبر، سپس گفت: لا اله الا الله، [و او نیز] گفت: لا اله الا الله [و اینها را] از دل گفت، به بهشت داخل شود. [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

اذان یعنی اعلام داخل شدن وقت نماز به مردم، و کلمات اذان، سخنانی است که عقیده ایمان را در خود جای داده است.

در این حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم به بیان آنچه هنگام شنیدن اذان مشروع است پرداخته است، یعنی آنکه شنونده همان چیزی را بگوید که مؤذن می گوید، یعنی هرگاه مؤذن «الله اکبر» گفت، او نیز «الله اکبر» بگوید و به این ترتیب، مگر در هنگام شنیدن «حی علی الصلاة» و «حی علی الفلاح» که شنوند در پاسخ به آن می گوید: «لا حول ولا قوة الا بالله». یعنی: هیچ تبدیلی از حالتی به حالت دیگر و از نافرمانی الله به اطاعت او نیست مگر به امر الله و هیچ نیرویی جز الله نیست،

و پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته که هرکس خالصانه از دل همراه با مؤذن [اذان را] تکرار کند، وارد بهشت می شود.

معانی کلمات اذان: «الله اکبر»: یعنی او سبحانه و تعالی عظیم تر و گرامی تر و بزرگتر از هر چیزی است.

«اشهد ان لا اله الا الله»: یعنی معبودی به حق نیست مگر الله.

«اشهد ان محمدا رسول الله»: یعنی اقرار می کنم و به زبان و دل

گواهی می دهم که محمد - صلی الله علیه وسلم - فرستاده الله است که الله عزوجل او را فرستاده است، و اطاعت از او واجب است.

«حی علی الصلاة» یعنی: بشتابید به سوی نماز. و سخن شنونده در پاسخ به آن که: «لا حول ولا قوة الا بالله»، یعنی راهی برای رهایی از موانع طاعت نیست، و قدرتی برای انجام آن نیست، و توانی برای انجام هیچ کاری نیست مگر به توفیق الله متعال.

«حی علی الفلاح»، یعنی: بشتابید به سوی رستگاری. منظور رستگار شدن با وارد شدن به بهشت و رهایی از آتش دوزخ است.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت پاسخ دادن به مؤذن و تکرار آنچه می گوید، به جز دو - حی علی - که در پاسخ به آن می گوید: «لا حول ولا قوة الا بالله».

(۶۰، ۸۶)

(۱۳۳) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ، ثُمَّ صَلُّوا عَلَيَّ، فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا، ثُمَّ سَلُوا اللَّهَ لِي الْوَسِيلَةَ، فَإِنَّهَا مَنْزِلَةٌ فِي الْجَنَّةِ، لَا تَنْبَغِي إِلَّا لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ، وَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ، فَمَنْ سَأَلَ لِي الْوَسِيلَةَ حَلَّتْ لَهُ الشَّفَاعَةُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۳۳) - از عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما روایت است که وی از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنید که می فرمودند: «هرگاه صدای مؤذن را شنیدید مانند آنچه می گوید را بگویند، سپس بر من درود بفرستید، زیرا هر که بر من یک درود بفرستد الله بر او ده درود خواهد فرستاد، سپس از الله برای من «وسيله» را بخواهید؛ زیرا آن منزلتی است در بهشت که تنها

شایسته یکی از بندگان الله است و امیدوارم من آن باشم، پس هر که برای من وسیله بخواد شفاعت بهره او می شود». [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم ارشاد فرموده‌اند که هر کس صدای مؤذن برای نماز را شنید آن را پس از مؤذن تکرار کند، و مانند آنچه او می گوید را بگوید، به جز دو حی علی که پس از آن دو می گوید: لا حول ولا قوة إلا بالله، سپس بعد از پایان اذان بر پیامبر صلی الله علیه وسلم درود می فرستد، زیرا کسی که بر ایشان یک درود بفرستد، الله به سبب آن بر او ده درود می فرستد، و معنای درود الله بر بنده اش ثنای او بر بنده او نزد ملائکه است.

سپس امر نمودند که از الله برای ایشان «وسيله» درخواست شود، و آن منزلی است در بهشت که بالاترین منزلت آن است و شایسته و میسر نیست جز برای یک بنده از میان همه بندگان الله تعالی و ایشان امیدوار است که آن بنده ایشان باشند، و پیامبر صلی الله علیه وسلم این را از روی تواضع بیان کردند، زیرا اگر آن منزلت تنها شایسته یک نفر باشد آن یک نفر کسی نیست جز ایشان صلی الله علیه وسلم، زیرا ایشان بهترین مخلوق هستند.

سپس ایشان صلی الله علیه وسلم بیان نمودند که هر کس برای پیامبر صلی الله علیه وسلم وسیله را در دعا بخواد شفاعتش برای او حاصل می شود.

از فوائد حدیث:

۱. ترغیب به اجابت مؤذن.
۲. فضیلت درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه وسلم پس از پاسخ گفتن به مؤذن.

۳. ترغیب به درخواست مرتبت «وسیله» برای پیامبر صلی الله علیه وسلم و پس از درود بر ایشان.
۴. بیان معنای «وسیله» و جایگاه والای آن، به طوری که تنها شایسته یک بنده است.
۵. بیان فضیلت پیامبر صلی الله علیه وسلم، آنطور که آن منزلت خاص ایشان است.
۶. هرکه از الله تعالی برای پیامبر صلی الله علیه وسلم «وسیله» بخواهد شفاعت برای او حاصل می گردد.
۷. بیان تواضع ایشان صلی الله علیه وسلم، چنانکه از امتشان درخواست کردند تا برای به دست آوردن آن منزلت برای ایشان دعا کنند، با وجود آنکه این منزلت برای ایشان خواهد بود.
۸. وسعت فضل و رحمت الله، آنطور که هر نیکی ده برابر خواهد بود.

(۶۵۰۸۷)

(۱۳۴) - عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ الْمُؤَذِّنَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۳۴) - از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت است که ایشان فرمودند: «هرکه هنگام شنیدن صدای مؤذن بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا

وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا (گواهی می‌دهم که معبودی نیست جز الله که یگانه و بی‌شریک است و به اینکه محمد بنده و فرستاده اوست. به الله به عنوان پروردگار، و به محمد به عنوان پیامبر، و به اسلام به عنوان دین خشنود شدم) گناهش برای او آمرزیده می‌شود». [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته‌اند که هرکس هنگام شنیدن صدای مؤذن بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» یعنی: اقرار و اعتراف می‌کنم و خبر می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله و هر معبودی جز او باطل است، «وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» یعنی: او خود بنده است و عبادت نمی‌شود و پیامبر است و دروغ نمی‌گوید، «رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا» یعنی به پروردگاری الله و الوهیت و نام‌ها و صفاتش خشنود شدم، «وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا» یعنی به همه آنچه او صلی الله علیه وسلم به آن فرستاده شده و به ما رسانده است خشنود شدم، «وَبِالْإِسْلَامِ» یعنی: به همه احکام اسلام از اوامر و نواهی، «دینا» یعنی: به آن معتقد شدم و گردن نهادم، «گناهانش آمرزیده می‌شود». یعنی: گناهان صغیره.

از فوائد حدیث:

۱. تکرار این دعا هنگام شنیدن اذان از محو کننده‌های گناهان است.

(۱۳۵) - عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ التَّدَاءَ: اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ الثَّامَّةُ، وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مُحَمَّدًا الَّذِي وَعَدْتَهُ، حَلَّتْ لَهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۱۳۵) - از جابر بن عبد الله رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرکس بعد از شنیدن اذان، این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ الثَّامَّةُ، وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مُحَمَّدًا الَّذِي وَعَدْتَهُ» شفاعت من در روز قیامت برای او حلال خواهد شد».

ترجمه دعا: پروردگارا، ای صاحب این دعوت کامل (اذان) و نمازی که هم اکنون برگزار می شود، به محمد صلی الله علیه وسلم وسیله (درجه ای است در بهشت) و فضیلت عنایت فرما و او را طبق وعده ات به مقام محمود (شفاعت) برسان. [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان می دارد هرکس هنگام فراغت مؤذن از اذان و پایان اذان این عبارات را بگوید:

(اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ)، و این الفاظ اذان است که توسط آن برای عبادت الله و نماز فراخوانده می شود، (الثَّامَّةُ) کامل، دعوت توحید و رسالت، (وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ) دایم که حالا برگزار می شود، (آتِ) و بدهید،

(مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ) منزلت بلند در بهشت که هیچ کس شایسته آن نیست مگر او صلی الله علیه وسلم، (وَالْفَضِيلَةَ) مرتبه زائده بر مراتب همه مخلوق (وَابْعَثَهُ) و برایش عطا فرمایید (مَقَامًا مَحْمُودًا) کسی که در آن مقام قرار دارد ستایش می شود؛ و آن شفاعت بزرگ در روز قیامت است، (الَّذِي وَعَدْتَهُ) به این فرموده ات: {عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا} تا که این مقام برای او صلی الله علیه وسلم باشد.

پس هر کس این دعا را بخواند مستحق شده و بر او شفاعت پیامبر صلی الله علیه وسلم در روز قیامت واجب می شود.

از فوائد حدیث:

۱. مشروعیت این بعد از فراغت تکرار اذان بعد از موزن، و کسی که اذان را نشنیده باشد؛ این دعا را نمی خواند.

۲. فضیلت رسول الله صلی الله علیه وسلم، چون وسیله، فضیلت، مقام محمود، و شفاعت بزرگ هنگام حکم و فیصله میان مخلوق برای او داده شده است.

۳. اثبات شفاعت رسول الله صلی الله علیه وسلم؛ بنابر قول اش که فرمایند: (شفاعت من در روز قیامت برای او حلال خواهد شد).

۴. شفاعت او صلی الله علیه وسلم برای صاحبان گناهان کبیره از امتش خواهد بود تا از دخول آنان به دوزخ جلوگیری شود، و یا کسانی که از امتش وارد دوزخ شده اند بیرون آورده شوند، و یا برای ورود به بهشت بدون محاسبه، و یا بالا بردن درجات کسانی که وارد بهشت شده اند.

۵. الطیبی می گوید: از اول آن تا گفتن "محمد رسول الله"، این ندای کامل است، و حَيْعَلَةٌ نماز برگزار شده است در قول او (يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ)، و ممکن است مقصود از نماز، دعا باشد، و منظور از القَائِمَةُ الدَّائِمَةُ کسی که مداومت و پابندی می نماید، بر این اساس، قول او "والصلاة القائمة" بیان ندای کامل است، و ممکن است مراد از نماز معهود و آنچه که برای آن ندا شده باشد، و این ظاهرتر است.
۶. المهلب می گوید: در حدیث تشویق بر دعاء در اوقات نمازهاست؛ چون در این اوقات امید اجابت است.

(۱۰۶۳)

- (۱۳۶) - عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الدُّعَاءُ لَا يُرَدُّ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ». [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي والنسائي]
- (۱۳۶) - از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «دعای بین اذان و اقامه رد نمی شود». [صحيح] - [ابو داود و ترمذی و نسایی روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم فضیلت دعا بین اذان و اقامه را بیان نموده، و این که در آن وقت دعا رد نشده و سزاوارتر است که قبول شود، پس در آن زمان دعا کنید و از الله متعال بخواهید.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت این وقت برای دعاء.

۲. هرگاه دعاکننده آداب دعا را رعایت کند، اماکن و اوقات بهتر آن را در نظر گیرد، و از نافرمانی الله متعال دوری کند، و از وقوع در شک و شبهه محتاط باشد، و به الله متعال گمان نیک داشته باشد: سزاوارتر است که اگر الله خواسته باشد دعایش مستجاب می شود.
۳. مناوی در مورد استجابت دعا می گوید: یعنی بعد از جمع آوری شرایط و ارکان و آداب دعا، اگر یکی از آن ها را عملی نکرد، جز خودش کسی دیگر را ملامت نکند.
۴. استجابت دعاء: یا این که دعایش به زودی قبول می شود، یا مانند آن از او شر و ضرر دفع می شود، یا در آخرت برایش ذخیره می شود؛ این همه به حکمت و رحمت الله متعال صورت می گیرد.

(۵۴۷۹)

(۱۳۷) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: أتى النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ أَعْمَى، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ، إِنَّهُ لَيْسَ لِي قَائِدٌ يَهْدِيَنِي إِلَى الْمَسْجِدِ، فَسَأَلَ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُرَخَّصَ لَهُ فَيُصَلِّيَ فِي بَيْتِهِ، فَرَخَّصَ لَهُ، فَلَمَّا وَلَّى دَعَاهُ، فَقَالَ: «هَلْ تَسْمَعُ التَّدَاءَ بِالصَّلَاةِ؟» فَقَالَ: نَعَمْ، قَالَ: «فَأَجِبْ».

[صحیح] - [رواه مسلم]

(۱۳۷) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است فرمود: مردی نابینا نزد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آمد، و گفت: ای رسول الله، راهنمایی ندارم که مرا به مسجد بیاورد، و از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - درخواست نمود که به وی رخصت دهد تا در منزل خود نماز بخواند، ایشان به وی رخصت دادند، پس از

آنکه خواست برگردد، وی را صدا زد و به وی فرمودند: «آیا ندای - آذان - نماز را می شنوی؟»، گفت: بله، فرمودند: "پس اجابت کن". [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

مردی نابینا نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: ای رسول الله، من کسی را ندارم که مرا یاری کند، و برای نمازهای پنجگانه دستم را گرفته به مسجد ببرد، می خواست که پیامبر صلی الله علیه وسلم برایش اجازه ترک جماعت دهد، به او اجازه داد، و چون پشت کرد، او را صدا زد و گفت: صدای اذان را می شنوی؟ گفت: بلی، فرمود: اذان را اجابت کن.

از فوائد حدیث:

۱. وجوب نماز جماعت؛ زیرا رخصت بخاطر امر ضروری و واجب می باشد.
۲. گفتار او: «پس اجابت کن» به کسی که ندا را می شنود، دلالت بر واجب بودن نماز جماعت دارد، زیرا در اصل امر برای وجوب است.

(۱۱۸۷)

(۱۳۸) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ نَهْرًا بَبَابٍ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ فِيهِ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسًا، مَا تَقُولُ ذَلِكَ يُبْقِي مِنْ دَرَنِهِ؟» قَالُوا: لَا يُبْقِي مِنْ دَرَنِهِ شَيْئًا، قَالَ: «فَذَلِكَ مِثْلُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ، يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا». [صحیح] - [متفق علیه]

(۱۳۸) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمودند: «نظرتان چیست اگر کنار دروازه [خانه] یکی از شما رودی باشد که هر روز پنج بار خودش را در آن بشوید، آیا از ناپاکی اش چیزی باقی می ماند؟» گفتند: از ناپاکی اش

چیزی باقی نمی ماند، فرمودند: «این مانند نمازهای پنج گانه است که الله متعال گناهان را به واسطه آن محو می کند». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم نمازهای پنج گانه در هر شبانه روز را به محو کننده گناهان صغیره و خطاها به رودی در کنار دروازه خانه انسان تشبیه کرده است که روزی پنج بار خود را در آن بشوید، در نتیجه از چرک و ناپاکی اش چیزی باقی نمی ماند.

از فوائد حدیث:

۱. این فضیلت مخصوص محو گناهان صغیره است، اما برای محو گناهان کبیره، باید از آن توبه نمود.
۲. فضیلت ادای نمازهای پنج گانه و محافظت بر آن با شرط ها، رکن ها، واجب ها و سنت های آن.

(۴۹۶۸)

(۱۳۹) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: «الصَّلَاةُ عَلَى وَقْتِهَا»، قَالَ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: «ثُمَّ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ» قَالَ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: «الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» قَالَ: حَدَّثَنِي بِهِنَّ، وَلَوْ اسْتَرَدْتُه لَرَأَدَنِي. [صحیح] - [متفق علیه]

(۱۳۹) - از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیدم: کدام عمل نزد الله محبوب تر است؟ فرمودند: «نماز به وقت آن»، پرسیدم: سپس چه چیزی؟ فرمودند: «سپس نیکی به والدین»،

گفتم: سپس چه؟ فرمودند: «جهاد در راه الله»، می گوید: اینها را به من فرمودند و اگر [بر پرسش] می افزودم [در پاسخ] بر من می افزود. [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیده شد: کدام عمل به نزد الله محبوبتر است؟ فرمودند: نماز فرض در همان وقتی که شارع مشخص کرده است، سپس نیکی به والدین، با احسان به آنها و انجام حقشان و ترک بدی در حق آنان، سپس جهاد در راه الله، برای اعلاى كلمه الله، و دفاع از اسلام و مسلمانان، و آشکار شدن شعایر اسلام، و این جهاد با جان و مال است.

ابن مسعود رضی الله عنه می فرماید: ایشان مرا از این اعمال آگاه ساختند؛ و اگر دوباره می پرسیدم که: سپس چه؟ بیشتر می گفتند.

از فوائد حدیث:

۱. برتری اعمال بر یکدیگر بر حسب محبت الله و دوست داشتن این اعمال نزد اوست.

۲. ترغیب مسلمان به توجه و اهتمام به اعمال بر حسب برتری آنها.

۳. پاسخ های پیامبر صلی الله علیه وسلم به این پرسش که بهترین اعمال چیست، بر حسب تفاوت اشخاص و احوال آنها و آنچه برای هر یک از آنان بهتر است، متفاوت است.

(۱۴۰) - عَنْ عُثْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا مِنْ أَمْرٍ مُسْلِمٍ تَخْضَرُهُ صَلَاةٌ مَكْتُوبَةٌ فَيُحْسِنُ وُضُوءَهَا وَخُشُوعَهَا وَرُكُوعَهَا، إِلَّا كَانَتْ كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهَا مِنَ الذُّنُوبِ، مَا لَمْ يُؤْتِ كَبِيرَةً، وَذَلِكَ الدَّهْرُ كُلُّهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۴۰) - از عثمان رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمودند: «مسلمانی نیست که وقت نماز فرضش فرا رسد و به نیکی وضو و خشوع و رکوعش را انجام دهد، مگر آنکه کفاره گناهان پیش از آن خواهد بود؛ اگر مرتکب کبیره نشده باشد، و این [برای] همه سال است». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده‌اند که مسلمانی نیست که وقت نماز فرضش فرا رسد، و وضویش را به نیکی و کمال انجام دهد، و در نمازش خشوع و رزد به طوری که دلش و جوارحش همه به الله روی آورند، و عظمت او را به یاد آورد، و افعال نماز مانند رکوع و سجود را به شکل کامل انجام دهد، مگر آنکه این نماز گناهان صغیره قبلی را محو می کند تا وقتی که مرتکب گناه کبیره نشده باشد، و این فضیلت در طول زمان و در همه نمازها هست.

از فوائد حدیث:

۱. نمازی که گناهان را پاک می کند آن نمازی است که بنده وضویش را به نیکی انجام دهد و آن را با خشوع و به قصد خشنودی الله تعالی به جا آورد.

۲. فضیلت مداومت بر عبادت‌ها و اینکه عبادات سبب مغفرت گناهان صغیره می شود.
۳. فضیلت نیکویی وضو، و نیکویی در ادای نماز و خشوع در آن.
۴. اهمیت دوری از گناهان کبیره جهت مغفرت گناهان صغیره.
۵. گناهان کبیره تنها با توبه محو می شود.

(۶۲۵۴)

(۱۴۱) - عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يقول: «الصَّلَاةُ الْحُمُسُ، وَالْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ، وَرَمَضَانُ إِلَى رَمَضَانَ، مُكَفِّرَاتٌ مَا بَيْنَهُنَّ إِذَا اجْتَنَبَ الْكَبَائِرَ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۴۱) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت که رسول الله صلی الله وسلم می فرمودند: «نمازهای پنجگانه، جمعه تا جمعه، و رمضان تا رمضان، کفاره آنچه بین آنهاست می باشد، در صورتی که از گناهان کبیره اجتناب شود». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که نمازهای پنج گانه فرض در شبانه روز، و نماز جمعه هر هفته، و روزه ماه رمضان هر سال، کفاره گناهان صغیره است که بین آن ها واقع می شود، مشروط بر اینکه از گناهان کبیره پرهیز شود، اما گناهان کبیره مانند زنا و نوشیدن شراب بجز با توبه کفاره نمی شود.

از فوائد حدیث:

۱. گناهان بعضی صغیره و بعضی کبیره می باشند.
۲. کفاره گناهان صغیره مشروط به دوری از گناهان کبیره می باشد.
۳. گناهان کبیره گناهایی هستند که در دنیا برای آنها حدی وجود داشته باشد، و یا در آخرت برای آن وعیدی به عذاب یا خشم باشد، یا بر مرتکب آن ها نفرین شده باشد مانند زنا و شراب نوشی.

(۳۵۹۱)

(۱۴۲) - عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَتْ عَامَّةُ وَصِيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ حَضَرَ الْمَوْتُ: «الصَّلَاةُ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ، الصَّلَاةُ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ»، حَتَّى جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْرِغُ بِهَا صَدْرَهُ، وَمَا يَكَادُ يُفِيضُ بِهَا لِسَانَهُ. [صحيح] - [رواه النسائي في السنن الكبرى وابن ماجه]

(۱۴۲) - از انس رضی الله عنه روایت است که فرمود: وصیت کلی رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگام فرا رسیدن وفاتش این بود: «پایند نماز در اوقاتش باشید، و هر آنچه در ملکیت شماست، پایند نماز در اوقاتش باشید، و هر آنچه در ملکیت شماست»، تا حدی که رسول الله صلی الله علیه وسلم تا هنگام خروج روحش آن را تکرار نمود و به سختی آن را به زبان می آورد. [صحيح] - □

توضیح:

بیشترین توصیه پیامبر صلی الله علیه وسلم به امتش در حال احتضار، این بود: مواظب و پایند نماز باشید و از آن غافل نشوید، و حقوق برده گان و

کنیزانی که شما صاحب آنان هستید ادا نمایید، و با آنان خوب رفتار می کنید، تا هنگام خروج روحش آن را تکرار نمود و به سختی آن را به زبان می آورد.

از فوائد حدیث:

۱. جایگاه بزرگ نماز و حق زیر دستان - برده گان و کنیزان؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم این دو موارد را آخرین وصیت های خود قرار داد.
۲. نماز یکی از بزرگ ترین حقوق الله متعال بر بندگانش است، و ادای حقوق خلق، به ویژه مستضعفان و زیردستان غیر فرزندان و اولاد از بزرگترین حقوق خلق است.

(۶۶۵۹)

(۱۴۳) - عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ، وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرٍ، وَفَرِّقُوا بَيْنَهُم فِي الْمَضَاجِعِ». [حسن] - [رواه أبو داود]

(۱۴۳) - از عمرو بن شعيب از پدرش از پدر بزرگش روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «فرزندانتان را در هفت سالگی به نماز امر کنید و در ده سالگی برای نماز بزنید و محل خواب آنان را از هم جدا کنید». [حسن] - [ابو داود روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده که پدر باید فرزندانش - پسر و دختر - را در هفت سالگی شان به نماز امر کند و هرآنچه برای برپا داشتن نماز لازم است را به آنان آموزش دهد، و هرگاه به ده سالگی رسیدند بر

اهمیت این امر افزوده می شود و در صورت کوتاهی در نماز باید آنان را بزند، و باید در این سن محل خواب آنان را از هم جدا کند.

از فوائد حدیث:

۱. آموزش امور دین به فرزندان قبل از بلوغ، و از مهم ترین این امور نماز است.
۲. زدن برای تادیب است نه برای شکنجه، بنابراین زدن باید مناسب حال باشد.
۳. توجه شریعت به حفظ ناموس و بستن هر راهی که ممکن است منجر به فساد شود.

(۵۲۷۲)

(۱۴۴) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: قَسَمْتُ الصَّلَاةَ بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي نِصْفَيْنِ، وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ، فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ: {الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ}، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: حَمَدَنِي عَبْدِي، وَإِذَا قَالَ: {الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ}، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَثْنَى عَلَيَّ عَبْدِي، وَإِذَا قَالَ: {مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ}، قَالَ: مَجَّدَنِي عَبْدِي، - وَقَالَ مَرَّةً: قَوَّضَ إِلَيَّ عَبْدِي، - فَإِذَا قَالَ: {إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ}، قَالَ: هَذَا بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ، فَإِذَا قَالَ: {اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ}، قَالَ: هَذَا لِعَبْدِي وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۴۴) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمودند: «الله متعال فرمودند: نماز را بین خودم و بندهام به دو تقسیم کرده ام و برای بندهام هر آن چیزی است که بخواهد، پس چون بنده بگوید: الحمد لله رب العالمین، الله تعالی می فرماید: بندهام مرا

ستایش گفت، و چون بگوید: الرحمن الرحيم: می‌فرمایند: بندهام مرا ثنا گفت، و چون بگوید: مالك يوم الدين، می‌فرمایند: بندهام مرا به بزرگی ستود، و چون بگوید: اياك نعبد و اياك نستعين، می‌فرمایند: اين بين من و بندهام است، و برای بندهام هر آن چه بخواهد است، پس چون بگوید: اهدنا الصراط المستقيم، صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين، می‌فرمایند: اين برای بندهام است، و برای بندهام هر آن چیزی است که بخواهد». [صحيح] - [مسلم روايت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده است که الله متعال در حدیث قدسی می‌فرماید: سورة فاتحه را در نماز بین خودم و بندهام دو نیم تقسیم نموده‌ام، نصف آن برای من و نصف آن برای او. نصف اول آن حمد و ثنا و بزرگداشت الله است که برای آن به بندهام بهترین پاداش را می‌دهم.

و نصف دوم آن تضرع و دعا است و دعایش را اجابت می‌کنم، و آنچه را خواسته به او عطا می‌کنم.

پس چون نمازگزار بگوید: {الحمد لله رب العالمين} (ستایش مخصوص الله پروردگار جهانیان است)، الله می‌فرمایند: بندهام مرا ستایش نمود، و چون بگوید: {الرحمن الرحيم} (آن رحمت گستر و مهربان)، الله می‌فرمایند: بندهام مرا ثنا گفت و مرا ستود، و به رحمتی که بر همه خلق گسترده‌ام اعتراف کرد، و چون بگوید: {مالك يوم الدين} (مالک روز جزاست)، الله می‌فرمایند: بندهام مرا تمجید کرد و آن شرف وسیع است.

پس چون بگوید: {إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ}، الله متعال می‌فرماید: این میان من و بنده‌ام است.

نصف اول از این آیه برای الله است یعنی: {إِيَّاكَ نَعْبُدُ} که به معنای اعتراف به الوهیت برای الله است، و استجابت او با عبادت است و با این نیمه مخصوص الله به پایان می‌رسد.

و نیمه دوم آیه برای بنده است یعنی: {إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ} که درخواست یاری از الله و وعده یاری اوست.

پس چون بگوید: {أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ} صراط الذين أنعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين} الله می‌فرماید: این تضرع و دعایی است از سوی بنده‌ام، و بنده‌ام آنچه بخواهد را دارد و دعایش را اجابت کردم.

از فوائد حدیث:

۱. بزرگی منزلت سورة فاتحه، چرا که الله متعال آن را «نماز» نامیده است.
۲. بیان عنایت الله متعال به بنده‌اش آنطور که او را به سبب حمد و ثنا و تمجیدش ستوده، و وعده داده که آنچه را خواسته به او عطا خواهد کرد.
۳. این سورة کریمه حمد الله و یاد آخرت و دعای الله و اخلاص عبادت برای او و درخواست هدایت به راه راست و هشدار نسبت به راه‌های باطل را در خود دارد.
۴. به یاد آوردن و احساس کردن این حدیث - هنگام خواندن سورة فاتحه - توسط نمازگزار باعث افزایش خشوع در نماز می‌شود.

(۱۴۵) - عن بريدة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ الْعَهْدَ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ، فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ». [صحیح] - [رواه الترمذی والنسائي وابن ماجه وأحمد]

(۱۴۵) - از بُریده رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «پیمانی که میان ما و آنهاست نماز است؛ پس هر که ترکش کرد کافر شده است». [صحیح] - [ترمذی و نسایی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته است که عهد و پیمانی که بین مسلمانان و دیگران از جمله کافران و منافقان [جدایی ایجاد می کند]، نماز است، پس هر که آن را ترک کند کافر شده است.

از فوائد حدیث:

۱. بزرگی منزلت نماز و اینکه جدا کننده بین مؤمن و کافر است.
۲. ثابت شدن احکام اسلام بر اساس حال ظاهر شخص است بدون [بررسی] باطن و نهان او.

(۶۵۰۹۴)

(۱۴۶) - عن جابر رضي الله عنه قال: سمعت النبي صلى الله عليه وسلم يقول: «إِنَّ بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشَّرْكِ وَالْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ». [صحیح] - [رواه مسلم]

(۱۴۶) - از جابر رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمودند: «میان شخص و شرک و کفر، ترک نماز است». [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم نسبت به ترک نماز فرض هشدار داده و بیان کرده که فاصله میان شخص و افتادنش در شرک و کفر، ترک نماز است. نماز دومین رکن از ارکان اسلام است که مقام والایی دارد، و اگر کسی آن را با انکار وجوبش ترک گوید به اجماع مسلمانان کافر می شود، و اگر آن را از روی سهل انگاری و تنبلی به طور کامل ترک کند کافر است، و اجماع صحابه را در این مورد نقل شده است، و اگر گاه ترکش می کند و گاه ادایش می کند در معرض این وعید شدید قرار گرفته است.

از فوائد حدیث:

۱. اهمیت نماز و محافظت بر آن، زیرا نماز فاصله میان کفر و ایمان است.
۲. هشدار شدید برای ترک نماز و ضایع ساختن آن.

(۶۵۰۹۳)

(۱۴۷) - عن سالم بن أبي الجعد قال: قال رجل: ليتني صَلَّيْتُ فاسترَحْتُ، فكأنَّهم عابُوا ذلك عليه، فقال: سمعتُ رسولَ الله صلى الله عليه وسلم يقول: «يا بلالُ، أقيم الصَّلَاةَ، أَرِحْنَا بِهَا». [صحيح] - [رواه أبو داود]

(۱۴۷) - از سالم بن ابی جعد روایت است که گفت: مردی گفت: کاش نماز می خواندم و راحت می شدم. اما آنها گویا سخن او را بد دانستند، پس او گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمودند: «ای بلال، نماز را اقامه کن، ما را با آن راحت کن». [صحيح] - [ابو داود روایت کرده]

توضیح:

مردی از صحابه گفت: کاش نماز می خواندم تا راحت می شدم. کسانی که دور و بر او بودند این سخن او را بد دانستند و بر او عیب گرفتند، پس او گفت: شنیدم که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرمودند: ای بلال! برای نماز اذان بگو و اقامه اش کن؛ تا با آن آسوده شویم؛ زیرا نماز شامل مناجات با الله و راحتی روح و دل است.

از فوائد حدیث:

۱. راحت دل با نماز است؛ زیرا در بر دارنده مناجات با الله است.
۲. انکار بر کسی که عبادت را سنگین می شمارد.
۳. کسی که واجبی بر عهده اوست انجام دهد، برایش آسایش و احساس آرامش حاصل می شود.

(۱۵۰۹۵)

(۱۴۸) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، إِذَا كَبَّرَ فِي الصَّلَاةِ، سَكَتَ هُنَيْئَةً قَبْلَ أَنْ يَقْرَأَ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا أَبَايَ أَنْتَ وَأُمِّي أَرَأَيْتَ سُكُوتَكَ بَيْنَ التَّكْبِيرِ وَالْقِرَاءَةِ، مَا تَقُولُ؟ قَالَ «أَقُولُ: اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ نَفِّني مِنْ خَطَايَايَ كَمَا يَنْفِي الثَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْني مِنْ خَطَايَايَ بِالثَّلْجِ وَالْمَاءِ وَالْبَرْدِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۴۸) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که می گوید: چون رسول الله صلی الله علیه وسلم برای نماز تکبیر می گفت، مقداری قبل از

اینکه قرائت را آغاز کند، ساکت می ماند؛ به همین دلیل گفتیم: ای رسول الله، پدر و مادرم فدایت، در سکوت ات بین تکبیر و خواندن سوره چه می گویی؟ ایشان فرمودند: «می گویم: "بار الها من و گناهانم را آنچنان از هم دور کن که بین مشرق و مغرب فاصله انداختی، بار الها آنچنان مرا از گناهانم پاک گردان که لباس سفید از ناپاکی ها پاک می شود، بار الها مرا از گناهانم با آب و یخ و تگرگ بشوی"». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

چون رسول الله صلی الله علیه وسلم برای نماز تکبیر می گفت و مدت کوتاهی قبل از قرائت فاتحه مکث می کرد، و نمازش را به بعضی دعاها آغاز می نمود، و از جمله دعاهاى که ثابت شده این است که: "بار الها من و گناهانم را آنچنان از هم دور کن که بین مشرق و مغرب فاصله انداختی، بار الها آنچنان مرا از گناهانم پاک گردان که لباس سفید از ناپاکی ها پاک می شود، بار الها مرا از گناهانم با آب و یخ و تگرگ بشوی". چون نمازگزار رو به الله متعال می آورد که گناهانش را محو نموده و بین او و گناهانش فاصله ای بیندازد که با وجود آن با یکدیگر روبرو نشوند؛ چنانکه مشرق و مغرب از یکدیگر فاصله دارد و هرگز با هم دیگر نزدیک شده نمی توانند؛ و هرگاه مرتکب گناه و اشتباهی شد از الله متعال می خواهد که گناهان و اشتباهاتش را از بین ببرد، و او را از آن پاک بگرداند؛ چنانکه چرک و پلیدی از لباس سفید شسته می شود؛ و او را از گناهانش بشوید و آتش و گرمای گناهانش را سرد نماید؛ و با پاک کننده های سردی چون آب و برف و تگرگ چنین کند.

از فوائد حدیث:

۱. خواندن دعای استفتاح بشکل خفیه هر چند نماز جهری باشد.
۲. حرص صحابه رضی الله عنهم برای دانستن احوال رسول الله صلی الله علیه وسلم در حرکات و سکونات او صلی الله علیه وسلم.
۳. برای دعای استفتاح صیغه های دیگری نیز وجود دارد، و بهتر است انسان به دعاهایی که از او صلی الله علیه وسلم ذکر و ثابت شده است عمل کند، یک بار این دعا خوانده شود و بار دیگر دعای دیگری.

(۳۱۰۴)

(۱۴۹) - عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ حَذْوَ مَنْكَبَيْهِ إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ، وَإِذَا كَبَّرَ لِلرُّكُوعِ، وَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ، رَفَعَهُمَا كَذَلِكَ أَيْضًا، وَقَالَ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ»، وَكَانَ لَا يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي السُّجُودِ. [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۴۹) - از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است: که رسول الله صلی الله علیه وسلم در آغاز نماز و هنگام تکبیر رکوع رفع یدین می کرد، یعنی دست هایش را تا برابر شانه ها بالا می برد. همچنین هنگام برخاستن از رکوع نیز رفع یدین می کرد و می گفت: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ» و این کار را در سجده انجام نمی داد. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم در هنگام نماز دستهای خود را در سه موضع رو به روی و یا مقابل شانه که آن: استخوان شانه و استخوان بازو است بالا می برد.

موضع اول: هرگاه نماز را آغاز می نمود هنگام تکبیر الاحرام.

دوم: هرگاه برای رکوع تکبیر گوید.

سوم: هرگاه از رکوع بالا شد و: سمع الله لمن حمده ربنا ولك الحمد بگوید.

هنگام شروع سجده و هنگام برخاستن از آن دستان خود را بالا نمی برد.

از فوائد حدیث:

۱. یکی از حکمت های بالا بردن دست ها در نماز این است که زینت

نماز و تعظیم الله متعال است.

۲. از او صلی الله علیه وسلم ثابت شده است که ایشان در موضع

چهارم نیز دست هایش را بالا برد، چنانکه در روایت ابوحمید

الساعدی به روایت ابوداود و دیگران آمده است که هنگام ایستادن

از تشهد اول در نماز سه و چهار رکعتی رفع الیدین را انجام می داد.

۳. همچنین ثابت شده است که او صلی الله علیه وسلم دستهای خود

را در برابر گوش هایش بلند می کرد، بدون اینکه آن را لمس کند،

چنانکه در روایت مالک بن الحویرث در صحیحین آمده است:

«هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم تکبیر گفت دستانش را

بالا برد تا برابر گوش هایش قرار گیرد».

۴. تسمیع و تحمید مخصوص امام و تنها نمازگزار منفرد است، و اما

نمازگزار پشت سر امام (مقتدی) می گوید: ربنا ولك الحمد.

۵. گفتن: "رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ" بعد از رکوع از پیامبر صلی الله علیه وسلم به چهار صیغه روایت شده و این یکی از آنهاست، برای انسان بهتر است این صیغه ها را دنبال کند، یک بار این را و بار دیگر دیگری را انجام دهد.

(۳۰۹۵)

(۱۵۰) - عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۵۰) - از عبادۀ بن الصامت رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که فاتحه کتاب (سوره فاتحه) را تلاوت نکند، نماز او درست نمی شود». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان کرده‌اند که نماز درست نمی شود مگر با خواندن سوره فاتحه، زیرا خواندن سوره فاتحه در همه رکعت ها یکی از رکن های نماز است.

از فوائد حدیث:

۱. در صورت توانایی خواندن سوره فاتحه، سوره دیگری نمی تواند جایگزین آن شود.

۲. رکعتی که در آن سوره فاتحه به عمد یا از روی جهل یا فراموشی خوانده نشود باطل است؛ زیرا سوره فاتحه رکن است، و رکن ها به هیچ عنوان ساقط نمی شود.

۳. سوره فاتحه در صورتی ساقط می شود که مأموم در حالت رکوع به امام برسد.

(۵۳۷۸)

(۱۵۱) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَدَخَلَ رَجُلٌ، فَصَلَّى، فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: «ارْجِعْ فَصَلِّ، فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ»، فَارْجَعَ يُصَلِّي كَمَا صَلَّى، ثُمَّ جَاءَ، فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: «ارْجِعْ فَصَلِّ، فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ» ثَلَاثًا، فَقَالَ: وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ مَا أَحْسَنُ غَيْرُهُ، فَعَلَّمَنِي، فَقَالَ: «إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَكَبِّرْ، ثُمَّ اقْرَأْ مَا تَيَسَّرَ مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ، ثُمَّ ارْكَعْ حَتَّى تَظْمِنَ رَاكِعًا، ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَعْدِلَ قَائِمًا، ثُمَّ اسْجُدْ حَتَّى تَظْمِنَ سَاجِدًا، ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَظْمِنَ جَالِسًا، وَافْعَلْ ذَلِكَ فِي صَلَاتِكَ كُلِّهَا». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۵۱) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم وارد مسجد شد، بعد از ایشان، شخص دیگری آمد و نماز خواند و آنگاه آمد و به رسول الله صلی الله علیه وسلم سلام کرد، رسول الله صلی الله علیه وسلم به او فرمودند: «بازگرد و نماز بخوان که تو نماز نخواندی»، آن شخص برگشت و همانطور که نماز خوانده بود، نماز خواند. دوباره آمد و به رسول الله صلی الله علیه وسلم سلام کرد که رسول الله صلی الله علیه وسلم [دوباره] به او فرمودند: «بازگرد و نماز بخوان که تو نماز نخواندی»، بار سوم نیز چنین کرد، آنگاه گفت: سوگند به ذاتی که تو را به حق فرستاده است، من بهتر از این نمی دانم چگونه نماز بخوانم، به من [درست نماز خواندن را] بیاموز، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرگاه خواستی نماز بخوانی، نخست تکبیر بگو، سپس آنچه از قرآن برایت میسر است بخوان، سپس رکوع کن، در رکوع آرام بگیر و پس از

برداشتن سر از رکوع، کاملاً راست بایست و اندکی مکث کن، سرانجام سجده کن و در سجده آرام بگیر، پس از برداشتن سر از سجده، اندکی بنشین، و همین شیوه را در تمام نمازهای رعایت کن» ([۳۲]). [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد مسجد شد، و پس از او مردی وارد شد و به سرعت دو رکعت نماز خواند، و در قیام و رکوع و سجده خود اطمینان را رعایت نکرد، و پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز او را نظاره می کرد، پس نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد، در حالی که در کنار مسجد نشسته بود، سلام کرد و او صلی الله علیه وسلم پاسخ سلام را داد، و به او فرمودند: بر گرد و نماز خود را اعاده کن؛ زیرا تو نماز نه خواندی. بازگشت و همان طور که نماز خوانده بود به سرعت نماز خواند، سپس آمد و بر پیامبر صلی الله علیه وسلم سلام کرد، پس برای او فرمودند: بر گرد و نماز بخوان؛ زیرا تو نماز نه خواندی، این کار را سه مرتبه تکرار کرد، آن مرد گفت: سوگند به آن که تو را به حق فرستاد، هیچ چیز بهتر از این نیست، پس به من یاد بده؛ پس او صلی الله علیه وسلم به او گفتند: هرگاه به نماز ایستادی، تکبیر احرام بگو، بعد از آن أم القرآن (فاتحه) و هر چه که الله خواسته از قرآن بخوان، سپس رکوع کن تا خوب و مطمئن رکوع کنی به طوری که دست‌هایت را روی زانوهات بگذاری و پشتت را صاف کنی و در رکوع محکم باش، سپس بلند شو و راست بایست تا استخوان‌هایت به مفاصلشان برگردند و به حالت ایستاده برسی، بعد سجده کن تا خوب و

مطمئن سجده کنی به طوری که پیشانی و بینی ات، دستانت، زانوهایت و نوک انگشتان پایت روی زمین باشد، سپس بلند شو تا بین دو سجده مطمئن بنشینی، و این کار را در هر رکعت نمازت انجام بده.

از فوائد حدیث:

۱. این ارکان نماز هستند، که نه از طریق سهو و نه از طریق نادانی ساقط می شوند، به دلیل اینکه نمازگزار را به اعاده آن امر نمود، و پیامبر صلی الله علیه وسلم به تعلیم آن اکتفا نکرد.

۲. اطمینان رکنی از ارکان نماز است.

۳. نووی می گوید: دلالت بر این دارد که هر کس در برخی از واجبات نماز را اخلال کند، نمازش صحیح نیست.

۴. نووی می گوید: در این نرمش و ملاطفت در تعامل با دانش آموز و روشن ساختن موضوع، خلاصه کردن اهداف و اکتفا در حق او بر موارد مهم بدون موارد تکمیلی که حال و وضعیت او حفظ و انجام آن را پیاده کرده نتواند.

۵. نووی می گوید: و دلالت بر این دارد که اگر از مفتی در مورد چیزی سؤال شود و چیز دیگری باشد که سؤال کننده به آن نیاز داشته باشد اما از در مورد آن نپرسیده باشد، مستحب است که آن را به او بیان کند، و این از باب نصیحت باشد نه از سخنی که مرتبط به موضوع نباشد.

۶. فضیلت اعتراف به کوتاهی، چنانکه فرمود: "هیچ چیز بهتر از این نیست، پس به من یاد بده".

۷. ابن حجر گفت: در آن امر به معروف و نهی از منکر است، و خواست دانش آموز از عالم که به او بیاموزد.

۸. استحباب سلام هنگام روبرو شدن، و وجوب پاسخ به آن، و در صورت تکرار روبرویی مستحب است مکرراً باید سلام بگوید حتی اگر زمان روبرویی نزدیک باشد، و پاسخ دادن هر بار نیز واجب می باشد.

(۳۱۸۵)

(۱۵۲) - عن أبي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه: أنه كان يُكَبِّرُ فِي كُلِّ صَلَاةٍ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ وَغَيْرِهَا، فِي رَمَضَانَ وَغَيْرِهِ، فَيَكَبِّرُ حِينَ يَقُومُ، ثُمَّ يَكَبِّرُ حِينَ يَرْكُعُ، ثُمَّ يَقُولُ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمَدَهُ، ثُمَّ يَقُولُ: رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ، قَبْلَ أَنْ يَسْجُدَ، ثُمَّ يَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ حِينَ يَهْوِي سَاجِدًا، ثُمَّ يَكَبِّرُ حِينَ يَرْفَعُ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ، ثُمَّ يَكَبِّرُ حِينَ يَسْجُدُ، ثُمَّ يَكَبِّرُ حِينَ يَرْفَعُ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ، ثُمَّ يَكَبِّرُ حِينَ يَقُومُ مِنَ الْجُلُوسِ فِي الْإِثْنَتَيْنِ، وَيَفْعَلُ ذَلِكَ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ، حَتَّى يَفْرَغَ مِنَ الصَّلَاةِ، ثُمَّ يَقُولُ حِينَ يَنْصَرِفُ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، إِنِّي لَأَقْرُبُكُمْ شَبْهًا بِصَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، إِنْ كَانَتْ هَذِهِ لَصَلَاتُهُ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا. [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۵۲) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که: ایشان در هر نماز فرض و غیر فرض، در رمضان و غیر رمضان [در آغاز آن] تکبیر می گفت، و سپس هنگام رکوع تکبیر می گفت، سپس می گفت: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمَدَهُ، سپس پیش از رفتن به سجده می گفت: رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ، سپس هنگام رفتن به سجده تکبیر می گفت، و هنگام سر بلند کردن از سجده تکبیر می گفت،

سپس هنگام رفتن به سجده تکبیر می گفت، سپس هنگام برخاستن از سجده تکبیر می گفت، سپس هنگام برخاستن از جلوس در رکعت دوم تکبیر می گفت، و این را در هر رکعت انجام می داد تا آنکه نمازش را به پایان می رساند، سپس بعد از پایان نماز می گفت: قسم به آنکه جانم به دست اوست، نماز من شبیه تر از شما به نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم است، این نماز او بود تا آنکه از دنیا رفت. [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

ابوهریره رضی الله عنه بخشی از روش نماز پیامبر صلی الله علیه وسلم را روایت می کند، و بیان می دارد که ایشان هرگاه برای نماز برمی خواست تکبیر احرام را می گفت، سپس هنگام انتقال به رکوع و هنگام سجده، و هنگام بلند شدن از سجده، و هنگام رفتن به سجده دوم، و هنگام برخاستن از سجده، و هنگام برخاستن از دو رکعت اول پس از نشستن برای تشهد اول در نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی، تکبیر می گفت و این را در همه نمازش تا پایان آن انجام می داد، و هنگام برخاستن از رکوع سمع الله لمن حمده می گفت، و سپس هنگامی که [پس از رکوع] می ایستاد می گفت: ربنا لك الحمد.

سپس ابوهریره پس از پایان نماز فرمود: قسم به آنکه جانم به دست اوست، من در میان شما شبیه ترین نماز را به نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم دارم، زیرا همین روش نماز ایشان بود تا از دنیا رفتند.

از فوائد حدیث:

۱. در همه پائین و بالا رفتن در نماز تکبیر گفته می شود به جز برای برخاستن از رکوع که در آن «سمع الله لمن حمده» می گوید.
۲. توجه صحابه به اقتدا به پیامبر صلی الله علیه وسلم و حفظ سنت ایشان.

(۶۰، ۹۸)

(۱۵۳) - عن ابن عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أُمِرْتُ أَنْ أَسْجُدَ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظُمٍ: عَلَى الْجَبْهَةِ وَأَشَارَ بِيَدِهِ عَلَى أَنْفِهِ، وَالْيَدَيْنِ، وَالرُّكْبَتَيْنِ، وَأَطْرَافِ الْقَدَمَيْنِ، وَلَا تَكُفِّتِ الثِّيَابَ وَالشَّعْرَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۵۳) - از ابن عباس رضی الله عنهما از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «به من امر شده که بر روی هفت استخوان و پیشانی سجده کنم، و با دستشان به بینی، دودست، دوزانو و اطراف پاهایشان اشاره کردند، و اینکه لباس و موها را [در داخل نماز] جمع نکنیم». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته اند که الله متعال ایشان را امر کرده اند که در نماز بر هفت عضو از اعضای بدن سجده کند، یعنی: نخست: پیشانی، یعنی قسمت صاف صورت، بالای بینی و چشمان. و پیامبر صلی الله علیه وسلم به بینی خودشان اشاره کردند، تا بیان دارند که پیشانی و بینی یک عضو از این اعضای هفتگانه هست، با تاکید بر اینکه سجده کننده با بینی خویش زمین را لمس کند.

عضو دوم و سوم، دستان هست.

عضو چهارم و پنجم، زانوها هست.

عضو ششم و هفتم، انگشتان پاها هستند.

و امر کردند که موهایمان را در نماز نبندیم، یا در هنگام سجده لباسمان را برای محافظت از آن جمع نکنیم، بلکه آن را رها سازیم تا به زمین بیفتد و همراه با اعضا به سجده رود.

از فوائد حدیث:

۱. وجوب سجده در نماز بر هفت عضو.
۲. مکروه بودن جمع کردن لباس و مو در نماز.
۳. بر مسلمان واجب است که در نمازش آرامش داشته باشد، یعنی آنکه هفت عضو سجده را بر زمین بگذارد و بر آن آرام گیرد تا بتواند ذکر مشروع را انجام دهد.
۴. نهی از جمع کردن مو خاص به مردان است، زیرا زن در نماز امر به پوشاندن خود شده است.

(۱۰۹۲۵)

(۱۵۴) - عَنْ أَبِي أُمَامَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي عَمْرُو بْنُ عَبْسَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الرَّبُّ مِنَ الْعَبْدِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْآخِرِ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَذْكُرُ اللَّهَ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ فَكُنْ». [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي والنسائي]

(۱۵۴) - از ابو امامه رضی الله عنه روایت است که فرمود عمرو بن عبسه رضی الله عنه به من گفتند که از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمودند: «نزدیک ترین زمانی که پروردگار به بنده اش نزدیک می باشد در

نیمه‌ی شب است، پس اگر می‌توانی در آن ساعت از یاد کنندگان الله

باشی پس باش». [صحیح] - [ابو داود و ترمذی و نسایی روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهند که: پروردگار سبحانه و تعالی در سوم حصه آخر شب به بنده نزدیکتر می باشد؛ اگر توفیق یافتی و توانستی. ای مؤمن. در این وقت از عبادت کننده گان و نمازگزاران و ذکر کنندگان و توبه کنندگان باشی، باید آن را غنیمت شمرده و در آن تلاش کنی.

از فوائد حدیث:

۱. تشویق مسلمان به ذکر در آخر شب.
۲. برتریت در میان اوقات برای ذکر و دعا و نماز.
۳. میرک گفت: در فرق بین قول او: "قرب ترین حالت پروردگار با بنده اش" با قول او: "قرب ترین حالت که بنده به پروردگار می باشد حالتی است که او در سجده باشد": مقصود در اینجا بیان کردن زمانی است که در آن وقت پروردگار در نزدیکترین حالت به بنده می باشد که همانا نیمه شب است، اما مقصود در آنجا تقرب حالت بنده از پروردگار است که همانا حالت سجده است.

(۱۵۵) - عن جرير بن عبد الله رضي الله عنه قال: كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَتَنَظَرَ إِلَى الْقَمَرِ لَيْلَةً - يَعْنِي الْبَدْرَ - فَقَالَ: «إِنَّكُمْ سَتَرَوْنَ رَبَّكُمْ كَمَا تَرَوْنَ هَذَا الْقَمَرَ، لَا تُضَامُونَ فِي رُؤْيَيْهِ، فَإِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ لَا تُغْلَبُوا عَلَى صَلَاةٍ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا فَافْعَلُوا» ثُمَّ قَرَأَ: «وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ» [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۵۵) - از جریر بن عبد الله رضی الله عنه روایت است که گفت: ما نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم بودیم، ایشان به سوی ماه قرص کامل نگریستند، و فرمودند: «همانا شما پروردگارتان را خواهید دید، همانند اینکه این ماه را می بینید، و برای دیدن آن دچار سختی و مشقت نمی شوید، پس اگر توانستید نماز قبل از طلوع آفتاب، و نماز قبل از غروب آفتاب را با کاملترین شکل بخوانید»، سپس این آیه را خواندند: {وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ} (و پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب به ستایش پروردگارت تسبیح گوی) [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

صحابه شبی با پیامبر صلی الله علیه و سلم بودند، پس به ماه شب چهاردهم نگریست و فرمودند: مؤمنان پروردگار خود را حقیقتاً، به چشم سر، بدون آنکه دچار خطا شوند می بینند، و آنان هنگام دیدن او تعالی ازدحام نمی کنند و دچار مشقت نمی شوند، سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: اگر توانستید اسبابی را که شما را از نماز صبح و نماز عصر

بازمی دارد از بین ببرید، چنین کنید و آن دو نماز را به طور کامل در وقتشان به همراه جماعت ادا کنید، زیرا این از اسباب نظر به چهره الله عزوجل است، سپس ایشان صلی الله علیه وسلم این آیه را قرائت کردند: {وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ} (و پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب به ستایش پروردگارت تسبیح گوی)

از فوائد حدیث:

۱. بشارت به اهل ایمان که الله تعالی را در بهشت خواهند دید.
۲. از روش های دعوت، تاکید و ترغیب و آوردن مثال است.

(۵۶۷)

(۱۵۶) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَرَأَ فِي رُكْعَتَيِ الْفَجْرِ: {قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ}، {وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ}. [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۵۶) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم در دو رکعت سنت صبح {قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ} و {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} را می خواندند. [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم در دو رکعت نماز سنت صبح پس سورة فاتحه، در رکعت اول سورة ی کافرون {قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ} و در رکعت دوم سورة ی اخلاص {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} را می خواندند.

از فوائد حدیث:

۱. استحباب خواندن این دو سوره پس از خواندن سوره فاتحه در نماز سنت صبح.

۲. به این دو سوره، سوره اخلاص گفته می شود؛ زیرا در سوره کافرون بی زاری از همه آنچه که مشرکان بدون الله متعال آنها را پرستش می کردند، و اینکه آنها نیز نمازگزاران الله متعال نیستند، و آنها عبادت کننده گان الله متعال نیستند؛ زیرا شرک ورزی آنها اعمال شان را باطل می کند، و الله متعال تنها شایسته عبادت است، و چون در سوره اخلاص توحید و اخلاص برای الله متعال و بیان صفات او می باشد.

(۱۱۶۶)

(۱۵۷) - عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ صَلَّى الْبُرْدَيْنِ دَخَلَ الْجَنَّةَ» [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۵۷) - از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرکس نماز صبح و عصر را بخواند، وارد بهشت می شود». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم به کوشا بودن در خواندن نماز (البردین) که همانا نماز صبح و عصر است سفارش نمود، و مژده داد هر که آنها را با رعایت حقوقش از لحاظ وقت و جماعت و چیزهای دیگر ادا نماید سبب ورود او به بهشت می شود.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت پابندی به نماز صبح و عصر؛ زیرا صبح زمان خواب لذیذ است، و عصر زمانیست که انسان به کار خود مشغول می باشد، پس هر که پابند آن دو نماز باشد بطریقهٔ اولی پابند بقیه نمازها می باشد.

۲. نماز صبح و عصر را (البردین) می نامند؛ زیرا نماز صبح خنکی شب را دارد، و نماز عصر خنکی روز را دارد اگر چه در وقت گرما باشد، باوجود اینکه از وقت قبلی خفیف تر می باشد، و یا این که وجه نامگذاری آن از باب تغلیب باشد، چنانچه گفته می شود: (القمران للشمس والقمر) دو ماه برای خورشید و ماه است.

(۵۱۹۸)

(۱۵۸) - عن جُنْدَب بن عبد الله الْقَسْرِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ صَلَّى صَلَاةَ الصُّبْحِ فَهُوَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ، فَلَا يَطْلُبُكَ اللَّهُ مِنْ ذِمَّتِهِ بِشَيْءٍ، فَإِنَّهُ مَنْ يَطْلُبُهُ مِنْ ذِمَّتِهِ بِشَيْءٍ يُدْرِكُهُ، ثُمَّ يَكْبَهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۵۸) - از جندب بن عبد الله القسری رضی الله عنه روایت است گفت که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که نماز فجر را ادا نماید در پناه و حمایت الله است، پس الله متعال درباره ی عهد و پیمان خویش چیزی را از شما مطالبه نکند؛ زیرا هر کس در این باره از سوی الله مؤاخذه شود، راه فرار ندارد و سپس الله متعال او را بر رویش در آتش دوزخ می اندازد» [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و سلم خبر می دهد که هر کسی نماز فجر را بخواند در امان و حفظ و حراست الله متعال است، و از او حمایت می کند، و او را یاری می کند.

سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم در باره شکستن این عهد هشدار داد که (شکستن این پیمان) یا با ترک نماز صبح، و یا با هجوم بر نماز خوانان و یا تجاوز به آنان می باشد، پس هر کسی که این عمل را انجام داد، این رابطه تعهد را به هم زد و مستحق عذاب شدید شد، و الله متعال از او در مورد اهمال کردن حقش سؤال می کند، و اگر الله متعال به دنبال او برود او را می گیرد، و بر روی اش در آتش دوزخ می اندازد.

از فوائد حدیث:

۱. بیان کردن اهمیت نماز صبح و فضیلت آن.
۲. هشدار شدید برای کسی است که نمازگزار صبح را اذیت کند.
۳. انتقام الله متعال از کسانی که بندگان نیکو کارانش را آزار و اذیت می کند.

(۵۴۳۵)

(۱۵۹) - عن بريدة بن الحصيب رضي الله عنه أنه قال: بَكَّرُوا بِصَلَاةِ الْعَصْرِ، فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ تَرَكَ صَلَاةَ الْعَصْرِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۱۵۹) - از بریده بن الحصیب رضی الله عنه روایت است که فرمود: نماز عصر را وقت تر بخوانید، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: « هر کسی نماز عصر را ترک کند، عملش باطل است. [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از به تأخیر انداختن عمدی نماز عصر از وقت آن برحذر داشت و هر کسی این کار را انجام دهد عمل وی فاسد، باطل و بی ثواب است.

از فوائد حدیث:

۱. اصرار بر اقامه نماز عصر در اول وقت و عجله در اقامه آن.
۲. هشدار سخت برای کسی که نماز عصر را ترک نموده، و این که قضاء شدن نماز عصر بزرگتر و شدیدتر است نسبت به نمازهای دیگری، چون این نماز وسطی است که الله متعال به آن امر نموده است، الله متعال می فرماید: (حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى) [البقرة: ۲۳۸]. (بر نمازها و (به ویژه) نماز عصر، پای بند باشید).

(۶۶۶)

(۱۶۰) - عن أنس بن مالك رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ نَسِيَ صَلَاةً فَلْيُصَلِّ إِذَا ذَكَرَهَا، لَا كَفَّارَةَ لَهَا إِلَّا ذَلِكَ: {وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي} [طه: ۱۴]». [صحیح] - [متفق علیه]

(۱۶۰) - از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که نمازی را فراموش کرد، هرگاه به یادش آورد ادایش کند، و [این کارش] کفاره‌ای جز این ندارد: {وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي} [طه: ۱۴] (و برای یاد من نماز برپا دار)». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته که هرکس نماز فرضی را فراموش کرد تا آنکه وقتش خارج شد باید به محض یادآوری فوراً قضای آن را بیاورد، زیرا گناه ترک آن پاک کننده و پوشاننده‌ای ندارد، جز آنکه مسلمان به هنگام یادآوری اش آن را ادا کند. الله متعال در کتابش می‌فرماید: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ [طه: ۱۴]. یعنی: و نماز را برای یاد من برپا دار (نماز فراموش شده را هرگاه به یادش آوردی بخوان).

از فوائد حدیث:

۱. بیان اهمیت نماز و عدم سهل انگاری در ادا و قضای آن.
۲. به تاخیر انداختن نماز از وقت آن به عمد و بدون عذر جایز نیست.
۳. وجوب قضای نماز بر کسی که فراموش کرده به محض یادآوری، و برای کسی که از خواب رفته به محض بیدار شدن.
۴. وجوب قضای فوری نمازها حتی اگر در اوقات نهی باشد.

(۶۵۰۸۸)

(۱۶۱) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ أَثْقَلَ صَلَاةٍ عَلَى الْمُنَافِقِينَ صَلَاةُ الْعِشَاءِ وَصَلَاةُ الْفَجْرِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِيهِمَا لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبَوًّا، وَلَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أُمَرَ بِالصَّلَاةِ فَتُقَامَ، ثُمَّ أُمِرَ رَجُلًا فَيُصَلِّيَ بِالنَّاسِ، ثُمَّ أَنْتَلِقَ مَعِيَ بَرَجَالٍ مَعَهُمْ حُزْمٌ مِنْ حَطَبٍ إِلَى قَوْمٍ لَا يَشْهَدُونَ الصَّلَاةَ، فَأَحَرَّقَ عَلَيْهِمْ بُيُوتَهُمْ بِالنَّارِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۶۱) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است گفت که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «سنگین ترین نماز برای منافقان نماز خفتن و نماز صبح است،

و اگر می دانستند در این دو [نماز چه پاداشی] هست، حتی به صورت خزیده برای ادای آنها به مسجد می آمدند، و به تأکید خواستم امر کنم تا نماز برپا شود، سپس به یکی از مردان امر کنم برای مردم نماز بخواند، سپس همراه با مردانی که بسته هایی از هیزم به همراه دارند، به سوی اقوامی بروم که برای نماز جماعت حاضر نمی شوند، تا خانه هایشان را با آتش بسوزانم». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم در باره منافقان و تنبلی آنان از حضور در نماز به ویژه نماز خفتن و صبح خبر داده اند، و اینکه اگر میزان اجر و ثوابی که حضور در این نمازها همراه با جماعت مسلمانان است را می دانستند حتی مانند کودکان سینه خیز بر دست و زانو در این نمازها حاضر می شدند. پیامبر صلی الله علیه وسلم عزم نمود تا امر کند که نماز را برپا کنند، و مردی را به عنوان پیش نماز به جای خود بگذارد، و سپس خود با کسانی با دسته هایی هیزم به سوی مردانی بروند که در جماعت حاضر نمی شوند، و خانه هایشان را با آتش بسوزانند؛ و این به سبب شدت گناهی بود که مرتکب می شدند، اما ایشان چنین نکردند، زیرا در این خانه ها زنان و کودکان بی گناه و دیگر کسانی هستند که عذر دارند و گناهی ندارند.

از فوائد حدیث:

۱. خطر تخلف از نماز جماعت در مسجد و حضور نیافتن در آن.
۲. منافقان در انجام عبادت های شان مقصودی غیر از ریاکاری و شهرت نداشتند؛ زیرا آنان برای نماز نمی آیند مگر هنگامی که مردم آنان را ببینند.

۳. بزرگی ثواب ادای نمازهای خفتن و صبح همراه با جماعت، و اینکه آنها سزاوارتر به اداء کردن با جماعت هستند، اگر چه با خریدن به سوی آنها باشد.
۴. محافظت بر نمازهای خفتن و صبح باعث در امان ماندن از نفاق است، و تخلف از این دو نماز از صفات منافقان است.

(۳۳۶۶)

(۱۶۲) - عَنِ ابْنِ أَبِي أَوْفَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا رَفَعَ ظَهْرَهُ مِنَ الرُّكُوعِ قَالَ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، مِلءَ السَّمَاوَاتِ وَمِلءَ الْأَرْضِ وَمِلءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۶۲) - از ابن ابی آوفی رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه از رکوع برمی خاست می فرمودند: «الله شنید آنکه را حمدش گفت، بار الها و پروردگارا، حمد از آن توست، به مملوء بودن آسمان ها، و به مملوء بودن زمین، و به مملوء بودن هر آنچه تو پس از آن بخواهی». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم هر گاه از رکوع در نماز بلند می شد می فرمودند: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» یعنی: آنکه حمد الله تعالی را به جای آورد الله نیز او را استجاب می کند، و ستایش او را می پذیرد، و برایش اجر می دهد، سپس حمد الله را اینگونه به جا می آورد که: " ای الله! پروردگار ما، حمد و ستایش تو را است، حمدی که آسمان ها و زمین و ما بین آنها را مملوء می کند و هر چیزی را که الله بخواهد مملوء می کند".

از فوائد حدیث:

۱. بیان آنچه مستحب است نمازگزار پس از بلند کردن سرش از رکوع بگوید.
۲. مشروع بودن اعتدال (کامل ایستادن) و آرامش پس از برخاستن از رکوع؛ در صورتی می تواند این ذکر را بگوید که کامل ایستاده باشد و آرام گیرد.
۳. این ذکر در همه نمازهای فرض یا نفل مشروع است.

(۶۱۰۱)

(۱۶۳) - عَنْ حُذَيْفَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ: «رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي». [صحيح] - [رواه أبو داود والنسائي وابن ماجه وأحمد]

(۱۶۳) - از حذیفه رضی الله عنه روایت است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم در بین دو سجده می فرمودند: "پروردگارا، مرا ببخش، پروردگارا، مرا ببخش". [صحيح] - [ابو داود و نسایی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگام نشستن بین دو سجده می فرمودند: «رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي» و آن را تکرار می کرد.
معنای رَبِّ اغْفِرْ لِي، درخواست بنده از پروردگارش است که گناهانش را پاک کند و عیبهایش را بپوشاند.

از فوائد حدیث:

۱. مشروعیت این دعا بین دو سجده در نماز فرض و نفل.
۲. مستحب بودن تکرار رب اغفر لی، و یک بار گفتن آن واجب است.

(۶۱۰۴)

(۱۶۴) - عن ابن عباس رضي الله عنهما: كان النبي صلى الله عليه وسلم يقول بين السجدين: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وارْحَمْنِي، وعافني، واهْدِنِي، وارزُقْنِي». [حسن بشواهد] - [رواه أبو داود والترمذي وابن ماجه وأحمد]

(۱۶۴) - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بین دو سجده این دعا را می خواند: «یا الله مرا ببخش و پیامرز و شفا بده و راهنماییم کن و روزی ام ده». [حسن است با شواهدش] - [ابو داود و ترمذی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در بین دو سجده با این دعاهاى پنج گانه اى که یک مسلمان به آن نیاز مبرم دارد و شامل خیر دنیا و آخرت است دعاء می کرد؛ از جمله استغفار، وستر گناهان و گذشت از آنها، رحمت، و سلامتی از شکوک، شهوات، امراض، و خواستن هدایت از الله متعال به سوى حق، و استقامت بر آن و خواستن رزق و روزی از ایمان و علم و عمل نیک و از مال حلال و پاکیزه می باشد.

از فوائد حدیث:

۱. مشروعیت این دعاء در نشست که بین دو سجده می باشد.
۲. فضیلت این دعاها برای آنچه از خیر دنیا و آخرت دارد.

(١٦٥) - عَنْ حِطَّانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الرَّقَاشِيِّ قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ صَلَاةً، فَلَمَّا كَانَ عِنْدَ الْقُعْدَةِ قَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: أُقِرَّتِ الصَّلَاةُ بِالْبِرِّ وَالزَّكَاةِ، قَالَ: فَلَمَّا قَضَى أَبُو مُوسَى الصَّلَاةَ وَسَلَّمْ أَنْصَرَفَ فَقَالَ: أَيُّكُمْ الْقَائِلُ كَلِمَةً كَذَا وَكَذَا؟ قَالَ: فَأَرَمَ الْقَوْمُ، ثُمَّ قَالَ: أَيُّكُمْ الْقَائِلُ كَلِمَةً كَذَا وَكَذَا؟ فَأَرَمَ الْقَوْمُ، فَقَالَ: لَعَلَّكَ يَا حِطَّانُ قُلْتَهَا؟ قَالَ: مَا قُلْتُهَا، وَلَقَدْ رَهَبْتُ أَنْ تَبْكَعَنِي بِهَا، فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: أَنَا قُلْتُهَا، وَلَمْ أَرُدْ بِهَا إِلَّا الْحَذِيرَ، فَقَالَ أَبُو مُوسَى: أَمَا تَعْلَمُونَ كَيْفَ تَقُولُونَ فِي صَلَاتِكُمْ؟ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَطَبَنَا فَبَيَّنَ لَنَا سُنَّتَنَا وَعَلَّمَنَا صَلَاتَنَا، فَقَالَ: «إِذَا صَلَّيْتُمْ فَأَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ، ثُمَّ لِيُؤْمَمْكُمْ أَحَدُكُمْ فَإِذَا كَبَّرَ فَكَبِّرُوا، وَإِذَا قَالَ: {غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ} [الفاحة: ٧]، فَقُولُوا: آمِينَ، يُجِيبُكُمْ اللَّهُ، فَإِذَا كَبَّرَ وَرَكَعَ فَكَبِّرُوا وَارْكَعُوا، فَإِنَّ الْإِمَامَ يَرْكَعُ قَبْلَكُمْ، وَيَرْفَعُ قَبْلَكُمْ»، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «فَتِلْكَ بَيْتُكَ، وَإِذَا قَالَ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، فَقُولُوا: اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، يَسْمَعُ اللَّهُ لَكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَالَ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، وَإِذَا كَبَّرَ وَسَجَدَ فَكَبِّرُوا وَاسْجُدُوا، فَإِنَّ الْإِمَامَ يَسْجُدُ قَبْلَكُمْ وَيَرْفَعُ قَبْلَكُمْ»، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «فَتِلْكَ بَيْتُكَ، وَإِذَا كَانَ عِنْدَ الْقُعْدَةِ فَلْيَكُنْ مِنْ أَوَّلِ قَوْلِ أَحَدِكُمْ: التَّحِيَّاتُ الطَّيِّبَاتُ الصَّلَوَاتُ لِلَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(١٦٥) - از حِطَّان بن عبد الله رقاشی روایت است که گفت: با ابوموسی اشعری نمازی را ادا کردم پس همین که در نشستن نماز بودیم مردی از

میان جمع گفت: نماز [در قرآن] همراه با نیکوکاری و زکات آمده است. راوی می گوید: وقتی ابوموسی [که امام بود] نماز را به پایان رساند و سلام گفت، برگشت و گفت: چه کسی این سخن را گفت؟ کسی چیزی نگفت، سپس [دوباره] پرسید: کدام یک از شما این سخن را گفت؟ مردم ساکت ماندند. پس گفت: ای حِطَّان، نکند تو آن را گفتی؟ گفت: من آن را نگفتم و ترسیدم که مرا [به آن متهم و] توییخم کنی. پس مردی از میان جمع گفت: من آن را گفتم و قصدی جز خیر نداشتم. ابوموسی گفت: مگر نمی دانید که در نمازتان چه بگویید؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم برای ما خطبه گفت و سنت ما را برای ما بیان نمود و نمازمان را به ما آموزش داد و فرمودند: «چون خواستید نماز بگذارید صف های خود را [به نیکی] برپا دارید و سپس یکی از شما امامت شما را بر عهده گیرد و چون تکبیر گوید، تکبیر گوید، و چون گفت: {غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ}، آمین گوید تا الله شما را اجابت کند، و چون تکبیر گفت و به رکوع رفت، تکبیر گوید و به رکوع روید زیرا امام پیش از شما به رکوع می رود و پیش از شما از رکوع برمی خیزد» آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «این در برابر آن، و چون سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمَدَهُ گفت، بگویید: اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، الله صدای شما را می شنود، زیرا الله بر زبان پیامبرش صلی الله علیه وسلم فرموده است: سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمَدَهُ (الله شنید آنکه حمدش را گفت) و چون تکبیر گفت و به سجده رفت، تکبیر بگوید و به سجده بروید، زیرا امام قبل از شما به سجده می رود و قبل از شما [از سجده] برمی خیزد» آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «پس این

در برابر آن، و چون در نشستن نماز [برای تشهد] بود، نخستین سخن یکی از شما این باشد که: التَّحِيَّاتُ الطَّيِّبَاتُ الصَّلَوَاتُ لِلَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

یعنی: مُلک و بقا و عظمت همه‌اش شایسته الله است، و همینطور نمازهای پنجگانه همه‌اش شایسته الله است. از الله تعالی سلامت از هر عیب و آفت و نقص و فساد را خواهانم و سلام خاص را متوجه پیامبران محمد صلی الله علیه وسلم می‌کنیم و سپس بر خودمان سلام می‌فرستیم و سپس بر بندگان نیکوکار الله که حقوق الله تعالی و حقوق بندگان را انجام می‌دهند، سپس گواهی می‌دهیم که معبودی نیست جز الله و گواهی می‌دهیم که محمد، بنده و پیامبر اوست. [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

صحابی گرامی، ابوموسی اشعری رضی الله عنه نمازی را برای مردم امامت کرد، پس چون در قعه (نشستی) بود که تشهد در آن خوانده می‌شود مردی از نمازگزارانی که پشت سرش بودند گفت: نماز در قرآن همراه با نیکوکاری و زکات آمده است. پس چون ابوموسی رضی الله عنه نماز را به پایان رساند رو به نمازگزاران کرد و پرسید: کدام یک از شما گوینده این سخن بود که: نماز در قرآن همراه با نیکوکاری و نماز آمده است؟! مردم ساکت ماندند و کسی از آنان چیزی نگفت، بنابراین سؤالش را دوباره تکرار کرد، و چون کسی پاسخ را نداد گفت: ای حِطَّان شاید تو آن را گفته‌ای؟! زیرا حِطَّان جسور بود، و به او نزدیک بود و متهم کردن او به وی آزار نمی‌رساند، و این

کار باعث می شد فاعل واقعی اعتراف کند. حِطَّان این اتهام را نفی کرد و گفت: ترسیدم که به گمان آنکه من آن را گفته‌ام مرا تویخ کنی، اینجا بود که مردی از میان جمع گفت: من آن را گفته‌ام و قصدی جز خیر نداشتم. ابوموسی در مقام معلم گفت: آیا نمی‌دانید در نمازتان چه بگویید؟! و این به عنوان استنکار از سوی او بود، سپس ابو موسی بیان کرد که پیامبر صلی الله علیه وسلم یک بار برای آنان خطبه خواند و شریعتشان را برایشان بیان کرد، و نمازشان را به آنان آموزش داد، پس فرمودند: هرگاه نماز خواندید صف‌هایتان را استوار دارید، و در آن راست و به اعتدال بایستدید، سپس یکی از شما امامت شما را بر عهده گیرد، و چون امام تکبیر احرام گفت مانند او تکبیر گوید، و هرگاه سورۀ فاتحه را خواند و به {غیر المغضوب علیهم ولا الضالین} رسید آمین بگوید؛ که اگر چنین کنید الله دعای شما را استجابت کند، و چون تکبیر گفت و به رکوع رفت تکبیر بگوید و به رکوع بروید، زیرا امام قبل از شما به رکوع می‌رود و قبل از شما از رکوع برمی‌خیزد، پس از او جلو نروید زیرا آن لحظه‌ای که امام با زودتر رفتن به رکوع از شما زودتر به دست آورده با تاخیر شما [و ماندن] در رکوع پس از بلند شدن او برایتان جبران می‌شود، پس آن لحظه در برابر این لحظه، و در نتیجه اندازه رکوع شما همانند رکوع او شده، و چون امام سمع الله لمن حمده گفت بگوید: اللهم ربنا لك الحمد، زیرا هرگاه نمازگزاران این را بگویند الله متعال دعایشان و سخنشان را می‌شنود، زیرا الله تبارک و تعالی بر زبان پیامبرش صلی الله علیه وسلم فرموده است: سمع الله لمن حمده (الله شنید آنکه حمد او را گفت)، سپس هرگاه امام تکبیر گفت و به سجده رفت مقتدیان هم باید تکبیر بگویند و به سجده روند، زیرا امام

پیش از آنان به سجده می‌رود و پیش از آنان از سجده برمی‌خیزد، پس آن لحظه در برابر آن لحظه است، و سجده نمازگزاران به اندازه سجده امام می‌شود، و هرگاه وقت نشستن برای تشهد بود نخستین چیزی که نمازگزار می‌گوید باید این باشد که: «التحيات الطيبات الصلوات لله» یعنی: مُلک و بقا و عظمت همه‌اش شایسته الله است، و همین‌طور نمازهای پنجگانه همه‌اش شایسته الله است. «السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته، السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين» یعنی: از الله تعالی سلامت از هر عیب و آفت و نقص و فساد را خواهیم و سلام خاص را متوجه پیامبرمان محمد صلی الله علیه وسلم می‌کنیم و سپس بر خودمان سلام می‌فرستیم و سپس بر بندگان نیکوکار الله که حقوق الله تعالی و حقوق بندگان را انجام می‌دهند، سپس گواهی می‌دهیم که معبودی نیست جز الله، و گواهی می‌دهیم که محمد بنده و پیامبر اوست.

از فوائد حدیث:

۱. بیان یکی از صیغه‌های تشهد.
۲. افعال و اقوال نماز باید از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده باشد، بنابراین برای کسی شایسته نیست که در آن قولی یا فعلی را از خود بسازد که در سنت ثابت نشده باشد.
۳. عدم جواز پیشی گرفتن از امام یا بسیار عقب افتادن از او، مشروع برای نمازگزار آن است که در افعال امام، پیرو او باشد (اندکی پس از امام افعال نماز را انجام دهد).
۴. یاد کردن از توجه و اهتمام پیامبر صلی الله علیه وسلم به تبلیغ دین و آموزش احکام دین به امت ایشان.

۵. امام قدوة نمازگزار است، بنابراین شایسته نیست که در کارهای امام از او پیشی کند، یا دقیقاً همراه او انجامش دهد، یا خیلی از او عقب بیفتد، بلکه باید آغاز متابعت او پس از اطمینان از این باشد که امام وارد فعلی شده که قرار است انجامش دهد، و سنت آن است که از امام پیروی کند.

۶. مشروع بودن برپا داشتن صف‌ها در نماز.

(۶۵۰۹۷)

(۱۶۶) - عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَكَفَى بَيْنَ كَفَيْهِ، التَّشَهُّدَ، كَمَا يُعَلِّمُنِي السُّورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ: «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

وفي لفظ لهما: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، فَإِذَا قَعَدَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَلْيَقُلْ: التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، فَإِذَا قَالَهَا أَصَابَتْ كُلَّ عَبْدٍ لِلَّهِ صَالِحٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، ثُمَّ يَتَخَيَّرُ مِنَ الْمَسْأَلَةِ مَا شَاءَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۶۶) - از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه و سلم در حالی که کف دستم بین دو کف دستانش بود، آنچنان به من تشهد آموخت که سوره‌ای از قرآن می‌آموخت. [به این ترتیب: «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. و در روایتی آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، فَإِذَا قَعَدَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَلْيَقُلْ: التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، فَإِذَا قَالَهَا أَصَابَتْ كُلَّ عَبْدٍ لِلَّهِ صَالِحٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، ثُمَّ يَتَخَيَّرُ مِنَ الْمَسْأَلَةِ مَا شَاءَ» یعنی: «همانا الله خود سلام است [بنابراین نگویید سلام بر الله] هرگاه کسی برای خواندن تحیات در نمازش نشست، باید چنین بگوید: التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، که اگر چنین گوید، در واقع [سلامش] به هر بنده صالحی که در آسمان و زمین است و شهادت داده که معبودی جز الله نیست و محمد بنده و فرستاده اوست، رسیده است، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، یعنی: شهادت می دهم که معبودی جز الله نیست و شهادت می دهم که محمد بنده و فرستاده اوست. سپس هر درخواستی که دارد برگزیند [و در دعای پس از تشهد بگوید]». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم تشهد می گوید که در نماز گفته می شود را به ابن مسعود یاد داد، در حالی که دست او در دستانش بود تا آنکه توجه ابن مسعود به او باشد، همانگونه که سوره ای از قرآن را به او یاد می داد و این نشان دهنده توجه پیامبر صلی الله علیه وسلم و اهتمام او به تشهد از نظر لفظ و معنا بود.

ایشان فرمودند: «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ»: تحیات یعنی هر سخن یا گفتاری که دال بر بزرگداشت باشد؛ همه این بزرگداشت‌ها شایسته الله عزوجل است. «الصَّلَوَاتُ»: همان نماز معروف است که فرض و نفل آن برای الله تعالی است. «الطَّيِّبَاتُ»: گفتارها و کردارها و اوصاف پاکی است که دال بر کمال است؛ همه اینها شایسته الله تعالی است. «السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»: این دعایی است برای ایشان برای سلامت از هر آفت و امر ناپسند و افزونی از هر خیر. «السَّلامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»: دعایی است برای سلامت نمازگزار و هر بنده نیکوکاری در آسمان و زمین. «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»: یعنی به قطع اقرار می‌کنم که معبودی به حق نیست جز الله. «وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»: به بندگی ایشان و اینکه آخرین پیامبر هستند معترفم. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم نمازگزار را تشویق نموده‌اند که از میان دعاها هر آنچه می‌خواهد برگزیند.

از فوائد حدیث:

۱. محل این تشهد، نشستن پس از آخرین سجده در هر نمازی و پس از رکعت دوم در نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی است.
۲. واجب بودن گفتن تحیات در تشهد، و جایز است که با هر لفظی از الفاظ تشهد که از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده تشهد گوید.
۳. جایز بودن گفتن هر دعایی که دوست دارد در نماز، تا وقتی که گناه نباشد.
۴. مستحب بودن آغاز کردن از خود در دعا.

(۱۶۷) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَدْعُو وَيَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ عَذَابِ النَّارِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ». وَفِي لَفْظٍ لِمُسْلِمٍ: «إِذَا فَرَعَ أَحَدُكُمْ مِنَ التَّشَهُّدِ الْآخِرِ، فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ أَرْبَعٍ: مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ شَرِّ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۶۷) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم دعا می کرد و می فرمودند: «یا الله من از عذاب قبر، و از عذاب دوزخ، و از فتنه زندگی و مرگ، و از فتنه مسیح دجال به تو پناه می برم» و در لفظی نزد مسلم آمده است: «هرگاه یکی از شما تشهد را به پایان رساند از چهار چیز به الله پناه ببرد: از عذاب جهنم و از عذاب قبر و از فتنه زندگی و مرگ و از شر مسیح دجال». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم پس از تشهد پایانی و پیش از سلام در نماز از چهار چیز به الله پناه می برد، و ما را امر کرده تا از آنها به الله پناه ببریم: نخست: از عذاب قبر.

دوم: از عذاب آتش و آن در روز قیامت است.

سوم: از فتنه زندگی از جمله شهوت های حرام دنیا، و شبهات گمراه کننده، آن و از فتنه مرگ یعنی لحظه احتضار، و از جمله آن منحرف شدن از اسلام یا از سنت یا از فتنه قبر مانند سؤال دو فرشته.

چهارم: فتنه مسیح دجال که در آخر الزمان ظهور می کند، و الله متعال بندگان را با او می آزماید، و به دلیل بزرگی فتنه و گمراه گری او به طور ویژه از او نام برده شده است.

از فوائد حدیث:

۱. این استعاذه از دعا‌های مهم و جامع است، زیرا پناه بردن از شرور دنیا و آخرت را در بر دارد.
۲. ثبوت عذاب قبر و اینکه عذاب قبر حق است.
۳. خطر فتنه و اهمیت یاری جستن از الله تعالی و دعا برای نجات از آن.
۴. اثبات خروج دجال و بزرگی فتنه او.
۵. استحباب این دعا در پی تشهد اخیر.
۶. مستحب بودن دعا پس از کار نیک.

(۳۱۰۳)

(۱۶۸) - عَنْ مَعْدَانَ بْنِ أَبِي طَلْحَةَ الْيَعْمَرِيِّ قَالَ: لَقِيتُ ثَوْبَانَ مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقُلْتُ: أَخْبِرْنِي بِعَمَلٍ أَعْمَلُهُ يُدْخِلُنِي اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ؟ أَوْ قَالَ قُلْتُ: بِأَحَبِّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ، فَسَكَتَ. ثُمَّ سَأَلْتُهُ فَسَكَتَ. ثُمَّ سَأَلْتُهُ فَقَالَ: سَأَلْتُ عَنْ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: «عَلَيْكَ بِكَثْرَةِ السُّجُودِ لِلَّهِ، فَإِنَّكَ لَا تَسْجُدُ لِلَّهِ سَجْدَةً، إِلَّا رَفَعَكَ اللَّهُ بِهَا دَرَجَةً، وَحَظَّ عَنْكَ بِهَا خَطِيئَةٌ». قَالَ مَعْدَانُ: ثُمَّ لَقِيتُ أَبَا الدَّرْدَاءِ فَسَأَلْتُهُ فَقَالَ لِي: مِثْلَ مَا قَالَ لِي: ثَوْبَانُ. [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۶۸) - از معدان بن ابی طلحه الیعمری روایت است که می گوید: با ثوبان غلام رسول الله صلی الله علیه وسلم ملاقات کردم و گفتم: از کاری برایم بگو که الله متعال توسط آن مرا وارد بهشت کند؟ و یا گفت که گفتم:

به محبوب ترین اعمال نزد الله متعال، پس او سکوت کرد. سپس از او پرسیدم و او سکوت کرد، سپس برای بار سوم از او پرسیدم، گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم در این باره پرسیدم، ایشان فرمودند: «تو باید برای الله متعال زیاد سجده کنی، چون تو برای الله یک سجده نمی کنی، مگر این که او یک درجه تو را بالا برده، و یک گناه را از تو دور می کند» معدان گفت: سپس ابو درداء را ملاقات کردم و از او پرسیدم، به من گفت: همان گونه که ثوبان برایم گفته بود. [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

از پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد عملی که سبب ورود به بهشت می شود پرسیده شد، و یا از محبوب ترین اعمال نزد الله متعال؟ پس او صلی الله علیه وسلم به سؤال کننده فرمودند: پابند سجده ها در نماز باش، زیرا هر گاه برای الله متعال یک سجده نمودی او به سبب آن درجه ای تو را بالا می برد، و به سبب آن یک گناه تو را می آمرزد.

از فوائد حدیث:

۱. تشویق مسلمان به کوشا بودن در نماز فرض و نفلی، زیرا دربرگیرنده سجده ها می باشد.
۲. بیان نمودن فقاہت صحابه و آگاهی آنان به اینکه بهشت - پس از رحمت الهی - جز به عمل به دست نمی آید.
۳. سجده ها در نماز یکی از بزرگترین اسباب بالا بردن درجه ها و بخشش گناهان است.

(۱۶۹) - عن عائشة رضي الله عنها قالت: إني سمعتُ رسولَ الله صلى الله عليه وسلم يقول: «لَا صَلَاةَ بِحَضْرَةِ الطَّعَامِ، وَلَا هُوَ يُدْفَعُ الْأَخْبَانِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۶۹) - از عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمودند: «در حضور غذا، و برای کسی که جلوی خروج ادرار و مدفوع را گرفته، نماز نیست». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم از نماز در حضور غذایی که بدان میل دارد و دلش به آن معلق است نهی کردند.

و همچنین از نماز همراه با فشار دو ناپاکی - یعنی ادرار و مدفوع - نهی کردند، زیرا در این حالت مشغول به پس زدن این دو است.

از فوائد حدیث:

۱. برای مسلمان شایسته است که پیش از وارد شدن به نماز، هر چیزی را که در نمازش او را مشغول می دارد از خود دور سازد.

(۳۰۸۸)

(۱۷۰) - عن عُثْمَانَ بْنِ أَبِي الْعَاصِ رضي الله عنه: أنه أتى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَ صَلَاتِي وَقِرَاءَتِي يَلْبِسُهَا عَنِي، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «ذَاكَ شَيْطَانٌ يُقَالُ لَهُ خِزْبٌ، فَإِذَا أَحْسَسْتَهُ فَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْهُ، وَانْقُلْ عَلَى يَسَارِكَ ثَلَاثًا»، قَالَ: فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَأَذْهَبَهُ اللَّهُ عَنِّي. [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۷۰) - از عثمان بن ابی العاص رضی الله عنه روایت است که: وی به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: یا رسول الله، شیطان میان من و نمازم

حائل شده و در قرائتم اشکال ایجاد می کند. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «آن شیطانی است که به او خَنْزَب گفته می شود پس هرگاه احساسش کردی از او به الله پناه ببر (اعوذ بالله بگو) و سه بار به سمت چپ تف کن». عثمان می گوید: چنین کردم و الله آن را از من برطرف ساخت. (منظور از تف کردن، پرتاب اندکی آب دهان است) [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

عثمان بن ابی العاص به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: یا رسول الله، شیطان میان من و نمازم مانع شده و مرا از خشوع در نماز باز داشته و باعث شده در قرائتم خلط کنم و در آن دچار شک شوم، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم به او فرمودند: آن شیطانی است که به او خَنْزَب گفته می شود، هرگاه چنین یافتی و او را احساس کردی به الله تمسک بجو و از او به الله پناه ببر، و سه بار به سمت چپ تو با اندکی آب دهان فوت کن، عثمان می گوید: همان کاری را که پیامبر صلی الله علیه وسلم به من امر کرد انجام دادم و الله آن را از من برطرف ساخت.

از فوائد حدیث:

۱. اهمیت خشوع و حضور دل در نماز و اینکه شیطان تلاش می کند در نماز تشویش و تشکیک ایجاد کند.
۲. مستحب بودن پناه بردن از شیطان به الله (استعاذه) هنگام وسوسه شیطان در نماز به همراه سه بار فوت کردن به همراه اندکی آب دهان به سمت چپ.

۳. بیان حال صحابه رضی الله عنهم که برای مشکلاتی که برای آنها پیش می‌آمد به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌آمدند تا آن را برایشان حل کند.
۴. زنده بودن دل‌های صحابه و اینکه فکر و دل آنها متوجه آخرت بود.

(۶۵۱،۵)

(۱۷۱) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَسْوَأُ النَّاسِ سَرَفَةً الَّذِي يَسْرِقُ صَلَاتَهُ» قَالَ: وَكَيْفَ يَسْرِقُ صَلَاتَهُ؟ قَالَ: «لَا يَتِمُّ رُكُوعَهَا، وَلَا سُجُودَهَا». [صحيح] - [رواه ابن حبان]

(۱۷۱) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بدترین دزدی، دزدی آن کسی است که نمازش را می‌دزدد». گفتند: چگونه نمازش را می‌دزدد؟ فرمودند: «رکوع و سجودش را کامل نمی‌کند». [صحيح] - [ابن ماجه روايت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان می‌دارد که زشت‌ترین دزدی، دزدی کسی است که از نمازش می‌دزدد؛ زیرا اگر مال دیگری را بردارد، چه بسا در دنیا از آن سود ببرد، برخلاف این سارق که حق خودش از اجر و ثواب را می‌دزدد، گفتند: یا رسول الله، چگونه از نمازش می‌دزدد؟ فرمودند: رکوع و سجودش را کامل انجام نمی‌دهد؛ یعنی در رکوع و سجده‌اش عجله می‌کند و آن را به شکل کامل انجام نمی‌دهد.

از فوائد حدیث:

۱. اهمیت نیکو انجام دادن نماز و انجام ارکان آن با آرامش و خشوع.

۲. توصیف سارق برای کسی که رکوع و سجده‌اش را کامل انجام نمی‌دهد برای ایجاد تنفر از این کار و هشدار است برای تحریم آن.
۳. وجوب کامل انجام دادن رکوع و سجود و برخاستن از آن در نماز.

(۶۵۱،۰۰)

(۱۷۲) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَمَّا يَخْشَى أَحَدُكُمْ - أَوْ: لَا يَخْشَى أَحَدُكُمْ - إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ قَبْلَ الْإِمَامِ، أَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ رَأْسَهُ رَأْسَ حِمَارٍ، أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ صُورَتَهُ صُورَةَ حِمَارٍ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۷۲) - از ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «آیا یکی از شما بیم نمی‌برد - یا یکی از شما نمی‌ترسد که - اگر سرش را پیش از امام بردارد الله سر او را به سر الاغ تبدیل کند یا چهره‌اش را به چهره الاغ تبدیل نماید؟». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم به بیان وعید شدید برای کسی پرداخته که پیش از امام سرش را بردارد، که الله سرش را به سر الاغ تبدیل کند، یا صورتش را صورت الاغ بگرداند.

از فوائد حدیث:

۱. مأموم همراه با امام چهار حالت دارد که سه حالت از آن مورد نهی است یعنی: مسابقه، موافقت، و تأخر. و حالت مشروع مأموم با امام، متابعت است.
۲. وجوب متابعت مأموم از امام در نماز.
۳. وعید و تهدید به تبدیل کردن صورت کسی که پیش از امام سرش را بلند کند به الاغ، امری ممکن است و از جمله مسخ است.

(۳۰۸۶)

(۱۷۳) - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا شَكَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ، فَلَمْ يَدْرِ كَمْ صَلَّى ثَلَاثًا أَمْ أَرْبَعًا، فَلْيُطْرَحِ الشَّكَّ، وَلْيَبْنِ عَلَى مَا اسْتَيْقَنَ، ثُمَّ يَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ يُسَلِّمَ، فَإِنْ كَانَ صَلَّى خَمْسًا شَفَعْنَ لَهُ صَلَاتَهُ، وَإِنْ كَانَ صَلَّى إِثْمًا لِأَرْبَعٍ كَانَتْ تَرْغِيمًا لِلشَّيْطَانِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۷۳) - از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«اگر یکی از شما در نمازش شک کرد و ندانست که سه یا چهار رکعت خوانده است، باید شک را رها نموده و مبنا آن را بر یقین (سه رکعت) بگذارد؛ آنگاه قبل از اینکه سلام دهد دو سجده بجا آورد؛ اگر پنج رکعت خوانده است، این دو سجده باعث جفت شدن نمازش می شوند و اگر چهار رکعتش کامل شده است، این دو سجده باعث ذلت و خواری شیطان می گردد». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان می دارد هرگاه نمازگذار در تعداد رکعت دچار تردد شد و ندانست که سه یا چهار رکعت خوانده است؟ در این صورت باید عدد مکشوک را رها کند و بدان توجهی نداشته باشد و به چیزی عمل کند که بدان یقین دارد و آن خواندن سه رکعت می باشد؛ آنگاه رکعت چهارم را بخواند و در پایان نماز و قبل از سلام دو سجده انجام دهد.

به این ترتیب اگر واقعا چهار رکعت خوانده باشد؛ پنج رکعت می شود، و این دو سجده عوض یک رکعت می باشد، باین ترتیب تعداد رکعات نمازش زوج می شود؛ و اگر اضافه چهار رکعت کامل خوانده باشد؛ نمازش بدون افزایش و کاهش بوده است.

و این دو سجده ذلت و خواری شیطان را به همراه دارد، و او را از رسیدن به مرادش ناامید و دور می سازد، زیرا در نمازش اشکال ایجاد کرد، و می خواست آن را فاسد بسازد، و نماز فرزند آدم زمانی تکمیل می شود که فرمان الله متعال را توسط سجده کردن بجا آورد، سجده که ابلیس توسط آن نافرمانی کرد، زمانی که با سجده نکردن به آدم از اطاعت الله امتناع ورزید.

از فوائد حدیث:

۱. اگر نمازگزار در نمازش شک کرد و یکی از این دو مورد برایش مرجح نبود، باید شک را کنار بگذارد و با یقین عمل کند که کمترین آن است، پس باید نمازش را تمام بخواند و قبل از این که سلام بگوید سجده سهوه را انجام دهد سپس سلام بگوید.

۲. این دو سجده راهی برای جبران نماز، دفع نمودن ذلت وار شیطان، و دور نمودن او از مرادش می باشد.

۳. کدام شکی که در حدیث است تردیدی بدون ترجیح می باشد، پس اگر شک و ترجیح وجود داشته باشد به ترجیح عمل می شود.

۴. تشویق به مبارزه با وسوسه ها و دفع آن با رعایت نمودن دستور شرعی.

(۱۷۴) - عَنْ وَابِصَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأَى رَجُلًا صَلَّى وَحْدَهُ خَلْفَ الصَّفِّ، فَأَمَرَهُ أَنْ يُعِيدَ صَلَاتَهُ. [حسن] - [رواه أبو داود والترمذي وابن ماجه وأحمد]

(۱۷۴) - از وابصه رضی الله عنه روایت است: که رسول الله صلی الله علیه وسلم مردی را دید که تک و تنها در پشت صف (به همراه جماعت) نماز می خواند، پس به وی دستور دادند تا دوباره نماز بخواند. [حسن] - [ابو داود و ترمذی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم مردی را دیدند که تک و تنها در پشت صف ایستاده و مشغول نماز است؛ بنابراین به وی دستور دادند نمازش را دوباره بخواند، چون نماز خواندن به تنهایی در پشت صفوف صحیح نیست.

از فوائد حدیث:

۱. تشویق بر سرفوت رفتن و پیش شدن برای نماز جماعت، و این که در عقب صف بشکل تنهایی نماز نخواند تا اینکه نمازش در معرض بطلان قرار نگیرد.
۲. ابن حجر می گوید: هرکسی که نماز را به تنهایی در پشت صف شروع می نمود سپس قبل از بالا شدن از رکوع داخل صف شود، اعاده رکعت بر او واجب نیست، همانطوری که در حدیث ابو بکره است، در غیر آن بنابر عموم حدیث وابصه، واجب می گردد،

(۱۷۵) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: ذُكِرَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ نَامَ لَيْلَهُ حَتَّى أَصْبَحَ، قَالَ: «ذَاكَ رَجُلٌ بَالُ الشَّيْطَانِ فِي أُنْثَيْهِ، أَوْ قَالَ: فِي أُذُنِهِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۷۵) - از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم از مردی یاد شد که یک شب را تا صبح خوابید، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «او کسی است که شیطان در گوش هایش ادرار کرده است»، و یا فرمودند: «در گوش او». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم از مردی یاد شد که یک شب را تا صبح خوابید؛ و برای نماز صبح بیدار نشد تا اینکه خورشید طلوع کرد، این بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «او کسی است که شیطان در گوش هایش ادرار کرده است».

از فوائد حدیث:

۱. کراهیت ترک نماز تهجد (قیام اللیل)، و این که سبب ترک آن شیطان است.
۲. برحذر بودن از شیطان که در هر مسیر انسان نشسته است؛ تا او را از طاعت الله متعال باز دارد.
۳. ابن حجر گفت: مراد از قول او: (ما قام إلى الصلاة) جنس است، و معنای عهد را نیز افاده می کند، و مراد از آن نماز شب (قیام اللیل) و یا نمازهای فرضی است.

۴. الطیبی گفت: اما اینکه به طور مشخص گوش ذکر شده، حال آنکه چشم نقش بیشتری در خواب دارد، اشاره به سنگینی خواب می باشد، چون گوش ها مصدر توجه هستند، و از این جهت ادرار ذکر شده، چون به راحتی در شکاف ها نفوذ کرده و قدرت نفوذ آن در رگ ها بیشتر است و به این ترتیب باعث تبلی در همه ی اعضا می شود.

(۳۷۱۴)

(۱۷۶) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «خَيْرُ يَوْمٍ طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ يَوْمُ الْجُمُعَةِ، فِيهِ خُلِقَ آدَمُ، وَفِيهِ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ، وَفِيهِ أُخْرِجَ مِنْهَا، وَلَا تَقُومُ السَّاعَةُ إِلَّا فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۷۶) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بهترین روزی که خورشید بر آن طلوع کرده، روز جمعه است؛ آدم علیه السلام در همین روز آفریده شد و در همین روز وارد بهشت گردید و در همین روز از بهشت اخراج شد، و قیامت برپا نمی شود مگر در روز جمعه». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که بهترین روزی که خورشید بر آن طلوع کرده، روز جمعه است، و از ویژگی هایش اینست که: الله متعال در این روز آدم علیه السلام را آفرید، و در این روز او را وارد بهشت نمود، و در همین روز او را از آن بیرون آورد و به زمین فرستاد، و قیامت برپا نمی شود مگر در روز جمعه.

از فوائد حدیث:

۱. برتریت روز جمعه بر بقیه روزهای هفته.
۲. تشویق و زیاد انجام دادن اعمال خیر در روز جمعه، و آماده شدن برای جلب رحمت الله متعال و دفع خشم او.
۳. این خصوصیات روز جمعه که در حدیث ذکر گردیده، گفته شده که اینها برای یاد آوری فضیلت روز جمعه نیست؛ زیرا اخراج آدم و قیام قیامت فضیلت محسوب نمی شود، و نیز گفته شده: بلکه همه آنها فضیلت هست، و اخراج آدم سبب به وجود آمدن ذریه شده، اعم از رسولان و انبیاء و صالحان، و قیام قیامت سبب تعجیل در ثواب نیکوکاران و دریافت آنچه الله متعال برای اکرام آنان مهیا نموده است می باشد.
۴. خصوصیات دیگری روز جمعه غیر از آنچه در این روایت آمده است، ذکر گردیده، از جمله: توبه آدم پذیرفته شد، درین روز قبض روح شد، و در آن ساعتی است که دعای بنده مؤمنی بر آن بر نمی خورد، و از الله متعال چیزی طلب نمی کند، مگر اینکه به او می داده می شود.
۵. بهترین روزهای سال، روز عرفه است، و گفته شد: روز قربانی (نحر)، و بهترین روزهای هفته روز جمعه است، و بهترین شب، شب قدر است.

(۱۷۷) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ اغْتَسَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ غُسْلَ الْجَنَابَةِ ثُمَّ رَاحَ، فَكَأَنَّمَا قَرَّبَ بَدَنَةً، وَمَنْ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الثَّانِيَةِ، فَكَأَنَّمَا قَرَّبَ بَقَرَةً، وَمَنْ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الثَّالِثَةِ، فَكَأَنَّمَا قَرَّبَ كَبْشًا أَقْرَنَ، وَمَنْ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الرَّابِعَةِ، فَكَأَنَّمَا قَرَّبَ دَجَاجَةً، وَمَنْ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الْخَامِسَةِ، فَكَأَنَّمَا قَرَّبَ بَيْضَةً، فَإِذَا خَرَجَ الْإِمَامُ حَضَرَتِ الْمَلَائِكَةُ يَسْتَمِعُونَ الذِّكْرَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۷۷) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرکس روز جمعه مانند غسل جنابت، غسل نماید و اول وقت برای نماز جمعه - به مسجد - برود، گویا شتری صدقه نموده است، و هرکس در وقت دوم برود، گویا گاوی صدقه داده است. و هرکس در وقت سوم برود، گویا قوچی شاخ دار صدقه نموده است، و هرکس در وقت چهارم برود، گویا یک مرغ صدقه کرده است، و هرکس در وقت پنجم برود، گویا یک تخم مرغ صدقه داده است، و آنگاه که امام برای ایراد خطبه بالا شود، ملائکه (قلم و کاغذ خود را جمع می کنند و) به خطبه گوش می دهند». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم فضیلت شرکت زود هنگام در نماز جمعه و درجات آن را بیان نموده است، توقیت زود هنگام از طلوع آفتاب تا ورود امام آغاز می شود؛ و آن پنج ساعت است، و بر حسب وقت طلوع آفتاب تا ورود امام و بالا رفتن او بالای منبر برای ایراد خطبه به پنج حصه تقسیم می شود:

اول: هرکس مانند غسل جنابت، غسل نماید و اول وقت برای نماز جمعه - به مسجد - برود، گویا شتری صدقه نموده است.
دوم: و هرکس در ساعت دوم برای نماز جمعه برود، گویا گاوی را صدقه داده است.

سوم: و کسی که در ساعت سوم برود، گویا قوچی شاخ دار صدقه داده است.
چهارم: و هرکس در ساعت چهارم برود، گویا مرغی را صدقه داده است.
پنجم: و هرکس در ساعت پنجم برود، گویا تخم مرغی را صدقه داده است.
و زمانی که امام برای ایراد خطبه و نماز بر منبر بالا می شود؛ ملائکهء مسئول کتابت اجر و پاداش کسانی که به نماز جمعه به ترتیب می روند، از نوشتن دست بر می دارند و به شنیدن خطبه روی می آورند.

از فوائد حدیث:

۱. تشویق به غسل در روز جمعه، قبل از رفتن به نماز.
۲. فضیلت زود رسیدن به نماز جمعه در اولین ساعات روز.
۳. تشویق به انجام کارهای خیر.
۴. فرشتگان در نماز جمعه شرکت می کنند و به خطبه گوش می دهند.
۵. حضور فرشتگان در درهای مساجد، و کسانی را که می آیند اول بعد از اول برای نماز جمعه نام نویسی می کنند.
۶. ابن رجب می گوید: «کسی که در روز جمعه غسل کند، سپس **برود**»، بیانگر این است که آغاز وقت غسل مستحب روز جمعه طلوع فجر بوده، و پایان آن رفتن برای نماز جمعه است.

(۱۷۸) - عن ثوبان رضي الله عنه قال: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ اسْتَغْفَرَ ثَلَاثًا، وَقَالَ: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»، قَالَ الْوَلِيدُ: فَقُلْتُ لِلْأَوْزَاعِيِّ: كَيْفَ الْأَسْتَغْفَارُ؟ قَالَ: تَقُولُ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ. [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۷۸) - از ثوبان رضی الله عنه روایت است گفت که: وقت رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز خود را به پایان می رساند: سه بار استغفار می نمود و می گفت: "پروردگارا، تو (از هر عیب و نقص و ناتوانی و ناشایستی و شریک) سالم هستی و سلامتی از طرف تو است؛ والا مقام و مبارکی؛ ای صاحب شکوه و بزرگواری". ولید گفت: به اوزاعی گفتم: چگونه استغفار می شود؟ گفت: این که بگویی: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ. [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی نماز تمام می شد می فرمودند: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ.

سپس تعظیم پروردگارش را با این الفاظ انجام می داد: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» پروردگارا، تو (از هر عیب و نقص و ناتوانی و ناشایستی و شریک) سالم هستی، و سلامتی از طرف تو است؛ والا مقام و مبارک هستی؛ ای صاحب شکوه و بزرگواری". الله متعال در صفاتش سالم و کامل است، و از هر عیب و نقصان پاک است و تنها از او ذاتی پاک از بلاهای دنیا و آخرت سلامتی می خواهی

نه از کسی دیگر، و او ذاتی پاک است که خیرش در دنیا و آخرت گسترش یافته؛ صاحب عظمت و احسان است.

از فوائد حدیث:

۱. مستحب بودن استغفار بعد از نماز و استمرار بر آن.
۲. بهتر بودن استغفار برای تکمیل نقص در عبادت و جبران اطاعت و کوتاهی در آن.

(۱۰۹۷)

(۱۷۹) - عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ قَالَ: كَانَ ابْنُ الزُّبَيْرِ يَقُولُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ حِينَ يُسَلِّمُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، لَهُ التَّعَمُّةُ وَلَهُ الْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» وَقَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَهْلُلُ بِهِنَّ دُبُرَ كُلِّ صَلَاةٍ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۷۹) - از ابوزبیر روایت است که فرمود: ابن الزبیر در پایان هر نماز وقتی سلام می داد می گفت: "هیچ معبود بر حق غیر از الله یگانه ی بدون شریک نیست، و اوست صاحب بادشاهی و ستایش است، و او بر هر چیزی تواناست، از یک حالت به حالت دیگر انتقال و توانایی نیست مگر با کمک الله متعال، و هیچ معبود بر حقی نیست غیر از الله، و فقط او را عبادت می کنیم، و نعمت و فضیلت از آن اوست، و ستایش نیکو از آن اوست، هیچ معبود بر حقی نیست غیر از الله و در دین اخلاص داریم هر

چند که کافران ناخشنود باشند"، و فرمود: « رسول الله صلى الله عليه وسلم این ذکر را بعد از هر نماز به جهر می خواندند». [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلى الله عليه وسلم این ذکر را پس از هر نماز فرض به جهر می خواندند، که معنای آن چنین است:

"لا إله إلا الله": یعنی نیست معبود بر حق جز الله متعال.

"وحده لا شريك له" یعنی یگانه است و هیچ شریک در الوهیت، ربوبیت و اسماء و صفات ندارد.

"له الملك" یعنی: او حاکمیت مطلق و کلی و جامع و واسع دارد، حکومت آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست از آن او است.

"وله الحمد" یعنی او ذاتی که به کمال مطلق، از روی محبت و تعظیم کامل در هر حال ستوده است، در حالت خوشی و مصیبت.

"وهو على كل شيء قدير" او ذات بر هر چیز قادر است، قدرت او از هر لحاظ کامل و پوره است و هیچ چیز نمی تواند او را از انجام کاری باز دارد.

"لا حول ولا قوة إلا بالله" یعنی: هیچ تبدیلی از حالتی به حالت دیگر و از نافرمانی الله به اطاعت او نیست مگر به امر الله و هیچ نیرویی جز الله

نیست، او بهترین یاور است و بر او توکل است.

"لا إله إلا الله، ولا نعبد إلا إياه": تصدیق معنای الوهیت و نفی شرک

و اینکه جز او سزاوار پرستش نیست.

"له النعمة وله الفضل": اوست که نعمت ها را می آفریند، و مالک آنهاست، و به هر کس از بندگانش که بخواهد می بخشد.

"وله الثناء الحسن": و حمد و ستایش نیک از آن اوست: یعنی در هر حال، در ذات صفات، افعال و نعمت قابل ستایش است.

"لا إله إلا الله، مخلصين له الدين": یعنی ما از روی اخلاص بیانگر یگانگی او هستیم، نه این که در اطاعت الله خود نمایی کنیم و یا شهرت طلب باشیم.

"ولو كره الكافرون" «حتی اگر کافران از (این عمل ما) متنفر هم باشند». یعنی ما بر توحید الله و عبادت او ثابت قدم هستیم، هر چند کافران این عمل ما را بد می بینند.

از فوائد حدیث:

۱. همیشگی بر این ذکر پس از هر نماز فرضی مستحب است.
۲. مسلمان به دین خود افتخار می کند و شعائر آن را به دیگران نشان می دهد، حتی اگر کافران از آن متنفر باشند.
۳. هرگاه در حدیث کلمه "ذُبر الصلاة" آمده باشد، پس هر آنچه در حدیث از ذکر آمده است، در اصل بعد از سلام می باشد، و اگر دعا باشد در نماز پیش از سلام می باشد.

(۱۸۰) - عَنْ وَرَادٍ كَاتِبِ الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ قَالَ: أَمَلَى عَلَيَّ الْمُغِيرَةُ بْنُ شُعْبَةَ فِي كِتَابٍ إِلَى مُعَاوِيَةَ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ فِي ذُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ».

[صحيح] - [متفق عليه]

(۱۸۰) - از وراد، کاتب مُغیره بن شُعبه روایت است که مغیره در نامه‌ای که برای او به معاویه می‌نوشتم چنین گفت که: پیامبر صلی الله علیه وسلم در پی هر نماز فرض می‌فرمودند: «معبودی به حق نیست جز الله، که یگانه و بی‌شریک است، فرمانروایی و حمد از آن اوست و او بر هر چیزی تواناست. بار الها! برای آنچه تو عطا کنی بازدارنده‌ای نیست، و برای آنچه تو مانع شوی عطا کننده‌ای نیست، و صاحب ثروت و بهره را در برابر تو ثروت و بهره‌اش سودی نمی‌بخشد».

[صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم در پی هر نماز فرضی می‌فرمودند: "اقرار و اعتراف می‌کنم به کلمه توحید لا اله الا الله، بنابراین عبادت حقیقی را برای الله اثبات می‌کنم و از غیر او نفی می‌کنم، پس معبود به حق نیست جز الله و اقرار دارم که فرمانروایی حقیقی کامل از آن الله است و همه حمد اهل آسمان‌ها و زمین شایسته الله تعالی است، چراکه او بر هر چیزی تواناست، و آنچه الله تقدیر نموده - عطا باشد یا باز داشتن - بازدارنده‌ای

ندارد و ثروتِ صاحب ثروت نزد او سودی برایش ندارد بلکه عمل صالح اوست که سودمند است".

از فوائد حدیث:

۱. مستحب بودن این ذکر در پی نماز زیرا الفاظ توحید و حمد را در خود دارد.

۲. مبادرت به پیروی از سنت‌ها و نشر آن.

(۶۵۱۰۲)

(۱۸۱) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَحَمَدَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَكَبَّرَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، فَتِلْكَ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ، وَقَالَ: تَمَامَ الْمِائَةِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ غُفِرَتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ رَبَدِ الْبَحْرِ».

[صحیح] - [رواه مسلم]

(۱۸۱) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرکس پس از هر نمازی، سی و سه بار سبحان الله، سی و سه بار الحمد لله و سی و سه بار الله اکبر بگوید، که اینها نود و نه می شود، و برای تکمیل شدن صد "لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير" بگوید، گناهانش آمرزیده می شود، اگرچه مانند کف دریا (فراوان) باشد».

[صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلى الله عليه وسلم می فرمایند، هر که بعد از تمام شدن نماز فرض بگوید:

سی و سه مرتبه: «سبحان الله» که آن منزّه بودن الله متعال از هر نقص و عیب است.

سی و سه مرتبه: «الحمد لله» که آن حمد و ستایش، با صفات کمال، محبت و تعظیم او تعالی است.

و سی و سه مرتبه: «الله اکبر» تکبیر بگوید که آن توصیف الله متعال به این صورت است که او از هر چیزی بزرگ تر بوده.

و شماره صد با این جمله تکمیل می شود: "لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك، وله الحمد، وهو على كل شيء قدير"،

معنایش این است: جز الله یگانه معبود واقعی نیست و او شریک ندارد، و ملک کامل و یژه او تعالی است، و او شایسته ستایش و مدح همراه با محبت و تعظیم است بغیر از دیگران، و اینکه او قادر مطلق است و هیچ چیز بر او غیر ممکن نیست.

پس هر که چنین بگوید، گناهانش محو و آمرزیده می شود، هر چند زیاد باشد، مانند کف سفیدی که بر سطح دریا هنگام موج زدن و هیجان بر می خیزد.

از فوائد حدیث:

۱. مستحب بودن این ذکر پس از نمازهای فرض.

۲. این ذکر سبب آمرزش گناهان است.

۳. عظمت مهربانی، رحمت و آمرزش الله متعال.
۴. این ذکر سبب آمرزش گناهان است، و مراد این است: کفارۀ گناهان صغیره، اما گناهان کبیره را جز توبه چیزی پاک نمی کند.

(۱۰۹۴۸)

(۱۸۲) - عَنْ أَبِي أُمَامَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ لَمْ يَمْنَعْهُ مِنْ دُخُولِ الْجَنَّةِ إِلَّا أَنْ يَمُوتَ». [صحيح] - [رواه النسائي في الكبرى]

(۱۸۲) - از ابوامامه رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرکس آیه الکرسی را پس از هر نماز فرض بخواند، چیزی مانع وارد شدن وی به بهشت نمی شود جز اینکه بمیرد». [صحيح] - []

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمایند: هر کس آیه الکرسی را پس از پایان نماز فرض بخواند، جز مرگ چیزی دیگر او را از ورود به بهشت باز نمی دارد؛ و آن در سورۀ بقره این فرمودۀ الله متعال است: "الله [معبود راستین است؛] هیچ معبودی [به حق] جز او نیست؛ زنده ی پاینده [و قائم به ذات] است؛ نه خوابی سبک او را فرامی گیرد و نه خوابی سنگین؛ آنچه در آسمان ها و زمین است از آن اوست. کیست که نزد او جز به فرمانش شفاعت کند؟ گذشته و آینده ی آنان [بندگان] را می داند و [آنان] به چیزی از علم او احاطه [و آگاهی] نمی یابند، مگر آنچه خود بخواند. کرسی او آسمان ها و زمین را در بر گرفته است و نگه داشتن آنها بر او [سنگین و] دشوار نیست و او بلندمرتبه [و] بزرگ است». [البقرة: ۲۵۵].

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت این آیه بزرگ: چون دربرگیره نام های زیبا و صفات علیای می باشد.
۲. مستحب بودن تلاوت این آیه بزرگ بعد از هر نماز فرض.
۳. اعمال نیک سبب ورود به بهشت می شود.

(۱۰۹۵۰)

(۱۸۳) - عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: حَفِظْتُ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَشْرَ رَكَعَاتٍ: رَكَعَتَيْنِ قَبْلَ الظُّهْرِ، وَرَكَعَتَيْنِ بَعْدَهَا، وَرَكَعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرَبِ فِي بَيْتِهِ، وَرَكَعَتَيْنِ بَعْدَ الْعِشَاءِ فِي بَيْتِهِ، وَرَكَعَتَيْنِ قَبْلَ صَلَاةِ الصُّبْحِ، وَكَانَتْ سَاعَةً لَا يُدْخَلُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيهَا، حَدَّثَنِي حَفْصَةُ أَنَّهَا كَانَتْ إِذَا أَدَّانَ الْمُؤَذِّنُ وَطَلَعَ الْفَجْرُ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ، وَفِي لَفْظٍ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُصَلِّي بَعْدَ الْجُمُعَةِ رَكَعَتَيْنِ. [صحيح] - [متفق عليه بجميع رواياته]

(۱۸۳) - از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که: از پیامبر صلی الله علیه وسلم ده رکعت را به یاد دارم: دو رکعت پیش از ظهر و دو رکعت بعد از آن، و دو رکعت بعد از مغرب در خانه اش، و دو رکعت پس از عشاء در خانه اش، و دو رکعت پیش از نماز صبح و این ساعتی بود که کسی در آن بر پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد نمی شد، و حفصه به من گفت که هرگاه مؤذن اذان می گفت و فجر طلوع می کرد دو رکعت ادا می کرد، و در لفظی دیگر: پیامبر صلی الله علیه وسلم پس از جمعه دو رکعت ادا می کرد.

[صحيح] - [متفق عليه است با همه روایت هایش]

توضیح:

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما بیان نموده که از جمله نمازهای نفلی که از پیامبر صلی الله علیه وسلم به یاد دارد ده رکعت است و این نمازها را سنت‌های رواتب گویند: دو رکعت قبل از ظهر و دو رکعت بعد از آن، و دو رکعت پس از مغرب در خانه‌اش، و دو رکعت بعد از عشاء در خانه‌اش، و دو رکعت قبل از فجر، و این ده رکعت کامل است، اما پس از نماز جمعه دو رکعت ادا می‌کردند.

از فوائد حدیث:

۱. مستحب بودن این رواتب و محافظت بر آن.

۲. مشروعیت ادای سنت‌ها در خانه.

(۳۰۶۱)

(۱۸۴) - عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَسَلَّمَ كَانَ لَا يَدْعُ أَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ وَرَكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْعَدَاةِ. [صحيح] - [رواه البخاري]

(۱۸۴) - از ام المومنین عائشه رضی الله عنها روایت است: که رسول

الله صلی الله علیه وسلم چهار رکعت قبل از نماز ظهر و دو رکعت قبل از

نماز صبح را ترک نمی‌کرد. [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

عائشه رضی الله عنها خبر می‌دهد که رسول الله صلی الله علیه وسلم بر خواندن

نمازهای نفل در خانه‌اش پایبندی می‌نمودند و هرگز آن‌ها ترک نمی‌کردند: خواندن

چهار رکعت با دو سلام قبل از نماز ظهر، و دو رکعت قبل از نماز فجر.

از فوائد حدیث:

۱. استحباب پابندی به خواندن چهار رکعت نفل قبل از نماز ظهر، و دو رکعت قبل از نماز فجر.
۲. خواندن نمازهای نفلی در خانه بهتر است، لذا؛ عائشه رضی الله عنها از آن خبر داده است.

(۱۱۲۴۹)

(۱۸۵) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُعْقَلٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «بَيْنَ كُلِّ أَذَانَيْنِ صَلَاةٌ، بَيْنَ كُلِّ أَذَانَيْنِ صَلَاةٌ» ثُمَّ قَالَ فِي الثَّالِثَةِ: «لِمَنْ شَاءَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۸۵) - از عبدالله بن مغفل رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: "بین هر دو اذان نماز است، بین هر دو اذان نماز است، سپس در سومی فرمود: برای هر که بخواهد." [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان فرمودند که بین هر اذان و اقامه نماز نفل است، و این را سه مرتبه تکرار کردند، و در مرتبه سوم فرمودند این برای هر کسی که می خواهد نماز بخواند مستحب است.

از فوائد حدیث:

۱. مستحب بودن نماز بین اذان و اقامه.
۲. روش پیامبر صلی الله علیه وسلم در تکرار سخن، برای شنوندن و تاکید بر اهمیت چیزی که می گوید.

۳. مراد از دو اذان: اذان و اقامه است، و بر آن کلمه (الأَذَانِ) را از بهر تغليب اطلاق نمود، مانند القمرین (خورشید و مهتاب) و العمرین (ابو بکر و عمر).
۴. اذان اعلام بر دخول وقت است، و اقامه اعلام بر حضور فعل نماز است.

(۶۵۱۷۹)

(۱۸۶) - عَنْ أَبِي قَتَادَةَ السَّلَمِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمُ الْمَسْجِدَ فَلْيَرْكَعْ رُكْعَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ يَجْلِسَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۸۶) - از ابوقتاده سلمی رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اگر یکی از شما وارد مسجد شد، پیش از آنکه بنشیند دو رکعت نماز بگذارد». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم کسی را که در هر وقتی و برای هر هدفی داخل مسجد شود تشویق کرده‌اند که پیش از نشستن دو رکعت نماز بخواند و این دو رکعت «تحية المسجد» است.

از فوائد حدیث:

۱. مستحب بودن دو رکعت نماز به عنوان تحیه مسجد (خوش آمد به مسجد) پیش از نشستن.
۲. این امر برای کسی است که قصد نشستن دارد، اما کسی که وارد مسجد شود و پیش از نشستن خارج شود، امر متوجه او نیست.
۳. اگر نمازگزار وارد مسجد شود و ببیند که مردم در حال نماز جماعت هستند و وارد نماز شود، همان نماز جماعت به جای این دو رکعت کافی است.

(۶۵۰۹۱)

(۱۸۷) - عن أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «إِذَا قُلْتَ لِصَاحِبِكَ: أَنْصِتْ، يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَالْإِمَامُ يُخْطَبُ، فَقَدْ لَعَوْتَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۸۷) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اگر به هم نشینت در روز جمعه در حالی که امام خطبه می خواند گفتی: گوش فرا بده، مرتکب لغو شده ای». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده اند که یکی از آداب واجب برای کسی که در خطبه جمعه حاضر شده، گوش سپردن به خطیب است، تا بتواند پند و اندرزهای او را به نیکی دریابد، و اگر کسی در حالی که امام خطبه می خواند کمترین چیزی را به زبان بیاورد و یا به دیگری بگوید: «ساکت شو» و «گوش فرا بده» فضل نماز جمعه را از دست داده است.

از فوائد حدیث:

۱. تحریم سخن گفتن در حال شنیدن خطبه، حتی اگر برای نهی از منکر یا پاسخ دادن به سلام و پاسخ دادن به کسی باشد که عطسه کرده و الحمدلله گفته است.

۲. کسی که امام را مورد خطاب قرار دهد یا امام [در حین خطبه] او را مورد خطاب قرار دهد از این نهی مستثنی هستند.
۳. جایز بودن سخن گفتن در میان دو خطبه در صورت نیاز.
۴. اگر در حین خطبه از پیامبر صلی الله علیه وسلم یاد شد پنهانی (با صدای پائین) بر ایشان درود و سلام می‌فرستی. همچنین آمین گفتن بر دعا در حین خطبه به همین صورت است.

(۱۸۸) - عن عمران بن حصين رضي الله عنه قال: كَانَتْ يِي بَوَاسِيرُ، فَسَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الصَّلَاةِ، فَقَالَ: «صَلِّ قَائِمًا، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَقَاعِدًا، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَعَلَى جَنْبٍ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۱۸۸) - از عمران بن حصین رضي الله عنه روایت است که فرمود: بواسیر داشتم، پس از پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره نماز پرسیدم، فرمودند: «ایستاده نماز بخوان، اگر نتوانستی نشسته بخوان و اگر نتوانستی بر پهلو بخوان». [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرمایند: اصل در نماز ایستادن است، مگر در صورتی که نشسته نتواند نماز بخواند و اگر نمی‌تواند نشسته بخواند، می‌تواند به پهلو بخواند.

از فوائد حدیث:

۱. تا زمانی که عقل بر جا باشد، نماز ساقط نمی شود، پس گذر از حالتی به حالت دیگر به اقتضای توانایی است.
۲. لطف و سهولت اسلام در این است که بنده به اندازه توانش عبادت کند.

(۱۰۹۵۱)

(۱۸۹) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۸۹) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «یک نماز در این مسجد من بهتر از هزار نماز در دیگر مساجد است، جز مسجد الحرام». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم به بیان فضیلت نماز در مسجدشان پرداخته، و بیان نموده که ثواب آن بهتر از هزار نماز در دیگر مساجد زمین است به جز مسجد الحرام در مکه، زیرا نماز در این مسجد فضیلتش بیشتر از نماز در مسجد النبی صلی الله علیه وسلم است.

از فوائد حدیث:

۱. چند برابر شدن اجر نماز در مسجد الحرام و مسجد نبوی.
۲. نماز در مسجد الحرام بهتر از صد هزار نماز در دیگر مساجد است.

(۶۵۰۹۰)

(۱۹۰) - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ لَبِيدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ عُثْمَانَ بْنَ عَفَّانَ أَرَادَ بِنَاءَ الْمَسْجِدِ فَكَرِهَ النَّاسُ ذَلِكَ، وَأَحَبُّوا أَنْ يَدَعَهُ عَلَى هَيْئَتِهِ، فَقَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا لِلَّهِ بَنَى اللَّهُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ مِثْلَهُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۹۰) - از محمود بن لبید رضی الله عنه روایت است که: عثمان بن عفان خواست مسجد را بازسازی کند اما مردم این را نپسندیدند و دوست داشتند که آن را به همان شکلی که بود باقی می گذاشت، پس ایشان فرمود: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمودند: «هر که برای الله مسجدی بسازد، الله برای او در بهشت همانند آن خواهد ساخت». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

عثمان بن عفان رضی الله عنه قصد بازسازی مسجد پیامبر صلی الله علیه وسلم را به شکلی بهتر از بنای اولش نمود، اما مردم این را نپسندیدند زیرا باعث تغییر بنای مسجد از ساختمان آن در دوران پیامبر صلی الله علیه وسلم می شد. مسجد از خشت ساخته شده بود و سقف آن از برگ نخل بود اما عثمان خواست آن را از سنگ و گچ بسازد، پس عثمان رضی الله عنه خطاب به مردم فرمود که از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیده که می فرمودند: کسی که برای طلب خشنودی الله نه از روی ریا و خودنمایی مسجدی بسازد، الله به او پاداشی بهتر از جنس عملش عطا می کند، و آن پاداش آن است که الله برای او مانند آن را در بهشت خواهد ساخت.

از فوائد حدیث:

۱. تشویق و ترغیب به بنای مساجد و فضیلت آن.
۲. توسعه و نوسازی مساجد در فضیلت ساختن مسجد وارد است.
۳. اهمیت اخلاص برای الله متعال در همه اعمال.

(۶۵۰۸۹)

(۱۹۱) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا مِنْ صَاحِبِ ذَهَبٍ وَلَا فِصَّةٍ، لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا، إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ، صُفِّحَتْ لَهُ صَفَائِحُ مِنْ نَارٍ، فَأُحْمِيَ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ، فَيُكْوَى بِهَا جَنْبُهُ وَجَبِينُهُ وَظَهْرُهُ، كُلَّمَا بَرَدَتْ أُعِيدَتْ لَهُ، فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ، حَتَّى يُقْضَى بَيْنَ الْعِبَادِ، فَيَرَى سَبِيلَهُ، إِمَّا إِلَى الْجَنَّةِ، وَإِمَّا إِلَى النَّارِ»
 قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَإِلَيْلُ؟ قَالَ: «وَلَا صَاحِبُ إِبِلٍ لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا، وَمِنْ حَقَّهَا حَلَبُهَا يَوْمَ وَرْدِهَا، إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ، بُطِحَ لَهَا بِقَاعٍ قَرَقَرٍ، أَوْفَرَ مَا كَانَتْ، لَا يَفْقِدُ مِنْهَا فَصِيلًا وَاحِدًا، تَطَوُّهُ بِأَخْفَافِهَا وَتَعَصُّهُ بِأَفْوَاهِهَا، كُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ أَوْ لَاهَا رُدَّ عَلَيْهِ أُخْرَاهَا، فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ، حَتَّى يُقْضَى بَيْنَ الْعِبَادِ، فَيَرَى سَبِيلَهُ إِمَّا إِلَى الْجَنَّةِ، وَإِمَّا إِلَى النَّارِ»
 قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَالْحَيْلُ؟ قَالَ: «الْحَيْلُ ثَلَاثَةٌ: هِيَ لِرَجُلٍ وَزْرٌ، وَهِيَ لِرَجُلٍ سِتْرٌ، وَهِيَ لِرَجُلٍ أَجْرٌ، فَأَمَّا الَّتِي هِيَ لَهُ وَزْرٌ، فَرجُلٌ رَبطَهَا رِيَاءً وَفَخْرًا وَنَوَاءً عَلَى أَهْلِ الْإِسْلَامِ، فَهِيَ لَهُ وَزْرٌ، وَأَمَّا الَّتِي هِيَ لَهُ سِتْرٌ، فَرجُلٌ رَبطَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، ثُمَّ لَمْ يَنْسَ حَقَّ اللَّهِ فِي ظُهُورِهَا وَلَا رِقَابِهَا، فَهِيَ لَهُ سِتْرٌ وَأَمَّا الَّتِي هِيَ لَهُ أَجْرٌ، فَرجُلٌ

رَبَطَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لِأَهْلِ الْإِسْلَامِ، فِي مَرْجٍ وَرَوْضَةٍ، فَمَا أَكَلَتْ مِنْ ذَلِكَ الْمَرْجِ،
أَوِ الرَّوْضَةِ مِنْ شَيْءٍ، إِلَّا كُتِبَ لَهُ، عَدَدَ مَا أَكَلَتْ حَسَنَاتٌ، وَكُتِبَ لَهُ، عَدَدَ أَرْوَائِهَا
وَأَبْوَالِهَا، حَسَنَاتٌ، وَلَا تَقْطَعُ طَوْلَهَا فَاسْتَنْتَ شَرْفًا، أَوْ شَرْفَيْنِ، إِلَّا كُتِبَ اللَّهُ لَهُ
عَدَدَ آثَارِهَا وَأَرْوَائِهَا حَسَنَاتٍ، وَلَا مَرَّ بِهَا صَاحِبُهَا عَلَى نَهْرٍ، فَشَرِبَتْ مِنْهُ وَلَا
يُرِيدُ أَنْ يَسْقِيَهَا، إِلَّا كُتِبَ اللَّهُ لَهُ، عَدَدَ مَا شَرِبَتْ، حَسَنَاتٍ

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَالْحُمْرُ؟ قَالَ: «مَا أُنْزِلَ عَلَيَّ فِي الْحُمْرِ شَيْءٌ، إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ
الْفَادَةُ الْجَامِعَةُ»: {مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ، وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا
يَرَهُ} [الزلزلة: ٨]. [صحيح] - [متفق عليه]

(١٩١) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی
الله علیه وسلم فرمودند: «هر صاحب طلا و نقره ای که زکات آن را ندهد، روز
قیامت طلا و نقره اش به تکه های از آتش تبدیل می شود و این تکه ها را در
آتش دوزخ، داغ می کنند و سپس با آن پهلوها، پیشانی و پشت آن شخص
را داغ می نهند و هر بار که این تکه ها سرد شود، دوباره داغ می گردد و این
عذاب برای آن شخص در روزی که مقذارش به اندازه ی پنجاه هزار سال
است، ادامه دارد تا آن که در میان بندگان، حکم می شود و سپس مسیر آن
فرد به سوی بهشت یا به سوی دوزخ، مشخص می گردد».

گفته شد: یا رسول الله، شتر چه طور؟ فرمودند: «همچنین هر صاحب شتری
که حق آنها را ادا نکند - و یکی از این حقوق، دوشیدن آنها در محل آبشخور
(و بخشیدن بخشی از شیرشان به فقیران و رهگذران است) - روز قیامت در

زمینی هموار و پهناور خوابانیده می شود و شتران با بهترین و فربه ترین حالتی که در دنیا داشته اند، بدون اینکه حتی یک بچه شتر نیز از آنها کم شده باشد، او را زیر سُم های خود لِه می کنند و با دهان شان گاز می گیرند، و هرگاه آخرین شتر از روی او عبور کند، شتر نخست بر می گردد و این عذاب برای آن شخص در روزی که مقدارش به اندازه ی پنجاه هزار سال است، ادامه دارد تا آن که در میان بندگان حُکم می شود و سپس مسیرِ آن فرد به سوی بهشت یا به سوی دوزخ، مشخص می گردد».

عرض شد: یا رسول الله، گاو و گوسفند چه حُکمی دارند؟ فرمودند: «همین طور هر صاحب گاو و گوسفندی که زکات شان را ندهد، روز قیامت در زمینی هموار و پهناور خوابانیده می شود و گاوها و گوسفندانش درحالی که حتی یک عدد از آنها کم نیست و هیچ حیوانِ کج شاخ، بی شاخ و شاخ شکسته ای در میانِ آنها وجود ندارد - و همگی شاخ های قوی و سالمی دارند - او را زیر سُم های شان می گیرند و او را شاخ می زنند و آنگاه که آخرین گاو یا گوسفند از روی او می گذرد و به او شاخ می زند، نخستین گاو یا گوسفند باز می گردد و این عذاب برای آن شخص در روزی که مقدارش به اندازه ی پنجاه هزار سال است، ادامه دارد تا آن که در میان بندگان حُکم می شود و سپس مسیرِ آن فرد به سوی بهشت یا به سوی دوزخ، مشخص می گردد».

پرسیده شد: یا رسول الله، حُکم اسب چیست؟ فرمودند: «اسب بر سه نوع است: نگهداری اسب برای برخی گناه می باشد، و برای برخی دیگر وسیله ی آسایش و پوشاندن نیاز است، و برای برخی هم اجر و ثواب دارد؛ اسبی که برای

صاحبش مایه ی گناه است، اسپیی است که آن را برای تظاهر و فخرفروشی و دشمنی با مسلمانان نگهداری می کند؛ این اسپ برای صاحبش مایه ی گناه و وبال است. و اسپیی که وسیله ی آسایش و پوشاندن فقر می باشد، اسپیی است که صاحبش آن را به خاطر الله نگهداری می کند و از یاد نمی برد که هنگام سوار شدن بر حیوان یا نگهداری از او فرمان الهی را درباره ی حیوان رعایت کند؛ چنین اسپیی سبب آسایش و نجات صاحبش می باشد. و اسپیی که برای صاحبش اجر و ثواب دارد، اسپیی است که شخص آن را در راه الله و برای - جهاد یا - خدمت به مسلمانان، در چراگاهی بزرگ یا کوچک نگهداری می کند؛ چنین اسپیی برای صاحبش مایه ی اجر و ثواب است و هرچه از آن چراگاه یا مرغزار بخورد، برای صاحبش به شمار برگ ها یا گیاهانی که می خورد، نیکی نوشته می شود، و به تعداد سرگین ها و ادرارهایش برای صاحبش نیکی ثبت و منظور می گردد. و اگر اسپ ریسمانش را پاره کند و از یک یا دو تپه بگذرد، به تعداد پایاها و فضولاتی که برجا می گذارد، به صاحبش اجر و پاداش می رسد؛ و چنانچه از نهری بگذرد و آب بخورد، حتی اگر صاحبش قصد آب دادن آن را نداشته باشد، الله متعال به اندازه ی آبی که این اسب نوشیده، برای صاحبش اجر و پاداش منظور می فرماید.

گفته شد: یا رسول الله، حکم الاغ ها چیست؟ فرمودند: «در این باره چیزی بر من نازل نشده جز این آیه ی کم نظیر و جامع: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» [زلزلت: ۷ و ۸] «آنگاه هرکس به اندازه ذره ای کار نیک انجام داده باشد، [پاداش] آن را می بیند؛ و هرکس به اندازه ذره ای کار بد کرده باشد، [کیفر] آن را می بیند». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم انواع مال، و در قیامت جزای کسانی که زکات خود را پرداخت ننموده اند، بیان نمودند، از جمله:

اول: طلا و نقره و هر آنچه که در حکم آنهاست از قبیل اموال و کالای تجارتی، و در آن زکات واجب شده باشد ولی زکاتش را ادا ننماید، در روز قیامت طلا و نقره اش به ورق هایی از آتش تبدیل می شود و این ورق ها را در آتش دوزخ داغ می کنند و سپس با آن پهلوها، پیشانی و پشت آن شخص را داغ می نهند، و هر بار که این ورق ها سرد شود، دوباره داغ می گردد و این عذاب برای آن شخص در روزی که مقدارش به اندازه ی پنجاه هزار سال است، ادامه دارد تا آن که در میان بندگان، حکم می شود و سپس مسیر آن فرد به سوی بهشت یا به سوی دوزخ، مشخص می گردد."

دوم: "همچنین هر صاحب شتری که حق آنها را ادا نکند" پس اگر صاحب شتر از دادن زکات که الله بر آن واجب نموده، خودداری کند و نیز از دوشیدن آنها در محلّ آبشخور و بخشیدن بخشی از شیرشان به فقیران و رهگذران امتناع کند. "روز قیامت در زمینی هموار و پهناور خوابانیده می شود و شتران او را زیر سُم های خود لِه می کنند و با دهان شان گاز می گیرند و هرگاه اولین شتر از روی او عبور کند، شتر آخر بر می گردد، و در طول روز قیامت که مقدار یک روز آن پنجاه هزار سال است چنین عذاب می بیند، تا اینکه الله متعال بین بندگان حکم و قضاوت نماید، و سپس مسیر آن فرد به سوی بهشت یا به سوی دوزخ مشخص می گردد.

سوم: همین طور هر صاحب گاو و گوسفندی - گوسفند و بز - که زکات فرض شان را ندهد، روز قیامت به تعداد آنها به کثرت آورده می شوند و چیزی از آنها کم نمی شود، در زمینی هموار و پهناور صاحبش خوابانیده می شود، که در میان آنها گوسفند کج شاخ، بدون شاخ و شاخ شکسته نمی باشد، بلکه با کامل ترین شکل اش می باشد، پس با شاخ هایش او را می کوبد و زیر پاهای خود قرار می دهد، و هرگاه اولین گوسفند از روی او عبور کند، گوسفند آخر بر می گردد، و در طول روز قیامت که مقدار یک روز آن پنجاه هزار سال است چنین عذاب می بیند، تا اینکه الله متعال بین بندگان حکم و قضاوت نماید، و سپس مسیر آن فرد به سوی بهشت یا به سوی دوزخ مشخص می گردد.

چهارم: صاحبان اسب، و آن سه نوع هست:

اول: اسبی است که شخص آن را برای تظاهر و فخر فروشی و دشمنی با مسلمانان نگهداری می کند.

دوم: اسبی که برای صاحبش پوشش است، و آن را برای جهاد در راه الله متعال وقف نموده است، سپس با او احسان نموده، علف و سایر لوازم آن را فراهم نماید، از آن جمله به ایجار دادن اسب نر برای نسل گیری می باشد.

سوم: اسبی که برای صاحبش اجر و ثواب دارد، اسبی است که شخص آن را در راه الله و برای - جهاد یا - خدمت به مسلمانان، در چراگاهی بزرگ یا کوچک نگهداری می کند؛ چنین اسبی برای صاحبش مایه ی اجر و ثواب است و هرچه از آن چراگاه یا مرغزار بخورد، برای صاحبش به شمار برگ ها یا گیاهانی که می خورد، نیکی نوشته می شود و به تعداد سرگین ها و ادرارهایش برای

صاحبش نیکی ثبت و منظور می گردد. و اگر اسپ ریسمانش را پاره کند و از یک یا دو تپه بگذرد، به تعداد جای پاها و فضولاتی که برجا می گذارد، به صاحبش اجر و پاداش می رسد؛ و چنانچه از نهری بگذرد و آب بخورد، حتی اگر صاحبش قصد آب دادن آن را نداشته باشد، الله متعال به اندازه ی آبی که این اسپ نوشیده است، برای صاحبش اجر و پاداش منظور می فرماید.

سپس از رسول الله صلی الله علیه وسلم از حُکم الاغ ها پرسیدند که آیا آنها در حکم مانند اسپ هست؟

فرمودند: در این باره چیزی بر من نازل نشده است" یعنی در این مورد به طور مشخص نصی بر من نازل نشده است؛ اما این آیه ی عام و دربردارنده ی هر خیر و معروفی نازل شده است. "فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ" [الزلزلة: ۷-۸]، هر کس در نگهداری الاغها از روی طاعت عمل کند، ثواب آن را می بیند، و اگر گناهی کند عذاب آن را می بیند، و حکم این شامل همه اعمال می شود.

از فوائد حدیث:

۱. وجوب ادای زکات، و هشدار شدید بر منع آن.
۲. بازدارنده زکات از روی تبلی کافر شمرده نمی شود، بلکه در خطر شدید است.
۳. انسان به جزئیاتی که در طاعت اتفاق می افتد پاداش می گیرد، اگر قصد اصل آن را داشته باشد، هر چند قصد جزئیات آن را نداشته باشد.
۴. در مال حقی است بجز در زکات.
۵. یکی از این حقوق در شتر، دوشیدن آنها در محلّ آبشخور و بخشیدن بخشی از شیرشان به فقیران است؛ تا سهولتی برای

- محتاجان باشد از این که به خانه ها بروند، و نیز مهربانی بر رهروان است، ابن بطال می گوید: در مال دو حق است: فرض عین و غیره، دوشیدن از حقوقی عالی ترین اخلاق است.
۶. از جمله حق واجب در شتر و گاو و گوسفند، به اعاره دادن آن برای نسل گیری است.
۷. حکم الاغ ها و هر آن حیوانی که در مورد آن نص نیامده: شامل این قول الله متعال می گردد: (فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ، وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ).
۸. «آنگاه هرکس به اندازه ذره ای کار نیک انجام داده باشد، [پاداش] آن را می بیند؛ و هرکس به اندازه ذره ای کار بد کرده باشد، [کیفر] آن را می بیند».
۹. در این آیه ترغیب به کار نیک است حتی اگر کم باشد، و هشدار از کار بد حتی اگر کم باشد.

(۶۶۱۱)

(۱۹۲) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا تَقَصَّتْ صَدَقَةٌ مِنْ مَالٍ، وَمَا زَادَ اللَّهُ عَبْدًا بِعَفْوٍ إِلَّا عِزًّا، وَمَا تَوَاضَعَ أَحَدٌ لِلَّهِ إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۹۲) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم که فرمودند: «هیچ صدقه ای مال را کم نمی کند، و یقیناً الله در برابر گذشت بنده اش، عزت او را زیاد می دهد، و هرکس به خاطر الله تواضع و فروتنی نماید، الله عزوجل مرتبه اش را بلند می گرداند». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرمایند که صدقه مال را کم نمی کند، بلکه آفات را از آن دفع می کند و الله متعال به صاحب آن به نیکی بزرگ جبران می کند، پس افزایش می باشد نه کاهش. بخشش در حال توانایی از انتقام گرفتن ویا گرفت، صاحبش را قدرت و شرافت افزایش می دهد.

و هیچ کس در برابر الله متعال فروتنی و عاجزی نمی کند، نه از ترس کسی، و نه به خاطر خواستن منفعت از او، مگر اینکه پاداش او عزت و بلندی مرتبه می باشد.

از فوائد حدیث:

۱. نیکی و سعادت در رعایت شرع است و نیکی کردن است، ولو که برخی گمان کنند که غیر از آن است.

(۵۵۱۲)

(۱۹۳) - عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «قَالَ اللَّهُ: أَتُفِقُ يَا ابْنَ آدَمَ أَتُفِقُ عَلَيْكَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۹۳) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: ؛الله متعال فرمودند: ای پسر آدم انفاق وخرچ کن تا من بر تو انفاق کنم؛. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که الله متعال فرمودند: ای فرزند آدم صدقه کن - از صدقه های واجب و مستحب - من به تو فراوان می دهم، و از آن به تو عوض می دهم، و در آن برای تو برکت می اندازم.

از فوائد حدیث:

۱. تاکید بر صدقه و انفاق در راه الله متعال.
۲. انفاق در موارد خیر یکی از بزرگترین اسباب برکت در رزق و روزی است و چند برابر می شود و این که الله متعال در عوض آنچه که انفاق کرده به بنده خود می دهد.
۳. این حدیث از جمله احادیث است که پیامبر صلی الله علیه وسلم از پروردگارش روایت می کند و به نام حدیث قدسی و یا حدیث الهی یاد می شود، و آن حدیث است که الفاظ و معنای آن از طرف الله متعال می باشد، جز این که در آن ویژگی های قرآن وجود ندارد، مانند این که خواندن قرآن کریم عبادت است، و پاکیزگی برای حمل قرآن شرط است، و چالش و معجزه بودن و غیره.

(۵۸۰۵)

(۱۹۴) - عن أبي مسعود رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إِذَا أَنْفَقَ الرَّجُلُ عَلَى أَهْلِهِ يَحْتَسِبُهَا فَهُوَ لَهُ صَدَقَةٌ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۹۴) - ابو مسعود رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می کند که فرمودند: «هرگاه شخص (مسلمان) به نیت اجر و پاداش بر اهل و خانواده ی خود انفاق کند، نفقه ی او صدقه محسوب می شود». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرمایند که اگر مردی برای خانواده ای که بر او واجب است، مانند همسر، پدر و مادر، پسر و دیگران،

انفاق کند بدین وسیله به الله متعال نزدیک می شود، و ثواب آنچه را که انفاق می کند از او انتظار داشته باشد، ثواب صدقه برای او خواهد بود.

از فوائد حدیث:

۱. به دست آوردن اجر و پاداش از طریق انفاق بالای اهل و عیال.
۲. مؤمن به عمل خود رضای الله را می جوید، و آنچه از اجر و ثواب نزد اوست.
۳. داشتن نیت نیک برای هر عمل ضروری است، که از جمله آن هنگام انفاق بالای اهل و عیال است.

(۶۴۶۰)

(۱۹۵) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ: إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۹۵) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرگاه انسان بمیرد تمام اعمالش قطع می شود بجز سه مورد: صدقه جاریه، و علمی که سود می رساند، و یا فرزند صالحی که برای او دعا کند». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که کار میت با مرگش تمام می شود، پس از مرگش جز در این سه چیز، هیچ نوع نیکی های برایش حاصل نمی شود؛ چون او سبب آنها شده است:

اول: صدقه ای که ثواب آن مستمر و بدون وقفه باشد، مانند وقف، اعمار مساجد، حفر چاه ها و غیره.

دوم: علمی که مردم از آن نفع می برند، مانند تألیف کتاب های علم، و یا این که برای کسی تعلیم بدهد، و این شخص پس از مرگ او آن علم را منتشر کند. سوم: فرزند نیک مومن که برای پدر و مادر خویش دعا می کند.

از فوائد حدیث:

۱. علماء اتفاق نظر دارند که از جمله ثواب هایی که بعد از مرگ برای انسان می رسد: صدقه جاریه، و علم نافع، و دعا است، و در احادیث دیگری آمده است: همچنان حج است.

۲. در این حدیث به طور ویژه به این سه مورد اشاره شده است؛ زیرا آنها پایه های نیکی هستند، و اغلب اهل فضل قصد آن را دارند که پس از آنان باقی می ماند.

۳. هر علمی که مفید باشد ثوابش می رسد، اما در رأس و قله آن علم شرعی و علوم رسنده به او است.

۴. علم در این سه مورد سود رساننده است؛ چون علم به کسی که آن را می آموزد سود می رساند، علم مستلزم حفظ شریعت است، در آن به طور عموم به نفع مردم است، و آن جامع تر و عام تر است، زیرا او از علم تو که در زندگی تو وجود دارد و آنچه که پس از مرگ تو وجود می داشته باشد می آموزد.

۵. تشویق به تربیت فرزندان صالح؛ زیرا آنان کسانی هستند که در آخرت به پدر و مادرشان سود می‌رسانند، و یکی از نفع ایشان این است که آنان برایشان دعا می‌کنند.
۶. تشویق به نیکی به والدین پس از مرگ آنان، که این نیز نوعی نیکی است که کودک از آن بهره‌مند می‌شود.
۷. دعا برای میت سود می‌رساند، هر چند فرزندش نباشد، اما فرزند به این دلیل تخصیص داده شد، زیرا او کسی است که غالباً تا زمانی که می‌میرد برای والدین دعا می‌کند.

(۱۵۵۶)

(۱۹۶) - عَنْ مَالِكِ بْنِ أَوْسِ بْنِ الْحَدَثَانِ أَنَّهُ قَالَ: أَقْبَلْتُ أَقُولُ مَنْ يَصْطَرِفُ الدَّرَاهِمَ؟ فَقَالَ طَلْحَةُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ وَهُوَ عِنْدَ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَرِنَا ذَهَبَكَ، ثُمَّ اثْبِتْنَا، إِذَا جَاءَ خَادِمُنَا، نُعْطِكَ وَرَقَكَ، فَقَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: كَلَّا، وَاللَّهِ لَتُعْطِيَنَّهُ وَرَقَهُ، أَوْ لَتَرُدَّنَّ إِلَيْهِ ذَهَبُهُ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْوَرَقُ بِالذَّهَبِ رَبًّا، إِلَّا هَاءَ وَهَاءَ، وَالْبُرُّ بِالْبُرِّ رَبًّا، إِلَّا هَاءَ وَهَاءَ، وَالشَّعِيرُ بِالشَّعِيرِ رَبًّا، إِلَّا هَاءَ وَهَاءَ، وَالثَّمَرُ بِالثَّمَرِ رَبًّا، إِلَّا هَاءَ وَهَاءَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۹۶) - از مالک بن اوس بن الحدثان روایت است که می‌گوید: چه کسی درهم را عوض می‌کند؟ طلحه بن عبید الله در حالی که نزد عمر بن خطاب رضی الله عنه بود گفت: طلاهایت را به ما نشان بده، سپس نزد ما برگرد، هرگاه خادم مان آمد پولش را برایت میدهم، عمر بن الخطاب رضی الله

عنه گفت: نخیر، به الله سوگند، یا پولش را برایش می دهی، یا طلاهایش را به او بر می گردانی، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «فروش طلا در برابر طلا ربا است مگر اینکه دست به دست باشد؛ و فروش گندم در برابر گندم ربا است مگر اینکه دست به دست باشد؛ و فروش جو در برابر جو ربا است مگر اینکه دست به دست باشد، و فروش خرما در برابر خرما ربا است مگر اینکه دست به دست باشد». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

مالک بن اوس که تابعی بود می گوید وی دینار طلا داشت و می خواست آن را با درهم نقره عوض کند، طلحه بن عبیدالله رضی الله عنه به او گفت: دینارهایت را به ما بده تا آنها را ببینم! پس از آن که تصمیم به خرید گرفت، به او گفت: هرگاه غلامم آمد بیایید که درهم های نقره را به شما بدهم، عمر رضی الله عنه در مجلس حاضر بود و این نوع معامله را نپذیرفت، به طلحه قسم داد که نقره را الآن بدهد، و یا طلاهای را که گرفته به او برگرداند، و سبب آن را بیان نمود که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند که فروش نقره به طلا و یا بالعکس، باید جنس مقابل همان زمان بدست گرفته شود وگرنه آن معامله، ربای حرام، و بیع باطل است، طلا به نقره و نقره به طلا فروخته نمی شود، مگر دست به دست و تملک صورت گیرد، و گندم با گندم، آرد با آرد، جو با جو، خرما با خرما فروخته نمی شود، مگر مثل به مثل، وزن به وزن، پیمانه به پیمانه، دست به دست، و چیزی از آن عاجل به آجل فروش نمی شود، و از هم جدا شدن قبل از تملک (تصرف) جایز نیست.

از فوائد حدیث:

۱. اصنافی که در این حدیث ذکر شده است پنج صنف است: طلا، نقره، گندم، جو و خرما، اگر بیع در همجنس باشد، برای صحت آن دو شرط باید رعایت شود: تملک در جلسه عقد صورت گیرد، و باهم هم وزن باشد، مانند طلا به طلا، و گرنه ربای فضل است، و اگر خلاف این باشد، مانند نقره به گندم، در این صورت یک شرط برای صحت عقد وجود دارد، و آن تملک قیمت است در مجلس عقد، و گرنه ربای نسیه است.
۲. مراد از جلسه عقد: محل خرید و فروش است، خواه نشسته باشند، و یا در حال حرکت باشند، و یا سوار باشند، و مراد از تفرق آن است که بنابر عرف در بین مردم تفرق محسوب شود.
۳. نهی در حدیث شامل همه انواع طلا می شود، خواه سکه باشد و یا غیر آن، و همه انواع نقره خواه سکه باشد و یا غیر آن.
۴. در پول نقد این عصر آنچه که در فروش طلا به نقره واجب است واجب می باشد، یعنی اگر بخواهید پولی را با پول دیگر مبادله کنید، مثلاً ریال به درهم، بر اساس تفاضل و توافق طرفین، جایز است، اما تملک باید در مجلس بیع انجام شود، و گرنه معامله باطل شده و معامله ربوی حرام محسوب می شود.
۵. معاملات ربوی جایز نیست، و عقدهای آن باطل است هر چند طرفین توافق داشته باشند؛ زیرا اسلام حقوق انسان و جامعه را حفظ می کند، حتی اگر از آن تنازل کند.
۶. نهی از منکر و جلوگیری از آن برای کسانی که قادر به انجام آن هستند.

۷. ذکر دلیل در نکوهش منکر، چنانکه عمر بن خطاب رضی الله عنه چنین کار را انجام داد.

(۵۸۸۹)

(۱۹۷) - عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: فَرَضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زَكَاةَ الْفِطْرِ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ، أَوْ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ، عَلَى الْعَبْدِ وَالْحُرِّ، وَالذَّكَرِ وَالْأُنْثَى، وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، وَأَمَرَ بِهَا أَنْ تُؤَدَّى قَبْلَ خُرُوجِ الثَّالِثِ إِلَى الصَّلَاةِ. [صحيح] - [متفق عليه]

(۱۹۷) - از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم زکات فطر را بر مرد و زن، آزاد و برده، کودک و بزرگ مسلمان از هر نفر یک صاع خرما یا جو واجب نمودند، و امر نمودند که باید قبل از رفتن مردم برای ادای نماز عید پرداخته شود. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم زکات فطر را بعد از رمضان واجب نموده است، و مقدار آن یک صاع که وزن آن برابر است با چهار مُد می باشد. و مُد: به اندازه پُری کف دستان متوسط یک مرد است، از خرما و یا جو برای هر فرد مسلمان، آزاد و برده، مرد و زن، کودک و بزرگ، و زکات فطر بالای کسانی واجب می شود که از غذای روز و شب خود اضافه داشته باشند، زکات فطر خودش و از کسانی که سرپرستی آنان را می کند باید بپردازد. و امر نمود که باید قبل از رفتن مردم برای ادای نماز عید پرداخت شود.

از فوائد حدیث:

۱. زکات فطر در ماه رمضان باید از طرف کودک و بزرگ، و آزاد و برده، پرداخت شود، و سرپرست و بادار مخاطب قرار می گیرد، و مرد از طرف خود و از طرف فرزندان و کسانی که نفقه اش بدوش او است می پردازد.
۲. بالای جنین زکات فطر واجب نیست، بلکه مستحب است.
۳. بیان آنچه که در زکات فطر پرداخت می شود، و این که آن خوراک معمول مردم است.
۴. وجوب پرداخت آن قبل از نماز عید است، و بهتر است صبح روز عید پرداخت شود، و پرداخت آن یک و یا دو روز قبل از عید نیز جواز دارد.

(۴۵۲۰)

(۱۹۸) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: لَمَّا قَدِمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَدِينَةَ انْجَفَلَ النَّاسُ قِبَلَهُ، وَقِيلَ: قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ، قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ، ثَلَاثًا، فَجِئْتُ فِي النَّاسِ لِأَنْظُرَ، فَلَمَّا تَبَيَّنْتُ وَجْهَهُ، عَرَفْتُ أَنَّ وَجْهَهُ لَيْسَ بِوَجْهِ كَذَّابٍ، فَكَانَ أَوَّلُ شَيْءٍ سَمِعْتُهُ تَكَلَّمَ بِهِ أَنْ قَالَ: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَفْشُوا السَّلَامَ، وَأَطْعِمُوا الطَّعَامَ، وَصَلُّوا الْأَرْحَامَ، وَصَلُّوا بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ، تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ».

[صحيح] - [رواه الترمذي وابن ماجه وأحمد]

(۱۹۸) - از عبدالله بن سلام رضی الله عنه روایت است که گفت: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وسلم به مدینه آمد، مردم نزد او جمع شدند و گفته شد: رسول الله علیه وسلم رسیدند، رسول الله رسیدند،

رسول الله رسیدند، سه بار، من میان مردم آمدم تا نگاه کنم، چون صورتش را دیدم فهمیدم که صورتش صورت دروغگو نیست، پس اولین چیزی که از او شنیدم این بود که فرمودند: «ای مردم، سلام گفتن را رواج دهید، و پیوند خویشاوندی را به جای آورید، و غذا بدهید، و شب هنگام، درحالی که مردم خوابیده اند، نماز بخوانید تا به سلامتی (بدون هیچ رنجی) وارد بهشت شوید». [صحیح] - [ترمذی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

وقتی پیامبر صلی الله علیه وسلم به مدینه تشریف آوردند و مردم وی را دیدند، شتابان بسوی او رو آوردند، از جمله کسانی که به او رو آوردند، عبدالله بن سلام رضی الله عنه از جمله یهودان بود، وقت وی را دید، به دلیل نور، زیبایی، و هیبت راستین که در چهره وی دیده می شد، دانست که چهره اش چهره دروغگو نیست. اولین چیزی که از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنید این بود که مردم را به انجام اعمالی که موجب ورود به بهشت می شود تشویق نمودند، از جمله:

اول: پخش، اظهار و کثرت سلام دادن، بر کسانی که می شناسی و یا نمی شناسی.

دوم: طعام دادن با صدقه و هدیه و مهمان نوازی.

سوم: صله رحم و خویشاوندی با کسانی که از نظر رحم و یا خویشاوندی از طرف پدر یا مادر با آنها ارتباط دارید.

چهارم: نماز نفل، تهجد در حالی که مردم در خواب هستند.

از فوائد حدیث:

۱. مستحب بودن پخش سلام دادن در میان مسلمانان، و اما با غیر مسلمان نباید با سلام آغاز شود، حتی اگر آنها بگویند که: السلام علیکم، پاسخش فقط به: وعلیکم داده شود.

(۵۵۲۰)

(۱۹۹) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا، وَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَهُ الْمُرْسَلِينَ، فَقَالَ: {يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا، إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ} [المؤمنون: ۵۱] وَقَالَ: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ} [البقرة: ۱۷۲] ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلُ يُطِيلُ السَّفَرَ أَشْعَثَ أَغْبَرَ، يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ: يَا رَبِّ، يَا رَبِّ، وَمَطْعُمُهُ حَرَامٌ، وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ، وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ، وَغُذِيَ بِالْحَرَامِ، فَأَنَّى يُسْتَجَابُ لِذَلِكَ؟». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۱۹۹) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ای مردم، الله متعال پاک است و فقط پاکیزه را می پذیرد، الله به مؤمنان همان دستوری را داده که به پیامبران داده است؛ چنانکه می فرمایند: «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» [مؤمنون: ۵۱] «(دستور دادیم:) ای پیامبران، از نعمت های پاکي که نصیب تان کرده ایم، بخورید و کارهای شایسته انجام دهید؛ همانا من به کردارتان دانا هستم». و می فرمایند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» [بقره:

[۱۷۲] «ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهای پاکیزه ای که روزی شما کرده ایم بخورید». سپس درباره ی شخصی سخن گفتند که سفری طولانی کرده و ژولیده موی و غبارآلود است؛ دستانش را به سوی آسمان بلند می کند و می گوید: پروردگارا، پروردگارا؛ درحالی که آب و غذا و لباسش (از مال) حرام بوده و با حرام تغذیه شده است؛ چگونه دعای چنین شخصی پذیرفته می شود؟». [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم به ما خبر می دهد که الله متعال پاکیزه و مقدس است، و از هر کاستی و نقص و عیب منزّه است، و به کمالات متصف است، از اعمال و اقوال و اعتقادات جز آنچه پاکیزه بوده و خالص برای الله متعال بوده و موافق دستور پیامبر صلی الله علیه وسلم باشد را نمی پذیرد، و نباید به الله متعال جز به این وسیله تقرب جوید، و از بزرگترین چیزی که با عمل نیک برای مؤمن حاصل می شود، طعام پاک است، و باید از مال حلال باشد، و به این ترتیب کار او پاکیزه خواهد شد، لذا الله متعال به مؤمنان همان دستوری را داده است که برای پیامبران از خوردن حلال و انجام کارهای نیک داده است، چنانچه فرموده است: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ} «ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهای پاکیزه ای که روزی شما کرده ایم بخورید».

سپس وی صلی الله علیه وسلم از خوردن حرام هشدار می دهد که عمل را تباه می کند و مانع قبولی آن می شود، هر چند اسباب ظاهری برای قبولی را بخرچ دهد، منجمله:

اول: طولانی شدن سفر به منظور طاعات از قبیل حج، جهاد، حفظ صلهٔ رحمی و غیره.

دوم: غیر منظم بودن موها به خاطر شانه نشدن، تغییر رنگ خودش و رنگ لباسش به اثر خاک آلودگی، و او درمانده است.

سوم: دستان خود را بسوی آسمان بلند می کند.

چهارم: به الله متعال و نامهایش توسل و اصرار نموده و می گوید: ای پروردگار، ای پروردگار!

با وجود این اسباب استجابت دعا، دعای او شنیده نمی شود؛ زیرا خوردنی و نوشیدنی و پوشیدنی او حرام است، و از حرام تغذیه شده است، پس ممکن نیست به فردی که این خصوصیت را دارا باشد اجابت شود، پس چگونه اجابت خواهد شد؟!

از فوائد حدیث:

۱. کمال الله متعال در ذات، صفات، افعال، و احکام اش.
۲. امر به اخلاص عمل برای الله متعال، و پیروی از پیامبر صلی الله علیه وسلم.
۳. با استفاده از آنچه باعث تشویق به عمل می شود، چون پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرمایند: "إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ بِهِ الْمُرْسَلِينَ"، الله متعال به مؤمنان همان دستوری را داده که به پیامبران داده است، پس هرگاه مؤمن بداند که این از دستورات رسولان است، او تقویت و تشویق می شود و به آن گردن می نهد.
۴. از جمله موانع استجابت دعاء خوردن حرام است.

۵. از جمله اسباب استجاب دعا پنج چیز است: یک: طولانی شدن سفر به خاطر شکستگی و عاجزی که در پی دارد، دو: حالت درماندگی و بیچارگی، سه: بلند کردن دستها به آسمان، چهار: اصرار به الله متعال با ذکر مکرر ربوبیتش، و آن یک از بزرگ ترین چیزهایی است که دعا اجابت می شود، پنج: خوردنی و نوشیدنی پاکیزه.

۶. خوردن حلال و پاک از جمله اسباب کمک کننده برای عمل نیک است.
۷. قاضی گفت: پاک ضد پلیدی است، پس هرگاه الله متعال به آن وصف گردید به این معناست که از کاستی ها و آفات پاک و منزّه است، و هرگاه بنده با آن به طور کلی وصف شود، به معنای عاری بودن او از مفساد اخلاق و زشتی اعمال و بر عکس این صفات آراسته است، و هرگاه مال به آن وصف شود، منظور این است که آن مال از بهترین مال حلال است.

(۴۳۱۶)

(۲۰۰) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا، أَوْ وَصَّعَ لَهُ، أَظْلَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ». [صحيح] - [رواه الترمذي وأحمد]

(۲۰۰) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است گفت که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: « هر کسی به قرضدار دست تنگ مهلت داد، یا از قرض او کم کرد، الله متعال او را در روز قیامت زیر سایه عرش خود قرار می دهد، روزی که هیچ سایه ای بجز سایه او تعالی نیست. » [صحيح] - [ترمذی و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهند که: هر کس قرض دار را مهلت دهد، یا قرض را به او ببخشد، ثواب او این است که الله متعال در روز قیامت او را زیر سایه عرش خود قرار می دهد، آن روزی که خورشید به سرهای بندگان نزدیک می شود، و حرارت آن بالای شان شدت پیدا می کند، پس هیچ کس سایه ای نمی یابد جز کسی که الله متعال او را زیر سایه قرار دهد.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت آسان گیری بر بندگان الله متعال، و اینکه - آسان گیری - یکی از وسایل نجات از سختیهای قیامت است.
۲. پاداش هر عملی از جنس همان عمل می باشد.

(۴۱۸۶)

(۲۰۱) - عن جابر رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «رَحِمَ اللَّهُ رَجُلًا سَمَحًا إِذَا بَاعَ، وَإِذَا اشْتَرَى، وَإِذَا اقْتَضَى». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۲۰۱) - از جابر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الله رحمت کند مرد آسانگیری را که هرگاه بفروشد و بخرد و مطالبه کند». [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم دعای رحمت نمود برای کسی که در فروش آسانگیر، کریم، و سخی باشد؛ او در قیمت با خریدار فشار نمی آورد و با رفتار خوبی با او برخورد می کند، هنگام خرید آسانگیر، کریم و سخی می باشد؛

در وزن کم نمی کند تا از قیمت کالا کاهش دهد، هنگام مطالبه قرض آسانگیر، کریم و سخی می باشد؛ به فقرا و نیازمندان فشار نمی آورد، بلکه با نرمی و مهربانی از آنان مطالبه می کند، و تنگدست را مهلت می دهد.

از فوائد حدیث:

۱. یکی از اهداف شریعت حفظ آن چیزی است که برای روابط بین مردم مفید قرار می گیرد.
۲. تشویق به استفاده از اخلاق عالی در معاملات میان مردم، در خرید و فروش و مانند آن.

(۳۷۱۶)

(۲۰۲) - عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «كَانَ رَجُلٌ يُدَايِنُ النَّاسَ، فَكَانَ يَقُولُ لِفَتَاهٍ: إِذَا أَتَيْتَ مُعِيرًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ، لَعَلَّ اللَّهَ يَتَجَاوَزُ عَنْكَ، فَلَقِيَ اللَّهَ فَتَجَاوَزَ عَنْهُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۰۲) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مردی به مردم قرض می داد و به غلام خود می گفت: اگر نزد کسی رفتی که در وضعیت دشوار قرار دارد از او در گذر، شاید الله متعال از ما در گذرد، و زمانی که الله را ملاقات کرد از او در گذشت». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد: که مردی با مردم با قرض تعامل می کرد، و یا با فروش بگونه پس پرداخت (آجل) تعامل می کرد، و به غلامش که در حال جمع آوری قرض های که نزد مردم بود می گفت: هرگاه نزد بدهکاری رفتی و او به دلیل ناتوانی برای پرداخت قرض خود چیزی در اختیار

نداشته باشد، از او در گذر، یا با مهلت دادن به وی و یا با عدم اصرار بر مطالبه قرض، یا با پذیرفتن آنچه که در اختیار دارد اگرچه در آن نقص و کمی هم باشد، چون او آرزومند این است که الله متعال از گناهانش بگذرد و او را ببخشد، وقتی از دنیا رحلت نمود، الله متعال او را بخشید و از بدی هایش گذشت نمود.

از فوائد حدیث:

۱. احسان در تعامل با مردم و عفو آنان و بخشیدن کسانی که در سختی قرار دارند، از بزرگترین اسباب نجات بنده در روز قیامت است.
۲. احسان به خلق، اخلاصمندی به الله، و امید به رحمت او از اسباب آمرزش گناهان است.

(۳۷۰۳)

(۲۰۳) - عَنْ خَوْلَةَ الْأَنْصَارِيَّةِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ رَجُلًا يَتَخَوَّضُونَ فِي مَالِ اللَّهِ بِغَيْرِ حَقٍّ، فَلَهُمُ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۲۰۳) - از خولة انصاریه رضی الله عنها روایت است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمودند: مردانی هستند که بدون حق در مال الله دست می برند، برای آنان در روز قیامت آتش (دوزخ) است. [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر - صلی الله علیه و سلم - از مردمی خبر می دهند که با باطل در اموال مسلمانان دست می برند، و این اموال را بدون حق می گیرند، و این یک معنای عام در مال از نظر جمع آوری آن و کسب آن از راه نامشروع و صرف آن در

جاهای ناروا است، و این نیز شامل: خوردن اموال یتیمان، اموال وقف، انکار کردن امانت ها، و گرفتن اموال عامه بدون حق می باشد.
سپس او صلی الله علیه وسلم فرمودند که جزای آنها در روز قیامت آتش است.

از فوائد حدیث:

۱. مال که در دست مردم است، مال الله می باشد، و آن را به آنها واگذار کرده تا آن را در راه های مشروع بکار گرفته و مصرف کنند، و دست بردن در آن از طریق باطل حرام است، و این حکم عام برای فرمانروایان و سایر مسلمان می باشد.
۲. سخت گیری شریعت در اموال بیت المال و اینکه به هر کس چیزی از آن سپرده شود، در قیامت نسبت به جمع آوری و خرج آن پاسخگو باشد.
۳. این هشدار شامل کسانی می شود که در مال تصرف غیر مشروع می کنند، خواه مال خودشان باشد یا مال دیگران.

(۵۳۱)

(۲۰۴) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «قَالَ اللَّهُ: كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ لَهُ، إِلَّا الصَّيَامَ، فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ، وَالصَّيَامُ جُنَّةٌ، وَإِذَا كَانَ يَوْمُ صَوْمِ أَحَدِكُمْ فَلَا يَرَفْثُ وَلَا يَصْحَبُ، فَإِنْ سَابَهُ أَحَدٌ أَوْ قَاتَلَهُ، فَلْيُقِلْ لِي امْرُؤٌ صَائِمٌ، وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لَخُلُوفُ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمَسْكِ، لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ يَفْرَحُهُمَا: إِذَا أَفْطَرَ فَرِحَ، وَإِذَا لَقِيَ رَبَّهُ فَرِحَ بِصَوْمِهِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۰۴) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الله عزوجل می فرماید: هر عمل آدمیزاد برای خودش

می باشد، جز روزه که از آن من است، و من خودم پاداش آن را می دهم. روزه سپری (در برابر آتش دوزخ) است؛ پس هرگاه یکی از شما روزه بود، نباید ناسزا بگوید، یا بر کسی فریاد بزند، و اگر کسی به او دشنام داد یا با او درگیر شد، در جوابش بگوید: من روزه هستم. سوگند به ذاتی که جان محمد در دست اوست، بوی دهان روزه دار نزد الله از بوی مشک خوش تر است. روزه دار دوبار خوشحال می شود: آنگاه که افطار می کند، به خاطر افطارش خوشحال می گردد، و آنگاه که پروردگارش را ملاقات می نماید، از بابت روزه اش شادمان می شود». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم در این حدیث قدسی خبر می دهد که الله متعال می فرماید:

هر عمل فرزند آدم ده برابر تا هفتصد برابر افزایش می یابد بجز روزه؛ زیرا آن برای من است، و خود نمایی در آن واقع نمی شود، و من پاداش آن را می دهم و در شناخت مقدار ثواب و چند برابر شدن حسناتش من تنها هستم. سپس فرمودند: (روزه سپر است) ووقایه و پوشش و قلعه محکمی از آتش جهنم است؛ زیرا روزه مانع شهوت ها و ارتکاب گناهان می گردد، و آتش جهنم به شهوت ها پوشانیده شده است. (پس هرگاه یکی از شما روزه بود، فحش نگوید) با آمیزش و مقدمات آن، و نه با سخنان زشت و ناسزا.

(و نه با کسی درگیر شود) با دشنام دادن و فریاد زدن.

(و اگر کسی به او دشنام داد یا با او درگیر شد) در رمضان در جوابش بگوید: من روزه هستم؛ شاید از کار خود منصرف شود، ولی اگر واقعا برای درگیر شدن اصرار داشت، او را به چیزی خفیف دفع کند، مانند دفع نمودن ستمگر. سپس وی صلی الله علیه وسلم به ذاتی که روح او در در دستش است سوگند و قسم یاد کرد، این که تغییر بوی دهان روزه دار در اثر روزه در روز قیامت نزد الله متعال خوشایندتر از مشکبست که نزد شما است، و ثوابش بیشتر از مشکبست که در جمعه ها و مجالس ذکر به آن توصیه می شود. روزه دار دوبار خوشحال می شود: آنگاه که افطار می کند، به خاطر افطارش خوشحال می گردد و آنگاه که پروردگارش را ملاقات می نماید، از بابت روزه اش شادمان می شود».

روزه دار دو شادی دارد: آنگاه که افطار می کند و به افطار خود خوشحال می شود چون گرسنگی و تشنگی او رفع می شود، چنانکه به او اجازه داده شده که افطار کند، و از تمام شدن روزه و پایان عبادت خوشحال می شود، و از تخفیف از جانب پروردگارش، و کمک به روزه آینده او می باشد.

(و چون پروردگارش را ملاقات کند از روزه اش شادمان می شود)، از بهر ثواب و پاداش آن.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت روزه و اینکه صاحبش را در دنیا از شهوات و در آخرت از عذاب جهنم نکه می کند.

۲. یکی از آداب روزه، پرهیز از سخنان زشت و بیهوده، و شکیبایی در برابر اذیت و اهانت مردم با صبر و نیکی می باشد.

۳. اگر روزه‌دار و یا عبادت کننده به خاطر تمام شدن عبادتش و اتمام آن خوشحال شود، از اجر اخروی او کاسته نمی‌شود.
۴. شادی کامل در ملاقات با الله متعال قابل تحقق است، زمانی که به صابران و روزه داران ثواب بدون حساب داده می‌شود.
۵. آگاه ساختن مردم از طاعت هنگام لزوم و مصلحت، ریا شمرده نمی‌شود، بنابر قول وی صلی الله علیه وسلم: (من روزه دار هستم).
۶. روزه‌داری که روزه‌اش کامل باشد، کسی است که اعضایش از گناهان، زبانش از دروغ و فحش و گفتار باطل، و شکمش از خوردن و آشامیدن روزه باشد.
۷. تأکید بر نهی درگیر و نزاع و داد و فریاد هنگام روزه داری، در غیر این صورت افراد غیر روزه دار نیز از آن منع شده‌اند.
۸. این حدیث همان حدیثی است که پیامبر صلی الله علیه وسلم از پروردگارش روایت می‌نماید، و آن را حدیث قدسی یا الهی می‌نامند، که لفظ و معنای آن از جانب الله متعال می‌باشد، ولی شامل خصوصیات قرآن که ویژه آن است از قبیل عبادت به تلاوت آن و برای تلاوت آن طهارت و معجزه بودن و غیره امور دیگر نمی‌باشد.

(۲۰۵) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيْمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۰۵) - از ابوهريره - رضی الله عنه - روایت است گفت: که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که رمضان را از روی ایمان و به امید ثواب روزه بگیرد، گناهان قبلی او بخشیده می شود» [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - خبر می دهد (می فرماید): هر کسی ماه رمضان را - از روی ایمان به الله متعال و اعتقاد به وجوب روزه و آنچه الله متعال برای روزه داران از نظر اجر و ثواب مهیا کرده است - روزه بگیرد، و هدف او از روزه گرفتن رضای الله متعال باشد؛ نه خودنمایی و شهرت، گناهان گذشته او بخشیده می شود.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت اخلاص و اهمیت آن در روزه گرفتن ماه مبارک رمضان و سایر اعمال نیک.

(۴۱۹۶)

(۲۰۶) - عَنْ سَهْلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ فِي الْحَجَّةِ بَابًا يُقَالُ لَهُ الرَّيَّانُ، يَدْخُلُ مِنْهُ الصَّائِمُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ، يُقَالُ: أَيْنَ الصَّائِمُونَ، فَيَقُومُونَ لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ، فَإِذَا دَخَلُوا أُغْلِقَ، فَلَمْ يَدْخُلْ مِنْهُ أَحَدٌ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۰۶) - از سهل رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «در بهشت دروازه ای به نام ریّان وجود دارد که روزه داران در روز قیامت از آن وارد بهشت می شوند و کسی جز آنان از این

دروازه وارد بهشت نمی گردد؛ گفته می شود: روزه داران کجا هستند؟ پس روزه داران برمی خیزند و هیچکس جز آنان از این دروازه به بهشت نمی رود و آنگاه که روزه داران وارد بهشت می شوند، این دروازه بسته می گردد و دیگر کسی از این درب وارد نمی شود». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که در بهشت دروازه ای وجود دارد که به آن: ریان گفته می شود، و در روز قیامت مخصوص روزه داران است و کسی جز آنها از آن وارد نمی شود، صدا زده می شود: روزه داران کجا هستند، پس همه روزه داران پا می ایستند و وارد می شوند، و جز آنان کسی دیگر وارد نمی شود، و چون آخرین فرد روزه داران از آن وارد شود، بسته شده و کسی پس از او وارد نمی شود.

از فوائد حدیث:

۱. نووی می گوید: این حدیث حاوی فضیلت روزه و اکرام روزه داران است.
۲. الله متعال یکی از درهای هشت گانه بهشت را به روزه داران اختصاص داده است، که هرگاه از آن وارد شوند بسته می شود.
۳. بیان این که بهشت دارای درهای هست.
۴. سندی می گوید: قول او: (أین الصائمون) یعنی آنعده روزه داران که زیاد روزه می گرفته اند، مانند عادل و ظالم، به کسی گفته می شود به آن عادت کرده اند، نه به آن که یک بار آن را انجام داده است.
۵. (الریان) یعنی آن که سیراب می کند؛ زیرا روزه داران به ویژه در روزهای طولانی و گرم تابستان تشنه می شوند؛ پس با آنچه که به

آنان اختصاص دارد پاداش داده می شوند، دروازهٔ الریان، و گفته شده که الریان دو فعل است

۶. سیراب کنندهٔ زیاد ضد تشنگی، و به آن نامیده شده؛ زیرا این پاداش تشنگی و گرسنگی روزه داران است.

(۳۷۳۸)

(۲۰۷) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «إِذَا جَاءَ رَمَضَانُ فَتُحْتِ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ، وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ، وَصُفِّدَتِ الشَّيَاطِينُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۰۷) - ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت نموده که فرمودند: «آنگاه که رمضان فرا می رسد، دروازه های بهشت گشوده و دروازه های دوزخ بسته می گردد و شیطان ها به زنجیر کشیده می شوند». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده اند زمانی که ماه رمضان داخل شود، سه اتفاق می افتد: اول: درهای بهشت گشوده شده، و هیچ دری آن بسته نمی گردد. دوم: درهای جهنم بسته شده و هیچ دری آن باز نمی شود. سوم: شیاطین و جن های ظالم و متجاوز به زنجیرها بسته می شوند، و آنچه را که قبل از رمضان انجام می دادند نمی توانند آن را انجام دهند. همه اینها برای تعظیم این ماه، و ترغیب به کثرت کارهای نیک، مانند نماز، صدقه، ذکر، خواندن قرآن و و با دوری از گناهان و معصیت ها.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت ماه رمضان

۲. مژده به روزه داران که این ماه مبارک موسم عبادت و نیکی است.
۳. به زنجیر کشیدن شیاطین در ماه رمضان اشاره به رفع عذر شخص مکلف است، که گویا به او گفته می شود: شیاطین از شما بازداشته شده اند، پس آنها را بهانه برای ترک طاعت یا انجام معصیت قرار ندهید.
۴. قرطبی گفت: اگر گفته شود: اگر واقعا شیطانان به زنجیر کشانیده باشند ما چگونه در ماه رمضان شاهد شرها و معصیت ها می باشیم؟ جواب: این فقط برای روزه دارانی صدق می کند که شرط ها و آدابش را رعایت کرده باشند، و یا بعضی از شیاطین ظالم و ستمگر به زنجیر کشانده می شوند، نه همه آنها چنانچه در بعضی روایات ذکر شده است، و یا منظور از آن کاهش شر در ماه رمضان است، و این امری محسوس است، و وقوع این امر در ماه رمضان نسبت به سایر ماه های دیگر کمتر می باشد، زیرا با زنجیر کشاندن همه آنها، لازم نیست هیچ شر و یا معصیتی رخ ندهد؛ زیرا برای این امر اسبابی غیر از شیاطین وجود دارد، مانند نفس های خبیث، عادات زشت و شیاطین انسانی.

(۱۰۱۰۷)

(۲۰۸) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ نَسِيَ وَهُوَ صَائِمٌ، فَأَكَلَ أَوْ شَرِبَ، فَلْيَتِمَّ صَوْمَهُ، فَإِنَّمَا أَطْعَمَهُ اللَّهُ وَسَقَاهُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۰۸) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرکس روزه داشت و از روی فراموشی چیزی خورد یا نوشید، روزه اش را کامل کند که الله به او غذا و آب داده است». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان می دارد: هر کس در حال روزه ی واجب یا نفلی از روی فراموشی غذا بخورد یا بیاشامد، باید روزه اش را تمام کند و افطار نکند؛ زیرا او قصد افطار را نداشت، بلکه روزه ی بود که الله متعال او را به آن سوق داد و برای او غذا و آب داده است.

از فوائد حدیث:

۱. درست بودن روزه برای کسی که از روی فراموشی بخورد و یا بنوشد.
۲. بر کسی که از روی فراموشی بخورد و یا بنوشد گناهی نیست؛ زیرا آن در اختیارش نیست.
۳. لطف الله متعال بر بندگان و آسانی او بر آنان و برداشتن مشقت و تقصیر از آنان.
۴. روزه روزه دار با هیچ یک از شکننده های روزه نمی شکند، مگر اینکه دربرگیرنده این سه شرط باشد: اول: به قصد خوردن، و اگر از روی قصد انجام دهد روزه اش نمی شکند، دوم: به خاطر داشته باشد، و اگر از روی فراموشی انجام دهد روزه اش صحیح است و قضا بر وی نیست، سوم: اختیاری باشد نه از روی جبر و اکراه، به این معنی که خوردن شکننده روزه به اختیارش باشد.

(۲۰۹) - عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا زَوْجَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الْأَوَّلَ مِنَ رَمَضَانَ، حَتَّى تَوَقَّاهُ اللَّهُ، ثُمَّ اعْتَكَفَ أَرْوَاجُهُ مِنْ بَعْدِهِ. [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۰۹) - از عایشه ام المومنین رضی الله عنها همسر پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است: که پیامبر الله صلی الله علیه وسلم تا زنده بودند، ده روز آخر ماه رمضان را اعتکاف می کردند، و بعد از وفات ایشان، همسرانش این ده روز را به اعتکاف می نشستند. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

عایشه ام المومنین رضی الله عنها خبر می دهد که رسول الله صلی الله علیه وسلم جهت درک شب قدر، ده روز آخر ماه رمضان را اعتکاف می کردند؛ و تا زنده بودند به آن پابند بودند، و همسرانش رضی الله عنهن بعد از وی به اعتکاف می نشستند.

از فوائد حدیث:

۱. مشروعیت اعتکاف در مساجد، حتی برای زنان مشروط به ضوابط شرعی و در امان بودن از فتنه.
۲. اعتکاف در دهه آخر ماه مبارک رمضان موکد است، بنابر پابندی پیامبر صلی الله علیه وسلم بر آن.
۳. اعتکاف سنت مستمری است که منسوخ نشده است، چنانکه همسران وی صلی الله علیه وسلم بعد از وی اعتکاف کرده اند.

(۲۱۰) - عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَجْتَهِدُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مَا لَا يَجْتَهِدُ فِي غَيْرِهِ. [صحيح] - [رواه مسلم]

(۲۱۰) - از مادر مؤمنان عائشه رضی الله عنها روایت است: چنانکه رسول الله صلی الله علیه وسلم در دهه ی پایانیِ رمضان برای عبادت کوشش می کردند، در وقتِ دیگری آن همه تلاش نمی کردند. [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم زمانی که ماه رمضان وارد دهه ی آخر می شدند، با تناسب هر زمان دیگر در عبادت و طاعت بی نهایت سعی می ورزیدند، و در انواع کارهای خیر و اصناف نیکی ها و عبادت ها مبالغه می نمودند؛ جهت بزرگی و فضیلت این شب ها، و طلب شب قدر.

از فوائد حدیث:

۱. تشویق به انجام اعمال نیک و انواع طاعت های بیشتر در ماه رمضان به طور عام و در دهه آخر به طور خاص.
۲. دهه آخر ماه رمضان از شب بیست و یکم آغاز تا پایان ماه می باشد.
۳. مستحب بودن غنیمت شمردن اوقات فاضله در انجام طاعات و عبادات.

(۲۱۱) - عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ الْعَشْرُ أَحْيَا اللَّيْلَ، وَأَيَقَظُ أَهْلَهُ، وَجَدَّ وَشَدَّ الْمِئْزَرَ. [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۱۱) - از عایشه ام المومنین رضی الله عنها روایت است که می گوید: هنگامی که دهه ی پایانی ماه رمضان فرا می رسید، رسول الله صلی الله علیه وسلم شب را به عبادت سپری می کرد، و خانواده اش را بیدار می نمود، و کمرش را محکم می بست. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

هرگاه دهه ی آخر ماه رمضان فرا می رسید، رسول الله صلی الله علیه وسلم شب ها را با عبادات مختلف می گذراند و خانواده اش را برای نماز بیدار نموده و برای عبادت بیش از معمول تلاش می کرد و از همسرانش دوری می کرد.

از فوائد حدیث:

۱. تشویق به بهره گیری از اوقات با فضیلت در اعمال نیک.
۲. نووی می گوید: پس در این حدیث: استحباب افزایش عبادت در دهه آخر رمضان، و استحباب احیای شب های آن در عبادت.
۳. بنده باید حریص باشد تا خانواده اش را به عبادت امر نماید، و در این امر صبور و شکیبا باشد.
۴. انجام کارهای نیک نیازمند عزم، صبر و استقامت است.

۵. نووی می گوید: علما در معنای (شدّ المِثْر) (بستن محکم کمر) اختلاف دارند، پس گفته می شود: این اجتهاد در عبادات علاوه بر عادت وی صلی الله علیه وسلم است، به این معنی که: در سایر چیزها این است که: آستین بر زدن و آماده شدن برای عبادات، گفته می شود: من برای این کار کمرم را بستم و آماده شدم، یعنی: آستینم را بر زدم و خود را برای این کار فارغ کردم، و گفته می شود: این یک کنایه است برای دوری از زنان جهت مشغول شدن برای عبادت.

(۴۹۴)

(۲۱۲) - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بَاعَدَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ سَبْعِينَ خَرِيفًا». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۱۲) - از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرکس یک روز در راه الله روزه بگیرد، الله متعال رویش را به اندازه ی مسافت هفتاد خزان (سال) از جهنم دور می کند». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر دادند که هرکس به اخلاص و از روی ثواب و پاداش یک روز در راه الله روزه بگیرد، و گفته شده در راه جهاد و غیره، این است که الله متعال به فضل و احسان خود چهره ی او را هفتاد سال از آتش دوزخ دور می کند.

از فوائد حدیث:

۱. نووی می گوید: فضیلت روزه در راه الله متعال، بر کسانی است که توسط آن متضرر نشده، و از بهر آن حقی ضایع نشود، جنگ و غیره مسولیت های رزمی او مختل نمی گردد.
۲. تشویق و ترغیب به روزه نفلی.
۳. وجوب اخلاص و کسب رضای الله متعال، از روی ریا و خودنمایی یا برای اهداف دیگر روزه نگیرد.
۴. السنندی می گوید: در قول او (في سبيل الله)، احتمال می رود که مراد از آن تنها اصلاح نیت باشد، و نیز احتمال می رود که در حال جهاد روزه بگیرد، و احتمال دوم به ذهن نزدیکتر است.
۵. ابن حجر می گوید: قول او: (سبعين خريفاً) پاییز (خزان) زمان معلومی از سال است، و اینجا مراد از آن سال است، و پاییز (خزان) را بدون بقیه فصل های سال - تابستان و زمستان و بهار - اختصاص داده؛ زیرا پاییز (خزان) صاحبتر و پاکیزه ترین فصل هاست، چون در این فصل میوه ها برداشته می شوند.

(۲۱۳) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: أَوْصَانِي خَلِيلِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِثَلَاثٍ: صِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ، وَرُكْعَتَي الصُّحَى، وَأَنْ أُوتَرَ قَبْلَ أَنْ أُنَامَ. [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۱۳) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که فرمود: دوست عزیزم (صلی الله علیه وسلم) مرا به روزه ی سه روز از هر ماه، و دو رکعت نماز چاشت، و خواندن نماز وتر قبل از آن که بخوابم سفارش فرمودند. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

ابوهریره رضی الله عنه خبر می دهد که حبیب و همسفر او پیامبر صلی الله علیه وسلم او را نصیحت کرد که به سه خصلت پایبند باشد:

اول: روزه سه روز از هر ماه.

دوم: دو رکعت نماز چاشت هر روز.

سوم: خواندن نماز وتر قبل از خواب؛ این برای کسانی هست که از بیدار شدن در آخر شب بیم دارند که شاید بیدار نشود.

از فوائد حدیث:

۱. تفاوت وصیت های پیامبر صلی الله علیه وسلم برای صحابه اش: بر اساس آگاهی وی صلی الله علیه وسلم از احوال صحابه اش، با آنچه که برای هر یک آنان مناسب باشد می بود، پس برای شخص نیرومند جهاد مناسب است، و برای عابد عبادت مناسب است، و برای عالم علم مناسب است، و به همین ترتیب.

۲. ابن حجر عسقلانی در سخن خود می گوید: سه روز روزه از هر ماه که ظاهراً مراد از آن روزهای بیض است؛ که عبارتند از: روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه هجری.
۳. ابن حجر العسقلانی گفته است: در این حدیث مستحب بودن تقدیم وتر بر خواب است، و این در حق کسی است که از بیدار شدن خود مطمئن نباشد.
۴. اهمیت این سه اعمال؛ بنابر توصیه پیامبر صلی الله علیه وسلم بر آن به تعدادی از صحابه خود.
۵. ابن دقیق العید در سخن خود می گوید: (و دو رکعت نماز ضحی یا چاشت): شاید کمترین را ذکر کرده که عمل آن بر آن تأکید می کند، و در این دلالت بر مستحب بودن نماز چاشت است، و این که کمترین آن دو رکعت است.
۶. وقت نماز چاشت: تقریباً یک ربع بعد از طلوع آفتاب می باشد، و وقت آن تقریباً تا ده دقیقه قبل از ظهر طول می کشد، و تعداد آن: کمترین آن دو رکعت است، ولی در بیشترین آن اختلاف است؛ گفته شده که: هشت رکعت، و گفته شده که: برای اکثر آن حدی نیست.
۷. وقت نماز وتر: بعد از نماز خفتن تا طلوع فجر می باشد، که حد اقل آن یک رکعت و حد اکثر آن یازده رکعت است.

(۲۱۴) - عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «تَسَحَّرُوا، فَإِنَّ فِي السَّحُورِ بَرَكَهً». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۱۴) - از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت:
پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «سحری بخورید که در سحری
خوردن برکت است». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم به سحری که صرف غذا در آخر شب برای
آمادگی برای روزه می باشد، تشویق کرده اند؛ زیرا در آن خیر و برکت بزرگی از
پاداش و ثواب است، و قیام در آخر شب برای دعاء، و تقویت خویش برای روزه
گرفتن، و با نشاط بودن برای آن، و کاهش سختی آن می باشد.

از فوائد حدیث:

۱. مستحب بودن سحری و رعایت دستور شرعی برای انجام آن.
۲. ابن حجر در فتح الباری می گوید: برکت در سحری از جهات
متعددی رخ می دهد که عبارتند از: پیروی از سنت، و مخالفت با
اهل کتاب، تقویت بر عبادت به وسیله آن، افزایش فعالیت و نشاط،
دفع رفتار ناپسند ناشی از گرسنگی، و سبب صدقه به کسی که آن
را بخواند و یا با او یکجا غذا بخورد، و سبب ذکر و دعاء در وقت
توقع اجابت دعاء، و رسیدگی به نیت روزه برای کسانی که قبل از
خواب آن را فراموش و یا غفلت کرده اند.

۳. حسن آموزش پیامبر صلی الله علیه وسلم چون حکم را با حکمت آمیخته می نمودند تا با آن شرح صدر صورت گیرد، و توسط آن برتری شریعت به معرفی گرفته می شود.

۴. ابن حجر می گوید: سحری با کمترین غذا و نوشیدنی که انسان می خورد به دست می آید.

(۴۴۹۸)

(۲۱۵) - عَنْ أَبِي عُبَيْدٍ، مَوْلَى ابْنِ أَزْهَرَ، قَالَ: شَهِدْتُ الْعِيدَ مَعَ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَقَالَ: هَذَا يَوْمَانِ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ صِيَامِهِمَا: يَوْمٌ فَطَرَكُمْ مِنْ صِيَامِكُمْ، وَالْيَوْمَ الْآخَرَ تَأْكُلُونَ فِيهِ مِنْ نُسُكِكُمْ. [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۱۵) - از ابوعبید مولى ابن ازهر روایت است که می گوید: روز عید همراه عمر بن خطاب رضی الله عنه بودم که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم از روزه گرفتن این دو روز نهی کرده اند: روز عید فطر که روزه به پایان می رسد و روز دیگری که در آن از قربانی تان می خورید. (عید قربان). [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از روزه گرفتن در روز عید فطر و عید قربان نهی کرده اند؛ و اما عید فطر، روز افطار ماه رمضان است، و عید قربان، روز خوردن از قربانی (حیوانات ذبح شده) است.

از فوائد حدیث:

۱. تحریم روزه در روز عید فطر و عید قربان و روزهای تشریق؛ زیرا روزهای تشریق تابع روز عید قربان است، مگر برای کسی که قربانی نکرده باشد می تواند روزهای تشریق را روزه بگیرد.

۲. ابن حجر می گوید: گفته شده که: فایده وصف دو روز اشاره بر علت واجب بودن افطار در آن دو روز است، که همانا فصل و جدایی از روزه است، و اظهار پایان آن به افطار بعد از آن، و افطار بعدی برای قربانی است که تقرب توسط خوردن چیزی ذبح شده حاصل می گردد.

۳. برای خطیب مستحب است در خطبه خود احکام مربوط به وقت را ذکر نموده و در تلاش و جستجوی مناسبت ها باشد.

۴. مشروعیت خوردن از قربانی.

(۴۵۲۷)

(۲۱۶) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ يَقُمْ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيْمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۱۶) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است گفت که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که شب قدر را از روی ایمان، و به امید ثواب زنده سپری کرد، گناهان گذشته وی بخشیده می شود». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - از فضیلت شب قدر که در دههٔ اخیر ماه مبارک رمضان می باشد خبر می دهند (می فرمایند): هر کسی که در آن با نماز و دعا و تلاوت قرآن کریم کوشش کند، در حالی که به آن و آنچه در بارهٔ فضیلت آن آمده است ایمان داشته باشد، و به عمل خویش آرزوی کسب ثواب از جانب پروردگار داشته باشد، بدون اینکه ارادهٔ خودنمایی و طلب شهرت داشته باشد، تمامی گناهان قبلی وی بخشیده می شود.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت شب قدر و تشویق به زنده داری آن.
۲. اعمال نیک تنها با اخلاص در نیت پذیرفته می شود.
۳. فضل و رحمت الله متعال، زیرا هر کسی در شب قدر از روی ایمان و به امید ثواب شب خیزی کند؛ گناهان گذشته اش بخشیده می شود.

(۲۰۶)

(۲۱۷) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: سمعت النبي صلى الله عليه وسلم يقول: «مَنْ حَجَّ لِلَّهِ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ».

[صحیح] - [متفق علیه]

(۲۱۷) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمودند: «کسی که برای رضای الله متعال حج کند و آمیزش جنسی نکند و مرتکب گناهی نشود، مانند روزی که مادرش او را به دنیا آورده، برمی گردد».

[صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم تصریح می کند که هر که برای رضای الله متعال حج کند و آمیزش جنسی نکند، و (الرفث): همان همبستری و مقدمات آن است از قبیل بوسیدن و نزدیکی، و همچنان به گفتار زشت نیز گفته می شود، (و لم یفسق): و کاری فسق را انجام ندهد با ارتکاب گناهان و اعمال زشت، و از جمله موارد فسق، رو آوردن به ممنوعات احرام می باشد، این شخص از حج خود طوری برمی گردد، همانطوری که کودک از گناهان سالم متولد می شود.

از فوائد حدیث:

۱. گرچه ارتکاب گناهان و اعمال زشت در همه حالات ممنوع است، اما به دلیل احترام و تعظیم به مناسک حج، ممنوع بودن آن در حج تاکید شده است.
۲. انسان بدون گناه به دنیا می آید و از گناه پاک می باشد؛ پس او گناه دیگران را به دوش نمی کشد.

(۲۷۵۸)

(۲۱۸) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «تَابِعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ حَبَثَ الْحَدِيدِ، وَالذَّهَبِ، وَالْفِضَّةِ، وَلَيْسَ لِلْحَجَّةِ الْمَبْرُورَةِ ثَوَابٌ إِلَّا الْحِجَّةُ». [صحيح] - [رواه الترمذي والنسائي وأحمد]

(۲۱۸) - از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: « حج و عمره را پیهم ادا نمایید، چون فقر و گناه را از بین می برد، همان گونه که کوره آلودگی ها را از آهن و طلا و نقره می زداید، و برای حج قبول شده پاداشی جز بهشت نیست. [صحيح] -

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم به ادای پیهم مناسک حج و عمره و عدم انقطاع ادای آنها با وجود توانایی تشویق نموده است، زیرا ادای آنها سبب رفع فقر و گناه و تأثیر آن بر قلب می گردد، همانگونه که کوره آتش سبب زدودن چرک و کثافت آهن و فلزات که به آن خلط گردیده می باشد.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت ادای پیهم حج و عمره و تشویق به انجام آن.
۲. متابعه و ادای پیهم حج و عمره از اسباب غنامندی و آمرزش گناهان است.
۳. مبارکفوری می گوید: (فقر را نفی می کنند) یعنی از بین می برد، و دلالت بر فقر ظاهری به حصول غنامندی دست، و فقر باطنی به حصول غنامندی قلب می کند.

(۶۶۲۷)

(۲۱۹) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ ثَلِيَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ، لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ» قَالَ: وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا يَزِيدُ فِيهَا: لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ، وَسَعْدَيْكَ، وَالْحَيُّ بَيْدَيْكَ، لَبَّيْكَ وَالرَّغْبَاءُ إِلَيْكَ وَالْعَمَلُ. [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۱۹) - از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین لبیک می گفت: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ»، راوی می گوید: و عبدالله بن عمر علاوه بر این می گفت: «لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ،

وَسَعْدِيكَ، وَالْخَيْرِ يَدِيكَ، لَبَّيْكَ وَالرَّغْبَاءُ إِلَيْكَ وَالْعَمَلُ». «مطیع و فرمانبردار تو هستم؛ تمام نیکی ها و خوبی ها به دست توست؛ و تنها از تو بازاری و تضرع درخواست می کنم و فقط برای تو عمل می کنم». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

کیفیت تلبیه گفتن رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه اراده مناسک حج و عمره را می نمودند می فرمودند: (لبيك اللهم لبيك) لزوم اجابت تو پس از آن که برای اجابت که بسوی آن ما را فراخواندی از قبیل اخلاص و توحید و حج و غیره، (لبيك لا شريك لك لبيك) تنها تو مستحق عبادت هستی که ربوبیت و الوهیت و اسماء و صفات خود شریک نداری، (إن الحمد) شکر و ستایش (والنعمه) از سوی تو و تو عطا کننده آن هستی (لك) در تمام احوال به تو محول می شود، (والملك) همچنان از آن توست، (لا شريك لك) همه آنها مربوط به شماست. و ابن عمر رضی الله عنهما بر آن میافزود: (لبيك لبيك وسعديك) مرا پس از خوشبختی خوشبخت نما، (والخير يديك) همه آن از روی فضل و احسان تو است، (لبيك والرغباء إليك) و طلب و مسأله برای کسی است که خیر بدست اوست، (والعمل) ویژه تو است و تنها تو مستحق عبادت هستی.

از فوائد حدیث:

۱. مشروعیت گفتن تلبیه در حج و عمره، و تاکید بر آن؛ زیرا این یک شعار خاص آنست، مانند که تکبیر شعار نماز است.
۲. ابن منیر می گوید: و در مشروعیت تلبیه تنبیه الله متعال است برای عزت بندگانش که زیارت خانه او فقط به دعوت او سبحانه و تعالی بوده است.

۳. بهتر است که بر تلبیۀ پیامبر صلی الله علیه وسلم پایبند بمانیم، و افزودن بر آن اشکالی ندارد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم به آن اقرار نموده است، ابن حجر می گوید: این همان عادلانه ترین راه است، پس آنچه که بشکل مرفوع آمده جدا نماید، و هرگاه بخواهد قول موقوف و یا سخن ساخته خودش که شایسته باشد به زبان بیاورد، آن را باید بشکل جدا بخواند و با آنچه که بشکل مرفوع نقل شده است خلط نکند، و این شبیه دعاء کردن در تشهد است، و او در این مورد گفته است: و از مسأله و ثناء آنچه را که بخواهد اختیار کند: یعنی بعد از تمام کردن آنچه که بشکل مرفوع نقل شده است.

۴. مستحب بودن بلند کردن صدا هنگام تلبیه، و این در مورد مرد است، اما زن از بیم فتنه صدایش را پایین بیاورد.

(۴۳۵)

(۲۲۰) - عن ابن عباس رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَا مِنْ أَيَّامٍ الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِيهَا أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ هَذِهِ الْأَيَّامِ» يعني أَيَّامُ الْعَشْرِ، قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَلَا الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؟ قال: «وَلَا الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، إِلَّا رَجُلٌ خَرَجَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ فَلَمْ يَرْجِعْ مِنْ ذَلِكَ بِشَيْءٍ». [صحيح] - [رواه البخاري وأبو داود، واللفظ له]

(۲۲۰) - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: هیچ روزهای نیست که عمل صالح نزد الله متعال محبوبتر از این روزها نباشد» یعنی ده روز، گفتند: یا رسول الله حتی جهاد در راه الله؟ فرمودند: «حتی جهاد در راه الله، مگر مردی که با نفس و مال خود برود و با چیزی از آن برنگردد». [صحيح] - [بخاری و ابو داود روایت کرده، و لفظ از او است]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرمایند که اعمال نیک در ده روز اول ذی الحجه بهتر از روزهای دیگر سال است.

صحابه رضی الله عنهم از پیامبر صلی الله علیه وسلم از جهاد در غیر این ده روز پرسیدند که آیا بهتر است یا خیر؟ چون نزد آنان ثابت بود که جهاد از بهترین اعمال است.

پس او صلی الله علیه وسلم پاسخ داد که: عمل صالح در این روزها بهتر از جهاد در روزهای دیگر است، مگر مردی که برای جهاد برآید و جان و مال خود را در راه الله به خطر اندازد، سپس مال خود را از دست دهد و روحش در راه الله نثار گردد، این همان چیزی است که در این ایام با فضیلت بر کار نیک ترجیح داده می شود.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت انجام دادن عمل صالح در ده روز اول ذی الحجه، پس مسلمان باید از این روزها بهره ببرند، و عبادات زیادی در این ایام انجام دهند، از قبیل ذکر الله متعال، خواندن قرآن کریم، تکبیر، تهلیل، حمد، نماز، صدقه، روزه و همه اعمال نیک.

(۲۲۱) - عن أنس رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «جَاهِدُوا الْمُشْرِكِينَ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَالسَّنَتُكُمْ». [صحيح] - [رواه أبو داود والنسائي وأحمد]

(۲۲۱) - از انس رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «با مال و جان و زبان تان با مشرکان جهاد کنید». [صحيح] - []

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم مومنان را به جهاد با کافران امر می کنند، و برای مقابله با آنان به هر وسیله ممکن تلاش کنند تا کلمه الله متعال بلند باشد، منجمله:

اول: جهاد با آنها از طریق خرچ کردن مال، از قبیل خریدن سلاح و تجهیز مجاهدان و موارد مشابه است.

دوم: خروج بانفس و بدن برای رویارویی و دفع کردن کافران.

سوم: دعوت آنان بسوی این دین توسط زبان، اقامه حجت بر علیه آنان، توبیخ و رد بر آنان.

از فوائد حدیث:

۱. تشویق به جهاد در برابر مشرکان با جان و مال و زبان؛ هرکس به اندازه توان اش، و این که جهاد با جنگ و قتال محدود نمی شود.
۲. امر به جهاد برای وجوب، و ممکن واجب عینی، و یا واجب کفایی باشد.
۳. الله متعال جهاد را بنابر اموری مقرر فرموده، منجمله:
۴. اول: مقاومت در برابر شرک و مشرکان؛ زیرا الله متعال هرگز شرک را نمی پذیرد.

۵. دوم: رفع موانعی که بر سر راه دعوت به سوی الله متعال است.
۶. سوم: حفظ عقیده و هر آنچه که خلاف آن است.
۷. چهارم: دفاع از سرزمین، ناموس، و مال مسلمانان.

(۶۴۹۷)

(۲۲۲) - عَنْ أَبِي الْخَوَرَاءِ السَّعْدِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: مَا حَفَظْتَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: حَفَظْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «دَعُ مَا يَرِيْبُكَ إِلَى مَا لَا يَرِيْبُكَ، فَإِنَّ الصَّدَقَ طَمَأْنِيْنَةً، وَإِنَّ الْكَذِبَ رِيْبَةٌ». [صحيح] - [رواه الترمذي والنسائي وأحمد]

(۲۲۲) - از ابو الحوراء السعدی روایت است که فرمود: برای حسن بن علی رضی الله عنهما گفتم: از رسول الله صلی الله علیه وسلم چه به خاطر داری؟ فرمود از رسول الله صلی الله علیه وسلم به خاطر سپردم که فرمودند: «آنچه درباره ی (درست بودن) آن شک داری، رها کن و به کاری بپرداز یا به چیزی روی بیاور که در باره اش شک نداری، زیرا راستگویی اطمینان است، و دروغ شک و تردید است». [صحيح] - []

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور داده اند که گفتار و اعمالی که در حرام بودن یا نبودن و حرام یا حلال بودن آنها شک است ترک شود، و به اموری رو آورده شود که در آن شک نبوده و در حسن و حلال بودن آن متیقن هستید، زیرا دل با آن اطمینان و آرام می گیرد، و در اموری که شک باشد دل در مورد آن مضطرب و پریشان می باشد.

از فوائد حدیث:

۱. مسلمان باید کارهای خود را بر یقین بنا نهاده و شبهه را ترک نماید، و این که در امور دین خود با بصیرت باشد.
۲. نهی از وقوع در شبهه ها.
۳. اگر اطمینان خاطر و آسایش می خواهی، امور مشکوک را رها کن و آن را کنار بگذار.
۴. رحمت الله متعال شامل حال بنده گانش گردیده چون آنان را به مواردی امر نموده که موجب آرامش نفس و روان می گردد، و از آنچه موجب تشویش و اضطراب می شود نهی نموده است.

(۴۵۶)

(۲۲۳) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ نَجَّأَ عَنْ أُمَّتِي مَا حَدَّثَتْ بِهِ أَنْفُسَهَا، مَا لَمْ تَعْمَلْ أَوْ تَتَكَلَّمَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۲۳) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الله از وسوسه هایی که در دل های امت من می گذرد، تا زمانی که آن را عملی نکرده یا بر زبان نیاورده اند، گذشت کرده است». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

در این حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان می دارد که بنده در برابر حدیث نفس و چیزهایی که در ذهن او می گذرد، تا قبل از سخن گفتن مطابق آنها و عمل به آنها مواخذه نمی شود؛ چون الله متعال عفو نموده و حرج را برداشته است، و امت محمد صلی الله علیه وسلم را به آنچه که در ذهن شان تردد می کند می گذرد محاسبه نمی نماید، تا این که بر آن مطمئن و

نزد آنان استقرار پیدا کند؛ پس هرگاه در ذهن آنان استقرار نمود مانند کبر و خودخواهی و یا نفاق و یا توسط جوارح خویش عملی را انجام دهد، و یا با زبان خود چیزی بگوید در این صورت محاسبه می شود.

از فوائد حدیث:

۱. الله تبارک و تعالی افکار و وسوس هایی را می بخشد که در نفس خطور می کند، و انسان آن را با نفس خود یاد نموده، و به خاطره اش عبور می کند.
۲. اگر انسان پیرامون طلاق فکری کند، و به فکرش خطور کند، ولی آن را نگفته و ننوشته باشد، طلاق محسوب نمی شود.
۳. پیرامون سخن گفتن انسان با نفس خود محاسبه نمی شود، هر قدر هم که بزرگ باشد تا اینکه در نفس قرار گرفته و به آن عمل نموده و یا در مورد آن صحبت کرده باشد.
۴. بزرگی ارزش امت محمد صلی الله علیه وسلم در ویژه قرار دادن آنان در عدم محاسبه او در مورد سخن نفس، بر خلاف ملت های گذشته.

(۵۸۱۴۴)

(۲۲۴) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صَوْرَتِكُمْ وَأَمْوَالِكُمْ، وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۲۲۴) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الله متعال به چهره ها، و اموال شما نگاه نمی کند، بلکه به قلب ها و اعمال شما می نگرد». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که الله متعال به چهره های بندگان و بدن های آنها نگاه نمی کند، که آیا زیبا هستند یا بدرنگ؟ بزرگ هستند یا کوچک؟ جور هستند و یا ناجور؟ و نه به پول آنها می نگرد، که زیاد است یا کم؟ پس الله متعال بندگان را نظر به تفاوت درین امور محاسبه و مواخذه نمی کند، بلکه به دلها و آنچه در دلهای شان از تقوی و باور، صداقت و اخلاص، و یا اراده خود نمایی و شهرت وجود دارد می نگرد، و به اعمال آنها از قبیل اصلاح و فساد آن می نگرد، و برای آنان پاداش و یا مجازات می دهد.

از فوائد حدیث:

۱. توجه به اصلاح قلب، و پاک نمودن آن از هر صفت بد.
۲. اصلاح قلب به اخلاص می باشد، و اصلاح عمل با پیروی پیامبر صلی الله علیه وسلم است، و این هر دو نزد الله متعال مورد توجه و عنایت قرار دارند.
۳. آدمی نباید فریب پول، زیبایی، بدن، و هیچ چیزی دیگری از مظاهر این دنیا را بخورد.
۴. هشدار از اعتماد نمودن بر ظاهر بدون اصلاح باطن.

(۲۲۵) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَغَارُ، وَغَيْرُهُ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ الْمُؤْمِنُ مَا حَرَّمَ عَلَيْهِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۲۵) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الله به غیرت می آید و بنده به غیرت می آید، و غیرت الله [این است] که مؤمن آنچه بر او حرام ساخته را انجام دهد». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده اند که الله تعالی غیرت می کند و ناپسند می دارد، همانطور که مؤمن غیرتمند می شود و متنفر می شود و بد می دارد، و سبب غیرت الله آن است که مؤمن چیزی را که الله از گناهان و زشتی ها حرام ساخته مانند زنا و لواط و دزدی و نوشیدن شراب و دیگر فواحش را مرتکب شود.

از فوائد حدیث:

۱. هشدار نسبت به خشم الله و مجازات او در صورت زیر پا شدن حرمت های او.

(۳۳۰۴)

(۲۲۶) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُؤْبَقَاتِ»، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: «الشِّرْكُ بِاللَّهِ، وَالسَّحَرُ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ، وَأَكْلُ الرِّبَا، وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ، وَالتَّوَلَّى يَوْمَ الرَّحْفِ، وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ الْغَافِلَاتِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۲۶) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «از هفت چیز هلاک کننده پرهیزید» گفتند: یا رسول الله و آنها

کدام ها اند؟ فرمودند: به الله شرک ورزیدن، جادو، قتل نفسی که الله متعال آن را حرام کرده است مگر برای حق، سود خوری، خوردن مال یتیم، فرار از میدان جنگ، و تهمت زدن به زنان پاکدامن مؤمن غافل». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم به امت خود دستور می دهد تا از هفت جنایت و گناههای هلاک کننده دوری جویند، و هنگامی که از وی در مورد آنها پرسیده شد که آنها کدام ها اند؟ بیان فرمودند که آن ها:

نخست: شرک ورزیدن به الله متعال، با گرفتن مانند و مثیل برای او سبحانه و تعالی به هر شکلی که باشد، و معطوف نمودن عبادتی برای غیر الله متعال، و از شرک آغاز نمود، زیرا بزرگترین گناهان است.

دوم: جادو - و آن عبارت است از طلسم، تعویذ، دوا و دودها، بر بدن جادو شونده با قتل یا بیماری تأثیر می گذارد، یا جدایی میان زن و شوهر، که آن یک عمل شیطانی است، و بسیاری از آن ها جز با شرک و نزدیک شدن به ارواح خبیثه شیطانی با چیزی که برای آنان دوست داشتنی باشد حاصل نمی شود.

سوم: قتل نفسی که الله متعال از کشتن آن نهی کرده است مگر با دلیل شرعی که حاکم آن تنفیذ می کند.

چهارم: تعامل با سود، خواه با خوردن آن باشد و یا با وجوه دیگر منفعت صورت گیرد.

پنجم: تجاوز به مال کودکی که پدرش وفات نموده باشد در حالی که وی زیر سن بلوغ باشد.

ششم: فرار از میدان جنگ با کفار.

هفتم: متهم کردن زنان آزاده پاکدامن به زنا، و نیز متهم کردن مردان.

از فوائد حدیث:

۱. این که گناهان کبیره منحصر به هفت مورد یاد شده نیست، و

مختص ساختن این هفت مورد به دلیل بزرگی و خطر آن است.

۲. جواز قتل نفس در صورتی که به حق بوده باشد مانند قصاص، ارتداد

و زنا بعد از ازدواج، و از سوی حاکم قانونی اجرا می گردد.

(۳۳۱)

(۲۲۷) - عن أبي بكرة رضي الله عنه قال: قال النبي صلى الله عليه

وسلم: «أَلَا أُنبِّئُكُمْ بِأَكْبَرِ الْكَبَائِرِ؟» ثَلَاثًا، قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ:

«الْإِشْرَاكُ بِاللَّهِ، وَعَقْوَ الْوَالِدَيْنِ» وَجَلَسَ وَكَانَ مُتَكِنًا، فَقَالَ: «أَلَا وَقَوْلُ

الرُّؤْرِ»، قَالَ: فَمَا زَالَ يُكْرِّرُهَا حَتَّى قُلْنَا: لَيْتَهُ سَكَتَ. [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۲۷) - از ابی بکره رضی الله عنه روایت است گفت که: پیامبر

صلی الله علیه وسلم فرمودند: «آیا شما را از بزرگترین گناهان خبر ندهم؟»

سه مرتبه، گفتند: بلی یا رسول الله، فرمودند: شرک با الله متعال، و

نافرمانی پدر و مادر؛ سپس نشست در حالی که تکیه زده بود، فرمودند:

«آگاه باشید [که یکی از بزرگترین گناهان کبیره] سخن دروغین است»،

گفت: ایشان پیوسته آن را تکرار می کردند تا اینکه با خود گفتیم: ای

کاش سکوت می فرمودند. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم صحابه کرام را از بزرگترین گناهان خبر می دهد، پس این سه را ذکر نمودند:

۱. شرک ورزیدن به الله متعال: که عبارت است از صرف نمودن هر نوع عبادت برای غیر الله، و برابر نمودن الله با غیر الله در الوهیت، ربوبیت، اسماء و صفات وی می باشد.

۲. نافرمانی والدین: که عبارت است از هرگونه ازار و اذیت والدین، خواه در گفتار یا عمل باشد، و کوتاهی در احسان به آنان می باشد.

۳. سخن دروغ و از جمله آن گواهی دروغین می باشد که عبارتند از: هر سخن باطل و دروغین که هدف از آن کوچک شمردن کسی که با گرفتن مال، هتک ناموس و مانند آن می باشد.

پیغمبر صلی الله علیه وسلم بارها از سخنان دروغین برحذر داشته و مذموم بودن و آثار بد آن را در جامعه گوشزد نموده است، تا اینکه صحابه از روی دلسوزی بالای وی و نفرت از آنچه او را آزار می دهد گفتند: ای کاش سکوت می کرد.

از فوائد حدیث:

۱. بزرگترین گناهان، شرک ورزیدن به الله متعال است؛ زیرا آن را از ریشه گناهان کبیره و بزرگترین آنها قرار داده است. و این را فرموده الله متعال تأیید می نماید که می فرمایند: {إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ} الله شرک به وی را نمی آمرزد و کمتر از آن را برای هر کس بخواهد می آمرزد.

۲. عظمت حقوق پدر و مادر، چنان که حقوق آنان با حقوق الله متعال پیوند داده است.

۳. گناهان به دو دسته تقسیم شده است گناهان کبیره و گناهان صغیره، گناهان کبیره عبارتند از: هر گناهی که برای آن عذاب دنیوی مانند عذاب و لعن، و یا تخویف اخروی مانند ترس از دوزخ تعیین شده باشد، و گناهان کبیره درجات است، که برخی آنها در تحریم شدیدتر از برخی دیگر است، گناهان صغیره بجز گناهان کبیره است.

(۲۹۴۱)

(۲۲۸) - عن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «الْكَبَائِرُ: الْإِشْرَاكُ بِاللَّهِ، وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ، وَقَتْلُ النَّفْسِ، وَالْيَمِينُ الْغَمُوسُ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۲۲۸) - عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم رواية می کند که فرمودند: گناهان کبیره (عبارتند از): شرک ورزیدن به الله، نافرمانی پدر و مادر، قتل نفس، و سوگند دروغ. [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم گناهان کبیره را بیان می نماید، که عبارتند از گناهانی که مرتکب آن در دنیا و یا آخرت به وعید سخت تهدید شده است. اولین آنها "شرک ورزیدن به الله متعال است": و شرک عبارت از صرف نمودن هرگونه عبادت برای غیر الله، و مساوی نمودن غیر الله به الله متعال در آنچه که از ویژگی های الله متعال در الوهیت و ربوبیت و اسماء و صفات می باشد.

دوم آن "نافرمانی پدر و مادر می باشد": که عبارتند از هر آن چیزی که موجب اذیت پدر و مادر در گفتار یا عمل و کوتاهی در احسان به آنها می شود. سوم آن «کشتن نفس» بدون حق است، مانند کشتن به ناحق و تجاوزکارانه.

چهارم آن «قسم غموس»: عبارت از سوگند دروغ با دانستن این که دروغ است، زیرا صاحب خود را در گناه یا در جهنم فرو می برد.

از فوائد حدیث:

۱. سوگند غموس به دلیل خطر و جنایت شدید آن کفاره ندارد، بلکه توبه را در پی دارد.

۲. محدود کردن این چهار گناهان کبیره در حدیث به سبب بزرگی آن گناه است، نه حصر آنها.

۳. گناهان؛ به گناهان کبیره و صغیره تقسیم می شود، و گناهان کبیره عبارتند از: هر گناهی که برای آن عذاب دنیوی مانند عذاب و لعن و یا وعید اخروی ذکر شده باشد، مانند ترس از دوزخ. و گناهان کبیره متفاوت است که برخی آنها در حرمت شدیدتر از برخی دیگر است، و گناهان صغیره غیر از گناهان کبیره است.

(۲۲۹) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَوَّلُ مَا يُقْضَى بَيْنَ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الدَّمَاءِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۲۹) - از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «نخستین چیزی که در روز قیامت درباره آن قضاوت می شود، در [مسئله] خون است». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته که نخستین چیزی که در روز قیامت درباره ظلم مردم به یکدیگر قضاوت می شود، مسئله مربوط به خون است، مانند کشتن یا زخمی کردن.

از فوائد حدیث:

۱. بزرگی امر خون ها زیرا هر چه مهم تر باشد زودتر مورد بررسی قرار می گیرد.
۲. گناهان بر اساس مفسده ای که در پی آن حاصل می شود بزرگ به حساب می رود، و کشتن بی گناه از بزرگترین مفاسد است، و مفسده ای بزرگتر از آن نیست مگر کفر و شرک آوردن به الله تعالی.

(۱۹۶۲)

(۲۳۰) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ قَتَلَ مُعَاهِدًا لَمْ يَرَحْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ، وَإِنْ رِيحُهَا تُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَرْبَعِينَ عَامًا». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۲۳۰) - از عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر کسی مُعَاهَدی را به قتل

برساند بوی بهشت را احساس نمی کند، هر چند که بوی آن از مسافه

چهل سال به مشام می خورد». [صحیح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم به بیان وعید شدیدی پرداخته‌اند مبنی بر اینکه هر کس یک مُعَاهِد را بکشد - یعنی کافری را که با پیمان و امان وارد سرزمین مسلمانان شده - بوی بهشت به مشامش نخواهد رسید، اگرچه بوی آن از فاصلهٔ چهل سال به مشام می‌رسد.

از فوائد حدیث:

۱. تحریم کشتن کافر مُعَاهِد و ذمی و مُسْتَأْمِن و این کار از گناهان کبیره است.
۲. مُعَاهِد: کافری که از او پیمان گرفته شده و در سرزمین خودش زندگی می‌کند، و با مسلمانان نمی‌جنگد و مسلمانان نیز با او نمی‌جنگند. ذمی: کافری که در سرزمین مسلمانان زندگی کند و جزیه دهد. مُسْتَأْمِن: کسی که با پیمان و امان برای مدت معینی وارد سرزمین مسلمانان شود.
۳. هشدار نسبت به خیانت در پیمان با غیر مسلمانان.

(۱:۶۳۷)

(۲۳۱) - عَنْ جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ رَحِمٍ». [صحیح] - [متفق علیه]

(۲۳۱) - از جبیر بن مطعم رضی الله عنه روایت است که او از پیامبر

صلی الله علیه وسلم شنید که می‌فرمودند: «قطع کنندهٔ پیوند خویشاوندی

وارد بهشت نمی‌شود». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: هر کس با خویشاوندان خود قطع رابطه کند یا به آنان آزار و اذیت رساند، سزاوار است که وارد بهشت نشود.

از فوائد حدیث:

۱. قطع رابطه خویشاوندی از گناهان کبیره است.
۲. صلۀ رحم (پیوند خویشاوندی) مطابق به عرف است و نظر به مکان، زمان و افراد فرق می کند.
۳. صلۀ رحم با زیارت، صدقه دادن، نیکی کردن به آنها، عیادت بیماران، امر به معروف، نهی از منکر و کارهای نیکو دیگر صورت می گیرد.
۴. هر چه قطع پیوند خویشاوندی نزدیکتر باشد، گناه آن بیشتر است.

(۵۳۷)

(۲۳۲) - عن أنس بن مالك رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُبْسَطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ، وَيُنْسَأَ لَهُ فِي أَثَرِهِ، فَلْيَصِلْ رَحْمَهُ».

[صحیح] - [متفق علیه]

(۲۳۲) - از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: "هر کی دوست دارد رزق وی افزایش یابد، و اجل وی به تأخیر بیافتد، پس صلۀ رحمی کند". [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم به پیوند خویشاوندان با دیدار و اکرام بدنی و مالی و... تاکید می کند، و این عمل را وسیله ی افزایش رزق و طولانی شدن عُمر بیان نموده است.

از فوائد حدیث:

۱. رحم عبارت از خویشاوندان اند که از طرف پدر و مادر باشند، و هر چه نزدیکتر باشند، سزاوار صله ی رحم می باشند.
۲. جزا از جنس عمل می باشد، پس هر که رحم خود را به نیکی و احسان پیوند دهد، الله متعال در زندگی و روزی او برکت می اندازد.
۳. صله رحمی سبب افزایش رزق و طولانی شدن عُمر می شود، و اگر قرار باشد که اجل و روزی انسان مشخص است پس معنای آن برکت در عمر و روزی می باشد، پس در عمرش بیشتر از دیگران و نافع تر انجام می دهد و گفته شده است که هدف از افزایش رزق و عمر افزایش حقیقی است.

(۵۳۷۲)

(۲۳۳) - عن عبد الله بن عمرو رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «لَيْسَ الْوَاصِلُ بِالْمُكَافِي، وَلَكِنَّ الْوَاصِلَ الَّذِي إِذَا قُطِعَتْ رَحْمَتُهُ وَصَلَّتْهَا». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۲۳۳) - از عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که پیوند خویشاوندی را طوری رعایت کند که دیگران با او رعایت می کنند، پیوند دهنده واقعی نیست، بلکه پیوند دهنده واقعی کسی است که پیوند خویشاوندی با وی قطع شود ولی او آن را بپیوندد». [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد این که انسان کامل در پیوند خویشاوندی و نیکی با اقارب آن شخص نیست که نیکی را با نیکی جواب بدهد، بلکه واقعیت پیونده کامل در پیوند خویشاوندی این است که اگر رابطه خویشاوندی با او قطع شود، او وصلش کند، هر چند با او بدرفتاری کنند؛ ولی او با ایشان با نیکی رفتار می کند.

از فوائد حدیث:

۱. رابطه خویشاوندی درست شرعی این است که به سراغ کسانی بروید که آنان با شما رابطه را قطع کرده اند، و از کسانی که به شما ظلم کردند عفو کنید، و به کسانی که به شما نداده اند بدهید و پیوند در تقابل قرار گرفتن و مجازات نیست.

۲. حفظ پیوند خویشاوندی با رساندن هر چه بیشتر خیر از قبیل مال، دعا، امر به معروف و نهی از منکر وغیره و دفع نمودن شر تا حد ممکن از آنان است.

(۳۸۵)

(۲۳۴) - عَنْ بَهْزِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ: مَنْ أْبْرُ؟ قَالَ: «أُمُّكَ، ثُمَّ أُمُّكَ، ثُمَّ أَبَاكَ، ثُمَّ الْأَقْرَبُ فَلَا أَقْرَبَ». [حسن]

- [رواه أبو داود والترمذي وأحمد]

(۲۳۴) - از بهز بن حکیم از پدرش از پدر بزرگش روایت است که می گوید: گفتم: ای رسول الله، به چه کسی نیکی کنم؟ فرمودند: «مادرت، سپس مادرت، سپس مادرت، آنگاه پدرت و پس از آنها افراد نزدیک تر و نزدیک تر». [حسن] - [ابو داود و ترمذی و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان کرد که شایسته ترین مردم برای خوبی با او، و احسان با او، و تعامل و معاشرت نیک با او، و همنشینی و داشتن پیوند ارتباط با او: مادر است، و با سه بار تکرار بر حق مادر بر دیگران تأکید کرد؛ برای نشان دادن برتری مادر بر سایر افراد بدون استثنا. سپس او صلی الله علیه وسلم بیان نمود که چه کسی پس از او سزاوارتر نیکی است: پدر است، سپس نزدیکتر و نزدیکتر از خویشاوندان، و هر چه نزدیکتر باشد، نسبت به دورتر سزاوارتر به صلهٔ رحمی می باشد.

از فوائد حدیث:

۱. حدیث اولویت را به مادر، سپس پدر، سپس نزدیکتر و نزدیکتر خویشاوندان بر حسب درجه نزدیکی آنان داده است.
۲. بیان جایگاه والدین به ویژه مادر.
۳. در این حدیث نیکی با مادر سه بار را تکرار کرد؛ برای این که فضل و احسان او به فرزندانش بزرگ است، و به سبب سختی ها و خستگی ها و دشواری های فراوان بارداری و زایمان و سپس شیر دهی که مختص مادر است را تحمل می کند، سپس در تربیت با پدر نیز سهم می گیرد.

(۲۳۵) - عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «أَتَدْرُونَ مَا الْغِيْبَةُ؟»، قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: «ذِكْرُكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ»، قِيلَ: أَفَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ فِي أَخِي مَا أَقُولُ؟ قَالَ: «إِنْ كَانَ فِيهِ مَا تَقُولُ فَقَدْ اغْتَبَتْهُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ فَقَدْ بَهَتْهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۲۳۵) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: "آیا می دانید غیبت چیست؟" گفتند: الله و رسولش آگاه ترند، فرمودند: "یاد کردن برادرت به آنچه که برایش ناخوشایند است"، گفته شد: اگر دیدید که آنچه می گویم در برادرم وجود داشته باشد؟ فرمودند: "اگر این صفتی که می گویی در برادرت وجود دارد او را غیبت کرده ای، و اگر وجود نداشته باشد به او بهتان بسته ای". [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله - صلی الله علیه وسلم - حقیقت غیبت را بیان می نمایند که عبارتست از: یاد کردن مسلمان غایب از آنچه که برایش ناخوشایند است، چه از صفت های خُلُقِی یا صفت های خُلُقِی و رفتاری او باشند، مانند: کور، فرییکار، دروغگو و امثال آن از صفات بد، اگر چه آن خصلت در او باشد. و اگر آن خصلت در او نباشد بدتر از غیبت بوده و او تهمت است، یعنی تهمت زدن به انسان به چیزی که در او نباشد.

از فوائد حدیث:

۱. روزش آموزش نیک پیامبر صلی الله علیه وسلم که مسائل را بگونه پرسش مطرح می کند.
۲. خوش اخلاقی اصحاب با پیامبر صلی الله علیه وسلم که فرمودند: الله و رسولش داناترند.
۳. گفتن سوال شونده به چیزی که نمی داند: الله اعلم.
۴. حفظ شریعت برای جامعه با حفظ حقوق و برادری میان آنها.
۵. غیبت حرام است مگر در بعضی مواردی جهت مصلحت، و از آنجمله: دفع ظلم، تا مظلوم ظلم کننده را با کسی که حق او را بگیرد ذکر کند و گوید: فلانی به من ظلم کرد، یا با من چنین کرد. مشورت در امر ازدواج، شراکت یا همسایگی و غیره.

(۵۳۲۶)

(۲۳۶) - عن ابن عمر رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «كُلُّ مُسْكِرٍ خَمْرٌ، وَكُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ، وَمَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فِي الدُّنْيَا فَمَاتَ وَهُوَ يُدْمِنُهَا لَمْ يَتُبْ، لَمْ يَشْرَبْهَا فِي الْآخِرَةِ». [صحيح] - [رواه مسلم وأخرج البخاري الجملة الأخيرة منه]

(۲۳۶) - از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر مست کننده ای خمر و شراب است و حرام؛ و هرکس در دنیا خمر و شراب بنوشد و درحالی بمیرد که معتاد به آن باشد و توبه نکند، در آخرت از آن نمی نوشد». [صحيح] - []

توضیح:

رسول الله صلى الله عليه وسلم بیان می دارد، هر چیزی که سبب زوال و غیب شدن عقل می شود؛ خمر مست کننده است، اگر نوشیدن، خوردن، یا استشماسی و یا غیر آن باشد، و هر آنچه که باعث مستی و زوال عقل می شود، الله متعال آن را حرام قرار داده و از آن نهی فرموده، اگر کم باشد و یا زیاد، و هر کس از این انواع مسکرات نوشید و به نوشیدن آن ادامه داد و تا هنگام مرگ از آن توبه نکرد؛ او مستحق عذاب الله شده و او را از نوشیدن آن در بهشت محروم می سازد.

از فوائد حدیث:

۱. علت حرام بودن مشروبات الکلی، هر چیز مست کننده از هر نوعی که باشد حرام است.
۲. الله متعال شراب را حرام قرار داده؛ به دلیل اضرار و مفسد بزرگی که دارد.
۳. نوشیدن شراب در بهشت نشانه کمال لذت و اتمام نعمت است.
۴. هر کس در دنیا از نوشیدن مشروبات الکلی پرهیز نکند، الله متعال نوشیدنش را در بهشت بر آن حرام می نماید، و جزا از جنس عمل است.
۵. تشویق به مباردت و رزیدن به توبه از گناهان قبل از مرگ.

(۲۳۷) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّاشِيَّ وَالْمُرْتَشِيَّ فِي الْحُكْمِ. [صحيح] - [رواه الترمذي وأحمد]

(۲۳۷) - از ابوهريره رضی الله عنه روایت است که گفت: "رسول الله صلی الله علیه وسلم رشوه دهنده و رشوه گیرنده در قضاوت را لعنت نموده است". [صحيح] - [ترمذی و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم علیه دهنده رشوه، گیرنده و و تحویل دهنده آن دعای طرد از رحمت الله عزوجل نموده اند.

از جمله رشوه، مالی است که به قاضی ها داده می شود تا به نفع کسی که طرف آنهاست حکم دهد، و در نتیجه دهنده رشوه به ناحق به هدف خود دست یابد.

از فوائد حدیث:

۱. پرداخت رشوه، گرفتن آن، پادرمیانی برای آن، و کمک کردن در آن حرام است، زیرا در آن همکاری برای رسیدن به باطل است.
۲. رشوه از گناهان کبیره است؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم گیرنده و دهنده اش را لعن کرده است.
۳. جرم رشوه در باب قضاوت و حکم شدیدتر است، و گناه آن بیشتر است؛ زیرا شامل ظلم و حکم به غیر آنچه الله نازل کرده است می باشد.

(۲۳۸) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَحَاسَدُوا، وَلَا تَنَاجَشُوا، وَلَا تَبَاغَضُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، وَلَا يَبِعْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَيْعِ بَعْضٍ، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يُخْذَلُهُ، وَلَا يَحْقِرُهُ التَّقْوَى هَاهُنَا» وَبُشَيْرٌ إِلَى صَدْرِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ «بِحَسْبِ امْرِئٍ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ، كُلُّ الْمُسْلِمٍ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ، دَمُهُ، وَمَالُهُ، وَعَرَضُهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۲۳۸) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «با یکدیگر حسادت نکنید، و برای یکدیگر بعنوان فریب در قیمت کالاها اضافه نکنید، و با یکدیگر بغض و کینه نداشته باشید، و از یکدیگر رو مگردانید، و بعضی از شماها بر بیع بعض دیگر معامله نکنید، و همه بندگان الله بوده؛ برادر باشید، مسلمان برادر مسلمان است نه به او ظلم می کند و نه هم او را خوار و ذلیل می کند، و نه هم او را حقیر می نماید، تقوی اینجاست (رسول الله صلی الله علیه وسلم این جمله را سه بار تکرار نموده و هر بار) به سینه خویش اشاره می کردند (و فرمودند) برای فرد از بدی همین کافی است که برادر مسلمانش را حقیر بشمارد، هر مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است، (ریختن) خورش، (خوردن) مالش، و (ریختن) ابرویش». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم مسلمان را به نیکی به برادر مسلمانش توصیه می نماید، و برخی از وظایف و آداب را که باید نسبت به آنان انجام دهد بیان

کرد؛ از جمله: توصیه اول: حسادت نکنید، این که بعضی تان آرزوی زوال نعمت دیگران را کنید. دوم: در قیمت کالا افزایش نیاورید در حالی که نمی خواهد آن را بخرید؛ بلکه می خواهد به سود فروشنده باشد، یا به خریدار ضرر برساند. سوم: از یکدیگر متنفر نباشید، و آن اراده ضرر رساندن است، و آن ضد محبت است؛ مگر این که بغض برای الله متعال باشد؛ در این صورت واجب است. چهارم: تدابیر نه ورزید، این که به برادر خود پشت کنید، و از او روی بگردانید و او را رها کنید. پنجم: و بعضی از شماها بر بیع بعض دیگر معامله نکنید، این که برای خریدار کالا بگویند: من چیزی شبیه آن را به قیمت کمتر و یا بهتر از آن دارم. سپس او صلی الله علیه وسلم توصیه جامع ارایه فرمودند: و با هم مانند برادران در ترک منهیات ذکر شده باشید، با بذل محبت و ملائمت و شفقت و مهربانی و همکاری در امور خیر، با صفای دل و نصیحت در هر حال. از جمله مقتضیات این برادری: به برادر مسلمانش ظلم نکند، که به او تعرض کند، نباید بگذارد به برادر مسلمانش ظلم شود، و او را نا امید نسازد، در جای که می تواند او را حمایت کند، و یا ظلم را از او دور نماید، و او را تحقیر و ناچیز نه شمارد، و به او با نگاه تحقیر آمیز نگاه نکند؛ که این نوع برخورد نتیجه کبر در قلب می باشد. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم سه مرتبه را توضیح داد که تقوا در دل است، و هر که در دلش تقوای نیکو و ترس از الله متعال و مراقبت او از بنده را داشته باشد مسلمان را حقیر نمی شمارد، و از صفات ناپسند و رذایل اخلاقی، خوار شمردن برادر مسلمانش برایش کافی است؛ چون در قلب او کبر است، سپس او صلی الله علیه وسلم بر آنچه که در بالا ذکر شد تاکید کرد که

مسلمان بر مسلمان ديگر حرام است: خون او: با قتل يا چيزي کمتر از آن، مانند مجروح کردن يا ضرب و شتم و مانند آن، و نيز مال او: با گرفتن از او به ناحق، و همچنين ناموس او: با تحقير او در خودش يا در حسب او.

از فوائد حديث:

۱. امر به آنچه که اخوت ايمانی اقتضا می کند، و نهی از گفتار و عمل که منافعی آن باشد.
۲. اساس تقوا در قلب شناخت و خوف و مراقبت الله متعال است، و اين تقوا موجب اعمال نيك می گردد.
۳. انحراف ظاهری نشان دهنده ضعف تقوای قلب است.
۴. اذيت مسلمان به هر صورت که باشد اعم از قول و فعل نهی می باشد.
۵. اين حسادت نيست که مسلمان بخواهد مانند ديگران باشد، بدون اينکه زوال نعمت ديگران را بخواهد، و اين را غبطه می نامند؛ و اين جايزه ای هست که سبب رقابت و تسابق در کارهای خير و نيك می گردد.
۶. انسان ذاتاً دوست ندارد کسی در هيچ يك از فضاييل از او پيشی بگيرد، اگر زوال آن را از ديگران دوست بدارد، حسد مذموم است، و اگر رقابت در آن را دوست بدارد، غبطه جايز است.
۷. اين از جمله بيع مسلمان بر بيع برادر مسلمانش نيست که برای خريدار خاطر نشان نمايد که در خريد فريب زيادی خورده است؛ زيرا اين از ملزومات نصيحت است، مشروط بر اينکه قصدش

نصیحت خریدار باشد نه این که به فروشنده ضرر برساند، و اعمال بر اساس نیت می باشد.

۸. در صورت عدم توافق فروشنده و مشتری، و عدم رضایت هر دو طرف، و عدم توافق در قیمت، از جمله بیع مسلمان بر بیع برادر مسلمان محسوب نمی شود.

۹. بغض برای الله در بغض و دشمنی که در حدیث از آن نهی شده محسوب نمی شود: چون بغض برای الله متعال واجب است، و از محکمترین پیوندهای ایمان می باشد.

(۴۷۰۶)

(۲۳۹) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ؛ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ، وَلَا تَحَسَّسُوا، وَلَا تَجَسَّسُوا، وَلَا تَحَاسَدُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، وَلَا تَبَاغَضُوا، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۳۹) - از ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «از گمان (بد) بر حذر باشید، زیرا که گمان دروغترین سخن است، و در پی پوشیده‌ها [ی مردم] نباشید، و تجسس نکنید، و با یکدیگر حسادت نورزید، و به هم پشت نکنید، و با هم کینه نورزید، و بندگان الله [و] برادران هم باشید». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از برخی از اموری که به اختلاف و دشمنی بین مسلمانان منجر می شود نهی کرده اند و نسبت به آن هشدار داده اند. از جمله آن: «گمان»، یعنی تهمت‌ی که بدون دلیل در دل می افتد، و ایشان بیان کرده اند که گمان از دروغ ترین سخنان است.

و از «تَحَسُّس» یعنی جستجوی پوشیده های مردم با چشم و گوش.

و از «تَجَسُّس» یعنی جستجوی امور پوشیده و از این کلمه بیشتر درباره جستجویی که به هدف بد باشد به کار می رود.

و از «حسد» یعنی بد دانستن حصول نعمت برای دیگران.

و از «تَدَابُر» (پشت کردن به یکدیگر) به این صورت که از هم روی گردان شوند و به هم سلام نکنند، و شخص به دیدار برادر مسلمانش نرود.

و از «تَبَاغُض» (کینه ورزیدن به هم) یعنی کراهت و نفرت از هم،

مانند آزار رساندن به دیگران و روتش کردن و بد برخورد کردن با هم.

سپس ایشان سخنی جامع و مختصر و مفید را به زبان آوردند که با آن، رابطه مسلمانان با یکدیگر اصلاح می شود: «بندگان الله، برادران یکدیگر باشید». برادری، عامل وصلی است که با آن روابط بین مردم پیوسته می ماند و محبت و الفت میان آنها بیشتر می شود.

از فوائد حدیث:

۱. گمان بد بردن به کسی که نشانه‌های بدی از او آشکار شده ایرادی ندارد، و مؤمن باید باهوش و نکته‌سنج باشد و فریب بدکاران و فاسقان را نخورد.
۲. منظور، هشدار نسبت به اتهامی است که در دل جا بیفتد و بر آن پافشاری شود، اما آنچه لحظه‌ای به دل می‌افتد اما در آن مستقر نمی‌شود [و تبدیل به ظن دائمی نمی‌شود] در تکلیف داخل نیست.
۳. تحریم اسباب نفرت و جدایی میان افراد در جامعه اسلامی از جمله تجسس و حسادت و مانند آن.
۴. توصیه به تعامل با مسلمان به مانند تعامل با برادر در نصیحت و محبت.

(۵۳۲)

(۲۴۰) - عن حذيفة رضي الله عنه قال: سمعت النبي صلى الله عليه وسلم يقول: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَتَّاتٌ». [صحیح] - [متفق عليه]

(۲۴۰) - از حدیفه رضی الله عنه روایت است که فرمود از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌فرمودند: «کسی که سخن چینی می‌کند وارد بهشت نمی‌شود». [صحیح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می‌دهد که شخص سخن چین؛ کسی که به قصد فساد در میان مردم سخنان را انتقال می‌دهد، با عدم ورود به بهشت مستحق عذاب است.

از فوائد حدیث:

۱. سخن چینی از گناهان بزرگ است.
۲. نهی سخن چینی؛ به دلیل فساد و ضرری که بین افراد و گروه ها ایجاد می کند.

(۵۳۶۸)

(۲۴۱) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «كُلُّ أُمَّتِي مُعَاوِيَ إِلَّا الْمُجَاهِرِينَ، وَإِنَّ مِنَ الْمَجَاهِرَةِ أَنْ يَعْمَلَ الرَّجُلُ بِاللَّيْلِ عَمَلًا، ثُمَّ يُصْبِحُ وَقَدْ سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ، فَيَقُولُ: يَا فُلَانُ، عَمِلْتُ الْبَارِحَةَ كَذَا وَكَذَا، وَقَدْ بَاتَ يَسْتُرُهُ رَبُّهُ، وَيُصْبِحُ يَكْشِفُ سِتْرَ اللَّهِ عَنْهُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۴۱) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «همه امت من مورد عفو هستند جز مجاهران و از جمله مجاهره این است که شخص در شب عملی [گناه] را انجام دهد و سپس شب را به صبح برساند در حالی که الله او را پوشانده است، پس بگوید: ای فلانی، دیشب چنین و چنان کردم. او شب را گذراند در حالی که پروردگارش او را پوشانده بود، سپس صبح هنگام ستر و پوشش پروردگار را از خود برمی دارد». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان کرده که برای مسلمان گناهکار امید عفو و مغفرت الهی می رود، مگر برای کسی که از روی تفاخر و وقاحت گناه خود را اعلام می کند؛ چنین شخصی شایسته عفو نیست؛ زیرا شب هنگام گناه کرده و سپس صبح هنگام پوشش الله را از خود برمی دارد، و به دیگری می گوید که او

در شب فلان گناه را انجام داده است. شب را با ستر و پوشش پروردگار به صبح رسانده و صبح هنگام ستر و پوشش پروردگار را از خود برمی دارد!!

از فوائد حدیث:

۱. زشتی علنی کردن گناه پس از آنکه الله تعالی آن را پوشانده است.
۲. در علنی کردن گناه اشاعه فحشا میان مؤمنان است.
۳. کسی که الله در دنیا او را پوشانده، در آخرت نیز او را خواهد پوشاند، و این از وسعت رحمت الله تعالی درباره بندگان اوست.
۴. کسی که به گناهی مبتلا شده باید خودش را بیوشاند و گناه را علنی نکند و به درگاه الله توبه کند.
۵. بزرگی گناه مجاهران که عمدا گناهان خود را علنی می کنند و خود را از فرصت عفو محروم می کنند.

(۳۷۶)

(۲۴۲) - عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَطَبَ النَّاسَ يَوْمَ فَتْحِ مَكَّةَ، فَقَالَ: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذْهَبَ عَنْكُمْ عُبْيَةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَنَعَاظَمَهَا بِأَبَائِهَا، فَالْنَّاسُ رَجُلَانِ: بَرٌّ تَقِيَّ كَرِيمٌ عَلَى اللَّهِ، وَفَاجِرٌ شَقِيٌّ هَيْنَ عَلَى اللَّهِ، وَالنَّاسُ بَنُو آدَمَ، وَخَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ تُرَابٍ، قَالَ اللَّهُ: {يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا} إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» [الحجرات: ۱۳]. [صحيح] - [رواه الترمذي وابن حبان]

(۲۴۲) - از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم در روز فتح مکه برای مردم خطبه خواند و فرمودند: «ای

مردم، الله تكبر و نخوت جاهليت و فخر فروشی آنان به پدران را از میان برداشته است، بنابراین مردم دو کس اند: یا نیکوکار متقی که نزد الله گرامی است، یا فاجر و بدکار که نزد الله بی ارزش است، و مردم فرزندان آدم اند و الله آدم را از خاک آفرید، الله متعال می فرماید: (ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را ملت ها و قبایل قرار دادیم تا با یکدیگر آشنایی حاصل کنید. همانا گرامی ترین شما نزد الله باتقواترین شماست. همانا الله دانای آگاه است)» [الحجرات: ۱۳] [صحیح] - [ترمذی و ابن حبان روایت کرده].

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم در روز فتح مکه برای مردم خطبه خواندن و فرمودند: ای مردم همانا الله تکبر و نخوت جاهليت و فخر فروشی به پدران را از میان برداشته است و مردم بر دو دسته اند: یا مؤمن پرهیزگار مطیع و عابد الله عزوجل است، که این نزد الله گرامی است حتی اگر نزد مردم دارای حَسَب و نَسَب نباشد. و یا کافر شقی و بدکار که چنین کسی نزد الله بی ارزش و خوار است و چیزی نیست، اگرچه نزد مردم دارای منزلت و جایگاه و قدرت باشد. و همه مردم فرزندان آدم هستند و الله آدم را از خاک آفرید، پس برای کسی که اصلش از خاک است شایسته نیست که تکبر ورزد و خودپسندی پیشه کند. مصداق آن این سخن حق تعالی است که می فرماید: (ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را ملت ها و قبیلها قرار دادیم تا با یکدیگر آشنایی حاصل کنید. همانا گرامی ترین شما نزد الله باتقواترین شماست. همانا الله دانای آگاه است) [الحجرات: ۱۳].

از فوائد حدیث:

۱. نهی از فخر فروشی با نسب و جایگاه.

(۶۵۰۷۴)

(۲۴۳) - عن عائشة رضي الله عنها عن النبي صلى الله عليه وسلم قال:

«إِنَّ أَبْغَضَ الرِّجَالِ إِلَى اللَّهِ الْأَلَدُّ الْخِصْمُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۴۳) - عائشه رضی الله عنها از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می

کند که فرمودند: "منفورترین انسان نزد الله متعال کسی است که همیشه جنگنده سرسخت باشد" [صحيح] - [متفق عليه].

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که الله متعال بر شخصی خشمگین می شود که جنگجو و زیات جنگنده باشد، حق را قبول نمی کند، تلاش می کند توسط دلایل آن را دفع کند، و یا به حق می جنگد مگر در مجادله خود مبالغه می کند، و از حد اعتدال بیرون می شود و بدون علم مجادله می کند.

از فوائد حدیث:

۱. مطالبه حق مظلوم از طریق رفع دعوی شرعی در زمره دعوی مذموم قرار نمی گیرد.

۲. جنگ و جدل از آفت های زبان است که باعث اختلاف و تفرقه بین مسلمانان می شود.

۳. مبارزه اگر از باب حق باشد و طریقه آن نیکو باشد قابل توصیف است و اگر برای ابطال حق و اقامه باطل یا بدون دلیل و برهان باشد مذموم است.

(۵۴۷۴)

(۲۴۴) - عن أبي بكرة رضي الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «إِذَا تَقَى الْمُسْلِمَانِ بِسَيْفَيْهِمَا فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ»، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا الْقَاتِلُ، فَمَا بَالُ الْمَقْتُولِ؟ قَالَ: «إِنَّهُ كَانَ حَرِيصًا عَلَى قَتْلِ صَاحِبِهِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۴۴) - از ابو بکره رضی الله عنه روایت است گفت که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرگاه دو مسلمان با شمشیرهای شان در برابر همدیگر قرار گیرند، قاتل و مقتول در آتش (دوزخ) خواهند بود». گفتم: ای رسول الله، این (جزای) قاتل است، چرا (جزای) مقتول هم این است؟ گفت: "او نیز برای کشتن طرف مقابلش کوشا بود". [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهند که: هر گاه دو مسلمان با شمشیرهای شان در برابر همدیگر قرار گیرند، و هر کدام از آنان قصد کشتن طرف مقابلش را دارسته باشد، پس قاتل به سبب دخالت مستقیم در قتل طرف مقابلش در آتش (دوزخ) است صحابه کرام در باره رفتن (مقتول) به دوزخ متحیر شدند که چگونه مقتول در آتش می باشد؟ پس پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داد که او نیز به سبب کوشا بودن قتل طرف مقابلش در آتش جهنم می باشد، زیرا هیچ چیز او را از کشتن باز نداشت مگر سبقت قاتل در کشتن وی.

از فوائد حدیث:

۱. کسی که با اراده قلبی گناه کرد، و اسباب وقوع آن را عملاً انجام داد، مستحق عذاب می گردد.
۲. هشدار شدید در مورد جنگ میان مسلمانان و تهدید به آتش.

۳. جنگ با حق میان مسلمانان، مانند جنگ با بغاة (باغیان و بغاوتگران) و مفسدین، مورد این وعید قرار نمی گیرد.
۴. مرتکب گناه کبیره با محض انجام دادن آن کافر نمی شود. زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم هر دو جنگنده را مسلمان نامیده است.
۵. اگر دو مسلمان به هر وسیله ای با هم رو برو شوند که یکی از آنها دیگری را به قتل برساند، قاتل و مقتول در آتش هستند، و شمشیر در حدیث به عنوان نمونه یاد آوری شده است.

(۴۳۰۴)

(۲۴۵) - عن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ حَمَلَ عَلَيْنَا السَّلَاحَ فَلَيْسَ مِنَّا». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۴۵) - از ابو موسی اشعری رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «کسی که علیه ما سلاح بردارد از ما نیست». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم نسبت به برداشتن سلاح علیه مسلمانان به قصد ترساندن یا غارت کردن آنان هشدار می دهد، و بیان می دارد که هرکس به غیر حق چنین کند مرتکب جرمی بزرگ و یکی از گناهان کبیره شده و مستحق این وعید و تهدید شدید است.

از فوائد حدیث:

۱. هشدار شدید نسبت به جنگیدن مسلمان با برادران مسلمانان.
۲. یکی از بزرگترین منکرات و فسادهای بزرگ در زمین، برداشتن سلاح علیه مسلمانان و تباهی و افساد با کشتن است.

۳. وعیدی که در این حدیث آمده، کشتن به حق را در بر نمی گیرد، مانند کشتن اهل بغاوت و مفسدان و غیر آنان.
۴. حرام بودن ترساندن مسلمان با سلاح یا دیگر چیزها، حتی اگر به قصد شوخی باشد.

(۲۹۹۷)

(۲۴۶) - عن عائشة رضي الله عنها قالت: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «لَا تَسْبُوا الْأَمْوَاتَ، فَإِنَّهُمْ قَدْ أَفْضَوْا إِلَى مَا قَدَّمُوا». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۲۴۶) - از عائشه رضی الله عنها روایت است گفت که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: مردگان را دشنام ندهید، زیرا آنان به عملکردهای خویش رسیده اند. [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم دشنام دادن به مردگان و بی حرمتی به آنان را بیان می دارد، و اینکه این عمل جزء اخلاق زشت شمرده می شود "چونکه آنان به جایگاه اعمال خویش رسیده اند" اعمال نیک و یا زشت، و همچنین این دشنام به آنان نمی رسد، و تنها زندگان را آزار می دهد.

از فوائد حدیث:

۱. این حدیث دلیل بر نهی از دشنام دادن به مردگان است.
۲. ترک اهانت به مردگان به خاطر مصلحت زندگان و حفظ مصئونیت جامعه از دعوا و نفرت است.

۳. حکمت نهی از دشنام دادن به آنها این است که به آنچه کرده اند رسیدند، پس دشنام دادن به آنها فایده ای ندارد بلکه به بستگان زنده اش ضرر می رساند.

۴. سزاوار انسان نیست سخن بی مصلحت را بگوید.

(۵۳۶۴)

(۲۴۷) - عن أبي أيوب الأنصاري رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «لَا يَحِلُّ لِرَجُلٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثِ لَيَالٍ، يَلْتَقِيَانِ، فَيُعْرِضُ هَذَا وَيُعْرِضُ هَذَا، وَخَيْرُهُمَا الَّذِي يَبْدَأُ بِالسَّلَامِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۴۷) - از ابو ایوب انصاری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «جایز نیست که مرد بیش از سه شب برادر خود را ترک سخن کند، طوری که وقتی به هم روبرو می شوند این روی بر می گرداند، و او روی بر می گرداند، و بهترین آنان کسی است که آغاز به سلام کردن می کند». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم از اینکه یک مسلمان برادر مسلمانش را بیش از سه شب ترک کند منع فرموده اند، طوری که وقتی همدیگر را می بینند از یکدیگر رو گردانیده و به هم سلام نمی دهند و با هم حرف نمی زنند. و بهترین این دو مسلمانی که با هم قطع رابطه کرده اند، کسی است که تلاش کند آشتی برقرار کند و ترک رابطه را به پایان برساند. و اینجا مراد از ترک کردن، ترک وی به خاطر خواهشات نفسانی است؛ اما ترک بخاطر الله متعال

مانند ترک گناه کاران، اهل بدعت و دوستان بد، مقید به وقت نمی باشد بلکه وابسته به سببی است که با از بین رفتن آن مدت آن به پایان می رسد.

از فوائد حدیث:

۱. با در نظر گرفتن فطرت انسانی ترک کردن برای سه روز و کمتر از آن مباح است، پس ترک برای سه روز بخشیده شده تا آنچه که در درون ها نهفته است از بین برود.

۲. فضیلت سلام، چون کینه و کدورت را که در درون نفس است از بین می برد، و این که (سلام) نشانه محبت است.

۳. اسلام به برادری و صمیمیت میان پیروان خود تاکید دارد.

(۵۳۶۵)

(۲۴۸) - عن سهل بن سعد رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ يَضْمَنْ لِي مَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ أَضْمَنْ لَهُ الْجَنَّةَ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۲۴۸) - از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که بین دو فک (الاشه) و بین دو پایش را برای من تضمین کند، بهشت را برای او تضمین می کنم». [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از دو مورد خبر می دهند که اگر مسلمان به آن ها پایبند باشد وارد بهشت می شود،

نخست: حفظ زبان از گفتن سخنی که الله متعال را به خشم می آورد.

دوم: حفظ فرج از واقع شدن در فحشا.

زیرا توسط این دو عضو بیشترین گناهان صورت می گیرد.

از فوائد حدیث:

۱. حفظ زبان و فرج راه ورود به بهشت است.
۲. زبان و فرج را مخصوص نمود؛ زیرا آن دو بزرگترین منبع مصیبت در دنیا و آخرت برای انسان هستند.

(۳۴۷۵)

(۲۴۹) - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - وَكَانَ غَزَا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ غَزْوَةً - قَالَ: سَمِعْتُ أَرْبَعًا مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَعْجَبَنِي، قَالَ: «لَا تُسَافِرِ الْمَرْأَةُ مَسِيرَةَ يَوْمَيْنِ إِلَّا وَمَعَهَا زَوْجُهَا أَوْ ذُو مُحَرَّمٍ، وَلَا صَوْمٌ فِي يَوْمَيْنِ: الْفِطْرِ وَالْأَضْحَى، وَلَا صَلَاةٌ بَعْدَ الصُّبْحِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ، وَلَا بَعْدَ الْعَصْرِ حَتَّى تَغْرُبَ، وَلَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: مَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَمَسْجِدِ الْأَقْصَى، وَمَسْجِدِي هَذَا».

[صحیح] - [متفق علیه]

(۲۴۹) - از ابوسعید خدری رضی الله عنه - که همراه با پیامبر صلی الله علیه وسلم در دوازده غزوه شرکت کرده بود - روایت است که گفت: چهار چیز را از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم و آن را پسندیدم، فرمودند: «زن مسیر دو روز را به سفر نمی رود مگر آنکه همسرش یا محرمی همراه او باشد، و در دو روز، روزه روا نیست: فطر و قربان (دو عید)، و پس از [نماز] صبح نمازی نیست تا آنکه خورشید طلوع کند و پس از [نماز] عصر تا آنکه خورشید غروب کند، و بار سفر بسته نمی شود مگر به سوی سه مسجد: مسجد الحرام، و مسجد الاقصی، و این مسجد من».

[صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از چهار امر نهی کردند:
 نخست: منع زن از سفری که مسافت آن مسیر دو روز باشد بدون همسر یا یکی از محارمش، و منظور از محرم کسی است که ازدواج با او تا ابد حرام است، مانند پسر یا پدر یا برادرزاده یا خواهرزاده و عمو و ماما و مانند آن.
 دوم: نهی از روزه در روز عید فطر و روز عید قربان، چه این روزه از روی نذر باشد یا روزه تطوع یا روزه کفاره.

سوم: نهی از نماز نفل پس از نماز عصر تا آنکه خورشید غروب کند، و پس از نماز صبح تا آنکه خورشید طلوع کند.

چهارم: نهی از سفر به جایی از روی اعتقاد به فضیلت آن یا اعتقاد به چند برابر شدن ثواب به غیر از مساجد سه گانه، بنابراین به قصد نماز خواندن بار سفر بسته نمی شود مگر به این سه مسجد؛ زیرا اجر و پاداش چند برابر نمی شود مگر در مسجد الحرام و مسجد نبوی و مسجد الاقصی.

از فوائد حدیث:

۱. جایز نبودن سفر زن بدون محرم.
۲. زن نمی تواند در سفر محرم زنی دیگر باشد، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «همسرش یا کسی که محرم او است».
۳. زن از رفتن به هر مسافتی که سفر نامیده شود بدون همسر یا محرم منع می شود، و این حدیث بر اساس حال سوال کننده و محل زندگی او بوده است.

۴. محرم زن، شوهر اوست یا کسی که ازدواج با او تا ابد حرام است، که این تحریم یا از روی قرابت است مانند پدر و فرزند و عمو و دایی، یا به سبب شیردهی مانند پدر شیری و عموی شیری، یا به سبب دامادی، مانند پدر شوهر، و این محرم باید مسلمان و بالغ و عاقل و مورد اعتماد باشد، زیرا هدف از همراهی محرم، حمایت و محافظت زن و انجام امور اوست.
۵. اهتمام شریعت اسلامی به زنان و حمایت و محافظت آنان.
۶. درست نبودن نماز نفل مطلق پس از نماز صبح و عصر. قضای فرایض فوت شده و نمازهایی که سبب دارند مانند تحیة مسجد و مانند آن مستثنی هستند.
۷. پس از طلوع خورشید بلا فاصله نماز خواندن جایز نیست، بلکه باید صبر کرد تا خورشید به اندازه یک نیزه بلند شود که حدودا به اندازه ده تا پانزده دقیقه است.
۸. وقت نماز عصر تا غروب خورشید ادامه دارد.
۹. جایز بودن سفر به قصد رفتن به مساجد سه گانه.
۱۰. فضیلت مساجد سه گانه و مزیت آن بر دیگر مساجد.
۱۱. عدم جواز سفر برای زیارت قبرها حتی قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم، و زیارت آن برای کسانی که در مدینه هستند یا به قصد مشروع و جایز دیگری به آنجا آمده اند جایز است.

(۲۵۰) - عن أسامة بن زيد رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «مَا تَرَكْتُ بَعْدِي فِتْنَةً أَضَرَّ عَلَى الرَّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۵۰) - از اسامه بن زید رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: "بعد از درگذشت من زیان بارترین فتنه را برای مردان به اندازه فتنه زنان نماندم" [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که او بعد از خود هیچ امتحان سخت تر نگذاشته است که زیان بارتر از فتنه و امتحان زنان برای مردان باشد؛ اگر از خانواده اش باشد، در متابعت مخالفت شرعی ابتلا می گردد، و اگر با او بیگانه باشد، پس با اختلاط و خلوت با وی و آنچه از فسادهای دگر از آن حاصل می شود مورد ابتلا قرار می گیرد.

از فوائد حدیث:

۱. مسلمان باید مواظب فتنه زنان باشد و هر آن راهی را ببندد که سبب فتنه می شود.

۲. مؤمن باید به الله (به دین الله) تمسک بجوید، و میل به سلامتی از وسوسه ها داشته باشد

(۲۵۱) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: «مَنْ اسْتَطَاعَ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ، فَإِنَّهُ أَعْصَى لِلْبَصْرِ، وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ، وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ، فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءٌ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۵۱) - از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که فرمود: ما با پیامبر صلی الله علیه وسلم بودیم و فرمودند: «ای گروه جوانان کسی که توانایی ازدواج کردن دارد، زیرا باعث حفاظت چشم و شرمگاه می شود، و کسی که توانایی ازدواج را ندارد، روزه بگیرد، چون گرفتن روزه، شهوت را ضعیف و کنترل می کند». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم کسانی را که قادر به آمیزش (جماع) و مخارج ازدواج هستند به ازدواج تشویق می کند؛ زیرا چشم آنان را از حرام حفظ می کند، و شدیداً باعث مصئون بودن شرمگاهش شده، و از وقوع در فحشا باز می دارد. اگر کسی نتواند مخارج ازدواج را تامین کند و در عین حال توان همبستری را داشته باشد، این شخص باید روزه بگیرد، چون گرفتن روزه شهوت شرمگاه و شرمی را قطع می کند.

از فوائد حدیث:

۱. اسلام روی اسباب عفت و سلامتی از فحشاء حرص نموده است.
۲. تشویق به روزه گرفتن برای کسی که نمی تواند ازدواج کند؛ زیرا گرفتن روزه شهوت را ضعیف می کند.

۳. وجه تشبیه روزه و کنترل (الوجاء)؛ چون وجاء رگهای بیضه را تضعیف می کند، لذا با از بین رفتن آن میل به آمیزش نیز از بین می رود، همین گونه روزه میل به آمیزش را ضعیف می کند.

(۵۸۶۳)

(۲۵۲) - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوٌّ خَضِرَةٌ، وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَحْلِفُكُمْ فِيهَا، فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ، فَاتَّقُوا الدُّنْيَا وَاتَّقُوا النِّسَاءَ، فَإِنَّ أَوَّلَ فِتْنَةٍ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَتْ فِي النِّسَاءِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۲۵۲) - از ابوسعید خدری رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «همانا دنیا شیرین و سرسبز است و الله شما را در آن جانشین قرار داده و می بیند که چگونه عمل خواهید کرد، پس از دنیا و از زنان پروا دارید، زیرا نخستین فتنه‌ای که در بنی اسرائیل رخ داد در زنان بود». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته که دنیا از نظر طعم شیرین است و در نگاه، سرسبز، برای همین انسان به آن فریب می خورد، و خود را برایش خسته می کند، و همه فکر خود را در آن قرار می دهد. الله سبحانه و تعالی در این زندگی دنیا برخی از ما را جانشین برخی دیگر قرار می دهد و می نگرد که چگونه رفتار می کنیم، آیا طاعت او را انجام می دهیم یا مرتکب معصیتش می شویم؟ سپس فرمودند: از این برحذر باشید که متاع دنیا و زینت آن شما را بفریبد، و

باعث شود امر الله را ترک کنید، و در آنچه شما را از آن نهی کرده واقع شوید. و یکی از بزرگترین فتنه‌های این دنیا که باید از آن برحذر بود، فتنه زنان است و این فتنه نخستین فتنه‌ای بود که بنی اسرائیل در آن واقع شدند.

از فوائد حدیث:

۱. ترغیب به ملازمت بر تقوا و مشغول نشدن به ظواهر و زینت دنیا.
۲. هشدار نسبت به واقع شدن در فتنه زنان، از نگاه کردن به آنان، و تساهل در اختلاط زنان با مردان نامحرم یا دیگر مظاهر فتنه.
۳. فتنه زنان از بزرگترین فتنه‌ها در این دنیا است.
۴. عبرت گرفتن و پند اندوختن از امت‌های پیشین، زیرا آنچه برای بنی اسرائیل رخ داد برای غیر آنان هم رخ خواهد داد.
۵. فتنه زن چنین است که اگر همسر باشد شاید هزینه‌هایی را به دوش مرد بیندازد که در توانش نباشد، در نتیجه از امر دینش مشغول شود و مجبور شود در طلب دنیا خودش را به هلاکت اندازد، و اگر زنی نامحرم باشد در صورت بیرون رفتن از خانه و اختلاط با این زنان، فتنه‌اش فریفتن مردان و اغوای آنان و منحرف کردنشان از راه حق است، به ویژه اگر با روی باز و آرایش باشند، و این ممکن است به درجات گوناگون زنا منجر شود، برای همین مؤمن باید به الله اعتصام جوید، و در راه نجات از فتنه آنان به الله راغب شود.

(۲۵۳) - عَنْ مُعَاوِيَةَ الْقُشَيْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا حَقُّ زَوْجَةِ أَحَدِنَا عَلَيْهِ؟ قَالَ: «أَنْ تُطْعَمَهَا إِذَا طَعِمْتَ، وَتَكْسُوَهَا إِذَا اكْتَسَيْتَ، أَوْ اكْتَسَبْتَ، وَلَا تَضْرِبَ الْوَجْهَ، وَلَا تُقَبِّحَ، وَلَا تَهْجُرَ إِلَّا فِي الْبَيْتِ» [حسن] - [رواه أبو داود وابن ماجه وأحمد]

(۲۵۳) - از معاویه قشیری رضی الله عنه روایت است که می گوید: گفتم: ای رسول الله، حق همسر ما بر ما چیست؟ فرمودند: «اینکه چون غذایی خوردی، به او بدهی، و اگر لباسی پوشیدی و یا کسب نمودی، او را بپوشانی، و به صورت او ضربه نزنی، و دشنامش ندهی، و جز در خانه از او دوری نکنی». [حسن] - [ابو داود و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد حقوق واجبى سوال می شوند که هر شوهرى نسبت به همسرش ملزم به رعایت آنها می باشد؛ و رسول الله صلی الله علیه وسلم این امور واجب را ذکر می کنند که عبارتند از: اول: خود را به غذای بدون او خاص نکنید؛ بلکه هرگاه غذا می خورید به او غذا بدهید.

دوم: خود را به لباس و پوشاک خاص نکنید، بلکه هرگاه لباس پوشیدید او را را بپوشانید، اگر کسب نمودی و توان آن را داشتید.

سوم: بدون سبب و ضرورت او را نزنید، اگر برای تأدیب و کوتاهی در بعضی فرایض نیاز به زدن باشد، زدن نباید شدید باشد؛ و به صورت

زده نشود؛ زیرا صورت بزرگ ترین و نمایان ترین قسمت اعضا از لحاظ شرف و لطافت است.

چهارم: دشنام ندهید و نگو: الله صورتت را بد و زشت کند؛ او و چیزی از بدنش را به زشتی که نقیض زیبایی است نسبت ندهید؛ زیرا الله متعال صورت و بدن انسان را شکل داده است، و هر چیز به کمال آفریده است، و نکوهش آفرینش به مذمت خالق راجع می شود، والعیاذ بالله. پنجم: او را جز در رختخواب دوری نکنید، و از او روی نگردانید، و به خانه دیگری منتقل نکنید؛ و ممکن این چیزی باشد که شوهر و خانم به وقوع آن عادت کنند.

از فوائد حدیث:

۱. حرص صحابه بر شناخت حقوق دیگران که ایشان انجامش دهند، و نیز شناخت حقوقی که برای خود آنان است.
۲. وجوب فراهم نمودن نفقه، و پوشاک، و مسکن برای خانم از سوی شوهر.
۳. نهی از بدی و زشتی معنوی و حسی.
۴. از جمله بدی و زشتی ممنوع این است: تو از قبیله پست هستی، و یا از خانواده بد هستی، و یا شبیه آن.

(۲۵۴) - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي أَضْحَى أَوْ فِطْرِ إِلَى الْمُصَلَّى، فَمَرَّ عَلَى النِّسَاءِ، فَقَالَ: «يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ، تَصَدَّقْنَ، فَإِنِّي أُرِيْتُكُمْ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ» فَقُلْنَ: وَبِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «تُكْثِرْنَ اللَّعْنَ، وَتَكْفُرْنَ الْعَشِيرَ، مَا رَأَيْتُ مِنْ نَاقِصَاتٍ عَقْلٍ وَدِينٍ أَذْهَبَ لِلْبَّ الرَّجُلِ الْحَازِمِ مِنْ إِحْدَاكُنَّ»، قُلْنَ: وَمَا نُقْصَانُ دِينِنَا وَعَقْلِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «أَلَيْسَ شَهَادَةُ الْمَرْأَةِ مِثْلَ نِصْفِ شَهَادَةِ الرَّجُلِ» قُلْنَ: بَلَى، قَالَ: «فَذَلِكَ مِنْ نُقْصَانِ عَقْلِهَا، أَلَيْسَ إِذَا حَاضَتْ لَمْ تُصَلِّ وَلَمْ تَصُمْ» قُلْنَ: بَلَى، قَالَ: «فَذَلِكَ مِنْ نُقْصَانِ دِينِهَا». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۵۴) - از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم روز عید قربان یا عید فطر بسوی مصلی رفتند، در آنجا سری به زنان زده و خطاب به آنان فرمودند: «ای گروه زنان، صدقه دهید، زیرا شما را بیشترین اهل دوزخ دیدم». پرسیدند: چرا ای رسول الله؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بخاطر اینکه زیاد نفرین می کنید و از شوهران تان نافرمانی نموده و ناسپاسی می کنید و هیچ ناقص عقل و دینی نمی تواند مانند شما، مردان عاقل را فریب بدهد». گفتند: ای رسول الله، نقصان عقل و دین ما چیست؟ فرمودند: «مگر نه این است که گواهی یک زن، نصف گواهی مرد محسوب می شود؟» گفتند: بله. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: این خود، نشانگر نقص عقل شما است. مگر نه اینکه در ایام حیض و قاعدگی،

نماز نمی خواند و روزه نمی گیرد؟» عرض کردند: بله. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «این هم دلیل بر نقص دین شماست». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم برای نماز عید قربان یا عید فطر به مصلی رفتند و برای زنان وعده سپرده بودند آنها را بطور خصوصی مورد وعظ و یادآوری قرار می دهند، وعده اش را در آن روز عملی نموده و فرمودند: ای گروه زنان صدقه بدهید، و زیاد استغفار بگویید، چون ای دو بزرگترین اسباب محو خطاها است، و من شما را در شب اسراء بیشترین اهل دوزخ دیدم.

زنی که دارای عقل و دیدگاه و وقار بود گفت: به چه دلیل ما بیشتر دوزخیان را تشکیل می دهیم؟

فرمودند: برای اموری مانند: زیاد لعن و نفرین می کنید، و از حق شوهر انکار می کنید، سپس آنان را او صلی الله علیه وسلم به این قول خود توصیف نمود: هیچ ناقص عقل و دینی نمی تواند مانند شما، بر مردان عاقل، حازم و ضبط کننده امورش غلبه حاصل نمایند.

گفتند: یا رسول الله، نقصان عقل و دین ما چیست؟

فرمودند: اما نقصان عقل این است که شهادت دوزن معادل شهادت مرد است؛ این نقصان عقل آنهاست، و نقصان دین نقصان عمل صالح است چون در ایام حیض و قاعدگی، روزها و شب ها نماز نمی خواند، و در روزهای قاعدگی چند روز ماه رمضان را روزه نمی گیرد، این نقصان دین است، اما زنان به این خاطر نه سرزنش می شوند و نه مورد مؤاخذه و

بازخواست قرار می گیرند؛ زیرا اصل خلقت ایشان اینگونه است همانطور که در سرشت انسان محبت مال و عجله در امور و نادانی و غیره نهفته است... موارد قبلی را از باب تنبیه در فتنه قرار گفتن آنان یادآوری نمودند.

از فوائد حدیث:

۱. استحباب خروج زنان برای نماز عید، و موعظه آنان بگونه انفرادی و خصوصی.
۲. ناسپاسی و نافرمانی و کثرت نفرین از جمله گناهان کبیره است؛ زیرا هشدار به آتش جهنم از نشانه های این است که گناه بزرگ است.
۳. در حدیث بیان زیادت و نقصان ایمان است، پس عبادت هر کس بیشتر شود ایمان و دینش بیشتر می شود، و عبادت هر کس کم شود دینش کم می شود.
۴. نووی می گوید: عقل کم و زیاد را می پذیرد، و ایمان را نیز می پذیرد، و منظور از نقص در زنان ملامت کردن آنان بر این نقیصه نیست؛ زیرا این نقصان از اصل خلقت آنان است، ولی موارد قبلی را از باب تنبیه در فتنه قرار گفتن آنان یادآوری نمود، و به همین دلیل است که عذاب را بر اساس ناسپاسی و غیره ذکر نمود، نه بر اساس کمبودی، و نقص در دین به آنچه منجر به گناه می شود محدود نمی شود، بلکه در چیزی کلی تر از آن صورت می گیرد.
۵. در حدیث مراجعه نمودن دانش آموز به عالم و تابع به به متبوع است در آنچه که گفته است اگر معنای آن برایش روشن نباشد.
۶. در حدیث گواهی زن نصف گواهی مرد است، بنابراین نقص حافظه زن.

۷. ابن حجر در قول او: "ما رأيت من ناقصات... إلخ" می گوید: به نظرم این از جمله اسباب است که آنها بیشترین اهل دوزخ می باشند؛ زیرا اگر زنان سبب فریب عقل مردان باحزم شوند تا آنچه را بگویند و انجام دهند که مناسب نباشد، در این صورت در گناه سهم و بر عذاب شان افزوده می شود.
۸. تحریم نماز خواندن و روزه گرفتن زن در روزهای حیض اش، و همینطور زنان نافسه (زنان که ولادت نموده اند)، و هرگاه پاک شدند فقط قضای روزه را میاورند.
۹. اخلاق نیک پیامبر صلی الله علیه وسلم، چون بدون سرزنش و ملامتی به سؤالات زنان پاسخ ارایه فرمودند.
۱۰. ابن حجر می گوید: صدقه عذاب را دفع می کند، و ممکن است سبب محو گناهان میان مخلوق گردد.
۱۱. نووی می گوید: نقصان دین در زنان به علت ترک نماز و روزه در دوران حیض آنان است؛ پس هر کس عبادتش زیاد شود، ایمان و دینش زیاد می شود، و هر کس عبادتش کم شود، دینش کم می شود، و نقص دین ممکن است به گونه ای باشد که در ترک آن مرتکب گناه شود، مانند ترک نماز، روزه و یا دیگر عبادات واجب بدون عذر، یا به گونه ای باشد که گناهی نداشته باشد، مانند ترک نماز جمعه، یا غزو و غیره موارد دیگر که بدون عذر بر او واجب نیست، و ممکن است به نحوی باشد که بر ترک آن مکلف باشد مانند ترک نماز و روزه برای زن حائضه.

(۲۵۵) - عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِيَّاكُمْ وَالْذُّخُولَ عَلَى النِّسَاءِ» فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفَرَأَيْتَ الْحُمُوءَ؟ قَالَ: «الْحُمُوءُ الْمَوْتُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۵۵) - از عقبه بن عامر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «از رفتن نزد زنان بیگانه پرهیزید»، مردی از انصار گفت: درباره ی خویشاوندان شوهر چه می فرمایی؟ فرمودند: «فتنه خویشاوندان شوهر (بیشتر و مانند) مرگ است». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم از رفتن نزد زنان بیگانه و خلوت با آنها بر حذر داشته و فرمودند: از خود پرهیزید که مبادا بر زنان وارد شوید، و زنان بر شما وارد شوند.

مردی از انصار گفت: در بستگان شوهر چه می گوئید؟ مانند برادر شوهر، برادرزاده شوهر، عموی و پسر عموی، پسر خواهرش، و مانند اینها که ازدواج با آنان روا باشد اگر ازدواج نکرده باشد؟

وی صلی الله علیه وسلم فرمودند: از او حذر کنید چنان که از مرگ حذر می کنید! زیرا خلوت با بستگان شوهر موجب فتنه و تباهی در دین می شود، لذا بستگان شوهر غیر از پدر و فرزندان او نسبت به بیگانه مستحق بطریقه اولی باید منع شوند؛ زیرا خلوت با نزدیکان شوهر از خلوت با دیگران بیشتر است، و فتنه آن ممکن تر است؛ زیرا دسترسی آنان به زن و خلوت کردن با او بدون

اعتراض و مانع صورت می گیرد، چون خلوت حتما صورت می گیرد، چون ممکن نیست از آن اجتناب کند، چون رسم بر این است که در خلوت مرد با زن برادرش سهل انگاری می شود؛ و این شباهت مرگ را دارد در قبیح بودن و مفسده این خلوت، بر خلاف مرد بیگانه که از او حذر می شود.

از فوائد حدیث:

۱. منع دخول بر زنان بیگانه و خلوت با آنان برای جلوگیری از ذریعه ارتکاب فحشا.
۲. این امر در مورد نامحرم از قبیل برادر و بستگان شوهر که برای زن محرم نیستند عمومیت دارد، و باید در نظر گرفت این که دخول مستلزم خلوت باشد.
۳. بطور عمومی دوری از اماکن لغزش، از ترس افتادن در شر.
۴. نووی گفته است: اهل علم اتفاق نموده اند که (الأَحْمَاءُ) نزدیکان شوهر زن مانند پدر شوهر و عموی شوهر، و برادر شوهر و برادرزاده شوهر، و پسر عموی شوهر و امثال آن هستند، و این که (الأَخْتَانِ) خویشاوندان زن شوهر هستند، و این که اصهار به هر دو نوع واقع می شود.
۵. (الْحَمَمُ) یعنی بستگان شوهر را به مرگ تشبیه نمود، ابن حجر گفته است: عرب ها کار منفور را به مرگ توصیف می کنند، و وجه تشبیه این است آن بمثابه مرگ است اگر گناه رخ دهد، و مرگ خلوت کننده است هرگاه گناه رخ دهد و سنگسار شود، و هلاکت زن بر اثر جدایی از شوهر اگر غیرتش او را وادار به طلاق خانمش کند.

(۲۵۶) - عن أبي موسى رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «لَا نِكَاحَ إِلَّا بِوَلِيٍّ». [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي وابن ماجه وأحمد]

(۲۵۶) - از ابوموسی رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: "ازدواج بدون موجودیت سرپرست درست نیست." [صحيح]

- [ابو داود و ترمذی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده‌اند که ازدواج صحیح نیست مگر با ولی [زن] که عقد نکاح را بر عهده گیرد.

از فوائد حدیث:

۱. ولی، شرط صحت نکاح است، بنابراین اگر نکاح بدون ولی صورت گیرد یا زن خودش را به عقد دیگری در آورد، نکاح درست نیست.
۲. ولی نزدیکترین مردان به زن است، بنابراین با وجود ولی نزدیک، ولی دور نکاح زن را بر عهده نمی‌گیرد.
۳. در ولی: تکلیف، و مرد بودن، و رشد بودن، و شناخت مصالح نکاح، و یکی بودن دین ولی و زنی که ولایت او را بر عهده دارد شرط است، و هر گاه یکی از این صفات موجود نباشد آن مرد اهل ولایت در عقد نکاح شده نمی‌تواند.

(۲۵۷) - عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ نَكَحْتَ بِغَيْرِ إِذْنِ مَوْلَاهَا، فَانْكَاحَهَا بِاطِلٍّ - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - فَإِنْ دَخَلَ بِهَا فَالْمَهْرُ لَهَا بِمَا أَصَابَ مِنْهَا، فَإِنْ تَشَاجَرُوا فَالسُّلْطَانُ وَلِيُّ مَنْ لَا وَلِيَ لَهُ». [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي وابن ماجه وأحمد]

(۲۵۷) - از مادر مومنان عائشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر زنی که بدون اجازه ی اولیایش ازدواج کند، نکاح و ازدواجش باطل است. - و این جمله را سه بار فرمودند- و اگر کسی که با این زن ازدواج کرده، با وی همبستر شود و جماع کند، به این سبب مهریه به زن تعلق می گیرد؛ و اگر اولیای زن در مورد ازدواج وی دچار اختلاف شوند، حاکم (یا نایبان او) ولی کسی است که ولی ندارد». [صحيح] - [ابو داود و ترمذی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم هشدار می دهند از این که اگر زنی بدون اجازه ی ولی خود ازدواج کند و خود عقد نکاح را منعقد کند، نکاح وی صحیح نبوده و باطل است؛ و آن را سه بار تکرار نمود، گویا که هیچ اتفاق نیافتیده باشد. و اگر پس از این ازدواج که بدون اجازه ی ولی زن صورت گرفته، جماع و آمیزش جنسی صورت بگیرد؛ به علت جماعی که در فرج زن صورت گرفته، مهریه به زن تعلق می گیرد.

سپس اگر اولیا - که مراتب شان باهم برابر است- در ازدواج دادن زن اختلاف کردند، عقد مربوط کسی می شود که به آن سبقت ورزیده، اگر نظر او در این کار بنابر مصلحت زن باشد، پس اگر ولی از تزویج امتناع ورزید، گویا

که زن هیچ ولی ندارد؛ تصمیم گیری در مورد او به حاکم و نایبان او سپرده می شود، در غیر این صورت در موجودیت ولی هیچ ولایتی بر حاکم نیست.

از فوائد حدیث:

۱. شرط موجودیت ولی در صحت نکاح، و از ابن المنذر نقل شده که از هیچ صحابی خلاف این شناخته نشده.
۲. در نکاح باطل زن مستحق مهریه کامل می شود، در مقابل همبستری و مجامعت مرد همراهی زن.
۳. حاکم ولی زنانی است که ولی ندارند، اگر این نبود به علت این باشد که اصلاً ولی نداشته باشد، و یا اگر بسبب ممانعت ولی از تزویج زن باشد.
۴. حاکم ولی کسی است که ولی ندارد، در حال نبود ولی و یا به علت تعذر آن، و قاضی مقام او را می گیرد؛ چون قاضی نماینده او در این امور است.
۵. وجود ولی در تزویج به این معنی نیست که زن حق ندارد، بلکه او حق دارد و ولی او حق ندارد بدون اجازه زن او را به ازدواج کسی درآورد.
۶. شرط های نکاح صحیح: اول: تعیین هر یک از زوجین به اشاره و یا نام و یا وصف و مانند آن، دوم: رضایت هر یک از زوجین به دیگری، سوم: عقد زن را ولی او ببندد، چهارم: گواهی بر عقد نکاح.
۷. شرط های ولی که عقد نکاح را انجام می دهد: اول: عقل، دوم: مرد بودن، سوم: بلوغ، به سن پانزده سالگی و یا محتمل شده باشد، چهارم: اتحاد دین، چون کافر بر مرد و زن مسلمان ولایت ندارد، و همچنان مسلمان بر مرد و زن کافر ولایت ندارد، پنجم: عدالت که منافعی فسق

باشد، در عدالت همین قدر کفایت می کند که در موضوع ازدواج مصلحت زن را در نظر بگیرد، ششم: ولی باید هوشیار باشد نه کودن، و آن توانایی شناخت شایستگی و امور نکاح می باشد.

۸. برای ولیان زن در ازدواج نزد فقهاء ترتیبی است، و هرگز از ولی نزدیک عبور نمی شود بجز هنگام نبود ولی و یا نبود شرایط ولی، ولی زن پدرش است، سپس کسی که به او وصیت شده، سپس جد پدری او هر چقدر که بالا برود، سپس پسرش، سپس پسرانش هر چقدر که پایین بروند، سپس برادر پدری و مادری، سپس برادر پدری، سپس پسران آنان، سپس عموی پدری و مادر، سپس عموی پدری، سپس پسرانشان، سپس نزدیکترین از لحاظ نسب از نزدیکان پدر مانند ارث، و حاکم مسلمان و یا کسی که نمایندگی از او می کند مانند قاضی، ولی کسی است که ولی ندارد.

(۵۸۰، ۶۷)

(۲۵۸) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَلْعُونٌ مَنْ أَتَى امْرَأَتَهُ فِي دُبُرِهَا». [حسن] - [رواه أبو داود والنسائي في الكبرى وأحمد]

(۲۵۸) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مردی که با همسرش در دبرش جماع کند، لعنت کرده شده است». [حسن] - [ابو داود و نسایی در الكبرى و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم با وعید شدیدی هشدار می دهد برای کسی که با همسر خود از راه عقب (دبر)، جماع کند؛ و ثمره ی آن را دوری از رحمت الله متعال معرفی می کند، و این کبیره بودن این گناه می باشد.

از فوائد حدیث:

۱. تحریم جماع همسران در مقعد (دبر).
۲. جواز لذت بردن از همه جسم خانم بجز دبر.
۳. مسلمان با زن چنان همبستر می شود که الله متعال به او امر کرده است؛ و اما در مقعد افساد فطرت و سرشت، و ضیاع نسل، و مخالفت طبع سلیم، و زیان های فراوان و شدید که برای هر یک از زوجین دارد.

(۵۸۰۹۰)

(۲۵۹) - عن عقبه بن عامر رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أَحَقُّ الشُّرُوطِ أَنْ تُؤْفُوا بِهِ مَا اسْتَحْلَلْتُمْ بِهِ الْفُرُوجَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۵۹) - از عقبه بن عامر رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: "همانا سزاوارترین شروطی که باید به آنها پایبند بود: شروطی است که با آنها زنان را برای خود حلال ساختید". [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان می کند که سزاوارترین شروطی که باید به آنها پایبند بود این است که به اساس آن استمتاع به زن روا گردیده است، و این عبارت از شرط های مباح اند که خانم آنها را در عقد ازدواج می طلبد.

از فوائد حدیث:

۱. وفا به آن شرط ها واجب است که یکی از زوجین نسبت به دیگری بالای خود قبول کند، مگر شرطی که حلال را حرام و یا حرام را حلال بگرداند.

۲. وفا نمودن به شرط های نکاح قطعی تر است نسبت به شرط های دیگری، زیرا در مقابل استمتاع به زن است.
۳. عظمت جایگاه ازدواج در اسلام، چنان که بر تحقق شرایط آن تأکید شده است.

(۶۰۲)

(۲۶۰) - عن عبد الله بن عمرو رضي الله عنهما أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «الدُّنْيَا مَتَاعٌ، وَخَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۲۶۰) - از عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: "دنیا متاع است؛ و بهترین متاع دنیا زن نیکوکار است". [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که دنیا و آنچه در آن است چیزی است که مدتی زمان از آن لذت برده می شود و سپس از بین می رود، و اینکه بهترین لذت آن همسر صالح است، وقتی او را نگاه کند خشنود می شود، و اگر به او امر کند از وی اطاعت می کند، و اگر از او دور باشد در نفس و مالش از او محافظت می کند.

از فوائد حدیث:

۱. بهره مندی از خوبی های دنیا که الله متعال برای بندگان روا کرده است بدون اسراف و تکبر جایز است.

۲. تشویق به انتخاب همسر صالح؛ زیرا برای شوهر در اطاعت پروردگارش کمک کننده است.

۳. بهترین لذت دنیا چیزی است که در اطاعت الله بوده یا به آن کمک کند.

(۵۷۹۴)

(۲۶۱) - عَنْ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ نَظَرِ الْفَجَاءَةِ فَأَمَرَنِي أَنْ أَصْرِفَ بَصَرِي. [صحيح] - [رواه مسلم]

(۲۶۱) - از جریر بن عبد الله رضی الله عنه روایت است که فرمود: از رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره ی نگاه ناگهانی و ناخواسته پرسیدم؛ پس مرا امر فرمودند که چشمم را برگردانم. [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

جریر بن عبد الله رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسید که مردی ناگهان و بدون قصد به زن بیگانه - اجنبی - نگاه کند؟ پس وی صلی الله علیه وسلم دستور دادند که به محض اینکه متوجه شد روی خود را به طرف دیگر بگرداند و گناهی بر او نیست.

از فوائد حدیث:

۱. تشویق به فرو آوردن چشم.
۲. هشدار از نگاه مداوم به آنچه که نگاه کردن به آن حرام است، هرگاه بصورت ناگهانی و ناخواسته چشم به آن بیافتد.
۳. و در حدیث تحریم نگاه کردن به زنان، نزد صحابه موضوع ثابت است، به دلیل این که جریر رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه

وسلم پرسید که بدون قصد نگاهش به زنی بیافند، آیا حکم آن مانند حکم کسی است که به قصد نگاه نموده است؟

۴. این نشان دهنده اتمام شریعت به منافع مردم است، بنابر این نگاه کردن به زنان و بدی های دنیوی و اخروی که بر آن مرتب می شود آن را حرام قرار داده است.

۵. رجوع صحابه به پیامبر صلی الله علیه وسلم و پرسیدن از اشکالی که برای شان واقع می شد، بهمین ترتیب برای عموم مردم لازم است هرگاه دچار اشکالی شدند به علما رجوع نموده و از ایشان بپرسند.

(۸۹۰۲)

(۲۶۲) - عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: صَلَّى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِكَبْشَيْنِ أَمْلَحَيْنِ أَقْرَيْنِ، ذَبَحَهُمَا بِيَدِهِ، وَسَمَى وَكَبَّرَ، وَوَضَعَ رِجْلَهُ عَلَى صِفَاحِهِمَا. [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۶۲) - از انس رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم دو قوچ شاخ دار با رنگ آمیخته ی سفید و سیاه قربانی کردند، بسم الله و الله اکبر گفتند و پایش را بر یک طرف گردن آنها گذاشته و به دست خود آنها را ذبح نمودند. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم به قربانی کردن تشویق نموده و خود بدان عمل کرده و دو قوچ قربانی کرده اند. دو قوچ نر با رنگ آمیخته ی سفید و سیاه که هر دو شاخ دار بودند، و فرمودند: بسم الله و الله اکبر، و پایش را بر یک طرف گردن آنها گذاشته و به دست خود آنها را ذبح نمودند.

از فوائد حدیث:

۱. مشروعیت قربانی، و اجماع علمای مسلمانان بر آن.
۲. بهتر است که قربانی با این نوع باشد که پیامبر صلی الله علیه وسلم قربانی کردند؛ به علت ظاهر زیبا و داشتن چربی و گوشت بهتر آن.
۳. نووی می گوید: مستحب است که انسان ذبح قربانی را خودش بر عهده بگیرد، و بدون عذر ذبح آن را به کسی تفویض نکند، و در این صورت مستحب هنگام ذبح حضور داشته باشد، و اگر مسلمانی را نایب قرار دهد، بدون اختلاف جایز است.
۴. ابن حجر گفت: استحباب گفتن الله اکبر و بسم الله هنگام ذبح، و استحباب گذاشتن پا بر طرف گردن راست آن، و به خوابانیدن آن به سمت چپ توافق نمودند، پس باید پای خود را به پهلوی راست می گذارد تا برای ذبح راحت تر باشد که چاقو را با دست راست بگیرد و سر آن را با دست چپ بگیرد.
۵. استحباب قربانی که دارای شاخ ها باشد و بدون آن نیز جواز دارد.

(۲۶۳) - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِزْرَةُ الْمُسْلِمِ إِلَى نَصْفِ السَّاقِ، وَلَا حَرَجَ - أَوْ لَا جُنَاحَ - فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْكَعْبَيْنِ، وَمَا كَانَ أَسْفَلَ مِنَ الْكَعْبَيْنِ فَهُوَ فِي النَّارِ، مَنْ جَرَّ إِزْرَهُ بَطْرًا لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ». [صحيح] - [رواه أبو داود وابن ماجه وأحمد]

(۲۶۳) - از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «شلوار مسلمان تا نصف ساق است و مانع یا گناهی ندارد که بین ساق و قوزک باشد و پایین تر از قوزک - چنانچه با شلوار پوشیده شود - در آتش است و الله به کسی که شلوار (لنگ) خود را از روی تکبر بر زمین بکشد، نگاه نمی کند». [صحيح] - [ابو داود و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده که: برای شلوار مرد مسلمان، که آن نیمه پایینی انسان را می پوشاند، سه حالت است: اول: مستحب است تا نصف ساق پا باشد. دوم: بدون کراهیت جایز است، و آن آنچه که زیر ساق پا باشد تا میچ پاها باشد؛ و آنها دو استخوان بیرون آمده در مفصل ساق و پا می باشد. سوم: که حرام است، این که از میچ پا پایین تر باشد، و بیم آن می رود که آتش به او برسد، و اگر از روی تکبر و شادی و سرکشی انجام دهد، الله متعال به او نگاه نمی کند.

از فوائد حدیث:

۱. این وصف و تهدید مختص مردان است، اما زنان از این امر مستثنی هستند؛ زیرا دستور داده شده است که زنان تمام بدن خود را بپوشانند.

۲. هر چیزی که نیمه پایینی مردان را بپوشاند ایزار نامیده می شود، مانند شلوار و لباس و غیره، شامل این احکام شرعی مذکور در این حدیث می شود.

(۴۹۶۴)

(۲۶۴) - عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى أَنَّهُمْ كَانُوا عِنْدَ حُدَيْفَةَ، فَاسْتَسْقَى فَسَقَاهُ مَجُوسِيٌّ، فَلَمَّا وَضَعَ الْقَدَحَ فِي يَدِهِ رَمَاهُ بِهِ، وَقَالَ: لَوْلَا أَنِّي نَهَيْتُهُ غَيْرَ مَرَّةٍ وَلَا مَرَّتَيْنِ - كَأَنَّهُ يَقُولُ: لَمْ أَفْعَلْ هَذَا -، وَلَكِنِّي سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَا تَلْبَسُوا الْحَرِيرَ وَلَا الدِّيَابَجَ، وَلَا تَشْرَبُوا فِي آيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، وَلَا تَأْكُلُوا فِي صَحَافِهَا، فَإِنَّهَا لَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَنَا فِي الْآخِرَةِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۶۴) - از عبد الرحمن بن ابی لیلی روایت است که آنان نزد حذیفه بودند، او آب خواست و مجوسی به او آب داد، و چون جام را در دست گرفت آن را در روی مجوسی زد و گفت: من این کار رانمی کردم اگر او را بیش از یک و یا دو بار منع نکرده بودم - گویا می گفت: این کار را نمی کردم - مگر من از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمودند: «ابریشم نرم و غلیظ را نپوشید و در ظرف های طلا و نقره چیزی ننوشید، و در کاسه های آنان نخورید، چون این ظروف (طلایی و نقره یی) برای آنها در دنیا و برای ما در آخرت است». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم مردان را از پوشیدن تمام انواع ابریشم نهی کرد. مردان و زنان را از خوردن و نوشیدن در ظروف طلا و نقره منع کرد، و فرمودند که آنها در روز قیامت ویژه مؤمنان است؛ زیرا در دنیا از روی اطاعت الله از آن دوری

کردند. و اما آنها در آخرت برای کافران نمی باشد؛ زیرا آنان با استفاده کردن این نعمت ها در دنیا عجله نمودند و نیز از فرمان الله متعال سرپیچی کردند.

از فوائد حدیث:

۱. حرام بودن پوشیدن ابریشم و دیاج برای مردان، و هشدار شدید برای استفاده کننده آن.

۲. برای زنان پوشیدن ابریشم و دیاج جایز است.

۳. تحریم خوردن و نوشیدن در ظروف و جام های طلا و نقره برای مردان و زنان.

۴. تندی حدیفه رضی الله عنه در انکار از آن، و این را این گونه توضیح داد که او را بیش از یک بار از استفاده از ظروف طلا و نقره نهی کرده بود، اما با آن هم بسنده نکرد.

(۲۹۸۵)

(۲۶۵) - عن علي رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ: عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ، وَعَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ، وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَعْقِلَ». [صحيح] - (رواه أبو داود والترمذي والنسائي في الكبرى وابن ماجه وأحمد)

(۲۶۵) - از علی رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «قلم [ثبت و ضبط اعمال انسان توسط ملائکه] از سه نفر برداشته شده است: از کسی که خواب است تا بیدار شود، و از کودک تا اینکه به بلوغ برسد، و از دیوانه تا اینکه عاقل گردد». [صحيح] - [ابو داود و ترمذی و نسایی در الكبرى و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهند که مکلفیت لازمه فرزندان آدم است مگر این سه گروه:

طفل خورد سال تا این که بزرگ و بالغ شود.

و از مجنون که عقلش را از دست داده تا این که عقلش بازگردد.

و از خوابیده تا این که بیدار شود.

پس مکلفیت از آنان مرفوع گردیده است، چون اگر عمل گناه را انجام دهند بر آنان نوشته نمی شود، اما برای کودکی که کار نیک را انجام می دهد نوشته می شود بغیر از مجنون و خوابیده؛ چون آنان در موقعیتی هستند که به علت زوال شعور، عبادت آنان پذیرفته نمی شود.

از فوائد حدیث:

۱. از دست دادن ظرفیت (اهلیت) انسان یا به سبب خواب است که او را از بیدار شدن برای انجام وظایف خود باز می دارد، و یا به علت سن و سال کم و کودکی که باعث از دست دادن ظرفیت (اهلیت) می شود، یا به دلیل جنون که عملکرد ذهنی او را مختل نموده، و یا چیزی که به او ملحق می شود، مانند مستی (نشه)، پس هر که فاقد تمییز و تصور درست باشد، این سه اسباب اهلیت از او منتفی می شود؛ پس الله تبارک و تعالی با عدل، بردباری، سخاوت و کرم خود او را از هرگونه تجاوز و کوتاهی که در حق الله متعال است محاسبه نمی کند.

۲. نوشتن گناهان برای آنان، منافاتی با تأیید برخی از احکام دنیوی بر آنان ندارد؛ مانند دیوانه اگر قتل نماید، قصاص و کفاره بالای او نمی باشد، اما سرپرست او باید دیت پرداخت کند.

۳. بلوغ سه علامت دارد: بیرون آمدن منی، توسط احتلام و یا غیر آن، رویدن موی شرمگاه، و یا با تمام شدن پانزده سالگی، و برای زن مورد چهارم افزوده می شود: که همانا حیض است.

۴. السبکی گفت: صبی پسر خردسال است، و دیگران گفته اند: کودک در شکم مادرش را جنین می نامند، و هرگاه به دنیا بیاید صبی - پسر خردسال - می باشد، و هرگاه از شیر گرفته - جدا - شود تا هفت سالگی غلام یا کودک نامیده می شود، بعد از آن یافع - جوان - نامیده می شود تا سن پانزده سالگی، و در این مرحله اخیر تسمیه خردسال از او قطع می شود، این سخن سیوطی است.

(۵۸۴)

(۲۶۶) - عن ابن عمر رضي الله عنهما: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنِ الْقَرْعِ. [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۶۶) - از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که: "رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از تراشیدن برخی از موهای سر و گذاشتن برخی دیگر، نهی کرده است." [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از تراشیدن قسمتی از موهای سر و ترک قسمتی دیگر آن نهی کرده است. این ممنوعیت برای مردان جوان و پیر عمومی است، اما زنان مجاز به تراشیدن سر نیستند.

از فوائد حدیث:

۱. توجه شریعت اسلامی به ظاهر انسان.

(۸۹۱۴)

(۲۶۷) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «الْخَلْفُ مَنْقَعَةٌ لِلْسَّلْعَةِ، مَمْحَقَةٌ لِلرَّيْحِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۶۷) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمودند: «سوگند، وسیله ای برای بازارگرمی و فروش کالا است؛ اما برکتش را از میان می برد». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم هشدار می دهد از به بازی گرفتن سوگند و استعمال زیاد آن برای ترویج کالاها و کسب و کاسبی هرچند صادق نیز باشد، در واقع این یک نقص و بطلان برکت و کسب است، و ممکن الله متعال راه هایی تلف شدن را بر آن مسلط کند، یا از طریق دزدی، سوختن، غرق شدن، غضب و غارت و چپاول، و یا از راه های دیگر که به وسیله آن اموالش از بین می برد.

از فوائد حدیث:

۱. تعظیم مسأله سوگند یاد کردن به الله متعال، و این که تنها در حال ضرورت یاد شود.
۲. مکسب حرام هرچند که زیاد باشد؛ فاقد برکت و خیری در آن نیست.
۳. قاری می گوید: از بین رفتن برکت مکسوب (چیزی کسب شده)، یا با تلف مال اوست، و یا با خرج آن در چیزی که بر او بشکل عاجل نفع نمی رساند و یا در آینده به او پاداش نداشته باشد، و یا نزدش می ماند و از منفعت آن محروم می گردد، یا به ارث کسانی می رسد که او را نمی ستایند.
۴. نووی می گوید: در حدیث از کثرت سوگند یاد کردن در بیع نهی شده است، زیرا یاد کردن سوگند بدون نیاز مکروه است، که ترویج کالا به آن ملحق می شود، و ممکن است خریدار با یاد کردن سوگند فریب بخورد.
۵. کثرت سوگند دلیلی بر نقص ایمان و توحید است؛ زیرا کثرت سوگند دو چیز را در پی دارد: یک: سهل انگاری و بی تفاوتی در آن، دوم: دروغگویی، زیرا هر که زیاد سوگند یاد کند در دروغ می افتد، پس آن را باید کم نموده و از کثرت آن جلوگیری شود، بنابراین الله متعال می فرماید: (وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ) [المائدة: ۸۹]، و سوگندهای تان را حفظ کنید.

(۲۶۸) - عن ابن عمر رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «أَحْفُوا الشَّوَارِبَ وَأَغْفُوا اللَّحَى». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۶۸) - از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بروت ها را کوتاه کنید، و ریش را انبوه سازید». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم امر به گرفتن از سبیل امر نموده است، و اینکه سبیل بدون کوتاه کردن رها نشود، و در این باره دقت بیشتر شود. و در مقابل امر به گذاشتن ریش وانبوه بودن آن شده است.

از فوائد حدیث:

۱. حرام بودن تراشیدن ریش.

(۳۲۷۹)

(۲۶۹) - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَنْظُرُ الرَّجُلُ إِلَى عَوْرَةِ الرَّجُلِ، وَلَا الْمَرْأَةُ إِلَى عَوْرَةِ الْمَرْأَةِ، وَلَا يُفْضِي الرَّجُلُ إِلَى الرَّجُلِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ، وَلَا تُفْضِي الْمَرْأَةُ إِلَى الْمَرْأَةِ فِي الثَّوْبِ الْوَاحِدِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۲۶۹) - از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مرد نباید به عورت مرد نگاه کند، و زن به عورت زن، و مرد نباید خود را با مرد دیگری در یک جامه پیوشاند، و زن نباید خود را با زن دیگری در یک جامه پیوشاند». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از اینکه مرد به عورت مردی دیگر نگاه کند، یا زن به عورت زنی دیگر نگاه کند نهی کرده‌اند.

عورت: یعنی هر آنچه از آشکار کردنش شرم می‌شود، و عورت مرد بین ناف و زانو است، و بدن زن به نسبت مردان بیگانه همه‌اش عورت است، و به نسبت زنان دیگر و مردان محرمش همان اندازه‌ای را آشکار می‌کند که هنگام کار خانه معمولاً آشکار می‌شود.

و پیامبر صلی الله علیه وسلم از این نهی کردند که مرد با مرد دیگر در حالی که برهنه‌اند در یک لباس یا زیر یک روانداز خلوت کند، و زن با زنی دیگر در حالی که برهنه‌اند در یک لباس یا زیر یک روانداز خلوت کنند، زیرا این به لمس عورت دیگری منجر می‌شود، و لمس عورت مانند نگاه به آن نهی می‌باشد، بلکه از آن یک شدیداً نهی شده؛ زیرا به مفساد بزرگتری منجر می‌شود.

از فوائد حدیث:

۱. نهی از نگاه به عورت‌ها به جز نگاه زوجین به یکدیگر.
۲. توجه اسلام به پاکیزگی جامعه و بستن راه‌هایی که به فحشا منجر می‌شود.
۳. جایز بودن نگاه به عورت اگر به آن نیاز باشد، مانند نیاز پزشکی و امثال آن به شرط آنکه بدون شهوت باشد.
۴. مسلمان امر شده که عورت خود را بپوشاند و به عورت دیگری نگاه نکند.
۵. اینجا به طور خاص از مردان با مردان و زنان با زنان یاد شده؛ زیرا بیشتر در معرض نگاه به یکدیگر و کشف عورت نزد یکدیگر هستند.

(۲۷۰) - عن عبد الله بن عمرو رضي الله عنهما قال: لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاحِشًا وَلَا مُتَفَحِّشًا، وَكَانَ يَقُولُ: «إِنَّ مِنْ خِيَارِكُمْ أَحْسَنَكُمْ أَخْلَاقًا». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۷۰) - از عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فاحش (کسی که از روی عادت ناسزاگو باشد) و متفحش (کسی که از روی تکلف ناسزاگو باشد) نبود، و می فرمودند: «همانا بهترین شما، خوش اخلاق ترین شماست». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

از اخلاق پیامبر صلی الله علیه وسلم نبود که سخن بد بگوید، و یا کار بد را انجام دهد؛ نه اراده آن را می کرد و نه قصد انجام می داد، پس او صلی الله علیه وسلم دارنده اخلاق بزرگ بود.

و او صلی الله علیه وسلم می فرمودند: بهترین شما در نزد الله متعال خوش اخلاقترین شما است؛ که با انجام نیکی و چهره ای بشاش و دور کردن ضرر و تحمل آن از دیگران و معاشرت با مردم با مهربانی تعامل دارد.

از فوائد حدیث:

۱. مؤمن باید از بدگوئی و گفتار بد و کردار زشت دور باشد.
۲. کمال اخلاق رسول الله - صلی الله علیه وسلم - این بود که جز عمل نیک و گفتار پاکیزه از او صادر نمی شد.
۳. خوش اخلاقی میدان رقابت است، پس هر کسی پیشی کرد از بهترین مؤمنان و کاملترین آنها در ایمان است.

(۲۷۱) - عن عائشة رضي الله عنها قالت: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُدْرِكُ بِحُسْنِ خُلُقِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ». [صحيح بشواهد] - [رواه أبو داود وأحمد]

(۲۷۱) - از عایشه رضی الله عنها روایت است فرمود که: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمودند: «همانا مؤمن با اخلاق نیکو به مرتبه روزه دار و تهجد گزار می رسد». [صحيح به شواهد آن] - [ابو داود و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بیان می دارد که خوش اخلاقی صاحبش را به مرتبه کسی می رساند که در روز روزه می گیرد و شب تهجد می خواند، و اخلاق نیکو در: - نیکی کردن، گفتار نیک، پشانی باز، خودداری از ضرر رسانیدن و دفع ضرر از دیگران - نهفته است.

از فوائد حدیث:

۱. توجه بزرگ اسلام به تهذیب و کمال اخلاق.
۲. فضیلت خوش اخلاقی، تا اینکه بنده را به درجه روزه دار - که افطار نمی کند و تهجد گزار که خسته نمی شود - می رساند.
۳. روزه گرفتن در روز و تهجد در شب دو عمل بزرگی است که در آن سختی بر نفس ها وارد می شود، و فرد با اخلاق به درجه آنها رسید، زیرا با نفس خود - توسط تعامل نیک - دست و پنجه نرم کرد.

(۲۷۲) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا، وَخَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِهِمْ».

[حسن] - [رواه أبو داود والترمذي وأحمد]

(۲۷۲) - از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است فرمود که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کاملترین مؤمنان از لحاظ ایمان، بهترین آنان از لحاظ اخلاق می باشد، و برگزیده ترین شما کسی است که با زنان شان بهترین برخورد (اخلاق) می کنند». [حسن] - [ابو داود و ترمذی و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که: کامل ترین انسانها از لحاظ ایمان کسی است که اخلاق نیکو داشته باشد، آن هم با چهره بشاش، و نیکوکاری، و سخن نیک، و پرهیز از ضرر.

و بهترین مؤمنان، بهترین آنها نسبت به زنان شان است، مانند همسر، دختران، خواهران و خویشاوندان او، زیرا آنها از سزاوارترین مردم به اخلاق نیکو هستند.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت اخلاق نیکو و اینکه آنها از ایمان است.
۲. عمل از ایمان است و ایمان کم و زیاد می شود.
۳. تکریم زن در اسلام و تشویق احسان به آنان.

(۲۷۳) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ أَكْثَرِ مَا يُدْخِلُ النَّاسَ الْجَنَّةَ، فَقَالَ: «تَقْوَى اللَّهِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ»، وَسُئِلَ عَنْ أَكْثَرِ مَا يُدْخِلُ النَّاسَ النَّارَ فَقَالَ: «الْفَمُّ وَالْفَرْجُ». [حسن صحيح] - [رواه الترمذي وابن ماجه وأحمد]

(۲۷۳) - از ابو هريره رضی الله عنه روایت است گفت که از رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره آنچه مردم را بیشتر وارد بهشت می کند پرسیده شد، وی فرمودند: «ترس از الله و اخلاق نیکو» و از وی در باره آنچه پرسیده شد که مردم را غالباً به جهنم داخل می سازد. فرمودند: «دهان - زبان - و فرج (شرمگاه)». [حسن صحيح] - [ترمذی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بیان می دارد که بزرگترین اسباب ورود بهشت دو چیز است که عبارتند از: ترس از الله و اخلاق نیکو، پس تقوا از الله این است که با انجام اوامر و دوری از نواهی او، میان خود و عذاب الله حایل ایجاد کنید.

و اخلاقی نیکو با پیشانی باز، نیکی کردن و دست برداشتن از ضرر می باشد. و اینکه بزرگترین اسبابی که انسان را وارد آتش می سازد دو چیز است که عبارتند از:

زبان و فرج (شرمگاه).

از گناهان زبان: دروغ، غیبت، سخن چینی و غیره است.

و از گناهان فرج: زنا، لواطت و غیره می باشد.

از فوائد حدیث:

۱. ورود به بهشت اسباب است که مربوط به الله متعال می باشد، از جمله: ترس از او است، و اسباب که مربوط به مردم دارد از جمله آن اخلاق نیکو است.
۲. خطر زبان برای صاحبش این است که از اسباب داخل شدن به دوزخ است.
۳. خطر شهوات و فحاشی برای انسان اینست که یکی از بزرگترین اسباب ورود به جهنم است.

(۵۴۷۶)

(۲۷۴) - عن أنس بن مالك رضي الله عنه قال: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحْسَنَ النَّاسِ خُلُقًا. [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۷۴) - از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم از لحاظ اخلاق بهترین مردم بود. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم کاملترین مردم در اخلاق بود و در همه اخلاق و فضائل از جمله نیک گفتن و نیکوکاری و چهره ای بشاش و پرهیز از ضرر و تحمل آن از دیگران پیشتاز بود.

از فوائد حدیث:

۱. کمال اخلاق پیامبر صلی الله علیه وسلم.
۲. پیامبر صلی الله علیه وسلم نمونه کامل ادب در خوش اخلاقی است.
۳. تلاش به الگو قرار دادن پیامبر صلی الله علیه وسلم در اخلاق نیکو.

(۶۱۸۰)

(۲۷۵) - قال سعد بن هشام بن عامر - عندما دخل على عائشة رضي الله عنها: يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ، أَنْبِئِي عَن خُلُقِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَتْ: أَلَسْتَ تَقْرَأُ الْقُرْآنَ؟ قُلْتُ: بَلَى، قَالَتْ: فَإِنَّ خُلُقَ نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ الْقُرْآنَ. [صحيح] - [رواه مسلم في جملة حديث طويل]

(۲۷۵) - سعد بن هشام بن عامر می فرماید - وقتی به زیارت عایشه رضی الله عنها رفت - گفت : ای ام المؤمنین از اخلاق رسول الله صلی الله علیه وسلم برایم خبر دهید، فرمود: آیا قرآن نمی خوانی؟ گفتم: بلی - میخوانم -، گفت: اخلاق پیامبر الله صلی الله علیه وسلم قرآن بود. [صحيح] - [مسلم در جمله حدیث طویل روایت کرده]

توضیح:

از مادر مؤمنان عایشه رضی الله عنها درباره اخلاق پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیده شد، او با کلامی جامع پاسخ داد و سؤال کننده را به قرآن کریم که شامل تمام صفات کمال است ارجاع داد و گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم آراسته به اخلاق قرآن بود، آنچه را که قرآن بدان امر فرموده انجام میداد، و از آنچه را که قرآن از آن نهی فرموده از آن دوری می کرد، پس اخلاقش به آن عمل کردن در حد آن بایستن، آداب آن رعایت کردن و امثال و قصص آن در نظر گرفتن بود.

از فوائد حدیث:

۱. اصرار به الگو قرار دادن پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در پیروی از اخلاق قرآن.
۲. ستایش اخلاق رسول الله صلی الله علیه وسلم و اینکه مایه وحی بود.

۳. قرآن سرچشمه همه اخلاق حسنه است.

۴. اخلاق در اسلام همه دين را با انجام اوامر و دوري از نواهي شامل مي شود.

(۸۲۶۵)

(۲۷۶) - عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْجِبُهُ التَّيْمُنُ، فِي تَنْعُلَيْهِ، وَتَرْجُلَيْهِ، وَظُهُورِهِ، وَفِي شَأْنِهِ كُلِّهِ. [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۷۶) - از ام المؤمنين عايشه رضى الله عنها روايت است كه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وسلم شروع كردن از سمت راست را در پوشيدن كفش، كش، شانه كردن موها، وضو گرفتن و در همه ي كارهايش مي پسنديدند. [صحيح] - [متفق عليه]

توضيح:

پيامبر صلى الله عليه وسلم دوست داشت و ترجيح مي داد اموري را كه در شأن تكريم است از سمت راست شروع شود، از جمله: در پوشيدن كفش از پاى راست شروع مي نمودند، و در شانه كردن، آراستن، و روغن دادن به موهاى سر و ريش شان از سمت راست شروع مي نمودند، و در وضو شستن دست راست بر پاى چپ و پاى راست را بر چپ مقدم مي نمودند.

از فوائد حديث:

۱. نووي مي گويد: اين يك حكم در شرع مستمر است، و آن اين كه از باب تكريم و تشريف باشد، مانند پوشيدن لباس، شلوار، موزه، داخل شدن به مسجد، مسواك زدن، سرمه زدن، کوتاه كردن

ناخن، کوتاه کردن سبیل، و شانه زدن موها، و کندن موهای زیر بغل، و تراشیدن سر و سلام دادن از نماز، و شستن اعضاء برای طهارت، و خروج از بیت الخلاء (دستشویی)، و خوردن و آشامیدن، و دست دادن، و دست زدن به حجر الاسود، و چیزهای دیگر که به همین معنا هست، تیامن و یا شروع کردن از سمت راست مستحب است، و اما آنچه نقیض آن است، مانند داخل شدن به تشناب (دستشویی)، خروج از مسجد، بول کردن، پاک کردن بینی، استنجا، درآوردن لباس، شلوار، موزه و مانند آن، تياسر و یا شروع کردن از سمت چپ در آن مستحب است، و این همه به علت کرامت و عزت سمت راست است.

۲. «**تیمن را دوست دارد**» که شامل: شروع اعمال با دست راست، پای

راست، سمت راست و داد و گرفت چیزی با دست راست است.

۳. نووی می گوید: بدانید که در میان اعضاء وضو مواردی است که

تیامن (آغاز کردن از سمت راست)؛ در آن مستحب نیست و آن

عبارت از گوش ها و کف دست ها و گونه ها است که یکباره شسته

می شوند، در صورتی که ممکن نباشد، مانند کسی که یکی از

اعضایش قطع باشد و یا مانند آن؛ از سمت راست آغاز کند.

(۲۷۷) - عن شداد بن أوس رضي الله عنه قال: ثِنْتَانِ حَفِظْتُهُمَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ، وَإِذَا دَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الدَّبْحَ، وَلِيُحَدِّثْ أَحَدُكُمْ شَفْرَتَهُ، فَلْيُرِخْ ذَبِيحَتَهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۲۷۷) - از شداد بن اوس رضی الله عنه روایت است می فرماید: دو چیز را از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - حفظ کردم که فرمودند: «الله نیکی را بر هر چیز مقرر داشته است، پس هرگاه می کشید، با خوبی بکشید، و هرگاه ذبح می کردید، با نیکی ذبح کنید، و هر کدام از شما چاقوی خود را تیز کند، و حیوان خود را به راحتی ذبح کند. [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که الله متعال ما را به نیکی کردن در همه چیزها امر نموده است: و نیکی (احسان) عبارت است از نظارت دوامدار الله متعال در عبادت، و نیکی کردن با دیگران و دوری از آزار مخلوقات، از جمله نیکی در کشتار و ذبح است.

نیکی کردن در قتل هنگام قصاص: (به معنای) انتخاب آسان ترین، سبکترین و سریعترین راه برای جان گرفتن مقتول است.

و نیکی کردن در ذبح هنگام حلال کردن این است که: با تیز کردن آله ذبح به حیوان احسان کند، و اینکه آله ذبح زیر نظر حیوان تیز نشود، و حیوان در حال ذبح نشود که گوسفندان دیگر نگاه آترا می کنند.

از فوائد حدیث:

۱. مهربانی و لطف الله متعال به مخلوق.
۲. نیکی در کشتن و ذبح این است که به وجه مشروع صورت گیرد.
۳. کمال شریعت اسلامی و شامل بودن آن در همه امور خیر، از جمله: مهربانی با حیوانات و نیک رفتاری با آنها است.
۴. مثله کردن انسان (بریدن اعضای بدن وی) پس از کشتن او حرام است.
۵. ممنوعیت هر چیزی که شامل شکنجه حیوانات می شود.

(۴۳۱۹)

(۲۷۸) - عن عبد الله بن عمرو رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ عِنْدَ اللَّهِ عَلَى مَنَابِرَ مِنْ نُورٍ، عَنْ يَمِينِ الرَّحْمَنِ عَزَّ وَجَلَّ، وَكَلَّمَ يَدَيْهِ يَمِينٌ، الَّذِينَ يَعْدِلُونَ فِي حُكْمِهِمْ وَأَهْلِيهِمْ وَمَا وَلُوا». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۲۷۸) - عبد الله بن عمرو بن العاص - رضي الله عنهما - روایت می کند که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فرمودند: همانا عدل کنندگان در نزد الله متعال بر منبرهای نورانی در سمت راست رحمان عزوجل قرار خواهند داشت، و هر دو ید (بلا کیف او) راست است، آنانی که در حکم شان و با اهل شان و با رعیت عدالت را رعایت می کنند". [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در باره - کسانی که به عدالت و راستی بین مردمی که تحت امر و فرمانروایی اند، یا خانواده او هستند داوری می کنند - خبر می دهد که آنها بر کرسی های بلند نورانی می نشینند، و

در مرتبه های عالی قرار داشته می باشند، این همه به خاطر قدردانی از آنها در روز قیامت است. و این منبرها در سمت راست حق تعالی قرار دارد و هر دو ید (بلا کیف) او سبحانه راست می باشد.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت عدالت و ترغیب به آن.
۲. عدالت عام است و شامل همه انواع ولایت و قضاوت بین مردم می شود، حتی عدالت بین زن و فرزندان و غیره.
۳. بیان منزلت عادلان در روز قیامت.
۴. تفاوت مراتب اهل ایمان در قیامت، هر کدام به اندازه عملش.
۵. روش تشویق کردن از روش های دعوت است، که دعوت کننده را به طاعت تشویق می کند.

(۴۹۳۵)

(۲۷۹) - عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ، مَنْ ضَارَّ ضَرَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ شَاقَّ شَقَّ اللَّهُ عَلَيْهِ». [صحيح بشواهد] - [رواه الدارقطني]

(۲۷۹) - از ابوسعید الخدری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «در اسلام ایجاد کردن ضرر و رساندن ضرر به دیگران نیست، و هر کسی زیان آور باشد الله متعال او را زیان می رساند، و هر کسی سخت گیر باشد الله متعال با او سختی می نماید». [صحيح به شواهد آن] - [الدار قطنی روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بیان نمود که هر گونه ضرر و مظاهر آن باید از خود و دیگران دفع شود، پس برای هیچ کس جایز نیست که به خود و دیگران آسیب برساند.

و برای شان جایز نیست که ضرر را با ضرر دفع کند زیرا ضرر با ضرر برطرف نمی شود مگر به عنوان قصاص، بدون این که از حد تجاوز کند. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم تهدید به ضرر را برای کسانی که به مردم آسیب می رسانند و تهدید به سختی برای کسانی که بر مردم سخت می گیرند بیان نمود.

از فوائد حدیث:

۱. نهی از مجازات بیشتر از حد آن.
۲. الله متعال به چیزی که به بندگانش ضرر برساند امر نکرده است.
۳. تحریم ایجاد کردن زیان و رساندن زیان به دیگران با سخن یا فعل و یا ترک.
۴. جزای عمل از نوع آن می باشد، پس هر کسی زیان آور باشد الله متعال او را زیان می رساند، و هر کسی سخت کند الله متعال با او سختی می کند.
۵. یکی از احکام شرع این است که «ضرر رفع می شود» شریعت ضرر را تأیید نمی کند و ضرر رساندن به دیگران را نفی می کند.

(۲۸۰) - عَنْ أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّمَا مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ وَالْجَلِيسِ السَّوِّءِ كَحَامِلِ الْمِسْكِ وَنَافِخِ الْكِيرِ، فَحَامِلُ الْمِسْكِ: إِمَّا أَنْ يُخْذِيكَ، وَإِمَّا أَنْ تَبْتَاعَ مِنْهُ، وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيحًا طَيِّبَةً، وَنَافِخُ الْكِيرِ: إِمَّا أَنْ يُحْرِقَ ثِيَابَكَ، وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ رِيحًا خَبِيثَةً». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۸۰) - از ابو موسی اشعری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مثال همنشین نیک و همنشین بد، مانند دارنده ی مشک (عطار) و دمنده ی کوره ی آهنگر است، دارنده ی مشک (عطار)، یا از آن به تو می بخشد و یا از او مشک می خری و یا بوی خوشی از او به تو می رسد؛ ولی دمنده ی کوره ی آهنگر، یا لباس را می سوزاند یا بوی بدی از او به تو می رسد». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم برای نوع از مردم مثال زد:

نوع اول: همنشین و دوست خوبی که به سوی الله متعال راهنمایی می کند و آنچه را که او را خشنود می سازد تذکر می دهد، و در طاعت کمک می کند، او مانند فروشنده مشک است که یا از آن به تو رایگان می دهد، یا از وی می خری، و یا بوی خوشی از او به تو می رسد.

نوع دوم: همنشین و دوست بد؛ کسی که مردم را از راه الله باز می دارد، در ارتکاب گناه کمک می کند، و از او کار زشتی می بینی، و به همراهی و همنشینی با کسی مانند او محکوم می شوی، او مانند آهنگری

است که آتش خود را می دمد؛ یا به سبب شعله کشیدن آتش، لباس را می سوزاند، و یا از نزدیکی با او بوی بدی به تو می رسد.

از فوائد حدیث:

۱. جواز استفاده از ضرب المثل برای تقریب معنی برای شنونده.
۲. تشویق و ترغیب مردم برای همراهی با اهل طاعت و صلاح، و دوری از مفسدان و بد اخلاقان.

(۳۱۲۷)

(۲۸۱) - عن أبي هريرة رضي الله عنه: أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَوْصِنِي، قَالَ: «لَا تَغْضَبْ» فَرَدَّدَ مِرَارًا قَالَ: «لَا تَغْضَبْ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۲۸۱) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است: (گفت که) مردی به پیامبر صلی الله علیه وسلم عرض کرد که: مرا نصیحت کن، گفت: «عصبانی مشو» و بارها تکرار کرد و گفت: «عصبانی مشو». [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

یکی از صحابه کرام رضی الله عنهم از پیامبر صلی الله علیه وسلم درخواست نمود که او را به چیزی که به او نفع می رساند راهنمایی کند، پس به او دستور داد که عصبانی نشود، یعنی این که از اسبابی دوری کند که او را به سمت عصبانیت سوق می دهد، و اینکه اگر عصبانیت برایش پیش آمد، خود را کنترل کند، و با کشتن، زدن و یا دشنام دادن به خشم خود ادامه ندهد.

آن مرد درخواست نصیحت را چند بار تکرار کرد و رسول الله صلی الله علیه وسلم بر دستور «غضب مکن» چیزی اضافه نکرد.

از فوائد حدیث:

۱. برحذر بودن از غصه و غضب و اسباب آن، زیرا آن گردآورنده هر شر است و دوری از آن گردآورنده ی هر خیر است.
۲. خشمگین شدن برای الله متعال، مانند خشمگین شدن هنگام زیر پا شدن محارم الله متعال، این نوع خشم از خشم ستودنی است.
۳. تکرار سخن هنگام لزوم تا زمانی که شنونده از آن آگاه شده و به اهمیت آن پی ببرد.
۴. فضیلت درخواست نصیحت از عالم.

(۴۷۰۹)

(۲۸۲) - عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ، إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۸۲) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: "مرد قوی کسی نیست نیرومندان را بر زمین بیفکند، بلکه قوی کسی است که هنگام خشم خود را کنترل می کند" [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان می دارد که قوت واقعی، قوت بدن نیست، یا کسی که سایر نیرومندان را بر زمین بیفکند، بلکه قوی و نیرومند کسی است که با خود مبارزه کند و هنگام عصبانی شدن بر آن غالب شود، زیرا این نشان دهنده قدرتی است که او را قادر می سازد تا بر خود کنترل داشته باشد، و بر شیطان غالب باشد.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت بردباری و کنترل نفس هنگام خشم و این که از کارهای نیکی است که اسلام به آن تشویق می کند.
۲. مجاهدت نفس هنگام خشم سخت تر از مجاهدت با دشمن است.
۳. اسلام مفهوم توانمندی در جاهلیت را به اخلاق بخشنده ی شخصیت مسلمان نمونه تغییر داده است؛ زیرا نیرومندترین انسان کسی است که زمام نفس خود را در دست بگیرد.
۴. دوری از خشم؛ به دلیل آسیب هایی که به افراد و جامعه وارد می کند.

(۵۳۵۱)

(۲۸۳) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا، وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ خَلَّةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَلَّةٌ مِنْ نِفَاقٍ حَتَّى يَدْعَهَا: إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۸۳) - از عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: "هر کس این چهار خصلت را داشته باشد منافق خالص است، و هر کس برخی از آنها را داشته باشد، دارای برخی از نفاق می باشد تا این که آن را ترک کند: هرگاه حرف می زند دروغ گوید، و هرگاه پیمان ببندد خیانت کند، چون وعده بدهد، وعده شکنی کند، و چون جدال کند، ناسپاس و فحش گوید". [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از چهار خصلت هشدار داده است که اگر در یک مسلمان جمع شود به دلیل همین خصوصیات به منافقین شباهت زیادی می داشته باشد، و این در مورد کسانی است که این ویژگی ها بر آنها غالب باشد، اما در کسانی که به ندرت دیده شود، آنان در جمع منافقین محسوب نمی شوند، و آن خصوصیات قرار ذیل اند:

اول: هرگاه سخن بگوید، عمدا دروغ گوید، و در حرف های خود راستگو نباشد.

دوم: هرگاه پیمان ببندد به آن وفا نکند، و به صاحبش خیانت کند. سوم: هرگاه وعده نماید، به آن عمل نکند و وعده خلافی کند. چهارم: هرگاه با کسی مشاجره و جدال نماید، بسیار شدید مشاجره کند، و از حق میلان کند، و در رد کردن و ابطال آن حيله نماید، و حرف باطل و دروغ گوید.

نفاق: نمایان کردن چیزی است که خلاف آن پنهان شود، و این معنا در دارنده این خصلت ها وجود دارد، و نفاق او با کسی که با او سخن می گوید، و به او وعده داده، و به او اعتماد کرده، و با او مشاجره کرده، و با او عهد بسته از میان مردم، نه این که او در اسلام منافق است تا آن را اظهار کند در حالی که کفر را پنهان می دارد، و هر که دارای یکی از این صفات باشد؛ صفتی از نفاق در او وجود دارد تا اینکه آن را ترک نماید.

از فوائد حدیث:

۱. بیان برخی از نشانه های منافق بخاطر ترس از آن، و درحذر بودن از وقوع در آن.
۲. مراد از حدیث این است که: این خصلت ها از ویژگی های نفاق است، و کسی که آن را دارا باشد با منافقان شباهت دارد در این خصلت ها، و از اخلاق آنها تبعیت می کند، نه اینکه منافقی باشد که اسلام اظهار کند در حال که کفر را پنهان می کند، و گفته شده که این تعبیر به کسی است که این خصوصیات بر او غلبه کند و در آنها سهل انگاری نماید، و آنها را کوچک جلوه دهد؛ پس هر که این گونه باشد غالباً فاسد اعتقادی است.
۳. غزالی می فرماید: اصل دیانت به سه چیز منحصر می شود: گفتار، عمل و نیت، وی فساد گفتار را به دروغ، و فساد عمل را به خیانت، و فساد نیت را به وعده خلافی تنبیه نمود؛ زیرا تخلف از وعده بی اعتبار نمی سازد تا زمانی که عزم مقرون به وعده باشد، ولی اگر مصمم باشد سپس مانعی بر او وارد شود و یا دیدگاهی بر وی تبارز کرد، در این جا هیچ تصویری از نفاق در او وجود ندارد.
۴. نفاق بر دو قسم است: نفاق عقیده ای که صاحبش را از ایمان بیرون می کند، و آن اظهار اسلام و کتمان کفر است، و نفاق عملی که شباهت با منافقان در اخلاق آنهاست، و در این نفاق عملی صاحبش را از ایمان بیرون نمی کند، ولی این گناهی از گناهان کبیره است.

۵. ابن حجر می گوید: علما اتفاق نظر دارند که هر کس با قلب و زبان خود ایمان آورد و این خصلت ها را انجام دهد، به کفر محکوم نمی شود، و نه منافقی است که جاودانه در جهنم می ماند.

۶. نووی گفته است: گروهی از علما می فرمایند: مقصود از منافقانی است که در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم بودند و از ایمان خود سخن گفتند، و دروغ گفتند، و به دین شان امین شمرده شدند ولی خیانت کردند، و در موضوع نصرت دین وعده سپردند مگر وعده خلافی کردند، و در خصومت ها و مشاجره خود فحش و ناسپاس گفتند.

(۶۵۱۲۴)

(۲۸۴) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَيْسَ الْمُؤْمِنُ بِالطَّعَّانِ وَلَا اللَّعَّانِ وَلَا الْفَاحِشِ وَلَا

الْبَذِيءِ». [صحيح] - [رواه الترمذي]

(۲۸۴) - از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

"مؤمن عیبگو و لعن کننده و فحشگو و فحش کردار و بدزبان نیست".

[صحيح] - [ترمذی روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرمایند که کار مؤمن با ایمان کامل این نیست که عیبگوی نسب به مردم باشد، و یا زیاد دشنام لعن بدهد، و نه در فعل فحاشی کند، و نه در گفتار که هیچ شرم نداشته باشد.

از فوائد حدیث:

۱. نفی ایمان در نصوص شرعی صورت نمی گیرد مگر به انجام دادن حرام و یا ترک نمودن واجب.
۲. تشویق به حفظ جوارح و نگهداری آنها از بدیها، به ویژه زبان.
۳. السندی می گوید: و صیغۀ مبالغه در (الطَّعَانُ، وَاللَّعَانُ) که طعن و لعن نشانهٔ عدهٔ معدودی که مستحق آن هستند، به متصف بودن به صفات اهل ایمان خدشه وارد نمی کند.

(۶۵۸۶۹)

(۲۸۵) - عن عبد الله بن عمر رضي الله عنهما قال: سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا يَعْظُ أَخَاهُ فِي الْحَيَاءِ، فَقَالَ: «الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۸۵) - از عبد الله بن عمر رضی الله عنهما روایت است گفت که: پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از مردی شنید که برادرش را در مورد حیا نصیحت می کرد، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «حیا جزء ایمان است». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از مردی شنید که به برادرش توصیه می کرد تا از حیا کردن زیاد دست بردارد! پس پیامبر صلی الله علیه وسلم برایش توضیح داد که حیا جزئی از ایمان است و اینکه حیا جز خیر بار نمی آورد. حیا صفتی است که منجر به انجام کارهای زیبا و دوری از زشتی ها می شود.

از فوائد حدیث:

۱. آنچه شما را از خیر باز می دارد، حیا نامیده نمی شود، بلکه آنرا خجالت، عجز، ترس و بزدلی می نامند.
۲. حیا از الله متعال به انجام دادن اوامر و ترک محرمات صورت می گیرد.
۳. حیا از مردم با احترام گذاشتن به آنها، و دادن مقام مناسب حال شان به آنان، و دوری از کارهایی است که معمولاً زشت است.

(۴۷۸)

(۲۸۶) - عن المقدم بن معدي كرب رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إِذَا أَحَبَّ الرَّجُلُ أَخَاهُ فَلْيُخَيِّرْهُ أَنَّهُ يُحِبُّهُ». [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي والنسائي في السنن الكبرى وأحمد]

(۲۸۶) - از مقدم بن معدی کرب رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اگر مردی برادر خود را دوست داشت، به او بگوید که او را دوست دارد». [صحيح] - [از ابوداود، ترمذی، نسایی در السنن الكبرى و احمد روایت شده است]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم یکی از اسبابی را بیان می کند که باعث استحکام رابطه بین مؤمنان و گسترش محبت در بین آنان می شود، و آن این است که اگر کسی برادرش را دوست دارد به او باید بگوید که او را دوست دارد.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت محبت خالص برای الله متعال، نه برای مصلحت دنیوی.

۲. مستحب بودن خبر نمودن از دوست داشتن کسی که برای رضای الله او را دوست دارد، تا محبت و صمیمیت افزایش یابد.
۳. نشر محبت در میان مؤمنان، برادری ایمانی را تقویت می کند و جامعه را از متلاشی شدن و تفرقه حفظ می کند.

(۳۰۱۷)

(۲۸۷) - عن جابر بن عبد الله رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ». [صحيح] - [رواه البخاري من حديث جابر، ورواه مسلم من حديث حذيفة]

(۲۸۷) - از جابر بن عبدالله رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر نیکی صدقه است». [صحيح] - [بخاری از حدیث جابر روایت کرده، و مسلم از حدیث حذیفه روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرمایند که هر کار خیر و منفعتی که به دیگران می رسد، چه گفته شود و چه انجام شود، صدقه است و ثواب دارد.

از فوائد حدیث:

۱. صدقه محدود به آنچه که شخص از پول خود می دهد نیست، بلکه شامل هر خیری است که شخص انجام می دهد یا می گوید و به دیگران می رساند.
۲. در این حدیث تشویق به نیکی کردن و به هر آنچه است که به نفع دیگران می باشد.
۳. چیزی را از نیکی کوچک مپندار، اگر چه اندک باشد.

(۵۳۴۶)

(۲۸۸) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كُلُّ سُلَامَى مِنَ النَّاسِ عَلَيْهِ صَدَقَةٌ، كُلُّ يَوْمٍ تَطْلُعُ فِيهِ الشَّمْسُ يَعْدِلُ بَيْنَ الْاِثْنَيْنِ صَدَقَةٌ، وَيُعِينُ الرَّجُلَ عَلَى دَابَّتِهِ فَيَحْمِلُ عَلَيْهَا أَوْ يَرْفَعُ عَلَيْهَا مَتَاعَهُ صَدَقَةٌ، وَالْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ خُطْوَةٍ يَخْطُوهَا إِلَى الصَّلَاةِ صَدَقَةٌ، وَيُمِيطُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۸۸) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر روز که خورشید طلوع می کند، در ازای هریک از مفاصل انسان صدقه ای لازم است؛ همین که میان دو نفر به عدالت صلح و آشتی برقرار کند صدقه است؛ یا اگر به کسی کمک کند تا سوار مرکبش شود یا بارش را برای او روی مرکبش بگذارد، صدقه است، سخن نیکو صدقه است، و هر گامی که به سوی نماز برمی دارد صدقه است، و این که خار و خاشاک (و هر چیز آزاردهنده ای) را از سر راه بردارد صدقه به شمار می رود». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمایند که بر هر مسلمان در برابر هریک از مفاصل استخوانهایش صدقه ای لازم است، و به شکل تطوع برای الله متعال تقدیم ندارد جهت سپاسگزاری بابت تندرستی اش، و این که استخوان هایش به شکل مفاصل قرار داده تا این که بتواند آن ها را بسته و باز نماید، و این که این صدقه توسط همه کارهای خیر قابل انجام است و تنها منوط به پول دادن نیست، که از جمله: رعایت عدالت میان دو طرف

متخاصم مصداق صدقه است، برای سوار شدن انسان عاجز بر حیوانش یا کمک نمودن به وی برای حمل بارش بر آن مصداق صدقه است، و سخن نیک که شامل هر سخنی نیکویی می شود مانند ذکر و دعاء مصداق صدقه است، و هر گامی که برای نماز بر می داری مصداق صدقه است، و دور کردن هر چیزی که موجب اذیت و آزار دیگران می شود مصداق صدقه است.

از فوائد حدیث:

۱. ساختار استخوان های انسان یکی از بزرگترین نعمت های الله متعال بر اوست، بنابراین بر او لازم است در برابر هر استخوانش صدقه بدهد تا شکر آن نعمت اداء گردد.
۲. تشویق به تجدید شکر هر روز برای تداوم این نعمت ها.
۳. تشویق به تداوم نفل ها و صدقه ها هر روز.
۴. برتریت اصلاح میان مردم.
۵. ترغیب مرد برای کمک رسانی به برادرش؛ زیرا کمک او مصداق صدقه است.
۶. تشویق مردم به حضور در جماعت ها، و پیاده رفتن به سوی آنها، و اعمار مسجدها توسط آن.
۷. وجوب احترام به راه و مسیر مسلمانان با پرهیز از هر چیزی که به آنان ضرر و زیان می رساند.

(۲۸۹) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ يَسَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ، وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ، وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَعَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ، وَحَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ، وَمَنْ بَطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۲۸۹) - از ابو هريره رضی الله عنه روايت است كه گفت: پیامبر ﷺ فرمودند: "هرکس یکی از مشکل‌های مومن را در دنیا رفع کند الله متعال در روز قیامت سختی و مشکل‌های او را رفع می‌کند، و کسی که بر بینوایی آسان بگیرد، الله تعالی در دنیا و آخرت بر او آسان می‌گیرد، و کسی که مسلمانی را بپوشاند، الله متعال او را در دنیا و آخرت می‌پوشاند، و الله متعال یاری‌گر بنده است مادامی که او یاری‌گر برادرش باشد، و کسی که راهی را پیش بگیرد که در آن جویای علم باشد، الله متعال از برکت علم، راه اش را به سوی بهشت آسان می‌سازد، هرگاه مردمی در خانه‌ای از خانه‌های الله متعال گرد آیند (یعنی در یکی از مساجد) تا کتاب الله (قرآن کریم) را تلاوت نمایند و درس‌های آن را به هم بفهمانند، آرامش بر دل‌هایشان فرود می‌آید، و مهر و رحمت الله متعال ایشان را فرا می‌گیرد، و فرشتگان ایشان

را دربر می گیرند، و الله متعال ایشان را در کسانی که نزد اوست یاد می کند، و هرکس کارش و عملش موجب عقب افتادنش شود نسبش او را به جلو نمی اندازد". [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نمودند که پاداش مسلمان نزد الله متعال از جنس عملیست که مسلمان با مسلمانان انجام می دهد؛ پس هر که غم و اندوه و شدت دنیا را از مؤمنی زدوده و برطرف نماید، الله متعال سختی از سختیهای روز قیامت از او برطرف می نماید. هر کس بر تنگدستی آسانی بیاورد و سختی کار را بر او آسان کند، الله متعال در دنیا و آخرت کار او را آسان می کند، هر کس مسلمان را پوشاند و در مورد چیزی اطلاع حاصل نماید که نباید برملا شود از قبیل لغزش ها و اشتباهات، الله متعال او را در دنیا و آخرت می پوشاند، الله متعال یار و یاور بنده اش است، تا زمانی که بنده به برادرش در امور دینی و دنیوی او را کمک کند، و کمک از طریق دعا و کمک بدنی و مالی و غیره است، و هر کس در راه کسب علم شرعی گام بردارد، نیتش تنها رضای الله متعال باشد؛ الله متعال توسط آن راه بهشت را بر او آسان می کند، هیچ گروهی و قومی در خانه از خانه های الله متعال جمع نمی شوند، و کتاب الله متعال را تلاوت و در میان خود مدرسه می کنند، مگر این که آرامش و کرامت بر آنان نازل می شود، و رحمت الله آنان را پوشانیده و فرا می گیرد، و فرشتگان گردگرد ایشان را فرا می گیرند، و الله متعال آنان را در میان کسانی که نزد

او مقرب هستند می ستاید، و بسا جای افتخار است که الله متعال بنده اش در ملاً اعلی (گروه برتر فرشتگان) یاد کند، هر کسی که عملش ناقص باشد، او را به مقام دارنده گان اعمال نرساند، نباید بر شرف نسب و فضیلت پدران تکیه نماید در حالی که در عمل کوتاهی می کند.

از فوائد حدیث:

۱. ابن دقیق العید می گوید: این حدیث بزرگی است، و در برگیرنده انواع علوم و احکام و آداب می باشد، و در آن فضیلت برآورده نمودن نیازهای مسلمانان و نفع رساندن برای آنان به آن چه که میسر است، اعم از علم، مال، کمک، اشاره به مصلحت، نصیحت، و یا چیزهای دیگر.
۲. تشویق به آسان سازی برای تنگدستان.
۳. تشویق به کمک بنده مسلمان، و این که الله متعال کمک کننده را به اندازه کمک او به برادرش کمک می کند.
۴. از جمله پوشاندن مسلمان: عدم پیگیری عیب های او، از برخی سلف روایت است که می گوید: با قومی برخوردیم که هیچ عیبی نداشتند، پس عیب های مردم را یاد نمودند، و مردم نیز عیب های شان را ذکر کردند، و با قومی برخوردیم که عیب های داشتند، و از ذکر عیب های مردم خودداری کردند، پس عیب های شان فراموش شد.
۵. از ملزومات پوشاندن عیبهای مردم ترک منکر و عدم تغییر آن نیست، بلکه باید تغییر داد و پوشانید، و این در مورد کسی است که به فساد

و اصرار در طغیان معروف نباشد، اما کسی که به این موارد معروف باشد پسندیده نیست که پوشانیده شود، بلکه موضوع اش را برای ولی امر برساند، اگر بیم مفسده در آن نباشد؛ زیرا پوشانیدن او را به فساد تحریک می کند، او را برای آسیب رساندن به مردم جسارت می بخشد، و افراد شرور و لجوج دیگر را نیز جسور می سازد.

۶. تشویق به فراگیری علم و تلاوت قرآن و مدرسه آن.

۷. نووی می گوید: در این حدیث فضیلت اجتماع بر تلاوت قرآن کریم در مسجد است... و حصول فضیلت این اجتماع در مدرسه و جهاد نگهبانی در راه الله و مانند آن به مسجد ملحق می شود ان شاء الله.

۸. ثواب را الله متعال بر اساس اعمال قرار داده نه بر اساس نسب ها.

(۴۸۰)

(۲۹۰) - عَنْ أَبِي بَرَزَةَ الْأَسْلَمِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَعَنْ عِلْمِهِ فِيمَ فَعَلَ، وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَ أَنْفَقَهُ، وَعَنْ جَسَمِهِ فِيمَ أَبْلَاهُ». [صحيح] - [رواه الترمذي]

(۲۹۰) - از ابو بَرَزَه اَسْلَمِی رَضِیَ اللهُ عَنْهُ روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «گام های بنده در روز قیامت جابجا می ماند تا آنکه درباره عمرش از او پرسیده شود که چگونه آن را به سر کرده است، و درباره علمش که چگونه به آن عمل کرده است، و درباره مالش که از

کجا به دست آورده است و در چه راهی خرجش کرده است، و دربارهٔ بدنش که در چه راهی آن را پیر کرده است». [صحیح] - [ترمذی روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته‌اند که کسی از مردم در روز قیامت از جای خود به سوی بهشت یا دوزخ جابجا نمی‌شوند تا آنکه دربارهٔ چند مورد از آنان پرسیده شود:

نخست: زندگی‌اش که آن را در چه راهی تمام کرده است؟
دوم: و دربارهٔ علمش که آیا آن را برای الله خواسته است؟ و آیا به آن عمل کرده است؟ و آیا آن را به مستحقش رسانده است؟
سوم: مالش که آن را از کجا کسب کرده است؟ از راه حلال یا از راه حرام؟ و در چه راهی خرج کرده است؟ در راهی که الله را خشنود می‌سازد یا باعث ناخشنودی او می‌شود؟

چهارم: بدنش و نیرویش و سلامتی‌اش و جوانی‌اش که در چه راهی آن را مصرف کرده و در چه راهی از آن بهره برده است؟

از فوائد حدیث:

۱. تشویق به غنیمت شمردن زندگی در راه آنچه باعث خشنودی الله است.
۲. نعمت‌های الله بر بنده‌اش بسیار است، و از او در بارهٔ نعمت‌هایی که در آن بوده پرسیده خواهد شد، بنابراین باید نعمت‌های الله را در راهی صرف کند که باعث خشنودی او باشد.

(۲۹۱) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «السَّاعِي عَلَى الْأَرْمَلَةِ وَالْمُسْكِينِ، كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أَوْ الْقَائِمِ اللَّيْلَ الصَّائِمِ النَّهَارَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۹۱) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «تلاش کننده بر بیوه زن و بینوا مانند مجاهد در راه الله یا کسی است که شب را به عبادت می ایستد و روز را روزه می شود». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته اند کسی که امور و مصالح زنی که شوهرش از دنیا رفته و کسی را ندارد و بینوا را بر عهده گرفته و برای اجر و پاداش الهی بر آنان خرج می کند، او مانند مجاهد در راه الله است، یا کسی است که به نماز تهجد می ایستد و خسته نمی شود، و [هر روز] روزه می شود و افطار نمی کند.

از فوائد حدیث:

۱. تشویق به تعاون و همبستگی و رفع نیاز ضعیفان.
۲. عبادت هر عمل نیکی را در بر می گیرد، که از جمله عبادات تلاش در راه رفع نیازهای بیوه زنان و بینوایان است.
۳. ابن هبیره می گوید: منظور آن است که الله تعالی ثواب روزه دار و نمازگزار شب، و مجاهد را یک باره به او عطا می کند، زیرا او برای بیوه زن همانگونه که به امور همسرش پرداخته می پردازد، و به امور آن بینوایی پرداخته که از انجام امور خود عاجز مانده، در نتیجه قوت

اضافه‌اش را به این داده و تلاش خود را صدقه داده است، بنابراین سود آن همتای روزه و قیام و جهاد است.

(۳۱۳۵)

(۲۹۲) - عن أبي هريرة رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكَلِّمْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ جَارَهُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ صَيفَهُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۹۲) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «کسی که به الله و روز آخرت ایمان دارد سخن خیر بگوید یا سکوت کند، و هر کسی به الله و روز آخرت ایمان دارد پس همسایه اش را گرمی دارد، و هر کسی به الله متعال و روز آخرت ایمان دارد مهمانش را گرمی دارد». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرمایند: بنده ای که به الله و روز آخرت ایمان داشته باشد؛ روزی که در آن روز بر می گردد و در آن ثواب اعمالش را می بیند، ایمانش او را به این اعمال ترغیب می کند:

اول: سخن نیک: از حمد و ثنای الله متعال، امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح بین مردم، اگر این کار را نکرد، باید ساکت بماند، از آزار دادن او دست بردارد، و مراقب زبانش باشد.

دوم: اکرام همسایه: با نیکی کردن به او و عدم آزار واذیت او.

سوم: اکرام مهمان که به دیدار شما می آید: با خوش صحبت کردن، غذا دادن و غیره به او.

از فوائد حدیث:

۱. ایمان به الله جل جلاله و روز قیامت، ریشه همه خوبی هاست و انسان را به نیکی وا می دارد.
۲. خود داری از آفات زبان.
۳. اسلام دین صمیمیت و قدردانی است.
۴. این صفات از فروغ ایمان و آداب ستودنی است.
۵. زیاد صحبت کردن می تواند منجر به امری ناخوشایند یا ممنوع شود، و ایمن آن این است که چیزی غیر از گفتار خوب صحبت نکنید.

(۵۴۳۷)

(۲۹۳) - عن أبي ذر رضي الله عنه قال: قال لي النبي صلى الله عليه وسلم: «لَا تَحْقِرَنَّ مِنَ الْمَعْرُوفِ شَيْئًا، وَلَوْ أَنَّ تَلَقَّى أَخَاكَ بِوَجْهِ طَلْقٍ». [صحیح] - [رواه مسلم]

(۲۹۳) - از ابوذر رضی الله عنه روایت است گفت که: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هیچ چیزی از نیکویی را ناچیز مشمار، حتی اگر برادرت را با چهره ای بشاش ملاقات کنی». [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به نیکی کردن و عدم دیدن آن، هر چند اندک باشد تاکید نمودند، که این شامل ملاقات کردن با چهره شاداب است، پس برای مسلمان لازم است به آن پابند باشد؛ به خاطر ایجاد انس با برادر مسلمان و سعادت او.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت محبت در میان مؤمنان و تبسم و پیشانی باز هنگام ملاقات.
۲. کامل بودن شریعت اسلامی و شمولیت آن را می رساند، و اینکه شریعت همه ی آنچه که به مصلحت مسلمانان، و یکپارچگی آنان است را به همراه دارد.
۳. اصرار به انجام نیکی، هر چه اندک باشد.
۴. مستحب بودن خوشحال ساختن مسلمانان؛ برای آنچه که باعث به وجود آمدن الفت و محبت در میانشان می شود.

(۵۳۴۸)

(۲۹۴) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «عَلَيْكُمْ بِالصَّدَقِ، فَإِنَّ الصَّدَقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ، وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ، وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَصَّدُقُ وَيَتَحَرَّى الصَّدَقَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ صَدِيقًا، وَإِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ، فَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ، وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى الثَّارِ، وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَكْذِبُ وَيَتَحَرَّى الْكَذِبَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَّابًا». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۹۴) - از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «صدقات و راستی پیشه ی خود کنید؛ چراکه صداقت و راستی به سوی نیکی هدایت می کند، و نیکی به سوی بهشت، و همواره بنده راست می گوید و تلاش می کند راست بگوید، تا اینکه نزد الله متعال از صدیقان نوشته می شود؛ و از دروغ دوری کنید چراکه دروغ به فساد می کشاند، و فساد بسوی آتش رهنمایی می کند؛ و همواره

بنده دروغ می گوید، و تلاش می کند دروغ بگوید؛ تا اینکه نزد الله به عنوان کذاب و دروغگو ثبت می شود». [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم به صداقت و راستی امر نموده است، و برای ما خبر داده که التزام به راستگویی موجب اعمال صالح دائمی می شود، و مواظبت بر کار نیک صاحبش را به بهشت می رساند، و در پنهان و آشکار از او راستگویی تکرار می شود تا اینکه نام صدیق را از آن خود نماید؛ و صدیق مبالغه در صدق را گویند، سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد دروغ و سخن باطل هشدار داده؛ زیرا سبب میلان و رویگردانی از استقامت می شود، و نیز بسوی شر و فساد و گناهان تحریک می کند، سپس او را به جهنم می کشاند، و او در حالی به دروغ زیاد رو می آورد تا اینکه نزد الله متعال به عنوان دروغگو ثبت می شود.

از فوائد حدیث:

۱. راستگویی اخلاق شریف است که با اکتساب و تلاش به دست می آید، انسان راست می گوید و به راستگویی ادامه می دهد تا اینکه صداقت و راستی برایش بعنوان عادت و منش مبدل شود، و نزد الله متعال از جمله راستگویان و صالحان ثبت می شود.
۲. دروغ خصلت مذمومی است که مرتکب آن با انجام طولانی و انجام در گفتار و عمل به آن دست می یابد، تا اینکه به صفت و منش بد تبدیل شود، و سپس نزد الله متعال به عنوان دروغگو ثبت می شود.

۳. صداقت به صداقت زبان اطلاق می شود، و آن نقیض دروغ است، و صداقت در نیت، آن اخلاص است، و صداقت در عزم خیری است که نیت انجام آن را نموده است، و صداقت در اعمال، حداقل آن برابری آن در پنهان و آشکار، و صداقت در مقام ها، مانند صداقت در خوف و امید و غیر آن، پس هر که متصف به آن باشد صدیق است، و اگر به بعضی آن متصف باشد صادق است.

(۵۵۰۴)

(۲۹۵) - عن جریر بن عبد الله رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ لَا يَرْحِمُ النَّاسَ لَا يَرْحَمُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۹۵) - از جریر بن عبد الله رضي الله عنه روایت است گفت که رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: «کسی که بالای مردم رحم نمی کند، الله متعال به او رحم نخواهد کرد». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلى الله عليه وسلم خبر می دهد: کسی که به مردم رحم نکند مورد رحمت الله متعال قرار نخواهد گرفت، چون رحمت بنده نسبت به مخلوقات یکی از بزرگترین دلایل جلب رحمت الله متعال است.

از فوائد حدیث:

۱. رحمت برای همه موجودات لازم است، اما به ویژه یاد آوری از مردم بخاطر توجه به آنهاست.

۲. الله متعال مهربان است و به بندگان مهربان خود رحم می کند، پس جزا از نوع عمل می باشد.
۳. شفقت به مردم شامل رساندن خیر به آنها، دفع شر از آنها و رفتار مهربانانه با آنهاست.

(۵۴۳۹)

(۲۹۶) - عن عبد الله بن عمرو رضي الله عنهما أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ، ارْحَمُوا أَهْلَ الْأَرْضِ يَرْحَمْكُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ». [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي وأحمد]

(۲۹۶) - از عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسانی که مهربان هستند، الله مهربان به آنان رحم خواهد کرد، به اهل زمین رحم کنید، آنکه در آسمان است به شما رحم خواهد کرد». [صحيح] - [ابو داود و ترمذی و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته‌اند کسانی که به دیگران رحم می کنند، پروردگار رحمان با رحمتش که همه چیز را در بر گرفته آنان را مورد رحمت قرار می دهد؛ پاداشی موافق با عمل.

سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم امر کردند هرکسی که در زمین است از انسان و حیوان یا پرنده و دیگر انواع آفریدگان مورد رحمت قرار گیرند، پاداشش آن است که الله نیز شما را از بالای آسمان ها مورد رحمت قرار می دهد.

از فوائد حدیث:

۱. دین اسلام، دین رحمت است، و همه اش بر طاعت الله و نیکی در حق بندگانستوار است.
۲. الله عزوجل موصوف به رحمت است، او رحمان است و رحیم است و رحمتش را به بندگان می‌رساند.
۳. پاداش از جنس عمل است، آنان که رحیم هستند مورد رحمت الله قرار می‌گیرند.

(۸۲۸۹)

(۲۹۷) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ، وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۹۷) - از عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او در امان باشند، و مهاجر آن است آنچه را که الله متعال از آن نهی کرده ترک نماید». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده‌اند، مسلمانی که اسلامش کامل باشد آن است که مسلمانان از (اذیت) زبان او در امان باشند یعنی به آنان ناسزا نمی‌گویند، و آنان را نفرین نمی‌کنند، و غیبتشان نمی‌کنند، و بازبانش

هیچ نوع اذیتی به آنان نمی‌رساند، و از دستش در امان هستند، یعنی به حقشان دست‌درازی نمی‌کند، و اموالشان را به ناحق نمی‌گیرد، و مانند آن، و مهاجر کسی است که آنچه الله متعال حرام قرار داده ترک نماید.

از فوائد حدیث:

۱. اسلام شخص کامل نمی‌شود مگر با نرساندن آزار مادی یا معنوی به دیگران.
۲. اینجا از زبان و دست به شکل ویژه یاد شده؛ زیرا اشتباهات دست و زبان و زیان آنها بیشتر است؛ و بیشتر بدی‌ها از این دو رخ می‌دهد.
۳. تشویق و ترغیب به ترک گناهان و پای‌بندی به امر الله تعالی.
۴. بهترین مسلمانان کسی است که حقوق الله و حقوق مسلمانان را ادا کند.
۵. اعتدا و تجاوز ممکن است زبانی یا عملی باشد.
۶. هجرت کامل، ترک آن چیزهایی است که الله تعالی حرام کرده است.

(۱۰۰۰)

(۲۹۸) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ خَمْسٌ: رَدُّ السَّلَامِ، وَعِيَادَةُ الْمَرِيضِ، وَاتِّبَاعُ الْجَنَائِزِ، وَإِجَابَةُ الدَّعْوَةِ، وَتَشْمِيتُ الْعَاطِسِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۲۹۸) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم را شنیدم که می‌فرمودند: «حق مسلمان بر مسلمان پنج است: جواب سلام، عیادت بیمار، شرکت در تشییع جنازه‌ها، اجابت دعوت، و جواب دادن عطسه‌کننده». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلى الله عليه وسلم شماری از حقوق مسلمان را بالای برادر مسلمانان بیان نمودند، نخستین این حقوق، جواب دادن سلام کسی است که به شما سلام کرده است.

حق دوم: احوال پرسى و زیارت مریض.

حق سوم: تعقیب تشییع جنازه از منزل او تا نمازجای تا مقبره تا دفن شود.

حق چهارم: هرگاه او را به محفل عروسی و غیره دعوت کند، باید دعوت را اجابت نماید.

حق پنجم: جواب دادن عطسه کننده، و این که هرگاه حمد و ستایش الله را بجا آورد در پاسخش گفته شود: یرحمک الله، یعنی الله تو را رحمت کند، سپس عطسه کننده می گوید: یهدیکم الله ویصلح بالکم، یعنی الله تو را هدایت و کارهایت را درست کند.

از فوائد حدیث:

۱. بزرگی اسلام در تاکید بر حقوق در میان مسلمانان و تحکیم برادری و محبت میان آنان.

(۲۹۹) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا، وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا، أَوَّلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۲۹۹) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «به بهشت وارد نمی شوید تا آنکه ایمان بیاورید، و ایمان نمی آورید تا آنکه همدیگر را دوست بدارید؛ آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که اگر انجامش دهید، بین شما محبت رخ دهد؟ سلام را میان خویش آشکار سازید». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده که جز مؤمنان، کسی وارد بهشت نمی شود و ایمان کامل نمی شود، و حال جامعه مسلمان به صلاح نمی آید تا آنکه مسلمانان همدیگر را دوست بدانند. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم به بهترین کارهایی که باعث فراگیر شدن محبت می شود راهنمایی نمودند و آن سلام انداختن میان مسلمانان است، یعنی همان چیزی که الله آن را خوشامدگویی میان بندگان قرار داده است.

از فوائد حدیث:

۱. وارد شدن به بهشت امکان ندارد مگر با ایمان.
۲. از کمال ایمان است که مسلمان برای برادرش همان چیزی را بخواهد که برای خودش می خواهد.

۳. مستحب بودن سلام انداختن و بذل آن در میان مسلمانان؛ زیرا این باعث گسترش محبت و امنیت بین مردم می شود.
۴. سلام، تنها به مسلمان گفته می شود؛ زیرا ایشان - صلی الله علیه وسلم - فرموده اند: «بین خودتان».
۵. بذل سلام باعث از بین رفتن قطع رابطه و ترک یکدیگر و کینه است.
۶. اهمیت محبت میان مسلمانان و اینکه این از کمال ایمان است.
۷. در حدیث دیگری آمده که صیغه سلام کامل «السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکَاتُهُ» است، اما گفتن «السَّلامُ عَلَیْکُمْ» کافی است.

(۳۳۱)

(۳۰۰) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الْإِسْلَامِ خَيْرٌ؟ قَالَ: «تُطْعِمُ الطَّعَامَ، وَتَقْرَأُ السَّلَامَ عَلَى مَنْ عَرَفْتَ وَمَنْ لَمْ تَعْرِفْ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۳۰۰) - از عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که: مردی از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسید که: کدام اسلام بهتر است؟ فرمودند: «غذا دهی، و به کسی که می شناسی و نمی شناسی سلام گویی». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیده شد که کدام یکی از خصلت های اسلام بهتر است؟ ایشان از دو خصلت نام بردند:
نخست: بسیار غذا دادن به فقرا، و این در غذا دادن، صدقه، هدیه، مهمان کردن، و ولیمه نیز شامل می شود، غذا دادن در اوقات قحطی و گرانی فضیلت بیشتری دارد.

و دوم: سلام گفتن به هر مسلمان، اگر او را می شناسی و یا نمی شناسی.

از فوائد حدیث:

۱. توجه صحابه به شناخت خصلت هایی که برای دنیا و آخرت سودمند است.
۲. سلام گفتن و غذا دادن به دلیل فضیلت و نیاز همیشگی مردم به آن، از بهترین اعمال در اسلام پنداشته می شود.
۳. انسان با این دو خصلت، نیکوکاری را در گفتار و کردار یکجا ساخته، و این کاملترین نیکوکاری است.
۴. این خصلت ها مربوط به تعامل مسلمانان با یکدیگر است، و خصلت های دیگری نیز مربوط به تعامل بنده با پروردگارش وجود دارد.
۵. پیش سلام دادن مخصوص به مسلمانان است، و نباید با کافر پیش سلام شد و نخست به او سلام کرد.

(۵۸۰۸)

(۳۰۱) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى مَا يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا، وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ؟» قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: «إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ، وَكَثْرَةُ الْخُطَا إِلَى الْمَسَاجِدِ، وَانْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ، فَذَلِكَ الرَّبَاطُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۰۱) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى مَا يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا، وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ؟»: «آیا شما را به کاری راهنمایی کنم که الله به سبب آن گناهان را محو می کند، و درجات شما را بالا می برد؟» گفتند: بلی ای رسول

الله؛ فرمودند: «وضوی کامل گرفتن در سختی ها، و گام های زیاد به سوی مساجد، و پس از هر نمازی به انتظار نماز بودن؛ مواظبت بر این موارد مانند پاسداری در راه الله است». [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم اصحابش را پرسید آیا شما را به امری راهنما نباشم که الله متعال به سبب آن گناهان شما را از کتاب های حفظة - فرشتگان - محو و نابود می گرداند، و درجات شما را در بهشت بالا می برد؟ صحابه گفتند: بلی ای رسول الله؛ یعنی در این مورد به ما خبر دهید، فرمودند: اول: وضوی کامل گرفتن در زمان مشقت؛ مانند سردی، کمبود آب؛ درد بدن، و آب گرم.

دوم: کثرت قدم زدن به مسجد برای نمازها از بهر دوری خانه، و کثرت تکرار آن.

سوم: انتظار وقت نماز، و دل بستن به آن، و آماده شدن برای آن، و نشستن در مسجد برای انتظار نماز جماعت، پس هرگاه نماز را می گذارد در جای نماز خود منتظر نماز بعدی می باشد.

سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که مواظبت بر این موارد مانند سنگر نشینی و پاسداری واقعی در راه الله می باشد؛ زیرا راه های شیطان را بالای نفس می بندد، و امیالش را مغلوب می کند، و او را از پذیرش وسواس باز می دارد، بنابراین لشکر الله متعال به وسیله آن لشکر

شیطان را شکست می دهد؛ و آن بزرگترین جهاد است، و آن بمثابة پاسداری در مقابل سنگر دشمن است.

از فوائد حدیث:

۱. اهمیت محافظت اقامه نماز جماعت در مسجد، و توجه به نمازها و عدم مشغول شدن از آن.

۲. حُسن پیشکش پیامبر صلی الله علیه وسلم و این که اصحابش را برای دریافت ثواب بزرگ بشکل سؤال کردن آغاز کرد، و این یکی از راه های آموزش است.

۳. فایده طرح مسئله با پرسش و پاسخ: این که سخن به حکم ابهام و تبیین بالای نفس طنین انداز می شود.

۴. نووی رحمه الله می فرماید: فذلکم الرباط، یعنی: پاسداری مرغوب، و اساس پاسداری حبس بالای چیزی است، گویا به این طاعت خود را حبس نموده، و گفته شده: آن بهترین پاسداری است، چنانکه گفته شد: جهاد جهاد نفس است، و احتمال دارد که منظور پاسداری میسور و موجود باشد، یعنی: آن نوعی از پاسداری است.

۵. جهت بزرگی این اعمال؛ کلمه "رباط" چند بار تکرار شد و با (ال) تعریف شناخته شد.

(۳۰۲) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ، خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ، وَفِي كُلِّ خَيْرٍ، احْرَضَ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ، وَاسْتَعِنَ بِاللَّهِ وَلَا تَعْجِزْ، وَإِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ، فَلَا تَقُلْ لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ كَذَا وَكَذَا، وَلَكِنْ قُلْ قَدَّرَ اللَّهُ وَمَا شَاءَ فَعَلَ، فَإِنَّ (لَوْ) تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ».

[صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۰۲) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مؤمن قوی بهتر و نزد الله دوست داشتنی تر از مؤمن ضعیف است، و در هر یک خیر است، برای آنچه به سودت است حریص باش، و از الله یاری بجوی، و اظهار عجز نکن، و اگر مصیبتی به تو رسید نگو اگر چنین می کردم چنان می شد، بلکه بگو: الله تقدیر نمود و هر چه بخواید می کند؛ زیرا «اگر» دروازه کار شیطان را می گشاید».

[صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان می دارد که مؤمن همه اش خیر است، اما مؤمن قوی که از جهت ایمان و عزم و اراده و مال و دیگر جنبه ها قوی باشد بهتر و نزد الله عزوجل از مؤمن ضعیف محبوب تر است. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم مؤمن را به برگرفتن اسبابی که در امور دنیا و آخرت به او سود می رساند به همراه اعتماد به الله سبحانه و تعالی و یاری جستن از او و توکل به او توصیه کرده است. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم از عجز و تنبلی و کسالت در انجام آنچه به سود دنیا و آخرت است نهی کرده اند. پس هرگاه مؤمن در کار تلاش نماید، و

اسباب را با خود داشته باشد، و از الله یاری جوید، و از او خیر بخواهد، پس از آن ایرادی بر او نیست که کارش را به الله بسپارد، و بداند که انتخاب الله برای او همان خیر است، و اگر پس از آن مصیبتی به او رسید نگوید که: «اگر چنین می کردم چنین و چنان می شد». «زیرا اگر» راه را برای کار شیطان می گشاید» یعنی در اعتراض به تقدیر و حسرت خوردن برای آنچه از دست رفته؛ اما از روی تسلیم و خشنودی بگوید: «الله تقدیر نمود، و هرچه بخواهد می کند»، زیرا آنچه رخ داده به اقتضای اراده الله بوده، زیرا او هرچه را بخواهد انجام می دهد، و قضای او را برگشتی نیست، و حکمش را هیچ بازدارنده ای نیست.

از فوائد حدیث:

۱. تفاوت مردم در ایمان.
۲. مستحب بودن قدرت در انجام اعمال؛ زیرا فایده ای که از قدرت به دست می آید از ضعف به دست نمی آید.
۳. انسان باید برای آنچه به او سود می رساند حریص باشد و رها کند آنچه که به سود او نیست.
۴. مؤمن باید در همه کارهایش از الله یاری بخواهد، و به خودش تکیه نکند.
۵. اثبات قضا و قدر و اینکه قضا و قدر منافاتی با انجام اسباب و تلاش در طلب خیر ندارد.
۶. نهی از گفتن «اگر» هنگام نزول مصیبت ها اگر از روی ناخشنودی باشد، و تحریم اعتراض به قضا و قدر الله متعال.

(۳۰۳) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «قَارِبُوا وَسَدِّدُوا، وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَنْ يَنْجُوَ أَحَدٌ مِنْكُمْ بِعَمَلِهِ» قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنتَ؟ قَالَ: «وَلَا أَنَا، إِلَّا أَنْ يَتَعَمَّدَنِي اللَّهُ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۳۰۳) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «راه راست و میانه روی را در پیش بگیرد و درستکار و استوار باشید و بدانید که هیچ یک از شما از طریق عملش نجات نمی یابد». گفتند: حتی شما ای رسول الله؟! فرمودند: «من نیز (نجات نمی یابم) مگر اینکه فضل و رحمت الله شامل حالم شود». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم صحابه را برای کار و تلاش تشویق می کنند، و تا حد توان تقوا و پرهیزگاری را پیشه کنند، بدون زیاده روی و کوتاهی، و در کار درست خود اخلاص نیت به الله متعال و پیروی از سنت نبوی داشته باشند، تا این که عمل شان پذیرفته شود و سبب نزول رحمت بر آنان گردد. سپس برای آنان خبر دادند که هیچکس با عملش از آتش دوزخ نجات نمی یابد؛ بلکه رحمت الله متعال بنده را احاطه کند.

گفتند: حتی شما نیز با عمل تان که منزلت بزرگی دارد نجات نمی یابید؟ فرمودند: حتی من، تا الله متعال بر او منت گذاشته و مرا شامل فضل

و رحمت خود قرار دهد.

از فوائد حدیث:

۱. نووی گفت: (سدّدوا وقاربوا): کار درست را طلب کنید، و بر آن عمل نمایید، و اگر در انجام آن عاجز گردیدید، نزدیک آن قرار گیرید؛ یعنی: به آن نزدیک شوید، و السداد: بمعنی درست و صواب است، و آن بین افراط و تفریط است، پس زیاده روی و کوتاهی نکنید.
۲. ابن باز گفت: اعمال نیک سبب ورود به بهشت می گردد، چنان که اعمال بد سبب ورود به جهنم می گردد، و حدیث نشان می دهد که ورود آنان به بهشت صرفاً ناشی از کار نیست، بلکه عفو و رحمت الله متعال لازمه آن است، پس آنان بسبب اعمالشان وارد آن شدند، اما آنچه لازمه این امر می گردد رحمت، عفو و مغفرت الله متعال است.
۳. بنده فریب کارش را نمی خورد و مغرور آن نمی شود، هر چقدر هم که بزرگ باشد؛ چون حق الله متعال از کار او بزرگتر است، پس بنده باید همزمان خوف و امید داشته باشد.
۴. فضل و رحمت الله متعال از اعمال بنده گانش فراختر است.
۵. اعمال نیک سبب ورود بهشت می گردد، اما دستیابی به آن به فضل و رحمت الله متعال می باشد.
۶. کرمانی می گوید: «اگر همه مردم جز به رحمت الله متعال وارد بهشت نمی شوند، پس وجه تخصیص رسول الله صلی الله علیه وسلم به تذکر آن این است که اگر ورود آن به بهشت قطعی باشد، داخل نمی شود جز به رحمت الله متعال؛ پس غیر او بشکل اولی وارد بهشت نمی شود.

۷. نووی فرمود: در معنی این قول الله متعال: ﴿ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ۳۲]، «درود بر شما. به [پاداش] آنچه می کردید [اینک] به بهشت درآید»، ﴿وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [الزخرف: ۷۲]، این همان بهشتی است که در برابر اعمالتان به شما داده اند، و مانند این آیت های دیگر که دلالت بر ورود به بهشت بسبب اعمال می باشد، با این احادیث تعارض ندارند، بلکه معنی آیت ها این است که ورود به بهشت بسبب اعمال است، اما توفیق بر اعمال، هدایت بر اخلاص در آن و پذیرفتن آن به رحمت و فضل الله متعال صورت می گیرد، پس درست است که بمجرد عمل وارد بهشت نمی شود، که مراد حدیث همین است، و نیز درست است که گفت شود او بسبب اعمالش وارد بهشت گردید؛ یعنی بسبب آن، که آن رحمت الله متعال است.

۸. ابن جوزی می گوید: از این می توان چهار پاسخ آورد: اول: توفیق عمل از رحمت الله متعال است، و اگر رحمت قبلی الله متعال نبود، نه ایمان و نه اطاعتی که موجب نجات می شود، حاصل می شد، دوم: منفعت بنده به مولای او بر می گردد، پس عمل او برای مولای اوست، پس به هر پیمانه که به او پاداش بدهد از فضل اوست، سوم: در برخی از احادیث آمده است که محض ورود به بهشت از رحمت الله متعال است، چهارم: طاعت ها در مدت کوتاهی انجام

شده است، و ثواب تمام نشدنی است، پس انعام تمام نشدنی در پاداش چیزی تمام شدنی، بفضل و احسان است نه در برابر اعمال. ۹. رافعی گفته است: عمل کننده نباید برای نجات و کسب درجه به عمل خود تکیه کند؛ زیرا او به توفیق الله متعال عمل نموده است، و معصیت را به عصمت الله متعال ترک نموده، پس همه این اعمال به فضل و رحمت او تعالی صورت گرفته است.

(۳۴۶)

(۳۰۴) - عن ابن عمر رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَا زَالَ يُوصِينِي جِبْرِيلُ بِالْجَارِ، حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورِّثُهُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۳۰۴) - از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است گفت که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «جبرئیل در مورد همسایه مرا نصیحت می کرد، تا اینکه گمان بردم که از او میراث می برد». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که جبرئیل مرتباً تکرار می کند، و به او دستور می دهد که با حفظ حقوق همسایه نزدیک به خانه اعم از مسلمان یا کافر، خویشاوند یا غیر خویشاوند، مواظبت کند. با او مهربانی کند، و بر ضررش شکبیا باشد، تا اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم نظر به حق بزرگ همسایه و تکرار جبریل درین مورد گمان برد که شاید درین باره وحی نازل شود که یک همسایه در مال همسایه دیگر بعد از مرگ وی حقدار می باشد.

از فوائد حدیث:

۱. بزرگی حق همسایه، و واجب بودن رعایت آن.
۲. تأکید بر حق همسایه با توصیه به آن، موجب ضرورت گرمی داشتن، مهربان بودن، نیکی کردن، دور کردن زیان، عیادت در هنگام بیمار شدن، تبریک گفتن در هنگام مسرور بودن، و تعزیت در هنگام مصیبت بر همسایه می شود.
۳. هر چه درب همسایه نزدیکتر باشد حق او بیشتر است.
۴. کمال شرع در آنچه است که در آن خیر جامعه، احسان به همسایگان و دفع ضرر از آنان است می باشد.

(۴۹۶۵)

(۳۰۵) - عن أبي الدرداء رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ رَدَّ عَنْ عِرْضِ أَخِيهِ رَدَّ اللَّهُ عَنْ وَجْهِهِ النَّارَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». [صحيح] - [رواه الترمذي وأحمد]

(۳۰۵) - از ابودرداء رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر کس از آبروی برادرش دفاع کند، الله متعال در روز قیامت آتش را از روی او بازمی گرداند». [صحيح] - [ترمذی و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: هر کس در غیبت از آبروی برادر مسلمان خود دفاع کند و او را از تهمت یا دشنام باز دارد، الله عذاب را در روز قیامت از او دور می سازد.

از فوائد حدیث:

۱. صحبت در مورد ابروی مسلمانان حرام است.
۲. پاداش از جنس عمل است، پس هر کسی از ابروی برادر مسلمانانش دفاع کرد، الله متعال آتش را از او برمی گرداند.
۳. اسلام دین برادری و همبستگی بین مسلمانان است.

(۵۵۱۴)

(۳۰۶) - عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ، حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۳۰۶) - از انس رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هیچ یک از شما ایمان نمی برد تا این که برای برادر خود دوست بدارد آن چه را که برای خود دوست می دارد». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم تصریح نمودند که ایمان کامل هیچ مسلمانی حاصل نمی شود مگر این که برای برادر خود بپسندد آنچه را که برای خود می پسندد از طاعت ها و انواع نیکی ها در دین و دنیا، و آنچه را که برای خود نمی پسندد برای او نیز نپسندد، و اگر در دین برادر مسلمان خود نقصی ببیند، در اصلاح آن می کوشد، و اگر در آن نیکی را ببیند او را تایید و کمک می کند، و در مسائل دینی و دنیوی او را نصیحت می کند.

از فوائد حدیث:

۱. بر انسان واجب است برای برادر خود آنچه را بپسندد که برای خود می پسندد؛ زیرا نفی ایمان از کسی که آنچه را که برای برادر خود نمی پسندد آنچه را که برای خود می پسندد دلالت بر وجوب آن دارد.
۲. برادری برای الله از برادری نسب بالاتر است، پس حق آن واجب تر است.
۳. تحریم از هر آنچه که این محبت را نفی می کند از قبیل فریب، غیبت، حسد و دشمنی بالای نفس، مال و یا ناموس مسلمان.
۴. استفاده از بعضی کلمات که دارای انگیزه عمل است؛ بنابر قول او "لأخيه".
۵. کرمانی رحمه الله می فرماید: و نیز از جمله ایمان این است که شر را برای برادر خود نپسندد همانطوری که برای خود نمی پسندد؛ زیرا دوست داشتن چیزی مستلزم کراهیت نقیض آن است، پس ترک آشکار کردن آن کفایت می کند.

(۴۷۱۷)

(۳۰۷) - عن عائشة رضي الله عنها زوج النبي صلى الله عليه وسلم عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إِنَّ الرَّفْقَ لَا يَكُونُ فِي شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ، وَلَا يُنْزَعُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۰۷) - از عایشه رضی الله عنها همسر پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «همانا مهربانی و نرمی در هیچ چیز نمی باشد مگر اینکه آن را زیبا می سازد، و از هیچ چیزی دور نمی شود مگر آن چیز را معیوب می نماید». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلى الله عليه وسلم می فرمایند: مهربانی و نرمی و تفکر در گفتار و کردار موجب افزایش زیبایی و کمال می شود، و شایسته تر است که صاحب آن نیاز خود را دریابد.

و کم لطفی امور را معیوب ساخته و آن را رسوا و زشت می سازد، و صاحب آن را از پی بردن به حاجت باز می دارد، و اگر بتواند حاجت خود را پوره کند پس با سختی و مشقت پوره می کند.

از فوائد حدیث:

۱. تاکید بر اختیار کردن اخلاق مهربانی و نرمی در خود
۲. نرمی انسان را زیبا می سازد و سبب همه خوبی ها در امر دین و دنیا است.

(۵۷۹۶)

(۳۰۸) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ الدِّينَ يُسْرٌ، وَلَنْ يُشَادَّ الدِّينَ أَحَدٌ إِلَّا غَلَبَهُ، فَسَدِّدُوا وَقَارِبُوا، وَأَبْشِرُوا، وَاسْتَعِينُوا بِالْعَدْوَةِ وَالرَّوْحَةِ وَشَيْءٍ مِنَ الدَّلْجَةِ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۳۰۸) - از ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «دین آسان است؛ و هرکس آن را بر خود سخت بگیرد، سرانجام خسته و درمانده می شود؛ پس راه راست و درست و میانه را در پیش بگیرید، و (به درست کاری و میانه روی) خوشحال باشید، و از عبادت صبح و شام و جزئی از شب کمک بگیرید». [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نمودند که دین مبین اسلام در همه امور بر سهولت و آسانی استوار است، و سهولت زمانی تأیید می شود که سببی بر ناتوانی و نیاز وجود داشته باشد، چون تعمق و کاوشگری در کارهای دینی و ترک نرم خویی، ناتوانی و ترک تمام یا قسمتی از عمل در پی دارد. سپس وی صلی الله علیه وسلم به میانه روی بدون مبالغه تشویق کردند، بنده در کاری که به آن امر شده کوتاهی نکند، و چیزی را که قادر به انجام آن نمی باشد تحمل نکند، و اگر نتوانست عملی را به کامل ترین وجه ممکن انجام دهد، باید آن را نزدیک به کامل انجام داد.

وی صلی الله علیه وسلم برای عمل دایمی به ثواب زیاد مرده داده است، هرچند اندک باشد برای کسانی که قادر به عمل کامل نیستند؛ چون اگر ناتوانی از سوی او نباشد لازمهٔ اجر و پاداش او نمی گردد.

از آنجایی که دنیا در واقع محل سفر و انتقال به آخرت است، وی صلی الله علیه وسلم به ما دستور داده است که برای مداومت عبادت در سه زمان بانشاط یاری جسته شود:

اول: الغدوة: یعنی حرکت در ابتدای روز؛ بین نماز صبح و طلوع خورشید.

دوم: الروحة: یعنی حرکت در پایان روز (بعد از زوال).

سوم: الدلجة: یعنی حرکت در همهٔ شب و یا جزئی از آن، چون کار

شب سنگین تر از کار روز است؛ بنابر این به حرکت در جزئی از شب امر نمودند چنانچه فرمودند: (وشي من الدلجة) و جزئی از شب.

از فوائد حدیث:

۱. سهولت و تسامح شریعت اسلامی و وسطیت آن بین افراط و تفریط.
۲. بنده باید تا جایی که می تواند بدون سهل انگاری و یا سخت گیری کار را انجام دهد.
۳. بنده باید وقت های پر نشاط را برای انجام عبادت انتخاب کند، و با ویژگی که در این سه وقت وجود دارد، بدن در بهترین حالت برای انجام عبادت آماده می باشد.
۴. ابن حجر عسقلانی می فرماید: گویا وی صلی الله علیه وسلم مسافری را برای مقصدی خطاب کرده است، و این سه وقت بهترین اوقات برای مسافر است، پس او را از اوقات نشاط مسافر آگاه نمود؛ زیرا اگر مسافر در تمام شب و روز سفر کند، ناتوان و راه افتاده می شود، ولی اگر در این اوقات نشاط آور برای حرکت تلاش کند، بدون مشکل سیر و سفر خود را ادامه می دهد.
۵. ابن حجر می فرماید: در این حدیث اشاره به عملی کردن رخصت شرعی است، زیرا عملی نمودن عزیمت در جای رخصت، زیاده روی و مبالغه است، مانند کسی که تیمم را در حالی ترک می کند که توان استفاده از آب را نداشته باشد، در حالی که رو آوردن او به آب موجب ضرر می شود.
۶. ابن منیر می فرماید: در این حدیث نشانه از نشانه های نبوت است، ما و مردمان گذشته ملاحظه نمودیم هر کس در دین مبالغه کند آن را قطع و ترک می کنند، و مقصود این نیست که از تلاش برای رسیدن به کمال

در عبادت جلوگیری شود؛ چون این کار ستودنی است، بلکه منظور این است از افراطی که منجر به کسالت و ملل می شود جلوگیری صورت گیرد، و یا مبالغه در کارهای تطوعی که موجب ترک بهتر آن می شود جلوگیری صورت گیرد، و یا خارج شدن نماز فرض از وقت آن، مانند کسی که شب را در ادای نماز تهجد سپری نموده باشد، اما ادای نماز صبح در جماعت را به علت خواب ترک نموده باشد، و یا تا زمانی که آفتاب طلوع کند و وقت نماز فرض خارج گردد.

(۵۷۹۵)

(۳۰۹) - عن أنس بن مالك رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «يَسْرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا، وَبَشِّرُوا وَلَا تُنْفَرُوا». [صحيح] - [متفق عليه]

(۳۰۹) - از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: "آسان بگیرید و سختگیر نباشید، بشارت دهید و متنفر کننده نباشید". [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم دستور می دهد که در همه امور دینی و دنیوی کار را برای مردم آسان سازید، بر آنها سخت نگیرید و این همه در حدودی است که الله متعال مباح و مشروع گردانیده است. و از ایشان می خواهد که به خیر بشارت دهند و آنان را از خود متنفر ن سازند.

از فوائد حدیث:

۱. بر مؤمن واجب است که الله متعال را در نزد مردم محبوب گرداند، و آنان را به کار خیر تشویق کند.
۲. برای دعوتگر به سوی الله متعال شایسته است که با نگاه حکیمانه به کیفیت رساندن دعوت اسلام به مردم، بنگرد.
۳. مژده دادن موجب خوشحالی، علاقه مندی و اطمینان مردم برای دعوتگر می شود، و آنچه را به مردم پیش می کند.
۴. سختگیری باعث تنفر، گریزانی و ایجاد شک در بین مردم نسبت به سخنان دعوتگر می شود.
۵. وسعت رحمت الهی نسبت به بندگان، و اینکه دین بخشنده و شریعت آسان را برای آنان به ارمغان آورده است.
۶. تسهیل در امور آن چیزی است که شریعت آورده باشد.

(۵۸۶۶)

(۳۱۰) - عن أنس رضي الله عنه قال: كُنَّا عِنْدَ عُمَرَ فَقَالَ: «نُهِينَا عَنْ

التَّكْلِيفِ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۳۱۰) - از انس رضی الله عنه روایت است که فرمود: نزد عمر رضی الله

عنه بودیم، فرمود که: ما از تکلف منع شده ایم. [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

عمر رضی الله عنه به ما می گوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم آنها را از استفاده از آنچه که موجب مشقت و سختی بدون نیاز به آن است، چه در گفتار و چه در عمل، نهی کرده است.

از فوائد حدیث:

۱. از تکلفی که مورد ممانعت قرار گرفته است بسیار پرسیدن است، و یا در آنچه را نمی داند تکلف کند، و یا در امری که الله متعال در آن نرمی کرده است تشدد کند می باشد.
۲. مسلمان باید خود را به نرمی و عدم تکلف در گفتار و کردار عادت دهد: در خوردن، در آشامیدن، در گفتار و همه احوالش.
۳. اسلام دین آسانی است.

(۸۹۴۵)

(۳۱۱) - عن ابن عمر رضي الله عنهما أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْكُلْ بِيَمِينِهِ، وَإِذَا شَرَبَ فَلْيَشْرَبْ بِيَمِينِهِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ، وَيَشْرَبُ بِشِمَالِهِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۱۱) - از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «اگر کسی از شما غذا خورد با دست راستش بخورد، و اگر نوشید با دست راستش بنوشد، زیرا شیطان با دست چپش می خورد، و با دست چپش می نوشد». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و سلم امر نموده تا مسلمان با دست راستش بخورد و بنوشد، و از خوردن و نوشیدن با دست چپ نهی کرده اند؛ زیرا شیطان با این دست می خورد و می نوشد.

از فوائد حدیث:

۱. نهی از شبیه ساختن خود به شیطان در خوردن و نوشیدن با دست چپ.

(۵۸۱۲۲)

(۳۱۲) - عن عُمر بن أبي سلمة رضي الله عنه قال: كُنْتُ غُلَامًا فِي حَجَرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَكَأَنْتَ يَدِي تَطِيْشُ فِي الصَّحْفَةِ، فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا غُلَامُ، سَمَّ اللَّهُ، وَكُلَّ بَيْمِينِكَ، وَكُلَّ مِمَّا يَلِيكَ» فَمَا زَالَتْ تِلْكَ طُعْمَتِي بَعْدُ. [صحيح] - [متفق عليه]

(۳۱۲) - از عمر بن ابی سلمه رضی الله عنه روایت است که گفت: من نوجوانی تحت سرپرستی پیامبر صلی الله علیه وسلم بودم و دستم در ظرف غذا به هر سو می رفت، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ای نوجوان، نام الله را [در آغاز غذا] بگو، و با دست راست بخور، و از آنچه نزدیکت هست بخور» پس از آن همواره غذا خوردن من اینگونه بود. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

عمر بن سلمه رضی الله عنهما که فرزند ام سلمه رضی الله عنها، همسر پیامبر صلی الله علیه وسلم بود و زیر تربیت و مسئولیت ایشان قرار داشت نقل می کند که در اثنای خوردن غذا دستش در ظرف غذا هر طرف می گشت تا غذا را بگیرد [و از جلوی خودش نمی خورد] پس پیامبر صلی الله علیه وسلم سه ادب از آداب غذا را به ایشان یاد دادند:

نخست: گفتن «بسم الله» در آغاز خوردن.

و دوم: خوردن با دست راست.

و سوم: خوردن از آن سمت غذا که نزدیک اوست.

از فوائد حدیث:

۱. از آداب خوردن و نوشیدن، بسم الله گفتن در آغاز آن است.
۲. آموزش آداب به کودکان، به ویژه آنهایی که تحت مسئولیت شخص قرار دارند.
۳. نرمش و مهربانی پیامبر صلی الله علیه وسلم و سعه صدر ایشان در آموزش کودکان و تادیب آنان.
۴. یکی از آداب غذا، خوردن از غذایی است که نزدیک انسان است، مگر آنکه غذاها انواع گوناگونی باشند که در آن صورت می‌تواند از آن بردارد.
۵. توجه و پابندی صحابه به آنچه پیامبر صلی الله علیه وسلم به آنان یاد می‌داد، و این را می‌توان از این سخن عمر دانست که گفت: پس از آن همواره غذا خوردن من اینگونه بود.

(۵۸۱۲۰)

(۳۱۳) - عن أنس بن مالك رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْضَى عَنِ الْعَبْدِ أَنْ يَأْكُلَ الْأَكْلَةَ فَيَحْمَدَهُ عَلَيْهَا، أَوْ يَشْرِبَ الشَّرْبَةَ فَيَحْمَدَهُ عَلَيْهَا».

[صحیح] - [رواه مسلم]

(۳۱۳) - از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است فرمود که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: « الله متعال از بنده خشنود می‌شود که غذا بخورد وی را به خاطر آن ستایش کند، و یا اگر نوشیدنی بنوشد سپس او را بر آن ستایش کند».

[صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرمایند: حمد و ثنای بنده از پروردگارش به خاطر فضل و نعمت های او از جمله کارهایی است که با آن رضایت الله متعال حاصل می شود؛ غذا را می خورد و می گوید: الحمد لله و نوشیدنی را می نوشد و می گوید: الحمد لله.

از فوائد حدیث:

۱. سخاوت الله متعال؛ که به رزق لطف نموده، و به ستایش خشنود می شود.
۲. رضایت الله متعال به آسان ترین وسیله حاصل می شود، مانند حمد و ثنا بعد از خوردن و آشامیدن.
۳. از آداب خوردن و آشامیدن: ستایش الله متعال بعد از هر خوردن و آشامیدن است.

(۵۷۹۸)

(۳۱۴) - عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْأَكْوَعِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَجُلًا أَكَلَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِشْمَالِهِ، فَقَالَ: «كُلْ يَمِينِكَ»، قَالَ: لَا أَسْتَطِيعُ، قَالَ: «لَا اسْتَطَعْتَ»، مَا مَنَعَهُ إِلَّا الْكِبَرُ، قَالَ: فَمَا رَفَعَهَا إِلَى فِيهِ. [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۱۴) - از سلمة بن الأكوع رضی الله عنه روایت است که: مردی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم با دست چپش خورد، پس [پیامبر] به ایشان فرمودند: «با دست راست بخور» او گفت: نمی توانم. ایشان فرمودند: «نتوانی»، چیزی جز

تکبر او مانع از [انجام امر پیامبر] نشد. راوی می گوید: دیگر نتوانست آن را (یعنی دست راستش را) به دهانش بلند کند. [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم مردی را دید که با دست چپش غذا می خورد، پس او را امر کرد که با دست راستش بخورد، اما آن مرد از روی تکبر به دروغ گفت که نمی تواند! پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز علیه او دعا کرد که از خوردن با دست راست محروم شود. الله نیز دعای پیامبرش را قبول کرد، به این صورت که دست راست او فلج شد و دیگر نتوانست با آن غذا یا نوشیدنی به دهانش بالا بیاورد.

از فوائد حدیث:

۱. وجوب خوردن با دست راست و حرام بودن خوردن با دست چپ.
۲. تکبر ورزیدن از اجرای احکام شرعی، صاحبش را مستحق مجازات می گرداند.
۳. گرامی داشت محمد صلی الله علیه وسلم توسط الله تعالی با اجابت دعای او.
۴. مشروع بودن امر به معروف و نهی از منکر در هر حال، حتی در حال خوردن.

(۳۱۵) - عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ أَكَلَ ثُومًا أَوْ بَصَلًا، فَلْيَعْتَزِلْنَا - أَوْ قَالَ: فَلْيَعْتَزِلْ - مَسْجِدَنَا، وَلْيَقْعُدْ فِي بَيْتِهِ»، وَأَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُتِيَ بِقِدْرِ فِيهِ خَضِرَاتٌ مِنْ بُقُولٍ، فَوَجَدَ لَهَا رِيحًا، فَسَأَلَ فَأُخْبِرَ بِمَا فِيهَا مِنَ الْبُقُولِ، فَقَالَ قَرَّبُوهَا إِلَى بَعْضِ أَصْحَابِهِ كَانَ مَعَهُ، فَلَمَّا رَأَاهُ كَرِهَ أَكْلَهَا، قَالَ: «كُلْ فَإِنِّي أَنَا جِي مِنْ لَا تُنَاجِي».

وَلِمُسْلِمٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ أَكَلَ مِنْ هَذِهِ الْبُقْلَةِ، الثُّومِ - وَقَالَ مَرَّةً: مَنْ أَكَلَ الْبَصَلَ وَالثُّومَ وَالْكُرْثَ فَلَا يَفْرَبَنَّ مَسْجِدَنَا، فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَأَذَى مِمَّا يَتَأَذَى مِنْهُ بُنُو آدَمَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۳۱۵) - از جابر بن عبد الله رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرکس سیر و یا پیاز خورد، از ما کناره گیری نماید» یا فرمودند: «به مساجد ما نیاید و در خانه خود بنشیند». روزی دیگری را نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آوردند که در آن چند نوع سبزی بود، بوی تندى از آنها به مشام رسول الله صلی الله علیه وسلم رسید، از محتویات آن (دیگ) پرسید: آن سبزیجاتی را که در آن وجود داشت، نام بردند، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: آن را برای فلان صحابی من (ابو ایوب انصاری) ببرید، اما این صحابی نیز از خوردن آن امتناع ورزید. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بخور زیرا من با کسی (از نزدیک) سخن می گویم (جبرئیل) که شما سخن نمی گوید». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از آمدن کسی که سیر و یا پیاز خورده باشد نهی کرده، تا با بوی آن برادران خود را که برای نماز جماعت شرکت کرده اند اذیت نکند، و این نهی تنزیهی است برای آمدن به مسجد، نه این که خوردن آن نهی شده باشد؛ زیرا آنها خوراک های مباح هستند، و برای او صلی الله علیه وسلم دیگی آوردند که در آن سبزی بود، و هنگامی که آن را استشمام نمودند و از آنچه که در آن قابلمه بود مطلع شد از خوردن آن خودداری کرد و آن را برای برخی از اصحابش نزدیک نمود تا از آن بخورند، آنان بنا بر اقتدا به او صلی الله علیه وسلم از خوردن آن خودداری نمودند، و زمانی که رسول الله علیه وسلم او را در دید، برایش گفت: بخور؛ من از بهر وحی با ملائکه سخن می زنم. و رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر داده است که ملائکه از اثر بوی بد اذیت می شوند، چنانچه مردم از آن اذیت می شوند.

از فوائد حدیث:

۱. نهی آمدن به مسجدها برای کسی که سیر، و یا پیاز، و یا تره خورده باشد.
۲. این امور شامل هر چیزی است که بوی ناخوش داشته باشد و به نمازگزاران ضرر برساند، مانند بوی سیگار، تنباکو و مانند آن.
۳. علت نهی بوی است، پس هرگاه بوی به اثر زیاد پخته کردن و یا به چیزی دیگر زایل شده باشد؛ کراهت نیز زایل می شود.
۴. کراهت خوردن این چیزها برای کسی که باید در مسجد شرکت کند؛ تا جماعت در مسجد را از دست ندهد، ولی اگر برای حیلۀ اسقاط حضور برای جماعت در مسجد انجام دهد، در این صورت حرام است.

۵. امتناع پیامبر صلی الله علیه وسلم از خوردن سیر و امثال آن به خاطر حرام آن نبوده، بلکه به خاطر سخن گفتن با جبرئیل علیه السلام بوده است.
۶. زیبایی آموزش پیامبر صلی الله علیه وسلم، چنانکه حکم را با توضیح سبب آن پیوند می دهد، تا مخاطب از شناخت حکمت مطمئن شود.
۷. قاضی گفت: علما این را به مجامع نماز غیر از مسجد، مانند عیدگاه، و مکان ادای نماز جنازه و به غیره مجامع عبادات تشبیه کرده اند، و همچنان مجامع علم و ذکر و مهمانی و مانند آن، و بازارها و مانند آنها، به آنها ملحق نمی شوند.
۸. علماء گفته اند: در این حدیث دلیل بر منع دخول خورنده سیر و امثال آن به مسجد است - هرچند خالی باشد- چون آن محل ملائکه است، بنابر عموم حدیث.

(۴۸۵۰)

(۳۱۶) - عَنْ سَهْلِ بْنِ مُعَاذٍ بْنِ أَنَسٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَكَلَ طَعَامًا فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي هَذَا وَرَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةٍ، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». [حسن] - [رواه أبو داود والترمذي وابن ماجه وأحمد]

(۳۱۶) - از سهل بن معاذ بن انس از پدرش روایت است که می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: "هرکس غذا بخورد سپس بگوید: همه ی حمد و ستایش، ویژه ی الله می باشد؛ ذاتی که بدون توان و نیروی خودم این غذا را به من عطا کرد، و آن را روزی من قرار داد، تمام گناهان گذشته ی وی بخشوده می شود". [حسن] - [ابو داود و ترمذی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم کسی را که غذا می خورد تشویق می کند که ستایش الله را به جا آورد، و این که من توان بدست آوردن و خوردن غذا را جز به یاری الله متعال ندارم. سپس وی صلی الله علیه وسلم مژده دادن به هر که چنین بگوید، مستحق آموزش الله متعال از گناهان صغیره گذشته اش می شود.

از فوائد حدیث:

۱. مستحب بودن حمد و ثنای الله متعال در پایان غذا خوردن.
۲. بیان فضیلت بزرگ الله متعال بر بندگانش که به آنان روزی داده، و اسباب رزق و روزی را برایشان آسان نموده، و در آن کفاره گناهان را قرار داده است.
۳. امور بندگان همه از جانب الله متعال است، که به قدرت و قوت آنان بستگی ندارد، و بنده به کردن اسباب مأمور است.

(۵۴۳)

(۳۱۷) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا عطس وضع يده - أو ثوبه - على فيه، وحَفَصَ - أو غَضَّ - بها صوته. [صحیح] - [رواه أبو داود والترمذي وأحمد]

(۳۱۷) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که می گوید: هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم عطسه می زد دست یا لباسش را روی دهانش می گذاشت، و با آن از صدایش می کاست. [صحیح] - [ابو داود و ترمذی و احمد روایت کرده]

توضیح:

هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم عطسه می زد:
اول: دست یا لباسش را روی دهانش می گذاشت؛ تا این که چیزی
از دهان و یا بینی او خارج نشود که همشبینش اذیت شود.
دوم: از صدایش می کاست و آن را بلند نمی کرد.

از فوائد حدیث:

۱. بیان نمودن راهنمایی او صلی الله علیه وسلم در عطسه زدن و پیروی
از وی در این مورد.
۲. گذاشتن پارچه و یا دستمال بر دهن و بینی هنگام عطسه یا مانند
آن مستحب است، تا چیزی از آن بیرون نیاید و کسی که با او
نشسته است اذیت شود.
۳. پایین آوردن صدا هنگام عطسه مطلوب است، و نشانه آداب کامل
و اخلاق نیکو است.

(۳۳۱۷)

(۳۱۸) - عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:
«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى رُحْصُهُ، كَمَا يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى عَزَائِمُهُ». [صحیح] - [رواه ابن حبان]

(۳۱۸) - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: رسول
الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الله متعال دوست دارد که به رخصت
هایش عمل شود همانطوری که دوست دارد به عزیمت هایش عمل شود».
[صحیح] - [ابن ماجه روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: الله متعال دوست دارد به رخصت هایی که تشریع نموده است عمل شود، از قبیل تخفیف ها در احکام و عبادات، و تسهیل آن برای شخص مکلف که عذر داشته باشد - مانند قصر و جمع نمودن نماز هنگام سفر-، همانطوری که او تعالی دوست دارد که به عزیمت های او عمل شود؛ چون فرمان الله متعال در پیوند به رخصت ها و عزیمت ها یکی است.

از فوائد حدیث:

۱. رحمت الله متعال بر بنده گانش، و این که او سبحانه و تعالی دوست دارد که از رخصت های که تشریع نموده استفاده شود.
۲. تکامل این شریعت، و زدودن حرج و سختی ها از مسلمان.

(۱۷۰۰۶۰)

(۳۱۹) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُصَبِّ مِنْهُ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۳۱۹) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است گفت: که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی را که الله متعال اراده خیر کند، او را به مصیبت ها مبتلا می سازد». [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمایند: هنگامی که الله متعال برای کسی از بندگان مؤمنش خیری بخواهد، او را با مصیبت در خود و مال و خانواده اش می آزماید، زیرا با این کار، مؤمن به سوی او با دعاء، و طلب مغفرت، و خواست بلند بردن درجات روی می آورد.

از فوائد حدیث:

۱. مؤمن با انواع آزمونها روبرو خواهد شد.
۲. آزمایش نشانه محبت الله متعال نسبت به بنده می باشد، تا درجات او را بالا برد و گناهانش را ببخشد.
۳. تشویق به صبر در هنگام مصیبت، و خودداری از فریاد کردن.

(۴۲۰۴)

(۳۲۰) - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ وَلَا هَمٍّ وَلَا حُزْنٍ وَلَا أَذًى وَلَا غَمٍّ حَتَّى الشُّوْكَةِ يُشَاكُهَا إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۳۲۰) - از ابوسعید خدری و ابوهریره رضی الله عنهما روایت است آنها از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت نموده اند که فرمودند: "هیچ رنج، بیماری، نگرانی، ناراحتی، آزار و غم و اندوهی به مسلمان نمی رسد و حتی خاری در پایش فرو نمی رود مگر اینکه الله متعال [مقداری] از گناهانش را به سبب آن می بخشد". [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده که مسلمان دچار بیماری ها و غم و غصه و سختی و مصایب و دشواری و ترس و گرسنگی نمی شود - حتی اگر خاری در پایش فرو رود و به درد آید - مگر آنکه همان کفاره گناهان و باعث پاکی خطاهایش می شود.

از فوائد حدیث:

۱. بیان فضل الله متعال بر بندگان مؤمن اش، و رحمتش به آنان که با کمترین زیانی که به آنان می‌رسد گناهانشان را می‌بخشد.
۲. برای مسلمان شایسته است که در صورت دچار شدن به هر مصیبتی، از آن انتظار اجر الهی داشته باشد، و بر هر مصیبت کوچک و بزرگی صبر کند، تا این باعث بالا رفتن درجات و بخشیده شدن گناهان او شود.

(۳۷۰)

(۳۲۱) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا يَزَالُ الْبَلَاءُ بِالْمُؤْمِنِ وَالْمُؤْمِنَةِ فِي نَفْسِهِ وَوَلَدِهِ وَمَالِهِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ وَمَا عَلَيْهِ خَطِيئَةٌ». [حسن] - [رواه الترمذی وأحمد]

(۳۲۱) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «زن و مرد مؤمن همواره در جان و مال و فرزند خویش مورد آزمایش قرار می‌گیرند تا اینکه الله متعال را در حالی ملاقات می‌کنند که هیچ خطا و گناهی بر آنها نیست». [حسن] - [ترمذی و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می‌دهند که مصیبت و آزمایش از نفس، صحت و جسم بنده مومن (اعم از مرد و زن) جدا نمی‌باشد، و در فرزندانش از بیماری، وفات و عقوق و غیره جدا نمی‌باشد، و در مالش از فقیر شدن، نابودی تجارتش و سرقت آن، افسردگی و کمبود در رزق، تا اینکه الله متعال با این مصیبت‌ها تمام گناهان و اشتباهات او را کفاره

کند، و در حالی با الله متعال ملاقات کند که از تمام گناهان و لغزش هایی که مرتکب شده است پاک گردیده است.

از فوائد حدیث:

۱. از جمله رحمت الله متعال نسبت به بندگان مؤمنش این است که در این دنیا توسط مصیبت ها و آفت های دنیا گناهانشان را کفاره می کند.
۲. مصیبت به شرط ایمان کفاره گناهان است، پس اگر بنده صبر کند و عصبانی نشود، ثواب برایش داده می شود.
۳. تشویق به صبر در همه امور، در آنچه پسندیده و یا ناپسند است، باید صبر نمود تا آنچه را که الله متعال واجب نموده انجام دهد، و باید صبر کند تا آنچه را که الله متعال حرام قرار داده دوری ورزد، به امید پاداش الله متعال و ترس از عذاب او تعالی.
۴. و فرموده ایشان: "بالمؤمن والمؤمنة"، "به مرد و زن مؤمن"، افزودن کلمه مؤمنة در آن دلیل بر تأکید بیشتر بر زنان است؛ در غیر این صورت، اگر می گفت: «بالمؤمن»، زن شامل آن می شد؛ زیرا این امر مختص مردان نیست، بنابراین اگر برای زن مصیبتی پیش آید، همین وعده اجر برایش می باشد که گناهان و بدی هایش کفاره می شود.
۵. آنچه رنج بنده را بالایش آسان می کند، فضیلتی است که از مصیبت ناشی می شود.

(۳۲۲) - عَنْ صُهِيبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «عَجَبًا لِمَنِ الْمُؤْمِنُ، إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ، وَلَيْسَ ذَاكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ، إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَاءٌ شَكَرَ، فَكَانَ خَيْرًا لَهُ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ صَرَاءٌ صَبَرَ، فَكَانَ خَيْرًا لَهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۲۲) - از صهیب رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «شگفتا از حال مؤمن که همه ی اوضاع و احوالش برای او خیر است و کسی جز مؤمن، چنین وضعی ندارد: اگر با امر خوشایندی مواجه شود، شکر می کند و اگر دچار زیان و امر ناگواری گردد، صبر می نماید؛ و این برای او خیر است». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم اظهار شگفتی می کند از وضعیت خوب مومن؛ چون در همه حال در خیر و خوبی و سعادت و رستگاری است، و این وضعیت جز برای مومن نمی باشد؛ اگر امر خوشایندی برای او میسر گردد شکر و سپاسگذاری الله را بجا می آرد؛ و جهت سپاسگذاری برای او پاداش داده می شود، اگر مصیبتی به او برسد بر مقدرات الهی صبر می کند و به امید پاداش منتظر گشایش می ماند، و ثواب صبر را می گیرد، پس او در هر حال پاداش را بدست می آورد.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت شکرگزاری در خوشی و شکیبایی در سختی، هر کس این کار را انجام دهد به خوبی های هر دو دنیا می رسد، و هر کس شکر نعمتی را به جا نیاورد و بر مصیبت صبر نکند ثوابش را از دست می دهد و گناه نصیبش می شود.

۲. فضیلت ایمان، و این که ثواب در هر حال فقط برای اهل ایمان است.
۳. شکرگزاری هنگام خوشی، و صبر هنگام سختی از ویژگی های مؤمنان است.
۴. ایمان به قضا و قدر الله متعال، مؤمن را از همه احوالش راضی و خشنود می سازد، بر خلاف غیر مؤمنی که به هنگام آسیبی که به او می رسد دائماً عصبانی است، و اگر از جانب الله متعال نعمتی به دست آورد، از طاعت الله متعال منحرف می شود، علاوه بر این که آن را در معصیت الله صرف می کند.

(۳۲۹۸)

(۳۲۳) - عن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِذَا مَرِضَ الْعَبْدُ أَوْ سَافَرَ كُتِبَ لَهُ مِثْلُ مَا كَانَ يَعْمَلُ مُقِيمًا صَحِيحًا». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۳۲۳) - از ابو موسی اشعری رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اگر بنده مریض شود و یا مسافرت کند، معادل کاری که در زمان اقامت و سلامتی انجام می داد، برای او نوشته می شود». [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از لطف و رحمت الله متعال خبر می دهد، اینکه اگر مسلمانی در زمان سلامتی و اقامتش عادت عمل نیک داشته باشد، سپس برای او عذر پیش بیاید و مریض شود و نتواند آن را انجام دهد، و یا به علت مسافرت و یا هر عذر دیگر از آن مشغول شود، پاداش به طور کامل برای او نوشته می شود، گویی در حال سلامتی و اقامت آن را انجام داده است.

از فوائد حدیث:

۱. فراخی لطف الله متعال بر بندگاناش.
۲. تشویق به تلاش در طاعت ها و استفاده بهتر از وقت ها هنگام سلامتی و فراغت.

(۳۵۳)

(۳۲۴) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ فِتْنًا كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ، يُصْبِحُ الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَيُمْسِي كَافِرًا، أَوْ يُمْسِي مُؤْمِنًا وَيُصْبِحُ كَافِرًا، يَبِيعُ دِينَهُ بِعَرَضٍ مِنَ الدُّنْيَا». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۲۴) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «به سوی اعمال نیک بشتابید پیش از فرارسیدن فتنه هایی که مانند شب تاریک هستند، و انسان در صبحگاه مومن و در شب کافر می گردد، یا شبانگاه مومن و صبحگاه کافر می گردد، و دینش را در برابر کالای ناچیز دنیا می فروشد». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم مؤمن را به تعجیل و زیاد انجام دادن کارهای خیر ترغیب می کند، پیش از آنکه آنها غیرممکن شوند، و از آمدن فتنه ها و شبهاتی که از آنها باز می دارد و جلو آنها را می گیرند، و آنها مانند تاریکی شب است که در آن حق با باطل آمیخته می شود، و تشخیص آن را برای مردم مشکل می شود، و انسان از شدت آن چنان گیج می شود که صبح مومن است و شب کافر می گردد، و شب مومن است و صبح کافر می گردد، دینش را در برابر کالای ناچیز دنیا می فروشد.

از فوائد حدیث:

۱. وجوب التزام به دین، و شتاب بسوی برای انجام کارهای خیر قبل از اینکه موانع مانع آن شود.
۲. اشاره به توالی فتنه های گمراه کننده در آخرالزمان، و اینکه هرگاه فتنه از بین رفت فتنه دیگری به دنبال آن می آید.
۳. اگر دین انسان ضعیف شود و در مقابل امور دنیوی مانند پول یا چیزهای دیگر آن را رها کند، دلیل بر انحراف و ترک دین و فرو رفتن او در فتنه ها است.
۴. در حدیث دلیلی وجود دارد که اعمال نیک وسیله نجات از فتنه هاست.
۵. فتنه ها بر دو قسم است: وسوسه های شبهات که درمان آنها علم است، و فتنه های شهوات که درمان آن ایمان و صبر است.
۶. در حدیث اشاره بر این است که هر که عمل کم داشته باشد زودتر دچار فتنه می شود، و هر که عمل بیشتر داشته باشد فریب آنچه که دارد را نخورد بلکه دنبال افزایش آن باشد.

(۳۱۳۸)

(۳۲۵) - عن معاوية رضي الله عنه قال: سمعت النبي صلى الله عليه وسلم يقول: «مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُقَفِّهِهُ فِي الدِّينِ، وَإِنَّمَا أَنَا قَاسِمٌ، وَاللَّهُ يُعْطِي، وَلَنْ تَزَالَ هَذِهِ الْأُمَّةُ قَائِمَةً عَلَى أَمْرِ اللَّهِ، لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَالَفَهُمْ، حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۳۲۵) - از معاویه رضی الله عنه روایت است فرمود که از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمودند: «برای کسی که الله متعال اراده خیر داشته باشد، به او در دین فهم می دهد، و یقیناً که من تقسیم کننده هستم و الله می دهد،

این امت به حکم الله تا وقتی استوار می باشد - کسانی که به آنها مخالفت دارند، به اینها ضرر نمی رسانند - تا که امر الله فرا رسد (قیامت). [صحیح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که هر که الله به او خیری بخواهد او را در دینش فهم می دهد، و او صلی الله علیه وسلم تقسیم کننده است، آنچه را که الله متعال از رزق و علم و غیر آن به او داده است تقسیم و توزیع می کند، و این که بخشنده حقیقی الله است، و دیگران اسباب هستند که جز به اذن الله کار نمی توانند، و این امت تا زمانی که بر حکم الله استوار می باشد- کسانی که با آنها مخالفت می کنند به آنها ضرری نمی رسانند - تا قیامت برپا شود.

از فوائد حدیث:

۱. بزرگی و فضیلت علم شرعی، فراگیری آن و ترغیب به آن.
۲. قیام به حق باید در این امت وجود داشته باشد، پس اگر فرقه ای آن را رها کند، دیگران این کار را انجام می دهند.
۳. فهم در دین از اراده خیر الله متعال برای بنده است.
۴. پیامبر صلی الله علیه وسلم فقط به امر و اراده الله متعال می دهد و چیزی در اختیار او نیست.

(۳۲۶) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «نَصَرَ اللَّهُ امْرَأً سَمِعَ مِنَّا شَيْئًا فَبَلَّغَهُ كَمَا سَمِعَ، قُرْبٌ مُبْلَغٌ أَوْعَى مِنْ سَامِعٍ». [صحيح] - [رواه الترمذي وابن ماجه وأحمد]

(۳۲۶) - از عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که می گوید: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمودند: «الله متعال اخلاق کسی را که چیزی از ما بشنود و آن را همان گونه که شنیده - به دیگران - برساند، خوب و نیک بگرداند؛ چه بسا کسی که - حدیث - به او می رسد، آن را بهتر از شنونده اش دریابد». [صحيح] - [ترمذی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

در این حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم برای کسی که حدیثی از احادیث نبوی را می شنود و حفظ می کند و آن را چنانکه شنیده، بدون افزایش و کم و کاست ابلاغ می کند، دعا می کند که الله متعال در روز قیامت صورت او را نیک و زیبا بگرداند؛ سپس علت این مساله را ذکر می کند، اینکه: «چه بسا کسی که - حدیث - به او می رسد، آن را بهتر از شنونده اش دریابد». چون گاهی پیش می آید کسی که به او ابلاغ شده، فقیه تر و داناتر و عامل تر از کسی باشد که آن را شنیده و ادایش کرده است، در این صورت شخص اول در حفظ و نقل حدیث مهارت دارد و شخص دوم در فهم و استنباط مهارت دارد.

از فوائد حدیث:

۱. تشویق به حفظ سنت نبوی، و تبلیغ آن برای مردم.
۲. بیان فضیلت اهل حدیث، و شرف طلبیدن آن.

۳. فضیلت علمای که اهل استنباط و فهم هستند.
۴. فضیلت صحابه رضوان الله علیهم، زیرا آنان حدیث را از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده و برای ما ابلاغ نموده اند.
۵. المناوی می گوید: حدیث بیان می دارد که از شرط های روایت حدیث تفقه نیست، بلکه شرط آن حفظ است، و برای فقیه است که باید تفهم و تدبر داشته باشد.
۶. ابن عیینة می گوید: هیچ کسی نیست که حدیث را طلب نماید مگر این که چهره اش با طراوت (حسی و یا معنوی) می شود.
۷. حفظ نزد محدثین دو نوع است: حفظ قلب و سینه، و حفظ کتاب و سطر، و دعای که در حدیث است شامل هر دو نوع می شود.
۸. فهم های مردم با هم متفاوت است، چه بسا کسی که - حدیث - به او می رسد، آن را بهتر از شنونده اش دریابد، و چه بسا حمل کننده فقه، فقیه نباشد.

(۶۸۲۰)

(۳۲۷) - عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَعْلَمُوا الْعِلْمَ لِيُبَاهُوا بِهِ الْعُلَمَاءُ، وَلَا لِتَمَارُوا بِهِ السُّفَهَاءُ، وَلَا تَحْيَرُوا بِهِ الْمَجَالِسَ، فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ، فَالْتَأَرْ التَّارُ».

[صحيح] - [رواه ابن ماجه]

(۳۲۷) - از جابر بن عبد الله رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «علم را جهت فخر فروشی بر علما نیاموزید، و نه برای این که همراه سفیهان درگیر شوید، و نه بر اساس آن برای خود مکانی در مجالس انتخاب کنید، که هر که چنین کند پس در جهنم است».

[صحيح] - [ابن ماجه روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از طلب علم برای فخر فروشی بر علما، و نشان دادن اینکه من نیز مانند شما عالم هستم، و یا خطاب و مناظره با سفیهان و سبک اندیشان هشدار داده است، و یا علم را جهت بالا نشینی در مجالس فرا گیرد، و یا این که به تناسب دیگران مقدم دانسته شود. پس هر که چنین کند؛ او به خاطر خودنمایی و عدم اخلاص در طلب علم برای الله سزاوار آتش است.

از فوائد حدیث:

۱. هشدار به دوزخ برای کسی که علم را جهت فخر فروشی و یا توسط آن مجادله کردن، و یا برای این که در صدر مجالس بنشیند و غیره موارد بیاموزد.
۲. اهمیت خلوص نیت برای کسانی که علم می آموزد و می آموزاند.
۳. نیت اساس اعمال است و بر اساس آن پاداش داده می شود.

(۶۵۰۴۷)

(۳۲۸) - عن عثمان رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال:

«خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۳۲۸) - از عثمان رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه

وسلم فرمودند: «بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد، و آن را به

دیگران بیاموزاند». [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که بهترین مسلمانان و برترین آنها نزد الله متعال از لحاظ درجه و منزلت کسی است که قرآن کریم

را با تلاوت، حفظ، ترتیل، فهم و تفسیر آن بیاموزد، و آنچه که نزد خودش از علوم قرآنی است به دیگران بیاموزاند و به آن عمل نماید.

از فوائد حدیث:

۱. بیان عزت و شرف قرآنکریم و اینکه بهترین کلام است. چون کلام الله متعال است.

۲. بهترین یادگیرندگان کسی است که به دیگران آموزش می دهد، نه کسی که منحصر به خود است.

۳. یادگیری و یاد دهی قرآن کریم شامل تلاوت، معانی و احکام آن می شود.

(۵۹۱۳)

(۳۲۹) - عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ السُّلَمِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مَنْ كَانَ يُقْرِئُنَا مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُمْ كَانُوا يَقْتَرُونَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَشْرَ آيَاتٍ، فَلَا يَأْخُذُونَ فِي الْعَشْرِ الْأُخْرَى حَتَّى يَعْلَمُوا مَا فِي هَذِهِ مِنَ الْعِلْمِ وَالْعَمَلِ، قَالُوا: فَعَلِمْنَا الْعِلْمَ وَالْعَمَلَ. [حسن] - [رواه أحمد]

(۳۲۹) - از ابو عبدالرحمن السلمي رحمه الله روایت است که فرمود: اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم که برای ما درس می دادند گفتند که ایشان از رسول الله صلی الله علیه وسلم ده آیت درس می گرفتند، و ده آیت دیگر را نمی گرفتند تا این که بدانند در این آیت ها چه چیز از علم و عمل وجود دارد، گفتند: پس ما علم و عمل را یکجا آموختیم. [حسن] - [احمد روایت کرده]

توضیح:

صحابه رضی الله عنهم از رسول الله صلی الله علیه وسلم ده آیت از قرآن را می آموختند، و تا زمانی که آنچه در اینها بود را فرا نمی گرفتند به سراغ آیت های دیگر نمی رفتند تا این که بدانند در این ده آیت چه چیز از علم و عمل وجود دارد، پس علم و عمل را با هم آموختند.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت صحابه رضی الله عنهم و حرص آنان به فراگیری قرآن کریم.
۲. آموختن قرآن کریم با علم و عمل آنچه در آن است می باشد، نه فقط با خواندن و حفظ آن.
۳. علم قبل از گفتن و عمل است.

(۶۰۰۵۸)

(۳۳۰) - عن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ قَرَأَ حَرْفًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَلَهُ بِهِ حَسَنَةٌ، وَالحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا، لَا أَقُولُ {الم} حَرْفٌ، وَلَكِنْ {الِف} حَرْفٌ، وَ{لَامٌ} حَرْفٌ، وَ{مِيمٌ} حَرْفٌ». [حسن] - [رواه الترمذي]

(۳۳۰) - از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر کسی حرفی از کتاب الله را بخواند برای او یک پاداش دارد، و هر پاداش ده برابر آن می باشد و نمی گویم: الم یک حرف است، بلکه: الف یک حرف، لام یک حرف و میم یک حرف است. [حسن] - [ترمذی روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خبر می دهد: هر مسلمانی که یک حرف از کتاب الله متعال را می خواند برای او نیکی است، و اجر و ثواب برای او ده برابر مانند آن می شود.

سپس با گفتن سخن اش این را بیان نمود که (من نمی گویم که "الم" یک حرف است، بلکه الف حرف است و لام حرف است و میم حرف است) پس این سه حروف است که سی حسنه دارد.

از فوائد حدیث:

۱. تشویق و ترغیب به افزایش تلاوت قرآن کریم.
۲. تلاوت کننده در مقابل هر حرف از هر کلمه ای که می خواند نیکی بدست می آورد، و آن نیکی برای وی ده برابر می شود.
۳. وسعت رحمت و کرم الله متعال، چنانکه از فضل و کرم خود، پاداش بندگان را چند برابر کرد.
۴. فضیلت قرآن کریم بر سایر سخنان و عبادت به تلاوت آن؛ زیرا این کلام الله متعال است.

(۳۳۱) - عن عبد الله بن عمرو رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «يَقَالُ لَصَاحِبِ الْقُرْآنِ: اقْرَأْ وَارْتَقِ، وَرَتَّلْ كَمَا كُنْتَ تَرَتَّلُ فِي الدُّنْيَا، فَإِنْ مَنَزَلَكَ عِنْدَ آخِرِ آيَةٍ تَقْرُؤُهَا». [حسن] - [رواه أبو داود والترمذي والنسائي في الكبرى وأحمد]

(۳۳۱) - از عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «به صاحب قرآن گفته می شود: بخوان و بالا برو، و چنان که در دنیا تلاوت می کردی تلاوت کن، که جایگاه تو در آخرین آیه ای است که می خوانی». [حسن] - [ابو داود و ترمذی و نسایی در الكبرى و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خبر داده که به قاری قرآن گفته می شود، کسی که بر قرآن عمل نموده و به آن از لحاظ تلاوت و حفظ پابند بوده باشد و وارد بهشت شود: قرآن را بخوان، و با آن در درجات بهشت بالا برو، و با تدبیر و اطمینان تلاوت بکن، چنان که در دنیا تلاوت می کردی؛ یقیناً که جایگاه شما در آخرین آیه ای است که می خوانید.

از فوائد حدیث:

۱. پاداش بر اساس کمیت و کیفیت اعمال است.
۲. تشویق به تلاوت قرآن و تسلط بر آن، حفظ، تدبیر و عمل بر آن.
۳. بهشت دارای منازل و درجه های زیاد است، که صاحبان قرآن در آن مراتب عالی را کسب می کنند.

(۳۳۲) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أُحِبُّ أَحَدُكُمْ إِذَا رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ أَنْ يَجِدَ فِيهِ ثَلَاثَ خَلَفَاتٍ عِظَامٍ سِمَانٍ» قُلْنَا: نَعَمْ. قَالَ: «فَثَلَاثُ آيَاتٍ يَقْرَأُ بِهِنَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ ثَلَاثِ خَلَفَاتٍ عِظَامٍ سِمَانٍ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۳۲) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «آیا کسی از شما دوست دارد هنگامی که نزد خانواده خود باز می گردد، سه شتر بزرگ و چاق را در آن بیابد؟» گفتیم: آری، فرمودند: اگر یکی از شما در نماز خود سه آیت را بخواند برایش از سه شتر بزرگ و چاق بهتر است». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرمایند که ثواب خواندن سه آیه در نماز؛ بهتر است که انسان در خانه خود سه شتر آبستن بزرگ و چاق را دریابد.

از فوائد حدیث:

۱. بیان فضیلت تلاوت قرآن در نماز.
۲. اعمال نیک بهتر و ماندگارترند از لذت های دنیای فانی.
۳. این فضیلت به تلاوت سه آیت محدود و مقید نیست؛ هر چه نمازگزار آیات را در نمازش بیشتر بخواند، ثوابش بهتر است از تعداد شترها.

(۳۳۳) - عن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «تَعَاهَدُوا هَذَا الْقُرْآنَ، فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَهُوَ أَشَدُّ تَفَلُّتًا مِنَ الْإِبِلِ فِي عُقْلِهَا». [صحيح] - [متفق عليه]

(۳۳۳) - از ابو موسی اشعری رضی الله عنه روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: « از قرآن کریم با تلاوت آن محافظت کنید، سوگند به ذات که جان محمد در دست اوست، (در فراموش شدن) سریعتر از فرار کردن شتر است که با ریسمان بسته شده باشد». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم به شکل دوامدار به تلاوت قرآن کریم دستور داده است، تا اینکه پس از حفظ آن در سینه اش آن را فراموش نکند، او صلی الله علیه وسلم با سوگند خود این سخن را تأیید نمود که قرآن کریم در فراموش شدن و بیرون رفتن از سینه از شتر که با ریسمان در وسط بازو بسته شده باشد تیزتر است؛ که اگر وقتاً فوقتاً آنرا نگهداری کند نزد او می ماند، و اگر آن را رها کند می رود و گم می شود.

از فوائد حدیث:

۱. اگر حافظ قرآن در تلاوت آن مداومت داشته باشد در قلبش می ماند، و گرنه از او می رود و فراموش می شود.
۲. از فواید محافظت بر تلاوت قرآن کریم : اجر و پاداش، و بلندی درجات به روز قیامت است.

(۳۳۴) - عن أبي هريرة رضي الله عنه: أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «لَا تَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ مَقَابِرَ، إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْفِرُ مِنَ الْبَيْتِ الَّذِي تُقْرَأُ فِيهِ سُورَةُ الْبَقَرَةِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۳۴) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «خانه های خود را قبرستان نسازید چون شیطان از خانه ای فرار می کند که در آن سوره بقره خوانده می شود». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از نخواندن نماز در خانه ها نهی فرموده است، چون مانند قبرستانی می شود که هیچ کس در آن نماز نمی خواند. سپس رسول الله علیه وسلم خبر می دهد که شیطان از خانه ای که در آن سوره بقره خوانده می شود فرار می کند.

از فوائد حدیث:

۱. مستحب بودن بسیاری از عبادات و نمازهای نفلی در خانه.
۲. نماز خواندن در قبرستان ها جایز نیست؛ زیرا آنها وسیله شرک و افراط است جز نماز جنازه.
۳. این در حالیکه منع نماز بر سر قبرها نزد صحابه ثابت گردیده، به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه وسلم از قرار دادن خانه ها مانند قبرستان که در آن نماز اداء نمی شود نهی کرد.

(۳۳۵) - عَنْ أَبِي بَنِي كَعْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا أَبَا الْمُنْذِرِ، أَتَدْرِي أَيُّ آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ مَعَكَ أَعْظَمُ؟» قَالَ: قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْظَمُ. قَالَ: «يَا أَبَا الْمُنْذِرِ، أَتَدْرِي أَيُّ آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ مَعَكَ أَعْظَمُ؟» قَالَ: قُلْتُ: {اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ} [البقرة: ۲۵۵]. قَالَ: فَضَرَبَ فِي صَدْرِي، وَقَالَ: «وَاللَّهِ لِيَهْنِكَ الْعِلْمُ، أَبَا الْمُنْذِرِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۳۵) - از ابی بن کعب رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: ای ابوالمنذر آیا می دانی کدام آیت از کتاب الله نزد تو از همه بزرگتر است؟ گفت: گفتم: الله و رسولش داناترند، فرمودند: «ای ابوالمنذر آیا می دانی کدام آیت از کتاب الله نزد تو بزرگتر است؟» گفتم: گفتم: {اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ} (بقره: ۲۵۵). - الله آن ذاتی است که هیچ معبودی برحق غیر از او وجود ندارد (که) همیشه زنده و پایدار است (تدبیر تمام کائنات در دست اوست) - فرمود: ضربه ای به سینه ام زد و فرمودند: «به الله سوگند ای ابوالمنذر خوشا بحال تو با این علم که تو دارای». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از ابی بن کعب در مورد بزرگ ترین آیت کتاب الله پرسید، پس در جواب تردید کرد، سپس گفت: آن آیه کرسی است: {اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ}.

- الله آن ذاتی است که هیچ معبودی برحق غیر از او وجود ندارد (که) همیشه زنده و پایدار است (تدبیر تمام کائنات در دست اوست)، - پس پیامبر صلی الله علیه

وسلم او را تایید کرد، و پیامبر به سینه او زد بگونه اشاره که پر از علم و حکمت است، و برایش دعا نمود تا با این علم خوشبخت شود و آن را برایش آسان بگرداند.

از فوائد حدیث:

۱. جایگاه بزرگ برای ابی بن کعب رضی الله عنه.
۲. آیه کرسی بزرگترین آیت در کتاب الله متعال است، پس آن را باید حفظ، در معانی آن تأمل، و به آن عمل کرد.

(۶۵۰۹)

(۳۳۶) - عن أبي مسعود رضي الله عنه قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «مَنْ قَرَأَ بِالْآيَتَيْنِ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ فِي لَيْلَةٍ كَفَّتَاهُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۳۳۶) - از ابو مسعود رضی الله عنه روایت است گفت که: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر کس دو آیه اخیر سوره بقره را در شب بخواند برای او کفایت من کند». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که: هر کس دو آیه اخیر سوره بقره را در شب بخواند، الله متعال برای او از هر شر و بدی بسنده است، و گفته شده است که: برایش از خواندن تهجد کافی است، و گفته شده است که: برایش از خواندن بقیه اذکار کفایت می کند، و گفته شده است که: آنها کمترین جزء خواندن قرآن در نماز شب هستند، و اقوال دیگری نیز گفته شده است. و امید است هر آنچه در معنای حدیث گفته شده صحیح باشد چون الفاظ شامل همه موارد ذکر شده می شود.

از فوائد حدیث:

۱. بیان فضیلت اواخر سوره بقره که از قول الله متعال : ((آمن الرسول ...)) آغاز می شود تا پایان سوره.
۲. اواخر سوره بقره اگر در شب خوانده شود، از صاحبش بدی، شر، و شیطان را دفع می کند.
۳. شب با غروب آفتاب شروع می شود و با طلوع فجر به پایان می رسد.

(۶۲۷۴)

(۳۳۷) - عن أبي الدرداء رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ حَفِظَ عَشْرَ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ سُورَةِ الْكَهْفِ، عُصِمَ مِنَ الدَّجَالِ». وفي رواية: «مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْكَهْفِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۳۷) - از ابودرداء رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرکس ده آیه از ابتدای سوره ی "کهف" را حفظ کند، از فتنه ی "دجال" در امان می ماند»، و در روایت دیگری آمده است: «مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْكَهْفِ»: «هرکس ده آیه ی پایانی سوره ی کهف را حفظ کند». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد هرکس از صمیم قلب ده آیه از ابتدای سوره ی کهف را حفظ کند الله متعال او را از شر دجال و فتنه اش که در آخر الزمان بیرون می آید و ادعای الوهیت را می کند، حفظ می کند، و فتنه او بزرگ ترین فتنه ای است که از زمان خلقت آدم تا روز قیامت در روی زمین خواهد بود؛ بنابر توانایی های خارق العاده که الله متعال برایش

داده است، پیروان خود را با آنها در فتنه می اندازد، پس بنابر این آغاز سوره کهف دارای شگفتی ها و آیاتی بزرگتر از آن چیزی است که دجال مردم را در فتنه می اندازد، پس هر کس در آن بیندیشد، دجال نمی تواند بر او مسلط شود و او را در فتنه خود قرار بدهد. و در روایتی: ده آیه اخیر سوره کهف از قول او تعالی: {أفحسب الذين كفروا أن يتخذوا...}.

از فوائد حدیث:

۱. بیان فضیلت سوره کهف، و این که آغازین و پایانی آن سبب نجات از فتنه دجال می باشد.
۲. خبر دهی از مسأله ی دجال، و بیان آن چه که سبب نجات از آن می گردد.
۳. تشویق به حفظ سوره کهف بطور کامل، ولی اگر ناتوان بود باید ده آیه های آغازین و پایانی آن را حفظ نماید.
۴. قرطبی در مورد سبب آن می گوید: گفته شده که: آنچه در داستان اصحاب کهف از شگفتی ها و نشانه هایی که وجود دارد، پس هر کس در داستان آنان مکث و درنگ کند، از مسأله ی دجال تعجب نخواهد کرد و او را مجذوب نخواهد نمود، و در فتنه او قرار نخواهد گرفت، و در این قول الله متعال: {لینذر بأسًا شدیدًا من لدنه} گفته شده که در آن تمسک بر تخصیص قوت به شدت و لدنی است، و این مناسب آن است که دجال ادعای الوهیت و تسلط و بزرگی فتنه او داشته باشد، از این رو، او صلی الله علیه وسلم مسأله ی او بزرگ جلوه داده و از او هشدار داده و از شر او به الله متعال پناه برده است، پس

معنی حدیث این طور است که: هر کس این آیات را بخواند و در آنها تدبیر کند و معنای آنها را بفهمد، در حذر بوده و از او در امان می باشد.

(۶۲۶۵)

(۳۳۸) - عن النعمان بن بشير رضي الله عنه قال: سمعت النبي صلى الله عليه وسلم يقول: «الدَّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ»، ثُمَّ قَرَأَ: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» [غافر: ۶۰].

[صحیح] - [رواه أبو داود والترمذي وابن ماجه وأحمد]

(۳۳۸) - از نعمان بن بشیر رضی الله عنه روایت است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمودند: «دعا عین عبادت است.» سپس (این آیه مبارکه را) قرائت نمودند: {وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ} (پروردگار تان میگوید مرا فرا بخوانید تا دعای تان را اجابت کنم، کسانی که از عبادت برای من امتناع می ورزند وارد جهنم میشوند) [غافر: ۶۰].

[صحیح] - [ابو داود و ترمذی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که دعا عین عبادت است پس واجب است که همه آن با اخلاص در پیشگاه الله متعال باشد، خواه دعای درخواست و یا دعای طلب باشد، اینکه از الله متعال هر آنچه را بخواهد که به مصلحت اوست، و دفع آنچه در دنیا و آخرت به زیان اوست، و یا دعای عبادت باشد که عبارت از همه سخنان و کردارهای ظاهری و باطنی، عبادت های قلبی، بدنی و یا مالی باشد.

سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم استدلال نموده و فرمودند که: الله متعال فرمودند: {ادْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَكْبِرُوْنَ عَنْ عِبَادَتِيْ سَيَدْخُلُوْنَ جَهَنَّمَ دَاخِرِيْنَ} (مرا فرا بخوانید تا دعای تان را اجابت کنم، کسانی که از عبادت برای من امتناع می ورزند وارد جهنم میشوند).

از فوائد حدیث:

۱. دعا اصل عبادت است و صرف نمودن آن به غیر الله جایز نیست.
۲. دعا شامل حقیقت بندگی و اقرار به بی نیازی پروردگار و عزت و قدرت اوست، و اینکه بنده محتاج اوست.
۳. تهدید شدید، برای کسانی که از عبادت الله متعال ابا می ورزند و دعای از الله متعال را ترک می کنند، و اینکه کسانی که از دعای الله متعال ابا می ورزند، ذلیل و حقیر وارد جهنم می شوند.

(۵۴۹۶)

(۳۳۹) - عن عائشة رضي الله عنها قالت: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَذْكُرُ اللَّهَ عَلَى كُلِّ أَحْيَانِهِ. [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۳۹) - از عائشه رضی الله عنها روایت است فرمود که: پیامبر صلی الله علیه وسلم در همه حالت هایش الله متعال را یاد می کرد. [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

عائشه مادر مؤمنان رضی الله عنها به ما خبر می دهد که پیامبر صلی الله علیه وسلم بسیار مشتاق یاد الله متعال بود، او در حال و هر زمان و مکان الله متعال را یاد می کرد.

از فوائد حدیث:

۱. برای ذکر الله متعال طهارت از بی وضویی اصغر و اکبر شرط نیست.
۲. پیامبر صلی الله علیه وسلم به شکل دوامدار الله متعال را یاد می نمودند.
۳. اصرار بر کثرت ذکر الله متعال در همه حالات؛ از روی الگو قرار دادن پیامبر صلی الله علیه وسلم می باشد، مگر در مواردی که از ذکر خود داری می شود، مانند وقت قضاء حاجت.

(۸۴۰۲)

(۳۴۰) - عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «لَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الدُّعَاءِ». [حسن] - [رواه الترمذي وابن ماجه وأحمد]

(۳۴۰) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هیچ چیز نزد الله متعال گرامی تر از دعا نیست». [حسن] - [ترمذی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرمایند: هیچ چیز در عبادت ها نزد الله متعال بهتر از دعا نیست، زیرا در آن اقرار به بی نیازی الله متعال و اعتراف به ناتوانی بنده در برابر اوست.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت دعا و اینکه دعا کننده الله متعال را تعظیم می کند، و اقرار می کند که او ذات پاک و غنی است، پس از فقیر خواسته نمی شود، شنوا است چون کر را صدا نمی شود، و این که کریم است از بخیل چیزی

خواسته نمی شود ، واین که مهربان است از قاسی خواسته نمی شود ،
و این که تواناست از عاجز خواسته نمی شود، و اینکه نزدیک است و
دور نمی شوند، و دیگر صفات عظمت و جمال الله متعال.

(۵۵،۹)

(۳۴۱) - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا
مِنْ مُسْلِمٍ يَدْعُو بِدَعْوَةٍ لَيْسَ فِيهَا إِيْثْمٌ، وَلَا قَطِيعَةٌ رَحِمٍ، إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ بِهَا إِحْدَى
ثَلَاثٍ: إِمَّا أَنْ تُعَجَّلَ لَهُ دَعْوَتُهُ، وَإِمَّا أَنْ يَدَّخِرَهَا لَهُ فِي الْأَجَرَةِ، وَإِمَّا أَنْ يَصْرِفَ عَنْهُ
مِنَ السُّوءِ مِثْلَهَا» قَالُوا: إِذَنْ نُكْثِرُ، قَالَ: «اللَّهُ أَكْثَرُ». [صحيح] - [رواه أحمد]

(۳۴۱) - از ابوسعید رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله
فرمودند: «هیچ مسلمانی نیست که دعا کند و چیزی از الله
بخواهد به شرطی که دعایش شامل گناه یا قطع رابطه ی خویشاوندی
نباشد، مگر اینکه الله متعال یکی از این سه مورد را برایش می دهد: دعایش
را بی درنگ قبول می کند، و یا پاداش را برای او در آخرت ذخیره می کند،
و یا مانند آن بدی را از او دور می کند، یکی از حاضران گفت: در این
صورت بیشتر دعا می کنیم، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اللَّهُ
أَكْثَرُ»: «الله بیشتر عطا می کند». [صحيح] - [احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد: اگر مسلمانی الله متعال را
فراخواند و از او چیزی مسألت نماید که گناه نباشد مانند این که از او بخواهد
تا گناه و ستم را برای او آسان نماید، و یا برای قطع رابطه خانوادگی دعاء نماید؛
و یا بر فرزندان و خویشاوندان خود دعای بد نماید، جز اینکه الله متعال یکی از

سه چیز را در مقابل دعا برای او می دهد: یا این که الله متعال دعایش را اجابت می کند و آنچه را که خواسته است به او می دهد، و یا الله متعال آن را به عنوان پاداش در روز قیامت با افزایش درجات، یا رحمت و آمرزش گناهان، به تأخیر می اندازد. یا الله متعال به واسطه ی آن و به اندازه ی دعاء، بدی را در دنیا از انسان دور می کند. صحابه به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفتند: پس بیشتر دعاء می کنیم؛ تا این که به یکی از این فضائل دست یابیم؟ او صلی الله علیه وسلم فرمودند: آنچه نزد الله متعال است بیشتر و بزرگتر از آنچه است که شما می خواهید، پس بخشش او تمام نشده و پایان نمی یابد.

از فوائد حدیث:

۱. دعای مسلمان مستجاب است و رد نمی شود، اما مقرون با شروط و آداب آن؛ بنابر این بنده باید بسیار دعاء نموده و در اجابت آن عجله نداشته باشد.

۲. استجابت دعا منحصر به رسیدن به خواسته نیست؛ ممکن است با دعای او گناهانش کفاره شود، و یا در آخرت برایش ذخیره شود.

۳. ابن باز می گوید: اصرار، گمان نیک به الله متعال، و عدم ناامیدی، از بزرگترین اسباب استجابت است، انسان باید در دعا اصرار داشته باشد، و به الله متعال گمان نیک داشته باشد، و بداند که او ذات حکیم و داناست، ممکن است از روی حکمت در اجابت عجله کند، و یا از روی حکمت آن را به تأخیر بیندازد، و ممکن برای سوال کننده از آنچه که خواسته است بهتر بدهد.

(۳۴۲) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّامِتِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «فِي الْجَنَّةِ مِائَةُ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَالْفِرْدَوْسُ أَعْلَاهَا دَرَجَةٌ وَمِنْهَا تُفَجَّرُ أَنْهَارُ الْجَنَّةِ الْأَرْبَعَةُ، وَمِنْ فَوْقِهَا يَكُونُ الْعَرْشُ، فَإِذَا سَأَلْتُمُ اللَّهَ فَسَلُّوهُ الْفِرْدَوْسَ». [صحيح] - [رواه الترمذي]

(۳۴۲) - از عبادة بن الصامت رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «در بهشت صد درجه است و میان هر درجه همان است که میان آسمان و زمین است، و فردوس بالاترین درجه است و از آن جویبارهایی چهار گانه بهشت جاری می شود، و بالای آن عرش قرار دارد، پس هرگاه از الله می خواستید، فردوس را بخواهید می خواهید». [صحيح] - [ترمذی روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می هد که در بهشت آخرت صد درجه و منزلت وجود دارد، و فاصله هر دو درجه به اندازه فاصله بین آسمان و زمین است، و بالای همه بهشت ها فردوس قرار دارد، و از فردوس جویبارهایی چهارگانه بهشت جاری می شود، و بالای فردوس عرش قرار دارد؛ پس هرگاه از الله درخواست می نمایید فردوس را درخواست کنید؛ چون جایی است که بالاتر از همه بهشت هاست.

از فوائد حدیث:

۱. منازل اهل بهشت بر حسب ایمان و عمل نیک شان متفاوت می باشد.
۲. تشویق به درخواست از الله متعال برای بهشت اعلی فردوس.

۳. فردوس بالاترین و بهترین بهشت است.
۴. مسلمان باید آرزوهای بلند داشته باشد و از الله متعال بالاترین و بهترین مقام ها را بخواند.
۵. نهرهای چهار گانه بهشت، نهرهای آب و شیر و شراب و غسل است که در قرآن در فرموده الله متعال آمده است: {مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى} [محمد: ۱۵].
۶. (توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده، [چنین است که:] در آن، جویبارهایی از آبی [خالص و زلال] که بو و مزه اش تغییر نکرده؛ و جویبارهایی از شیری که طعمش دگرگون نگشته؛ و جویبارهایی از شرابی که مایه لذت نوشندگان است؛ و جویبارهایی از غسل ناب است).

(۶۵۱۸۸)

(۳۴۳) - عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُكْثِرُ أَنْ يَقُولَ: «يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ»، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَمَّا بِكَ وَبِمَا جِئْتَ بِهِ فَهَلْ تَخَافُ عَلَيْنَا؟ قَالَ: «نَعَمْ، إِنَّ الْقُلُوبَ بَيْنَ أَصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ اللَّهِ يُقَلِّبُهَا كَيْفَ يَشَاءُ». [صحيح] - [رواه الترمذي وأحمد]

(۳۴۳) - از انس رضی الله عنه روایت است که فرمودند: رسول الله صلی الله علیه وسلم این را زیاد میفرمودند: «ای دگرگون کننده ی دل ها، قلبم را بر دین خود استوار بگردان»، پس گفتم: یا رسول الله ما به تو و به آنچه تو آورده ای ایمان آورده ایم، پس آیا بالای ما می ترسی؟ فرمودند: بلی،

دلها در میان دو انگشت الله متعال قرار دارد، هر طور که بخواهد آنها را می چرخاند. [صحیح] - [ترمذی و احمد روایت کرده]

توضیح:

بیشتر دعا‌های پیامبر صلی الله علیه وسلم این بود که از الله متعال استقامت در دین و اطاعت، و دوری از انحراف و گمراهی را طلب می کردند. انس بن مالک رضی الله عنه از اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم این دعا را زیاد انجام می دادند در شگفت بود، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم به او فرمودند که دلها بین دو انگشت الله متعال است و هر طور که بخواهد آنها را می چرخاند، قلب محل ایمان و کفر است، و قلب را به این دلیل قلب نامیده اند که زیاد در حال چرخش است؛ و قلب زیادتر می چرخد از دیگری که می جوشد، پس برای هر که الله اراده کند قلبش را بر هدایت استوار می کند، و او را در دین پایدار می گرداند، و هر که را اراده کند دلش را از هدایت به انحراف و گمراهی بر می گرداند.

از فوائد حدیث:

۱. خشوع و خضوع پیامبر صلی الله علیه وسلم در برابر پروردگارش، و رهنمایی امت برای مسئلت آن.
۲. اهمیت استقامت و استواری در دین، و اینکه عبرت منوط به خاتمه است.
۳. بدون تثبیت الله متعال بنده نمی تواند در اسلام به اندازه یک چشم به هم زدن ثابت بماند.

۴. تشویق به زیاد خواندن این دعاء، با الگو گرفتن از پیامبر صلی الله علیه وسلم.

۵. ثبات و پایداری در اسلام بزرگترین نعمتی است که بنده باید برای آن تلاش کند و برای آن از پروردگارش سپاسگزاری کند.

(۳۱۴۲)

(۳۴۴) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي، وَاجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۴۴) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمودند: «بار الها، دینم را که نگه دارنده ی من از بدی هاست، و دنیايم را که زندگانی ام در آن است، و آخرتم را که بازگشتم به سوی آن می باشد، اصلاح بفرما و زندگی را برای من موجب افزایش کارهای نیک قرار بده و مرگ را برای من مایه ی راحتی و رهایی از همه ی بدی ها بگردان». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم دعای که در آن اصول بهترین اخلاق که برای اتمام آن مبعوث گردیده است دعا نمود؛ و آن عبارت از صلاح دین است از الله متعال طلب می نماید، پس در این بیان مختصر، صلاح

جوامع سه گانه را گنجانید، به صلاح دین آغاز نمود که به صلاح آن صلاح دارین وابسته است، و فرمودند:

(اللهم أصلح لي ديني) این که مرا توفیق نصیب کن تا آداب آن را بگونه کاملتر به اتمام برسانم.

(الذي هو عصمة أمري) و تمام امور من را حفاظت می کند، اگر دینم فاسد شود، امورم فاسد می شود، و من شکست می خورم و زیان می کنم، و چون صلاح دین مطلوب حاصل نمی شود مگر به صلاح دنیا، و فرمودند:

(وأصلح لي دنياي) با دادن سلامت جسمی و امنیت، و رزق، و همسر خوب، و فرزندان نیک، و هر آنچه که نیاز دارم، و حلال باشد، و مرا در اطاعت تو یاری دهد، سپس عذر را برای اصلاح آن در سوال خود ذکر نمود؛ و فرمودند:

(التي فيها معاشي) و مکان زندگانی و زمان زندگیم.

(وأصلح لي آخرتي التي فيها معادي) و بازگشتم برای دیدار تو با اصلاح اعمال، و توفیق الله متعال برای بنده به عبادت و اخلاص و عاقبت به خیر.

او صلی الله علیه وسلم آخرت را پس از دنیا قرار داد؛ از آنجایی که اولی وسیله اصلاح دومی است، پس هر کس در این دنیا مطابق خواست الله استقامت نماید، آخرتش مستقیم شده و در آن خوشبخت می شود.

(واجعل الحياة) و طول عمر را (زيادة لي في كل خير) برای این که اعمال نیک را بیشتر انجام دهم، (واجعل الموت) و زود رسیدن آن (راحة لي من كل شر) و فتنه و مصیبت و امتحان به معصیت و غفلت، و نجات از سختی و غم های دنیا، و رسیدن به آسایش.

از فوائد حدیث:

۱. دین مهمترین چیز است؛ بنابر این پیامبر صلی الله علیه وسلم دعا را به آن آغاز نمود.
۲. دین محافظی است برای انسان که او را از هر بدی باز می دارد.
۳. دعا برای امور دنیوی برای اصلاح دین و آخرت.
۴. عدم کراهیت مرگ از ترس فتنه در دین، و یا طلب مرگ شهادت از الله متعال.

(۵۴۸۲)

(۳۴۵) - عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَدْعُ هَؤُلَاءِ الدَّعَوَاتِ، حِينَ يُمَسِّي وَحِينَ يُصْبِحُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَأَهْلِي وَمَالِي، اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي - أَوْ: عَوْرَاتِي - وَآمِنْ رَوْعَاتِي، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْ، وَمِنْ خَلْفِي، وَعَنْ يَمِينِي، وَعَنْ شِمَالِي، وَمِنْ قُوَّتِي، وَأَعُوذُ بِعَظَمَتِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِي». [صحيح] - [رواه أبو داود والنسائي وابن ماجه وأحمد]

(۳۴۵) - از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم همواره این دعا را ترک نمی کردند تا این که آن را در صبح و شام می خواندند: «بار الها، عافیت را در دنیا و آخرت از تو می خواهم، بار الها، عفو و عافیت در دین و دنیا و خانواده و مالم را از تو می خواهم؛ بار الها، عیب - و یا عیب هایم - را ببوشان، و هراس هایم را به امنیت و آرامش خاطر تبدیل کن، و مرا از جلو و پشت سر و از راست و

چپ و از بالا حفاظت نما؛ به عظمت تو پناه می برم که از زیر پایم ربوده
(و دچار لغزش) شوم». [صحیح] - [ابو داود و نسایی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم همواره این دعا را ترک نمی کردند تا
این که آن را در صبح و شام می خواندند:

(اللهم إني أسألك العافية)، و سلامتی از بیماری ها و آفت ها و
دشواری های دنیوی، و شهوت ها و فتنه های دینی (في الدنيا والآخرة)
عاجل و غیر عاجل را می خواهم.

(اللهم إني أسألك العفو) و محو گناهان و نادیده گرفتن آن، (والعافية) و سلامتی
از عیب ها، (في دینی) از شرک و بدعت و گناهان، (و دنیای) از مصیب ها و اذیت
ها و شرها، (و أهلي) همسرانم و فرزندانم و نزدیکانم، (و مالي) و اموال و کارم.

(اللهم استر عوراتي) و هر آنچه از عیب ها و خلل و تقصیری که در من
است و گناهانم را محو کن، (و آمّن روعاتي) وحشت و ترس را از من دور کن.
(اللهم احفظني) و بلاها و مصیبت ها و چیز هی اذیت کننده را از من
دور کن، (من بین یدي و من خلفي، وعن يميني وعن شمالي، ومن فوقی) از
وی خواست تا از همه جهت ها او را حفظ کند؛ زیرا مصیبت ها و آفات در
تعقیب انسان است، و از یک جهت این جهت ها برای انسان می آید.

(وَأَعُوْذُ بِعَظَمَتِكَ أَنْ أُغْتَالَ) وپناه میبرم از اینکه ناگهان گرفته شوم، و بی خبر نابود شوم (من تحتی) و توسط فروریختن زمین هلاک شوم.

از فوائد حدیث:

۱. پابندی به این کلمه ها با الگو گرفتن از رسول الله صلی الله علیه وسلم.
۲. همان گونه که انسان امر شده تا در مسایل دین از الله متعال سلامتی بخواند، او مامور است تا در مسایل دنیا نیز سلامتی بخواند.
۳. الطیبی گفته است: هر شش جهت را در بر دارد؛ زیرا آفت ها از همین جهت هاست، و در جهت پایین بیشتر مبالغه نمود، برای آفت بدی که دارد.
۴. در خواندن اذکار، بهتر است صبح خوانده شود: از طلوع فجر تا طلوع آفتاب در اول روز، و از بعد از عصر تا قبل از غروب آفتاب، اگر بعد از این اوقات آن را بخواند، یعنی: صبح بعد از بلند شدن آفتاب آن را بخواند برایش کافی است، و اگر بعد از ظهر بخواند برایش کافی است، و اگر بعد از مغرب بخواند برایش کافی است، پس این وقت ذکر نمودن است.
۵. و آنچه دلیل بر این که ذکر در شب زمان خاصی دارد، مانند تلاوت دو آیه آخر سوره بقره است، زیرا آن در شب بعد از غروب آفتاب خوانده می شود.

(۳۴۶) - عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَّمَهَا هَذَا الدُّعَاءَ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ، عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ، عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرٍ مَا سَأَلَكَ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَادَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ، وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ، وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ كُلَّ قَضَاءٍ قَضَيْتَهُ لِي خَيْرًا». [صحيح] - [رواه ابن ماجه وأحمد]

(۳۴۶) - از عایشه مادر مؤمنان رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم این دعا را به ایشان آموختاند: «بار الها، همه ی خیر حال و آینده را از تو می خواهم؛ خیری را که می دانم و آن را که نمی دانم؛ و از همه ی شر حال و آینده به تو پناه می برم، شری را که می دانم و آن که را که نمی دانم، بار الها، همان خیری را از تو مسالت دارم که بنده و پیامبرت از تو خواسته است، و از همان شر به تو پناه می جویم که بنده و پیامبرت از آنها به تو پناه آورده است؛ بار الها، از تو بهشت و هر سخن یا عملی را مسالت دارم که مرا به بهشت نزدیک می گرداند، و از آتش دوزخ و هر سخن یا عملی به تو پناه می آورم که مرا به آن نزدیک گرداند، و از تو می خواهم هر آنچه برایم مقدر نمودی، خیر و خوبی باشد». [صحيح] - []

توضیح:

رسول الله صلى الله عليه وسلم به ام المومنین عایشه رضی الله عنها این دعا جامع را آموزش می داد؛ و آن چهار دعاء است؛

اول: دعاء عام برای هر خیری: (اللهم اني أسألك من الخير كله) و همه آن، (عاجله) نزدیک از لحاظ وقت آن، (وآجله) دور، (ما عِلِمْتُ منه) آنچه که برایم آموختی، (وما لم أعلم)، و هر آنچه که در علم سبحان تو است، در آن موضوع به الله دانا و خبیر و مهربان تفویض شده است؛ پس الله متعال بهترین و نیکوترین را برای مسلمان برمی گزیند، (وأعوذ) و پناه می برم و حمایت می جویم (بك من الشر كله عاجله وآجله، ما علمت منه وما لم أعلم).

دعای دوم: حفظ مسلمان از زیاده روی در دعا (اللهم اني أسألك) و از تو می طلبم (من خير ما سألك عبدك ونبيك) صلى الله عليه وسلم (وأعوذ) و به تو التجأ و پناه می برم (بك من شر ما عاذ به عبدك ونبيك) صلى الله عليه وسلم، این دعا و درخواستی است از الله متعال که به دعا کننده بدهد آنچه را که پیامبر محمد صلى الله عليه وسلم از وی سوال نموده و خواسته است، بدون برشمردن انواع دعاهاى که وی صلى الله عليه وسلم آن را خواسته است.

دعای سوم: درخواست ورود به بهشت و دوری از جهنم، و این خواست و هدف کار هر مسلمان است: (اللهم اني أسألك الجنة) و به کسب آن (وما قُرب إليها من قول أو عمل) نیکو که تو را خشنود می سازد (وأعوذ بك من النار) زیرا از بدترین کارها محافظت نمی شود مگر با مهربانی تو (وما قُرب إليها من قول أو عمل) از گناهانی که تو را به قهر می کند.

دعای چهارم: دعای رضامندی به تقدیر الهی (وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ كُلَّ قَضَاءٍ قَضِيَّتَهُ لِي خَيْرًا) و هر امری را که الله متعال برای من مقدر کرده است آن را برایم خیر بگردان، این دعا رضامندیست به تقدیر الله متعال.

از فوائد حدیث:

۱. مرد باید به خانواده اش امور دینی و دنیوی بی را بیاموزاند؛ که به آنان سود می رساند، همان طور که پیامبر صلی الله علیه وسلم به عایشه رضی الله عنها آموختاندند.
۲. بهتر است مسلمان دعاهایی را حفظ نماید که از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت باشد؛ زیرا آن دعاهاى جامع و فراگیر هست.
۳. علماء درباره این حدیث فرمود اند: جامع ترین حدیث در مورد طلب خیر و پناه بردن از شر است، و آن از کلمات جامعی است که به پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را گفته اند.
۴. یکی از اسباب ورود به بهشت بعد از رحمت الله متعال، کردار و گفتار نیک است.

(۵۴۸۷)

(۳۴۷) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ الْإِيمَانَ لَيَخْلُقُ فِي جَوْفِ أَحَدِكُمْ كَمَا يَخْلُقُ الثَّوْبُ الْخُلُقَ، فَاسْأَلُوا اللَّهَ أَنْ يُجَدِّدَ الْإِيمَانَ فِي قُلُوبِكُمْ». [صحيح] - [رواه الحاكم والطبراني]

(۳۴۷) - از عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه روایت است که می فرماید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ایمان در دل یکی از شما بگونه

فرسوده می شود همان طوری که جامه استفاده شده فرسوده می شود، بناء از الله بخواهید که ایمان را در دل هایتان تجدید کند». [صحیح] - [حاکم و طبرانی روایت کرده] **توضیح:**

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که ایمان در قلب مسلمان فرسوده و سست می شود مانند جامه نو که از اثر طول استفاده از آن فرسوده می شود. این به دلیل بی علاقگی و سستی در عبادت، و یا ارتکاب گناهان و افراط در شهوت ها است، پس پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به ما ارشاد نمود که با اقامه واجبات و ذکر فراوان و استغفار از الله متعال بخواهیم تا ایمان ما را تجدید نماید.

از فوائد حدیث:

۱. اصرار به درخواست استواری - ثبات - و تجدید ایمان در قلب از الله متعال.
۲. ایمان گفتار و کردار و اعتقاد است، که با اطاعت زیاد می شود، و با نافرمانی کاهش می یابد.

(۶۵۰۲۰)

(۳۴۸) - عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: «ذَا قَطَعَمَ الْإِيمَانِ مِنْ رَضِيَ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا». [صحیح] - [رواه مسلم]

(۳۴۸) - از عباس بن عبدالمطلب رضی الله عنه روایت است که او از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنید که می فرمودند: طعم ایمان را کسی چشیده که الله را به پروردگاری، و اسلام را به دین، و محمد را به پیامبری پذیرفته باشد. [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهند، مؤمنی که در ایمانش صادق باشد، و قلبش به آن مطمئن باشد، گشایش، انبساط، شادی، شیرینی و لذت نزدیک بودن به الله متعال را در قلب خود می یابد، اگر او به سه چیز راضی باشد: اول: به پروردگار بودن الله راضی باشد، و آن طور نیست که دلش از آنچه از جانب الله متعال بر حسب مقتضیات الهی به او می رسد سینه اش فراخ و خشنود باشد، از قبیل تقسیم ارزاق و احوال، و در دل خود پیرامون آنها ایرادی نمی گیرد، و جز الله متعال، پروردگاری نمی طلبد.

دوم: راضی بودن به اسلام بگونه دین، این که دلش در قبال مسئولیت ها و واجباتی که در اسلام هست گشاده و خشنود باشد، و در راهی جز راه اسلام سعی نکند.

سوم: به پیامبری محمد صلی الله علیه وسلم راضی باشد، این که دلش گشاده و خشنود باشد با همه موارد او که آورده است بدون تردد و شک، و راهی را تعقیب ننماید مگر آنچه که موافق دستور او صلی الله علیه وسلم باشد.

از فوائد حدیث:

۱. ایمان شرینی و طعمی دارد که با قلب ها چشیده می شود، چنانچه شرینی خوردنی و نوشیدنی با دهن چشیده می شود.
۲. جسم شیرینی غذا و نوشیدنی را نمی یابد، مگر زمانی که سالم و صحتمند باشد، همچنین اگر دل از بیماری هوس های گمراه کننده و شهوت های حرام پاک باشد، شیرینی ایمان را می یابد، پس هرگاه

بیمار و ناسالم گردید شرینی ایمان را نمی یابد، بلکه ممکن است در آن هوس ها و گناہانی قرار گیرد که سبب هلاکت او گردد.

۳. اگر انسان به چیزی راضی شود و آن را نیک پندارد، کارش برایش آسان می شود، و هیچ چیز بر او دشوار نمی باشد، و به هر آنچه که انجام می دهد خوشحال می باشد، و گشاده رویی اش با دلش آمیخته می شود، مومن همینگونه است هرگاه ایمان در قلبش وارد شود، طاعت پروردگارش برایش آسان شده و روحش از آن لذت می برد، و رنجش ها بر او سختی نمی کند.

۴. ابن قیم می گوید: این حدیث مشتمل بر رضامندی به ربوبیت و الوهیت او سبحانه و تعالی است، و رضامندی از رسولش و گردن نهادن در برابر اوست، و رضایت به دین او و تسلیم شدن در برابر آن است.

(۵۱۱۶)

(۳۴۹) - عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَخَذَ بِيَدِهِ، وَقَالَ: «يَا مُعَاذُ، وَاللَّهِ إِنِّي لَأُحِبُّكَ»، فَقَالَ: «أَوْصِيكَ يَا مُعَاذُ لَا تَدْعَنِّي فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ تَقُولُ: اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ». [صحيح] - [رواه أبو داود والنسائي وأحمد]

(۳۴۹) - از معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت است: که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ای معاذ، به الله سوگند که من دوست دارم، و به تو سفارش می کنم در پایان هر نماز این دعا را بخوانی و آن را

ترک نکنی: «یا الله، یاری ام کن تا تو را یاد کنم، سپاس بگزارم و عبادت تو را به صورت نیکو به جا آورم». [صحیح] - []

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم دست معاذ رضی الله عنه را گرفته و به او فرمودند: به الله سوگند من تو را دوست دارم، ای معاذ تو را سفارش می کنم که در پایان هر نماز [فرض] این دعا را بخوان و آن را ترک نکن: (اللهم اَعْنِيْ عَلٰى ذِكْرِكَ) در هر گفتار و کرداری که انسان را به طاعت نزدیک می کند، (وَشُكْرِكَ) با حصول نعمت ها و دفع عقوبت ها، (وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ) با اخلاصمندی به الله متعال و پیروی از پیامبر صلی الله علیه وسلم.

از فوائد حدیث:

۱. مشروعیت با خبر ساختن شخص کسی را که برای الله دوستش دارد.
۲. مستحب بودن خواندن این دعا پس از هر نماز فرض و نفل.
۳. در الفاظ اندک این دعا مطالب دنیا و آخرت گنجانیده شده است.
۴. از جمله فواید دوستی برای الله متعال، توصیه به حق و نصیحت یکدیگر به همکاری در نیکی و تقوا می باشد.
۵. الطیبی گفت: یاد و ذکر الله متعال سرآغاز سعادت و گشایش سینه است، و شکروی وسیله دریافت نعمت هاست، و لازمه عبادت نیکو این است، از آنچه که او را از الله متعال مشغول می سازد دوری جوید.

(۳۵۰) - عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ، فَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۵۰) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: بنده در هنگام سجده نزدیکتر از هر وقت دیگر به پروردگارش می باشد، پس- در سجده - زیاد دعا کنید". [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بیان می دارد که: نزدیک ترین حالت که بنده در برابر پروردگارش قرار می گیرد زمانی است که بنده در حالت سجده باشد، زیرا نمازگزار در حال سجده، بلندترین و شریف ترین (اعضای) بدن خود را به خضوع، خشوع و عاجزی در برابر الله متعال بر زمین می گذارد.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم در حالت سجده به دعا کردن زیاد دستور داد (زیرا) به این وسیله در گفتار و عمل در برابر الله متعال عاجزی صورت می گیرد.

از فوائد حدیث:

۱. اطاعت بنده را به الله متعال نزدیک می سازد.
۲. مستحب بودن افزایش دعا در سجده؛ زیرا سجده مکان های اجابت دعا است.

(۳۵۱) - عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ أَكْثَرُ دُعَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۳۵۱) - از آنس رضی الله عنه روایت است که گفت: بیشترین دعای پیامبر صلی الله علیه وسلم این بود که: «پروردگارا ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن و از عذاب آتش [دوزخ] محافظت نما». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم دعاهاى جامع را بیشتر می گفتند، از جمله: "بارالها! در دنیا برای ما نیکی بده، و در آخرت نیز نیکی بده، و ما را از عذاب جهنم نجات بده". این دعاء هم نیکی دنیا را در خود دارد یعنی روزی آسان و وسیع و حلال، و همسر نیک و فرزندانى که باعث روشنى چشم باشند، آسایش، علم سودمند، عمل نیک، و دیگر خواسته محبوب و مباح، و هم نیکی آخرت را در خود دارد، از جمله در امان ماندن از مجازات در قبر و هنگام حساب و آتش دوزخ، و به دست آوردن خشنودى الله، و نایل آمدن به نعمت هاى همیشگى در بهشت، و نزدیکی به پروردگار مهربان.

از فوائد حدیث:

۱. مستحب بودن دعای جامع با پیروی از پیامبر صلی الله علیه وسلم. (دعای جامع دعایی است که لفظش کم اما معنایش بسیار باشد).
۲. کامل تر آن است که انسان در دعایش خیر دنیا و خیر آخرت را همراه با هم بخواهد.

(۳۵۲) - عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَلَا أُنبِّئُكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ، وَأَزْكَاهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ، وَأَرْفَعَهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ وَخَيْرٌ لَكُمْ مِنْ إِنْثَاقِ الذَّهَبِ وَالْوَرَقِ، وَخَيْرٌ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَلْقَوْا عَدُوَّكُمْ فَتَضْرِبُوا أَعْنَاقَهُمْ وَيَضْرِبُوا أَعْنَاقَكُمْ؟» قَالُوا: بَلَى. قَالَ: «ذِكْرُ اللَّهِ تَعَالَى». [صحيح] - [رواه الترمذي وابن ماجه وأحمد]

(۳۵۲) - از ابودرداء رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «آیا شما را از بهترین کارتان، و پاک ترین آنها نزد فرمانروای تان - پروردگار متعال-، و مؤثرترین عمل تان در بالا بردن درجات و جایگاه شما آگاه نکنم، که از انفاق طلا و نقره برای شما، و از روبرو شدن شما با دشمن تان که گردن آنها را بزنید و آنها گردن شما را بزنند، بهتر است؟ عرض کردند: بلی. فرمود: «ذکر الله تعالی». [صحيح] - [ترمذی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم اصحابش را پرسید: .
آیا می خواهید به بهترین و افضلترین، دارای ثواب بیشتر، پاکترین و تمیز ترین اعمال تان نزد الله متعال شما را آگاه کنم و خبر دهم؟ .
که باعث افزایش درجات شما در بهشت شود؟
و برای شما از انفاق طلا و نقره بهتر باشد؟

و از روبرو شدن شما با کافران که گردن آنها را بزنید، و آنها گردن شما را بزنند، بهتر است؟

صحابه گفتند: بلی آن را می خواهیم.

او صلی الله علیه وسلم فرمودند: ذکر الله متعال در همه اوقات و در تمام اشکال و حالات.

از فوائد حدیث:

۱. ذکر مستمر الله متعال، اعم از ظاهر و باطن، یکی از بزرگترین و سودمندترین (راه) نزدیک شدن به الله متعال است.

۲. همه اعمال برای برپایی ذکر الله متعال وضع شده است، الله متعال می فرماید: (وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي)، (و نماز را به ذکر من برپا دار). و او صلی الله علیه وسلم می فرمایند: طواف کعبه و بین صفا و مروه و زدن جمرات فقط برای برپایی ذکر الله متعال می باشد. از ابوداود و ترمذی روایت شده است.

۳. عز بن عبدالسلام در قواعد خود می گوید: این حدیث دلالت بر این دارد که ثواب در تمام عبادات بنابر خستگی ناشی از آن حاصل نمی شود، بلکه ممکن است الله متعال در برابر اعمال اندک پاداش بیشتری بدهد نسبت به اعمال زیاد، بنابراین پاداش بر اساس تفاوت در شرف حاصل می شود.

۴. مناوی در فیض القدر می گوید: این حدیث به این معنا تفسیر شده است که ذکر کردن برای مخاطبان حدیث بهتر بود، و اگر شخص شجاع و دلاوری مورد خطاب قرار می گرفت و در جنگ برای اسلام بهره می رسید بدون شک که برایش می گفت که جهاد، و یا اگر ثروتمندی مورد خطاب قرار می گرفت که ثروتش به نفع فقرا می بود برایش می گفت که صدقه، و به کسی که قادر به انجام حج می بود می گفت که حج، و یا به کسی که پدر و مادر دارد، برای آن می گفت نیکی با آنان، و به همین ترتیب در میان اخبار توفیق حاصل می گردد.

۵. کاملترین ذکر آنست که با نطق زبان و تدبیر قلبی صورت گیرد، سپس آنچه تنها در دل است مانند تفکر، و سپس آنچه تنها در زبان است، و در هر کدام ثواب است ان شاء الله.

۶. التزام مسلمان به ذکرهای مربوط به حالات از قبیل ذکر صبح و شام، ورود و خروج از مسجد، خانه، تشناب و غیره، او را در زمره کسانی قرار می هد که الله را زیاد یاد می کنند.

(۳۵۳) - عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سَفَرٍ، فَأَصْبَحْتُ يَوْمًا قَرِيبًا مِنْهُ وَنَحْنُ نَسِيرُ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي بِعَمَلٍ يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ وَيُبَاعِدُنِي عَنِ النَّارِ، قَالَ: «لَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ عَظِيمٍ، وَإِنَّهُ لَيْسَ عَلَى مَنْ يَسِرُّهُ اللَّهُ عَلَيْهِ، تَعْبُدُ اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ، وَتَصُومُ رَمَضَانَ، وَتَحُجَّ الْبَيْتَ» ثُمَّ قَالَ: «أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى أَبْوَابِ الْخَيْرِ: الصَّوْمُ جُنَّةٌ، وَالصَّدَقَةُ تُطْفِئُ الْحَطِيطَةَ كَمَا يُطْفِئُ الْمَاءُ النَّارَ، وَصَلَاةُ الرَّجُلِ مِنْ جَوْفِ اللَّيْلِ» قَالَ: ثُمَّ تَلَا: «{تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ}، حَتَّى بَلَغَ {يَعْمَلُونَ}» ثُمَّ قَالَ: «أَلَا أُخْبِرُكَ بِرَأْسِ الْأَمْرِ كُلِّهِ وَعَمُودِهِ، وَذِرْوَةِ سَنَامِهِ؟» قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «رَأْسُ الْأَمْرِ الْإِسْلَامُ، وَعَمُودُهُ الصَّلَاةُ، وَذِرْوَةُ سَنَامِهِ الْجِهَادُ» ثُمَّ قَالَ: «أَلَا أُخْبِرُكَ بِمَلَاكٍ ذَلِكَ كُلِّهِ؟» قُلْتُ: بَلَى يَا نَبِيَّ اللَّهِ، فَأَخَذَ بِلِسَانِهِ قَالَ: «كُفَّ عَلَيْكَ هَذَا» فَقُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، وَإِنَّا لَمُؤَاخِدُونَ بِمَا نَتَكَلَّمُ بِهِ؟ فَقَالَ: «تَكَلَّمْتُكَ أُمُّكَ يَا مُعَاذُ، وَهَلْ يَكُفُّ النَّاسُ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ أَوْ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ».

[صحيح بمجموع طرقه] - [رواه الترمذي وابن ماجه وأحمد]

(۳۵۳) - از معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت است که فرمود: در سفر با پیامبر صلی الله علیه وسلم بودم و روزی در حال سیر بودیم و به وی نزدیک شدم، عرض کردم: ای رسول الله! مرا از عملی خبر بده که وارد بهشتم سازد و از آتش دوزخ دورم کند. فرمودند: «درباره ی امر بزرگی پرسیدی؛ هرچند برای کسی که الله متعال بر او آسان بگرداند، آسان

است: اینکه الله را عبادت کنی و هیچ چیز و هیچکس را شریکش نگردانی و نماز بخوانی، زکات بدهی، ماه رمضان را روزه بگیری و حج بیت الله را بجا بیاوری؛ سپس فرمودند: «آیا تو را به سوی دروازه های خیر و نیکی رهنمایی نکنم؟ روزه سپری (در برابر آتش دوزخ) می باشد، و صدقه آتش گناهان را خاموش می کند، چنانکه آب آتش را فرو می نشاند. و نماز خواندن شخص در دل شب (نیز جزو دروازه های خیر و نیکی است)»، سپس این آیات را تلاوت کردند: «[در دل شب] از بسترها برمی خیزند و پروردگارشان را با بیم و امید [به نیایش] می خوانند و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می کنند. هیچکس نمی داند به [پاس] آنچه [این مؤمنان در دنیا] انجام می دهند، چه [بسیار مایه ی] روشنی چشم ها برای شان نهفته است»، سپس فرمودند: «آیا تو را از اساس دین و ستون و بالاترین بخش آن آگاه نکنم؟» عرض کردم: بله، ای رسول الله! فرمودند: «اساس دین، اسلام (= شهادتین) است و ستونش نماز؛ و عالی ترین بخش آن جهاد می باشد». سپس افزودند: «آیا تو را از پایه و زیرساخت همه ی این امور آگاه نسازم؟» گفتم: بله، ای رسول الله! رسول الله صلی الله علیه وسلم زبان خویش را گرفته و فرمودند: «مواظب این باش»، پرسیدم: ای رسول الله، مگر ما به خاطر سخنانی که می گوئیم، بازخواست می شویم؟ فرمودند: «مادرت به عزایت بنشیند ای معاذ! مگر مردم را چیزی جز سخنان شان به چهره های شان در دوزخ واژگون می کند؟». [صحیح از همه طرق آن]

- [ترمذی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

معاذ رضی الله عنه فرمود: در سفر با پیامبر صلی الله علیه وسلم بودم، و روزی در حال سیر بودیم به وی صلی الله علیه وسلم نزدیک شدم، و گفتم: ای رسول الله برای من چیزی را بگو که مرا وارد بهشت کند و از جهنم دور کند. فرمودند: از من درباره کاری پرسیدی که بالای نفس ها بزرگی می کند، و برای کسانی آسان است که الله متعال آن را برای شان ساده و آسان نموده باشد؛ فرائض اسلام را انجام ده:

نخست: تنها عبادت الله را انجام ده و برای او شریک نیاور.

دوم: در شبانه روز نمازهای فرض پنجگانه را: صبح، ظهر، عصر، مغرب، خفتن، با تمام شرط ها، ارکان و واجبات آن برپا دار.

سوم: زکات واجب را بده، و آن عبادت واجب مالی است بر هر مال که در شرع به مقدار معینی برسد، و به مستحقان آن داده می شود.

چهارم: روزه ماه رمضان را بگیر، و آن پرهیز کردن از خوردن و آشامیدن و غیره اموری شکننده ها به نیت عبادت است، از طلوع فجر تا غروب آفتاب.

پنجم: حج بیت الله به قصد رفتن به مکه جهت ادای مناسک، برای عبادت الله متعال را انجام بده.

سپس وی صلی الله علیه وسلم فرمودند: آیا تو را به راهی که به درهای خیر می رساند معرفی نکنم؟ و این امر با دنبال ادا فرائض مذکور ادا نوافل است:

اول: روزه نفلی، و این یک مانع واقع شدن در معصیت ها می شود از طرق کسر شهوت و تضعیف قوت صورت می گیرد.

دوم: صدقه نفلی گناه را بعد از انجام آن خاموش می کند، و آن را برطرف می کند و اثر آن را از بین می برد.

سوم: نماز تهجد در ثلث آخر شب، سپس وی صلی الله علیه وسلم این آیه را تلاوت نمودند: {تتجافی جنوبهم} یعنی: دور می شوند {عن المضاجع} یعنی: از بسترها {یدعون ربهم} با نماز و ذکر و تلاوت و دعاء {خوفا وطمعا ومما رزقناهم ینفقون، فلا تعلم نفس ما أخفی لهم من قرۃ أعین} یعنی در روز قامت مایه ی روشنی چشم های شان، و در بهشت به نعمت ها، {جزاء بما كانوا یعملون} به پاس آنچه انجام می دادند.

سپس وی صلی الله علیه وسلم فرمودند: آیا تو را از اصل دین و ستون آن که به آن تکیه داده شده است، و به بالاترین بخش آن آگاه نکنم؟ معاذ رضی الله عنه فرمود: بلی ای رسول الله.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اساس دین، اسلام با شهادتین است، و با آن دو انسان صاحب اصل دین می شود. و ستونش: نماز است؛ پس اسلام بدون نماز وجود ندارد، همان گونه که خانه بدون ستون ممکن نیست، پس هر که نماز بخواند دینش محکم و منزلتش بالا می رود؛ و عالی ترین بخش آن جهاد می باشد، و سعی نمودن در مبارزه و جنگ با دشمنان دین جهت اعلای کلمه الله متعال.

سپس افزودند: «آیا تو را از پایه و زیرساخت همه امور که گذشت آگاه نسازم؟» سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم زبان خویش را گرفته و فرمودند: این را منع کن و در مورد چیزی که به تو مربوط نیست حرف نزن.

معاذ رضی الله عنه فرمود: مگر ما به خاطر سخنانی که می گوئیم، بازخواست و مجازات می شویم؟

وی صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مادرت به عزایت بنشیند! منظور از دعای بد بر او نیست، بلکه از اصطلاحات عرب ها هست جهت تنبیه به چیزی که باید به آن توجه نمود و آن را بداند، سپس فرمودند: آیا مردم را با چهره در دوزخ واژگون می کند، جز سخنان شان از قبیل کفر گوئی و تهمت و دشنام و غیبت و سخن چینی و تهمت و مانند آن؟

از فوائد حدیث:

۱. صحابه رضي الله عنهم به علم علاقه داشتند، به همین دلیل غالباً در این مورد از پیامبر صلی الله علیه وسلم می پرسیدند.
۲. فهم صحابه رضي الله عنهم این که اعمال سبب ورود به بهشت می شود.
۳. پرسشی که معاذ رضی الله عنه مطرح نمود پرسش بزرگی بود؛ چون در واقع راز زندگی و هستی است، پس هر فرزند آدم و یا جن که در این دنیا وجود دارند هدف آنان یا بهشت است و یا جهنم، بنابر این پرسش بزرگ مطرح گردید.
۴. ورود او به بهشت بر اساس تحقق ارکان پنج گانه اسلام است که عبارتند از: شهادتین، نماز، زکات، روزه و حج.
۵. رأس دین، گرانباترین و والاترین وظایف، توحید الله متعال است، با عبادت او بدون شرک ورزی با وی.

۶. رحمت الله متعال بر بندگان این است که درهای خیر را به رویشان می گشاید تا اسباب اجر و آمرزش گناهان را به دست آورند.
۷. فضیلت نزدیک شدن به نمازهای نفل بعد از خواندن نمازهای فرض.
۸. نماز در اسلام مانند ستونی است که خیمه بر آن استوار است، به نبود نماز اسلام هم از بین می رود، همان طوری که به افتیدن عمود خیمه می افتد.
۹. وجوب محافظت زبان از آنچه که به دین انسان ضرر می رساند.
۱۰. بازداشتن، کنترل و حبس زبان اساس همه خوبی هاست.

(۴۳۰۳)

(۳۵۴) - عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ كُلَّ لَيْلَةٍ جَمَعَ كَفَّيْهِ، ثُمَّ نَفَثَ فِيهِمَا فَقَرَأَ فِيهِمَا: {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ}، وَ{قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ}، وَ{قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ}، ثُمَّ يَمَسُّحُ بِهِمَا مَا اسْتَطَاعَ مِنْ جَسَدِهِ، يَبْدَأُ بِهِمَا عَلَى رَأْسِهِ وَوَجْهِهِ وَمَا أَقْبَلَ مِنْ جَسَدِهِ، يَفْعَلُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. [صحيح] - [رواه البخاري]

(۳۵۴) - از عایشه رضی الله عنها روایت است: شب هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وسلم به رختخواب خود می رفتند، دستان خود را جمع می کردند، سپس در آنها دم کرده و {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ}، و {قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ}، و {قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ}، را می خواندند، سپس تا حد توان با دستان خود بدن خود را مسح می کردند، از سر و صورت و جلوی بدن خویش شروع می کردند، و این کار را سه بار انجام می دادند. [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

از رهنمودهای او صلی الله علیه وسلم این بود وقتی به بالینش می رفت تا بخوابد، کف دست هایش را به هم می آورد و بالا می آورد - چنانکه دعا کننده می کند - و به شکل خفیف و لطیف به آن دم می کردند و این سه سوره را می خواند: {قل هو الله أحد} و {قل أعوذ برب الفلق} و {قل أعوذ برب الناس}، سپس با کف دست تا جایی که می توانست بدنش را مسح می کرد؛ با شروع از سر، صورت و جلوی بدنش، این کار را سه بار تکرار می کردند.

از فوائد حدیث:

۱. مستحب بودن خواندن سوره اخلاص و معوذتین پیش از خواب و دم کردن با آنها، و تا آنجا که می تواند بدنش را مسح کند.

(۶۰۶۰)

(۳۵۵) - عَنْ شَدَادِ بْنِ أَوْسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «سَيِّدُ الْإِسْتِغْفَارِ أَنْ تَقُولَ: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَأُبُوءُ لَكَ بِذُنُوبِي فَاعْفُرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ» قَالَ: «وَمَنْ قَالَهَا مِنَ النَّهَارِ مُوقِنًا بِهَا، فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ قَبْلَ أَنْ يُمْسِيَ، فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَالَهَا مِنَ اللَّيْلِ وَهُوَ مُوقِنٌ بِهَا، فَمَاتَ قَبْلَ أَنْ يُصْبِحَ، فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(۳۵۵) - از شَدَادِ بْنِ أَوْسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «سید الاستغفار» بهترین درخواست آمرزش این است که بگویی: (بار الها تو پروردگار منی، به جز تو معبود برحق وجود

ندارد، تو مرا آفریده‌ای و من بندهٔ تو هستم، بر پیمانی که با تو بسته‌ام تا حد توان استوارم و به وعده‌ای که داده‌ای یقین دارم، از بدی کارهایی که انجام داده‌ام به تو پناه می‌برم، و به نعمت‌هایی که به من ارزانی داشته‌ای و گناهانی که انجام داده‌ام اعتراف می‌کنم. پس مرا بیمارز، زیرا کسی به جز تو گناهان را نمی‌بخشد) کسی که این را به هنگام روز از روی یقین بگوید و همان روز پیش از شام وفات نماید از اهل بهشت است، و کسی که شب هنگام و از روی یقین آن را بگوید و پیش از صبح وفات نماید از اهل بهشت است». [صحیح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان می‌دارد که استغفار الفاظ گوناگونی دارد اما بهترین و بزرگترین این الفاظ آن است که بنده بگوید: (بارالها تو پروردگار منی، به جز تو معبود برحق وجود ندارد، تو مرا آفریده‌ای و من بندهٔ تو هستم، بر پیمانی که با تو بسته‌ام تا حد توان استوارم و به وعده‌ای که داده‌ای یقین دارم، از بدی کارهایی که انجام داده‌ام به تو پناه می‌برم، و به نعمت‌هایی که به من ارزانی داشته‌ای و گناهانی که انجام داده‌ام اعتراف می‌کنم، پس مرا بیمارز، زیرا کسی به جز تو گناهان را نمی‌بخشد). در این دعا بنده نخست به توحید اقرار می‌کند و به اینکه الله خالق و معبود اوست که شریکی ندارد و اینکه بر عهد و پیمانی که با الله بسته یعنی ایمان و طاعت او بر حسب توانایی پای بند است؛ زیرا بنده به هر اندازه که

عبادت را انجام دهد نمی‌تواند همه آنچه الله به او امر کرده را انجام دهد و شکر همه نعمت‌ها را به‌جا بیاورد، اما بسوی الله روی می‌آورد، و به او پناه می‌جوید، زیرا اوست که بنده را از شر کارهای انجام داده اش حفظ می‌کند، و بنده خود به نعمت‌های پروردگارش اعتراف می‌کند، و به گناهان و نافرمانی‌های که انجام داده اقرار و اعتراف می‌کند، و پس از این توسل به الله، از پروردگار خود می‌خواهد وی را ببامرزد و گناهانش را ببوشاند، و با عفو و فضل و رحمتش او را از گناهانش حفظ کند، زیرا کسی جز او عزوجل گناهان را نمی‌آمرزد. سپس او صلی الله علیه وسلم بیان داشتند که این استغفار از اذکار صبح و شب است، و کسی که با یقین کامل و استحضار معنای این دعا و ایمان به آن در آغاز روز خود، یعنی میان طلوع آفتاب تا زوال آن، یعنی هنگام روز آن را بگوید و بمیرد، وارد بهشت می‌گردد، و کسی که شب آن را بگوید یعنی از وقت غروب آفتاب تا طلوع فجر، و پیش از صبح بمیرد، وارد بهشت می‌گردد.

از فوائد حدیث:

۱. صیغه‌های استغفار متنوع است و برخی بهتر از برخی دیگر است.
۲. برای بنده شایسته است که تلاش کند با این دعا الله را فرا بخواند زیرا این سید الاستغفار (بهترین و برترین طلب بخشش) است.

(۳۵۶) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ: «اللَّهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ أَمْسَيْنَا، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوتُ، وَإِلَيْكَ النُّشُورُ» وَإِذَا أَمْسَى قَالَ: «بِكَ أَمْسَيْنَا، وَبِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوتُ، وَإِلَيْكَ النُّشُورُ» قَالَ: وَمَرَّةً أُخْرَى: «وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ». [حسن] - [رواه أبو داود والترمذي والنسائي في الكبرى وابن ماجه]

(۳۵۶) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم: چون صبح می کردند، این دعا را می خواندند: «بار الها، به امر تو صبح کردیم و شام نمودیم و به امر تو زنده می شویم و می میریم و بازگشت همه بسوی توست». و چون شب فرا می رسید می فرمودند: بار الها، به امر تو شام نمودیم و به امر تو زنده می شویم و می میریم و بازگشت بسوی توست». [حسن] - []

توضیح:

وی صلی الله علیه وسلم هنگامی که صبح می نمودند، و آن اول روز است با طلوع فجر می فرمودند:

(اللَّهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا) پوشیده به حفظ تو، و سراسر پوشیده در نعمت تو، مشغول

یاد تو، یاری جویان به نام تو، پوشیده به توفیق تو، متحرک به قدرت و نیروی تو، (وَبِكَ أَمْسَيْنَا، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوتُ) یعنی مانند لفظ قبلی مگر این که هنگام شام بگوید: اللهم بك أَمْسَيْنَا، فباسمك الْمُحْيِي نَحْيَا، وباسمك المُمِيت نموت، یعنی بار الها! به امر تو شام کردیم، و به نام الْمُحْيِي تو زنده می شویم، و به نام المُمِيت تو می میریم، (وَإِلَيْكَ النُّشُورُ) و برانگیخته شدن پس از مرگ بسوی

تواست، و جدایی پس از یکجایی، حال ما به همین منوال در همه اوقات، و در سایر حالات، و هرگز از آن جدا نمی شوم و آن را رها نمی کنم.

و هرگاه بعد از عصر وقت شام داخل شد، می فرمودند: (اللَّهُمَّ بِكَ أَمْسَيْنَا، وَبِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوتُ، وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ) و مرجع در دنیا، و بازگشت در آخرت، تو مرا زنده می کنی و تو مرا می میرانی.

از فوائد حدیث:

۱. مستحب بودن خواندن این دعا صبح و شام، بنابر پیروی از پیامبر صلی الله علیه وسلم.

۲. نیازمندی بنده برای پروردگارش در همه احوال و اوقات.

۳. در خواندن اذکار بهتر است، صبح از طلوع فجر تا طلوع آفتاب در اول وقت روز خوانده شود، و از بعد از عصر تا قبل از غروب آفتاب خوانده شود، اگر بعد از آن بخواند - یعنی: صبح بعد از بلند شدن آفتاب- جایز است، و اگر بعد از ظهر آن را بخواند جایز است، و اگر بعد از مغرب بخواند جایز است، پس آن وقت، وقت ذکر است.

۴. به مناسبت گفتن «وَالَيْكَ اللَّهُشُور» در صبح، او را به یاد زنده شدن و برانگیخته شدن بزرگتر می اندازد، که مردم می میرند و در روز قیامت برانگیخته می شوند، و این برانگیخته شدن جدید است، و روزی جدیدیست که ارواح برگشته می شوند، و مردم منتشر می شوند، و این صبح جدیدی را که الله متعال آفریده است، تنفس می کند، تا گواهی باشد بر فرزند آدم، و اوقات و روزگار آن گنجینه اعمال ما می باشد.

۵. و مناسبست فرموده‌ای: «وإليك المصير»، هنگام شام، زمانی که مردم از کار، مصلحت و معیشت خود به خانه های خود بر می گردند، و بعد از آن که متفرق شده به استراحت می روند، او را به یاد بازگشت به سوی الله تبارک و تعالی می آورد، که به او رجوع و بازگشت و مصیر همه است.

(۵۴۹۰)

(۳۵۷) - عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: سَمِعْتُ عُثْمَانَ ابْنَ عَفَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ، فِي الْأَرْضِ، وَلَا فِي السَّمَاءِ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، لَمْ تُصِبْهُ فَجَاءَةٌ بَلَاءٍ، حَتَّى يُصْبِحَ، وَمَنْ قَالَهَا حِينَ يُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، لَمْ تُصِبْهُ فَجَاءَةٌ بَلَاءٍ حَتَّى يُمَسِّيَ»، قَالَ: فَأَصَابَ أَبَانَ بْنُ عُثْمَانَ الْفَالَجُ، فَجَعَلَ الرَّجُلُ الَّذِي سَمِعَ مِنْهُ الْحَدِيثَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ، فَقَالَ لَهُ: مَا لَكَ تَنْظُرُ إِلَيَّ؟ فَوَاللَّهِ مَا كَذَبْتُ عَلَى عُثْمَانَ، وَلَا كَذَبَ عُثْمَانُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَلَكِنَّ الْيَوْمَ الَّذِي أَصَابَنِي فِيهِ مَا أَصَابَنِي غَضَبْتُ فَنَسِيتُ أَنْ أَقُولَهَا. [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي وابن ماجه والنسائي في الكبرى وأحمد]

(۳۵۷) - از ابان بن عثمان روایت است که گفت: از عثمان بن عفان رضی الله عنه شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر کس سه بار بگوید بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، تا صبح هیچ بلای ناگهانی به او نمی رسد، و هر کس آن را سه مرتبه در صبح بگوید، هیچ بلایی ناگهانی تا شام به او نمی رسد»، گفت:

سپس ابان بن عثمان به بیماری فلج مبتلا شد، مردی که از او حدیث شنیده بود به او نگاه می کرد، برایش گفت: تو را چه شده که این گونه بسویم ننگانه می کنی؟ به الله سوگند که به عثمان دروغ نگفته ام، و نه عثمان به پیامبر صلی الله علیه وسلم دروغ گفته است، مگر این که امروز من به این بیماری مبتلا شده ام قهر بودم و گفتن این دعاء را فراموش کردم. [صحیح] - []

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان نمودند، هر کس صبح قبل از طلوع آفتاب، و شام قبل از غروب آفتاب سه مرتبه بگوید: (بسم الله) کمک و محافظت می طلبم از هر اذیت کننده (الذي لا يضر مع) ذکر (نام او) هر چیز (شيء) هرچند بزرگ باشد (في الأرض) و هر بلای که از آن خارج می شود (ولا في السماء) و هر بلای که از آن نازل می شود (وهو السميع) به گفته های ما (العلیم) به احوال ما. هر کس آن را شام بگوید، هیچ بلایی ناگهانی تا شام به او نمی رسد، هر کس آن را صبح بگوید، هیچ بلایی ناگهانی تا صبح به او نمی رسد.

سپس راوی حدیث، ابان بن عثمان را فلج زد؛ که آن شل شدن یکی از دو قسمت بدن او بود، پس مردی که حدیث را از او شنیده بود با تعجب به آبان نگاه می کرد! به مرد گفت: چرا به من نگاه می کنی؟! به الله سوگند که به عثمان دروغ نگفته ام، و نه عثمان به پیامبر صلی الله علیه وسلم دروغ گفته است، مگر این که امروز الله متعال چیزی را که مقدر کرده به من پیش آمد، امروز عصبانی بودم و گفتن این کلمات مذکور را فراموش کردم.

از فوائد حدیث:

۱. استحباب خواندن این ذکر در صبح و شام؛ تا انسان به اراده الله متعال از اینکه بلای ناگهانی و ضرر مصیبت یا مانند آن به او برسد محفوظ بماند.
۲. قوت ایمان سلف نخستین به الله متعال و تصدیق آنان به آنچه رسول الله صلی الله علیه وسلم از آن خبر داده است.
۳. یکی از فواید مقید کردن ذکر به صبح و شام، قطع غفلت از مسلمان می باشد، و دایم به یاد میآورد که او بنده الله متعال است.
۴. با توجه به مقدار ایمان ذکر کننده الله متعال و حضور قلبش، همراه با اخلاص و یقین، به همان مقدار اثر ذکر حاصل می شود.

(۶۰۹۳)

(۳۵۸) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حُبَيْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: خَرَجْنَا فِي لَيْلَةِ مَطِيرَةٍ وَظُلْمَةٍ شَدِيدَةٍ، نَطْلُبُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ يُصَلِّي لَنَا، قَالَ: فَأَذَرَكُنْهُ، فَقَالَ: «قُلْ»، فَلَمْ أَقُلْ شَيْئًا، ثُمَّ قَالَ: «قُلْ»، فَلَمْ أَقُلْ شَيْئًا، قَالَ: «قُلْ»، فَقُلْتُ: مَا أَقُولُ؟ قَالَ: «{قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} وَالْمُعَوَّذَتَيْنِ حِينَ تُمَسِّي وَتُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، تَكْفِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ».

[صحیح] - [رواه أبو داود والترمذي والنسائي]

(۳۵۸) - از عبدالله بن حُبیب رضی الله عنه روایت است که گفت: در شبی بارانی و بسیار تاریک در پی رسول الله صلی الله علیه وسلم بیرون آمدم تا برای ما نماز بگذارد، پس او را یافتم و ایشان فرمودند: «بگو» و من چیزی نگفتم، سپس فرمود: «بگو» ولی من چیزی نگفتم، سپس فرمود: «بگو» گفتم: چه بگویم؟ فرمود: «هنگام شام و صبح {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} و معوذتین را سه بار بگو، تو را از همه چیز کفایت می کند». [صحیح] - [ابو داود و ترمذی و نسایی روایت کرده]

توضیح:

صحابی جلیل القدر عبداللہ بن خُبیب رضی اللہ عنہ خبر می دهد که آنان در شبی بارانی که بسیار تاریک بود در جستجوی رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم برآمدند تا برایشان نماز بگزارد، پس ایشان را یافتند، سپس پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم خطاب به او فرمود که: «بگو» یعنی بخوان، اما او چیزی نخواند، پس پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم سخنش را تکرار کرد و عبداللہ گفت: چه بخوانم ای رسول اللہ؟ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: سورۃ اخلاص {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} و معوذتین {قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ} و {قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ} را شام هنگام و صبح هنگام سه بار بخوان تا که از هر شر و بدی تو را وقایه کند.

از فوائد حدیث:

۱. استحباب خواندن سورۃ اخلاص و معوذتین هنگام صبح و شام و این دو باعث امان او از هر بدی است.
۲. فضیلت خواندن سورۃ اخلاص و معوذتین.

(۶۰۸)

(۳۵۹) - عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: فَقَدْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْلَةً مِنَ الْفَرَّاشِ فَأَلَمَسْتُهُ فَوَقَعَتْ يَدِي عَلَى بَطْنِ قَدَمَيْهِ وَهُوَ فِي الْمَسْجِدِ وَهُمَا مَنْصُوبَتَانِ، وَهُوَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أَحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۵۹) - از عائشہ رضی اللہ عنہا روایت است که فرمود: شبی رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم را کنار خود نیافتم؛ پس اطرافم را جستجو کردم؛ دستم به کف پاهای نصب شده اش خورد؛ درحالی که در مسجد بود و می فرمودند: «یا اللہ،

من از خشم و غضبت به خشنودی و رضایت و از کيفر و مجازات به عفو و بخششت پناه می برم و از گرفت و مؤاخذه ات به تو پناه می آورم، مرا توان و یاری آن نیست که به بیان ثنا و توصیف شایسته و وصف و شکوه بایسته ات پردارم، تو چنان هستی که خودت را ستایش نموده ای». [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

عائشه رضی الله عنها فرمود: من در کنار پیامبر صلی الله علیه وسلم خوابیده بودم و هنگام شب وی را در کنارم نیافتم، پس با دست خود محل نماز خواندن وی صلی الله علیه وسلم را در داخل اتاق لمس کردم؛ پس وی را در حال سجده یافتم که پاهایش را نصب نموده بود و می فرمودند: (پناه می برم) و توسل می نمایم (از خشم تو به خشنودی تو) بر من و یا بر امتم، (و) پناه می برم (به بخشش تو) و عفو زیاد تو (از کيفر و مجازات تو)، (و به تو پناه می برم) و به صفات جمال تو از صفات جلال تو، زیرا از تو به تو پناه می برم، چون راه نجات و پناهی از الله جز به سوی او نیست، (من حمد و ثنای تو را شمارش نمی توانم) در شمارش نعمت و احسان تو آنچنان که سزاوار آن هستی ناتوانم، هرچند در آن تلاش کنم. (تو چنان هستی که خودت را ستایش نموده ای)؛

پس تو همان ذاتی هستی که خود را با ستایش شایسته خود ستودی، پس کیست که حق ستایش تو را ادا کند؟!

از فوائد حدیث:

۱. مستحب بودن خواندن این دعاها در سجده.
۲. میرک گفت: و در یکی از روایت های نسایی آمده است که: وقتی نمازش تمام می شد و به رختخواب می رفت این دعا را می گفت.
۳. مستحب بودن حمد و ثنای الله متعال به صفاتش و فراخواندن او با نامهای ثابت اش در قرآن و سنت نبوی.
۴. در این دعا تعظیم خالق در رکوع و سجده می باشد.
۵. جواز پناه بردن به صفات الله متعال، چنانچه پناه بردن به ذات او تعالی جواز دارد.
۶. خطابیی گفته است: در این سخن معنی ظریفی نهفته است، و آن: این که او به الله پناه برده تا او را از نارضایتی او به خوشنودی او نجات دهد، و با عفو او از کیفر او، رضایت و نارضایتی دو ضد مقابل هم هستند، و همچنین عفو و پاسخگویی در کیفر، پس وقتی به ذکر چیزی رسید که ضدی ندارد و آن همانا الله متعال است، از او به او پناه برد نه چیز دیگر، و معنای آن عبارت این است: استغفار از کوتاهی از بلوغ واجب از حق عبادت و ستایش او است. و قولش: لا أحصي ثناء عليك: یعنی طاقت آن را ندارم و به آن نمی رسم.

(۳۶۰) - عن سَمُرَةَ بن جندبٍ رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أَحَبُّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ أَرْبَعٌ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، لَا يَضُرُّكَ بَأْيَهُنَّ بَدَأْتَ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۶۰) - از سمره بن جندب رضی الله عنه روایت است گفت که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «محبوب ترین کلمه ها نزد الله متعال چهار است: سبحان الله (پاکيست الله را)، الحمد لله (ثنا و صفت الله را است)، لا اله الا الله (نيست معبودی بر حق جز الله)، و الله اكبر (الله بزرگ است)، فرقی نمی کند که از هر کدام آن شروع کرده اید». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم می فرماید که محبوب ترین گفتار نزد الله متعال چهار است:

سبحان الله: که بیانگر پاکی الله متعال از هر نوع کوتاهی است.
و: الحمد لله: که این عبارت از توصیف کردن الله متعال با کمال محبت و عظمت اوست.

ولا اله الا الله: أي: یعنی اینکه نیست معبود برحق جز الله.
والله أكبر: اینکه الله متعال مقدس، بزرگتر و عزیزتر از همه چیز است.
و اینکه فضیلت و کسب ثواب آن نیازی به ترتیب آن در تلفظ ندارد.

از فوائد حدیث:

۱. آسانی شریعت، زیرا هیچ ضرری ندارد که با کدام یک از این کلمات آغاز نمودی.

(۳۶۱) - عن أبي أيوب رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، عَشْرَ مِرَارٍ كَانَ كَمَنْ أَغْتَقَ أَرْبَعَةَ أَنْفُسٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۳۶۱) - از ابو ایوب رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که ده بار: (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) بگوید مانند کسی است که چهار نفر (برده) از اولاده اسماعیل علیه السلام را آزاد کرده باشد».

ترجمه ذکر: نیست معبود بر حق جز الله، یگانه است و شریکی او را نیست، ملک از او است و ثناء و ستایش مر او را است و او بر هر چیز قادر و توانا است. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که هر کسی: «لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك، وله الحمد، وهو على كل شيء قدير» بگوید که معنایش چنین است:

هیچ معبودی لایق پرستش نیست جز الله یگانه و بی شریک، (ذاتی که) پادشاهی از آن اوست، و ستایش از آن اوست و او بر هر چیزی تواناست، و اینکه فرمانروایی کامل به ویژه از او سبحانه و تعالی است، و اینکه او سزاوار توصیف و ستایش با محبت و بزرگی است، نه هیچ کسی دیگری، و اینکه او قادر است و هیچ چیز نمی تواند او را ناتوان سازد. پس هر کسی این ذکر بزرگ را در یک روز

ده بار تکرار کند، ثواب او همانند کسی است که بر دگی را از چهار غلام از اولاد اسماعیل بن ابراهیم علیهما الصلاة والسلام بر دارد، و فرزندان اسماعیل علیه السلام را به این خاطر منحصر کرد، چون از دیگران بهتر اند.

از فوائد حدیث:

۱. فضیلت این ذکر که شامل یگانگی الله متعال با الوهیت، پادشاهی، ستایش، و قدرت کامل است.
۲. این پاداش را کسی به دست می آورد که این ذکر را به گونه پی در پی و یا جداگانه بخواند.

(۵۵۱۷)

(۳۶۲) - عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ، ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ، حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۳۶۲) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: دو کلمه وجود دارد که بر زبان آسان گفته می شود، و در ترازوی اعمال سنگین هستند، و در نزد الله رحمان محبوبیت دارد (آن دو کلمه عبارت است از): "سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ" [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از دو کلمه ای که انسان آنرا بدون مشکل و در هر حال به زبان می آورد، و این که در ترازوی اعمال ثوابی زیاد دارد، و پروردگار ما رحمن تبارک و تعالی آنها را دوست دارد خبر می دهد :

سبحان الله العظيم، سبحان الله وبحمده؛ برای آنچه شامل وصف الله به عظمت و کمال و برتری او از کاستی ها است.

از فوائد حدیث:

۱. بزرگترین ذکر این است که در آن بین پاکی و ستایش الله متعال جمع شود.
۲. بیانی وسعت رحمت الله متعال بالای بندگانش، زیرا او به کاری اندک پاداشی بزرگ را می دهد.

(۵۵۰۷)

(۳۶۳) - عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، فِي يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ، حُطَّتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(۳۶۳) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که در روز صد مرتبه (سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ) بگوید، گناهانش پاک می شود، ولو که مانند کف دریا باشد». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم اطلاع می دهند که: هر کس در روز صد مرتبه «سبحان الله وبحمده» بگوید: گناهان وی پاک شده و بخشیده می شود، ولو که بیشتر باشد مانند کف سفیدی بر فراز دریا در هنگام موج و خشم بالا می رود.

از فوائد حدیث:

۱. این ثواب برای کسی حاصل است که ذکر یاد شده را روزمره به شکل پی هم یا پراکنده بخواند.

۲. تسبیح: به معنای پاکی الله متعال از هر نقص، و حمد: به معنای توصیف کردن او با محبت و تعظیم.
۳. مراد در حدیث کفاره گناهان صغیره است، و برای گناهان کبیره توبه ضروری است.

(۵۵۱۶)

(۳۶۴) - عن أبي مالك الأشعري رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «الْطُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُ الْمِيزَانَ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأَنِ - أَوْ تَمْلَأُ - مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَالصَّلَاةُ نُورٌ، وَالصَّدَقَةُ بُرْهَانٌ، وَالصَّبْرُ ضِيَاءٌ، وَالْقُرْآنُ حُجَّةٌ لَكَ أَوْ عَلَيْكَ، كُلُّ النَّاسِ يَغْدُو، فَبَايِعَ نَفْسِهِ فَمَعَتِقُهَا أَوْ مَوْبِقُهَا». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۶۴) - از ابو مالک اشعری - رضی الله عنه - روایت است که گفت: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «پاکیزگی نصف ایمان است، و الحمد لله ترازو را پر می کند، و "سبحان الله" و "الحمد لله" ما بین آسمان و زمین را پر می کنند، و نماز نور است، و صدقه دلیل است بر صداقت ایمان مؤمن، و صبر روشنی است، و قرآن یا دلیلی است برای تو یا دلیلی است علیه تو، همه مردم صبح [از خانه] بیرون می شوند در حالی که خود را فروخته اند، پس یا آن را آزاد کرده اند و یا هلاکش ساخته اند». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که: طهارت ظاهر با وضو و غسل کردن است و طهارت شرط نماز است. و این قول شان که گفته اند:

"الحمد لله" ترازو [ی اعمال] را پر می کند، توصیفِ پروردگار - جل و علا - به صفات کمال و جلال اوست که در روز قیامت وزن می شود و ترازو را پر می کند. و این قول شان که گفته اند: "سبحان الله والحمد لله" تنزیه اوست از هر نقصی و بیان کمال کامل اوست چنانچه شایسته اوست، با محبت و تسبیح او، آنچه میان آسمان ها و زمین است پر می کند. و این که «نماز نور است» برای بنده؛ در دل وی، در روی وی، در قبر و در حشر وی. و اینکه «صدقه حجت است» و دلیل بر صدق ایمان مؤمن است، و تفاوت او با منافق که از صدقه دادن امتناع می ورزد این است که وعده های آن را باور ندارد، و اینکه «صبر نور است» - و آن عبارت از منع کردن نفس از اضطراب و نارضایتی است - نوری که با خود گرما و سوز می آورد، مانند نور خورشید؛ زیرا سخت است و مستلزم مبارزه با نفس و حبس آن از آنچه می خواهد می باشد؛ و صاحب آن تا زمانی در روشنایی و هدایت مستمر قرار دارد که صبر را پیشه کند. و آن صبر در طاعت الله، و از نافرمانی اوست، و صبر در برابر بلاها و انواع سختی های دنیاست، و اینکه «قرآن دلیل بر تو می باشد» با تلاوت و عمل به آن، و یا «دلیل بالای تو می باشد» با ترک آن بدون عمل بر آن و یا تلاوت آن، سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان می فرماید که همه مردم تلاش می ورزند، منتشر می شوند، از خواب برمی خیزند و برای کارهای مختلف از خانه بیرون می روند، برخی از آنها کسانی هستند که در اطاعت الله قائم هستند و خود را از آتش رها می کنند، و از آنها کسانی هستند که از آن منحرف می شوند و مرتکب نافرمانی می گردند پس سبب هلاکت او و وارد شدن به آتش می گردد.

از فوائد حدیث:

۱. طهارت بر دو قسم است: طهارت ظاهر از طریق وضو و غسل، و طهارت باطن از راه توحید و ایمان و عمل نیک.
۲. اهمیت پابندی به نماز، چون برای بنده در دنیا و روز قیامت نور است.
۳. صدقه دلیلیست برای صدق ایمان.
۴. اهمیت عمل به قرآن و تصدیق آن، تا این که دلیلی برای تو باشد نه بالای تو.
۵. اگر نفس را به طاعت مشغول نکنی، تو را به نافرمانی مشغول می کند.
۶. هر انسانی باید کار کند، یا با اطاعت نفس خود را آزاد می کند، و یا با گناه کردن نفس خود را هلاک می سازد.
۷. صبر مستلزم تحمل و محاسبه است و سختی را در بر دارد.

(۱۵۰۰۴)

(۳۶۵) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَا أَنْ أَقُولَ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۶۵) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: این که: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، بگوییم برای من عزیزتر از آن چیزی است که خورشید بر آن طلوع

می کند. [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که ذکر الله متعال با این سخنان بزرگ از دنیا و آنچه در آن است بهتر است، و آنها عبارتند از:

"سبحان الله": پاک است الله متعال از هر نقص و عیب.

"الحمد لله" ستایش او با صفات کمال با محبت و تعظیم وی

"لا إله إلا الله": نیست معبود بر حق جز الله.

"الله أكبر": الله بزرگتر است، بزرگتر از هر چیز.

از فوائد حدیث:

۱. تاکید بر ذکر الله متعال، و اینکه ذکر الله از آنچه خورشید بر آن طلوع کرده محبوبتر است.
۲. تشویق کردن به ذکر؛ نظر به اجر و فضیلت زیاد آن.
۳. لذت دنیا کم و شهوت هایش زودگذر است.

(۶۲۱)

(۳۶۶) - عن جابر رضي الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «أَفْضَلُ الذِّكْرِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَفْضَلُ الدُّعَاءِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ». [حسن]

- [رواه الترمذي والنسائي في الكبرى وابن ماجه]

(۳۶۶) - از جابر رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمودند: «بهترین ذکر: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ است، و بهترین دعا: الْحَمْدُ لِلَّهِ است». [حسن] - [ترمذی و نسایی فی الكبرى وابن ماجه روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که بهترین ذکر: «لا اله الا الله» است، یعنی معبودی بر حق جز الله نیست، و اینکه بهترین دعا الحمد لله است؛ و این اعترافیست که فراهم کننده نعمت ها فقط الله متعال است، و شایسته توصیف کامل و زیبا است.

از فوائد حدیث:

۱. تشویق بر افزایش ذکر الله با کلمه توحید، و دعا با ستایش او.

(۳۵۶۷)

(۳۶۷) - عَنْ خَوْلَةَ بِنْتِ حَكِيمٍ السُّلَمِيَّةِ قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ نَزَلَ مَنْزِلًا ثُمَّ قَالَ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، لَمْ يَضُرَّهُ شَيْءٌ حَتَّى يَرْجُلَ مِنْ مَنْزِلِهِ ذَلِكَ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۶۷) - از خوله بنت حکیم السلمیه روایت است که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمودند: "هر کسی در مکان بود و باش کرد، و بگوید: أعوذ بکلمات الله التامات من شر ما خلق، "من به کلمات و سخنان کامل الله- از شر مخلوقاتش - پناه می برم" تا زمانی که آن جا را ترک نکرده هیچ چیزی به او زیانی نمی رساند" [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم امت خود را رهنمایی می کند که چگونه به الله متعال پناه ببرند، به گونه ای که از هر ترسناکی که انسان در هر جایی در سفر، یا سیاحت یا غیر آن مکث می کند، در چنین شرایطی باید از

شر هر مخلوقی به کلمات الله متعال؛ که دارای کمال، برکت و منفعت است و عاری از هرگونه نقص و نقصان است. پناه ببرد؛ بنابراین تا زمان که در آن مکان بماند از هر چیزی مضری در امان خواهد بود.

از فوائد حدیث:

۱. پناه بردن عبادت است، به گونه ی که به الله متعال به اسماء و صفات او انجام شود.
۲. جایز بودن پناه جستن به کلام الله متعال، زیرا او کلام و از صفات او سبحانه و تعالی است، بر خلاف پناه جستن به هر موجودی دیگری؛ زیرا شرک است.
۳. فضیلت و برکت این دعا.
۴. پناه جستن با اذکار؛ سبب محافظت بنده از هر شر است.
۵. بطلان پناه جستن به غیر الله متعال؛ از قبیل جن، جادوگر، دجال ها و غیره.
۶. مشروعیت این دعا برای کسانی که در مسافرت و یا اقامت در مکانی می مانند.

(۵۹۳۲)

(۳۶۸) - عَنْ أَبِي حُمَيْدٍ أَوْ عَنْ أَبِي أُسَيْدٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمُ الْمَسْجِدَ فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَإِذَا خَرَجَ فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۶۸) - از ابی حمید یا ابی أسید روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرگاه کسی از شما وارد مسجد شد بگوید:

(پروردگارا درهای رحمت خود را بر من بگشای) و چون خارج شد بگوید:

(بارالها از فضل تو خواهانم)». [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم امتش را به دعایی راهنمایی کرده‌اند که هنگام وارد شدن به مسجد گفته می‌شود: (پروردگارا درهای رحمت خود را بر من بگشای)، او در این دعا از الله تعالی درخواست می‌کند که اسباب رحمتش را برای او فراهم آورد. و چون خواست از مسجد بیرون آید بگوید: (بارالها از فضل تو خواهانم)»، و از الله تعالی فضل او و احسان بیشتر او از رزق حلال اومیخواهد.

از فوائد حدیث:

۱. مستحب بودن این دعا به هنگام وارد شدن به مسجد و بیرون رفتن از آن.
۲. ذکر رحمت به طور خاص به هنگام وارد شدن به مسجد، و یاد کردن از فضل به هنگام خروج برای آن است که کسی که به مسجد داخل می‌شود مشغول چیزی شده که او را به الله و بهشتش نزدیک می‌سازد، پس ذکر رحمت در این مقام مناسب است، و چون از مسجد بیرون رفت در راه کسب فضل و نعمت و روزی الله تلاش می‌کند، پس یاد کردن از فضل در این جایگاه مناسب است.
۳. این اذکار هنگام قصد وارد شدن به مسجد و هنگام قصد خارج شدن از مسجد گفته می‌شود.

(۳۶۹) - عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ، فَذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: لَا مَبِيتَ لَكُمْ، وَلَا عَشَاءَ، وَإِذَا دَخَلَ، فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: أَذْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ، وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ: أَذْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ وَالْعَشَاءَ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(۳۶۹) - از جابر بن عبد الله رضی الله عنهما روایت است که وی از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنید که می فرماید: «هرگاه مرد وارد خانه اش شود، و الله را هنگام وارد شدن و هنگام غذا خوردن یاد کند، شیطان می گوید: امشب اینجا جای خواب و غذا ندارید، و چون وارد شود و ذکر الله را هنگام وارد شدن نگوید، شیطان می گوید: شب را در اینجا ماندید و چون هنگام غذا یاد الله نگوید، می گوید: هم شب را اینجا ماندید و هم غذای شب را یافتید». [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم به ذکر الله هنگام وارد شدن به خانه و پیش از خوردن غذا امر کرده، و بیان نموده که اگر با گفتن «بسم الله» هنگام ورود به خانه و هنگام شروع غذا الله را یاد کند، شیطان به یارانش می گوید: امروز در این خانه که صاحبش از شما به یاد الله پناه برده، بهره ای از شب ماندن و شام خوردن را ندارید. اما اگر شخص هنگام ورود به خانه اش و هنگام خوردن غذا ذکر الله را نگوید، شیطان به یارانش خبر می دهد که در این خانه جای و غذا دارند.

از فوائد حدیث:

۱. مستحب بودن ذکر الله هنگام وارد شدن به خانه، و هنگام غذا؛ زیرا اگر یاد الله را نگویند، شیطان شب در خانه ها می ماند و از غذای اهل خانه می خورد.
۲. شیطان در همه رفتارها و کارهای بنی آدم مراقب اوست، پس چون از ذکر غافل شد به مراد خود از او دست می یابد.
۳. ذکر (الله) شیطان را میراند.
۴. هر شیطانی پیروان و اولیایی دارد که با سخن او شاد می شوند، و از امر او پیروی می کنند.

(۳۰۳۷)

- پیشگفتار ۲
- همانا (قبولی) اعمال و کردار به نیت بستگی دارد ۴
- مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ فِيهِ فَهُوَ رَدٌّ ۶
- اسلام (این است که): گواهی بدهی به اینکه معبودی برحق جز الله نیست و محمد فرستاده الله است، نماز را بر پا داری، زکات را بدهی، رمضان را روزه بگیری و زیارت خانه کعبه را اگر راهی به سوی آن یافتی انجام دهی ۷
- بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ ۱۲
- حق الله بر بندگان این است که او را بپرستند و چیزی را شریک او قرار ندهند، و حق بندگان بر الله این است که کسانی را که به او شرک نمی‌ورزند عذاب نکنند ۱۴
- هیچ بنده ای نیست که صادقانه و از ته قلب گواهی دهد که معبود بر حقی جز الله وجود ندارد، و شهادت دهد که محمد بنده و فرستاده ی او است، مگر اینکه الله متعال او را بر آتش دوزخ حرام می گرداند ۱۶
- کسی که: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید، و به آنچه غیر از الله پرستش می شود کافر شود، مال و خورش حرام است و حسابش نزد الله است ۱۸
- هر کس بمیرد در حالی که برای الله هیچ چیزی را شریک قرار ندهد وارد بهشت می شود، و هر کس بمیرد در حالی که برای الله چیزی را شریک قرار دهد وارد جهنم می شود ۲۰
- مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ نِدَاءً دَخَلَ النَّارَ ۲۱

تو بسوی اهل کتاب خواهی رفت، چون نزد آنان رفتی آنان را دعوت کن تا
 گواهی دهند که معبودی جز الله نیست و محمد رسول الله است ۲۳
 خوشبختترین مردم که روز قیامت شفاعتم را حاصل می کنند، آنانی اند که می
 گویند لا اله الا الله، معبودی جز الله نیست، مخلصانه و از تهی دلش و یا
 نفسش ۲۵
 ایمان هفتاد و چند بخش یا شصت و چند بخش است که بهترین آنها سخن
 : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و کوچکترین آنها برداشتن خار و خاشاک از راه است ۲۷
 از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیدم: کدام گناه نزد الله بزرگتر است؟ فرمود:
 أَنْ تَجْعَلَ لِلَّهِ نِدًّا وَهُوَ خَلَقَكَ ۲۸
 من بی نیازترین شرکا از شرک هستم، هر کس عملی انجام دهد که در آن با
 من کسی دیگر را شریک نماید، او را با شرک اش رها می کنم ۳۰
 همه امت من وارد بهشت می شوند مگر کسانی که امتناع می ورزند ... ۳۱
 مرا ستایش مکنید همانطوری که نصارا پسر مریم را ستودند؛ من فقط بنده او
 هستم، پس بگویند: بنده الله و رسول او ۳۲
 هیچ یکی از شما مومن (کامل) شده نمی تواند تا اینکه من را نسبت به پدر،
 مادر و فرزندان خویش بیشتر دوست داشته باشد ۳۳
 دَعُونِي مَا تَرَكْتُكُمْ: إِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَثْرَةُ سُؤَالِهِمْ، وَاخْتِلَافُهُمْ عَلَى
 أَنْبِيَائِهِمْ ۳۵
 از من هر چند یک آیت هم باشد ابلاغ کنید، و در مورد بنی اسرائیل حرف
 بزنید که هیچ اشکالی ندارد، و هر کس از روی عمد بر من دروغ بگوید، پس
 مسکن خود را در دوزخ انتخاب کند ۳۸

آگاه باشید که چه بسا حدیث من به مردی برسد و او در حالی که به تخت و تکیه گاه خود تکیه زده بگوید: کتاب الله میان من و شماست ۳۹ لعنت الله بر یهودیان و نصرانیان [که] قبرهای پیامبرانشان را مساجد قرار دادند ۴۱

الهی قبر مرا بت قرار مده..... ۴۲

خانه های خود را قبرها قرار ندهید، و قبر مرا عبادتگاه قرار ندهید، و بر من درود نفرستید؛ چون هر جا که باشید درود شما به من می رسد ۴۴

أُولَئِكَ قَوْمٌ إِذَا مَاتَ فِيهِمُ الْعَبْدُ الصَّالِحُ، أَوِ الرَّجُلُ الصَّالِحُ، بَنَوْا عَلَى قَبْرِهِ مَسْجِدًا ۴۵

من به الله بیزاری می کنم از اینکه از میان شما خلیل (دوست و محبت خیلی قریب) داشته باشم، زیرا الله متعال مرا خلیل گرفته است، همانطور که ابراهیم را خلیل گرفت ۴۷

آیا تو را برای آنچه نفرستم که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من را برای آن فرستاده بود؟ هیچ مجسمه را نمانید مگر آن را نابود سازید، و یا قبر بلند را نمانید مگر که آن را هموار کنید ۴۹

طیره (شوم انگاری) شرک است، طیره شرک است، طیره شرک است - و این را سه بار تکرار کردند -» و این چیز ناگزیر در دل ما می افتد، اما الله عزوجل آن را با توکل از بین می برد ۵۰

کسی که فال بگیرد یا برایش فالگیری شود، یا پیشگویی کند، و یا برای او پیشگویی شود، یا جادوگری کند یا برایش جادوگری شود از ما نیست ۵۱

آیا می دانید پروردگار شما چه گفت؟» گفتند الله و رسولش داناترند، فرمود:
 «بعضی از بندگانم در حالی صبح نمودن که به من ایمان آوردند و بعضی
 دیگر به من کفر ورزیدند ۵۵

هرکس تمیمه ای آویزان کند شرک ورزیده است ۵۷

افسون و تعویذ، بستن چشم زخم به کودکان، و جادوی نزدیک کردن زن و
 شوهر به هم شرک است ۵۹

کسیکه نزد فالبین برود، و او را درباره چیزی بپرسد، چهل نماز او پذیرفته نمی
 شود ۶۱

کسی که بغیر الله سوگند یاد کند کفر و یا شرک ورزیده است ۶۲

مَنْ حَلَفَ بِالْأَمَانَةِ فَلَيْسَ مِنَّا. «هرکس به امانت سوگند یاد کند، از ما نیست
 ۶۳

به الله سوگند - اگر خواست الله باشد - هیچ سوگندی نمی خورم که پس از آن
 خلاف آن را بهتر بینم، مگر اینکه همان کار بهتر را انجام می دهم و کفاره
 ی سوگندم را ادا می کنم ۶۴

لَا تَقُولُوا: مَا شَاءَ اللَّهُ وَشَاءَ فُلَانٌ، وَلَكِنْ قُولُوا: مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ شَاءَ فُلَانٌ» یعنی:
 «نگویید آنچه الله و فلانی بخواهند، بلکه بگویید: آنچه الله بخواهد، سپس
 فلانی بخواهد ۶۷

لَا يَرْمِي رَجُلٌ رَجُلًا بِالْفِسْقِ أَوِ الْكُفْرِ، إِلَّا أَرْتَدَّتْ عَلَيْهِ، إِنْ لَمْ يَكُنْ صَاحِبُهُ
 كَذَلِكَ». «هیچکس دیگری را متهم به فسق یا کفر نمی کند مگر اینکه فسق
 و کفر به خود او بازمی گردد، در صورتی که دوستش چنین نباشد ۶۹

اَتَتَّانَ فِي النَّاسِ هُمَا بِهِمْ كُفْرًا: الطَّعْنُ فِي النَّسَبِ، وَالنِّيَاحَةُ عَلَى الْمَيِّتِ». «دو رفتار در میان مردم رواج دارد که هر دو از مصادیق کفر است: طعنه زدن در نسب و نوحه گری بر مُرده. ۷۱

بر قبرها ننشینید و به سوی آنها نماز نخوانید. ۷۲

لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا صُورَةٌ». «ملائکه به خانه ای که در آن سگ یا تصویر باشد، وارد نمی شوند. ۷۳

لَا تَصْحَبُ الْمَلَائِكَةُ رُفْقَةً فِيهَا كَلْبٌ وَلَا جَرَسٌ». «ملائکه با گروهی که در بین آنها سگ و زنگوله است همراهی نمی کنند. ۷۵

شیطان نزد یکی از شما می آید و می گوید: چه کسی فلان را آفریده است؟ چه کسی فلان را خلق کرده است؟ تا اینکه می گوید: پروردگارت را چه کسی آفریده است؟ هرگاه تا این حد برسد، به الله پناه برده و توقف نماید ۷۶

مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ. ۷۷

علیکم بتقوی الله، والسمع والطاعة، وإن عبداً حبشیًّا، وسترون من بعدي اختلافاً شدیداً، فعلیکم بسنتی وسنة الخلفاء الراشدين المهديين. ۸۰

مَنْ خَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ، وَفَارَقَ الْجَمَاعَةَ فَمَاتَ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً. ۸۲

هیچ بنده ای نیست که الله متعال وی را بر مردم حکمفرما کرده باشد، در حالی بمیرد که با رعیت خود خاین باشد، مگر اینکه بهشت را بر وی حرام کرده است. ۸۴

سَتَكُونُ أُمَرَاءُ فَتَعْرِفُونَ وَتُنْكِرُونَ، فَمَنْ عَرَفَ بَرِيًّا، وَمَنْ أَنْكَرَ سَلِيمًا، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَابَعَ. ۸۶

تبعیض [و خاصه خواری و ترجیح دیگران بر شما] و اموری رخ خواهد داد که آن را انکار خواهید کرد» گفتند: یا رسول الله [در آن شرایط] ما را به چه امر می کنید؟ فرمود: «حقّی را که بر عهده شماست انجام می دهید، و آنچه برای شماست را از الله می خواهید ۸۷

كُلُّكُمْ رَاعٍ فَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، ۸۹

بار الها، هر که زمام امور امت من را به دوش بگیرد و بر آنها سختی کند با وی سختی کن، و هر که زمام امور امت من را برعهده گیرد به آنها نرمی کند با وی نرمی کن ۹۱

دین نصیحت کردن است ۹۲

اگر کسانی را دیدی که در دل هایشان کجی است برای فتنه انگیزی و تاویل نادرست از آیات متشابه پیروی می کنند، آنان کسانی اند که الله متعال ذکر کرده است، پس برحذر باش ۹۴

هریک از شما منکری دید باید آن را با دستش تغییر دهد، و اگر نتوانست با زبانش، و اگر نتوانست با قلبش، و آن ضعیف ترین ایمان است ۹۸

مَثَلُ الْقَائِمِ عَلَى حُدُودِ اللَّهِ وَالْوَاقِعِ فِيهَا، كَمَثَلِ قَوْمٍ اسْتَهَمُوا عَلَى سَفِينَةٍ، فَأَصَابَ بَعْضُهُمْ أَعْلَاهَا وَبَعْضُهُمْ أَسْفَلَهَا ۹۹

مَنْ دَعَا إِلَى هُدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجُورِ مَنْ تَبِعَهُ، لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا ۱۰۲

هر کسی (مردم را به کار) خیر راهنمایی کرد، پاداشی مانند پاداش انجام دهنده ی آن را دارد ۱۰۳

قَوْلَ اللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا، خَيْرٌ لَكَ مِنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ حُمْرُ النَّعَمِ».

۱۰۵.....

کسی که به هر قومی خود را مشابه سازد، از آنان است ۱۰۸
الرَّجُلُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ». «مرد بر دین و آیین دوست
خویش است؛ پس باید هریک از شما بنگرد با چه کسی دوستی و همنشینی

دارد ۱۰۹

گروهی از امت من همچنان بر دشمنان خود پیروز خواهند شد، تا زمانی که
نشانه های پیش از قیامت بیاید در حالی که بر دشمنان خود پیروز هستند

..... ۱۱۰

لَيَبْلُغَنَّ هَذَا الْأَمْرُ مَا بَلَغَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَلَا يَتْرُكُ اللَّهُ بَيْتَ مَدَرٍ وَلَا وَبَرَ إِلَّا أَدْخَلَهُ
اللَّهُ هَذَا الدِّينَ ۱۱۱

بَدَأَ الْإِسْلَامَ غَرِيبًا، وَسَيَعُودُ كَمَا بَدَأَ غَرِيبًا، فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ». "اسلام با غربت
آغاز شد و در آینده غریب خواهد شد، چون روز آغاز، پس خوشا به حال

غریبان ۱۱۳

وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يَسْمَعُ بِي أَحَدٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَهُودِيٍّ وَلَا نَصْرَانِيٍّ،
ثُمَّ يَمُوتُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَّا كَانَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ» یعنی: «سوگند

به کسی که جان محمد در دست اوست، هیچ کسی از این امت، یهودی
باشد یا نصرانی [خبر مبعث] من را نمی شنود سپس بمیرد و به آنچه که برای
آن فرستاده شده ام ایمان نیاورد مگر آنکه از اصحاب دوزخ خواهد بود .. ۱۱۴

ای مردم، از غُلُو در دین بر حذر باشید زیرا کسانی را که پیش از شما بودند
[همین] غلو در دین هلاک کرد ۱۱۶

تندروان هلاک شدند..... ۱۱۷

الْيَهُودُ مَغْضُوبٌ عَلَيْهِمْ، وَالتَّصَارِيُّ ضَالِّانٌ» یعنی: «یهودیان بالای ایشان غضب شده است، و نصرائیها گمراهان هستند..... ۱۱۸

الله متعال تقدیر تمام موجودات را پنجاه هزار سال قبل از اینکه آسمانها و زمین را بیافریند نوشت..... ۱۱۹

رسول الله صلی الله علیه وسلم به ما فرمود و او راستگوست و به راستگویی موصوف شده است: «این که یکی از شما چهل روز و شب در شکم مادرش جمع می شود..... ۱۲۰

بهشت از بند کفش یکی از شما هم نزدیک تر است، و جهنم نیز چنین است..... ۱۲۳

دوزخ با شهوت ها، و بهشت با سختی ها پوشیده شده است..... ۱۲۳

زمانی که الله متعال بهشت و جهنم را آفرید، جبرئیل علیه السلام..... ۱۲۵

آتش شما یک جزء از هفتاد جزء آتش جهنم است..... ۱۲۸

الله زمین را [در] مشیت [خود] می گیرد، و آسمان ها را به دست راستش می پیچاند، سپس می فرماید: منم پادشاه، کجایند پادشاهان زمین؟!..... ۱۲۹

سخت ترین عذاب را نزد الله در روز قیامت کسانی دارند که سعی می کنند با خلقت الله همانندسازی کنند..... ۱۳۰

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَيُوشِكَنَّ أَنْ يَنْزَلَ فِيكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ حَكَمًا مَّقْضِيًّا، فَيَكْسِرَ الصَّلِيبَ، وَيَقْتُلَ الْخَنَزِيرَ، وَيَضَعُ الْجِزْيَةَ، وَيَفِيضَ الْمَالُ حَتَّى لَا يَقْبَلَهُ أَحَدٌ» یعنی: «قسم به آنکه جانم به دست اوست، نزدیک است که فرزند مریم در

میان شما به عنوان داوری دادگر نازل شود و صلیب را بشکند، و خوک را
 بکشد، و جزیه را بردارد، و مال آنقدر سرازیر شود که کسی آن را نپذیرد ۱۳۱
 بگو: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ لَكَ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۱۳۳
 حوض من به مسافه یک ماه است، آب آن از شیر سفیدتر و بوی آن خوشبوتر
 از مشک است ۱۳۴
 مرگ به صورت کبش زیبا آورده می شود ۱۳۶
 اگر شما به درستی بر الله متعال توکل حقیقی داشتید، (الله متعال) به شما
 همانند پرنده هایی که صبح با شکم خالی می روند و شب هنگام با شکم پر
 بر می گردند رزق و روزی می داد ۱۳۸
 نِعْمَتَانِ مَغْبُونٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ: الصَّحَّةُ وَالْفِرَاقُ. «بسیاری از مردم درباره
 ی دو نعمت زیان می بینند (و آنگونه که باید از آنها استفاده نمی کنند):
 تندرستی و فراغت ۱۳۹
 يُسَلِّمُ الرَّاکِبُ عَلَى الْمَاشِي، وَالْمَاشِي عَلَى الْقَاعِدِ، وَالْقَلِيلُ عَلَى الْكَثِيرِ. ۱۴۲
 ای بندگانم، من ظلم را بر خویش حرام کرده ام و آن را هم در بین شما حرام
 کرده ام، پس به همدیگر ظلم نکنید ۱۴۳
 اتَّقُوا الظُّلْمَ، فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَاتَّقُوا الشُّحَّ، فَإِنَّ الشُّحَّ أَهْلَكَ مَنْ
 كَانَ قَبْلَكُمْ، ۱۴۷
 بی گمان که الله متعال به ستمگر مهلت می دهد، تا این که او را بگیرد پس
 او را رها نمی کند ۱۴۸

الله متعال نیکی ها و گناهان را نوشته است، سپس این را بیان نموده که هر
 کسی خواست نیکی کند ولی آن را انجام نداد، الله متعال آن نیکی را به
 صورت کامل در نزد خویش می نویسد، و اگر خواست نیکی کند و آن را
 انجام داد، الله متعال در نزد خویش ده نیکی تا هفتصد برابر یا بیشتر از آن می
 نویسد، و اگر خواست گناه کند ولی آن را انجام نداد، الله متعال در نزد خویش
 یک نیکی کامل می نویسد، و اگر خواست گناهی کند ولی آن را انجام داد
 الله متعال تنها یک گناه برای او می نویسد ۱۵۰

هر که در اسلام نیکوکاری کند برای آنچه در جاهلیت انجام داده است مؤاخذه
 نخواهد شد، و هر که در اسلام بدی کند برای آنچه در آغاز و پایان انجام داده
 است، بازخواست خواهد شد ۱۵۱

آنچه تو می گویی و به آن فرا می خوانی بی شک نیکو است، اگر بگویی که
 آنچه ما انجام داده ایم کفره ای دارد ۱۵۳

در حالی اسلام را پذیرفتی که از قبل کارهای نیک را انجام می دادی .. ۱۵۵

الله متعال در نیکی بر مؤمن ظلم نمی کند، در دنیا به او پاداش داده می شود
 و در آخرت نیز به او پاداش آن می رسد ۱۵۶

يَا اِبْنِ اٰدَمَ اِنَّكَ مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ عَلٰی مَا كَانَ مِنْكَ وَلَا اُبَالِي

..... ۱۵۷

بنده گناهی کرد و گفت: الهی گناهم را ببخش ۱۵۹

مَا مِنْ رَجُلٍ يُذْنِبُ ذَنْبًا، ثُمَّ يَقُومُ فَيَتَطَهَّرُ، ثُمَّ يُصَلِّي، ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، إِلَّا غَفَرَ
 اللَّهُ لَهُ ۱۶۲

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَسْطُرُ يَدُهُ بِاللَّيْلِ لِيَتُوبَ مُسِيءُ النَّهَارِ، وَيَسْطُرُ يَدُهُ بِالنَّهَارِ لِيَتُوبَ
 مُسِيءُ اللَّيْلِ، حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا: «اللَّهُ متعال در شب دستش را
 می گشاید تا توبه ی گنهکار روز را قبول کند، و در روز دستش را باز می کند
 تا توبه ی گنهکار شب را بپذیرد ۱۶۳»

پروردگار ما تبارک و تعالی در هر شب، هنگامی که یک سوم شب باقی می
 ماند، به آسمان دنیا نازل می شوند ۱۶۵»

حلال آشکار و حرام آشکار است ۱۶۶»

لَا تَسْبُوا أَصْحَابِي، فَلَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ أَنْفَقَ مِثْلَ أُخْدٍ ذَهَبًا مَا بَلَغَ مُدًّا أَحَدِهِمْ وَلَا
 نَصِيفَةً. «اصحاب مرا دشنام ندهید، زیرا اگر یکی از شما به اندازه ی کوه
 احد طلا انفاق کند، با یک یا نصف مدّی که اصحاب من انفاق می کنند،
 برابری نمی کند ۱۶۸»

ای جوان، من به تو سخنانی یاد می دهم: از (اوامر و نواهی) الله متعال
 محافظت کن، او نیز از تو محافظت می کند، از (اوامر و نواهی) الله متعال
 محافظت کن، او را همراه و یاری رسان خود می بینی، و اگر خواستی از الله
 بخواه، و اگر طلب کمک کردی، از الله طلب کمک کن ۱۶۹»

مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادِّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ، إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ
 عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى. «مثال مؤمنان در مودت و
 مهربانی و عطوفتی که با یکدیگر دارند مانند یک بدن هستند، که اگر عضوی
 از آن به درد آید، بقیه بدن با بی خوابی و تب با آن همراهی می کنند ۱۷۲»

کسی که به طریقهء خوب وضوء بگیرد، گناهایش از بدنش حتی از زیر
 ناخن هایش بیرون می آید ۱۷۳»

هُوَ الطَّهْرُ مَأْوُهُ الْحِلُّ مَيْتَتُهُ»، «آب دریا پاک است و (گوشت) مردهء آن حلال است ۱۷۴

إِذَا كَانَ الْمَاءُ قُلْتَيْنِ لَمْ يَحْمِلِ الْحَبْثَ». «آبی که به اندازه ی دو "قله" باشد، پلیدی را به خود نمی گیرد ۱۷۶

إِذَا أَتَيْتُمُ الْغَائِطَ، فَلَا تَسْتَقْبِلُوا الْقِبْلَةَ بِغَائِطٍ وَلَا بَوْلٍ، وَلَا تَسْتَدْبِرُوهَا، وَلَكِنْ شَرِّقُوا أَوْ غَرِّبُوا ۱۷۷

لَا يُمَسِّكَنَّ أَحَدُكُمْ ذَكَرَهُ يَمِينِهِ وَهُوَ يَبُولُ، وَلَا يَتَمَسَّحُ مِنَ الْخَلَاءِ يَمِينِهِ، وَلَا يَتَنَفَّسُ فِي الْإِنَاءِ»: «هیچ یکی از شما به هنگام ادرار، نه با دست راست آلت تناسلی خود را بگیرد و نه با آن استنجا کند. همچنین هنگام آب نوشیدن، در ظرف آب تنفس نکند ۱۷۸

إِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ مَنَامِهِ فَتَوَضَّأَ فَلْيَسْتَنْثِرْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَبِيتُ عَلَى خِيَاشِيمِهِ». «هنگامی که یکی از شما از خواب بیدار شد و قصد وضو گرفتن داشت، سه بار آب در بینی کند و آن را بشوید چون شیطان شب را در خیشوم (آخر بینی) او می گذراند ۱۷۹

رسول الله صلی الله علیه وسلم با یک صاع تا پنج مد غسل می کردند، و با یک مد وضو می گرفتند ۱۸۰

لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ أَحَدِكُمْ إِذَا أَحْدَثَ حَتَّى يَتَوَضَّأَ» یعنی: «الله نماز یکی از شما را که بی وضو شده نمی پذیرد، تا آنکه وضو کند ۱۸۲

وَبِلِّ لِلْأَعْقَابِ مِنَ النَّارِ أَسْبَغُوا الْوُضُوءَ». «وای از عذاب دوزخ بر پشت پاهایی که هنگام وضوء گرفتن خوب شسته نمی شود، خوب وضوء بگیرید ۱۸۴

پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگام هر نمازی ۱۸۶

پیامبر صلی الله علیه وسلم یک بار یک بار وضو گرفتند. (یعنی هر عضو را یک بار شستند) ۱۸۷.....

پیامبر صلی الله علیه وسلم وضو نمود [و هر عضو را] دو بار دو بار [شست] ۱۸۷.....

هر کسی مانند این وضوی من وضوء گرفت، سپس دو رکعت نماز خواند و در آنها با خود سخن نگفت، گناهان گذشته‌اش بخشیده خواهد شد..... ۱۸۸.....

إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فَلْيَجْعَلْ فِي أَنْفِهِ ثَمَّ لِيَنْثُرَ، وَمَنْ اسْتَجَمَرَ فَلْيُوَيِّرْ..... ۱۹۱.....
إِنَّهُمَا لَيُعَذَّبَانِ، وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ، أَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنَ الْبَوْلِ، وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ..... ۱۹۳.....

مسواک پاک کننده دهان و باعث رضایت و خشنودی پروردگار است ۱۹۶
رسول الله صلی الله علیه وسلم هر وقت شب که از خواب برمی خاست، دهانش را مسواک می زد..... ۱۹۷.....

لَوْلَا أَنْ أَشَقُّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ -أَوْ: عَلَى أُمَّتِي- لَأَمَرْتُهُمْ بِالسَّوَاكِ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ.
«اگر بر مومنان -و یا بر امتم- دشوار نمی شد، به آنها دستور می دادم برای هر نماز مسواک بزنند..... ۱۹۸.....

حَقُّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَغْتَسِلَ فِي كُلِّ سَبْعَةِ أَيَّامٍ يَوْمًا، يَغْسِلُ فِيهِ رَأْسَهُ وَجَسَدَهُ». «این حقی است بر عهده هر مسلمان که در هر هفت روز غسل کند که در آن سرش و بدنش را بشوید..... ۱۹۹.....

امور فطری پنج هست : ختنه (سنت نمودن) ، برداشتن موهای عورت ، کوتاه کردن بروت ها ، کوتاه کردن ناخن ، و کندن موهای زیر بغل ۲۰۰.....

من مردی بودم که بسیار مزی از من خارج می شد و به دلیل جایگاه دختر پیامبر صلی الله علیه وسلم [و اینکه داماد ایشان بودم] شرم می کردم که در این باره از ایشان بپرسم، پس مقداد بن اسود را امر کردم که از ایشان سؤال کنند، پس فرمودند: «يَغْسِلُ ذَكَرَهُ وَيَتَوَضَّأُ..... ٢٠٢»

رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه غسل جنابت می کردند دست خود را می شستند و وضوی نماز را انجام می دادند سپس غسل می کرد ٢٠٣

برایت کافی بود که با دستانت چنین کنی» سپس دستانش را یک بار بر زمین زده و سپس با دست چپ، دست راست و پشت دستان و چهره اش را مسح کرد ٢٠٥

دَعَهُمَا فَإِنِّي أَدْخَلْتُهُمَا طَاهِرَتَيْنِ..... ٢٠٦

إِنَّ ذَلِكَ عَرَقٌ، وَلَكِنْ دَعِيَ الصَّلَاةَ قَدَرِ الْأَيَّامِ الَّتِي كُنْتَ تَحِيضِينَ فِيهَا، ثُمَّ اغْتَسَلِي وَصَلِّيْ» یعنی: «خیر، این خون [ناشی از پارگی] رگ است، اما نماز را به اندازه روزهایی که در آن حیض می شدی ترک کن، سپس غسل کن و نماز را بجا آور ٢٠٨

إِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ فِي بَطْنِهِ شَيْئًا، فَاشْكَلَ عَلَيْهِ أَخْرَجَ مِنْهُ شَيْءًا أَمْ لَا، فَلَا يَخْرُجَنَّ مِنَ الْمَسْجِدِ حَتَّى يَسْمَعَ صَوْتًا، أَوْ يَجِدَ رِيحًا». «اگر کسی از شما در شکمش چیزی را احساس کرد و برایش سوال پیش آمد که آیا چیزی از او خارج شده یا نه، از مسجد بیرون نیاید تا آنکه صدایی بشنود یا بویی احساس کند ... ٢١٠

إِذَا شَرِبَ الْكَلْبُ فِي إِثْنَاءِ أَحَدِكُمْ فَلْيَغْسِلْهُ سَبْعًا..... ٢١١

إِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، فَقَالَ أَحَدُكُمْ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ..... ٢١٢

هرگاه صدای مؤذن را شنیدید مانند آنچه می گوید را بگوئید، سپس بر من درود بفرستید..... ۲۱۴

مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ الْمُؤَذِّنَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ». «هرکه هنگام شنیدن صدای مؤذن بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا (گواهی می دهم که معبودی نیست جز الله که یگانه و بی شریک است و به اینکه محمد بنده و فرستاده اوست. به الله به عنوان پروردگار، و به محمد به عنوان پیامبر، و به اسلام به عنوان دین خشنود شدم) گناهش برای او آمرزیده می شود..... ۲۱۶

الدَّعَاءُ لَا يُرَدُّ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ». «دعای بین اذان و اقامه رد نمی شود ۲۲۰
آیا ندای - اذان - نماز را می شنوی؟"، گفت: بله، فرمودند: "پس اجابت کن..... ۲۲۱

أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ نَهْرًا بَبَابِ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ فِيهِ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسًا، مَا تَقُولُ ذَلِكَ يُبْقِي مِنْ دَرْنِهِ؟..... ۲۲۲

مَا مِنْ امْرِئٍ مُسْلِمٍ تَحَضَّرَهُ صَلَاةٌ مَكْتُوبَةٌ فَيُحْسِنُ وُضُوءَهَا وَخُشُوعَهَا وَرُكُوعَهَا، إِلَّا كَانَتْ كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهَا مِنَ الذُّنُوبِ، مَا لَمْ يُؤْتَ كَبِيرَةٌ، وَذَلِكَ الدَّهْرُ كُلُّهُ». «مسلمانی نیست که وقت نماز فرضش فرا رسد و به نیکی وضو و خشوع و رکوعش را انجام دهد، مگر آنکه کفارۀ گناهان پیش از آن خواهد بود؛ اگر مرتکب کبیره نشده باشد، و این [برای] همه سال است..... ۲۲۵

نمازهای پنجگانه، جمعه تا جمعه، و رمضان تا رمضان، کفاره آنچه بین آنهاست می باشد، در صورتی که از گناهان کبیره اجتناب شود ۲۲۶

الصَّلَاةَ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۲۲۷

مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ، وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ، وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ». «فرزندان را در هفت سالگی به نماز امر کنید و در ده سالگی برای نماز بزنید و محل خواب آنان را از هم جدا کنید .. ۲۲۸

الله متعال فرمود: نماز را بین خودم و بندهام به دو نیم تقسیم کرده‌ام و برای بندهام هر آن چیزی است که بخواهد ۲۲۹

إِنَّ الْعَهْدَ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ، فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ». «پیمانی که میان ما و آنهاست نماز است؛ پس هر که ترکش کرد کافر شده است ۲۳۰

إِنَّ بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشُّرْكِ وَالْكَفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ». «میان شخص و شرک و کفر، ترک نماز است ۲۳۱

یا بلالُ، أَقِمِ الصَّلَاةَ، أَرَحْنَا بِهَا». «ای بلال، نماز را اقامه کن، ما را با آن راحت کن ۲۳۲

اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ ۲۳۳

که رسول الله صلی الله علیه وسلم در آغاز نماز ۲۳۴

لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ». «کسی که فاتحه کتاب (سوره فاتحه) را تلاوت نکند، نماز او درست نمی شود ۲۳۵

ارْجِعْ فَصَلِّ، فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ ۲۳۶

قسم به آنکه جانم به دست اوست، نماز من شبیه‌تر از شما به نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم است، این نماز او بود تا آنکه از دنیا رفت ۲۴۲

أُمِرْتُ أَنْ أَسْجُدَ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظُمٍ ۲۴۴

أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الرَّبُّ مِنَ الْعَبْدِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْآخِرِ ۲۴۵

إِنَّكُمْ سَتَرُونَ رَبَّكُمْ كَمَا تَرَوْنَ هَذَا الْقَمَرَ، لَا تَصَامُونَ فِي رُؤْيَيْهِ ۲۴۷

رسول الله صلی الله علیه وسلم در دو رکعت سنت صبح ﴿قل يا أيها الكافرون﴾ و ﴿قل هو الله أحد﴾ را می خواندند ۲۴۸

مَنْ صَلَّى الْبُرْدَيْنِ دَخَلَ الْجَنَّةَ. «هرکس نماز صبح و عصر را بخواند، وارد بهشت می شود» ۲۴۹

کسی که نماز فجر را ادا نماید در پناه و حمایت الله است ۲۵۰

هر کسی نماز عصر را ترک کند، عملش باطل است ۲۵۱

کسی که نمازی را فراموش کرد، هرگاه به یادش آورد ادایش کند، و [این کارش] کفاره‌ای جز این ندارد ۲۵۲

إِنَّ أَثْقَلَ صَلَاةٍ عَلَى الْمُتَافِقِينَ صَلَاةُ الْعِشَاءِ وَصَلَاةُ الْفَجْرِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِيهِمَا لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبَوًّا ۲۵۳

رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه از رکوع برمی خاست می فرمود: «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» ۲۵۵

چون خواستید نماز بگزارید صف‌های خود را [به نیکی] برپا دارید و سپس یکی از شما امامت شما را بر عهده گیرد و چون تکبیر گوید، تکبیر گوید ۲۵۸

رسول الله صلى الله عليه و سلم در حالی که کف دستم بین دو کف دستانش بود، آنچنان به من تشهد آموخت که سوره‌ای از قرآن می‌آموخت..... ۲۶۳
اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ عَذَابِ النَّارِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا
وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ..... ۲۶۶

تو باید برای الله متعال زیاد سجده کنی، چون تو برای الله یک سجده نمی کنی، مگر این که او یک درجه تو را بالا برده، و یک گناه را از تو دور می کند..... ۲۶۷

در حضور غذا، و برای کسی که جلوی خروج ادرار و مدفوع را گرفته، نماز نیست..... ۲۶۹

ذَٰكَ شَيْطَانٌ يُقَالُ لَهُ خِنْزِيرٌ، فَإِذَا أَحْسَسْتَهُ فَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْهُ، وَاتَّقِلْ عَلَى يَسَارِكَ
ثَلَاثًا..... ۲۶۹

أَمَّا يَخْشَى أَحَدُكُمْ - أَوْ: لَا يَخْشَى أَحَدُكُمْ - إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ قَبْلَ الْإِمَامِ، أَنْ يَجْعَلَ
اللَّهُ رَأْسَهُ رَأْسَ حِمَارٍ، أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ صُورَتَهُ صُورَةَ حِمَارٍ. «آیا یکی از شما بیم
نمی برد - یا یکی از شما نمی ترسد که - اگر سرش را پیش از امام بردارد الله سر
او را به سر الاغ تبدیل کند یا چهره اش را به چهره الاغ تبدیل نماید؟... ۲۷۲

إِذَا شَكَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ، فَلَمْ يَدْرِ كَمْ صَلَّى ثَلَاثًا أَمْ أَرْبَعًا؟ فَلْيَطْرِحِ الشَّكَّ
وَلْيَبْنِ عَلَى مَا اسْتَيْقَنَ، ثُمَّ يَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ يُسَلِّمَ..... ۲۷۳

که رسول الله صلى الله عليه وسلم مردی را دید که تک و تنها در پشت صف (به همراه جماعت) نماز می خواند، پس به وی دستور دادند تا دوباره نماز بخواند..... ۲۷۵

خَيْرُ يَوْمٍ طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ يَوْمُ الْجُمُعَةِ..... ۲۷۷

مَنْ اغْتَسَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ غُسْلَ الْجَنَابَةِ، ثُمَّ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الْأُولَى فَكَأَنَّمَا قَرَّبَ بَدَنَهُ..... ۲۷۹

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ..... ۲۸۱
رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم این ذکر را بعد از هر نماز به جهر می خواندند..... ۲۸۲

پیامبر صلى الله عليه وسلم در پی هر نماز فرض..... ۲۸۵
مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَحَمِدَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَكَبَّرَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، فَتِلْكَ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ، وَقَالَ: تَمَامَ الْمِائَةِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، غُفِرَتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ: «هرکس پس از هر نمازی، سی و سه بار سبحان الله، سی و سه بار الحمد لله و سی و سه بار الله اکبر بگوید، که اینها نود و نه می شود، و برای تکمیل شدن صد "لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير" بگوید، گناهانش آمرزیده می شود، اگرچه مانند کف دریا (فراوان) باشد..... ۲۸۶

مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ لَمْ يَمْنَعْهُ مِنْ دُخُولِ الْجَنَّةِ إِلَّا أَنْ يَمُوتَ». «هرکس آیه الکرسی را پس از هر نماز فرض بخواند، چیزی مانع وارد شدن وی به بهشت نمی شود جز اینکه بمیرد..... ۲۸۸

از پیامبر صلى الله عليه وسلم ده رکعت را به یاد دارم..... ۲۸۹
که رسول الله صلى الله عليه وسلم چهار رکعت قبل از نماز ظهر و دو رکعت قبل از نماز صبح را ترک نمی کرد..... ۲۹۰

إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمُ الْمَسْجِدَ فَلْيَرْكَعْ رَكَعَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ يَجْلِسَ» یعنی: «اگر یکی از شما وارد مسجد شد، پیش از آنکه بنشیند دو رکعت نماز بگزارد..... ۲۹۲

اگر به هم نشینت در روز جمعه در حالی که امام خطبه می خواند گفتی: گوش فرا بده، مرتکب لغو شده ای..... ۲۹۳

ایستاده نماز بخوان، اگر نتوانستی نشسته بخوان و اگر نتوانستی بر پهلو بخوان..... ۲۹۴

صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ» یعنی: «یک نماز در این مسجد من بهتر از هزار نماز در دیگر مساجد است، جز مسجد الحرام..... ۲۹۵

هرکه برای الله مسجدی بسازد، الله برای او در بهشت همانند آن خواهد ساخت..... ۲۹۶

مَا مِنْ صَاحِبٍ ذَهَبٍ، وَلَا فِضَّةٍ، لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صُفِّحَتْ لَهُ صَفَائِحُ مِنْ نَارٍ..... ۲۹۷

هیچ صدقه ای مال را کم نمی کند، و یقیناً الله در برابر گذشت بنده اش، عزت او را زیاد می دهد، و هرکس به خاطر الله تواضع و فروتنی نماید، الله عزوجل مرتبه اش را بلند می گرداند..... ۳۰۴

الله متعال فرمود: ای پسر آدم انفاق و خرچ کن تا من بر تو انفاق کنم..... ۳۰۵

هرگاه شخص (مسلمان) به نیت اجر و پاداش بر اهل و خانواده ی خود انفاق کند، نفقه ی او صدقه محسوب می شود..... ۳۰۶

إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ: إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ». «هرگاه انسان بمیرد تمام اعمالش قطع

می‌شود بجز سه مورد: صدقه جاریه، و علمی که سود می‌رساند، و یا فرزند صالحی که برای او دعا کند ۳۰۷

الْوَرَقُ بِالذَّهَبِ رَبًّا، إِلَّا هَاءَ وَهَاءَ، وَالْبُرُّ بِالْبُرِّ رَبًّا، إِلَّا هَاءَ وَهَاءَ، وَالشَّعِيرُ بِالشَّعِيرِ رَبًّا، إِلَّا هَاءَ وَهَاءَ، وَالتَّمَرُ بِالتَّمَرِ رَبًّا، إِلَّا هَاءَ وَهَاءَ. «فروش طلا در برابر طلا ربا است مگر اینکه دست به دست باشد؛ و فروش گندم در برابر گندم ربا است مگر اینکه دست به دست باشد؛ و فروش جو در برابر جو ربا است مگر اینکه دست به دست باشد، و فروش خرما در برابر خرما ربا است مگر اینکه دست به دست باشد ۳۰۹

رسول الله صلی الله علیه و سلم زکات فطر را بر مرد و زن، آزاد و برده، کودک و بزرگ مسلمان از هر نفر یک صاع خرما یا جو واجب نمودند، و امر نمودند که باید قبل از رفتن مردم برای ادای نماز عید پرداخته شود ۳۱۲

يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَفْشُوا السَّلَامَ وَصَلُّوا الْأَرْحَامَ، وَأَطْعِمُوا الطَّعَامَ، وَصَلُّوا بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ، تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ». «ای مردم، سلام گفتن را رواج دهید، و پیوند خویشاوندی را به جای آورید، و غذا بدهید، و شب هنگام، درحالی که مردم خوابیده اند، نماز بخوانید تا به سلامتی (بدون هیچ رنجی) وارد بهشت شوید ۳۱۳

ای مردم، الله پاک است و فقط پاکیزه را می‌پذیرد، الله به مؤمنان همان دستوری را داده که به پیامبران داده است ۳۱۵

هر کسی به قرضدار دست تنگ مهلت داد، یا از قرض او کم کرد، الله متعال او را در روز قیامت زیر سایه عرش خود قرار می‌دهد، روزی که هیچ سایه‌ای بجز سایه او تعالی نیست ۳۱۸

الله رحمت کند مرد آسانگیری را که هرگاه بفروشد و بخرد و مطالبه کند ۳۱۹
 مردی به مردم قرض می داد و به غلام خود می گفت: اگر نزد کسی رفتی که
 در وضعیت دشوار قرار دارد از او در گذر، شاید الله متعال از ما در گذرد. ۳۲۰
 مردانی هستند که بدون حق در مال الله دست می برند، برای آنان در روز
 قیامت آتش (دوزخ) است ۳۲۱
 قَالَ اللَّهُ - عز وجل -: كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلَّا الصَّيَّامَ، فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ
 ۳۲۲
 کسی که رمضان را از روی ایمان و به امید ثواب روزه بگیرد، گناهان قبلی او
 بخشیده می شود ۳۲۶
 إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَابًا يُقَالُ لَهُ: الرِّيَّانُ، يَدْخُلُ مِنْهُ الصَّائِمُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، لَا يَدْخُلُ
 مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ ۳۲۶
 إِذَا جَاءَ رَمَضَانُ فَتُحْتَفَّتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ، وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ، وَصُفِّدَتِ
 الشَّيَاطِينُ. «آنگاه که رمضان فرا می رسد، دروازه های بهشت گشوده و
 دروازه های دوزخ بسته می گردد و شیطان ها به زنجیر کشیده می شوند ۳۲۸
 مَنْ نَسِيَ وَهُوَ صَائِمٌ، فَأَكَلَ أَوْ شَرِبَ، فَلْيُتِمَّ صَوْمَهُ، فَإِنَّمَا أَطَعَمَهُ اللَّهُ وَسَقَاهُ». «هرکس روزه داشت و از روی فراموشی چیزی خورد یا نوشید، روزه اش را کامل
 کند که الله به او غذا و آب داده است ۳۲۹
 که پیامبر الله صلی الله علیه وسلم تا زنده بودند، ده روز آخر ماه رمضان را
 اعتکاف می کردند، و بعد از وفات ایشان، همسرانش این ده روز را به اعتکاف
 می نشستند ۳۳۱

چنانکه رسول الله صلى الله عليه وسلم در دهه ی پایانی رمضان برای عبادت
 کوشش می کردند، در وقت دیگری آن همه تلاش نمی کردند..... ۳۳۲

هنگامی که دهه ی پایانی ماه رمضان فرا می رسید، رسول الله صلى الله عليه
 وسلم شب را به عبادت سپری می کرد، و خانواده اش را بیدار می نمود، و
 کمرش را محکم می بست ۳۳۳

مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بَعَدَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ سَبْعِينَ خَرِيفًا. «هرکس یک
 روز در راه الله روزه بگیرد، الله متعال رویش را به اندازه ی مسافت هفتاد خزان
 (سال) از جهنم دور می کند ۳۳۴

أَوْصَانِي خَلِيلِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِثَلَاثٍ: صِيَامِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ،
 وَرَكْعَتَيِ الضُّحَى، وَأَنْ أُوتِيَ قَبْلَ أَنْ أُنَامَ. دوست عزیزم صلى الله عليه وسلم مرا
 به روزه ی سه روز از هر ماه، و دو رکعت نماز چاشت، و خواندن نماز وتر قبل
 از آن که بخوابم سفارش فرمودند..... ۳۳۵

تَسَحَّرُوا؛ فَإِنْ فِي السَّحُورِ بَرَكَةٌ. «سحری بخورید که در سحری خوردن برکت
 است ۳۳۶

روز عید همراه عمر بن خطاب رضی الله عنه بودم که گفت: رسول الله صلى
 الله عليه وسلم از روزه گرفتن این دو روز نهی کرده اند: روز عید فطر که روزه
 به پایان می رسد و روز دیگری که در آن از قربانی تان می خورید. (عید قربان)
 ۳۳۷

کسی که شب قدر را از روی ایمان، و به امید ثواب زنده سپری کرد، گناهان
 گذشته وی بخشیده می شود ۳۴۰

کسی که برای رضای الله متعال حج کند و آمیزش جنسی نکند و مرتکب گناهی نشود، مانند روزی که مادرش او را به دنیا آورده، برمی گردد..... ۳۴۱

تَابِعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ كَمَا يَنْفِي الْكِبَرُ حَبَثَ الْحَدِيدِ، وَالذَّهَبِ، وَالْفِضَّةِ، وَلَيْسَ لِلْحَجَّةِ الْمَبْرُورَةِ ثَوَابٌ إِلَّا الْجَنَّةُ. « حج و عمره را پیهم ادا نمایید، چون فقر و گناه را از بین می برد، همان گونه که کوره آلودگی ها را از آهن و طلا و نقره می زداید، و برای حج قبول شده پاداشی جز بهشت نیست ۳۴۲

رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین لبیک می گفت: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ ۳۴۳

هیچ روزهای نیست که عمل صالح نزد الله متعال محبوبتر از این روزها نباشد. یعنی ده روز..... ۳۴۵

جَاهِدُوا الْمُشْرِكِينَ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَأَلْسِنَتِكُمْ. « با مال و جان و زبان تان با مشرکان جهاد کنید..... ۳۴۷

دَعْ مَا يَرِيكَ إِلَى مَا لَا يَرِيكَ، فَإِنَّ الصَّدَقَ طُمَأْنِينَةٌ، وَإِنَّ الْكَذِبَ رِيَّةٌ. « آنچه درباره ی (درست بودن) آن شک داری، رها کن و به کاری پرداز یا به چیزی روی بیاور که درباره اش شک نداری، زیرا راستگویی اطمینان است، و دروغ شک و تردید است ۳۴۸

إِنَّ اللَّهَ تَجَاوَزَ عَنْ أُمَّتِي عَمَّا حَدَّثَتْ بِهِ أَنْفُسَهَا، مَا لَمْ تَعْمَلْ بِهِ أَوْ تَكَلَّمْ. «الله از وسوسه هایی که در دل های امت من می گذرد، تا زمانی که آن را عملی نکرده یا بر زبان نیاورده اند، گذشت کرده است ۳۴۹

الله متعال به چهره ها، و اموال شما نگاه نمی کند، بلکه به قلب ها و اعمال
 شما می نگرد ۳۵۰
 إِنَّ اللَّهَ يَعَارُ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَعَارُ، وَغَيْرُهُ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ الْمُؤْمِنُ مَا حَرَّمَ عَلَيْهِ: یعنی:
 «الله به غیرت می آید و بنده به غیرت می آید، و غیرت الله [این است] که
 مؤمن آنچه بر او حرام ساخته را انجام دهد..... ۳۵۲
 از هفت چیز هلاک کننده بپرهیزد ۳۵۲
 أَلَا أُنبِئُكُمْ بِأكْبَرِ الْكِبَائِرِ؟ ۳۵۴
 گناهان کبیره (عبارتند از): شرک ورزیدن به الله، نافرمانی پدر و مادر، قتل
 نفس، و سوگند دروغ ۳۵۶
 أَوَّلُ مَا يُفْضَى بَيْنَ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الدِّمَاءِ» یعنی: «نخستین چیزی که در
 روز قیامت درباره آن قضاوت می شود، در [مسئله] خون است ۳۵۸
 مَنْ قَتَلَ مُعَاهِدًا لَمْ يَرِحْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ، وَإِنْ رِيحَهَا تَوَجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَرْبَعِينَ
 عَامًا». «هر کسی مُعَاهِدی را به قتل برساند بوی بهشت را احساس نمی کند،
 هر چند که بوی آن از مسافه چهل سال به مشام می خورد ۳۵۸
 قطع کننده پیوند خویشاوندی وارد بهشت نمی شود ۳۵۹
 هر کی دوست دارد رزق وی افزایش یابد، و اجل وی به تأخیر بیافتد، پس صله
 ی رحمی کند ۳۶۰
 کسی که پیوند خویشاوندی را طوری رعایت کند که دیگران با او رعایت می
 کنند، پیوند دهنده واقعی نیست، بلکه پیوند دهنده واقعی کسی است که
 پیوند خویشاوندی با وی قطع شود ولی او آن را بپیوندد ۳۶۱

آیا می دانید غیبت چیست؟" گفتند: الله و رسولش آگاه ترند، فرمودند: "یاد کردن برادرت به آنچه که برایش ناخوشایند است ۳۶۴

كُلُّ مُسْكِرٍ خَمْرٌ، وَكُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ، وَمَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فِي الدُّنْيَا فَمَاتَ وَهُوَ يُدْمِنُهَا لَمْ يَتُبْ، لَمْ يَشْرِبْهَا فِي الْآخِرَةِ: «هر مست کننده ای خمر و شراب است و حرام؛ و هرکس در دنیا خمر و شراب بنوشد و درحالی بمیرد که معتاد به آن باشد و توبه نکند، در آخرت از آن نمی نوشد ۳۶۵

لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّاشِيَّ وَالْمُرْتَشِيَّ فِي الْحُكْمِ. رسول الله صلى الله عليه وسلم رشوه دهنده و رشوه گیرنده در قضاوت را لعنت نموده است ۳۶۷

لَا تَحَاسَدُوا، وَلَا تَنَاجَشُوا، وَلَا تَبَاغَضُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، وَلَا يَبِغْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا ۳۶۸

إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ؛ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ ۳۷۱

کسی که سخن چینی می کند وارد بهشت نمی شود..... ۳۷۳

كُلُّ أُمَّتِي مُعَافَى إِلَّا الْمُجَاهِرِينَ، وَإِنَّ مِنَ الْمُجَاهِرَةِ أَنْ يَعْمَلَ الرَّجُلُ بِاللَّيْلِ عَمَلًا، ثُمَّ يُصْبِحَ وَقَدْ سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ، فَيَقُولَ: يَا فُلَانُ، عَمِلْتُ الْبَارِحَةَ كَذَا وَكَذَا، وَقَدْ بَاتَ يَسْتُرُهُ رَبُّهُ، وَيُصْبِحُ يَكْشِفُ سِتْرَ اللَّهِ عَنْهُ» «همه امت من مورد عفو هستند جز مجاهران ۳۷۴

ای مردم، الله تکبر و نخوت جاهلیت و فخر فروشی آنان به پدران را از میان برداشته است ۳۷۵

منفورترین انسان نزد الله متعال کسی است که همیشه جنگنده سرسخت باشد ۳۷۷

هرگاه دو مسلمان با شمشیرهای شان در برابر همدیگر قرار گیرند، قاتل و مقتول در آتش (دوزخ) خواهند بود ۳۷۸

مَنْ حَمَلَ عَلَيْنَا السَّلَاحَ فَلَيْسَ مِنَّا» یعنی: «کسی که علیه ما سلاح بردارد از ما نیست ۳۷۹

مردگان را دشنام ندهید، زیرا آنان به عملکردهای خویش رسیده اند ۳۸۰

جایز نیست که مرد بیش از سه شب برادر خود را ترك سخن کند، طوری که وقتی به هم روبرو می شوند این روی بر می گرداند، و او روی بر می گرداند، و بهترین آنان کسی است که آغاز به سلام کردن می کند ۳۸۱

کسی که بین دو فک (الاشه) و بین دو پایش را برای من تضمین کند، بهشت را برای او تضمین می کنم ۳۸۲

لَا تُسَافِرِ الْمَرْأَةُ مَسِيرَةَ يَوْمَيْنِ إِلَّا وَمَعَهَا زَوْجُهَا أَوْ ذُو مَحْرَمٍ ۳۸۳

بعد از درگذشت من زیان بارترین فتنه را برای مردان به اندازه فتنه زنان نماندم ۳۸۶

يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ، مَنِ اسْتَطَاعَ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ؛ فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصَرِ وَأَخْصَنُ لِلْفَرْجِ، وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ؛ فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءٌ». «ای گروه جوانان کسی که توانایی ازدواج کردن دارد، ازدواج کند، زیرا باعث حفاظت چشم و شرمگاه می شود، و کسی که توانایی ازدواج را ندارد، روزه بگیرد، چون گرفتن روزه، شهوت را ضعیف و کنترل می کند ۳۸۷

إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ خَصِرَةٌ، وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلِفُكُمْ فِيهَا، فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ، فَاتَّقُوا الدُّنْيَا وَاتَّقُوا النَّسَاءَ ۳۸۸

لَا نِكَاحَ إِلَّا بِوَلِيِّ». "ازدواج بدون موجودیت سرپرست درست نیست ۳۹۸

أَيُّمَا امْرَأَةٍ نَكَحَتْ بِغَيْرِ إِذْنِ مَوْلِيهَا، فَنِكَاحُهَا بَاطِلٌ - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - فَإِنْ دَخَلَ بِهَا
فَالْمَهْرُ لَهَا بِمَا أَصَابَ مِنْهَا، فَإِنْ تَشَاجَرُوا فَالْسلْطَانُ وَلِيُّ مَنْ لَا وَلِيَ لَهُ. «هر
زنی که بدون اجازه ی اولیایش ازدواج کند، نکاح و ازدواجش باطل است. -
و این جمله را سه بار فرمودند- و اگر کسی که با این زن ازدواج کرده، با وی
همبستر شود و جماع کند، به این سبب مهریه به زن تعلق می گیرد؛ و اگر
اولیای زن در مورد ازدواج وی دچار اختلاف شوند، حاکم (یا نایبان او) ولی
کسی است که ولی ندارد ۳۹۹
مَلْعُونٌ مَنْ أَتَى امْرَأَتَهُ فِي دُبْرِهَا. «مردی که با همسرش در دبرش جماع کند،
لعنت کرده شده است ۴۰۱
همانا سزاوارترین شروطی که باید به آنها پایبند بود: شروطی است که با آنها
زنان را برای خود حلال ساختید ۴۰۲
دنیا متاع است؛ و بهترین متاع دنیا زن نیکوکار است ۴۰۳
از رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره ی نگاه ناگهانی و ناخواسته پرسیدم؛
پس مرا امر فرمودند که چشمم را برگردانم ۴۰۴
رسول الله صلی الله علیه وسلم دو قوچ شاخ دار با رنگ آمیخته ی سفید و سیاه
قربانی کردند، بسم الله و الله اکبر گفتند و پایش را بر یک طرف گردن آنها
گذاشته و به دست خود آنها را ذبح نمودند ۴۰۵
إِزْرَةُ الْمُسْلِمِ إِلَى نَصْفِ السَّاقِ، وَلَا حَرَجَ - أَوْ لَا جُنَاحَ - فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْكَعْبَيْنِ،
فَمَا كَانَ أَسْفَلَ مِنَ الْكَعْبَيْنِ فَهُوَ فِي النَّارِ، وَمَنْ جَرَّ إِزَارَهُ بَطْرًا لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ. «
شلوار مسلمان تا نصف ساق است و مانع یا گناهی ندارد که بین ساق و
قوزک باشد و پایین تر از قوزک - چنانچه با شلوار پوشیده شود - در آتش است

و الله به کسی که شلوار (لُنگ) خود را از روی تکبر بر زمین بکشد، نگاه نمی کند ۴۰۷.....

لَا تَلْبَسُوا الْحَرِيرَ وَلَا الدِّيَّاجَ، وَلَا تَشْرَبُوا فِي آيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَلَا تَأْكُلُوا فِي صَحَافِهَا، فَإِنَّهَا لَهُمْ فِي الدُّنْيَا، وَلَكُمْ فِي الْآخِرَةِ: «ابریشم نرم و غلیظ را ننوشید و در ظرف های طلا و نقره چیزی ننوشید، و در کاسه های آنان نخورید، چون این ظروف (طلایی و نقره ی) برای آنها در دنیا و برای مان در آخرت است ۴۰۸.....

رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ: عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ، وَعَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ، وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَعْقِلَ». «قلم [ثبت و ضبط اعمال انسان توسط ملائکه] از سه نفر برداشته شده است: از کسی که خواب است تا بیدار شود، و از کودک تا اینکه به بلوغ برسد، و از دیوانه تا اینکه عاقل گردد ۴۰۹..... رسول الله - صلی الله علیه و سلم - از تراشیدن برخی از موهای سر و گذاشتن برخی دیگر، نهی کرده است ۴۱۱.....

الْحَلْفُ مَنْقَقَةٌ لِلْسَّلْعَةِ، مَمْحَقَةٌ لِلْكَسْبِ». «سوگند، وسیله ای برای بازار گرمی و فروش کالا است؛ اما برکنش را از میان می برد ۴۱۲..... بیروت ها را کوتاه کنید، و ریش را انبوه سازید ۴۱۴.....

لَا يَنْظُرُ الرَّجُلُ إِلَى عَوْرَةِ الرَّجُلِ، وَلَا الْمَرْأَةُ إِلَى عَوْرَةِ الْمَرْأَةِ. ۴۱۴..... همانا بهترین شما، خوش اخلاق ترین شماست ۴۱۶..... همانا مؤمن با اخلاق نیکو به مرتبه روزه دار و تهجد گزار می رسد ۴۱۷.....

کاملترین مؤمنان از لحاظ ایمان، بهترین آنان از لحاظ اخلاق می باشد، و برگزیده ترین شما کسی است که با زنان شان بهترین برخورد (اخلاق) می کنند..... ۴۱۸

از رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره آنچه مردم را بیشتر وارد بهشت می کند پرسیده شد، وی فرمودند: «ترس از الله و اخلاق نیکو..... ۴۱۹

رسول الله صلی الله علیه وسلم از لحاظ اخلاق بهترین مردم بود ۴۲۰

اخلاق پیامبر الله صلی الله علیه و آله و سلم قرآن بود..... ۴۲۱

رسول الله صلی الله علیه وسلم شروع کردن از سمت راست را در پوشیدن کفش، شانه کردن موها، وضو گرفتن و در همه ی کارهایش می پسندیدند ۴۲۲

الله نیکی را بر هر چیز مقرر داشته است ۴۲۴

همانا عدل کنندگان در نزد الله متعال بر منبرهای نورانی در سمت راست رحمان عز و جل قرار خواهند داشت، و هر دو ید (بلا کیف او) راست است ۴۲۵

در اسلام ایجاد کردن ضرر و رساندن ضرر به دیگران نیست، و هر کسی زیان آور باشد الله متعال او را زیان می رساند، و هر کسی سخت گیر باشد الله متعال با او سختی می نماید..... ۴۲۶

إِنَّمَا مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ وَجَلِيسِ الشُّوْءِ، كَحَامِلِ الْمِسْكِ، وَنَافِخِ الْكَبِيرِ، ۴۲۸

عصبانی مشو ۴۲۹

مرد قوی کسی نیست نیرومندان را بر زمین بیفکند، بلکه قوی کسی است که هنگام خشم خود را کنترل می کند ۴۳۰

أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا، وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ خَلَّةٌ مِنْهُمْ كَانَتْ فِيهِ خَلَّةٌ مِنْ نِفَاقٍ حَتَّى يَدْعَهَا: إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ». «هر کس این چهار خصلت را داشته باشد منافق خالص است، و هر کس برخی از آنها را داشته باشد، دارای برخی از نفاق می باشد تا این که آن را ترک کند: وقت حرف می زند دروغ گوید، و وقت پیمان ببندد خیانت کند، چون وعده بدهد، وعده شکنی کند، و چون جدال کند، ناسپاس و فحش گوید ۴۳۱

لَيْسَ الْمُؤْمِنُ بِالطَّعَّانِ وَلَا اللَّعَّانِ وَلَا الْفَاحِشِ وَلَا الْبَذِيءِ». مؤمن عیبگو و لعن کننده و فحشگو و فحش کردار و بدزبان نیست ۴۳۴

حیا جزء ایمان است ۴۳۵

اگر مردی برادر خود را دوست داشت، به او بگوید که او را دوست دارد ۴۳۶

هر نیکی صدقه است ۴۳۷

كُلُّ سَلَامَةٍ مِنَ النَّاسِ عَلَيْهِ صَدَقَةٌ ۴۳۸

مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۴۴۰

لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ عُمْرِهِ فَيَمَّا أَفْنَاهُ، وَعَنْ عِلْمِهِ فَيَمَّ فَعَلَّ، وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَ أَنْفَقَهُ، وَعَنْ جِسْمِهِ فَيَمَّ أَبْلَاهُ». «گام های بنده در روز قیامت جابجا می ماند تا آنکه درباره عمرش از او پرسیده شود که چگونه آن را به سر کرده است، و درباره علمش که چگونه به آن عمل کرده

است، و درباره مالش که از کجا به دست آورده است و در چه راهی خرجش کرده است، و درباره بدنش که در چه راهی آن را پیر کرده است..... ۴۴۳

السَّاعِي عَلَى الْأَرْمَلَةِ وَالْمُسْكِينِ، كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أَوْ الْقَائِمِ اللَّيْلَ الصَّائِمِ النَّهَارَ» یعنی: «تلاش کننده بر بیوه زن و یتیم مانند مجاهد در راه الله یا کسی است که شب را به عبادت می ایستد و روز را روزه می شود..... ۴۴۵

کسی که به الله و روز آخرت ایمان دارد سخن خیر بگوید یا سکوت کند..... ۴۴۶

هیچ چیزی از نیکوئی را ناچیز مشمار، حتی اگر برادرت را با چهره ای بشاش ملاقات کنی..... ۴۴۷

عَلَيْكُمْ بِالصَّدَقِ، فَإِنَّ الصَّدَقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ، وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ..... ۴۴۸

کسی که بالای مردم رحم نمی کند، الله متعال به او رحم نخواهد کرد..... ۴۵۰

الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ، ارْحَمُوا أَهْلَ الْأَرْضِ يَرْحَمَكُمُ مَنْ فِي السَّمَاءِ».

«کسانی که مهربان هستند، الله مهربان به آنان رحم خواهد کرد، به اهل زمین رحم کنید، آنکه در آسمان است به شما رحم خواهد کرد..... ۴۵۱

الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ، وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ». «مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او در امان باشند، و مهاجر آن است آنچه را که الله متعال از آن نهی کرده ترک نماید..... ۴۵۲

حق مسلمان بر مسلمان پنج است: جواب سلام، عیادت بیمار، شرکت در تشییع جنازه ها، اجابت دعوت، و جواب دادن عطسه کننده..... ۴۵۳

لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا، وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا، أَوَلَا أَدْلُكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفَشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ» یعنی: «به بهشت وارد نمی شوید تا

آنکه ایمان بیاورید، و ایمان نمی‌آورد تا آنکه همدیگر را دوست بدارید؛ آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که اگر انجامش دهید، بین شما محبت رخ دهد؟ سلام را میان خویش آشکار سازید ۴۵۵

أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَا يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا، وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ؟ ۴۵۷

الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ، خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ، وَفِي كُلِّ خَيْرٍ، ۴۶۰

جبرئیل در مورد همسایه مرا نصیحت می‌کرد، تا اینکه گمان بردم که از او میراث می‌برد ۴۶۵

هر کس از آبروی برادرش دفاع کند، الله متعال در روز قیامت آتش را از روی او بازمی‌گرداند ۴۶۶

لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ، حَتَّىٰ يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ. «هیچ یک از شما ایمان نمی‌برد تا این که برای برادر خود دوست بدارد آن چه را که برای خود دوست می‌دارد ۴۶۷

همانا مهربانی و نرمی در هیچ چیز نمی‌باشد مگر اینکه آن را زیبا می‌سازد، و از هیچ چیزی دور نمی‌شود مگر آن چیز را معیوب می‌نماید ۴۶۸

إِنَّ الدِّينَ يُسْرٌ، وَلَنْ يَشَادَّ الدِّينُ أَحَدٌ إِلَّا غَلَبَهُ فَسَدُّوا وَقَارِبُوا ۴۶۹

آسان بگیرید و سختگیر نباشید، بشارت دهید و متنفر کننده نباشید ۴۷۲

نزد عمر رضی الله عنه بودیم، فرمود که: ما از تکلف منع شده ایم ۴۷۳

إِذَا أَكَلُ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْكُلْ بِمِثْلِهِ، وَإِذَا شَرِبَ فَلْيَشْرَبْ بِمِثْلِهِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ، وَيَشْرَبُ بِشِمَالِهِ. «اگر کسی از شما غذا خورد با دست راستش

بخورد، و اگر نوشید با دست راستش بنوشد، زیرا شیطان با دست چپش
 می خورد، و با دست چپش می نوشد ۴۷۴
 ای نوجوان، نام الله را [در آغاز غذا] بگو، و با دست راست بخور، و از آنچه
 نزدیکت هست بخور ۴۷۵
 الله متعال از بنده خشنود می شود که غذا بخورد وی را به خاطر آن ستایش
 کند، و یا اگر نوشیدنی بنوشد سپس او را بر آن ستایش کند ۴۷۶
 مَنْ أَكَلَ ثُومًا أَوْ بَصَلًا، فَلْيَعْتَزِلْنَا - أَوْ قَالَ: فَلْيَعْتَزِلْ - مَسْجِدَنَا، وَلْيَقْعُدْ فِي بَيْتِهِ
 ۴۷۹
 مَنْ أَكَلَ طَعَامًا فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي هَذَا وَرَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي
 وَلَا قُوَّةٍ، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». هرکس غذا بخورد سپس بگوید: همه ی
 حمد و ستایش، ویژه ی الله می باشد؛ ذاتی که بدون توان و نیروی خودم این
 غذا را به من عطا کرد، و آن را روزی من قرار داد، تمام گناهان گذشته ی وی
 بخشوده می شود ۴۸۱
 هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم عطسه می زد دست یا لباسش را
 روی دهانش می گذاشت، و با آن از صدایش می کاست ۴۸۲
 الله متعال دوست دارد که به رخصت هایش عمل شود همانطوری که دوست
 دارد به عزیمت هایش عمل شود ۴۸۳
 کسی را که الله متعال اراده خیر کند، او را به مصیبت ها مبتلا می سازد ۴۸۴
 مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ وَلَا هَمٍّ وَلَا حُزْنٍ وَلَا أَذًى وَلَا غَمٍّ حَتَّى
 الشَّوْكَةِ يُشَاكُهَا إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ». هیچ رنج، بیماری، نگرانی،
 ناراحتی، آزار و غم و اندوهی به مسلمان نمی رسد و حتی خاری در پایش فرو

نمی رود مگر اینکه الله متعال [مقداری] از گناهانش را به سبب آن می بخشد

۴۸۵.....

مَا يَزَالُ الْبَلَاءُ بِالْمُؤْمِنِ وَالْمُؤْمِنَةُ فِي نَفْسِهِ وَوَلَدِهِ وَمَالِهِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى وَمَا عَلَيْهِ خَطِيئَةٌ». «زن و مرد مؤمن همواره در جان و مال و فرزند خویش مورد

آزمایش قرار می گیرند تا اینکه الله متعال را در حالی ملاقات می کنند که هیچ

خطا و گناهی بر آنها نیست ۴۸۶.....

عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ، إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ، وَلَيْسَ ذَاكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ ۴۸۸.....

اگر بنده مریض شود و یا مسافرت کند، معادل کاری که در زمان اقامت و

سلامتی انجام می داد، برای او نوشته می شود ۴۸۹.....

بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ فِتْنًا كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ، ۴۹۰.....

برای کسی که الله متعال اراده خیر داشته باشد ۴۹۱.....

نَضَرَ اللَّهُ امْرَأً سَمِعَ مِنَّا شَيْئًا، فَبَلَّغَهُ كَمَا سَمِعَهُ، قَرَّبَ مُبَلِّغٌ أَوْعَى مِنْ سَامِعٍ».

«الله متعال اخلاق کسی را که چیزی از ما بشنود و آن را همان گونه که شنیده

- به دیگران - برساند، خوب و نیک بگرداند؛ چه بسا کسی که - حدیث - به

او می رسد، آن را بهتر از شنونده اش دریابد ۴۹۳.....

علم را جهت فخر فروشی بر علما نیاموزید، و نه برای این که همراه سفیهان

درگیر شوید ۴۹۴.....

بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد، و آن را به دیگران بیاموزاند. ۴۹۵

از رسول الله صلی الله علیه وسلم ده آیت درس می گرفتند، و ده آیت دیگر را

نمی گرفتند تا این که بدانند در این آیت ها چه چیز از علم و عمل وجود دارد

۴۹۶.....

هر کسی حرفی از کتاب الله را بخواند برای او یک پاداش دارد، و هر پاداش ده برابر آن می باشد..... ۴۹۷

به صاحب قرآن گفته می شود: بخوان و بالا برو، و چنان که در دنیا تلاوت می کردی تلاوت کن، که جایگاه تو در آخرین آیه ای است که می خوانی..... ۴۹۹

آیا کسی از شما دوست دارد هنگامی که نزد خانواده خود باز می گردد، سه شتر بزرگ و چاق را در آن بیابد؟..... ۵۰۰

از قرآن کریم با تلاوت آن محافظت کنید، سوگند به ذات که جان محمد در دست اوست، (در فراموش شدن) سریعتر از فرار کردن شتر است که با ریسمان بسته شده باشد..... ۵۰۱

خانه های خود را قبرستان نسازید چون شیطان از خانه ای فرار می کند که در آن سوره بقره خوانده می شود..... ۵۰۲

ای ابوالمنذر آیا می دانی کدام آیت از کتاب الله نزد تو بزرگتر است؟ گفت: گفتم: {اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ} (بقره: ۲۵۵). - الله آن ذاتی است که هیچ معبودی برحق غیر از او وجود ندارد (که) همیشه زنده و پایدار است (تدبیر تمام کائنات در دست اوست) - فرمود: ضربه ای به سینه ام زد و فرمود: «به الله سوگند ای ابو المنذر خوشا بحال تو با این علم که تو دارای..... ۵۰۳

هر کس دو آیه اخیر سوره بقره را در شب بخواند برای او کفایت من کند..... ۵۰۴

دعا عین عبادت است..... ۵۰۷

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در همه حالت هایش الله متعال را یاد می کرد

۵۰۸.....

هیچ چیز نزد الله متعال گرامی تر از دعا نیست ۵۰۹.....

فَإِذَا سَأَلْتُمُ اللَّهَ فَسَلُّوهُ الْفَرْدَوْسَ». «در بهشت صد درجه است و میان هر درجه همان است که میان آسمان و زمین است، و فردوس بالاترین درجه است و از آن جویبارهایی چهار گانه بهشت جاری می شود، و بالای آن عرش قرار دارد، پس هرگاه از الله می خواستید، فردوس را بخواهید می خواهید ۵۱۲.....

رسول الله صلی الله علیه و سلم این را زیاد میفرمودند: «يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ..... ۵۱۳.....

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي..... ۵۱۵.....

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ..... ۵۱۷.....

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ..... ۵۲۰.....

ایمان در دل یکی از شما بگونه فرسوده می شود همان طوری که جامه استفاده شده فرسوده می شود، بناء از الله بخواهید که ایمان را در دل هایتان تجدید کند

۵۲۲.....

طعم ایمان را کسی چشیده که الله را به پروردگاری، و اسلام را به دین، و

محمد را به پیامبری پذیرفته باشد ۵۲۳.....

بنده در هنگام سجده نزدیکتر از هر وقت دیگر به پروردگارش می باشد، پس-

درسجده - زیاد دعا کنید ۵۲۷.....

أَلَا أَنْتَبِهُكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ، وَأَزْكَاهَا عِنْدَ مَلِكِكُمْ، وَأَرْفَعَهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ ۝ ٥٢٩
 لَقَدْ سَأَلَتْ عَنْ عَظِيمٍ، وَإِنَّهُ لَيَسِيرٌ عَلَى مَنْ يَسَّرَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ ٥٣٢
 شب هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وسلم به رختخواب خود می رفتند،
 دستان خود را جمع می کردند، سپس در آنها دم کرده و {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ}،
 و {قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ}، و {قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ} ٥٣٧
 سید الاستغفار ٥٣٨
 اللَّهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا وَبِكَ أَمْسَيْنَا، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوتُ، وَإِلَيْكَ النُّشُورُ ۝ ٥٤١
 هر کس سه بار بگوید بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي
 السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، ، تا صبح ٥٤٣
 هنگام شام و صبح {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} و معوذتین را سه بار بگو، تو را از همه
 چیز کفایت می کند ٥٤٥
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخِطِكَ، وَبِمَعَاذِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ،
 لَا أَحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ». «یا الله، من از خشم و
 غضبت به خشنودی و رضایت و از کفر و مجازات به عفو و بخششت پناه
 می برم و از گرفت و مؤاخذه ات به تو پناه می آورم، مرا توان و یارای آن نیست
 که به بیان ثنا و توصیف شایسته و وصف و شکوه بایسته ات پردازم، تو چنان
 هستی که خودت را ستایش نموده ای ٥٤٦
 محبوب ترین کلمه ها نزد الله متعال چهار است: سبحان الله (پاک است الله را)،
 الحمد لله (ثنا و صفت الله را است)، لا اله الا الله (نیست معبودی بر حق جز
 الله)، و الله اکبر (الله بزرگ است)، فرقی نمی کند که از هر کدام آن شروع
 کرده اید ٥٤٩

کسی که ده بار: (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) بگوید..... ۵۵۰

دو کلمه وجود دارد که بر زبان آسان گفته می شود، و در ترازوی اعمال سنگین هستند، و در نزد الله رحمان محبوبیت دارد..... ۵۵۱

کسی که در روز صد مرتبه (سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ) بگوید، گناهانش پاک می شود، ولو که مانند کف دریا باشد..... ۵۵۲

پاکیزگی نصف ایمان است، و الحمدلله ترازو را پر می کند، و "سبحان الله" و "الحمدلله" ما بین آسمان و زمین را پر می کنند..... ۵۵۳

این که: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، بگوئیم برای من عزیزتر از آن چیزی است که خورشید بر آن طلوع می کند..... ۵۵۵

بهترین ذکر: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ است، و بهترین دعا: الْحَمْدُ لِلَّهِ است..... ۵۵۶

هر کسی در مکان بود و باش کرد، و بگوید: أعوذ بكلمات الله التَّامَّات من شرِّ ما خَلَقَ، "من به کلمات و سخنان کامل الله- از شر مخلوقاتش - پناه می برم" تا زمانی که آن جا را ترک نکرده هیچ چیزی به او زیانی نمی رساند..... ۵۵۷

هرگاه کسی از شما وارد مسجد شد بگوید: اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ (پروردگارا درهای رحمت خود را بر من بگشای) و چون خارج شد بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ (بارالها از فضل تو خواهانم)..... ۵۵۸

إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ، فَذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: لَا مَبِيتَ لَكُمْ، وَلَا عِشَاءَ..... ۵۶۰



احادیث نبوی مصدر دوم تشریع است، الله متعال فرمودند: {وَمَا يَنْطَلِقُ عَنِ الْهَوَىٰ (۳) و از روی هوای نفس سخن نمی گوید. إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ} [آنچه می گوید] نیست جز وحی [الهی] که به [او] وحی می شود. [النجم: 3-4].

این گزیده از دایرة المعارف احادیث مشتمل بر مجموعه احادیث جامعی است که مسلمان در مسائل دین و دنیای خود به آن نیاز دارد، با شرح مختصری از شرح معانی و دلالت های آنها، و برخی از فواید آن به شماری از زبان های جهان ترجمه گردیده تا محتوای آن عام شود، و این که سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم برای تمام بشریت و با زبان های خود ایشان ابلاغ گردد.



9 786038 524930

مركزية الاحاديث النبوية
HadeethEnc.com

